بسمه تعالی

مجموعه ادعیه و طلسمات معروف به مُحلات منسوب به شیخ بهائی قدس سره

بسم الله الرحمن الرحیم

شنجرف نیزاب در مغرفهٔ آهن بالای آتش جوش داده تا نیزاب تمام شود و هرچه از شنجرف جدا شده و بمغرفه چسبیده جمع کند و درون شنجرف گذارد

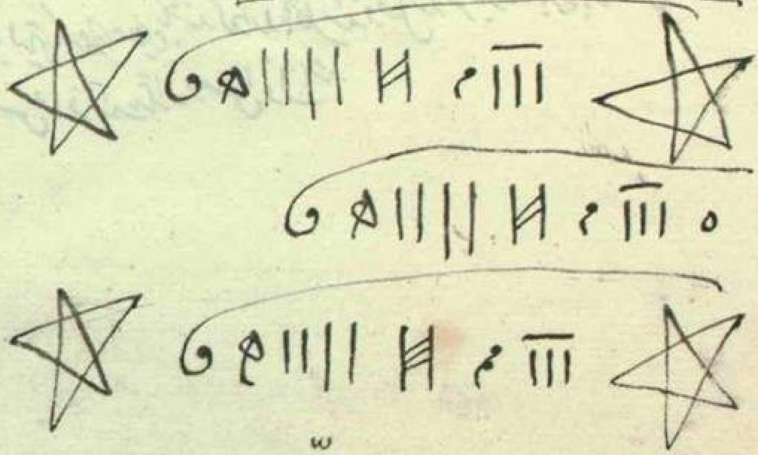
بازبل سوخته دهید ۱۵ ۱۰

بعد شنجرف توتیا بادام صلایه شنجرف را بان دمس داده یکشبانروز بعد براده مس باکیتار شته شنجرف و حبه بگیرد در پیالهٔ چینی فرش کرده ضخم کند از نمک

دمس شدید آن بازبل بعد شنجرف وزن کند بوزن آن روح و کدا زیبق سوده روح آب کند بر تانی ریزد ملغمه شود در کاسه چینی که کاسه زیری مطین باشد تر بتر در آتش زغال دمس دهد تصعید شود و اندکی گل نازک بر وسط کاسه بالائی گذارد که کاسه بالائی گرم نشود در یکمجمره پر از آتش زغال سوخته تصعید کند تخمین بقدر هفت ساعت در آتش گذارد بعد بیرون آورد کاسه بالائی را خوب پاک کرده اگر اندک زیبق تصعید شده در کاسه ثانی ریخته بعد آنچه در کاسه پائین است وزن کند تمام خواهد بود بعد آنها را در پیالهٔ چینی که هر دو مطین باشند گذارد با گل شده وصل کند تر بتر در مجمره پر از آتش زغال گذارد که کاسه زیر تنها میان آتش باشد و دمس ثانی شدیدتر از دمس اول باشد

و علامت تمام آن این است دمس از آتش شنجرف عقد شود و از تصعید نقل باز حبه بگیرد

بسم	الله	الرّحمن	الرّحیم
الرّحیم	الرّحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرّحیم	الرّحمن
الرّحمن	الرّحیم	بسم	الله



الله

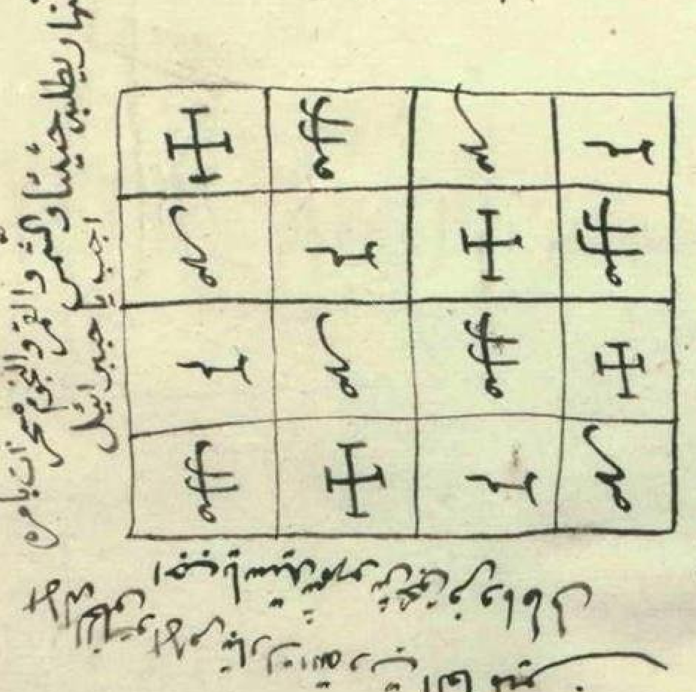
محمد فاطمه علی حسن حسین

ص ر ا ط ع ل ی ح ق ن م س ک ه

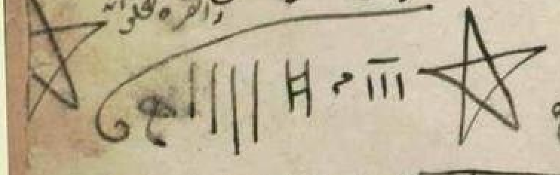
یکصد و ده مرتبه صلوات بفرستد و ۷۸۶ مرتبه بسم الله الرّحمن الرّحیم را بخواند بعد ۱۳۲ مرتبه صلوات بفرستد و وقت قرائت بسم الله نظر باین اشکال کند ۱۲

جهت دفع ضرر جنی باب بشوید و بروی مجنون بپاشد و بعد بخوراند

في ستة ايام ثم استوى على العرش يغشى الليل



در بیت کتاب دوستان خط
بنویس بیاد کار بکن از هذا مجرب
مجرب مجرب بجمیع کل مطالب
من الاخر و شر و نفع و الاثم و الظلام
خوف تدوم للامن و الامن بالحفظ الله
و القره لخلق



ط ط ط ط ط ط ط ط ط

٢٦	٢٩	٢٢	٢٠
٣١	٢١	٢٤	٣٠
٢٢		٢٧	٢٥
٢٨	٢٤	٢٣	٣٣

مربع اربعة اضلاع

٢٧	٣٠	٣٣	٢٠
٣٢	٢١	٢٦	٣١
٢٢	٣٥	٢٨	٢٥
٢٩	٢٤	٢٣	٣٤



الله

فاطمه علی

گل ارمنی ۳ — توتیای هندی ۱ (با حصص) — کات سرخ ۲ — کره گاو بعدد کعاب

برای قروح استعمال کنند

۲۴	۱۴	۱۶	۱۵	۲۳	۱۹	۱۸	۲۰	۲۱	۲۲	۱۷	۱۳
۱۲	۲۹	۹	۲۸	۲۶	۷	۲۵	۱۱	۲۷	۱۰	۸	۳۰
۳۱	۵	۳۴	۳۳	۲	۶	۱	۳۲	۴	۳	۳۵	۳۶
۱	۳۲	۴	۳	۳۵	۳۶	۳۱	۵	۳۴	۳۳	۲	۶
۲۵	۱۱	۲۷	۱۰	۸	۳۰	۱۲	۲۹	۹	۲۸	۲۶	۷
۱۸	۲۰	۲۱	۲۲	۱۷	۱۳	۲۴	۱۴	۱۶	۱۵	۲۳	۱۹

۱۸	۹	۲۵	۲۴	۲۰	۱۵	۲۲	۲۸	۱۲	۱۳	۱۷	۱۹
۲۱	۲	۳۳	۳۲	۷	۱۶	۱۴	۳۶	۳	۶	۲۹	۲۳
۲۶	۳۱	۸	۱	۳۴	۱۱	۱۰	۵	۳۰	۳۵	۴	۲۷
۱۰	۵	۳۰	۳۵	۴	۲۷	۲۶	۳۱	۸	۱	۳۴	۱۱
۱۴	۳۶	۳	۶	۲۹	۲۳	۲۱	۲	۳۳	۳۲	۷	۱۶
۲۲	۲۸	۱۲	۱۳	۱۷	۱۹	۱۸	۹	۲۵	۲۴	۲۰	۱۵

۲۴	۱۴	۱۶	۱۵	۲۳	۱۹	۳۶	۱	۱۸	۷	۳۰	۱۹
۱۲	۲۹	۹	۲۸	۲۶	۷	۲۴	۲۵	۸	۱۷	۵	۳۲
۳۱	۵	۳۴	۳۳	۲	۶	۲	۳۵	۲۰	۲۹	۱۵	۱۰
۱	۳۲	۴	۳	۳۵	۳۶	۲۶	۲۳	۳۴	۳	۹	۱۶
۲۵	۱۱	۲۷	۱۰	۸	۳۰	۱۲	۱۳	۴	۳۳	۲۱	۲۸
[illegible]	۲۰	۲۱	۲۲	۱۷	۱۳	۱۱	۱۴	۲۷	۲۲	۳۱	۶

۱	۳۵	۳۴	۳۳	۲	۶	۱۱	۱۴	۲۷	۲۲	۳۱	۶
۳۰	۸	۲۸	۹	۱۱	۲۵	۱۲	۱۳	۴	۳۳	۲۱	۲۸
۱۸	۲۳	۱۵	۱۶	۲۰	۱۹	۲۶	۲۳	۳۴	۳	۹	۱۶
۲۴	۱۴	۲۱	۲۲	۱۷	۱۳	۲	۳۵	۲۰	۲۹	۱۵	۱۰
۷	۲۶	۱۰	۲۷	۲۹	۱۲	۲۴	۲۵	۸	۱۷	۵	۳۲
۳۱	۵	۳	۴	۳۲	۳۶	۳۶	۱	۱۸	۷	۳۰	۱۹

۱۵	۲۰	۲۴	۲۵	۹	۱۸	۱۹	۱۷	۱۳	۱۲	۲۸	۲۲
۱۶	۷	۳۲	۳۳	۲	۲۱	۲۳	۲۹	۶	۳	۳۶	۱۴
۱۱	۳۴	۱	۸	۳۱	۲۶	۲۷	۴	۳۵	۳۰	۵	۱۰
۲۷	۴	۳۵	۳۰	۵	۱۰	۱۱	۳۴	۱	۸	۳۱	۲۶
۲۳	۲۹	۶	۳	۳۶	۱۴	۱۶	۷	۳۲	۳۳	۲	۲۱
۱۹	۱۷	۱۳	۱۲	۲۸	۲۲	۱۵	۲۰	۲۴	۲۵	۹	۱۸

۱۵	۹	۲۵	۲۴	۲۰	۱۸
۲۳	۱	۳۴	۳۱	۸	۱۴
۲۷	۳۲	۷	۲	۳۳	۱۰
۱۱	۶	۲۹	۳۶	۳	۲۶
۱۶	۳۵	۴	۵	۳۰	۲۱
۱۹	۲۸	۱۲	۱۳	۱۷	۲۲

۱۹	۲۸	۱۲	۱۳	۱۷	۲۲
۱۶	۳۵	۴	۵	۳۰	۲۱
۱۱	۶	۲۹	۳۶	۳	۲۶
۲۷	۳۲	۷	۲	۳۳	۱۰
۲۳	۱	۳۴	۳۱	۸	۱۴
۱۵	۹	۲۵	۲۴	۲۰	۱۸

۱۸	۲۰	۲۴	۲۵	۹	۱۵
۱۴	۸	۳۱	۳۴	۱	۲۳
۱۰	۳۳	۲	۷	۳۲	۲۷
۲۶	۳	۳۶	۲۹	۶	۱۱
۲۱	۳۰	۵	۴	۳۵	۱۶
۲۲	۱۷	۱۳	۱۲	۲۸	۱۹

۲۲	۱۷	۱۳	۱۲	۲۸	۱۹
۲۱	۳۰	۵	۴	۲۵	۱۶
۲۶	۳	۳۶	۲۹	۶	۱۱
۱۰	۳۳	۲	۷	۳۲	۲۷
۱۴	۸	۳۱	۳۴	۱	۲۳
۱۸	۲۰	۲۴	۲۵	۹	۱۵

ززززز و

۳۱	۳۵	۲۷	۲۸	۲۶	۳۶
۱۹	۲	۴	۲۱	۵	۲۴
۱۸	۱۴	۹	۱۰	۱۷	۷
۱۲	۱۱	۱۵	۱۶	۸	۱۳
۶	۲۰	۲۲	۳	۲۳	۱
۲۵	۲۹	۳۴	۳۳	۳۲	۳۰

ز ز ز ز ز

۲۵	۲۹	۳۴	۳۳	۳۲	۳۰
۶	۲۰	۲۲	۳	۲۳	۱
۱۲	۱۱	۱۵	۱۶	۸	۱۳
۱۸	۱۴	۹	۱۰	۱۷	۷
۱۹	۲	۴	۲۱	۵	۲۴
۳۱	۳۵	۲۷	۲۸	۲۶	۳۶

اصلا حروف عشرات ۸۳ ۸۵ ۲۰ ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

طوب ااحواه وادها ب ا ۱ ۵ ا ب ااادده اا واو اا وه واوه وا ۱ ۱ ۵ ۱ ۱ ۱ ۵ واح ا و ا ۵ ۱ ۱ ۵ ۱ ۱ ۵ ۱

ی اا ب اا ی و ۵ ا دا و اا دا و د ۵ ح ۵ ا و ۵ و اا

ل ل ل ل ل ل ل ی ل ی م ل س ن ل ن م ل م ف ی ل س م م ف ی ل م ن ل ی ی ف ع ع ن ل ن

ع ی ع ع ل م م ی ن ی ی م م ل ف م ل ی ی ن ی م ن ع ل م ل م س ع ل س ی ی ل س م ل ل

ق ت خ ذ ت ض ذ ش ذ خ ش ش د ت ض ظ ظ   ۸ ن   ۵ ف   ۷ ع

۱۵ ۱   ۱۴ ۱   ۴۰   ۳   ۴   ۱   ل ۲۵   ی ۱۷   م ۱۷   ص س   ۴۰۰   ۴۹۰

ا ق ج د ب ط   ۴۰۰   ۳۰۰

۴۰ ۷۵   ۹۶   ۲۴   ۱۲   ۸   ۹   ۲۶۴   ۷۵۰   ۱۷۰   ۶۸۰   ک $\frac{۱}{۲۰}$

ق ۳ ت ۳ خ ۲ ذ ۴ ر ۳ ض ۲ ش ۲ ظ ۲   ۳۳۲۰

۱۰۰ ۱۲۰۰ ۱۲۰۰ ۲۸۰۰ ۶۰۰ ۱۶۰۰ ۱۸۰۰ ۹۰۰

۱۰۲۰۰   ۱۸۸ حرف

ودر ۱۰ ۵ سنة ۴۰۰ ع ح ب ش   ۱۳۶۷۴

عدد   ۱۴۰۶۹   ع ۱۳۶۴۴

ر ۱۴۰۳۹   ۳۴۱۱ س

ع ۳۵۰۹   ۱۳۴۱۴

ک ۳   ۱۰۷۶

عا ۱۶۷۷ سه او ل

بخ ۱۴۲ ۷۶۴ ۶۴۳

۸ ۷۰ ۴۲ ۶۰۶۰۰۶۴۰۱۸

س ل ط ال زه راء

۳۶۴

الصا يا الشدا

سجرف علم رسو برکحا یادان دیدان و
ماز وبز بندروس اجزاء ابعه بالسوية حل سازند
بر یک مثقال صبح یک عصر یک ال ۳ اسبوع ایام

سجرف ربو ناکوه ابهول رارباه برکحا نوسی گرده
بادیان سرنا بالصبح النهار
نوس سبز کرده مازوبز حبت صنی بندروس
اقراص ساخته

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی سیدنا محمد واله وصحبه اجمعین اما بعد فهذا کتاب مسمّی بجفر
الصغیر للامام امیر المومنین علی بن ابی طالب کرم الله تعالی وجهه ومعرفة رموزه اول جزء وثانیه صفحة و
ثالثه سطر ورابعه بیت فالجزو یدل علی الاقلیم والصفحة یدل علی الاسم والسطر یدل علی الملة فافهم و
تدبر ان کنت به اعلم والله تعالی اعلم قول سبحان ذی الملک الاعز الاجلا القادر القاهر ولی النعما
المانع المانح ذی العطایا العالم الاسرار والخفایا مقسم الارزاق مبدع الدول ومرسل الهادی
الرسول المکمل محمد الهادی رسول الساعة وصاحب البراق والشفاعة هو الذی یخبرنا عن ربه

یا عماک
حموه سجرف علم بندروس
رارباه برکحا دیدان
ناکوه اجزاء سبعه را بادوایه
مرامق صبح المرایع اقراص سازند
برا رحار روس ...

الصا عماک مجربست
همان نسخه ... الا انکه ناکوه
تبدیل میکنند بکف دریا.

الصا
سجرف کات هندی نوشادر هندی کبیرا کلال ... تا ... اروکنند ... لکن ... زرد
در بعض بعد ... حالت مانند صرع ... و در بعض خون ... میکنند با حتیاط باید داد

بسم الله الرحمن الرحيم

المقطر الاول من الشعر هو الخل الردي وهو الابيض الحاد الحريف والزيبق الخبيث والمقطر الثاني اي ماء للنفس هو الماء الالهي والزيبق الرزق والاول يلقب الحمر والنار وماء الرشيد

المحمر المطبوخ فيه والثالث بعد التفصيل اذا كلس به الذهب وشمع به بلغ الاعانية ١٢

نفع نواسیر خاصه هرگاه ورکی را وجع بگیرد روزی سه بار بجمعاب بزرگ بغیه ناکوفته با همان مقدار نبات نافت کوبیده سازند

صاف کنند بخورد و اب بکمعاب سورکان نیم مثقال مرمکی دو کوه زعفران بکوبد با همان لعاب سفوف کنند

شب وقت خواب مثقال نیم سورکان زعفران نیم ال دو کوه سات بکوبد با یکسال عرقکان سفوف کنند ال

گاهی اکلیلک کوفته مثل جاش مسح کند با لعاب بخورد

سه یا چهار شود

مرهم برای قروح خبیثه

توتیا هندی مورد اسفیداج دم الاخوین کل درهم طبخ بالدهن مع الموم یک کاو مرهم سازد

مرهم جاذب مواد و مقوی جلد

اشق علک البطم مصطکی زرد زنگار زفت روغن

٢ ال ٤ ال ٥ ال ٣ ال ٥ ال ٥ ال ١٠

مرهم برای شقاق مقعد

مورد اسفیداج مع ... کتیرا نشاسته ... قلع ... موم ...

و اگر ... دم الاخوین اضافه نماید.

مرهم جرب و شقاق و ...

کل ... مازو ... تریاک شمع زرد روغن گل

١ ١ ٦ ... ٦

الصبر برای شقاق مقعد

...

مرهم برای جرب

... سوره قلم کره کاو

٢ ١٠ ٨

بسم الله الرحمن الرحيم

ان الله وملائكته يصلون على النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما لبيك يا رب و
سعديك وسبحانك اللهم صل على محمد وال محمد وبارك على محمد وال محمد وترحم على محمد وال محمد وتفضل
على محمد وال محمد وتكرم على محمد وسلم على محمد وال محمد كما صليت وباركت ورحمت وترحمت وتفضلت
وتكرمت وسلمت على ابراهيم وال ابراهيم في العالمين انك حميد مجيد وكما سلمت على نوح في العالمين
اللهم صل على محمد وال محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وال محمد كما شرفتنا به اللهم صل على محمد وال محمد وابعثه
مقاما محمودا يغبطه به الاولون والاخرون اللهم صل على محمد وال محمد كلما طلعت الشمس او غربت على
محمد واله السلام كلما طرفت عين او برقت على محمد واله السلام كلما طرفت عين او ذرفت على محمد واله
السلام كلما ذكر السلام على محمد واله السلام كلما سبح الله ملك او قدسه السلام على محمد واله في الاولين
السلام على محمد واله في الاخرين السلام على محمد واله في الدنيا والاخرة اللهم رب البلد الحرام ورب
الركن والمقام ورب الحل والحرام وبلغ محمدا عنا السلام اللهم اعط محمدا من البهاء والنضرة والسرور
والغبطة والكرامة والوسيلة الرفيعة والمنزل والمقام والشرف والرفعة والشفاعة عندك يوم القيمة
افضل ما تعطي احدا من خلقك واعط محمدا وال محمد فوق ما تعطي الخلائق من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها
غيرك اللهم صل على محمد وال محمد اطيب واطهر وازكى وانمى وافضل ما صليت على احد من الاولين
والاخرين وعلى احد من عبادك وخلقك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وال محمد بعدد ما خلق الله
اللهم صل على محمد وال محمد بعدد ما يخلق الله اللهم صل على محمد وال محمد الطاهرين عقد فرادصفا
نقطه في البوتقه وتحفظ من السقوط بالحاف وتشد دامن البوته شد محكم وتدفنه بنار و ستور ينبغي
تا قل وقت ينعقد مجرب فاذا كان في بوتقة حديد ويلبط بطين كان انسب صفة زعفران تاخذ برادة

جيبه بز روغن دنبه كرمك ...
٢٠ ٢٠ ٢٠
كوكرد ... نمك ...
٢٠
... داخل نماید ...
... ادویه ... آتش ...
... ساده ...
با فایده است در حمام ...
ان اسه مجربست

مرهم برای ...
داده است ...

حديد وتصلد فى ماء وملح الى ان يخرج وسخه ثم تغسله فى ماء صافى وليلبسه وتخلط عليه ربع البراد

نوشادر وتسحقه سحقا بليغا وتفرشه على قطعة من الخام وتجعله فى مكان ندى صفة تحمل الكبريت

ينفع وجع المفاصل وسواد البارد وهو محلل قوى تاخذ كبريت صافى يدق ناعما ويجعل فى قدح

مطين وتحطه فوق نار ملايم وتسقيه حليب ثلث مرات بعد ذلك تخرجه من القدح وتجعل فى اناله

بلبليه وتوقد تحت النار والدهن يصعد من حين غليل البلبلة الدهن بسيل شكل القرعة العمل ماء

الكبريت وهو يسمى ماء العروس يفرح الاعضاء وضيق شديد النفوض فى العروق وفتح

وملطف ويدفع الرطوب جميع البدن تاخذ قنديل فيه منسع نصبوده مبحه عن دون المذكور ونفقه

سفوبين وتحط تحت البلبلة اناء ينزل فيه الماء ويكون كيف راس القنديل بطين الحكمة بسم الله

الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وصحبه الاكرمين وبعد هذه

زايرجة وجيزة منتخبة عزيزة من الزايرجة الكبرى بان تجعل مدارها باسهله الماخذ على الطالب

حاويه لمهمات المطالب اثبت ابياتها منظومة وجمعة من كل بيت دقوقة لا يحتاج الراغب فيها

الى تعدد الحروف واظهار بيت بعد المعروف مرغبة فى الثواب من الكريم الوهاب وطريق استخراج

المطالب منها ان ينظر الطالب الى جدول السؤالات التى اثبتناه فيخرج منه ما يريد السؤال عنه

ثم يعرف طالع وقت السؤال فيجمل السؤال بحساب الجمل الكبير ويطرحه ١٢ او كذلك الطالع وينبر

يجمله ويطرحه كما ذكر وما فضل بعد الطرح من جملة السؤال والطالع ودبره يطرحه ٩ فى ٩ وما بقى دون

التسعة او ٩ قصدت به حروف السؤال المرقوم عليه فاذا اتيت صفحة ذلك الحروف عددت السطور بمقدار

ما بقى معك من العدد التسعة او دونها فالجواب فى البيت الذى ينتهى اليه العدد وهو الجواب الشافى و

الجواب الكافى الذى لا يختل ابدا والعمدة فى ذلك على تحرير طالع المسئلة وقد صنعنا البروج وارباتها

محددة ولكن وفاصل اعداد المرقوم تحتها عدد اخذ منه فاصل العدد نصيب ان شاء الله تعالى وهو حمل

مريخ ثور زهره جوزا عطارد سرطان قمر اسد شمس سنبله عطارد ميزان زهره عقرب مريخ

قوس مشترى حدى زحل دلو زحل حوت مشترى واذا اصعب لك مثلا لنتخذ واحد او

تعرف به كيف تخطى به هذه الحسوبه وتصف الى هذه الوجوه ونفرض لك ان شخصا سئل هل هذا لا

يكون طالعا ام لا وفقد ان الاسم الانسان المسئول عنه زيد فنقول زيد يكون طالعا ام لا نحسب هذا

السؤال ويكون جملته ٣٠٢ ونقدر طالع الحمل ودبره المريخ فنطرح جملة السؤال ١٢١٠٣ وبقى ١٢ او فى

فضل عدد الحمل والمريخ ٣ بجمع الفضليتين يكونان ٤ اطرحنا ٩ فى ٩ يبقى لنا ٤ مشينا ها الى حروف

مرهم دم الاخوین مورد که سوده انک مقدار قلع شنوف انزروت سفید علا الود ومیجن لود

کندر وکلنار هم وحل کنند موم زرد روغن گل بقدر ملایق الضا مجرب است دوسا هندی

کلنار فارسی طباشیر هندی سفیداب قلع دوده سوخته صبر زرد کافور قیصوری دم الاخوین موم سفید روغن گل

نیم ل ۸ کرد ۴ ل نکدانه ۱۸ کرد ۲ کرد نیم ل ۳ ل ۱۴ ل

سواء لنا وهو الالف وحلها تحت الالف وسطور عددنا منها اعلى نقى معنا نقيف بناء العدد

على البيت السابع او اخره الذى اوله وان كان الجواب هذا البيت و لا فيه نصح ولا طاعة وفى قلبه غش

اثم وافعلا فانظر الى هذا الجواب يطابق المسئول وهو حق لا ريب فيه وعلى ذلك فقس العمل بدرك العمل

واياك من الغلط فى تحرير المطالب فان كانت لك معرفة بتجربة والا فاستعن بعارف فهيد بك البه

فقد نرى كثيرا يتعاطون الزايرجة من غير معرفة تحرير الطالع فلا يجد يصيبون الغرض ثم يقولون

ان الزايرجة تخطى والتصيب والخطا انما هو من جهتهم لا غير وهذا جدول المسئولات على حروف ابجد

وبالله التوفيق الف هذا الانسان يكون طايعا ناصحا ام لا ب هذا الرجل الذى اذ نبا تهم بام لا ج

هذا الرجل الذى يرجوه يتم ام لا د هل يصيب من هذا العدو ام تنسك والخوف ام لا ه هل يظفر ملك

المراة ويحصل له ما فى نفسه بما يطلب منها ام لا و هذا المولود يكون ذكر سعادة وغنى ام يعيش معه ام لا ز هل

يحصل له فى نفسه بما يروم زمانه ام لا ح اذا وضع هذا المال عند فلان يحفظه ويرده ام لا ط الملك

والسلطان والبقا ثابت على صاحبه فلان ام لا ى الامر الذى يطلبه فلان يصعب عليه ام يكون سهلا

ام لا ك الارض والمكان المسئول عنه هل فيه كنز ومال مدفون ام لا ل يبرء المريض من المرض الذى به

ام لا م هل يصيب مالا عاجلا ام بطيء ام عسير ام يسير ام لا ن هل يخلص المسجون من سجنه ام يطول حبسه ام لا س

هل يكون السفر مباركا كاسبا غانما ويحصل فيه خير ام شر ام لا ع الخير والعافية بما يطلبه فلان جنيه

حميه ام لا ف هل ينال فلان ما فى نفسه من الشرف والرفعة والعلو ام لا ص هذا الانسان العلانى

محب صادق لا خلا اصلا ام لا ق الحاجة التى يسال عنها السلطان والاخوان وغيرهم ام لا ر هل يصيب

من هذا الانسان او الامير والقاضى او الرجل منفعة ام لا ش هل يكون بينى وبين هذا الرجل شركة

ونتفع ام لا ت هذا الرسول كيف ينفذ الامر الذى توجه فيه نجح وتقضى حوائجه ام لا ث انا انتهت الى البلد

والارض توافقنى واصيب منها خيرا ام لا خ هذا الكلام والخبر الذى ظهر هل هو حق ام باطل وخبر ام لا ذ

هل يرجع الى فلان اسرق منى من المال وغيره او ضاع ام لا ض هل يعرض عارض من سوء ومكروه

ام لا ظ هل يظفر فلان بالعدو ويقهره وينتصر عليه ام لا غ هذا الغايب يرجع من السفر سالما غانما مقبلا

الف وذا الشخص ما هذا محب وناصح شفوق فلا تسمع كلاما مقولا ولم يرض ذا الانسان الا بعلة وفى النصح والطاعات يلقى

يطيعك ذا الانسان وهو ناصح امور يتبعها ويفعلا ونتفق ذا الانسان فيك بفعله وينصح فيما نحى وتوملا

وصاحبها مكون من ذكرت وانه كذا وكذا تاوات لم يفعلا وفى بعض اوقات يغيبك ذا الذى ذكرت وينصح فيما تؤملا

لا فيه نصح لا ولا فيه طاعة وفى قلبه غش اثم وافعلا موذى ذا الانسان بالنصح طايعا شفوق حنون يتبع وتؤملا

این کلمات دران بنویسید و در دل کوسفند که ان دل را از ان بدبیه باشد بنهد و سوزنی دران فرو برد بطوری که سوزن در این شکلها فرو رفته باشد و در جای تاریک دفن کند کور شود و اگر بران عذر مستحق کند خوف رجعت باشد نیز بعامل اثر کند العیاذ بالله تجربه کردم

نه

لمیع
یا منتجی قرا

٤

يطيعك هذا الشخص والنصح قصده ولكنه يلقي اليك تعللا … ولم يك هذا الشخص مذنبا انما روى عنه ما قد قيل زورا وباطلا

حرف الباء

وذا الرجل المتهوم قد فعل الذي روى عنه فاستفهم وكن متأملا … ولم يذنب فينا للذي قيل ذا الذي ذكرت مفهوم وهو سيطلا

بريا تري ذا الشخص بما ذكرته وما قد روى عنه فليس تعقلا … لقد كذبوا في النقل عمن ذكرته وليس له ذنب لما قد تقولا

وهذا الذي قد اتهموه بذنب وما هو منسوب اليه فحملا … وذا رجل لم يبنه الذنب فارتجع ولا تستمع فيه كلاما تقولا

حرف الجيم

نقيض الذي قد قيل عنه فذنب عنه وهو لم يبرح يريدوا يفعلا … لقد افتري واسني بما روي ولهاء يفعل ما عليه تقولا

وجاء الذي ترجوه مما ذكرته وذلك رزق واسع متحصلا … ويبطي الذي ترجوه لكن تناله فصبرا على ما ترتجيه وتسئلا

نصيب الذي ترجوه مما تخيته ولهواه يا هذا املا تمملا … ويحصل ما ترجوه بعد تعارض قليل وتلقى كلما شئت املا

يكن منه شيء ذا الذي انت ترتجي وليس تتم الامر بالعنف فاعقلا … وذا الامر ما ترتجي لا تصيبه فلا تطمعن فيه فليس مقبلا

ستفرح عما ترتجي وتصيبه وليس عكن فيما زعم فلقلا … وهذا الذي ترجوه به فانم خير ترتجي ولو تمهلا

حرف الدال

تنال الذي ترجوه لكن معرض سيعرض ثم يرتجي عاجلا … عدوك لا تخشاه ما ثم افة تصيبك منه لا ولا خوف يحصلا

وهذا عدو لم تنال مضرة ولا افة منه يصيبك فاعقلا … عدو لك يختال فليس يقادر عليك فلا تخشاه ثم توكلا

ولا خوف تلقى من عدوك مرة ولا انت ممتضا بالشر وسئلا … تحذر من الاعداء فقصدهم الاذى ويحصل منهم خوف بعض وليحلا

ولن تلق من هذا فغد ومخافة ولا شك مما يقول ويفعلا … شديد معادات عدو لك هو لن يضرك يا هذا بما هو يفعلا

حرف الهاء

عدوك لا تخشى عواتل مكره فارام لا كيف بالمكر يفعلا … ولا تخشى من هذا العدو فانه عدو صديق عن قريب وعاجلا

وتظفر يا هذا بمن قد ذكرتها وتقضي ما في النفس وتحصلا … وتظفر يا هذا بامرها معا فذ فما ترتجي وتسئلا

تنال وتظفر بالذي طالب من المرأة المسئول عنها وتحصلا … وتحظى بما في النفس هذا الذي ذكرته وتقضي حاجة انت تاملا

ستظفر منها بالذي تبتغي عطاه على نعت مما تقول وتفعلا … اذا المرأة المسئول تحصلت ستظفر يا هذا بها وتحصلا

ستقضي اغراضا من المرأة التي يريد تحظى المراد وتحصلا … وتظفر بالمرأة التي قد ذكرتها ان لم تكن بعد عسيرة عليك وتسهلا

حرف الواو

وامرأة في النفس منها تشكلا فستظفر يا هيا ثم تفعلا … ومولودك المسئول عنه فانه يعيش سعيد الواي ذا العز والعلا

يكن حال ذا المولود فيه توسط من السعد لا التعسير لا يتكملا … معيشة ذا المولود حسنا ماله يكون كثيرا في الشتات وتحملا

يطيب حال ذا المولود والسعد خادم له وكذا السلطان والغنى مقبلا … وما كثير يحمل الولد الذي سئلت على حال السئوال ويرحلا

سئلت عن المولود ذا ان كان سعده مقيم وفي عيش مجملا … وفي النفس شيئا ترتجيها مقصرا وبالجد يا هذا تنال وتوصلا

حرف الزاء

سيرزق ذا المولود رزق ونعمة وملكا رفيعا بالعز والعلا … وسيعلو المولود ايضا وجامع المال كثير ثم يذهب حاصلا

سوزاک کل ارمنی مورد سنگ سعد اب ملح توبا هندی اجزاء اربعه را مانند غبار صلایه کند بلیغا نا عما

۴ ل ۲ ۲ ۱ ۵

توت بلیله زرد لوبت کابلی توت بلیله املج منقی اجزاء اربعه را نیکو کوفته کرده بیخته در میان اب گرم صبح بالا

و بعد علوفه صاف کند و از ۳ قسمت کند و هر قسمت را نیکو از دوا فوق که مانند غبار سحق شده با ارد رنجه زراقه کنند در

احلیل بکشند صبح و یکی ظهر و یکی شب وقت خواب و غبار را روز بروز کمتر کند تا ۲۰ روز ان کو ابه یک را رفع مگر نکو و بعد از زراقه

فی الفور حشفه را تا دو دارو که ابش در ... بماند و بدان لحظه نریزد و چند روز از ترش و یا ال پرهیز و خرما پرهیز کند

یکن حالبه بالصبر والولد الذی یدوم لسعد والتقی تجملا ولاطف بذکر انته نفسک دائماً فنیدیک اعزاثم تونی الی العلا

ستناتیک من مولاک بالاذ اعنایة بجوهر نفساً اظلمت وتسو نروم علوا النفس خالف لقصدها ودع واضطرب ما بین تروم و تجملا

ترنیک افواجاً بنفسک فی ستمو وناد با نام الله یحیی وینقلا ونفسک یا هذا اذا شئت انها زاد فنذهبها وکن متمثلا

وقوا بهذ النفس غراً ودفعة وتملاسر وراً ازابداً وتجملا تسر کوا هذی النفس وهی شریفة وتزاد فوزاً ثم توتی الی العلا

حرف الطاء الحاء

اذا انت لم تنهی لنفسک ولم تکن زیادتها الا اما تجملا اذا وضع المال الذی لک عند من ذکرت سیحفظ ثم یرجع مقبلا

ولا تضع المال الذی لک عند نا اذا فیذهب هذا عکره ونقلا صنع المال من شئت مضموناً انه سیرجع حقاً لیس من نقوکا

وان لوم المال الذی انت ذاکر لیخشی ان یعود وتجملا وذ المال اودع عند من شئت انه یرد بلا خلف ولکن مثلها

وان شئت اودع ما تریدی ولج ولا بابنی مهل علیک مؤملا ویرجع هذا المال ودعه من تشا فانما ثم خوف فاستعن وتوکلا

وتخشی علی ذا المال فی وضعه لدی احدان تتخیف وتغفلا فلا تخشینی من وضع مال فکونه سیرجع ما هذا سلیماً مکملا

حرف الطاء

وذ الملک والسلطان ثبت بانما علیک وترقی بالتقی من تعلا وتثبت هذا الملک والعز والبقا وتعلو لذی العزیز والبلا

لصنا السلطان والملک ثابت ویبقی باتاً وهو لا یتحولا وسلطان هذا ثابت امتنع عزه علیه العز منه مع العلا

ولیس تری السلطان والملک ثابتاً وما ثم نقصان بها ویبدلا فلم تلیهذا الملک باقی وانما تری عن قریب الملک یتحولا

له الملک والسلطان ثم بقاؤه علیه طویلاً وهو بالسعد مشتملا ثبات له فی الملک وهو مسلط من الله وفی سلطان وسهلا

بطول بقی السلطان والملک نالت وهذا بامر الله وهو مؤملا ویسهل امر ان تطلب هینی وحالک الذی تهوی وتطلب عاجلا

حرف الباء

تهون علیک الصعب من ذکره وان تصطبر عنه فذاک احملا فلا تحملن الهم صعبک هین وتنظر بعد العسر یسراً مستهلا

وامرک یا هذا الهوی طریقه ولا فیه من معین ویکملا سیصعب هذا فی سوی اللطف فاستمع ولا طفه یحصل کما انت امّلا

هو السهل لا صعب علیه وانما تری کل امر من هو ملک یسهلا علیک یهون الامر یا ذا وانما سیسهل شیء لیس فیه تقللا

اذا انت نامت الهون دائماً فلا بک صعباً واستعن وتوکلا سیسهل هذا الامر تمام ثم وتهواه یا هذا فلا تتعللا

حروف الکاف

ولیس تنال الارض کنز ولم یکن بموضع مال تعنیه ما لنو مؤملا ولم یکن کنز بالذی قد ذکرته ولا مال مدفون فدع ما تفوه کلا

وما ثم مال ولا کنز فاد یجع عن الزور والبهتان فهو مخملا فلیس تری کنزاً بارض ذکرتها ولا مال فیه قد اشرت فاهملا

ولا تق

ان آیه زین للناس حب الشهوات را تا آخر آیه چهار مرتبه بر نبات خوانده در گلاب ... و پاشیده در آتش ... پاشیده آتش قوی باشد که اب را بخورد

ولا نلق كنزا موضعا قد ذكرته ولكن قريب منه شي مشكلا   ترى موضعا تفنى بارض ذكرتها بها كنز مال صعبه ليس يسهلا

فوالله ما في الارض كنز ولم يكن لمال حقيق والكلام فما طلا   اشرت بكنز في المكان فانه صعب الجاحد عن دلك اهملا

حرف اللام

وما في مكان في تعتبه وموضع ذكرته مال وكنز سوى الخلا   ومن دايه هذا يكون تلافه وان صح فيما تعلم عادفا قبلا

سوالك عن هذا المريض فانه سيبرا عما منه ويخلص عاجلا   ويبراء مريضا قد سالت مضاله من الالم الموجوع منه فيفضلا

وبعد قليل سوف يبرى من الذى به تشتكى هذا الضعيف ويو ملا   سال الله يا هذا بعافيه انه حكيم ويبرى كل داء تفضلا

مريضك يا هذا يعاف وبعد ذا سيقوى به داء عظيم ونقلا   يعافيه ذات العرش من الم به ويبراه يا هذا قريبا وعاجلا

الى صحه ترضى يعود مريضكم ويبرى باذن الله وهو المؤملا   عجيب بكى ان قام من مرضه اذا لم ينادى باللطيف ويسئلا

حرف الميم

نصيب المال عاجلا في مسرة ويأتيك رزقا واسعا منه مملا   نصيب لمال بالقليل ويكن مغنيا للنفس ان كنت تعقلا

وتلقى لمال بتجبير غير انه خوف فلا تجزع وكن متوكلا   تنال مال بالبشارة واذا وتحمد فيه الله يا ذا وتكملا

وتحصل خير عن قريب تناله يكن فرجا والمال ياتى سهلا   قليلا ترى مالا قليلا وانما تودده فيما ترجى تعجلا

بغير تنال المال عما ترومه ويأتي على زعم الحسود معجلا   نصب فلا تعجل فوزك واصل وما ترد من المال تاتي مجملا

حرف النون

سال الله من مال تروم فانه سيعطيك ان نادبت يا مستفضلا   وهلت هذا بعد تطويل سجنه فخلص يا هذا من الخو البلا

تطول اقامته من قد ذكرت بسجنه وما شاء ذات العرش فيه فيفعلا   سريعا ترى المسجون يخلص يا فتا وهذا بامر الله وهو المؤملا

ويرجع ذات المسجون عاجلا باذن مليك دائم العز والعلا   اقامته في السجن وهي طويلة ويلبث فيها حد منها تاملا

نعم لهذا السجن منه قد ذكرتها وهذا بذنب فيه وعولا   ويخرج من ذا السجن هذا ولم يرح ولعرج يا هذا بمنزله العلا

تريه سريعا خارجا من ذكرته ومنشرا اماله قد تحصلا   ويخرج من سجن به ذات قلبه ويفعل فيه الله او شيا ولا

حرف السين

تسافر يا هذا وتحصل فوايد وتخرج فيما تبتغيه وتساءلا   يكون صلاح منك في السفر الذى يكون خيرا اذا كنت تعقلا

وغير هذا الوقت انت مسافر ومن بعد عسر تلق يسرا مجملا   يكون الذى تهواه في السفر الذى طلبت وفيه بعض ما نيل ملا

تسافر يا هذا وسالما واحرى تسافر بعده وتحق لا   تسافر وتلقى الخير والرزق يا فتا وتحظى بما تهواه مما تؤملا

يكون لك الخير الكبير بسفره وما منه في ذاك لا بد عقلا   توكل على الله عظيم فانه سيكفيك ما تهوى به ولا يتمهلا

حرف العين

تنال بتوفيق الاله فانه سيحصل ما ترجوه مما تؤملا ... الا من الذى انت طالب الى الخير فستكفى بمولاك واسئلا

وخيرا ترى فيما تروم وتشتهى ويحصل فى العقبا المانيا ملا ... ترى العز والعتق وخيرا اتنا اليه ومحمد زفا قد اناك مقبلا

والحجز تلقى فى الذى انت طالب ويأتيك رزقا واسعا وتحصلا ... ترى الرزق والخيرات والامن والرضا بعقباك لا تحزن ولا تميلا

سالت عن العقبا وما انت طالب فعقباك فيه الخير مما تؤملا ... وعقبى الذى تطلبه خير ورفعة وخيرته بالحمد والشكر تقبلا

عواقب ما ترجوه فهى حميدة ويعطيك مولاك الذى تسئلا ... تنال سرورا او نعيما تحسنه وعقباك خير فى الذى انت مشغلا

حرف الفاء

تنال علوا يا فتى ثم رفعة وتعلوا على الاقران فى المرتقى العلا ... وبالعز والتشريف ترجع ما جنا وجودك يا هذا يتم على الملا

لك الشرف العالى وسوف تنال ما تروم وتهوى من علو بمنزلا ... وتعرج يا هذا لمنزلة لها علو وتشريف ودنياك تقبلا

علوك يا هذا يكون بعدة زمانا ومن عاداك بالشر ابتلا ... يعزك مولاك الكريم بوقعة عليك المنى ياوى وتشريف منزلا

فلا برح الاشطان دمت رفعة ونادير بابك العزائم المؤملا ... ويعطيك ما فى النفس من كل رفعة كريما اذا نادينه كان مقبلا

تنال علوا ثم فخرا ورفعة وكل الذى ترجوه بالفوز عاجلا ... صديق حبيب فى الذى قد ذكرته ولم يلتجا هذا عدوا ومفلا

محب ودود ناصح مشفق يكن عليك الذى يذكره فاصبر واملا ... وفى قلبه منك العداوة نيل يكن يظاهر بالود الذى فذ ناصحا

مودة كتوم بالذى فى ضميره فلا تخشى من امر عليك يوملا ... محب صديق ناصح ليس عنده من البغض شيئان ذلك بالملا

وذلك صديق من ذكره وانه سيرجع عما نواه واملا ... وليس محبا لا ولا مبغضا وقد يحيطه خيبة ظالما مسكلا

صديق مودة ليس فيه خيانة وما ثم اخير فيما تؤملا ... وهذا عدو يريك صداقة ليأخذ بالتوجيه منك منزلا

حرف ~~الصاد~~ القاف

وتقضى لك المذكور ما انت طالب من الحاجة المسئول عنها وتقبلا ... وحاجتك المسئول عنها ستقتضى على ما تحب النفس صفا وتحصلا

سيقبل ما اضمرت عنه وبعدا تعوق فى تحصيله وتمهلا ... وما طلبته النفس من حاجة لها ستقضى قريبا ان صبرت وتستهلا

وتقضى الذى تطلبه لكن ببطا وبعسر ثم من بعد يسهلا ... سيقبل يا هذا الذى قد طلبته ولكنه لا ينفذ بل يتعللا

وحاجتك المسئول عنها تقبله ولا تقتضى مما تروم وتفعلا ... وتقضى الذى ضمرت مما طلبته وينجح ما ترجو من الفوز عاجلا

وما تبقى من حاجتك تقضى ويأتيك يا هذا سريعا وعاجلا ... ومنفعة يأتيك منه ولم يكن نصيبك فيها وافرى متحصلا

مضرة هذا لم تصيبك وانه سينفع نفعا فى الذى يتاملا ... وخيرا ترى منه ومنفعة يكن نصيبك فيها وافرى متحصلا

منحصل يا هذا منافع جهة تراها من المسئول عنه وتحملا ... قريبا ترى مما ذكرت منافعا وما ثم ضر تختشيه ولا ولا

تصيب منه خيرا تام فرحه فلا تخاف الهم ثم توكلا ... ولا نفع فى هذا ولا ضر واصل الدليل وعند الله يغنيك فاسئلا

ولا نفع مما قد ذكره ونصره واياك بعض الضر ممن تقلقلا ... تصيب كل خير يا فتى ومنافع وما ثم خير تلقى منه محصلا

حرف الشين

حرف الشين

وشركة هذا الشخص فيها مضرة تماماً ولا يأتيك منها شيء اصلا صلاحاً يكن في شركة قد عينتها ومنفعة يأتيك
منها وتحملا تكن شركة مبروكة ومنافع تنال لها ام اشتهيتها اصلا صلاح وخير في المشاركة التي تروم
وتهوى والمانع يحصلا وشركة هذا انت تكن لمنافع ويحصل فيه الرزق والخير والعلا يكون شريكاً
نافع من ذكرته وشركته تأتي بخير وتقبلا تشارك بهذا وتلقى منافعاً وخيراً لما ترجوا فكن متمثلا
تشاركه فيها الصلاح فثق بها وارض بما يأتي وكن متوكلا

حرف التاء

رسول بهذا سينجح بامره بما قد وجهته متأملا وينفذ هذا الامر فيما توجه الرسول ويأتي بالذي تحملا
يكن في غنى هذا الرسول وينفذ الذي قد وجهته متمهلا رسولك ينفذ بعض ما هو ذاهب ويأتي احيانا
اليك واقولا وينجح بهذا الرسول بامره ويأتي بما قد راح فيه مكملا رسولك من بعد البطا فامره سينجح
لا يعجل وكن متأملا وفي بعض امر ذا الرسول فناجح لما فيه قد وجهته ومعجلا ويبطي اياما رسولك
يأتيك ويأتيك من بعد البطا متمهلا سينجح بهذا الرسول بامره ويأتي بما قد راح فيه مكملا رسولك من بعد
البطا فامره سينجح لا تعجل وكن متأملا وفي بعض امر ذا الرسول فناجح لما فيه قد وجهته معجلا ويبطي
اياما رسولك يأتيك ويأتيك من بعد البطا متمهلا سينجح رسولك من بعد البطا فامره سينجح لا تعجل وكن
متأملا

حرف الثاء

لو ذا بلدة ينفعك وهو موافق لكل الذي تختار فيه وتفعلا وتصلح هذا الامر والبلد
الذي ذكرت لما ان تجيبه وتعملا سيحسن عيش انت فيه ببلدة ذكرت وفيها كل خير سيحصلا
وذا البلد المذكور ان كنت راجعاً عن المقصد فيه فهو خير واسهلا واياك ان تثبت بذا البلد الذي
ذكرت ودعه ثم سر وتوكلا توافقك الارض الذي قد عينتها وتلقى لها الخيرات والرزق و
العلا تصيب كل خير ثم تلقى منافعاً ببلدة ما تلقى وارض تبدلا وذا بلدة فيه المضرة لم يكن بنافع
والخوف الشديد سيحصلا سيحصل بذا البلد ارزاق ملتمة وتحصيل فيها كل خير تؤملا

حرف ~~التاء~~ الخاء

وذا حبر حق صحيح وصالح وما فيه هذا ترى قط باطلاً وحق ترى هذا الذي قد سمعته وما قربته
فيها الصلاح تؤملا وهذا كلام فيه جرح لانه من الخير والشر الذي تتقولا وباطل هذا القول
ممن سمعته فلا تلتفت يوماً او باطلا كلام صحيح وهو خير فانه تعويسه تقع على من سفيلا وليس شيء ما

ث

سمعته كلامه وذا خبر لا فيه خير يؤملا ولا خير في هذاك مما ذكرته فذا خبر بالبشر قد يتقولا
وذا خبر منه يكن شيء ومنقلب ولا خير فيه فاستعن وتوكلا وسوف ترى اخبار ما قد ذكرته وذلك
بالقول الخفي سينقلا

حرف الذال

وما كان مسرقا وما راح راجع اليك فلا تعجل وكن متأملا وهذا الذي قد راح يذهب بعضه
ويلقى لبعض وهو لن يتكملا سيرجع ذات المسروق مما ذكرته اليك فثق بالله ثم توكلا وبعد جهد
تلقى ما هو ذاهب ويرجع مسروقا اليك ويحصلا وما راح لا يرجع اليك فدعه لا تشتغل يا هذا
السر واهملا وبعد زمان راجع ما ترومه من المذهب المذكور لا تململا سيوجد ما قد راح مما
سلته فلا تعجلن واصبر لحاجاتك املا ويلقى الذي تعنق من الذهب الذي ذكرت فيما قد راح فحصلا
ويرجع ما قد راح بعد باس بعون مليك دايم العز والعلا

حرف الضاء

وعارض سوء ليس يحدث فاستعن بخالقك الرحمن ثم توكلا ولا تخش من سوء وعارض مكره
وكن واثقا بالله وهو المؤملا وكن حذرا من عارض السوء واستعن عليه بذكر الله فهو المؤملا
واياك اياك العوارض لا تثق بابداع شر عنه سوء فينقلا وما ثم مكروه تراه وعارض بسوء
عليه السوء تنقلب واولا عوارض سوء ليس ياتي مصيبة ولن تشوش الخواطر يحصلا ولا يحدث
المكروه مما تخافه ولا عارض بالسوء يقضى ويحصلا وما ثم الا خير ما ثم عارض وما حادث الا
وينكس حاجلا وما عارض بالسوء يبقى له البقاء ويحدث مكروه ولكن تحولا

حرف الظاء

عدوك مقهور وضدك خاسر وتظفر يا هذا عيانا مؤملا وتقهر يا هذا عدوك صرعا وينصرك
القهار فيما تقول لا عدوك يا هذا فصعب مرامه عليه استعن الله ثم توكلا وتظفر بالاعداء وتنصر
يا فتى عليهم بامر الله ما شئت تفعلا وينصرك الله المهيمن دائما عليك لمن ناواك بالقهر يقبلا
عدوك لا تخشاه يوما فامره تلاشى الى قبض فقهر وحيلا وبالنصر من رب السماء انت قاهر
عدوك لا تخزن وكن متأملا عدوك لن تظفر به وهو قاصد تضرك حتى تستقله وتقبلا

وغايبك المذكور يرجع عاجلا بخير فدع ذا الهم عنك وبطلا سيرجع هذا الآن لغايب لان سالما فانما
ان شاء الاله وافضلا سريعا سيأتي غايب في مسرة بخير ولا تحزن فلا تتململا تعد يا هذا رجوع الغا
فرا باسم الله يا رب واسئلا وذا الغايب الآتي سريعا قدومه بعاقبة في خيرها تأتي وامّلا ويرجع من بعد
الاقامة غايب بطول غياب ثم تسهلا سيرجع في اوطانه فهو سالم وغانم وهذا الغايب المتقلقلا
حريص على ان ياتي بالقرب غايب ذكرته بالرجحان نفرج عاجلا وبالقرب ياتي غايب قد ذكرته

غ

وبانيك اليك الشهر وهو محمد انت تقلم ببه ٣٠ ببه ٣ ١ ٣١ ثم بقلم ٩٠ ب ١ ب ١ ب ٢ ب ١ ب ١ ثم تقلم ٥٥ ببه والحمد لله
حق وحده كبير رك ودفد فا ذا اردت ان تاخذ اسم من تريد واجمعه بحساب الجمل كبير واسقط نصفه ثم من
الباقي اربعة للمطلوب رك ولى الطالب رقد واجمعها قصير رك ٢٣٠ ورقد ٢٨١ ثم اسقط من العدد
الحاصل من رقد نصفه وضم نصف الباقي الى عدد الطالب واجمعها ثم خذ عدد رك للمطلوب واسقط
النصف منه كما فعلته رقد ثم خذ الباقي وهو النصف وضمه الى عدد المطلوب وهو المطلوب واحمد
عدده ٣٥ واسقطنا نصفه ٢٤ واسقطنا منه الفه ٣ فيبقى ٢٣ فنفضل من الشرطين جزءا وهو الواحد
فحفظه وندخله في الوفق المربع في البيت ٥ الا يجمع على ٩٤ فنطبطره ٧ في ذلك البيت بزيادة
الواحد المنفصل من الجزء وتاخذ النصف من عدد رقد وهو ١٤٢ قصير الجملة ١٤٥ ثم ياخذ عدد محمد
وهو ٩٢ وهو المطلوب فنطرح منه النصف فيبقى ٤٦ فتسقط منه اربعة فيبقا الفاضل ٤٢ ثم
تاخذ رك ٢٣ فنطرح منه النصف فيصير ١١ فنجمع الجميع فيصير الحاصل من بقايا رفد وصاحب ٥٤ او من
بقايا محمد ورك ٥٢ اعددا على حدية ثم اجعل التنزيل هذين العددين وفقا مربعا هكذا شكله

١٦٥	١٥٧	١٩٤	١٧٣
١٥٥	١٧٣	١٦٦	١٥٦
٩١٧	١٥٢	١٥٩	١٦٧
١٥٨	١٦٨	١٧٥	١٥٤

وينبغي كتابة الوفق المبارك في رق صفرا بمسك وزعفران محلولين بماء الورد وتضعه على حمامة من اعوام
عضوا لونها في خلوة طاهرة ساعة الزهرة وهي اول يوم الجمعة ولو كان في برج الحمل كان اوفى العمل وتتلوا
الاسم الاعظم عليه ٧٠٠ ودوه الف مرة وتبخر الوفق بعود طيبان وجاوي متصلا الى بعد الفراغ فاذا تحول الوفق
تقول عند ذلك توكلوا يا خدام بالود فيما بيني وبين فلان وانقياده بسر هذا الاسم وبما في هذا الوفق من
الاسرار ثم يرفع غرض على الحمامة وتطوى وتضعه في مقدم راسه وتواجه من تريد في ذلك اليوم فانه يحبه
ويعظمه ويخضع له بالود ببركة الوفق انشاء الله تعالى في طاعة الله لا في معصية فان علمها في معصية اضنا
ضرر عظيم وصفة تنزيله ان تنزل العدد العدد في البيوت التي للطالب ثم للمطلوب مثلا احمد كلما جعل الك
من جهة الطالب وهو ١٥٤ فننزله في البيت الاول وتضيف اليه واحدا وتنزله في البيت السادس ثم
تضيف اليه واحدا وتنزله في البيت وهي المائة والثلاثة والسبعون ثم تبتدي تنزيل اسم المطلوب
من بيت ١١١٥ اصلا ودا ثم ٢ ثم ٥ ثم ٨ ثم ٢ ثم ١٣ ثم ١١ فقد استهت البيوت ١١ ويصير شان عظيم في

في المحبة فافهم ذلك والله يهدي الى سواء السبيل

واناا ادسم لك مادا سيز لحعفر في تلك المقاله اذ لحاجة عنى متى البير عظيمة في هذا الشان وزعم ان هذه العشرة اوجبت الترتيب اسماء النور واعدادا ياتها واوليها بالكواكب واواخرها هكذا فافهم فافهم ذلك والله ذو الفضل العظيم يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم

	١	٢	٣	۴	٥	۶	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢	١٣	١۴	١٥	١۶	١٧	١٨	١٩
السورة	الفاتحة	البقرة	العمران	النساء	المائدة	الانعام	الاعراف	الانفال	التوبة	يونس	هود	يوسف	رعد	ابرهيم	الحجر	النحل	الاسرا	الكهف	مريم
مكي مدني	ذ	زفر	ر	قفه	فنو	ره	عنو	قد	قظ	مكا	قيا	مه	نا	صط	فكح	قى	فلح	قيا	صط
ه	س	سو	سى	ل	ه	خ	ه	س	ل	ه	ر	ر	ى	س	ه	ر	ى	ره	س
ه	خ	خ	ر	ر	سى	س	خ	ر	س	د	ه	ل	خ	س	د	س	خ	س	خ
السورة	طه	الانبياء	الحج	المؤمنون	النور	الفرقان	الشعراء	النمل	القصص	العنكبوت	الروم	لقمان	السجدة	الاحزاب	سبا	فاطر	يس	صافات	ص
	٢٠	١٢	٢٢	٢٣	١۴	٢٥	٢۶	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣۴	٣٥	٣۶	٣٧	٣٨
مكي مدني	قلب	قباعه	وبط	سو	عنو	سكر	صح	فح	قط	س	لبه	ل	عج	ند	محو	هب	ند	قيا	طه
ه	س	خ	ى	د	ر	لزحل	ل	خ	ه	ى	د	ع	س	د	ى	ر	ى	ر	د
ه	ى	ل	ر	ر	د	ر	للقمر	ى	س	ل	ه	س	دى	ر	ى	د	ى	ر	د
السورة	الزمر	المؤمن	السجدة	الشورى	الزخرف	الدخان	الجاثية	الاحقاف	محمد	الفتح	الحجرات	ق	الذاريات	الطور	النجم	القمر	الرحمن	الواقعة	الحديد
	٣٩	۴٠	حم	۴٢	۴٣	۴۴	۴٥	۴۶	۴٧	۴٨	۴٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥۴	٥٥	٥۶	٥٧
مكي مدني	عب	نن	لح	ل	قط	نز	لو	له	م	لط	لح	مه	س	صح	سا	را	عز	عط	كح
ه	رى	ى	د	خ	س	ى	خ	ى	خ	ل	ى	د	ى	د	ه	ى	ل	ر	د
السورة	المجادلة	الحشر	الممتحنة	الصف	الجمعة	المنافقون	التغابن	الطلاق	التحريم	الملك	القلم	الحاقة	المعارج	نوح	الجن	المزمل	المدثر	القيامة	الدهر
	٥٨	٥٩	۶٠	۶١	۶٢	۶٣	۶۴	۶٥	۶۶	۶٧	۶٨	۶٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧۴	٧٥	٧۶
مكي مدني	كا	لد	مح	لد	يا	كح	يا	ل	يب	يا	كح	ل	كح	كا	نو	لط	نو	لا	
ه	و	ل	ل	خ	خ	ر	س	ل	ه	خ	ه	ل	خ	ه	ر	د	ه	ه	ى
ه	د	خ	خ	ى	د	خ	ر	س	ى	ر	ى	س	د	ر	س	س	ل	ل	س
ه																			
السورة	المرسلات	النبا	النازعات	عبس	كورت	انفطار	مطففين	انشقت	بروج	طارق	اعلى	غاشية	الفجر	البلد	الشمس	الليل	الضحى	الم نشرح	التين
	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨۴	٨٥	٨۶	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩۴	٩٥
مكي مدني	ن	ما	مه	ما	كط	مط	لو	لح	كب	يز	يط	كه	هط	كه	كا	ما	ح		ب
ه	ع	د	ع	ل	رد	س	ه	د	ل	س	ى	د	ل	د	ل	د	ه		د
ه	ع	س	ر	د	د	خ	س	د	خ	ل	د	د	ر	د	س	ه			د
السورة	اقرأ	القدر	البينة	زلزلت	عاديات	القارعة	التكاثر	عصر	الهمزة	الفيل	قريش	الماعون	الكوثر	الكافرون	النصر	تبت	الاخلاص	الفلق	الناس
	٩۶	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠	١٠١	١٠٢	١٠٣	١٠۴	١٠٥	١٠۶	١٠٧	١٠٨	١٠٩	١١٠	١١١	١١٢	١١٣	١١۴
مكي مدني	نط	ه	ح	ب	ا	ح	ح	ج	ط	ه	د	ج	ز	ج	ه	ه		ه	و
ه	د	ه	س	ه	ل	ه	د	ه	خ	د	ى	د	ل	س	ى				ه
ه	ى	ى	س	ر	سى	ه	د	ى	س	ى	د	ه	ل	د	خ	ل	د	س	خ

النفوس الاربعة النامية من هذه خمس

قوى وخاصيتان فالنامية النباتية لها خمس قوى ماسكة وجاذبة وهاضمة ودافعة ومربية

ولها خاصيتان الزيادة والنقصان وانبعاثها من الكبد والحيوانية الحسية لها خمس قوى سمع وبصر وشم وذوق ولمس ولها خاصيتان الرضا والغضب وانبعاثها من القلب والناطقة القدسية لها خمس قوى فكر وذكر وعلم وحلم ونباهة وليس لها انبعاث وهي اشبه الاشياء بالنفوس الملكية ولها خاصيتان النزاهة والحكمة الكلية الالهية لها خمس قوى بقاء في فناء ونعيم في شقاء وعز في ذل وفقر في غناء وصبر في بلاء ولها خاصيتان الرضا والتسليم وهذه التي مبدأها والله

الساعات	يوم الجمعة ليلة الاثنين	يوم ٥ ليلة الثلاثاء	يوم ٤ ليلة الخميس	يوم ٣ ليلة السبت	يوم ٢ وليلة الجمعة	يوم الاحد وليلة الخميس	يوم السبت وليلة الاربعاء
١	ه	د	د	خ	ر	س	ل
٢	د	س	ر	خ	ل	ه	خ
٣	ر	ه	ل	س	ى	د	س
٤	ل	د	ى	ه	خ	ر	ه
٥	ى	ر	خ	د	س	ل	د
٦	خ	ر	س	ر	ه	ى	ر
٧	س	ل	ه	ل	ر	خ	ل
٨	ه	ى	د	ى	د	س	
٩	د	ه	ر	ه	س	ه	ى
١٠	ر	س	ل	ه	ى	د	خ
١١	ل	ه	ى	ه	ى	ر	س
١٢	ى	د	خ	ر	س	ل	ه

تعالى يقال الله تعالى ونفخت فيه من روحي وقال الله تعالى يا ايتها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضية مرضية والعقل الوسط الكل قشر الخشخاش يوكل من مد فوقة فم صباحا وفم عشيا او ديقطع اسهال الخلطي والدموي وينفع من حرارة الاسهال مجرب لخلطي ان على صنعة علم ببشر وورض وحلي وشرب نفع من الزحير وينفع الزحير وابرده والدم تو خنق طره وكهربا وطين ادمني وصمغ عربي مكلف ل بيق الضمغ او لا يحض في دهن ثم يدق ويخلط في شراب ويراس وبلعق منه لتحيل الانسان من مكانه اذا كان ظالما فان كتب له هذا المخمس في ساعة نحسه يوم شخ في كاغذ اسود وبخره بقطران وتدفنه في حائط داره او حانوته فانه ولا يحمل شهرا الا قد ارحل وتدور السورة الاتية المخمس المذكور وهي والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين امنوا وعملوا الصالحات وتواصوا بالحق وتواصوا بالصبر ولا رحل بها الا الاهل الظلم والمخمس هو هذا فافهم ذلك والله هدى الى سواء السبيل هذا

برای کهی وامراض خشه وکیا

دو ساهدی رزدجوبه کره گاو

٢٤ ٥ ٢

ولتمريض الرجال والنساء عليك اذا تعدوا عليك رجل او امراة تخذ ٩ حبات من القربوز واقراء على كل حبة اسماء القمر معكوسة ٩ ٩ مرة وعند القراءة تقول كل حبة توكلوا يا خدام هذه الاسماء تمريض كذا وكذا والعمل يوم ٤ اخر الشهر فاذا جن الليل خرج مثل الحبوب مقبرة ثم ادفنهم فيها وانت غير مستقبل القبلة وقل يا ايها العظام النخرة هلك م ومريضا قريبا يوصل اليكم يا اهل القبور ٩ مرة فان للمعمول له بمرض ولا يبقى له صحة ولتعطيل البيع تقدم

ا	ج ٣	ه ٥	ز ٧	ط ٩
ز ٧	ط ٩	ا ١	ج ٣	ه ٥
ج ٣	ه ٥	ز ٧	ط ٩	ا ١
ط	ا	ج	ه ٥	ز ٧
ه ٥	ز ٧	ط ٩	ا ١	ج ٣

لمنع الذيب والاسد عن الماشية ٧ مرات فحج محمت وفي كل بيت حرف من هذه الحروف ١١١ام ١١١١ هح ٥ وتضيف اليهم قوله تعالى انا نحن نزلنا الذكر وانا له لحافظون الاية في شقف ويدفن في وسط الماشية فانها تحفظ باذن الله تعالى وكذلك يكتب ويعلق على فحل الغنم وهلوقعي السنا يحي فحج محمت كما تعلم جري الدم لمن كانت تجوه ظالمة متعدية من النساء اكتب اسمها واسم امها يوم في ساعة زحل في قطعة من الاناء الاسود ما برء لم يدخلها ثم تكتب معها هذا الاسماء امثل يا احمرانت وجنودك بحق دمليخ ٢ ابن العفريت صاحب الناقة الحمر المتمم بالنعمان اجريتم دم بنت م بحق باه شراهيا اصباوت الوهيم ثم تشقب تلك الصحيفة ويجعل فيها خيطا من الحرير الاحمر وتعلقها مجري الماء ثم خذ تسعة حباة من الحمص الاحمر وتكتب على كل حبة حرف من هذه الحروف X مم X مهك مسه مح مله بطالع الميزان واسحقهم في ذلك الوقت ثم اطعمها في شي حلو مثل القرا التمر والتين او شي مخلوط مع العسل فانه تجري دمها ويسيل نشرف على الهلاك فاتق الله ولا تعملها الا المستحق فان تابت ورجعت ذوب الرصاص واكتب لها سورة الملك انا وامحه بماء وزيت واسقطها وادهنها واقرء عليها السورة وانفخ عليها فانها تبرا واهد الرجل عن الزواج اذا خافت المراة ان تزوج عليها زوجها فاكتب لها في نوبة ولوا دا د ولخروج الى قوله القاعدين وان لم يوجد النوب فكتب هذه الاية مع اسماء معكوسة في اناء ويمحى بماء ويسقي الرجل في طعام ثم تكتب اسماء القمر واسماء الرؤس الاربعة ٧ مرة في حرز مع اسم الرجل واسم امه واسم المراة واسم امها وتعلقه عليها او تدفنه في قبر غريب الا اذا دفن في القبر ثم تموت تلك المراة فانه يصير يكون عقدا من الزواج ابدا فاتق الله عقد المرة من الزواج

فاكتب هذا المربع يوم السبت ساعة زحل وزحل بات في برج منقلب والكتابة بقلم الدغل والمداد القطران
والكاغذ يكون ازرق فاذا كتبت المربع صور بظاهره يعني القلم لا تصوير التشكيل والتجبير فانه لا يجوز
احياعا يعني صورتها بظاهر واكتب على فرجها عقد نك يا فلانه عن الزواج ثم تقراء وانت تبخر بالحلتيت
او الكبريت والثوم الاحمر يقوم مقام اسماء القمر معكوسه ٧ مره ادونه حانة النوم ويكتب في ورقه
ويجعل تحت وساده شخص فانه ينام صحيح سعلسكح اخاملطلنبح سفلح عملطين مهميح ملطنج
عليط هسلطين صحح ادونه السهر يكتب في كاغذ ويجعله لا ينام ابدا يا نفس انفس الله معرفة طالع من البروج
خذ ما مضا من ساعات يومك واضربها في ١٢ وزد عليها ما مضى من الشهر العربي الذي انت فيه من
الايام واجمع الحساب واطرحه على البروج واعط لكل برج ٣٠ وما بقي دون الثلاثين فهو درجة الطالع
من البروج فتبني عليه حسابك وابدا من برج الشمس في وقتك فافهم اسماء ساعات النهار الاولى المشرق
الراد المتنوع الترحيل الهاجرة الزوال الظهيرة الجنوح الارابا العصر الاصيل الطفل اسماء ساعات الليل الشفق
الغسق العتمة السدفة الجهمة الجوده الزلفة البهرة السحر الفجر الصباح م ا في معرفة الوصد والاوقات اعلم انك
اذا اردت ان تعلم في اي برج بات القمر من البروج الاثنا عشر فافهم مبيت القمر اي برج احسب ما مضى من
الشهر العربي وزد عليه مثله ثم زد على الجميع ٥ وابدا من البروج التي كانت الشمس فيه هل الهلال الذي
انت فيه فانفذ عليه الحساب فالقمر في ذلك البروج معرفة الساعات من النهار اذا اردت معرفة ذلك
تكيل ظلك بالاقدام وزد على وحده سبعة واطرح عن المجتمع حروف الزوال واقسم الباقي ٤٢ فالخارج
الصحيح هو ما مضا من الساعات ان كنت قبل الزوال فان كنت بعد والخارج باقي من بيع النهار وما بقي كسر
فهو من اجزاء الساعات واعلم ان هذه الساعات ١٥ درجة في الليل والنهار وفي كل درجة ٤ دقيقة وقدر
الدقيقة قدر ما تقراء فيها سورة الاخلاص مرة وقيل مقدار الساعة وقدر سير صليبين وقيل مقدار ما يتنفس
الانسان الف مرة وعلى القول الاول في كل ساعة ٥٥٠٩ دقيقة ينايرا وبراير مارس ابريل مايه يونيه
ي نا ا ف ج
يوليه اغشت كتيزا اكتوبر نونبر وخبر فافهم
د و ٥ ز ف ط

الزيت العتيق يقوم مقام القدح اذا اقطر
منه مرارا في العين بعد حك العين بالميل ينفع من الماء النازل فانه يستحق حصا لبان ويعجن بالعسل في
قوام العجين الوسي ويجعل في كيس كتان ويدفن في بوته بلا طفي يصير لبان حاوي ذلك سورة
الهمزة تكتب ٣ امره وتكتب مع كل من تعقد لسان م ٣٤٢ في رتب العقول خذ ٧ براداة من الكاغذ واكتب
على كل براداة اسم واحد من اسماء القمر وكذلك الملوك السبعة والروحانية السبعة على هذا الترتيب

حي	اهيع	وفي ٩
حكيم ٢٨	ملك ١	مبين ٤٣
[illegible] ١٢٤	جامع ١١٤	لطيف ٢٢

٣	١٥	٢
٩	الله	١١
٦	٥	٧

وهو هذا

رال منهور علك البطم موم رفت
روغن روغن کنجد همه را بهم روغن کند
۲۰
که بکنار مقتول و ممزوج شود همه بسته به نظر

وهو هذا امذاهب روقيل لياحيم الى اخر السبعة ثم تخبل في كل براداة سبع حبات من تفاح الجن بعد ان
تقرأ على كل حبة زين للناس حب الشهوات ٥ مرة وتحرقهم كل ليلة عند النوم وانت تنادي وتقول
سلبت عقل فلان لفلان هكذا الى تمام ٧ ايام والعمل منه يوم الاحد اول الشهر في ساعة هو فانك لا تكمل حرق
تلك الحبات حتا تسلب عقل المطلوب ويكاد ان يخرج عقله من حب الطالب فاتق الله **سيلاول**
الرجال والنساء يكتب بدم حمامة في كاغذ احمر اسم الطالب والمطلوب مع هذه الاسماء السبعة
وهم روقيام وعصيال وبطاكيل وسناع وعرشال وعربود وقوسع في ساعة زحل بالليل والطالع السرطان
ثم تبخر الكتاب بدم مقتول وتعلقه تحت جناح محجله وتطلقها يوم ٣ ساعة زح فاتق الله فانه سيلاول
يخرج التقول ولا يكاد المطلوب يصير من شدة هيجانه على الطالب ولو كان قيد من حديد لا يملك نفسه
فانه من اعظم ما في هذا الباب في هذه الرسالة في الود الود اذا اردت ان يقع بين الطالبين المتحابين
المودة فخذ اسمائهما وامزجهما في سلسلة حرف من اسم الطالب وحرف من اسم المطلوب ثم تكتب اسمه
تعالى الودود والكتابة في كاغذ زرق وبخرها بالمصطكي والعمل بطالع الاسد في ساعة الزهرة وعلقه
على طالب بان يقع بينه وبين محبوبه مودة عظيمة في الوصال الوصال ذكره رواه الترمذي وابن ماجه
ورواه الاصبهاني من حديث انس ولفظه ان النبي صلعم قال لعلي يا علي الا اعلمك دعاء اذا اصابك غم او هم
تدعوا ربك به يستجاب لك باذن الله تعالى عز وجل ويفرج عنك توضا وصلي ركعتين واحمد الله تعالى
واثني عليه وصلى على نبيك واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات ثم قل اللهم انت تحكم بين عبادك
فيما كانوا فيه يختلفون لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب
السموات السبع ورب العرش العظيم اللهم فارج الهم وكاشف الغم مجيب الدعوة المضطر رحمن
الدنيا والآخرة ورحيمهما ارحمني رحمة تغنيني عن رحمة من سواك في حاجتي بقضائها ونجاحها
وعبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه واله قال ركعتان تصليهن من ليل او نهار وتتشهد بين كل
ركعتين فاذا تشهدت في اخر صلوتك فاثن على الله تعالى وصلى على النبي صلعم واقرأ وانت ساجد اية الكرسي
وفاتحة الكتاب ٧ مرات والاية ٧ مرات وقل لا اله الا الله وحده لا شريك له الملك وله الحمد يحيي
ويميت وهو على كل شيء قدير ثم قل اللهم اني اسئلك بمعاقد العز من عرشك ومنتها الرحمة
من كتابك واسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامة ثم سل حاجتك ثم رفع راسه ثم
سلم يمينا وشمالا ولا تعلموها السفهاء فانهم يدعون بها فيجابون رواه الحاكم ابن حرب وقد جربته
فوجدته حقا تم ٣ اولاد ميمون تضع يوم الصبيا الصغار على رؤسهم قبل تمام الحولين معالجهم بشربة تلك

العزيمة الدهر وسليه في اناء من نحاس احمر وعلق عليه سورة الملك يا بصلاة بح والحاجة والاستخارة فمن
ذلك صلاة التسبيح فيشتغل بها احد الاكفاء وحمى وو فاء وحفظ ووقر واعطاء بح وتيسير كل مطلوب
مع الواحب انشراح الصدر والاستخارة والامن والامان وهي مروية عن ابن عباس عن النبي وهي ٤ ركعات
وفي كل ركعة بعد الفاتحة وسورة سُبحَانَ اللّٰهِ وَالحَمدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكبَرُ ١٥ مرة وفي كل
مرة من الركوع والرفع منه وكل من السجدتين والجلوس بعد الفراغ من السجدة ١٠ مرات فذلك ٧٥ في كل
ركعة قال النبي لعمه العباس ان استطعت ان تصليها كل يوم مرة فافعل والا في كل جمعة والا في كل شهر
مرة والا في كل سنة مرة والا في كل عمر مرة فلو كانت ذنوبك مثل زبد البحر ورمل عالج الا غفر الله لك ذ
هذا ما ذكره علماء السنة فافهم فافهم ذلك بسم الله وحده سال اديب عنا شاع في فسح الاوضاع
عن قول محرك الاماكن وان وكاشف غيهب المكان اين مثل بو اليك واين بك وعليك واين منك وفيك
وما الكيف وما الاين واين الاين فاقول وبه تعالى الوصول الى حيز ما صول المستفهم عنه هو الجوهر الانسان و
الطفل الانساني الامكاني المنسوب بمبادئ الحروف والمعنى المعروف الى الوجود المطلق والفرد الاحق
المنادى بحضور الخطاب للنبي عن المبدأ والخطاب الماب كما اعتنت به الاية وناي بصحيح الرواية و يشهد
بحقيقة سليم الالباب وفه بواضح الخطاب اذ الشك عاجز كاسل فليس الا الواجب المقابل للممكن الواجب
والاتحادي الامري كفر في البين اذ مع قطع النظر عن التعبير وان اختلاف وظهر التنافي الاول والاخر
والباطن والظاهر لا راجع ولا مرجوع ولا واضع ولا موضوع اذ الشيء لا يرجع لنفسه ولا يتخذ غده واسمه
بلباس الاحاطة والشمول واين القدرة والفضول كما اعلن به برهان التطبيق ساعة النص والتحقيق فانحجز
النظر عن المصمم كالاطلس ورجع البصر من الفلك الاطلس وبذلك تظهر المنتهى لغاية المعارض لما كفا كفوا
وتجلي وصف لنا الوصف فان الينا ايابهم ثم ان علينا حسابهم فتدار الممكنات الى الوجود الاول وهو المرجع
الاكمل والادار دون تسلسل وانصب حضاض الاسماخ وعطب وان لم تتوجه اليه الدواعي ولم تنظر عليه المبادي
والنوادي لم يخرج من المحال ولم تنادم من المحل والحال اذ القدرة البالغة محيطة بالمقدور والقضا سهام
نافذة في كل الامور فما يكون من نجوى ثلاثة واحاط بكل شيء ونحن اقرب اليه من حبل الوريد وذلك اظهر من
الشمس واوضح من الامس والعرض القار الذي لا تقتضي القسمة والا قسمة اقتضاء اولياء بخالف المقطر و
العرض والطول باعتبار حقيقة في ذاته عند الفضلاء الفحول اذ العرض في معرض الزوال والحلول وذلك
علامة التغير والتقدير وضع الملك الكبير ومنتهى الزمان المسبب عن حركات الافلاك والمكان الذي مقر الخلق
والاملاك عدم المدد بلا نهاية وبذا بدو الازوم والحد المتعدد وتعدد المتحد والمنال لجميع اليه ومرجعهم عليه

ثم البيانات حجوت محدالها البصير الحاذق والمتقن الخارق الثمرات الجنان وورود بيان نبات النبات
الفتيت في رياض الصفا الاخوان وكان مزاجها كافور الحقيقة من سلسبيل الانسان والحمد لله حق
حمده وصلى الله على محمد وعلى آله وصحبه الكرام وتراحب الحلال والحرام هذا ما نصه الشيخ العلامه وحيد
دهره وفريد عصره الورع الزاهد الشيخ خلف البحراني لصف الله به في سنة ١٠ وفي ١٥ من رمضان
يوم الاحد والشمس في اخر درجة القوس واول درجة الجدي وترجمة قلم الفقير تراب اقدام المؤمنين
احمد الانصاري اصلا والبصري مولدا ومسكنا يوم ٢٨ من رمضان يوم الاحد الاربعا سنة والله
هو للرشد فافهم هذه الكلام والله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم والله يهدي الى سواء
السبيل

١٠٧	١١٤	١١٤	١٠٠	١١١	١١٤	١١٧	١٣	١١٥	١١٣	١١٦	١٣	١١٢	١١٥	١١٨	١٠٣
١١٢	١٠١	١٠٦	١١١	١٠٤	١١٥	١٠٩	١١٥	١١٥	١٠٤	١٠٩	١١٣	١١٧	١٤	١١١	١١٦
١٠٢	١١٥	١٠٨	١٠٥	١٠٥	١١٨	١١١	١٠٢		١٠٥	١١١	١٨	١٠٥	١٣٥	١١٣	١١٥
١٠٩	١٠٣	١١٤	١١٣	١١٣	١٠٨	١٠٢	١١٨	١١٢	١٠٧	١٠٦	١١٧	١١٤	١٠٩	١٠٦	١١٩

	٣١	٢٦	١٩	١٩	٢٦	٣١		١٢	١١٣	١٥	١٠٣	١١٠			١٠٣
	٣٠	٣٢	٢٣	٢٤	٢٢	٣٥		١١٤	١٠٣	١٠٨	١١٣		١٤	١٠٩	
	٢٥	١٨	٢٣	٢٣	١٨	٣٥		١٠٤	١١٧	١١٠	١٢	١١٥			١٠٨
								١١١	١٠٦	١٠٥	١١٦		١٠٧	١٠٦	

فاتبع طريق التكسير لتحصيل المطلوب وهو هذا مثلا الطالب سليمان المطلوب داود المجموع ٤٥ تسقط
١٢ في بقي ٣ طالع برج الشيخ الاسود كوكب الزهره نصف العدد ٢٣ اسقطناه ٢١٢ التي الامكان طالع
الاتصال برج الميزان كوكبه الزهره فكان نصيبا برج طالع الشيخ حرف الباء فتدور على دائرة الجد
لتحسب ما بين ٣ تاخذ الرابع الى ان ينتهي ٢ احرف وهو هذا ب وي ن ص ت صفها تركيب الاسماء الحسنى هكذا
باقي ودود بصير نافع صمد تواب صادر جعنا الى حرف برج الاتصال وهو الواو فتعد فيما بين ٣ تاخذ
الخامس وهو هكذا ازل خ ن ظ د ط ن ق خ او فيكون ١٢ احرف صفها تركيب الموكلات العلوية وعكسها
السفلية كما ترى هذا تنفائيل ك مضابيل خ حميابيل ف لصائيل ظ و موائيل د كصدائيل ط عسائيل
ن شقرائيل ق صهلائيل خ حميفائيل احسائيل و موظائيل والسفلية بعكسهم هكذا عشر طيش هضقلطيش

يحجمظطيش سخافطش وموضطش زصكدطيش سنجطيش هقلطيش فحجلطيش ستحاطيش
صنموطيش ثم تكتب هذه الاسماء والموكلات والسفلية في لوح عوظ ٣ اضانة فتركب اولا الموكلات و
بعده السفلية ثم بعد البروج وتعلقه على سبيا بيرو تبخره باللبان والجاوى والعود والميعه ويكون يقيم عليه
بعد اسم المطلوب باسماء الله الحسنى وتذكر اسم الموكلات والسفلية تداوم على ذلك ٧ ايام فان لم يتسخر
للتغزل واد فنه تعقبه داده فان لم يتسخر لك فخرجه وامحه بالماء واسقيه المطلوب فانه يتسخر لك
البته وكتابته تكون بالمسك والزعفران وماء ورد فنظرنا الى وقت العمل فنقول ان حرف برج طالع
التسخير هو حرف الباء فاسقطنا عدد واسم الطالب ٧١ بقي ٣ فكان العمل يوم الاثنين وحرف البرج
وهو ٣ فيكون ثاني ساعة وهو ساعة زحل او يوم السبت او ساعته والطالع الميزان والثور او يكون القمر
احدهما ويكون ناظرا الى المشتري نظر سعد فافهم ذلك والله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم

ابج دهو زحط ي كلم ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ في بيان معرفة البطون الثمانية ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ
اع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض ظ غ

في بيان معرفة البطون الثمانية والعشرون مثلا ٦١ اسم لا اله الا الله هو مجموع في البطون ١٥٠٤ وطريقه ان
تحذف المكرر منها وتضربه في ١٢١ على الباقي فكان مكررها اه و ٣٤ احرف من ٢٨ خرج ١١٢ تقراء يوم
كل يوم وليلة ١٥٠٤ فافهم بيان زبر وبينات البسملة هكذا زبر بسم الله بينات الرحمن بينات الرحيم
فافهم بطريق استخراج البسملة بسم الله الرحمن الرحيم

زبر بينات زبر بينات زبر بينات زبر بينات
بسم ايثم الذه لفلام الرحمن لفلام امون
٢٥١ ١١١ ٤٤ ١٩٣ ٣٢٩ ٢٥٩

اعان اعلا اصحاب كابن سبيل اسما لعب بلج بعل علب مبين هامون صاهو بكيك
١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٩٣
نكلنه ابنما بلبس لبيل امسا شيب صبي صبي نق فب والله هو المرشد ابن يم كمان مكان
١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢ ١٥٢
غاك امكن ليما امسى ليما امى عما معا عيال عيلا الى عايل عليا فال لاف لفا فلا الف
وسيله سويليه يوسله عالى لاعى يعلا اعم سالك كلاس ملكا اكلس سكلا الكس اس نسا
سنا اس ناس قطب طبق قنط نقط بطق وقد دوا قد قود اوقد قادوا وادق عيانى نانى
ميانى كانى نيكا كيفا فكى كايف فاكى نكفا كفيا انى قاى ياق والله يؤتي من يشاء والله ذو
الفضل العظيم لا اله اهلا هلا ل الله وكيل كيو لو لكى وكلى ويلك ابنيه هانى سها هابن ناهى
انيه صنا الهى لوى وين يون ونى بينوز نله هنذ زهد نزهد نهلن دننهد دهبى نعام ام امنا صنا مقا
٤٤ ٤٤٤٤٤٤ ٤٤ ٤٤٤٤٤ ٤٤٤٤ ٤٤٤٤ ٤٤ ٤٤٤ ٤٤٤٤ ٤٤ ٤٤٤٤٤٤٤٤٤٤ ١٩٣ ١٩١٣ ١٩٣

باخم

نباتم قم بنا صحیفه صفحه منقبا جنق فتح والله الموفق الرحمن سه بنز نحو لا نسلط کسظ قر طك

۳۹۲ ۳۲۹ ۳۲۹ ۳۲۹ ۲۲۹ ۳۲۹ ۳۲۹ ۳۱۹ ۱۳۹ ۱۱۳۰ ۱۹۳ ۳ ۲۱۴

طینی سیطی رفیظی طیرقی لقام ام یوون ازدان وازنا ابوزنا ارزنا نحوررو جن خود ن

۱۲۵ ۲۹۵ ۲۹۵۹۲۵۲۵۹ م۹۹۵ ۱۲۹ ۱ ۲۳۹ ۳۲۹ ۳۲۹ ۳۹۲

وجن طن رطن نظر طرن ابراهیم مادی هادی ماطهریا مروحه روحهم محمود زبرالرح

ی م جهانکیه بنکر جهبا فطرطرف طفر دفظ فرط بیبات لقام ااایم در ردمقدس حابر دحاجوا

اجرادج دقوقدق یارااریا ابراه فهم هذه التراکیب النفس والکمه

حیله ساحرن

چون شب یکشنبه تیر شهاب در راه باشد بکیر دیمان یا قاطمه بر دست خود بکیر و بنکر بر آسمان وقتی

که ان تیر شهاب از جای خود حرکت کرد او را کره بزن در موضعی که چهار دیوار داشته باشد

یا باغ او را بشد باید فن واسمی در القا اثنین هست بخواند و او را دفن کند هر دزدیکه در ان

موضع بیاید دست و پای لسته کرد و بنفیند شرح لوح چون شرف زحل باشد این شکل را برین

قیاس بنکارد یا در شرف آفتاب یا در روز سعد بنکارد که واکیخ وشخال باشد حاصل این شکل

نصرة باشد بر دشمن باشد و اگر ضعیف بر خود ببندد قوتی عظیم در خود مشاهده کند و اگر کسی را

بد کویان باشد عقد اللسان حاصل شود و دوست شوند و اگر کسی خوفی باشد امن کرد دو

او را جرأتی پیدا شود و در نظر سلاطین با هیبت باشد و هر کس او را بیند دوست کرد دو

تسخیر خلایق او را حاصل شود و بروایتی دیگر لوحی از نقره نقش کند وقتی که قمر در نور باشد و

زهره در او بساعت زهره در روز جمعه و میکوید الحی القیوم ۲۱۱۱ نوبت و بخنود قلب و موضع

خالی از او نیش روز روزه بدارد که احد و جمعه باشد و حیوانی نخورد و این لوح را نوشته

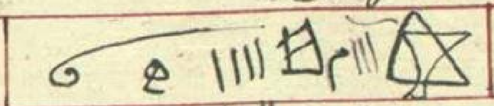
با خود دارد و این ذکر با بن عدد بخواند فنده کرد اندحندا بتعالی دل او را بروح حیوة انشراح

صلدا و کند بنور قبومت و هر دلی که نکره را ربلند کرد در در رجل و بسیار کرد در غنت او

و هر کس که مقابل او شود از او بترسد و هر کسی که موضع کند در نحاس و مریخ در شرف باشد مظفر کرد

بر دشمن در جمیع احوال خود فافهم ذلك والله هو المرشد

وهو القاهر فوق عباده



وعنت الوجوه للحي القيوم

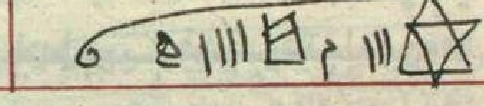
ا	ل	ل	ه
ل	ه	ا	ل
ه	ل	ل	ا
ل	ا	ه	ل

٧	٤	٢	ل
٣	٣٢	٣	١
١٣	٣٤	٢	ل
١٣	٤٧	١٩٩	ش

وعنت الوجوه للحي القيوم

ح	ى	ق	ى	و	م
٩	١١٥	٨	١٥	٧	٣٩
٤	٤٢٠	١١	٩٩٧	١١	١٣
٤١	٥	٨	١٥٣	٦	١٣
١٥٣.	٧	٤٤	٢	١٣	٥

وهو القاهر فوق عباده



وعنت الوجوه للحي القيوم



وهو القاهر فوق عباده

وعنت الوجوه للحي القيوم

وهذا الوفق من اربعة عناصر التوريه والانجيل والصحف والفرقان عظيم وفي كل حرف كنز من اسرار عظيم وحرفين الذي ملحوظه

وهو القاهر فوق عباده



٧	٤	٤١	٧
١	٩	٥٩	٩٧
[illegible]	٣	٩٧	٥١
[illegible]	٣١	٤	٨

٢	٥	١	م
١	م	م	٥
٤٢	١	٥	م
٥	م	م	١

في الزبرجا ودم ومعادوح ونفس فافهم ذلك والله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم	مالك يوم الدين اياك نعبد واياك نستعين	اهدنا الصراط المستقيم صراط الذين انعمت	عليهم غير المغضوب عليهم ولا الضالين
		بسم الله الرحمن الرحيم الرحمن الرحيم الرحيم	
		انا المجيب وانا الحكيم	

س	ل	ا	م	ل	ا	و	ب	د	و	ح	ل	س	م
م	٧٥٨	١٥٢	م	١٢٧	١١٣	ى	ا	[illegible]	[illegible]	١	٧٤٩	١٥٥	ى
ى	١٨٨	١١٣	ى	١٥٨	١١٩	ى	ط	[illegible]	[illegible]	ض	ر	ح	حن
ع	ل	ى	م	ن	ع	م	ن	ا	ض	٧٥٩	٧١٢	١٩	ن
ط	١١٢	١٣٣	ى	٢٥٨	١١٩	ى	ا	[illegible]	٧٤١	٧٤١	ى	٧٤٣	٧٤٨
ع	لى	م	ف	ع	ل	م	ق	[illegible]	٧٤١	ى	٧٤٣	٧٤٨	ح
ظ	١١٣	١٨٥	ع		١٥٩	ا	ع	ل	ى	م	ح	ى	ى
ق	د	و	س	ل	ا	م							
ا	[illegible]	[illegible]	م	[illegible]	[illegible]	و							
ى	[illegible]	[illegible]	ى	[illegible]	[illegible]	م							
م	ا	ن	ع	ف	ا	ن							
و	ا	ن	ع	ف	ا	ن							
ى	[illegible]	٢٩	ا	[illegible]	[illegible]	[illegible]							
ق	١٠	د	د	ح	ى	م							

عددا به وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم ٣٣ عددا به صم بكم عمي فهم لا يعقلون ٤٣ اعدد ختم الله على قلوبهم

وعلى سمعهم وعلى ابصارهم غشاوة ٢٩٧ عددا به لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم ٤٣ عددا به يحبونهم كحب

الله ٣ ٤٩ اعددا به الله نور السموات والارض الي عليهم اعداد فهم عد عزيمة العقرب طلع لونا ادم من الجنة

خادمه

هم حاجی و هم درویش

سعفه خاصه رطبه ... بعد از صلاه ماند غبار داخل در روغن بهم بالا زنی بسیار نرم حنه از طرح داده و بهم شده با علت نمود استعمال کنند

روغن زیت ١٦ — زریع زرد ورق ٤

سعد ... باکوله اشکنه حنا مصطکی رومی بالسویه ... سفید

هر دو صبح بقدر ٣ نخود بالا خلال بکند

الصاحب للمان

زریاد ... جوز ... ٤ ٤ ٤

رسوت جدوار مرداسنک ٤ ٤ ٤

زیره سفید دوسر زرد ٤ ٤

حنا ارد کندم ... ١٢

هر یک نیم مثقال

ارباح خفیفه ...

تسکین ... کلمل

مصطکی رومی بالسویه بقدر نخود

حب کنند ... عصر ... بخورد

کت
فرای دابة عجيبة منها الها راس كالفقار ولها ذنب كالمنشار صفرا كالدينار ان عنت انفقت وان نحو
اعوجه جلس على راسها ميكائيل وذنبها جبرائيل وهما يقولان لها انتها الدابة اجمعي اجمعي سمك ودمك
كما اجتمعت الملائكة في بيت المقدس سلام على نوح في العالمين سلام قولا من رب الرحيم سلام على ابراهيم

فصل في معرفة شرف الكواكب وهبوطها وعلى ذلك لكل واحد من الكواكب السبعة موضع يكون
اقوى فيه ذلك الموضع شرف ذلك الكواكب في الشمس من اجل انها اذا دخلت الحمل تصاعد الشمال وطال
النهار وظهرت قوتها واذا دخلت الميزان انحطت في الهبوط وصارت الى الجنوب وقصر النهار و
ضعفت قوتها فلذلك صار شرف الشمس الحمل وهبوطها في الميزان وصار شرف القمر في الثور لانه يتلو الحمل
الذي هو شرف الشمس لان القمر اقوى ما يكون اذا كان هلالا ويظهر من شعاع الشمس وهو من طرف العقرب
واما زحل معادي الشمس صار شرفها في محل هبوطها وهبوط وهبوطه في محل شرفها وصار شرف المشتري
السرطان لاعتدال وموافقته اياه في الطبيعة وهبوطه في الجدي ومن اول طبيعة المريخ ضد طبيعة
المشتري جعل شرف المريخ في الجدي وهبوطه في السرطان الذي هو ضده واما الزهرة من اجل ان طبيعتها
الرطوبة والحوت كثير الرطوبة وهو معدن الرطوبة المربع وقد صارت شرف الرطوبة وهبوطها في السنبلة ومن
اجل ان طبيعة عطارد الغالب عليه اليبوسة صار شرف عطارد السنبلة وهبوطه في الحوت وقد علمنا هذا
الجدول ليعرف به شرف الكواكب وهبوطها هنا بالسرعة

وهذا الاسماء الاسية لعقد الالسنة والكد خدا
على الملوك من قراها نجى منهم ولو كان تحت يد السياف ومن امر عليه المسجون فقراها لم يدخل ابدا وان قراها

درج هبوط	سط	ح	كا	يه	كح	كى	ير
هبوط	ميزان	عقرب	حمل	جدي	سرطان	سنبله	حوت
شرف درج	سط	ح	كا	يه	كح كى	ير	
شرف	برج حمل	ثور	ميزان	سرطان	جدي	سنبله	
الكواكب	شمس	قمر	زحل	مشتري	مريخ	زهره	عطارد

المسجون خلص وان دخل قوم يبغضونه
فقراها عليهم فانه يرى منهم المحبة عجيبا و
هي ايضا حفيظة من كل سوء وجلب القلوب
المبغضة وهي هذا بسم الله الرحمن الرحيم
يخفي خفي لطفا بالله بلطيف لطيف صنع
الله بجميل جميل ستر الله دخلت في كنف
الله وتشفعت برسول الله وتبدوام ملك
الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

يا ه ٢ اهيا اهيا شر حجبت نفسي بحجاب الله وصنعتها بايات الله وبالايات البينات وبحق من يحيي العظام وهي

ارباح خفيفه هر جای بدن خاص

در سینه کلمل ٣ کندم تریاک یک کندم

یک شربت است

تسکین عرق النابرة الساعة

کنکنه ٢ نخود تریاک نیم نخود یک شربت است

بیاض چشم کلمل یکجزء قند ٢ جزء یکنوبت از این دو ...

شیاف محیض و همچنین تا بیاض ... رفع شود

قروح عسرة الاندمال — موم ٣ل — زرده تخم ٤ دانه — برگ انجیر تازه ٤ دانه — روغن زیت اگر نشد روغن کنجد — ورداسنک — توتیای کبود — کافور — ملک یک مثقال و نیم

برگ انجیر را در روغن بجوشانند تا قرمز شود بعد بیرون بیاورند بیاندازند بعد موم و حل نمایند ادویه و مرهم سازند که روغن را پایین اورده بعد از سرد شدن زرده تخم مرغ ٤ دانه دران بریزند برهم زنند

دران بریزند و بحق بلیغ کنند و بعد از سرد شدن زرده تخم مرغ ٤ دانه دران بریزند برهم زنند

دمیم رقاه جبرائیل عن یمینی واسرافیل عن شمالی وسیدنا محمد المصطفی صلی الله علیه واله بنبیی وعصی
موسی فی یدی فمن رای لهیبنی عن خاتم سلیمان علی لسانی فمن تکلمت الیه قضی حاجتی ونور یوسف ع
وجهی فمن رای احبنی واستحبط لی وبه المستعان علی اعدائی لا اله الا هو الحی القیوم العلی العظیم الکبیر المتعال
وحسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد والله غالب علی
امره ولا حول ولا قوة الا بالله ومن اراد اقبال الخلق علیه فقرائة هذه الدعوة والایات ذکرها کثیرا فانهم
یقبلون علیه ویحبونه وهی هذه بعد صلوة رکعتین موضع الطاهر وبخور طیب بسم الله الرحمن الرحیم
یا ایها الذین امنوا لا تکونوا کالذین اذوا موسی الی وجیها والقیت علیک محبة منی یحبونهم کحب الله ٣
الی عزیز حکیم والکاظمین الغیظ والعافین عن الناس والله یحب المحسنین او من کان میتا الی زین فلما
راینه اکبرنه الی الکریم وقل الحمد لله الذی ولدا الی تکبیرا وهو مجیب جدا وهذا دعوتها بسم الله الرحمن
الرحیم یا الله ٣ یا رب ٣ یا رحمن ٣ یا رحیم ٣ یا ودود ٣ ولا تکلنی الی نفسی فی حفظ ما ملکتنی ما انت
املک به منی وامدد فی یدی بدقایق من دقایق اسمک الحفیظ الذی حفظ نظام الموجودات اواکسی
مدیح من کفایتک واکنفنی بکنف حمایتک ورعایتک وقلدنی بسیف من نصرک وحمایتک ونو جنی
تتاج عزک وکرمک وزینی برداء امنک وعافیتک وارکبنی مرکب النجاة فی الحیات بعد الممات وامد دنی
بجلیس من دقایق اسمک القهار تدفع به من ارادنی بسوء من جمیع المؤذیات وتولنی ولا یة تخضع لها کل
سلطان مریدو جبار عنید یا عزیز یا جبار اللهم انق علی من محبتک وزینتک ومن بعوة ربوبیتک
ما ترهب به القلوب وتعتذ له النفوس وتخضع الرقاب وتسخر له کل متکبر ظالم یا عزیز یا جبار ٣ یا واحد
یا قهار یا من لا راد لامره ولا مانع لحکمه انت الله الذی لا اله الا انت علیک توکلت وانت ارحم الراحمین
وثقة المتوکلین وصلی الله علی سیدنا محمد صلوة تحل العقد وتفرج الکرب وتشرح الصدور وتیسر الامور
اللهم سخر لی جمیع خلقک کما سخرت البحر لموسی ولین قلوبهم کما لینت الحدید لداود ٤ فانهم لا ینطقون الا
باذنک ونواصیهم فی قبضتک وقلوبهم فی یدک تصرفهم کیف شئت یا مقلب القلوب یا علام الغیوب
اطفاء غضب الناس بلا اله الا الله واستجلبت مودتهم ومحبتهم لسیدنا رسول الله ص فلما راینه اکبرنه
لی یا کریم وهی مجیبة جدا فی الحفظ وفی النصر علی الاعداء وهذه صورة وقف

موم اتشک ... سلیم — توتیای کرمانی — عدس مقشر — توتیای کبود سوخته — مرداسنگ — روغن کنجد — زیت — غزال — موم — ملک یک مثقال

زخم کهنه استاد — موم — عدس مقشر ١ — سفیداب ١ — روغن کنجد ٤

جراحت کهنه و قروح خبیثه — سکه — زنگار — شب یمانی — سرب — ملک یک مثقال

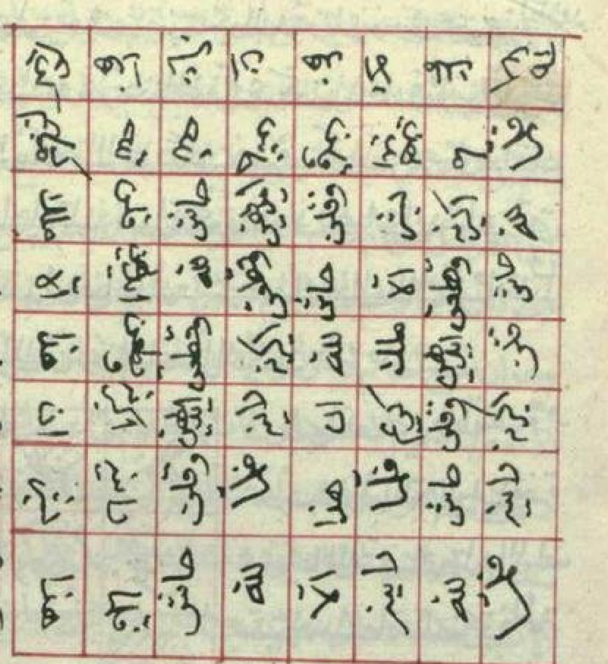
بجهت نجاح زخم کهنه ... زخمهای کهنه ... قوت دارد ... عفونت دارد ... زنجار ... کمیل الحمره ... ملح ... [illegible]

اورام فرنجیه وقروح	ید	پنبه نقره	کلمل	رسوت	مصطکی	حب کنند بقدر فلفل از یکی به پنج افزایند
	ال	ال	ال	ال	ال

تا بقدر برداشت مزاج

حب مسهل	دند مدبر	رب ریوند	مصطکی	زرنباد	حب کنند بقدر نخود شربتی ۶ یا ۷ دانه بقدر طاقت مزاج
	۶ ل	۴ ل	۴ ل	۴ ل

ویکتب هذا الوفق بکیفیته یوم الاثنین اول
شهر بزعفران ومسک وماء ورد ثم یبخر بعود
ما ویعلق علی القلب ثم یقرء الدعاء
بعد کتبت الوفق وبعد تعلیقه وبعد کل
فریضة ولعیاداء کل حاجة عند امیر او ذی
جاه فلیقرا سورة یس ۴م مره ویدخل علی من
یریده فانه یعظمه ویقضی حاجته وکذلک من
غضب علیه امیر فاذا دخل فلیضمر عند دخوله
لهذه الآیات ولما سکت عن موسی الغضب
الی یرهبون ثم یقول اطفاة غضبک یا فلان



بن فلانة بلا اله الا الله واستجلبت مودتک لسیدی رسول الله صلعم ومن عرضت لحاجته عند
احد وتلی هذه الآیة عند نهایه الیه فان الله یسهل علیه قضاءها وهی بسم الله الرحمن الرحیم ولما دخلوا
من حیث امرهم ابوهم ما کان یغنی من الله من شیء الا حاجة فی نفس یعقوب قضاها اللهم اقض حاجتی
من فلان بکرهها واداء امراة ومن اراد خدیم الجن ویغنیه الله من الفقر فلیجتهد بتقوی الله عز وجل
التی هی امتثال المامورات وترک المنهیات ویجتهد فی اکل الحلال طلبا لمرضاة الله ولیصبر علی اذی
الخلق ولیغضب ویتم بصوم ۳ ایام اولها یوم الثلثا بشرط الریاضة بترک الحیوان ثم یلبس ثوبا ابیضا
لیس فیه علامة ولا دخلته ابره ولیطهره کذلک الثوب یوم الاربعاء ویصوم له ولیفطر علی الزبیب الاحمر
فاذا صلیت العشاء الآخرة صلی رکعتین سورة الکهف بعد الفاتحة وانت فی بیت طاهر قد فرش تحته ثوب طاهر
طاهر امفردا وحال التنزیل اقوی علیه سورة الکهف وذلک یوم ۵ وانت صایم مستقبل القبلة
وتقول هذا الذکر لیلة الجمعة الف مرة او ۱۰۰۰۰ مره وهو یا لطیف یا خفی ادرکنی بلطفک الخفی
فان الخدیم یاتیک انشاء الله تعالی والا فداوم العمل کذلک فی الجمعة الاخری فلکی یاتیک الخادم فی صفت
رجل وبیده سیف مسلول وعلیه ثیاب ابیض فلا تخف منه ویقول لک ما حاجتک فقل اعطنی من حق
الله فانه یعطیک مالا ویقول لک انا اشرط علیک ان لا تشتری به شیئا ولکن تصدق بفضله ومالا
اشارة بینی وبینک فانه یعطیک حجرا اسودا فاذا احتجت الیه فتقبه فالقه فی النار واقرا الیها فانه یاتیک
حیثکان ولا یشترط الا فی المرة الاولی او فی نسخة اسم الملک رومان وله راس بقدر الترس وهذا ما نقول

از برای وجع زانو
بوره ملیله زرد کابلی زرد چوبه
۳ ل ۳ ل
ملح اندرانی ۳ زور
با آب تخم حنظل صلایه
کنند حب کنند مقدار
نخود بزرگی شربت
از یکدانه الی ۴ یا ۵
هر ساعت بعد جلاب
لیبا رجب که روغن
گاو روغن او با آنکه بخورد

بعد فراغك من الذكر اللهم اني قد تبرأت من حولي وقوتي وايقنت بحولك وقوتك فارني عجيب صنع لطفك
برحمتك يا ارحم الراحمين والبخور بخور السودان وفي نسخة الشقاوي تكون الاسماء في مخمس تعمله تحت
السجادة وطاند عوا يكون عليك دايرة من الرماد حول السجادة تكون خضرفية كهيعص حم عسق فياتيك
شخص في الصورة وانت بدعوا ويقول لك ما حاجتك فتقول له يكون عو في فيصا فخك نضا فخ حتي
يدخل الدابة والذي يعطيك حجرا اسبغنا بعد ان يعاهدك ويشترط عليك فاذا اعطاك شيئا فتصدق
به كله فاذا اردت احضاره بعد ذلك قرب الحجر الى النار فياتيك فكلما يعطيك خذه منه

يا خفي	يا لطيف	يا خفي	يلطفك	[illegible]
ادركني	يا لطيف	ادركني	[illegible]	الخفي
يا خفي	يلطفك	[illegible]		يا لطيف
ادركني	[illegible]	الخفي	يا خفي	يا خفي
[illegible]	يلطفك	الخفي	يا لطيف	يلطفك

لجرما تلف اي ديما تلف وهو
مجرب تقول اللهم يا واسع المغفرة
ويا عالي الشرف بحرمة اهل السلف
بسر بعيك ما قد تلف بحق فاطمة
وبعلها وبنيها والحجة الخلق يابي الهنا
ان تكن مثقال حبة الي يات بها الله
ولو ترى اذ فزعوا فلا فوت اللهم اجبر
على كذا بحق سورة يس والقران الحكيم

الرحمن علم القران يا عباد الله المخلصين ردوا على طالتي يرحمكم الله واجلسوها على اللهم لا تشقنا بسلاها
ولا تفتني بطلبها بحق جبرائيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وبحق محمد صلى الله عليه وآله عدد خلقه
ورضى نفسه وزنة عرشه ومداد كلماته **باب رياضة** تصوم يوم اوم وسم وتكون انت جالس في
بيت مظلم لا تكون فيه طاقة ولا شيء من الجلود ولا يكون عندك الا قدح من الماء تتوضاء فيه وانت تتلوا
هذه الاسماء امره بعد كل صلوة وهما اسما طيوش طيلوش بناحوش غاديوش ارمايوش رمانوش
موماطوش وساعوش كبكي جحوش اوطاهوش شياطوش لم لاطوش حماطوش سخاطوش حياطوش
ويكون لا تاكل فيه روح ولا ما خرج من ذو روح ولا تتكلم مع احد ولا تنظر الى النساء والصبيان فاذا كان
يوم الاربعاء عند طلوع الشمس تتلوها مائة مرة ويكون عندك ورق مقصص على قدر الدراهم كلما شئت
تكتب على كل ورقة سلطان الجن يا طوش وغطي الورق بحيث لا تنظر اليه واتلوا الاسماء مائة مرة و
اكشف عنها تجدها دراهم واترك غيرك ويشتري لك بها ما اردت ويكون تصبح لها دراهم الاحد وانت صايم
والورق موجود وما ذكرها نجوز وهذا عجيب لا بد لها من بخور ولم يذكرها لكنها لا بد من البخور الخواص

اذا اخذت المراة ضفدع وهي بالحياة من لهز ونبيق في فمها و رمتها في الماء ووطاها زوجها حملت
في تلك الساعة للشقوق الذي في رجلين يوخذ هليلج اصفر ينقع في ماء ليله ثم تعصر وتعجن به الحرمل
والنيل ويخضب به الحنا ويبيت تلك الليلة فانه لا يعود **للقوبة** يوخذ اوقية كثيرا مصرى يسحق
ناعما ثم يحل ليله ثم في صباحة ثم بالخليسم لسالين ثم يوضع اليها مثقال ذنجار ومثقال نوشادر
مسحوقين ناعما وبيضا فالبيض الكبيرة ويلطخ في القوبة تزول فان عمره كاغذ به لم ينبح الدهر عليها
وهو ان تضع الخاتم وتنزل فيه الاية وانت في خلوة صالحة مع الصوم والرياضة وقص من الكاغد
الاصفر والابيض الاصفره ورقات وضعهم في وسط الخاتم المنزل واتلوا الدعوة عقيب كل صلوة
٥٥ امرة والبخور جاوى مدة ٧ ايام فانك تجد الكاغذ مكتوبا ذهبا على بركة على سكة الامام وبعد
ذلك افعلها اى وقت اردت وهذه الدعوة تبسمل وقل كتب الله لاغلبن الاية قلنا حاشا الله ما هذا
الا بشر ان هذا الا ملك اللهم رب جبرائيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل وشمسائيل ومنائيل وكفيائيل
ورب محمد بحرمة محمد ان تعطف على خدام الاسماء بحق الكيونش طلفيونش هادنش نهادرش زرنش
الف مش الوه ام الحاليم ابدلوا هذا الكاغذ على سكة امرنا هذا وهذا صفة الخاتم المعظم منع كتب الله
٢ ١
لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي عزيز ومن تحت بالشمال كتب الى ما فهم فافهم ذلك
٣ ٤ ٥ ٤ ٧ ٨ ٩
والله هو المرشد

كتب	الله	لاغلبن	انا	ورسلي	ان	الله	قوي	عزيز	جبرائيل
الله	لاغلبن	انا و	ورسلي	ان	الله	قوي	عزيز	كتب	ميكائيل
لاغلبن	انا	ورسلي	ان	الله	قوي	عزيز	كتب	الله	اسرافيل
انا	ورسلي	ان	الله	قوي	عزيز	كتب	الله	لاغلبن	عزرائيل
ان	الله	قوي	عزيز	كتب	الله	لاغلبن	انا	ورسلي	شمسائيل
انا	ورسلي	ان	الله	قوي	عزيز	كتب	الله	لاغلبن	عنياسيائيل
الله	قوي	عزيز	كتب	الله	لاغلبن	انا	ورسلي	ان	كفائيل
قوي	عزيز	كتب	الله	لاغلبن	انا	ورسلي	ان	الله	محمد
عزيز	كتب	الله	لاغلبن	انا	ورسلي	ان	الله	قوي	[illegible]

استحضار لا يحتاج الى مندل ولا الى حجاب
وهو قوله تم بسمل وقل ذلك تقدير العزيز العليم
سلام قولا من رب الرحيم ترتاض ٧ ايام
سنكف بها صايم ولا يأكل الزفر ولا يفتي
عن قراة الاسمين ابدا دبر كل فريضة ١٠٠٥
الاف مرة والاستغفار كذلك والصلوات
على النبي ٥٥٠٠ مرة وفي الليل كذلك
فبعد السبع يظهر عليك الخادم وعلامة
الاجابة تراني راحة الكف وتلازم الطهور
في ساعة الذكر والبخور وبالله التوفيق
عمل سورة يوسف اذا كان معزولا من منصبه
او كان له حاجة تصوم الخميس اول الشهر واذا اراد الفضول فقبل ان يفطر تقرا السورة وان لم يعرف القراءة يكتبها

يكتبها بالمسك والزعفران ويجعلها تحت راسه محل النوم ويقول عند منامه لا اله الا الله ٢٠٠ مرة
الله اكبر ٢٠٠ مرة يا الله يا هو يا حي يا قيوم ٢٠٠ ثم يصلي على النبي ١٠٠ مرة وينام وينوي ان لا يظلم
احدا ويصبح صائماً او يداوم قراءة السورة بعد كل صلوة الخطمي ان على منه ٢م نفيشه ودضي على وشرب ينفع من
الزحير قشر الخشخاش يوكل من مدقوقه ٢م صبحًا و٢م عشيةً عاو دد يقطع اسهال الخلطي والدموي وينفع
من حرارة الاسهال مجرب ينفع من الزحير والبروده والدم يوخذ قاطر وكهربا وطين ارمني وصمغ عربي بمكلي
لبيق الصمغ او الحمض في دهن ثم يدق ويخلط الكل في شراب وبراس ويلعق منه الكرا وايا ٥ منه يلعق بعد
٣ ايام على الريق يقطع سحج الامعا ونزول الدم ويمنع الاسهال مجرب كسوف دواء الدق فيه الحيات والديدان
٥م منه وتخلط بعسل وبلبن حليب او حامض او بماء ويشرب يسهل اسهالاً بلا مشقة يخرج الدود والفزع وهو
منهور النفع فاما البرهتيه قد تقدمت وهي بلا نقي وغيره وهي ٢٤ اسماً وقد كثر الغلط فيها ثم اني تلقيتها
بالسند ونقلتها من خط الشيخ العارف بالله احمد ابن احمد العجيل وهذه صورة خط برهتيه كرير تيليتيلح وسماء
العهد هذه تغلبقا منهم اقش اقشا مقش قد تقدمت وقبل القراءة عزيمة البرهتية تدعوا بدعاء
البرهتيه ٤٥ مرة وهو هذا بسم الله المحيط القديم الذي ساطع نوره جميع الاكوان واخذها بقوة جبروته
وهيبته على كل ملك وجني وسلطان فخافته جميع مخلوقاته وتواضعت وتواضعت الكروبيون من اعلا مقاماتها
وسجدت واجابت دعوة اسمه الاعظم من تكلم به واسرعت اليه حاجته في المكتوب المحكم في الواح قلوب المتصرفين بدوح
اجهر ط تغلبقاش مهراقش اقشا مش فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الكريم لا اله الا هو رب
العرش العظيم ثم بعد اقرا البرهتيه ٥م مرة هذا ما اشار به الي الشيخ واما صورة العهد الماخوذ عليكم باخلاص
هذه الاسماء فيكم فيما امركم بعزة العزيز الحق في عز عزة واوفوا العهد لله تعالى كفيلاً وبحق الذي ليس
كمثله شيء وهو السميع البصير احضروا واطيعوا وكونوا عوناً لي على جميع ما امركم به وتوكلوا لي بجلب جميع المنافع و
الرزق والخير ودفع جميع المضار وعن ما يخطر شفقتي بحق الاسم الذي واضعه ال ال سلغ يوغ بوه ببر
سيبهم تنكبة تنكفال عليكم اصمت وعزمت بعالم الغيب الى المتعال حهر اقش اقشا مقش تغلبقاش ومن
يعوض عن ذكر الى صعدا بحق المجلهو زحط وبحق ذهج واج وبحق بدوح اجهر ط ولا حول ولا قوة
الا بالله وفق العضم في الثلاثي الطبيعي يكتبه يوم ... وبعد الكتابة فالعزيمة كتب حوالية الاسماء وما فيه و
اسمك واسم امك واسم من تريد واسم امه وقل بحق هذه الاسم الوفق الثلاثي وما فيه من الاسرار افعل
لي ما هو كذا وكذا وتكتبه بزعفران وماء ورد وكافور ومسك ثم ذكر منافعه ثم ان العزيمة تقرا في
كل مهم عدداً غير العدد الاخر فتقراء للجلب جلباً لفانيات ١١ وللصلح ودفع المناجرة ٢٥ وللمحبة ود

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وعلى اله وصحبه اجمعين اما بعد فهذا كتاب
مسمى بالجفر الصغير للامام امير المومنين على بن ابي طالب كرم الله تعالى وجهه ومعرفة رموزه اربعة جزء اول
وثانيه صفحه وثالثه سطر ورابعه بيت فالجزو يدل على الاقليم والصفحة تدل على الاسم والسطر يدل على
المدة فافهم وتدبر صبران كنت به اعلم والله تعالى اعلم قال سبحان ذى الملك لا اله الا هو القادر القاهر
والحى النعماء المانع المانح ذى العطايا العالم الاسرار والخفايا مقسم الارزاق مبدع الدول ومرسل
الهادى الرسول المكمل محمد الهادى رسول الساعة وصاحب البراق والشفاعة فهو الذى يخبرنا عن ربه
بما نادوما دنا من قربه يا سائلى عن مهمات الامور وعن حكم عصر ليسكوا فى اعلى التوالى فى نظم
سلك كل حرف وال فها لكم اسرار مصونا مكتم عن غير ذى لب وعقل لم ينم وهو الذى اودع السر الحروف
عن فاضل ليث همام حبره اعنى على ابن عم المصطفى من العلوم قد حوى ما خفى وقال يا اهل العراق طرا
اخبرتكم عن حادثات تترا واوسع المقام والمقالا مبينا قوله احوالا فخذ من القول النفيس ما مدا
وحل رموزه تنل طرق الهدى عين وكاف دال حاء ثم ميم تخللت ذا ولد وذا عقيم وخلف بالدال نون
حكمت وبعدها تفتنوا امور انظمت لكل حرف منه معلومة زوج وفرد كلها معلومة مرقومة
اليا تلى بالترك مصر مدة والستين منها ثم واو بعده كضد عم الميم من قاف نيم استبا العرب الورى حيم
بانفرادا اياما واسواما تلى والفا منها ودمشق تنجلى بخارجى الشرق ثم لا يصل مصر وفى حال الرجوع
سيفصل ينم بالايام لا اعواما ثم تلى شين غنل مقاما ومن بعده خلف وبنا سبكه وقد تراياما سعيد
ثم لا الف تاتى بفرد حاكمة والطا يليها ثانى الملاعبة وحكيما دال من الشهور والطا ايام فى العدد المقدر
وبعده ياتى اخى من امره فى ستة عشرة وندره ويقوم منها الثا وجيم غالبه يخلف عنها بالمرام طالبه
والفا منها بالالف لا تبقى لكنها تطلب عود احقا فتختلف فيها امور اعدة ثم يلى حا وشين بعد و
بصر العم وابن الوحص والجيم باتى خيفة موجوده فيا له من قايل ما احوده ذى سيرة سريرة مسددة
وحكمه بالفرد فى الاعوام واحكم له بالزوج فى الايام وبعدها تسعين اياما نار بارض مصر فتعالى ربنا
وبعدها والف وسين الغين لم يبق لها معين بقا تلك الافرنج بن ثم ميتين وبكيه والايثم كسر تين ثم
تلى عين ودال وفتن صبرة الشام لها طار وطن والطا فى الشهيا تراه عاصيا مخالفا مخالفا وقاصبا
ويتى الحرب بارض الشام ومعه جمع من السلام الاسلام واحر قلبى على الشهداء ماذا بها يضعفك من
دماء ومن يعش حتما يرا امورا هيا وتبقى الامور لونا والنيل لا شك خراب مصر وبحر اغراق لكل نغر

ولدى فى

وليس في هذا النظام الا ملوك ملك نظمت لمملا وان نزد مبتقان كل واحد حنا فذلك الجفر الكبير واحد
وبين اثنا الحروف خلف ويخل منهما ان بدا من يصف فكم حروب وخلاف وفتن والقصد اظهار
الذي فيهما اسكن والحكم لله العلي القادر فهو الذي يظهر للسرائر والملك لله العلي ذو الوف
والحمد لله تعالى وكفى تم الصلوة والسلام العالى على النبي المصطفى والآل كتاب الجفر الكبير لامير المؤمنين
علي بن ابي طالب عليه السلم المسمى بالجفر الجامع والنور اللامع وجدته مكتوب على الاصل المنقول منه ما مثاله
هذا الكتاب النوراني والباب الصمداني نقل من نسخة قديمة برسم خزانة الامام محمد المهدي وهو
ورثه عن الامام الحسن العسكري عليه السلم وهو ورثه عن الامام محمد التقي وهو ورثه ابيه عن الامام علي النقي
وهو ورثه عن ابيه الامام موسى الكاظم وهو ورثه عن ابيه الامام جعفر الصادق وهو ورثه عن ابيه
الامام محمد الباقر وهو ورثه عن ابيه الامام زين العابدين وهو ورثه عن ابيه الامام الحسين وهو ورثه
عن ابيه الامام الحسين وهو ورثه عن ابيه الامام علي بن ابي طالب عليه السلم كتابين احدهما قديم والثاني
حروف در رموزا متفرقة على طريق تبين سفرا دم بعين رق صبغ في جلد بعير والحال هذا الكلام والله تعالى
اعلم بالغيب وهو الاول والاخر والظاهر والباطن بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي الهم وفهم وعلمنا
من العلوم ما لم نعلم وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه ولي بالقدرة العلي والمجد الافخم وبعد فهذا
انفث الالوان من روح الاكوان ينفجر منه ينابيع الكشف والبيان في معرفة حوادث الزمان اقتضى وارد
الوقت والحكم وقضاء ته لحزم ايراده في هذا السلك الغريب والدر العجيب لسلامة فان القلب من جهة
الالهام ويقوم اللسان به خطيبا على منبر الافهام في حضرة الخاص والعام وينادي عليه ترجمان النقل عند ارباب
الفضل ليكون دليلا للملوك والامراء وخليلا لاولي السلوك والكبراء وهذا عالم ليحيطوا بعلم وقد ذكره في هذا
الكتاب الناطق بالصواب خبر الامام علي ع وهو الف وسبعمائة مصدرا عن مفاتيح العلوم ومصابيح النجوم
المعروف عند علماء الحروف وهذا القانون القويم والصراط المستقيم الذي يحوي فيه نحو الصواب
وجعلته عمدة لاولي الالباب قد اخبر تفصيلا اقاليم السبع واحوالها والخلفاء وافعالها والملوك وملوكها
وامراء البلاد واتباعها واملاك الحصون واشياعها وملاك الحصون واشياعها وقواد العساكر وانفرادها
ووزراء السلاطين واسرارها والمهدي وزمانه والدجال واوانه والسفياني وخروجه والكرماني وولوجه
والحادث وسره والكردي وامره والرومي وخبره والزنجي واثره والاعرج وخرابه والاحول وحرابه و
الترمزي وشره والمغربي ومكره والواقفي وحوره والفارسي وموده والعثماني وآيامه والنصراني واعلامه
والبلغاري وشأنه والاصفهاني وامكانه ونزول عيسى بن مريم وظهور دبيع وقتال العلج الاشقر وظهور

نبى الاصف[illegible] ياجوج وماجوج وسدهما وخرب البلاد وحدهما وانقطاع [illegible]هما وانقراض العباد
ونزول [illegible] فلبو قتال السفيانى فى رجب ودولة الخوارج والاتراك الهوادج وقتال [illegible]
[illegible]دا اصفهان وفتح الرومية الكبرى وقسطنطنية العظمى ونزول العاديات السوابق بمرج دابق والملحمة
العظمى بمرج عكا والخسف والزلزال والرجف والبلايا وظهور النار والدخان وانقطاع الصلبان وخسف
خرسان المنام والعلا العام والنار اللتى تحشر من الناس من المشرق والمغرب والخسف الذى هو المشرق بجزيرة
العرب وبالمغرب وظهور دخول الضرب بالغرب والحرب ومتى يكثر الهرج على جانب الزنج ومتى تظهر يكون
القيم الواحد لخمسين امراة والحاكم الواحد على ماتنان امراة ومتى سفيان وابن احمد ويظهر السيف فى
الشتاء والصيف ويظهر الحجاب المطرقة بسهامها المتفرقة ويظهر العالم وسكت الظالم وتنكس الامور
ويقر المحصور ويظهر العجب بين جمادى ورجب ويصير العباس امام الناس ويفتح الراكب البحر فى المدينة
المصرية ويكون الولد غيضا والمطر فيضا ويملك الجزاير فتهتك الجزاير ويظهر الشقاق بارض العراق و
يفتح حم بلاد الهند ويس بلاد السند ويحكم الصبى صاحب الوجه البهى ويعز الفراء راعى الفلاة ويغور
الماء وينقلب الهواء ويموج البحر وينشق النهر ويهدم القصر ويظهر النصر يوم الجمعة بعد العصر وينزل الاعور
على الموج الاخضر ويظهر الكنوز وينكسر الكوز وتفك الفوز ويحل ويجلس على السرير حرف الشين وتقلب
بالروم حرف السين ويعبك الجيم حرف الياء ويقتل الميم حرف الباء ويظهر العين على الجيم والميم على الميم وتقتل
الميم حرف العين ويجلس الشين مع العين وفى اى اوان يخرج المحبوس من المكان المكان ويفك الاسير ويجبر
الكسير ويكون الحرب فى البحر ٣ امة وفى البحر ٢ امة ومتى محمد يصالح محمدا ويصير ارض المغرب مرو وجبالها
ورياضنا واهلها ويفتح ابواب البكا الولد البكا ويجلس

يؤس وه ينقطع النيل ويكثر القتل ويموت الفيل ويعم
الحريق ويظهر الفريق ويهدم الروم الحصون ويصبح فى نواحيها اليوم ويظهر سعيد صاحب الخصال الحميدة
ويقيد عباد الاوثان ويرتفع القرآن وتقوم الساعة وتظهر الشفاعة الى غير ذلك من الامور الجسام و
الحروب العظام والله اعلم والغرض من هذا السر الباهر والرمز الفاخر لمع ولوايح لارباب الذوق و
الروايح لانه من العلوم الحكمية الفاتحة لابواب المدينة لاعينة ناسوتى ولا نظير بلاهوتى وهذا هو العلم الذى
حصن به المحمد والعلم الذى سيدنا محمد صلى الله عليه وسلم سره وعلى بابها وهذه الابيات يا ابى جوهر علم الابوح به لقيل انك
ممن تعبد الوثنا ولاستحل رجال المسلمون دمى يرون اقبح ما ياتونه حسنا قال الامام على لو حدثتكم كما سمعت
من فم ابو القاسم لخرجتم من عندى وانتم تقولون اى على من اكذب الكاذبين وافسق الفساق قال الله تبارك و

تعالى

وتعالى عما كنتم بوا ان يحيطوا بعلمه وقد ذكرت في هذا الكتاب الناطق بالصواب جفر الامام علي بن ابي طالب
وهو مصدرا من مفاتيح العلوم ومصابيح النجوم المعروف عند علماء الحروف بالجفر الجامع والنور اللامع
وهو عبارة من لوح القضاء والقدر عند الصوفية وقيل العلم المكتوم والسر المصون وقيل باللغة الخفية
عند السادة الحرفية وهو عبارة عن مفتاح الاسرار الغيبية وقيل انه مفتاح اللوح والقلم وقيل مفتاح
الحكمة وقال اهل الملاحم هو عبارة عن شرح حوادث الكون وقيل هو مبين غوامض الامور ومفسر حوادث الدهر
وقيل هو مفتاح العلم الالهي وقيل سر القضاء والقدر وقيل مفتاح العلوم وهما كتابان جليلان احدهما
ذكره الامام علي بن ابي طالب صلوات الله عليه وهو قائم يخطب بالكوفة على ما سيجي بيانه انشاء الله تعالى
والاخر اسره رسول الله صلعم وهذا العلم المكنون وهو المشار اليه بقوله انا مدينة العلم وعلي بابها وامره
بتدوينه فكتبه الامام حروفا مفرقة على ادم في جفر يعني في رق قد صنع من جلد من البعير فاشتهرة بين الناس
في جفر الجامع والنور اللامع وقيل الجفر الجامع لانه قد جمع فيه وفيه ما جرى للاولين والاخرين
والناس في وصفه وتكسيره فمنهم من كسره بالتكسير الصغير وهو الامام جعفر الصادق جعل في خافية الباب
الكبير اب ج د الى اخرها والباب الصغير فيه الحروف الى قرشت وبعض العلماء قد سمى الباب الكبير بالجفر الكبير
والباب الصغير بالجفر الصغير وهو مصوب ومقلوب فاما الجفر الكبير فيخرج منه الف مصدر والجفر الصغير
فيخرج منه ٧٠٠ مصدر واعلم ان جميع الاقلام مرتبة على ترتيب ابجاد الا القلم العربي ومنهم من يضعه بالكبير
المتوسط وهو الاول والاحسن وعليه مدار الخاصة العمرية والخافية الشمسية وهو الذي يوضع به الاوفاق
الحرفية وله وجوه كثيرة واسرار عظيمة ومنهم من يضعه بالتكسير وهو الذي يخرج منه جميع الالقاب والاسماء
ومنهم من يضعه بطريق التركيب الحرفي وهو مذهب افلاطون ومنهم من يضعه بطريق العددي واكمل من
هولاء موصل الى الغرض المطلوب والشان المقصود فهم قد فتحت الباب لمن اراد الدخول والله
يقول الحق وهو يهدي السبيل واعلم ان لكل علم له بيان وكل بيان له لسان وكل لسان له عبارة وكل عبارة
لها طريقة وكل طريقة لها اهل ومن اعز الاشياء علوم الاولياء وتشبهها علوم سواهم ناظرة لها
يحذوها بقوة واعبد ربك حتى ياتيك اليقين وقال الامام جعفر الصادق عليه السلم منا الجفر الابيض ومنا
الجفر الاحمر ومنا الجفر الجامع وكانت الائمة الراسخون من اولاده يعرفون اسرار هذا الشان العظيم و
لما كتب بعض الخلفاء الى علي بن موسى الرضا على ان يبايعه علم ان الله تعالى استر علمه عن اكثر العلماء لما فيه
من نتاج السلوك ودوام ملك اعجاز الملوك ولما فيه من الحكم الالهية والمصالح الربانية وعلم باذن الاكابر
ان يعرفوا منه بعض اسراره التي يشتمل عليها تركيبها الخاص المنتج انواع التسخيرات والتاثيرات من القهر

والاستيلاء والعزو والامانة والاخاء وغير ذلك من الفوايد والجواهر الفريدة وفيه اسم الله الاعظم وتاج
ادم وخاتم سليمان وحجاب اصف وما زال اهل التحقيق من العارفين كابي عبد الله السلمي وسهل بن عبد الله
التستري والتوفيق من التالفة كابي محمد الحسن البصري وسفيان الثوري يعظمون شانه ويحيطون من شانه
ويلتمسون اسراره ويجتنون ازهاره ويقتبسون انواره وقد ازدحم على بابه الراسخون من العلماء والحاذقون
من الحكماء حتى ترق من اسرارهم ما سره اشمل والمجمل بما كمل بعد ان قرات سفر ادم وسفر شيث وسفر نوح و
سفر ابراهيم عليه السلام ثم كتب ينبوع الحكمة لاصف بن برخيا شرنيا وكتاب سر السر وكتاب الجمهور والصحف
الاولى والعهد الكبير والاضباس وكتاب اللوح والقلم ثم حللت رموزا خافية من القمرية والخافية الشمسية التي
شرقت في اسماء روحانيتي شمس العارفين الالهية والاسرار الذوقية مع فوايد شدت اليها الرحال وخدمت
لاجلها الرجال فاستنطقت لسان المعارف وانطقت ترجمان العوارف واملي هذه المفاتيح الغيبية والمصالح
القدسية التي لا يصل اليها الا افراد العارفين واحاد الراسخين فامسكت على عاذلك العنان واكتفيت
عن الاخبار المنقولين بالعيان الجزء الاول بسم الله الرحمن الرحيم وقد ثبت عند العلماء واهل الطريقة وارباب
الحقيقة بالنقل الصحيح والكشف الصريح ان امير المؤمنين وامام المتقين ليث الله الغالب علي بن ابي طالب
كرم الله وجهه يوم قام على المنبر بالكوفة وهو يخطب الناس بها فقال عليه السلام رحمه سبحانه وتعالى بسم الله الرحمن
الرحيم الحمد لله البديع السموات وفاطرها وساطح المدحيات ووارنها واطي الجبال وقافرها
ومنجر العيون وناقرها ومرسل الرياح وزاجرها وناهي القواصف وامرها ومزين السماء وزاجرها و
مدبر الافلاك ومسيرها ومقسم المنازل ومقدرها ومنشئ السحاب ومسخرها ومولج الحنادس ومنورها
ومحدث الاجساد ومقررها ومكور الدهور ومكررها ومورد الامور ومصدرها وضامن الارزاق
ومدبرها ومحي الرفات وناشرها احمد على الائه وادخرها واشكر على نعمائه وتواترها واشهد ان لا اله
الا الله وحده لا شريك له شهادة تؤدي الى السلامة وذاكرها واشهد ان محمدا وعلى اله الخاتم
لما سبق من الرسالة وفاخرها ورسوله الفاتح لما استقبل من الدعوة وناشرها ارسله الى امة قد اوثر
شغلها بعبادة الاوثان وشاعرها واغلطس بعبادة الاصنام وماهرها وتقحم لجج الجهالة سادرها
وفجر بعناد الشبهات فجورها وهدر على لسان الشيطان بقبول العصيان طايبها ويتيم احكام الاحكام
نزحرف الشقاق اكرما اكرما ما بلغ عليه الصلوة والسلام في النصيحة واوفرها وغاب لجج بحار الضلال
وغامرها وانار منار اعلام الهداية منابرها ومحا بمعجزة القران الشيطان دعوة الشيطان ومكائدها وارغم
لمعاطس غرات العرب وكافرها حتى اصبحت دعوته بالحق ناولذاهرها ومخبرا بالصدق بقول شاعرها

وينطق ناصرها وشريعته المطهرة الى المعاد بفخر فاجرها صلى الله وسلم عليه وعلى آله الدوحة العليا وطيب
عناصرها الهيا المثل سار المثل وحقق العمل واقدم الرحيل واقترب الاجل وصمت الناطق وبضق الرا(مق)
وحققت الحقائق ولحق اللاحق ونقلت الظهور وتفاقمت الامور وحجب السرور واحجم المغرور وارغم
المالك وضعت المسالك وملك الحالك وهلك الهالك وعمرة الغزات وكثرت الحسرات واكدت العرات
ولحت العصرات وقصر الأمد وناء الأمد ودهش العدد واوحش الفتل وحجبنا الوسايس ودمشت
بها الحواس وعطلت المساكر وحذل المنافس ولجت الامواج وخفت العجاج وضعف الحجاج واطرح المنهاج
واشتد الغرام واتخفت الاوام ودلف القيام وازدلف الخصام واختلف العزم واشتد الطلب وصحت الصب
ونكص الهرب وطلبت الديون وبكت العيون وشكت المغبون وشاط الشطاط وهاط الهياط ومط الغلام وعجز
المطالع وصلت الدفيح واظلم الشغايع وصمت الاسماع وذهب العفاف وغلب الخلاف وسمح الانصاف وامرج
الشفاف ورغب في الكفاف واستحوذ الشيطان وعظم العصيان وسلت الخصيان وحكمت النسوان وقدحت
الحوادف ونفثت النوافث وعبث العوابث وهجم الرامث ومدت الاحواز وحافت الاعجاز وظهر الاسعار
ومهو الرحال واختلف الاهوى وعظمت البلوى واشتد الشكوى واستمرة الدعوى وفرض الفرايض ورفض
الرافض وقصد الناهض وقصد الناهض وسعد الفارض ولحظ الملاحظ ولمض الملامض وعض المناظط
ورض الفاضظ وتلاحم الشداد ونقل الحاد وعز النفاد وعجب الفلاة وبحث الملاه هذا وسنت الفلاة
وخعجعت الولاه ونضا البادح ووهم الفاسخ وتجهرم السالخ ونفخ النافخ وزلزلت الارض وضيعت
الورض وتجم القرض وكيبت الامانة وبدت الخيانة وحبت الصابر وعزة الدهانة وانجد الغيض وداع
الغيض وكوم العبيض وقام الاعيا ونال الاشقيا وتقدمت السفها وتاخر الصلحا وماجت الجبال واشكل الاعمال
وشمخ الوبال وساهم النجح امعن الفصح وتفهم الجريح واحز نظم الفجح وكلف البزوغ وخلخل البلوغ
وافرز المالور ومكن الشرود وغلبت العوش وكسكس الهموش وناهش العكوش واجلب الناموش ودعدع
الشقيق وجرثم الابيق وحجب الطريق وثور الوثيق وزاد الزايد وماد المايد وقاد القايد وحبلحد و
كد الكد وخد الحد وسدد اليد وعرض الفارض ورفض الرافض ووهنا الراكض وضال الظل وغال العل
وفضل الفضل وثال المثل ونشت الشتات ونضوح النبات وشمت الشمات واضر المدبات وكلا الهرم
وقطع الوصم ولسب الوهم وسدم الندم واب الناهب وذب النايب ونجم النافش ووصب الواصب وارون
القران ولحم الدبران وسدس السرطان وربع الزوقان وثلث الحمل وساهم الزحل وتسبب المنول واشعت الغشل
واقل القرار ونضب الحبار ومنع الرحال واستبد الاقراز وكملت الفتن وسللت الهجرة وعزة الكثرة وعزة الوضم

وظهرة الاماطش وخمت الملابس بوجهم الكساكس وتقد سهم العباسي فيكدحون العلماء ويملكون الشرائر ويهتكون الحرائر وتخنون كبنان ويخربون الخراسان ويفرقون ويلحون الديوان فيهوهون ويفرقون المحطون ويهجون العراق ويحيون الضاق ويتبعون الشقاق بدم نذاق فاماثم اه بعريض الافواه وذبول الشفا ثم التفت يمينا وشمالا وتنفس هلالا وتنفس الصعدا هلالوا قواه امينا وتاسف حزنا وتلهف دنفا وبرحد اسفا وتنفس خشوعا وبحرحتو فقال اليه سويد بن نوفل بن الهلالي فقال له يا امير المؤمنين انت حاذر ما تكون واعلم بناوبلها اخبرت فالتفت اليه عن كثبه ودمعه بعين الغضب ثم قال له ثكلتك الثواكل ادرى الفتن تتابعت والزوج استحلت والاموال استقلت ولكن هلاكلم من بيلكم وبلاؤكم وتدبيركم واليكم سيتى فتن الارض باسرها وعليكم تدور بخيلها ورجلها وقبرها ووبا ويلكم يوم تخنون على الركب وتودون لو ذهبتم مع من ذهب ويا اعدلكم عن خطوب مرهجة وكروب منحجرة اذا سادت السفلة وارتفعت بطلة وقول الظالم وضعف المظلوم وكان الحق بينكم مكتوم وبعد دول الخوارج تظهر الاتراك الهوارج فعندها يظهر السفاح الذي قد عظم قدره وتودد خدة فتزهر الارض ويتبلو تجوانبها وتسيل سبيلها القوم تليهم لاهين وهما اعدلهم لاهم واهين لهت السبع الشداد وانقلبت الاباد واولاده وظهرت العلامات المذكورة والايات المشهورة وحصل ما في الصدور الا الى الله تصير الامور والصلاة على الدرة الفاخرة وصحبه سادات الدنيا والاخرة امين وصلى الله عليه وسلم والحمد لله وحده بسم الله الرحمن الرحيم

الثالث قال الله تبارك وتعالى مرج البحرين يلتقيان بينهما برزخ لا يبغيان يخرج منهما اللؤلؤ والمرجان فاطمة حسن ومحمد وعلي حسين فالغرض اشارة الى البحر الازلي والزوج اشارة الى البحر الابدي والبرزخ اشارة الى السر المحمدي يخرج من بحر الازل اللؤلؤ ومن بحر الابد المرجان فباي الاء ربكما تكذبان بسم الله

بسم الله الحمد لله ص عدد اسم الله و سر الله واسمه لر ملك الرب حم حماية الرب اعلم ان محمد ام عليه هو صورة الفيض الاعظم والامام علي هو صورة العقلي والكلي وهو القلم الاعلى لهذا العالم وفاطمة هي صورة حقا النفس الكلية وهي اللوح المحفوظ والحسن هو صورة العرش والحسين هو صورة الكرسي والائمة الاثني عشر اولاده صورة البروج الاثني عشر والامام محمد الباقر والمهدي صورة العالم الدنيوي وابو بكر وعمر وعثمان وعلي وزبير وسعد وسعيد وابو عبيدة صورة حملة العرش الثمانية قال الله تبارك وتعالى تجري باعيننا قال علي صلوات الله عليه علم الحروف من العلم المخزون لا يعرفه الا العلماء الربانيون محمدا ول شجرة الملك وفي سفل عدده على عثمان الملك ال ...يعرفون القاف بلا اختلاف وينزع الروم من القوم في بلاد الروم السابع ميم الملك النهاية ميم الملك الملك لله يؤتيه من يشاء وينزعه ممن يشاء المروان بدلت بال عثمان

والنفاح

والنكاح هو السفاح وعبد الله يعبد الله ذلك تقدير العزيز العليم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم دولة الاشرار
مختلة احيانا اذا هالك الاراذل هالك الافاضل محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد محمد يفتح الابواب
الاسرار الامن صعد الى عالم الانوار فهم هذه اللسان يا صاحب البرهان ان المتكلم واللافظ والمبلغ الحافظ
فبادى الصور والمجهولة لارباب الصور والمعقولة فالمنهاج لاهل الطريقة والمعراج لارباب الحقيقة ذلك فضل الله
يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء فالواصل هو الذي ظفر بالحكمة
التي ذمتها هامة الدهور والاسرار التي كنزتها قياصر القصور والصلوة على الزمونة الخضرا والياقوتة
الحمراء وبعد فكتبتنا باقلام بربرية لذوي العقول الروحانية في اللوح القابلة المدنية صور واي صور في كل
واحد منها رموز واشارة ولغوز وعلامات واسرار وامارات يسعى بها الوارد الصادر وقطوبى لمن
كان عليها عابر ويا حسرة الحاير ان لم يكن له ناصر غندي رموز كنوز لبس بديكها من انه العشق الا من علي
قراه ٥٥٥ لحى والرابع بسم الله الرحمن الرحيم المص كهيعص محمد طسحقوا لله محمد محب خالق احمد الحروف
النورانية وهي عم اسعر من يسمع الاخبار من غيره واسطرها عليه سمعها بوسايط قبل وليس سماع الالفاظ كمشاهدة
الحاط ولسان العيان انطق من لسان البيان وشاهد الاحوال اعدل من سامع الاقوال الم الالف لام ميم
قال بعض العلماء من اهل البيت الف اسم الله ولام اسم جبرئيل وميم اسم محمد مصر وشام وروم وعجم و
سند وهند لولا الجود ما ظهر الوجود ولولا الاثار ما ثبت الاسرار قال ابو بكر في كل كتاب سر وسر الله تعالى
في القرآن العظيم وسر القرآن العظيم في اوايل السور واعلم ان الحروف في اوايل السور من القرآن العظيم لا ينكر
اسرارها ذو عقل سليم ودين قويم وصراط مستقيم وقد تكلم العلماء الشرعية على معانيها بما هو معروف
فالمنكر ذلك والعياذ بالله تعالى عن الرشد مصروف قال علي بن ابي طالب لكل كتاب صفوة وصفوة هذا
الكتاب حروف التهجي وقد كانت الحكماء تكتب هذه الاحرف على حياة الاجسام حتى تخضع لها الانفس بالعباد
الامور اعتدوها المتكبر يوزها عند ارباب الانوار وعند انهاظاهر عددها تنقرض الملة الاسلامية
ادامها الله تعالى ما دام الفلك وسبح ملك وذلك بحساب اهل المشرق وهذه الحروف مفاتحها الم ونونها يس
وحملها على تكرار الحروف ثمانية وسبعون حرفا والثمانية منه البضع قال عليه الصلوة والسلام الايمان بضع
وسبعون شعبة وهذا اعداد نور اسم الله تعالى حكيم وهذه الحروف الروحانية والكلمات النورانية هي محيطة
بعالم الكون والفساد وكل حرف منها اية من ايات وصفة من صفاته فمن عثر على اسرارها فقد اطلع سر النبوة
والحمد لله تعالى وحده والصلوة على سيدنا محمد الحزب الخامس الاول بسم الله الرحمن الرحيم هذا وان مهدي
الزمان محمد هو سر الاعظم مرحم ددج الى العدد احد والسيف واحد البيح قد ساح والقمر قد لاح والفلاح

قد باح والعطاني قد صاح والكوماني قد ناح بسم الله الرحمن الرحيم ب س م ا ل ه ر ح م ا ن ابليس يفر من حرف اسماء
اسم ومحمد يفر عند حروف اسم الله الاعظم ا ل ا ه م ح م م د د ح ج ا ل ف فهم الرمز تفز بالكنوز اذا انفد العدد
فجمع العدد واطلب المدد من الفرد الصمد واعلم ان جميع اسرار الله تعالى في الكتب السماوية في القران وجميع ما في
اسم الله في باء بسم الله وجميعها في الالف في النقطة التي تحت الباء وقال الامام علي ع وانا النقطة التي تحت
الباء وقال عبد الله بن عباس لكل شيء اساس واساس الكتب القران واساس القران الفاتحة واساس الفاتحة
القران بسم الله الرحمن الرحيم يا محمد قدم لسيفه دشر بالسيف اوانك غدان ودقتك قد حان يا محمد ابشر بوصال
اهل الجمال سوف تخرج يا محمد من سؤال عدك سعدك سعيد وجدك الحميف نا انفد عد بسم الله الرحمن الرحيم
وبسم الله ولد القايم بامر الله يا محمد انت المنصور باذن الملك الغفور واعلم ان من فهم سر الحمد التي هي سبع
المثاني في اول الكتاب حمد الجنة وهي مركبة من احدى وعشرين حرفا وقد اسقط منها الثاء والجيم والخاء والزاء
والشين والظاء والفاء وهذه الحروف تسمى سواقط الفاتحة وانزلت في الكتاب الاول ام من قرء سورة بتر
من هذه الحروف التي هي ادنى الذي حرم الله عليه النار وقد جمعوا في ايتين كريمتين من سورة الانعام ولا
تنفق حادثة من حوادث الكونية وفي السنة وفي الشهر وفي اليوم حتى الساعة الا وفيها حرف من هذه الحروف من
زمان انبيا ادم الى زمان محمد ص ولا تقوم الساعة الا في يوم الجمعة ومن فهم سر حرف الشين منها فهم وقت خروج
المهدي ع ومن دابة فهي لا يصبح يوم الجمعة الى قيام الساعة واما الحرف الثالثة فقد قلت مبينا افهم الاشارة
يا صاحب العبارة واحسن البحث بالامارة ان كنت تبغي علومنا المختارة واستفهم الاسامي يا حبيبا سامي وارتق
الضد باهمامي فالضد هو الاسم التاكين من كل رومي وتركي راكب كجر كس وبلجد وجنكر وجمق والكرخي
فافهم من كلامي فما اوضحه كقياس فما انسبه لهذا الاسماء ما كانت في كميتين الا على ولا في طليعة الافتن لا
في عسكر الاوهن واحذر العنان لا تكون ابدا في خدمة نكبة ممتد وحاشاك ثم حاشاك من اذن حمد واما
الضيان فلا يزال بينهما الخلاف كنز السيف الخلاف وان شككت في قولي يا انسان فانظر الى ما جرى في سالف
الازمان فاذا وصلنا الى ما نحن بسبيل الله ثم تو بتنا وقت السحر ارسلت يا امير المومنين طلايع منضودة فنعى
الغني لما في الصورة والبدء بالله لا نساء فانا عمدة السواء قد اختاره كليم الله في سالف الزمان اي وحق
عالم ديان فانهم فوالله لم يسمع عن مثل هذه الاسرار الا خواص العلماء هذا الشان ولولا القام الدينية ما ظهر الا سراد
الالهية كما لكم تدعكم بشر ورعسي حبتما في تسئلا في سر سعد نجد الى سر سعد نخيلا بتوافيرا هو الواقع الا
في كم سرة كانت لحز هليه بظهر نوى نظيهر قلب صليب بكسر هفيلعا لمونا والله اعلم واعلم ان من فهم سر الحروف
فالبداية يا طالب النهاية من شجرة الخلاف بلا خلاف قال امير المومنين ع ويل لاهل الارض من طولها والعرض

من شجرة الحنظل وجمرة الصندل كيف الخلاص من الاقفاص لولا شاهين الوجود يصير على افراخ الوحش لما
حسن للمقام بارض بابل ولا طاب الوقت للمن ناصح ولدا العنان الفاشم الحبان فانه فى طغيانه يزيد وفى
عدوانه عنيد لو اسفاه على السيد الجليل من العلم المستطيل كان وفى الوقت من يوداوهذه صورة شاهين الا سرار

يا طالب اثار الحكمة تمام الفضايل ومعرفة الله نعم
اوايل الاول قال امير المومنين على بن ابى طالب صلوات الله عليه العلوم نقطة كثرها الجاهلون والالف وحده عرفها
الراسخون والباء مدت نطقها العارفون جم وصلة تاملها الواصلون والدال دو حترقدسها الصادقون
اعلم ان من الحروف فى الواح صدور العلماء مرقوم وسر الاعداد فى صحايف افكار الحكمة مرسوم وسر الكيميا فى ذخيرة
اولياء القدماء مخزون وسر التسخير فى افاق القلوب للاولياء مكنون وسر الاسماء فى مرات بصيرة الانبياء
مرقوم وسر الكلام فى عسس سماع مع عرش سماع الارواح مكتوم فافهم هذه الكلمات الوهبية والنفحات القدسية
كل شيء الا الذى هو واحد وكذا الشفيق كلما هو فاقد وتنوع الاشياء سر غامض فالخلق شيئا
والحق واحد



طروا حد جم ما جل حفظ بر لا حيد كان دفنه فيه وهذا الالف حار الف با فى هذا الالف على وجه الارض
فى الطول والعرض عامى الا ويخرب ولا دين الا ويذهب قال ارباب القلوب المطلعين على اسرار الغيوب
بداية الخراب من ظاهر الخراب عند جناح الغراب وخراب الشام عند صباح الهام وخراب الروم عند صياح
البوم وصياح القلب عند صباح الكلب وانقطاع الغمام عند صياح اليمام وخراب الفارس عند صباح
الحادث وخراب القصو عند صباح العصر وانقطاع النيل عند الفيل نزول السيف سيظهر سر السيف
فافهم سر الخراب والله اعلم بالصواب واليه يرجع الماب لبس قد دبق وطس قد تعبير وعند طلوع النجم

الاسم يقوم الساعة وعند طلوع و درج المريخ يظهر المسيح وعند ظهور الدجال يظهر الهلال والحمد لله الرحمن
الرحيم وصلوة الله على نبي الملاحم ابليس حبيم ارباب الشهوات الرجال سر ابليس سوء التدبير بسبب التكبر اعلم
ان الوجود منك ارباب الشهود وكتاب مسطور في رق منشور وهو الكتاب المرموز والخطاب الملغوز اعلم
الذي قراه المحققون واقتراه المطرفون وتحير فيه الواقفون ورقد عنه الغافلون فاسرار الحق في الوجود
لا يعرفها احد سوى ارباب الشهود لانها منازل الواصلين ومناهل السايرين فهو مطلوب البدو وان اعلم
والغايات الا والس فالباء ان سر الله في الكتاب وسر الكتاب في الحروف وسر الحروف بالالف وسر الالف
في النقطة وسر النقطة في الوحدانية وسر الوحدانية في الاحدية وسر الاحدية في الهوائية وسر الهوية
في الغيب وسر الغيب في غيب الغيب والتاء ان الالف سر الاسرار ونور الانوار وعلم الغيوب ومصباح
القلوب وقطب الحروف والثاء بهاء الالف والجيم تاج الالف والحاء ثناء الالف والخاء جمال الالف
والدال حياة الالف والذال خلف الالف والراء دوام الالف والزاء ذات الالف والسين روح الالف
والصاد زين الالف والقاف سر الالف والشين شرف الالف والطاء صفاء الالف والظاء ضياء الالف والعين
طيف الالف والغين ظاهر الالف والفاء علم الالف والقاف غيب الالف والكاف فهم الالف واللام قوة الالف والميم
كمال الالف والنون لطف الالف والواو ملك الالف والهاء نفس الالف والواو وصل الالف والياء هداية
الالف واللام الف يقين الالف وقال العلماء رحمهم الله تعالى سر كل امة في كتابها وسر كتابنا في حروفها فسر كتابها
وهو القرآن العظيم في الحروف ولها خواص باعتبار اعدادها فما كان منها فردا فهو لعالم الجلال وما كان منها
زوجا فهو العالم الجمال وهذه اعدادها ايقش بكر جلس دمت هنث وصخ زعذ حفظ طبغظ هذا على البي
اهل الاسرار وهم اهل المغرب واما على التي اهل المشرق فهكذا ايقع بكر جلس دمن هنث وسخ زعذ
حفض طيصظ فافهم هذا السر الرابط والحكم الضابط وهي تنقسم الى نورانية وظلمانية فالنورانية فواتح
السور وهي الم كهيعص طس حم ق ن واما الظلمانية فهو ١٤ حرفا ايضا وهي ب ج د و ز ت ش ث
خ ذ ض ظ غ وهذه الاربعة عشر تنقسم الى علوية وسفلية فالعلوية منها سبعة ب د و ت و ض غ
والسفلية منها سبعة خ ذ ف ش ب و ج ط وليس في الفاتحة حرف منها واما التركيب من النورانية و
العلوية فقط واعلم فهمك الله تعالى ورزقك الصواب جوابك من السؤال والجواب ان الكليم هو الذي
وقف بالباب فسمع الخطاب وشد الفال عند ارباب الحال ومنه ناطق الموجود عند اصحاب الشهود ومنه الملامح
وهي خطاب العارف من اسراره عند المكاشف ومنه المحدث وهو الوارد من الحق على العبد المخصوص من اهل
الخصوص فتارة ينطق بالحكم والاسرار وتارة بغيبيات الامور والاثار اما بظن غالب او بواحد جالب منه

الالهام وهو وارد يرد على القلوب من عالم الغيوب ومنه السكينة وهى التى تنزل مع الالهام فى الولى عند اهل
الكشف الجلى وهى من اشرف الوارد على الاولياء وعلمناه من لدنا علماً ومنه مناجات للتشريف والتنزيه و
التعريف والتنبيه على التقويم الاكمل الحسن والخلق الاجمل الاتقن المحفوظ المصون فى الكتاب المكنون فمتاع
الخزانة عند صاحب الامانة فهو الخليفة فى الارض فى الطول والعرض للمطلع على اسرار الحروف ومعانى
الظروف والمتصرف فى الكون باسرار حروف الكون فهو معدن الاسرار ومشرق الانوار وروضة الازهار
ونزهة الافكار لولاه ما كان ملوك ولا سوق ولا عين ولا انزول ولا وصول ولا انصراف ولا كشف ولا اشراف فهو
العارفين وغاية السالكين وريحان المقربين وسلام على اصحاب اليمين فافهم هذا السر النورانية المنصب
الرحمانية التى خفيت عن الافهام فلا يعرفها الا صاحب وحى او الهام واعلم الحروف نفر قال الغزالى ثلاث تجمع
الف الف عدد دال ح الجيم كقلمة فى ملكه وملكة الباعدون الذال الهيلكم وتقليعه من ملكه التاء غريم الالف تقليعه من
ملكه الجيم عدد عدد الالف سح الحاء عدد الجيم ح الخاء عدوه والدال عدوه الالف والالف عدوه السين والواو
والكاف والتاء والزين عدو الخاء والسين والطاء عدوه الياء والدال والطاء عدوه الحاء العين عدو والعين
الفاء عدو والميم القاف ضد الطاء والكاف ضد العين واللام ضد الكاف الميم ضد العين الصاد وضده
الصاد ضده والسين وضده والهاء والواو وضد الصاد لام الف وضد الضاد ضده القاف والنون ضده
السين وضد اللام السين ضد الجيم والحالة هذه والله تعالى اعلم هكذا ذكره الغزالى والحمد الذى ملكني مفتاح
الغيوب ومصباح القلوب والصلوة والسلام على الاغر الاصح والابر الافلح صاحب غيب ووحى لبيه وعلى اله
وصحبه وسلم تسليماً كثيراً والحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين فافهم

الجزو السادس

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذى اطلع من شاء ارباب القلوب على اسرار الغيوب والصلوة على شمس معارف
المثانى ولطايف عوارف المعانى وبعد فقد اتفق اهل الملل اربع يعنى المسلمين والنصارى والصابئين واليهود ان
عمر الدنيا سبعة الاف سنة يؤيد ذلك ما روى عن النبى صلعم انه قال مدة عمر الدنيا ٧٠٠٠ سنة وانى فى
قد بعثت فى الالف الاخيرة قال عم بعثت انا والساعة كهاتين واشار باصبعيه السبابة والوسطى ونسبة فضل
السبابة على الوسطى نسبة السبع قال الامام على بن ابى طالب عليه السلم الباقى من الدنيا الف سنة وفى التورية
كذلك فقال ابن كلة الهندى ان الوف اعمار الدنيا على عدد الكواكب السبعة وقال ابن عباس رض ان الدنيا كم
مدة اسبوع من اسابيع الاخرة وانتم فى اخر يوم منه وقال تعالى ان يوماً عند ربك كالف سنة مما تعدون وفى
رواية الدنيا جمعة من جمع الاخرة وهى سبعة الاف سنة وان الله تعالى بعث الف سنة نبياً بمعجزات واضحات
وبراهين قاطعة لرفع اعلام دينه القويم وظهور صراطه المستقيم وكان فى الالف الاول ادم وكان فى الالف

الثاني ادريس وفي الالف الثانية نوح وفي الالف الرابعة ابراهيم وفي الالف الخامسة موسى وفي الالف السادسة
عيسى وفي الالف السابعة محمد ختمت به النبوة وتمت به الف الدنيا فالالف الاولى منها لزحل والثاني الف للمشترى
والالف الثالث للمريخ والالف الرابعة للشمس والالف الخامسة للزهرة والالف السادسة للعطارد والسابعة
للقمر القمر فالمستولى على الف آدم حرف الف والمستولى على الف ادريس حرف البا والمستولى على الف نوح حرف
الجيم والمستولى على الف ابرهيم حرف الدال والمستولى على الف موسى حرف الها والمستولى على الف عيسى حرف الواو
والمستولى على الف محمد صم الزاى فالالف الاولى قلمها سرياني والالف الثانية قلمها بارى والالف الثالثة جودمى
الالف الرابعة قلمها برهمي والالف الخامسة قلمها عبراني والالف السادسة قلمها رومي والالف السابعة قلمها عربي
فادم عم اول الانبياء ومحمد صم خاتم الانبياء فادم اول الخلفاء الامام علي ع رضي الله تعالى عنه آخر الخلفاء وعمر بن عبد العزيز
اول الابرار ومحمد المهدي آخر الابرار فهم هذه القواعد الغريبة والفوائد العجيبة تعرف بها الاسرار الكونية التي لا
يطلع عليها الا ارباب المواهب القدسية ومن فالحمد لله تولى الحمد والصلوة على من بيده لواء الحمد قال رسول الله صم
ان الله يبعث لهذه الامة على راس كل مائة سنة من يجدد لها دينها وها انا انشاء الله تعالى اذكر في الدوحة
الذهبية والروضة القدسية ما يحدث في كل قران الذي هو مائة سنة من الفتن والحروب والله تبارك وتعالى
اعلم بحقائق الغيوب الرمزية والله اعلم ان في كل مائة علم لا يبقى احد ممن ادرك المائة التي قبلها وان بقي احد منها
فنادر واعلم ان خير القرون قرني قال انس لما دخل رسول الله صم المدينة اضاء منها كل شيء فلما كان في اليوم
الذي مات فيه اظلم منها كل شيء قد ولد في الالف السابعة في عهد كسرى انوشيروان وان عام الفيل فهو م فاتح
كتاب الوجود عند ارباب الكشف والشهود كما قال عم اول ما خلق الله نوري فهو كلمة حمد افتتح بها الحق كتاب
الوجود فانه مردود بالحمد فلو لم يبدو فيه الحمد لله الذي هو محمد خلقه واحمدهم لكان احدهم فهو م الفاتح والخاتم كما
هو الحمد وكما به افتتح به كتاب الابد فكذلك يفتح الله تعالى به كتاب الاعادة كما قال عم وانا اول من تنشق عنه الارض
ولهذا خص بسورة الحمد التي هي فاتحة كتاب من تحت العرش لم يفتح الا باسمه احمد الا ترى ان حروف الفاتحة
تشير الى اسم احمد وقال عم لا تقوم الساعة حتى لا يقال في الارض الله الله فان الله لها في العدد ١٣٣ وذلك عدد
اسمه م وهو ايضا عدد سلام فانا رفع اسم الحبيب اضمحل الاسلام وانقطع الصليب ١٣٢ وهو ايضا غالب ١٣٣ وهذا
العدد لرمز الحروف قلب فهو قلب هذا العالم ويخرج من اسمه م عدد من ارسل من الانبياء واذا ضمنت
اسم عدد هذا الاسم الى طاهر عدده كان الخارج من الجملتين وقت ظهور خاتم الانبياء محمد المهدي مكيا فافهم
وقد انقرض عدد الصحابة ما بين ستين الى مائة وقد اخبر واعلم وقع بعده من الفتوح على المسلمين في زمن
الخلفاء الراشدين وما ظهر من الفتن التي الامساك عن الخوض فيها من الحق طحسن الحسن ومعاوية وبعض احاديث

الملاحم

بلت
الملاحم وامثالها وظهور الفتن واحوالها لعبد فاخبر عن ملاحم الروم فحصلت وعن قتال المشركين فهو
المائة الاولى على راسها يظهر بسيف الحق وامام الحق اقامه الله ليحيي كتابه والسنة ويميت الضلالة والبدعة
فهو المهدي بلا اشكال وصاحب العلوم وبلوغ الامال ايامه سنتان وخمسة ايام ما اقلها واحقرها
بين السنين والاعوام وزعم بعضهم ان لا المهدي الا عيسى واصر على صحة هذا الحديث وقد نقل علماء الحديث
عنهم في حق الامام المهدي من الاحاديث ما لا يحصى وكلها مصرحة فاي دليل على ترجيحها على هذا الحديث
المنكر عند من كان له خبرة بهذا الفن وبعضها مصحح لبعض وعن رسول الله صلعم انه قال لا تذهب الليالي والايام
حتى يملك منا رجل من اهل بيتي يواطئ اسمه اسمي واسم ابيه اسم ابي وهذا تصريح باسمه وتعيين والخلاف
باسم ابيه وقال بعض العلماء الاماثل ان معنى قوله يواطئ يشبه ويماثل وقد لخص الضعيف من جملة هذا الكلام
ان المهدي من ولد فاطمة الزهراء الا ابن مريم اذ لا يوجد لا قاء ما يعارضه من الاحاديث الصحيحة سندا
ونقلا وبلا كتاويل الاصلاح لحال المسجد الا في المسجد وفي هذا الحديث من هذا النوع كثير وعن عائشة
عن النبي صلعم قال هو رجل من عترتي يقاتل كما قاتلت انا على الوحي وعن النبي صلعم ملك الارض اربعة مؤمنان
وكافران والمؤمنان ذو القرنين وسليمان والكافران النمرود وبخت النصر ويملكها خامس من اهل بيتي
وانما سمي المهدي لانه يهدي الناس الى امر خفي ويستخرج التورية والانجيل من انطاكية وعن الحارث قال
قلت ما الى شيء قال بمعرفة الحلال والحرام فانه يحتاج اليه الناس ولا يحتاج الى احد وعن ابي جعفر ع انه قال
يكون هذا الامر في اصغرنا سنا واخملنا ذكرا ويورثه الله تعالى علما ولا يكله الى نفسه قال ابو جعفر ع يظهر المهدي
في يوم عاشورا وهو اليوم الذي قتل فيه الحسين وكانه بيوم السبت العاشر من محرم قائم بين الركن والمقام
وجبرئيل عن يمينه وميكائيل عن يساره ويصير اليه شيعته من اهل الارض يطوى لهم طيا حتى يبايعوه
فيملا بهم الارض كما ملئت جورا وعن الزهري اذا التقى السفياني والمهدي للقتال يومئذ يسمع صوت من السماء
الا ان اولياء الله تعالى اصحاب فلان يعني وعن ابي جعفر ع ينادي مناد من السماء باسم المهدي فيسمع من
بالمشرق ومن بالمغرب حتى لا يبقى راقد الا استيقظ فان صوت الاول صوت جبرائيل يكون في شهر رمضان
وعن النبي صلعم في ذي القعدة تجاذب القبائل وعلامة نهب الحاج ويكون ملحمة تكثر فيها القتال ويسيل فيها
الدماء وعن ابي جعفر ع انه قال للمهدي خمس علامات السفياني واليماني والصيحة من السماء والخسف في البيدا
وقتل النفس الزكية ومن علامات المهدي قبل ظهوره خراب المدارس والمساجد وتعذيب كل راكع وساجد
واظهار الظلم والفجور وقلة العلماء والزهاد وسفك الدماء ومعاداة لآل محمد واضر الفتن ومن العلامات
قتل النفس الزكية فعند ذلك يخرج الامام المهدي وعن ابي جعفر ع قال ان المهدي ع يومي للطير فيسقط على يده

الملاحم وامثالها وظهور الفتن واحوالها لعلها خبر عن ملاحم الروم فحصلت وعن قتال المشركين فهو (بلت)
المائة الاولى على راسها يظهر سيف الحق وامام الحق اقامه الله ليحيي كتابه والسنة ويميت الضلالة والبدعة
فهو المهدي بلا اشكال وصاحب العلوم وبلوغ الامال ايامه سنتان وخمسة ايام ما اقلها واحقرها
بين السنين والاعوام وزعم بعضهم ان لا المهدي الا عيسى واصر على صحة هذا الحديث وقد نقل علماء الحديث
عنهم في حق الامام المهدي من الاحاديث ما لا يحصى وكلها مصرحة فيه دل دليل على ترجيحها على هذا الحديث
المنكر عند من كان له خبرة بهذا الفن وبعضها مصحح لبعض وعن رسول الله صلعم انه قال لا تذهب الليل والايام
حتى يملك منا رجل من اهل بيتي يواطي اسمه اسمي واسم ابيه اسم ابي وهذا تصريح باسمه وتعيين والخلاف
باسم ابيه وقال بعض العلماء الاماثل ان معنى قوله يواطي يشبه ويماثل وقد لمن انصف من جملة هذا الكلام
ان المهدي من ولد فاطمة الزهراء الا ابن مريم اذ لا يوجد لا لقاء ما يعارضه من الاحاديث الصحيحة سندا
ونقلا وبلكتاويل الاصلات لجا دلالسحبا لا في المسجد وفي هذا الحديث من هذا النوع كثير وعن عائشة
عن النبي صلعم قال هو رجل من عترتي يقاتل كما قاتلت انا على الوحي وعن النبي صلعم يملك الارض اربعة مؤمنان
وكافران والمؤمنان ذو القرنين وسليمان والكافران النمرود وبخت النصر ويملكها خامس من اهل بيتي
وانما سمي المهدي لانه يهدي الناس الى امر خفي ويستخرج التورية والانجيل من انطاكية وعن الحارث قال
قلت ما لي شيء قال معرفة الحلال والحرام فانه يحتاج الناس ولا يحتاج الى احد وعن ابي جعفر ع انه قال
يكون هذا الامر في اصغرنا سنا واخملنا ذكرا ويورثه الله تعالى علما ولا يكلفه الى نفسه قال ابو جعفر ع يظهر المهدي
في يوم عاشورا وهو اليوم الذي قتل فيه الحسين وكان به يوم السبت العاشر من محرم قائم بين الركن والمقام
وجبرئيل عن يمينه وميكائيل عن يساره ويصير اليه شيعته من اهل الارض يطوي بهم طيا حتى يبايعوه
فيملا بهم الارض كما ملئت جورا وعن الزهري اذا التقى السفياني والمهدي للقتال يومئذ يسمع صوت من السماء
الا ان اولياء الله تعالى اصحاب فلان يعني وعن ابي جعفر ع ينادي مناد من السماء باسم المهدي فيسمع من
بالمشرق ومن بالمغرب حتى لا يبقى راقدا الا استيقظ فان صوت الاول صوت جبرائيل يكون في شهر رمضان
وعن النبي صلعم في ذي القعدة تجاذب القبايل وعلامته نهب الحاج ويكون ملحمة تكثر فيها القتال ويسيل فيها
الدماء وعن ابي جعفر ع انه قال للمهدي خمس علامات السفياني واليماني والصيحة من السماء والخسف في البيدا
وقتل النفس الزكية ومن علامات المهدي قبل ظهوره خراب المدارس والمساجد وتعذيب كل راكع وساجد
واظهار الظلم والفجور وقلة العلماء والزهاد وسفك الدماء ومعاندة لال محمد واضافة الفتن ومن العلامات
قتل النفس الزكية فعند ذلك يخرج الامام المهدي وعن ابي جعفر ع قال ان المهدي ع يومي للطير فيسقط على يده

ويسفر بوجهه ضيئا فيخضر ويورق ويقال ان المهدي يسلم على اصحاب الكهف فيحييهم الله عز وجل ثم يرجعون
الى رقدتهم لا يقومون الى يوم القيمة وعن النبي ص انه قال نحن سبعة من بني عبد المطلب سادات اهل الجنة
انا واخي علي وحمزة من كذب بالدجال فقد كفر ومن كذب بالمهدي فقد كفر اخرجه ابو بكر الاسكافي قيل مدة
المهدي سنة ثم لا خير في العيش بعده وقال لا خير في الحياة بعده ويقال المهدي شديد على العمال رحيم على
المساكين وروى ابي عبد الله صلوات الله عليه قال اذا خرج المهدي لم يكن له بينه وبين العرب وقريش الا
السيف وما تستعجلون بخروج المهدي والله ما لباسه الا الغلظ وما طعامه الا الشعير وعن دينار بن دينار يقال
المهدي اربعة و٤٠ سنة وعن حمزة بن حبيب قال حيوة المهدي ٤٠ سنة وعن علي ع قال يلي المهدي امر الناس
٣٠ او ٤٠ سنة وعن ارطاة قال بلغني ان المهدي يعيش ٤٠ عاما ثم يموت على فراشه وعن محمد بن الحنفية قال
ينزل خليفة مني من بني هاشم بيت المقدس يبني بيت المقدس بناء لم يبن مثله يملك ٤٠ سنة يكون هدنة
الروم على يده وعن ابو بكر قال رسول الله ان الدجال يخرج من ارض بالمشرق يقال لها خراسان وعن
النبي ص سئل عن طعام المؤمنين في زمن الدجال قال طعام الملائكة قيل وما طعام الملائكة قال طعامهم التسبيح
والتقديس فمن كان منطقه يومئذ التسبيح والتقديس اذهب الله عنهم الجوع الجوع فلا يخشى جوعا وعن النبي ص
في قصة الدجال قال اكثر اتباعه اولاد الزنا ابوي البيجان وهم اليهود ياكل ويشرب له حمار طوله ستين وخطوته
مد البصر ويقيم الدجال يوما اول يوم كسنة والثاني كاقل ولا يزال ينقص ويصغر حتى يكون ايامه كليلة ملي ايامكم
هذه يطا الارض كلها الا مكة والمدينة وبيت المقدس وحين حينئذ بيت المقدس بالناس اياما فاذا كان يوم
الجمعة وقد اقيمت الصلوة نزل عيسى بن مريم بثوبين ممشقين كانما يقطر من راسه الدهن
رجل الشعر صبيح الوجه ابيضه خلق عز وجل بابيكم ابراهيم خليل فليلتفت فينظر عيسى م فيقول يا بن البتول صلي بالناس
ويصلي عيسى بن مريم خلفه ويبايعه ويخرج عيسى فيلتقي بالدجال فيطعنه فيذوب كما يذوب الرصاص
ولا يقبل الارض منهم احدا والشجر والحجر يقول يا مؤمن تحتي كافر فتقتله ثم ان عيسى المائة الثانية على راسها يظهر
العارف بالله تعالى يواقف على اسرار الله تعالى يحل الرموز الكنوز وفي اوانه يكون الاولع وامحت علبتة الرى
وجرجان ونيشابور ويواصفها الثالثة على راسها يظهر الامام العادل العابد الفاضل وفي هذا القران يرد الحجر
الاسود الى مكة شرفها الله تعالى الثالثة على راسها يظهر المحب للعلماء والمتعقد في الاولياء وفي هذا
القران تقع الزلازل العظام بالشام ونواحيها ويحل التلف بسكانه واهاليها وفيه ينقطع الفرات الملكي واسم المائة
الخامسة على راسها يظهر القادر بالله المطيع لامر الله وفي هذا القران يفتح بلاد الهند حم ويخرب الجبل
دار السلام المائة السادسة على راسها يظهر الناصر لكتاب الله تعالى القائم نسبه رسول الله وفي هذا القران يظهر مور

عزيز

غريبة واثار تشيبه من سفك الدماء وسبي النساء وخراب البلاد وعموم الفساد وظهور الاشرار وخمول
الاخيار وفي عام ١٠٥ و ٠٠ ينزل الفتن على الشهبا فعنده يظهر المرسوم بحرف الطاء والقاف والنون يلقاهم بارض شام
عند عين الطالوت فيفرق جمعهم ويبيد شملهم المائية على راسه يظهر المغيث الهامي والبحر الطامي الامام الناصح
والبحر الزاخر وفي سنة اثني و ٠٠ ١ من الهجرة النبوية بكسر محمد غازي في شهر رمضان المائة التاسعة على راسها
يظهر الملك السديد والحام الشديد وفي ٣ و ٠٠ ١ من الهجرة النبوية ينزل الاشرار على ديار الابرار فيخربوا
البلاد ويسعون في الارض الفساد ويخربوا الشام ونواحيها وحواضرها وضواحيها بعد ان يطلقوا فيها
النيران ويخلوها في حركان المائة التاسعة وهي المائة الشديدة التي يجري فيها ما لم يكن في العوايد واما
الناس كانوا في الزمان الخالي ومن مر الايام والليالي ينتظرون هذا القران والعاشر وذكروا فيه من الاهوال
بينهم شايع حتى ان الناس من يقول ان القيامة قد قامت وانه لا يبقى الا الحي القيوم ولارباب الملاحم
واهل التعبيرات واصحاب الصحاف والحساب ومظهر الكرامات فيه مجال واسع وشرح جامع في راسها يظهر
الامام الشجاع والهمام المطلع وفي ثالثها يصيح اليوم على الغيوم وفي بلاد العجم ينام راعي الغنم فمن فهم الخطاب
فهو من اذكى الالباب وفي رابعها يظهر الجاموق الناقوس واعلم واعلم ان القطب عن قرب سيظهر منه غيبة
في فهم احقيقة والرموز طرفية فرموز في سورة الكهف واثارته في سورة الصف فهو سيف الله المسلول
الذي يصرف به كل عليل وتداول واما النبي فاسمها شديد يفعل كما حديد يفتح ويخرب على الجواب والله اعلم
بالصواب يا محمد احذر من الاخ لانه فخ فاهرب من الاقارب فانهم كالعقارب صباح الغراب صياح الخراب اذا
نزل الفتنة بطل الحذر فتحصلنا الا ان تتواظهرنا البينات في سنة خراب نظهر الخراب وبرد الجواب ويبرق
الكتاب والله تعالى اعلم بالصواب واليه المرجع والماب والحمد لله الفاتح ورافع الحجاب والصلوة على حبيب الاحباب
والناطق بالحكمة وفصل الخطاب فالالف اول الحروف والياء خاتم الحروف والحاج اول رجال في المسياض
رجال ادم ابو ادريس ادريس ابو نوح نوح ابو هود هود ابو محمد ابراهيم ابو المهدي محمد ابو الاشباح
ادم ابو الارواح محمد ابن ادم محمد ابو الادم ففهم الاشارة يا صاحب العبارة ورد الجواب يا عذب الخطاب
واعلم ان انه الذاهب عن حجاب البشرية والحجب الانانية وقد غاص في بحر الفنا والفهم يعرف انه لا يقاس
الحقير والاشارة الفيضية ولا وصول الخصم الاشارة والعبارة الا المنصف بصفة سليمان او بنيت
اصفين برخيا الذي لا يرى الا الجواهر دون الاصداف ويرى الارواح دون الاشباح والحمد لله وحده
وصلى الله على سيدنا محمد واله وصحبه وسلم والحمد لله رب العالمين الجزو التاسع والعاقبة للمتقين بسم الله الرحمن
الرحيم الحمد لله الذي اطلع الشموس الغيوب من حادث والصلوة والسلام على منزل الخطوات ويمرج الغروب قال

رسول الله صلى الله عليه واله يحيى الله بين يدي قيام الساعة بالسيف وجعل رزقي على تحت ظل رمحي وبعد
فان الله تعالى يخرج خليفة من اخر الزمان وقد امتلات الارض ظلما وجورا فيملاها قسطا وعدلا ولم يبق من
الدنيا الا يوم واحد حتى يلي هذا الخليفة من ولد فاطمة الزهراء وهو اقنى الانف اكحل الطرف وعلى خده الايمن
خال يوضح ارباب الحال اسمه محمد واسم ابيه الحسن العسكري وهو شاب مربوع القامة حسن الوجه والشعر ويميت الله
به كل بدعة ويحيي به كل سنة ويحي خليله بارض كنعان وصنعاء عدن اسعد الناس به واسعدهم به اهل الكوفة
يقسم المال بالسوية ويعدل في الرعية ويفصل في القضية يعيش خمسا واستا او سبعا في ايامه لا يدع من قطرها
شيئا الندا ولا يدع الارض من نباتها شيئا الا اخرجته وهذا السيف القاطع والبرهان الساطع قد
ولد في تاريخ ميم الرحيم عند الولي العظيم بمدينة القمر عند طلوع القمر لان السعد قد لاح في بيت طالعه
والسر قد سطع في دوحة سلطنته يفتح المدينة الرومية بالتكبير في الف اسحق ويكون في بيت الملحمة العظمى
وفتح الرومية سنة ستين ويخرج الدجال في السنة السابقة هذه المدينة لها باب من النحاس الاصفر سوى العود
والصنوبر والخشب والابنوس المنقوش الذي لا يرى ما فيه وفيه طلسمات العقارب والحيات مع النوب
من الدخول اليها في وسطها سوق يباع فيه الطيب مقدار فرسخ ومملكتها مسيرة ثلاثة الاف فرسخ وملكها
الباب وهو الحاكم على دين النصرانية وهو بمنزلة الخليفة للمسلمين ولها كنيسة قد بنيت على هيئة بيت المقدس
مدبجة كلها مرصع بالزمرد والاخضر طولها ٣٠٠ ذراع وعرضه ستة اذرع تمثالا من الذهب الاحمر الابريز طول
كل واحد ذراعان ونصفان وعينان من الياقوت الاحمر فضي منهم الكنيسة ولها ٣٠٠ بابا من الذهب الاحمر و
طول الكنيسة ميل وهي مدينة عظيمة وبلدة قديمة قد بنيت قبل مولد المسيح بسبعمائة و٥٠ سنة وطولها من
الباب الغربي الى الباب الشرقي ٣٠ ميلا ولها سوران محكمان من حجر بينهما مقدار ٥٠ ذراعا عرض السور الاول
١٠ اذرعا وسمكه اثنان و٥٠ اذرعا وهناك اسطوانان طول كل عماد منهما ٣٠ ذراعا وهناك كل بلاط سبعة
اذرع والنهر الذي يدخل فيه المراكب يقلوعها فتقف على جوانبه تبيع وتشتري ولها الف كنيسة وجميع شوارعها
واسواقها مفروش بالرخام الابيض الازرق ولها الف حمام والف رماني بندق وهذا الامام المهدي
القائم بامر الله تعالى يشهد الحظ العظيم ما دبره الله يخرج مكانا يدفع للمذاهب من الارض تتابعه العارفون
من اهل الحقائق عن شهود وكشف وتعريف الالهي ولا يترك بدعة الا ويزيلها ولا سنة الا ويقيمها ويفتح
القسطنطينية وبلاد الصين والديلم وروى عن الباقر ع انه عليه السلام ينام سنين كما لبث اصحاب الكهف و
قيل انه يموت قبل يوم القيمة باربعين يوما والله تعالى اعلم وقيل قبل خروجه يخرج شخص من وراء النهر يقال له
الحارث على مقدمته انسان يقال له منصور يوطن ال محمد عليه وينزل عيسى بن مريم بالمنارة البيضاء شرقي

فی دمشق والصلوة منقامة والصلوة فی صلوة العصر یکسر الصلیب ویقتل الخنزیر وفی زمانه یقتل السفیانی
عند شجرة بغوطة دمشق یستفتح بجیشه مدینة رسول الله ص ٣ ایام ثم قتیل بن محل المطلب مکة الشرفة فیخسف الله
بجیشه فی البیدا قال خالد بن سعدان لهزم السفیانی الجماعة مرتین ثم یهلک وقال لا یخرج المهدی حتی یخسف
بقریة فی الغوطة تسمی حرستا ویکون فتح القسطنطونیة العظمی والملحمة العظمی التی هی الما ونه یمرج عکا وخروج
الدجال ١٨ یوما فاما القسطنطونیة فهی المدینة التی بناها قسطنطین الملک وهو اول من اظهر دین النصرانیة
ودونه وهی مدینة مثلثة اشکل منها جانبان فی البحر وجانبان فی البر ولها سبعة اسوار الکبیرات ذراعا و
فیها مائة باب وبابها الکبیر یسمی باب الذهب وهو باب مصمت مموه بالذهب ومحیط به قصیل دائرة سمکه
وارتفاع عشرة اذرع وهی علی خلیج یصب فیه البحر الرومی وفیها منارة من نحاس قد قلبت قطعة واحدة
ولیس لها باب وفیها منارة قریبا من مارستانها قد البست جمیعها النحاس علیها وعلیها قبر قسطنطین وهو
راکب علی فرسه وقوایم الفرس محکمة بالرصاص ما عدا یده الیمنی فانها مطلوقة سایبة فی الهوا کانه سایر قسطنطین
علی ظهره ویده مومنة فی البحر وقد فتح کفه یشیر نحو بلاد الروم والشام ویده الیسری فیها کره وهذه المنارة تبین
علی نصف یوم من البحر وقیل ان فی یده الیسری طلسما یمنع العدو من الدخول الیها وقیل مکتوب علی الکره و
ملکت الدنیا حتی بقیت فی کفی مثل هذا الکره وخرجت منها کما تری واما الدجال الیها وقیل مکتوب
علی الکره فان خروجه من خراسان ویخرج معه اصحاب العقد و٧٠ الفا من رؤسهم ویخرج من صهبان
وحدهاه ٧٠ الف طیلسان من اعیان اتباعهم کلهم من الیهود ویمر الدجال بالجزیرة فیقول لها اخرجی کنوزک
فتتبعه کنوزها کیعاسیب النحل وهو رجل قصیر جهل اعور العین الیمنی کان عینه طافیة مکتوب بین عینیه کافر
قراولبثه فی الارض ٤٠ یوما یوم کسنة ویوم کشهر ویوم کجمعة وسایر ایامه کایامکم وسئل رسول الله عن الیوم الذی
هو کسنة ایکفینا فیه صلاة یوم قال لا ولکن قدروا له ومعه جنة ونار فناره جنة وجنته نار فجنته خضرة
وناره دخان ومعه فرض وهو دمل ابیض من البصرة الذی یقال له سنام ومعه نهر من ماء ویسلط علی نفس واحد
فیقتلها ثم یحییها باذن الله تعالی ولا یسلط علی غیرها فمن من بماطعمه وسقاه واحسن الیه ومن لم یؤمن به قتله و
یقول انا ربکم فیقول یا رسول الله فما طعام یومئذ قال التسبیح والتهلیل قال اذان فی حمار الدجال ٤٠ ذراعا وبلغنا
انه یستظل وانخ حماره سبعون الف ق لا النبی ص ما بنی الا وقد انذر قومه الدجال وهو فیکم خاصة وهو ادم
ممسوح العین براق الثنایا لا یدع فی الارض قریة الا هبط اربعین لیلة الا مکة ومدینة وبیت المقدس
قال ثم فیطلبه عیسی بن مریم علیه السلام حتی یدرکه بباب یقال له باب فیقتله واما عیسی
بن مریم علیه السلام فانه یمکث فی الارض ٤٠ سنة ویتزوج من العرب ویولد له اولادا ویکون ولیا من امة

محمد ويكون على مقدمة عسكره اصحاب الكهف يحييهم الله فى زمانه ليكونوا انصاره الى الله تعالى **ومن اماراته**
عمارة بيت المقدس وخراب يثرب ومصر ونزول الروم بمرج دابق ثم فتح القسطنطنيه ويبعث الله ياجوج
وماجوج فيمرون ببحيرة طبريه فيشربونها ثم يمر اخرهم فيقولوا لقد كان بهذا ماء ويفر المسلمين من بينهم و
نساهم وحباهم ٧ سنين لعدم هلاكهم **ويبعث الله** ريحا لقبض روح كل مؤمن ومسلم ويبقى اشرار الناس و
عليهم تقوم الساعة واما السد فهو واد بين جبلين عرضه مائة ذراع و٥٠ ذراعا على اعلاه دروند
من حديد طوله ١٢٠ ذراعا وهى العتبة العليا وفوقه شرافات من حديد فى طرف كل شرافة قرنان مثنيان على
الشرافة الاخرى يتصل بعضها ببعض كل ذلك من اللبس الحديد المغيب من النحاس المذاب وللباب مصرعان
معلقان عرض كل مصراع ٥٠ ذراعا فى نحو خمسة اذرع علقه اطول من القفل وعلى القفل مفتاح معلق طوله
ذراع ونصف وله ١٢ اسنة معلق له سلسلة حلقها على قدر حلقة المنجنيق وعتبته السفلى على عشر اذرع ونحو بسط
مائة ذراع ما تحت العضادتين وكلها الذراع السود رابى ولهذا الباب من الجانبين حصنان كل حصن واحد
منهما مائتى ذراع وفى مائتى ذراع ورئيس تلك الحصون يركب فى كل جمعة يوما فيضرب القول فى ذلك اليوم
ضربات يسمع ذلك من خلف الباب فيعلم ان هناك حفظة قال مقاتل ان الدجال يخرج من قبل المشرق قال و
اول الايات الدجال واخرها طلوع الشمس من مغربها ٣ ايام قال ويخرج الدجال اذا على السعر ونقص المطر
واذا قتل الدجال فلا يبقى احد من الارض مشرك ولا يبقى شىء من الاهواء المختلفة **ويخرج فى سنة ثمانين**
قال على بن ابى طالب صلوات الله عليه اذا سلست الهجرة كانت بداية الفترة الاولى كانت بين عيسى بن
مريم ومحمد والفترة الثانى بين محمد وعيسى وهذه الدرة اليتيمة والحكمة القديمة ستدخل فى باب السنن
الى مكتب الادب ليقرا لوح الوجود ويخرج منه ويدخل الى مكتب التسليم ليطالع لوح النهى وقال يولد بجزيرة
العرب وقيل يخرج من العرب رغدا اتاه الله تعالى فى حال الطفولية الحكمة وفصل الخطاب واما امه اسمها
نرجس وهى من اولاد الحواريين فاول من يشم رائحته من ارباب القلوب المطلعين على اسرار الغيوب
واول من طالعه تبايعه ابدال الشام عند قبة الاسلام واهل مكة بين الركن والمقام ثم عصايب العراق
وقيل خروجه بحكم بالقاهرة **سنوق** وفى العراق **شنوق** لا يخرج حتى يخرج خوزوكرمان وروم
ويونان ولا يظهر حتى يظهر الخوارج والاشرار الخوارج **ومن اماراة خروجه** يكون المطر قيضا والولد غيضا
قال بعض الاكابر ومن اكبر اماراته خروجه انتشار علم الحروف وقيل علم التصوف وقيل اختلاف الالوان
وقيل علم النجوم وقيل كثرة المساجد وقيل تركب الفروج على السروج وقيل كثرة السرارى وقيل ارتفاع
البيان وقيل ولاية الصبيان **واذا** خرج المهدى فليس له عدو الا الفقهاء خاصة وهو السيف اخوان ولولا

اليونيه

السيف بيك لاسنوا الفقهاء ولكن الله يظهر السيف والكرم فيطيعون ويخافون فيقبلون حكمه من غير ان
بل يضمرون خلافه ثم يتوفى ويصلي عليه المسلمون ومن رسم ما نسم ورقم ما رقم فهو المهدي بلا اشكال صاحب
القلوب وبلوغ الامال الايام سنتان وتسعة اشهر واربعة ايام ما املها واحقرها بين السنين والاعوام وتممها في
الذي هو عزيز القلوب يعرف ما مخ من الغيوب ملك المشرق والمغرب تسنح كان يعرف اهل
العرفان نظهر الحق ١٥ سنة وثمانية اشهر وثمانية ايام الملك لله يؤتيه من يشاء وينزعه ممن يشاء فالمهدي
ابو الحق والدجال ابو الباطل والمهدي ابو الاحبا

والدجال ابو الاشرار والمهدي سيف
ادريس والدجال سيف ابليس و
المهدي طبيب العشاق والدجال
حبيب الفساق والمهدي سيف
الكتاب وابليس سيف الخراب والمهدي
لباسه اخضر والدجال عند ارباب الحال
والمسيح قد ساح عند ارباب المقال و
المهدي قد سل السيف وبشر بالسيف

ع	د	م	س	
ل	ى	م	د	
ع	م	ى	ل	
ق	و	د	ح	

فافهم وفز بالوصف وهذا هو الصورة المهدي الزمان عليه السلام في الزمان عليه السلام في الوقت والاوان
صورة ملك الاسد كما ترى فافهم ذلك والله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم



وقيل انه يكون متصرفا في عالم الكون والفساد
والعباد باسرار الحروف فمن فهم العين فاطلع
على سر اسرار القلوب الحرفية والمعارف الالهية
ولهذا كان امير المومنين الامام علي بن ابي
طالب صلوات الله الملك الغالب من اعلم
الصحابة بدقائق القلوب ولطائف الحكم وكان
من اجل علومه علم اسرار الحروف الا ترى ان العين قد وقعت في مفتاح اسمه وقد قال بعض العارفين الخلافة
الاولى ثلثون سنة والخلافة الثانية اربعون سنة وكلاهما عدد حروف العين فالاول من لام علي والثاني من
ميم محمد المهدي لان اللام اصل والميم فرع ولهذا كان الامام المهدي من اولاد علي وقد ظهرت العين ايضا

في مفتاح اسم عيسى من اعلم العلماء الانبياء بحقائق الحكم والعلوم والمعارف وكان عيسى من اشرف علماء علم الاسرار
الحرفية فافهم ظهور سر حروف العين في راس اسم علي وعيسى واعلم ان اسم المسيح مركب من حم وسي تنبيها للاشارة
الى حقيقة خاتم الانبياء من بني اسرائيل عيسى واصل حرف في خاتم الانبياء في عيسى واحد حرف في عيسى سي في جانب
دمشق كمل احدهما بالاخرى نظم اسم الحقيقة ومعناه والصلوة على رسول الله ما فاح الخزام وناح الحمام وعلى اله و
صحبه الكرام وازكى التحية والسلام **الجزو الثامن** من علامات الساعة وخراب البلاد والمدن واعلم ان الامم
كلها بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله عالم المدد مميز العدد والصلوة والسلام على سيدنا
محمد الذي ما خاب من طلب منه المدد ولو كان العاصي كثيرا من العدد وشرف وكرم وعظم ومجد وابد وبعد
قال الله تعالى وتلك القرى اهلكناهم لما ظلموا وجعلنا لمهلكهم موعدا قال الله تبارك
وتعالى وكذلك اخذ ربك القرى وهي ظالمة ان اخذه اليم شديد وقال الله تعالى واذا
اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيها ان هنيد وامنها وقد [illegible] وان من قرية الا نحن مهلكوها
قبل يوم القيمة او معذبوها عذابا شديدا فاما ام القرى فهي مكة فيخربها العبيد الحبشي قال علي بن ابي طالب عليه السلم
وهو فتح لهذا الباب والله اعلم بالصواب بخراب البصرة بالريح وخراب المدينة بالجوع وخراب البلخ بالماء
وخراب ترمد بالطاعون وخراب مرو بالرمل وخراب اميد بالجراد وخراب فارس بالقحط وخراب سمرقند
بني قنطورا وخراب الشام بقلة الفتن وخراب السند بالريح وخراب سجستان بالرمل وخراب الروم بني الاصفر
واما الانقراض المغرب بالصرف والحروب وفي سنة ٩٩٠ لا يبقى على وجه الارض من العرب وخراب
الجبال بالصواعق والرجفات وخراب حماة بالريح الظلامة وقال مقاتل خراب البصرة من الماء وخراب
الشام من الروم وخراب مصر من انقطاع النيل وخراب مكة والمدينة من الحبش يقلعون البيت حجرا حجرا او لا
تقوم الساعة حتى يقال لكم الريح قال وخراب البيت بعد الدجال باربعين سنة وخراب مدينة بعسكر افلاطون
وخراب حلب بالاتراك وخراب المقدس بالحريق قبل انقطاع المال والنيل ويفتح الله القسطنطينية
على يد رجل من اهل البيت يقال له محمد ابن الحسن العسكري لو بقي ساكنها ما خربت بيتها الكل اجل كتاب والله
اعلم بالصواب ان للقتادة ان للشام الراس من الفلك ولمصر الذنب وان للعراق جناح قال كعب
الاحبار سيبنى في دمشق مسجد يبقى بعد خراب الارض ٤٠ سنة قال تخرب الدنيا قبل الشام باربعين
عاما وتخرب الكوفة وديار هست ويبقى دونها قصر حوالى وتخرب مكة وديار صنعا من السودان
والحبشي الزوال وتشتغل الحروب لكل الارض كما يبدو لحريق بالاشتعال وتبقى بلدة القسطاس
وقد خراب لا يرى فيها خيال وتخرب بشيرة من قبل هذا برجفات الزلازل الاهوال وتخريب خراسان

من بلاد من الطاعون مع موت وبال وتخرب سمرقند وارض ريا بنبع الما يطوف على الجبال وارض الهند
تخرب مع مسوخ لهم ذوي القرو وبلاد الشمال وتخرب موصل وديار بكر ومدن الشط بالريح الشمال
وبغداد فتخرب بعد هذا برجفات الزلازل والوبال وقال معلم السطبين حقا يكون بامور ذي الجلال
معلم السطبين فهو ابن عقب وهو مدفون بالقاهرة وقبره يزار ثم قيل ان جبريل ع اتى وهو جالس في
المسجد بتفاحتين من الجنة فدخل عليه الحسن والحسين فناول الواحد للحسن والاخرى للحسين وهما جاء
بالتفاحتين الى معلمهما فكلمهما فانطقه الله تعالى بالمغيبات فقال له النبي م يا ابن عقب تقدم واخر وهذه الحكاية
مستفاضة بمصر والشام عند الخاص والعام قال ان الله تبارك وتعالى سر مكنونا يظهره الله تعالى على لسان
الشعرا وقيل قد يقع الخاطر كما يقع الحافر على الحافر قال عليه الصلوة والسلام ان الله تعالى كنوزا تحت العرش مفاتيحها
لسان الشعرا واعلم انه ياتي على الناس زمان لا يطيب فيه المعيشة الا لعبد استناد الى منافق و ياتي
على الناس تكون صلوتهم تسهد عليهم وحكى ان طلوع الشمس من مغربها بعد نزول عيسى ولا تقوم الساعة
حتى الدين القويم الواحد على خمسين امراة قال حذيفة اول ما تفقدون من دينكم الخشوع ولا تقوم الساعة
حتى يموت قلب الرجل كما يموت بدنه ولا يزداد الامر الا شدة ولا الناس فتنة قال تع بسم الله الرحمن
الرحيم اقتربت الساعة وانشق القمر وقال الله تعالى اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة معرضون
واعلم بان اظهر الدلالات بين الامارات واوضح الاشارات وافصح العبارات على انها قلة الدنيا و
قربها من الانقراض والاضمحلال وهو ما نراه من ظهور الفتن واستيلاء فجان الترك وكفار الملاء الذي
هم كالجراد المنتشر لا يستحيي ولا تدبر وقد ذكر النبي عم خروج الملاحم واصحاب الفتن قال حذيفة والله ترك
نبي الله من صاحب جيش الى ان تقوم الساعة الا وقد ذكره باسمه واسم ابيه واسم قبيلته هو فيها وفي رواية
والله ما ترك رسول الله صلعم من قايل فتنة الى ان تنقضي الدنيا يبلغ من عدد ثلثمائة فصاعدا الا وقد سماه
لنا باسمه واسم ابيه وقبيلته قال عم لا تقوم الساعة حتى تقاتلون تقاد العيون ودلف الانوف كان وجوههم
المجان المطرقة وقال لا تقوم الساعة حتى تقاتلون قوما نعالهم الشعر وقال لا تقاتلون لا تقوم الساعة
حتى يجي النار من قبل المشرق تحشر الناس الى المحشر فقيل يا رسول الله فما ذا تفعل قال عليكم الشام ان قيل
ماء البحر يصير نارا يسوق الخلق الى بيت المقدس من كل طرف من اطراف الارض وقال لا تقوم الساعة حتى تروا
قبلها عشر ايات فذكر الدجال والدخان ودابة الارض وطلوع الشمس من مغربها ونزول عيسى بن مريم و
خروج ياجوج وماجوج وخسف بالمغرب وخسف بالمشرق بجزيرة العرب وروى ان نارا تخرج من عدن
تسوق الناس الى المحشر وفي رواية وريح تلقي الناس في البحر وكفى تدبرا على قيام الساعة ما شهدناه من فناء

الخلق من قبل العالم الذى هو طوفان الدم وخراب اكثر المدن العظام التى كانت بلاد ايران وحبه دياد
نو ر ان حتى ان نسبة الباقى من الربع المسكون الى الخراب تقريبا نسبة الجنس الى الاربعة اخماس واقل من ذلك
وموقرهذا من احاطة علماء مقادير البلاد ونجوم اقاليمها اذ لم يبق تماوراء بحر الروم والمستخرج من بحر
اوقيانوس من معمور الاعراب جزيرة العرب وبعضها مالك الروم واما باقى الثلاث فبعضها قد خرب
بعضها على حرف الهلاك اذ اهلها كلهم على وضم اعاذنا الله تعالى واياكم بالشرور وهذه البلوا وثبت
اقدامنا على الاسلام والتقوى وختم لنا بالسعادة فى العقبا واما ان المدن فى عهد بطلميوس احدى
عشر مدينة والله سبحانه وتعالى اعلم بالصواب اى الف باب لا هو الا هو ادم فكيف بيان خلف الف
هادم واعلم ان خلف الدنيا قد مضى قد انقضى وظهرة مراد بها وبانت خسارتها فطوبى لمن فارق
وويل لمن قاربها والله سبحانه تعالى اعلم قد نادت الدنيا على نفسها لو كان فى العالم من يسمع كم واثق
بالعمر وادية وجامع بددت ما يجمع وقد تكلم امير المؤمنين على بن ابى طالب فى هذا السر المصون واللؤلؤ
المكنون على شان الماضى والمستقبل وهو الف وسبعمائة وهو محتوى على ٢٨ صورة بعدد منازل القمر
وقد ذكر ارباب الحقايق ان كل صورة من هذه الصورة قد احتوت على سبعين ملكا فحملنا اعداد هذه الملوك
فوجدناها ١٩٦٠ ملكا وفيه ايضا بعدد الكواكب السيارة وقد ذكر فيها شان ١٤ خليفة من بنى امية سوى عثمان بن
عفان اولهم معاوية واخرهم مروان بن محمد وخلص لهم الامر ٨٣ سنة وهى الف شهر ولا انحصارها فى العدد
من لا سبعه هذه الدائرة الزاهرة واللؤلؤ الباهرة وفيه ايضا ١٢ شكل البروج بعدد حقائق البروج وقد ذكرنا
منها اسرار خلفاء الدول العباسية ابو العباس السفاح واسمه عبد الله بن محمد بن على بن عبد الله بن العباس
وقد بويع له فى الخلافة فى شهر ربيع الاول وهو شهر مبارك فى عام اثنى وثلاثين مائة من الهجرة م ح م د ٩٢م
١٨١ وهذا العدد يشير الى اسم محمد الذى هو سر الاكوان واساس البنيان والى اسم الذى هو روح الانسان
وصلاح الابدان والى اسلام الذى هو قطب فلك الاعيان ومركز مدار الاحسان والى باطن اسم يس الذى
قلب القران ولب الفرقان والى اسم الله الذى هو علم الرحمن والى اسم صليب الذى هو صليب علم الشيطان
فكانت خلافته اربع سنين وعشرة اشهر لخلافة الامام على فى فهم هذا السر وفى الاسرار العزيزة والاتفاقات
العجيبة التى لا يصل اليها الا احاد الاكابر من العارفين وافراد الافاضل من الراسخين قال رسول الله صلعم الملك فى
قريش وقال لا يزال الاسلام عزيزا الى ٤٢ خليفة كلهم من قريش واخرهم الامام امير المؤمنين المستكفى بالله وصفى
لهم الزمان سنة وهم ٣٩ خليفة وقبل خروج الاسلام مام المهدى سيحكم رجل من بنى عباس فى عدد ملك خليفة
عباسية القاهرة عدد ايام النبوة بالرؤيا وهذا الامام المهدى يبايعه اهل الارض فى شوال وقد ذكر فيه اسرار ذات

الملاحم

الملاحم والفتن الدولة الحسنية الى انقراض العالم وقد ورد هذا الكتاب النوراني والباب الصمداني الى الامام محمد
المهدي وهو ورثه من ابيه الحسن العسكري وهو ورثه علي النقي وهو يرثه عن ابيه محمد الجواد وهو يرثه عن ابيه علي
الرضا وهو يرثه عن ابيه موسى الكاظم وهو يرثه عن ابيه جعفر الصادق وهو يرثه عن ابيه محمد الباقر زين العابدين
وهو يرثه عن ابيه الحسين وهو يرثه عن ابيه الامام علي والامام جعفر الصادق فهو الذي خاض في تادبير في استخراج
جواهره واظهر كنوزه وبين رموزه وقد صنف ما فيه من اسرار الحروف ونقل عنه انه كان يتكلم بغوامض الحقائق
وهو ابن سبع سنين وهو الذي تجلى الله لعباده في كلامه ولكن لا يبصرون وقد ذكروا وراء الاقاليم السبعة
وامرائها وما يتفق لهم ان تقوم الساعة وهذه الاقاليم السبعة ليست اشياء طبيعية ولكنها خطوط وهمية وضعها
الاولون من الملوك الذين طافوا الربع المسكون من الارض مثل افريدون انقطى وتبع الحميري وسليمان بن
داود الاسرائيلي الاسكندر اليوناني واردشير ابن بابك الفارسي وهم ليعلموا بها عدد البلدان والمسالك و
الممالك واما ثلاثة ارباعها فمنعهم من السلوك من السلوك الجبال الشامخة والمسالك الوعرة والبحار الزاخرة
والاهوية المتغيرة وقيل تقدم ذكر عدد المدن في زمانه بطليموس الحكيم واما في عصر رسول الله فهو الف
مدينة من المدن الكبار وفيها الممالك وفي هذا الربع الشمال بحر الروم وبحر الصقالبة وبحر جرجان وبحر
القلزم وبحر فارس وبحر الصين وبحر الهند وكل اقليم كانه بساط مفروش قد مد طوله من المشرق الى المغرب
وعرضه من الجنوب الى الشمال واعلم ان الارض بجميع ما عليها من الجبال والبحار بالنسبة الى السبعة افلاك
ماهي الا كالنقطة في الدائرة وذلك ان الفلك الف سبعة وعشرون كوكبا اصغرها مثل الارض ١١ مرة
وذكروا انه دائرة الفلك من موضع خط الاستواء ٣٦٠ درجة والدرجة ٢٥ فرسخا والفرسخ ثلاثة
اميال الف باع والباع اربعة ذراع والذراع ٢٤ اصبع والاصبع ستة شعيرات موضع بطن هذه لظهر تلك
والشعيرة ستة شعرات من ذنب البرذون وذكر مكي في تفسيره ان ما بين اسفل الارض الى العرش مقدار خمسين الف سنة
من ايام الدنيا والله تعالى اعلم فايدة الشهر هو عبارة عن الزمان الذي بين الهلالين وسنة الورد اثنى عشر
شهرا قمرية وهما ثلثمائة واربعة وخمسون يوما شمسية ٣٦٥ ونهر [illegible] يوما وهي قمرية وسنة الفرس ٣٦٥ وربع
يوم وفي هذه المدة تقطع الشمس دائرة الفلك والتفاوت بينهما في كل مائة ثلاث سنين وما وضع هذا
الكتاب الا لاولي الالباب فانظر وافهم وفك رموزه واعلم على تحت القوافي من معاد بها وما على اذا لم
تفهم البقر واعلم ان المرء في هذا الزمان يفر ان امكنه من الفتن وصنف بعض العلماء مصنفا سماه السكون
ولزوم البيوت في جزئين ومن مذهبي حب الديار لاهلها وللناس فيما يعشقون مذاهب واعلم ان
صعود الانفاس على مراتب فمنهم من يصعد نفسه الى العرش ومنهم من لا يكون الا في باب السماء الدنيا ووقفه

ومنهم لا يفتح له ابواب السماء فمن صعد نفسه الى عالم العرش كان مقداره ٥٠ الف سنة ومن وقف ومن لم يفتح له
فذلك المعبود بومر بومر شمسي قيل لن يلج ملكوت السماء من يولد مرتين سر في ذلك فاذا كنت بالمدرك
عادى ثم انصبت حادثا لا يماري واذا لم ترى الهلال فتعلم لا ناس دا وده بالا تكتبا نفهم هذا السر
المكنون والدر المخزون فانه معارف الارواح وعوارف الاشباح فلمن ابتغى اعظم تعون الارواح وعلى رف
الاشباح مهوعون وتشتاق على من اتصف بصفات الصفا وتزدى برداء الوفاء انها ما تضح اسراره و
تلمح انا رد ظفر باسرار الملكوت وحكمة الجبروت اعانكم الله وفيكم لعلمه وهداكم لحكمته وهذه صوته الاقاليم
السبعة واعلم ان حروف فواتح السور وقد وردت مرموزة وان تحت كل حرف من ذلك خواص واسرار و
منافع وآثار لا يعلمها الا الله والراسخون في العلم وقد ذكر الكندي كتابه الذي يسير فيه طالع ملك العرب ان
احبار اليهود جاؤا الى النبي فقالوا يا محمد بلغنا انه انزل عليك الم فقال نعم فقالوا امرنا بالدخول
في حكمه يكون مدتها احدى وسبعون سنة فقال انه قد انزل على غير هذا فقالوا وما هو فقال المص
والمر وحم وكهيعص فقالوا من عنده وقد قالوا قد اشكل علينا امرك يا محمد ثم ان ارباب الاسرار تناولوا
على هذا السر فحسبوا الاعداد من هذه الحروف فوجدناها بحساب الجمل ٩١٢ وهو ملك العرب والحروف التي هي
اكثر تكرار ملك العرب فيها اقوى واغر وما لم يكرر فالملك فيها ضعيف وايضا الالف والقاف والنون
والباء فلهذا من العدد ١٠٦٣ فاذا اسقطنا منها بابي كان الباقي ١٥٠٥ وذلك عدد اسم عيسى وعدد سبعين
القران نحبا المهدى ونزول عيسى وعدد سلطان وهو سلطان وهو اشارة الى تجديد سلطنة المحمدية وقد
ورد في الخبر انه انتهى لنبي م قال ان صلحت امتي فلها يوم وهو الف سنة وبلغنا ان عيسى م صلى بالناس صلوة
العصر وهو اشارة الى انه ينزل ثلاثة ارباع اليوم فاذا اخرجنا هذه الالف سنة م كان الباقي من خمس الربع
وهي مدة لبث الدجال الاعور في الارض وينزل عليه عيسى على ثلثة ارباع اليوم وخمس الربع الرابع ويرفع
القران عند تمام حروفه وذلك على راس ١٠٢٠ ويبقى من الالف ٩٠ ويبقى فيها شرار الناس وعليهم تقوم
الساعة ولا تقوم الساعة حتى يحسر الفرات عن حبل من ذهب ولا تقوم الساعة حتى يجتمع صليب
الاسلام وصليب الكوفة حتى يمرح داود ولا تقوم حتى يحتاج الاخيار الى الاشرار وقال ع يأتي على امتي زمان
تأكل القضاة الرشوة بين الخصمين ولا تقوم الساعة حتى تأكل المراة من فرج بنتها ولا تقوم الساعة
حتى يكون شيخهم شاطر وشبابهم فجر وامير هم جابر ووزيرهم تاجر اما الخيام فانها خيامهم وادى
سناء الى ليس يسائها اب نح وخوارزم افترت وخراسان فما يبقى بها ادميا خراب الهند وبعد ذلك و
دارس مثلها بالبوم ثم يشير وموصل وبضين وحذر الفرات والحربا وقد قال الشاعر احمل الزادما

استنطعت عليك ما تری العمر ذاهبا منسيا ومن القطا طيا تحجل بعض الاتراك يأتي مستقيما
حيث لا يبقى من الروم سوى رجل يأتي الزاد كليما ثم يأتي قايم المهدي صورة المبعوث ارجا قديما
نهو الارض لدى بالحجة وتنور الارض بعدل وعلوما ثم يأتي الروح عيسى نحوه فترى الناس به جنبا
عظيما فيقتل الدجال في دلوما ملئت ظلما وجورا وهموما فاذا تمت له من عمر بعد عشرين وعشرين
خيوما وبياجوج وماجوج ترى تقطع الارض ظلوما وغيوما يشربوا كل معين سائل ونرى بحور
من ماء عديما ثم تبدو الشمس من مغربها تبدا الانعام والطير هشيما فهذا احكم التاويل عنه بحكم يلقيا
بر عقد انظيما حسبي الرحمن فوا قلته انه مات الحبر رحيما القاف سيظهر على القاف مع العين عند العين
في شهر رجب بالقرب من حلب لا تغفل من المريخ يا صاحب المريخ الم دعح لقايم عم ١١١ واما السبل
نظهر عن قريب ويظهر في الشمال جيش مال عليا اسفا على حلب وحمص وماذا يلقيان من الخيال ويظهر في
الشمال نجم عظيم له ذنبان وا..سبعطوا الغلاء والفتح حقا سينفوا في السواحل والجبال وعكاسو
تعلوها جيوش كما تعلوا الغيوم على الجبال وتلطخ قومها بدم لقوم اتوها هاربين من القتال واما محمود فانه
سيملك الشام ويجلس في الخيام وذلك في سنة حمس ويظهر فيها الدجال وسعه سبعون الف من محمد امة
فيمكث في الارض يوما ٤٠ سنة ولا تنس دابة الارض يا نادل العرض قال اهل التفسير يخرج دابة ومعها
عصى موسى وخاتم سليمان فتجلوا وجه المومن بالعصى وانف الكافر والدابة واخرجت فانها لا العود الى مكانها
الذي خرجت فانها لا تعود الى مكانها الذي خرجت منه قال عقال والصيحة التي تكون في شهر رمضان
في نصفه في يوم الجمعة ويكون عقبه في شوال اما سنة تسع مائة دبي سعد الاشرار وطالع الفجار الا انها
الدنيا كبيض وقلما بم على المسيحون يوما ملاحون نعم الرفق والتوفيق قال ذا اتى على امتى ٨ اسنة فقد
حلت لهم العزلة والعزبة والترهب على رؤس الجبال وفي تاريخ ١٥٥ ترفع الشريعة ويستوي الودية قال يكون
في اخر الزمان عباد جهال وعلما فساق وفي تمام ثلاث يفتح باب الخراب لان العنقا بالمغرب يصيح بلسان
فصيح والسيمنا بالمشرق يقبول لقول الله ويرضوا لى مع ليله خلف الزمان عندهم لا يغلط وفي الاشارة التا فيه
والعبارة الكافية الاشارة الى طي البساط وتبديل الارض بالطول والعرض وتخرب العامر وتحرك الرموز
وشق الانوار وطرق الباب وسفك الدماء وهتك النساء وشقاق العلماء وخلاف الامراء وقيام السيف
في الشتاء والصيف وسره الحال ورفض المال وانشقاق الطبيعا وارتفاع الصلبان وسقوط العرسان وهبوط
الغربان لنفوذ القضا والقدر فالا اذا جاء القدر عمي البصر فافهم قد فتحت لك هذا وهو باب التجريد
لزاد التفريد ان الله عبادا فطنا طلقوا الدنيا وخافوا الفتنا نظروا فيها علموا انها ليست

لحي وطنا خلعوها حلية واتخذوا اصالح الاعمال واما عام سبعين فمرها جليل وامرها جليل وناسها اجياد
وحكامها ابرار زمان الاعتدال ماله من زوال فقد كشف الصوره ورفعنا نقاب الكون واما حلب
فسيحرقها التركي وحوز حمص من الغرامات وحلب من القرابات واما سنة تسع سبيل اسبق الاصفر على البرج
الاخضر واما قبر الجبل فعليه الدم يسيل فافهم فقد فتحت باب الكنز المختوم والرمز المكتوم لمن اراد الدخول الى حديقة
اسرار الغيوب وروضة انوار القلوب والحمد لله الملك الفتاح والصلوة والسلام على روح الارواح و
فلق الاصباح والله تعالى اعلم **الجزو التاسع** فى التاريخ القاهرة وصورة الملوك التي تحكمها والامر
بسم الله الرحمن الرحيم وبعد فان مصر شانها عجيب وسرها غريب خلقها اكثر من رزقها ومغنيها اكثر
واعز من خلقها من لم يخرج منها لم يشبع ومن لم يدخلها لم تخشع بعض الحكماء بينها عجب وترابها ذهب و
نسائها نسائها العنب وصبايها ما طرب واشرارها وجلب وهي لمن غلب والداخل فيها مفقود والخارج منها
مولود قال الله تعالى اصلها ثابت وفرعها فى السماء سر القدرة لايح لارباب الذوق والروايح العلم
علمان علم الابدان وعلم الاديان والصورة هذا التاريخ القاهرة المحروسة سلم اقبلت الدنيا وكم سرتنا الدنيا
وكم فضحت فالمعتد اذا مدت اليه باعها باعها والشقي من اطاعها حجر الماس من لسبلم يحزن ملك الممالك
الناصر صلاح الدين يوسف ٤٤م فى تاريخ ربيع الاخر عام ٨١ من الهجرة النبوية مثلا ان الذي بنى القاهرة
اسمه جوهر وهو قايد المعز بن باديس صاحب المغرب فى سنة ٨٥٣ وكان السبب فى ذلك انه لما قصد اتى
الصور جمع المنجمين وامرهم ان يختاروا طالعا لحفر الاساس وطالعا لرمي الحجارة فجعلوا قوايم من خشب وبين
القائمة والقائمة حبلا فيه جرس وافهموا البنايين ان ساعة تحريك تلك الاجراس يرموا ما بايديهم من الحلي و
الحجارة وقد وقف المنجمون لتحرير الساعة واخذوا الطالع فاتفق وقوع غراب على خشبة من تلك الخشب
فتحركت الاجراس فظنوا الموكلين بالبنا ان المنجمون حركوها فالقوا ما بايديهم من الطين والحجارة والاساس وضاح
المنجمون القاهر فى الطالع ومضى ذلك وفاتهم ما قصدوا وكان الغرض يختاروا طالعا لاتخرج البلد عن نسلهم
فوقع المريخ فى الطالع فعلموا ان الاتراك هذا البلد تحت حكم الاتراك وانهم لابد ان يملكوها فسميت القاهرة بهذا
السبب فان تبارك وتعالى يقول فى بعض الكتب المنزله يا عبدي تريد وانا اريد ولا يكون الا ما اريد
وفتحت القلعة الشهبا فى صفر هبشر افتتوح القدس فى رجب وحكي عن بعضهم انه قال وجدت مكتوبا على باب
من ابواب الروم ان الكفالة اولها ملامة واوسطها ندامة واخرها غرامة ومن لم يقصد فليجرب حتى يعرف
البلاء من السلامة الحكمة ضالة كل حكيم سبحان السلطان القديم **يوسف اعرض عن هذا امان**
تفتح الكتاب وتفهم الخطاب هذا شي سبق فى الكتاب عثمان وابو بكر كان احق بالتقدم ولكن الحق فى غده قدم

ودليل

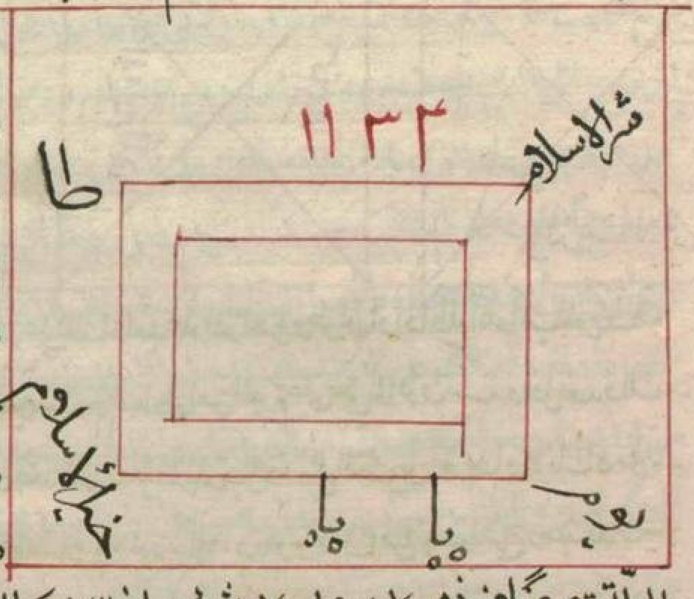
وقيل ليس على الاعمى حرج ولا على المجنون حرج وكان وجوههم الحجارة المطرقة عليهم هودهم وراهم سفعنا بح
اهل الارض عند قحطهم يوم حطهم القايم بامرهم عليهم يكون اناه زحل والمريخ اقترنا في برج الجدي
احوز بني من القران العاشر وانفى بنفسك قبل نفر النافر هرماطونس من ابهى جبهة لسنجم الاسد ودخل
على الملوك كان مهابا يا اهل القاهرة او ان شاهين الصيا صره والشمس قد اصفرت والزهرة قد احمرة والغز
قد بانت والفتن قد قامت وقد ظهرت الافاطنى وحققت القلانسى ثم لهيب حصون الشام والناس قيام و
السلا على النجم الزاهر والعلم الباهر قال ع لا تقوم الساعة حتى يخرج المهدي عندنا لنا هي بعصر المتناول
والشمس طالعه بالليل في قتيل مع العروب وما للعين تعبرها الخليل شفاه العليل قال الامام على اهل الدنيا كوكب
سيان نبيم ونيام وهذه الصورة القاهرة حرسها الله تعالى واذا مهاوهذا البلد بلدنا بالمدام الامام وحرب الاقلام واذا
كثرت الفتن عليكم باطراف اليمن واما طويل القامر فانها من اشراط القيامة واما سعيد صاحبة الخصال الحميدة
كانها ستحكم في البلاد عند ظهور الفساد



الحزين باديس في ملحمته التي وضعها دالة على الفساد بعد عمار القاهرة وخرابها واذا طلع الكواكب المعروف في
منزلة المعروف فعد كل مائة سنة ثلاثين سنة ثم اسقطها من الهجرة حتى يبقى ثلاثون سنة واقل فعند ذلك
يخرب ما احكم اساسه وتظاهر انباسه فعند ذلك سيظهر الدجال وتطلع الشمس من مغربها وكانك الامر قد
لاح مع اشراق السعاج لا يزداد الا من الاشدة ولا الدنيا الا ادبارا ولا الناس الا تهافتا ورجف تدنوت
وانت سطوح بك تكتب وانت فرح تومنيت وان احصرت تطيبه وانت اللوح وهذه صورة فوق كرسيه
وشجرة الحنظل

قال امير المومنين على بن ابى طالب صلوات الله عليه سوف تظهر الحنظل بديار مصر وقال رض اذا نفذ عدد حروف
بسم الله الرحمن الرحيم فانه سيكون اوان ولاية المهدى   اذا انفذ الزمان على حروف بسم الله فى المهدى قاما
وقد ان الخروج عقيب صوم لا قرأته من عندى سلاما لولا الجحود لظهر سر العدد شمى شلاش وهذا الوسول
لا بد من الظهور باقليم مصر ومذاكره فى الرتبة شعبان وشاهين وشغال وبشخ وشعب وشمعون وكل
صورة منها الم وما فيها من الاسماء الظاهرة فى المتفرقة فى تلك الشمس الملام شين ميم سين ٣٥٢
يكون ذلك اخر دولة الشمس والله تعالى اعلم بغيبه واحكم قبل خروج الدجال سيملكون الديار المصرية
والبلاد الشامية رجل من بلاد الروم والممالك الرتشيليه لمحمد ومحمود ومؤمن ومسعود والله تعالى اعلم

يا دولة الملك والدين القويم   اذا القوم يا بعد يا ظاهر وجن   من برق من بعد برق دولت
ظهرة   ومصر والشام من ميم فى سنن   ليس يخفى   نظهر فكرك يكفيك من هواه اواه فنزل هواه دواه
قال الشاعر   سيبدى لك الايام ما كنت جاهلا   ويأتيك بالاخبار عالم تزود   سميك ويعفون عليك
ويعفوت وهذه صورته فوق كرسيه والله اعلم بالصواب وهذا هو



فلا تقوم الساعة حتى يجلس على
سريرة يوسف ولا تقوم الساعة
حتى يحكم القاهرة صاحب السراية الطاهرة
اسمه رحيم وسعده سعيد دايرة حميد
يس قلب القران وقلب يس سلام ابراهيم
حاكمها بمصر شين وبالروم ياسين
وبالعراق يس وبفارس حرف شين و
قيل ان المامون وجد من داخل
الطاقة حوضا فيه ذهب لا يدرى احد لاى شى جعل ذلك فانكر المامون وقال كم صرف على هذه الطاقة
فاخبروا بان صرف عليها كذا وكذا دينار الخا فذلك القدر لا يزيد ولا ينقص فقال المامون مكانا كثر علم
هولاء القوم علموا انه سيفتح من هذه الجهة وانه يصرف عليه هذا القدر فوضعون فيه الاشارة الى من نفقة و
عوت   احمد تحية دايم الصلوة على النبى كامل الصفات من ان الموافق عند ذى الاسرار يوافق الاعوام و
الاخبار عدة ما مضى من هجرة المختار   اخبرنى وقيت وجه النار ملك خليفة عدما يا داى فهذه احدى بيات
اذا جا بالعدد غيث البحر   عباس بن محمد يحكم فى مصر قال امير المومنين على بن ابى طالب صلوات الله كل عيب

الكرنعيطيه

الكرم بغطيه وقال القايل كل عيب يستره الكرم الا عيب الذنب ومعناه كل عيب يستره الكرم الا عيب البدين سوى

سو من عثمان جيم عثمان صالح عثمان مع سليمان عثمان مع شاه رع عثمان محمد عثمان جبر من حمم طالع بسيط وص

معيب الشمس بحم له ذنب كمثل البرح على بوجستدير مثل ترس ملامتر ما يكون بلا محال وهذا صورته ومن السيف تقتيل

وهو من عليك ويجلس على الكرسي صورة السين

سكن	سنز	اربعث
عم لك	٢١٩٣٤	اعوام

وعلى الاردان ترى وقعه كالنار بذا دمويا ومثل حوران ومن

دخل بها ودمشق يلتقي خوفا مقيما وترى في الشام امرا منكر تشمل الناس عموما وخصوصا كم بها من مهج

مهتوكة وجوم اصبحت تحكي لرسوما بجيوش عنه بقدسها فيصر الحد يكون الوحيا واشر في الارض

تاويل محا لهيك الاستار ادلسي لحريما وقوام الدين مصرح وقد كان من قبل اماما مستقيما وكذا

الاعراب يقوى عزمهم بعد ستين قواما لن يدوما ثم ياتي سرد في رجب يورث العالم النا وعلوما

يرسلون الفيل في الحرب فلا يلتقى في بقعة الشام مقيما ويرى المقتطل يعلوا عليا بطلا يخفي ويستخفي الهموم

ويدي التاريخ من تسع يرى جحفلا يستغرق البحر عنوما هن من بني الاصفر جيشا هائلا مستقيلا يشبه

السيل البهيما ويل عكا سوف يجنيها العدى وترى مرشانها بوما مشوما ويلقاه حقا وقعه هايلم

تترك الابطال في البيدا هشيما وفي اسطين تلى وفي وقعة تذر الطفل من الهول يتيما وعلى القدس ترى

اعلامهم خافقات يعلوا البيت الكريما ثم ياتي جحفلا يقدمه من بني الاتراك مقداما كريما في حشنا ديار

كامثال النجوم ما يرى بخشا ولا اجناكريما وترى الروم حيارا لا اجزعا وتجايح الدم قد ولى هزيما

ويل انطاكية مما يرى من حصار يترك الحصم عديما ذاك من تسع توالى بعدها نحو خمسين حصارا مستقيما

ثم تلقى الترك البنا ضيعها من بني حمدان مقداما كريما لا يرد السيف اعناقهم ويبيد الهام منهم والحسوما

تملا الاعراب نهبا وغنيما ثم تشتد البلايا بالورى ويرى خوفا وحربا وهموما الامام عبد الله بن

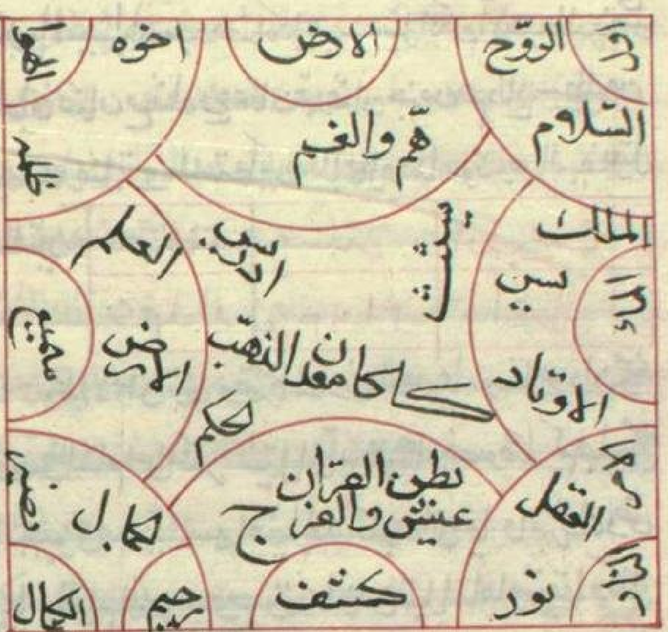
يرموث شيخ الموحدين لابد من رجل من بني سلم من ال عثمان يملك جزيرة العرب اخر الزمان

فانظر بباء وراء وقاف على قاف بن جواجيم الوطر يسمى بجيم وجيم وجيم وفيها الف ونون ظهر فيملك

مصر وامرها ادلا جبارا تفاشى وهو عالى القد احمر الخد مليح الصورة حسن السريرة امد بالشعر مديد

النظر صحيح الفكر نصفه العلوي اعظم من نصفه السفلي وهو هذه صورته فوق كرسيه والحالة هذه والله تعالى

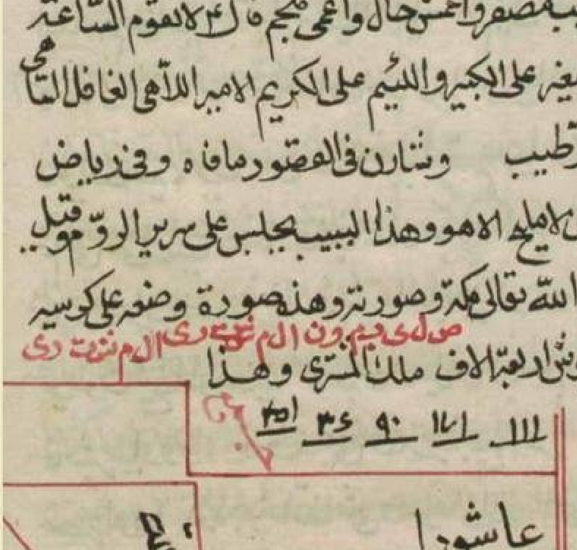
اعلم فافهم ذلك

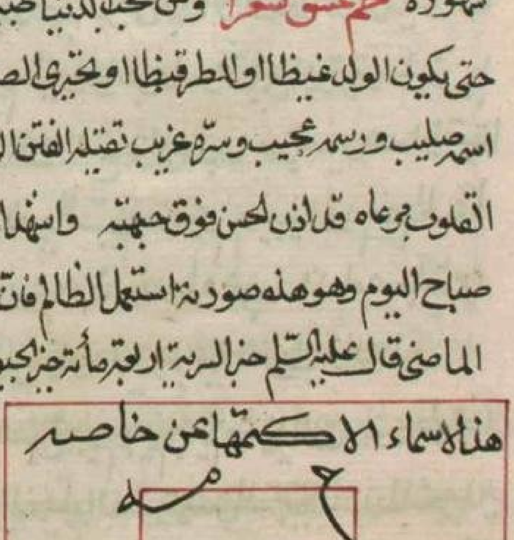


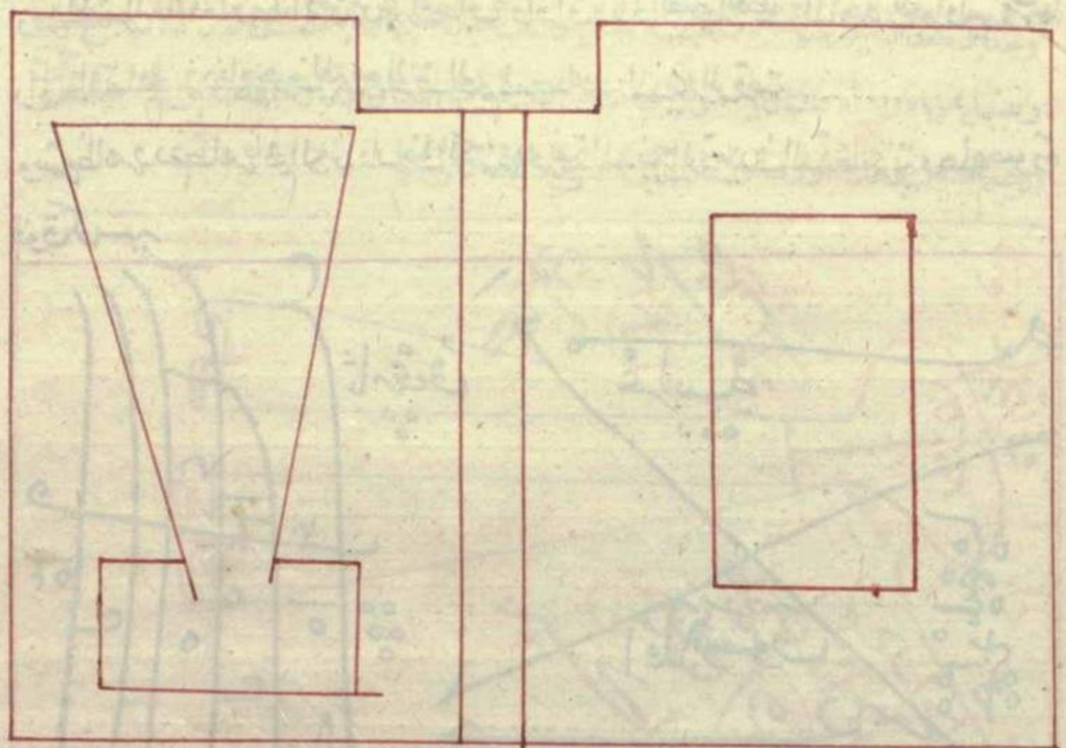
وقبل خروج المهدي علك الحرمين ويبايع خزاين العرب رجل من العرب المستضو وفي ايامه في صفر نهر الاصفر واذا رايتم الكسوف في شهر ذي الحجة وشهر الله رجب واعلموا ان السفاسير قد ظهرت ثم يكون العجب كل العجب بين حماد ورجب من فتنة السفيانية وقتالهم ثم يخيف الله تعالى بهم السبيل فلا يبقى منهم الا رجلان ثم انهما يبقيان حتى يخرجوا الناس عاجلا

باصحابهم احدهما بدوي بالعراق يخبروا الناس والاخر بخراسان ثم يجتمعان في موضع واحد فيكتب بعضهم بعضا ثم يخرج رجل من بني سفيان يقال له عنبسة من بلاد الشام فيم القاصد احتى يدخل بلده يقال له قم فيخرب البلاد ثم ياخذ رجلا شابا وامراة شابة فيصلبهما ويقول هذه علي بن ابي طالب صلوات الله عليه وهذه فاطمة بنت محمد ثم يخرج رجل من بعد من جهينة فيرحل الى مصر ثم الى الشام وويل لاهل افريقية وويل لاهل الرقلة الا امر لا يدخل بيت المقدس طالوت يميم مسلم وكافرهم حمعسق يجئ من طال سروره وصوره سهوره حم عسق سغرا ومن يحبل الدنيا الحبيبه مصفر واعمش حال واعمى فيجم قال ع لا تقوم الساعة حتى يكون الولد غيظا والمطر قيظا ويجري الصغير على الكبير واللئيم على الكريم الامير اللاهي الغافل الساهي اسمه صليب ورسمه عجيب وسره غريب تضله الفتن الرطيب ويشار في العصور ماها وتخذ رياض القلوب جرعاه قد اذن لحسن فوق جبهته واشهدان لاملح الا هو وهذا الحبيب يجلس على سرير الروم قبل صباح اليوم وهو هذه صورته استعمل الظالم فان الله تعالى مكر وصورته وهذه صورة وضع على كرسيه الماضي قال عليه السلم حزب السريه اربعة مائة حزب الجيوش اربعة الاف ملك المشرق وهذا

صلى حم ون الم عسق الم نزت دي







سوى التذبي سبب الـتذبي   من عاش نال من العدا بغية   او مات كانت له الايام تنتصروا شعيب

شو بايشمعون شيث جرجيس خرقيل هابيل   ابنيك يا صاح اخبارا مورخة من عالم تحقيق القول

مصداق   وارلعون وما جرى باهراق   وحرق القصر فيها اى اخراق من نكبته مالها من دونها واق

من الاعاريب من نهب واحراق   تقيصر عن كتب واوراق   ونلها حين لا يبقى لها واق   حتى ترى الخوف فيها تحت

اطباق   من اعظم جور وارعاد وابراق   وفى سبع شهر وعن دايم باق   وقد مضى فى منتبه فى سفينه الشاق

لا يلبقى فيها من سر كانه لاق   فلا تبقى فيه من حدب ابها واق   ببوحه بالبنا واستكمل الباقى على المدينة من هدم

احراق   وبادمشق لما يلقى من اللاقى   ترى محبى باعلام وابراق   واقتلوها بسهام ذات احراق   من دونها الخيات

واطباق   فى دمشق بدم كالماء مهراق   ولا نزال جيوش الترك سايرة   حتى تحل بارض القدس عن ساق   حتى

انا وصلوا البيت الكرام غدوا   عليه فيه باحراق وابراق   وويل غزه بما قد حل بها   وعسقلان فلا واق ولا راق

وتخرج الروم فى جيشهم   لحبب الى اللقا بارقال واعناق   رومى وروم وافرنج وبربه   يانون مثل الدبا من ارض

كل افاق   يا ويحة للملوك الارض جميعها   ترك وروم ومصر ومطراق   والترك تحشر فى البيضا من حلب   ياتوا

كراديس تجمع وافراق   والترك تستحد المصرى حين ترى   فى محفل الروم عند ابعد مناق   وتنشر الراية الصفرا

فى طب مكفل من يقول الحق مصداق   وويل الاعاجم من ويل يحل بهم   من مادم ظل فى فدوس واعناق   باخذهم

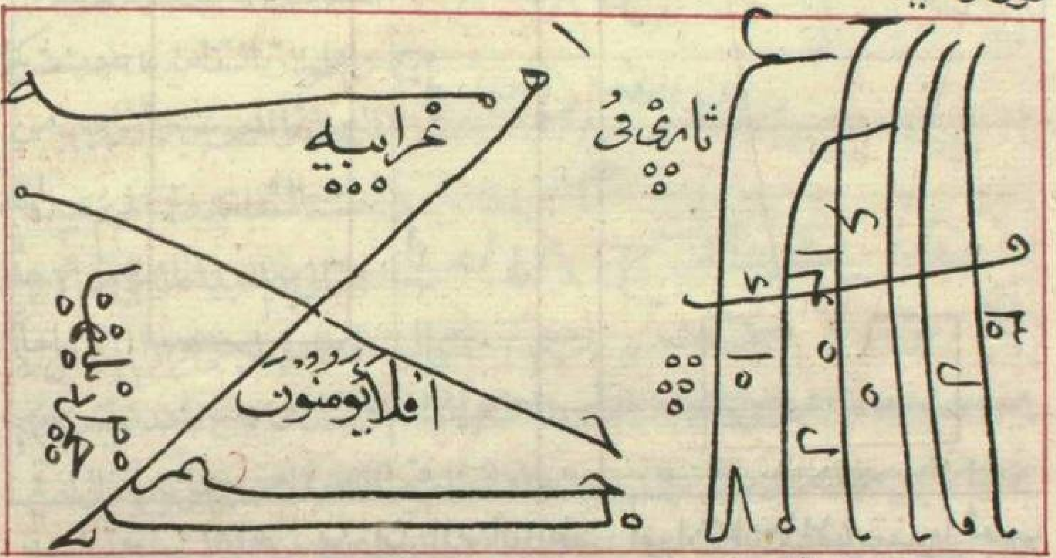
السيف من الحفار لهم فلم يبقى بغيابتهم فارس باق   وغلك الترك بغداد وساحتها الى خراسان من شرق الى عراق

وقرب البشر السبلىء ما وهما بالامن من غير او خاف وافراق وتاتى الصيحة العظمى فلا احد ينجوا وليس فى حكمها

راق والله اعلم ثم نظهر حرف الميم مع الحرف الجيم بامر صاحب المدينة الرومية

وستره ظاهر و دتم ظاهر فافهم الرمن وادخل الكنز وهو يفتح المدينة الرومية فى الدرة القمرية وهذه صورة

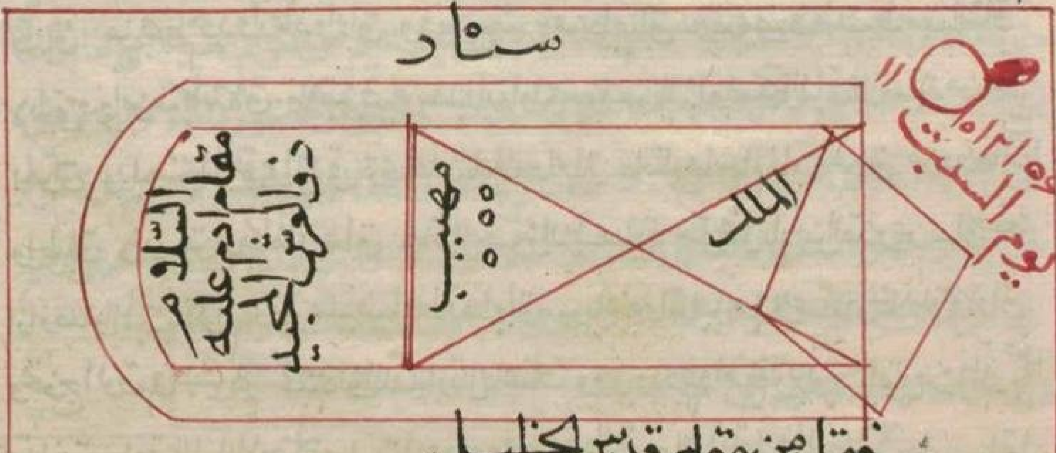
فوق كوستيه



قال الطماء ثلاث محال اصغار امان من ثلاثة ملك كبار الزكام امان من البرصام والرمد امان من العمى والدمامل

امان من الطاعون علوج الروم بعد صباح المرء عند ذرع القوم فى الوقت المعلوم   ببدواس وروم

ثم يجان كسيل فض من السال وهذه صورة ملك العلوج الراكين على السروج



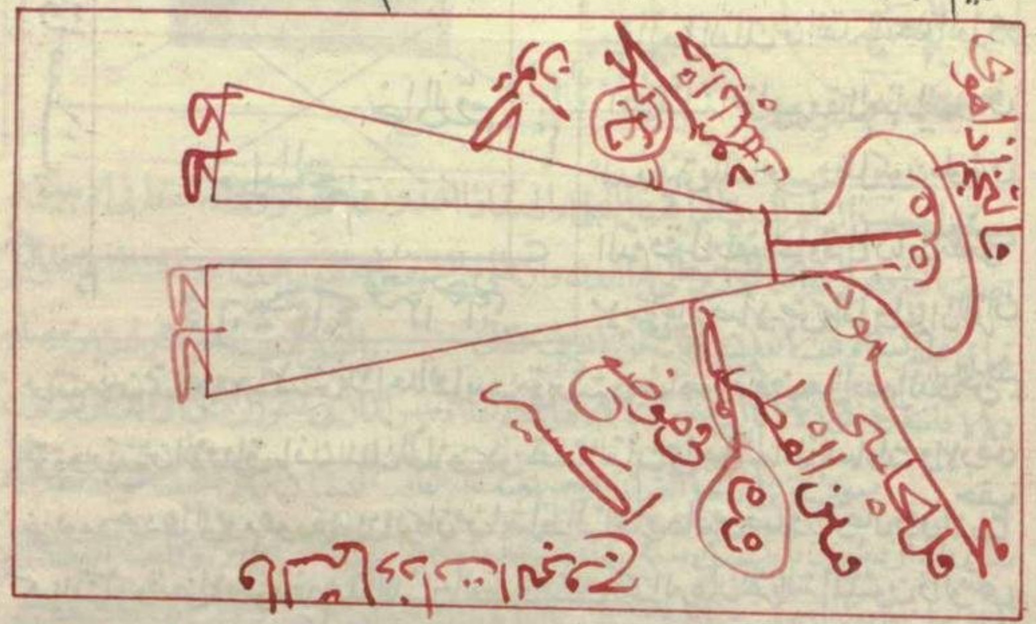
فهل من مقام قدس الخليل

قال النبى صلعم لا تقوم الساعة حتى يسبى الاصفر بمرج حلب فى ١٠ تحت كل راية الف صليب ومن راكب البحر استقل

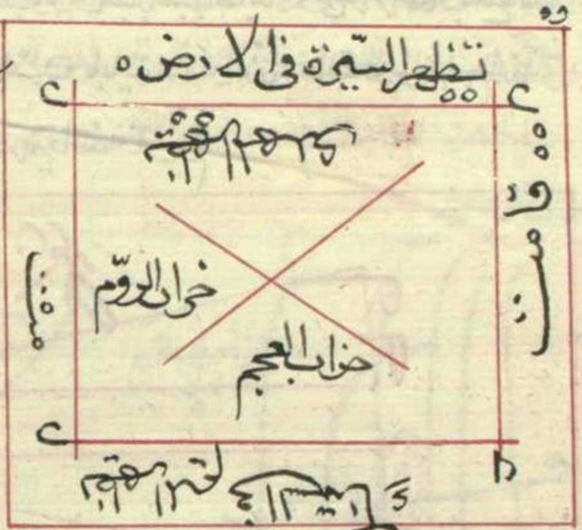
السوادبا محمد بن فالون محمد عمران محمد عثمان محمد بن قجماش وفى سنة خمس تقوم ابن افض ويقوم القياصرة

فمن كان من اهل المعارف فليكن لها وللمعانى كلامى قناصا ومن كان من اهل المعانى فليكن على نعمائه حرصا

وهبا فى هذا الا ينظر الى المبادى نل الحال الاغناب وترى الجبال يحسبها جامدة وهى تمر مر السحاب صنع الله
ويفعل عن الاربعاء فان فيه الحسن باصحاب القراد وبايات النفار النفار والله تعالى اعلم بسم الله الرحمن
الرحيم محجوب وهذه صورة ملك الدنيا المصرية والله تعالى اعلم

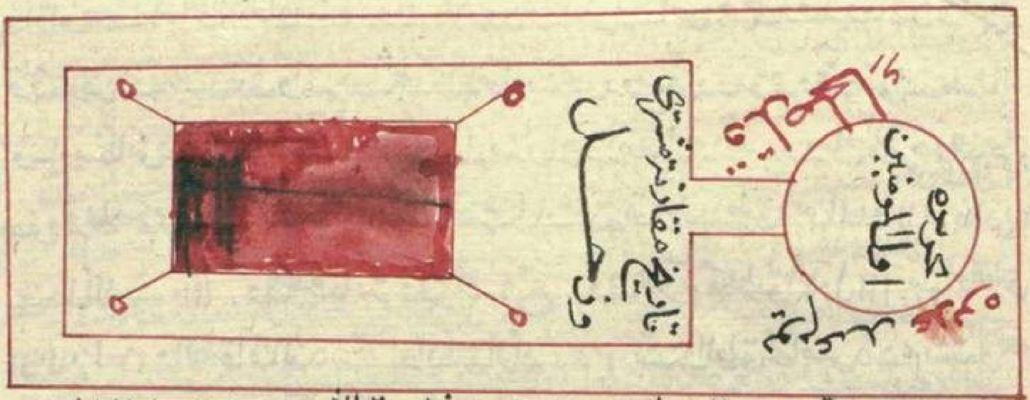


وقيل كان بالاسكندرية فى الملعب الذين كانوا يجتمعون فيه فى يوم فى السنة ثم يرمون فيه كرة فلا تقع فى
حجر احد الا ملك وخص هذا اليوم فى بعض السنين عمرو بن العاص قبل الاسلام فوقعت الكرة فى حجره فملك
بعد ذلك وكان يحضر فى هذا الملعب الف الف من الناس ينظر فى وجه صاحبه قال حاكيا عن ربه تعالى ان لى
جنود فى المشرق سميتهم الترك فرسانى انتقم بهم ممن عصانى بسم الله الرحمن الرحيم البا من ابراهيم فليحذر
البا من الالف والالف من اليا والسين من اليا واليا من السين فيطلع من مطلع الشمس قوم بلا دين رؤسهم
كبار وعيونهم صغار على اتباعهم ريش النعام علتهم قسى الخشب والسهام الويل على بلادهم العراق والشام
واعلم انا الدنيا اصلابة المنع اكالة الامم فخيرها يسير وشرها كثيرة لا دنيا بلا سار ان يرفع القران عند تمام
حروفه وذلك على تمام ٩٥٢ وبقى من الالف سنه يذهب فيه الامثال فالامثال حتى لا يعرف على وجه الارض
من يعرف الله تعالى وقال ربا بلا نوار ان واصل الزمان الى عدا د اسم تعالى فيه تبدلت الارض
والملة الاسلامية ادامها الله تعالى ما دامت السموات والارض وقال اهل الاطلاع انه سيقع بالمهلكة
تحريف وقبل تظهر الامة تدل على قيام الساعة وقبل تقوم الساعة وقال لا يقال فى الارض الله الله وقيل
تقوم الساعة



وقال اهل التركيب بعبدا اللات والعزى وقيل
لا يقال في الارض الله الله او قيل الباقي الى
قيام الساعة هو هذا كما ترى القدوس رمل السنين
وقال اهل الفلك من القدماء هذا العدد هو
اخر المثلثة التراسير وقال احبار اليهود في
العدد ينتهي ملك العرب وقيل يكون طوفان
الدم وقيل يرتفع العلم وقال ارباب التصوف
لا يبقى على وجه الارض كامل واعلم ان القران
يرتفع مرتين مرة من وجه الارض فلا احد يعمل به ويبقى بركته وهذا هو المعروف هو العصر الذي نحن فيه
مرة ويرتفع من الاوراق باذن الملك الخلاف لان حقيقة القران هي القوة الحاملة للسماوات والارض
من يوم وجودها الى يوم عودها ولذا لو كان من اشراط الساعة ذهابه من صدور الرجال ومن المصاحف
كطي السماء وقبض الارض فافهم هذا اللسان العظيم والشان الكبير البرهان تقر بالسر المكنون والوشي
المصون الها البدر الذي يحكي الدجا قل لحب في الهوى لم يحرق انا من جملة ارباب الهدى غير اني في
هواكم تحت دق لا شيء من تركها عاش اعتبر من سلف ياخذ ملك دمشق عن قريب يموت سبحان الذي
لا يموت شير نطي بوبي اقنوس طوس دمياط بغداد انا مليس عنزه عم عم صفد حلب قونية سيفوت قسطنطينية
محمد يوسف محمد مسيح بلبال بسم الله حروف الباء بعد حروف القاف وحروف الميم بعد حروف الميم لقد كان في قصصهم
عبرة لاولي الالباب فاعتبروا ايها الواقف والا انت عن اكل وسلح ونكح وولد اليكما سيفتح ابواب
عكا وغلام حبيح وعلى الفراش طريح جواد حرد امته عما اسلفت في الايام الخالية وعلامة ذلك البلاد
الرومية والديار القرينة موجوده ونره
ظلم ومكره سيفني العلماء ويقتل الصلحاء و
سيضر الصليب يسلب طريد عيسك القبلى
ويقتل الحر او هذه صورة تخصه هذه والله
تبارك وتعالى اعلم بالصواب واليه المرجع والمآب





سنظهر احبيب التام للسبب الباهر قال العلماء الهند اذا اخذ ورق الشجر الواق واستقطر في الانبيق و
اضف اليه دهن الشجر الكافور وطلى به البدن وان طلى به السيف لم يقطع به البدن بعد ذلك الواحة خلوا لراحة
قال علي عليه السلام عنه لا تبدين ذمقات لمن لا يعرف حقك يا ليتني كنت له طلا لا ارشف من رضابه
دلالا قلت له تجيبني دلالا قال لعبير دلالا قال عليه السلام بيس المال في اخر الزمان المالك والولدان
سوف ترى اذا انجلى الغبار افرس تحتك ام حمار الدنيا راس كل خطيئة حكى ان الخضر اجاموها
شابور بن اردشير بن بابك مدة سنين فلم نقدر عليها وكان اسم ملكها الساطرون وكانت ابنته في غاية
الجمال وكان عادتهم الى حاضت الامراة نزلوها الى ربض المدينة فحاضت فنزلوها بابا بور فرات فعشقه
فارسلت تقول ان اخذت لك المدينة تتزوج بي فقال نعم خذ حمامة ورقا بكروا الطقها فانها تقعد على
الصور ففعل ذلك فدخل المدينة وابا اهلها قتلا وقتل الساطرون وتزوج بابنته فباتت تلك الليلة
عنده ثم انه قتلها الصمت من الباطل صدقة كم حسرة في الحشا من ولد قد نشا كانشاؤ رشده كما تمنا
تنا سنة الوصل سنة الهجرة سنة فرعون فرعون وموسى موسى بوذ رحمن وقد ورد في الاثار لكل زمان
فرعون لا اله الا الله محمد رسول الله استغفر الله العظيم اذا تم العقل المرء قل كلامه واليقين نحو الله
مكتار افهم هذا التاريخ المطلوب والحجاب المرغوب قبل شرب كوس هيهات في البراري المفطرات الكو حينا
بالفضا يا بسط الاعظم اعلم ان جميع ما سوى الله على قسمين قسم يدرك بذاته وهو المحسوس والكثيف وقسم يدرك
بفعله وهو المعقول واللطيف والصلوة على جناب الارواح وجلاب الارواح والحمد لله وحده وصلى الله
على سيدنا محمد واله وسلم الجزو العاشر فيه شيء من الحروف اول اسماء الملوك من القاهر بسم الله الرحمن الرحيم
قال الله تعالى اذا زلزلت الارض زلزالها واخرجت الارض اثقالها وقال
الانسان ما لها ارض ما لها من العدد الف وواحد على راسه تبدل الارض غير الارض قال الله تعالى اقتربت
الساعة وانشق القمر وقال فلا اقسم بالشفق والليل وما وسق والقمر اذا اتسق لتركبن طبقا عن طبق

فالقاف حرف الاحاطي الاسماء منه قارون وقلاوون وقانص وقناص وقرطي وقطر وقاقان وقلمطي و
قرنم وقرطوق بين وقافي والميم حرف محمدي الاسماء منه محمود ومسعود وموسى ومحمد صلى الله عليه واله
وسلم ومطاش ومنجك الرا حرف روحي والاسماء منه رباح ورمضان ورجب ورماح والقمر حكم بجلية حروف
نصور فهم بحلحكم مردمق دمق واعلم واعلم ان النصر من ايات الله تعالى مقدر طبق له من العدد ١١١ فالوزن
في هذا الموضع ١١١٠ وفي غيره مائة وفي غيره ٩ع وفي غيره ٣ ستة فالطبق الاول ١١١ سنة والطبق
الثاني ٣٣٣ والطبق الثالث ٥٥٥ والطبق الرابع ٤٤٤ سنة والطبق الخامس ٥٥٥ سنة والطبق
السادس ٤٤٤ سنة والطبق السابع ٧٧٧ سنة والطبق الثامن ٨٨٨ سنة والطبق التاسع ٩٩٩
سنة وعلى راسه تقوم الساعة ويصيح اليمام وتنوح اليمام وهذا اخر الدورة القمرية المخصوصة بسيدنا محمد
نصر من الله وفتح قريب واعلم ان الايام حروف من حروف الحبمانية وفلك من افلاك الروحانية واما
اليومان فهما سر الله المحجوب الذي لا يطلع عليه الا الاحاد من ارباب القلوب فالاول اسبوع النصارى
الشمس واخره الاربعا والاول اسبوع اليهود زحل واخره الخميس وهو مخصوص بموسى والاول اسبوع
المسلمين القمر واخره الاثنين ولد في ذلك اليوم رسول الله صلعم فللملة الموسوية والاول وللملة العيسوية ٢٥١
٥ ٢٢١ وللملة المحمدية ٥ والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم ٥٥٥ ارباب الاطلاع يحكم
بالقاهر حرف الالف والياء فان ملك الحرف الالف عدته ٣١ يوما او ٣١ شهرا او ٣١ عاما وهو بعيد فاولها
حرف الالف الرحيم بعد اسقاط لام الكريم وثانيها حرف الباء وثانيها ذكر في الرتبة حرف الكاف ٢٢ فتاخر
حرف الدال الغالبة من ظهور ثالثها حرف الياء وهو بعد الالف فافهم يا هذا سر هذا السيف المرقوم والسر
المكتوم لا نظهر هذا يرمز الاسفر وتصيف الاصفر قال الله تبارك وتعالى لا تبقي ولا تذر لواحة
للبشر عليها تسعة عشر وقد ذكر بعض العلماء عنهم ان اليوم والليل ٢٤ ساعة خمسون منها
مشغولة بالصلاة الباقي ١٩ ساعة غالبة عن ذكر الله تعالى فلا جرم ان كان عدد الزبانية بعدد هذه
الساعة المذكورة الله اكبر خربت خيبر ان موعدهم الصبح اليس الصبح بقريب
عدد الصبح ١٣١ وحروف وقل وهو الهجرة فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها ولا
يزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعة او تحل قريبا في الهلال ٢٨ فخلو لها يوم سنة ولا
منزلة الى السرطين ٢٨ موجود حتى قال الله تبارك وتعالى وان من شيء الا يسبح بحمده كلما ادت
قريب لا بعيد لما هو ان لا يعجل الله تعالى لعجلة واحدة ولا تخبر لامر الناس ما شاء الله
لا ما شاء الناس يريد الله امرا ويريد الناس امرا وما شاء الله كان ولو كره الناس ولا معقب لما قرب الله

وامفر

واصقرب بما لعدابته ولا يكون شيئا الا باذن الله قال الله تعالى فكلا اخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا عليهم حاصبا ومنهم من اخذته الصيحة ومنهم من خسفنا به الارض ومنهم من اغرقنا وما كان الله ليظلمهم ولكن كانوا انفسهم يظلمون فيه قتل الحسين ع صفر فيه يصفر الاصفر ربيع الاول فيه ولد رسول الله ربيع الآخر جمادى الاولى فيه تقوم رفض الصلوة ثامنة ولد فيه الامام على وفى ١٥ وفعة الجمل المشهور جمادى الآخر فى تاسعه ولد فيه الامام جعفر الصادق ع رجب فى الاربعة والعشرين منه كانت البعثة النبوية شعبان فى ٥ اوليته بعض الناس يستدبر القمر ويكشف رأسه ينظر ان طال عنقه فى ضوء القمر فان كان مخلصا فانه لا يموت وفى ذلك العام وان كان لا صقلا يتبين من خشية فانه يموت فى ذلك العام والله اعلم رمضان فى الرابع منه منزل القران على رسول الله ص وكذ عدنان شوال فى الخامس والعشرين منه ايام كانت الحيات نفا الفحله كان خروج يونس من بطن الحوت ذو الحجة فى الثامن والعشرين منه كانت خلافة الامام على ع فانظر الى المناسبة مبين قلبك وتامل الموازنة تفهم لباب تبنية ودلالة على اسرار الملك الوهاب ثم اتى الامام على بعلوم نورانية ومفهوم صمدانية عن الاذهان وارده والى هذه المناهل العذبة لبيستنبادرته فتحتوها كنوا وستمطوها حرزا وقولوا العبد بسم الله الرحمن الرحيم وفوق كل ذى علم عليم اعلم ان الاسرار الحروف فى الالف المعطوفة وسر الالف فى النقطة ولا يعرف ذلك الا ارباب الحال والفطنة والالف مفتاح اسم آدم والباء مفتاح اسم بلعام والجيم مفتاح اسم جرجيس والدال مفتاح داود ومفتاح الدجال فدا ونخليفة الرحمن والدجال خليفة الشيطان تنبيه آدم خليفة الرب ونوح خليفة الفهار وادريس خليفة المحى وابراهيم خليفة الرحمن ويونس خليفة الجميل وموسى خليفة الجبار وهرون خليفة التوراب الحنان وعيسى خليفة الحليم ومحمد خليفة الله سبحانه وتعالى وابوبكر وعمر خليفة الحق الكفر وعثمان خليفة القران وعلى خليفة الميزان وحسن خليفة الامام على وجعفر الصادق خليفة العلم ومحمد المهدى خليفة الله تعالى ومحمد خليفة القران وللمسلمين والدجال مهدى اليهود والهاء مفتاح اسم هود ومغلاق الزهرة والواو مفتاح اسم ولى ومغلاق اسم عدو والزاء مفتاح الزحل والحاء مفتاح اسم حزقيل مفتاح اسم طالوت والياء مفتاح اسم يونس ومغلاق اسم موسى وقد اشتركا فى الالقاء فى اليم هذا فى ظلمة التابوت وهذا فى ظلمة بطن الحوت والكاف اسم كعب واللام مفتاح اسم لوط ومغلاق اسم هابيل والميم مفتاح اسم محمد وموسى مغلاق اسم آدم وابرهيم والنون مفتاح اسم نوح ومغلاق اسم لقمان وسليمان والسين مفتاح اسم سليمان ومغلاق اسم ادريس ويس مفتاح اسم عيسى ومغلاق اسم يوشع والفاء مفتاح اسم فرعون واسم فلاح وهو اسم فتح البلاد لال محمد والقاف اسم قرون والراء مفتاح اسم روبيل والشين مفتاح اسم شعيب والتاء مفتاح اسم تميم والثاء مفتاح اسم ثابت ومغلاق اسم حارث وهى اسم من اسماء الحالى وادعوا به يرث الصالحون ارض الله تعالى والخاء مفتاح اسم حزاب

ومن فهم سر هذه الحروف شان طي السماء ونبع الماء وتبديل العامر بالخراب والساكت بالجواب والناطق بالصواب
الملك الله الواحد الوهاب وبه نفهم الخراب سد ياجوج وماجوج وهم من كل حدب ينسلون والذال مفتاح
ذرانا والضاد مفتاح ضار ومفلاق اسم قابض ومن علم سره عثر على انفراص الاسلام والايمان وفي عدده ينفخ
القران ويعتبد الصلبان والظاء مفتاح اسم ظاهره فيه تظهر الفتنة وتنوح الحمامة والعين مفتاح اعاتم في قد
حمل العقل المذكور وحصل ما في الصدور والصلوات على اولوا الصباح وعلى اله الصباح محمد نبي اخر الزمان و
سيد ولد عدنان وقيل كان سطيح الكاهن من اعجب خلق الله تعالى لان الله تعالى خلقه بلا عضو يحسن ولا جوارح
بحتى بل جعل فيه انفاسا غزيرة مترددة وعروق متمددة كان اذا اراد سفر من بلد الى بلد يطوى كما يطوى الثوب
ثم ينال ويحيط بين الناس وعن اي شيئ كان سئل اجاب من غير توقيق ولا تامل فلما قدم عليه قال الحمد لله الذي
قضى بزوال الدول وخلق الخلق واحمي بالحمل ثم قال يا معشر الناس سلوني تجدوني تريدون اسئلكم بالجواب ثم
قال يا معشر الناس اخبركم بالغرايب وما برح الناس يسلونه وهو يجيب حتى حير العقول والخواطر واذهل ذوي
الالباب والخواطر والسراير فقال له عبد المطلب اني قد رايت في المنام امرا غريبا وسرا عجيبا فقال له يا شيخ
الحرم قل ما ابصرت والا فانا اخبرك به ان كنت قد نسيت فقص على عبد المطلب المنام فلما اسمع كلامه وفهم
مناسبة قال يجي هذه المدة ويظهر سيد ولد عدنان صاحب الرحمان لشريعة والقران والحجة والبرهان والمعجزات
البينات ماحق الاوثان وماحق الصلبان ومديخ الكهان نبي اخر الزمان فويل لمن خالفه وطوبى لمن
اجابه قال عليه السلام افشا سر الربوبية كفر فالمما واحد والاختلاف في القوابل قل هو للذين امنوا وهدى و
شفاء والذين لا يؤمنون وفي اذانهم وقر وهو عليهم عمى عباراتنا شتى وحسنك واحد وكل الى ذاك الجمال يشير
واعلم ان العلم النوراني الجفري والسر النوراني الجفري لا يحتاج اليه الا الملوك الكبار واعيان العلماء الجواهر لما منه
من قبل العلم والاسرار والمعارف والاثار وفاسيفوا اهل الحزم من الذين لهم في علم المواهب وفي مقام الحقيقة مراتب
ان القلوب لا ينبغي الا لاهلها وما تغن الايات عن النذر عن قوم لا يؤمنون ولنرجع الى
كشف الاسرار ورفع الاستار ووصف الانوار بعون الملك الستار اعلم ان الاقاليم السبعة وهي اقاليم قلبك الاول
العقاد وهو اقليم زحل وبوابه المشايخ الثاني اقليم السويدا وهو اقليم المشتري وبوابه العلما والثالث اقاليم القاف
وهو اقليم المريخ وبوابه الامر والرابع اقليم المهجا وهو اقليم الشمس وبوابه الملوك والخامس اقليم الصبر وهو اقليم الزهرة
وبوابه النساء والسادس اقليم الفلاق وهو اقليم عطارد وبوابه الوزراء والسابع اقليم القلب وهو اقليم القمر و
بوابه الشعراء وكل اقليم من هذه الاقاليم باب فبنا باب الاقاليم الاول سر الحيات وهو باب ابرهيم والباب الثاني
سر العلم وهو باب هرون والباب الثالث القدرة وهو باب موسى والباب الرابع سر الاه داته وهو باب ادريس

الباب الخامس

الباب الخامس هو سر الرحمة وهو باب يوسف والباب السادس سر الحكمة وهو باب عيسى والباب السابع سر العمل
وهو باب ادم ثم الباب الاول مفتاح الشكل المسدس والباب الخامس مفتاح شكل المسبع والباب السادس مفتاح
الشكل المثمن والباب السابع مفتاح الشكل المتسوف فهم هذه الابواب التي لا يفهمها الا من الهم سر الخطاب من اولى الباب
ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم وتبود ابتة على من تابعك العلما لهذا الامر والشأن
الوسيع والشأن العجيب ان هذا العلم له بناء عظيم وبرجيم وشان عند اهله قديم فاذا اردت ايدك الله تعالى
بصره ونور قلبك لسره فهم ذلك فسل عنه انا لم نعلمه فمن علمت فزادك الله ايمانا وعلما احفظ هذا العلم ولا تبخل
والى علمك فانه من نقاله بخل الله به وسيغني الله عن لم يعد ٥ لس م ا ل ه وكيل الرحمن الرحيم ادم
زحل الوهاب الوهاب الجواد الواحد الى القريب الرقيب الجليل القوى ميقلم الوهاب الرحيم
الباعث الدؤف الحبيب العلى سميع سلام وكم ساع اتى يبغي
لامر وفيه هلاك لو كان يدري ولتعلم اشرف قلبك بشمس اسراره وافاض عليك من ملابس انواره
ان الاعداء اسراركم ان الحرف اثار قال لا تودعوا الحكمة غير اهلها فتظلموا ظالميها ولا تمنعوا اهلها
فتظلموا ظالميهم سعر من منح الجهال علما اضاعه ومن منع المستوجبين فقد ظلموا وفق اسم الله
الاعظم قوى الله منيع حى الله سميع حو الله ولى الله بديع ملى الله حامع ملك واسع
حامع الله رافع مانع الله قوى فراد محمد موسى ايوب الياس هابيل يوسف ويعقوب مهيمن
مؤمن واسع فتاح ملك نافع قيوم هو الملك قوى الله صليب قوى مهيمن موس
متين حم البسالة وكيل حى حى موس رحيم يوسف يوسف ابراهيم ادم الله ملك ادم يونس
ملك يونس اسحق قدوس ف لس هو المحبوب حبيب حبيب محيط حبيب حى كهيعص
صاد الغزل حصين الرجا جيب جزع حميد دهنج لو لو باسط في محصى حفيظ حى احد محمود موسى محمد
مكرم سد حم ماجد سلطان عليهم سلام قولا من رب رحيم كافل كهيل دايم مجيب سليمان ملك
مليك صالح حامح المص مانع سين الف طا نون عسن سبع قوى الله ملك نيل ملك لطيف معطى
هود عاد سليني يا عيني امكانت امصيحة حى قبل لبعض الحكما من الملك قال من ملك هواه
فكن كاتما ان نلت بالسر علمها فكتمانها عند الحكيم من العرض مقبل ع سر الله كهيل محمد الله الله الله
الله مح مد محمد حميد بمحمد لس سلام وكيل حميل كن ك ذلك يحيى الله الموتى ويريكم اياته لعلكم
تعقلون قطب الفا هلا لا هلا باسط ص كافي ميكائيل حم سبح مهدى وعيسى يحيى يوسف
يعقوب اسم ام مريم خير اسم ام موسى ابو حارث ص ملك حم على لا اله الا هو حم محمود

حاميم مانخ ان الله تسعة وتسعين اسم من احصاها دخل الجنة يا مهيمن مولف طا سين مدوح ودود ظا لب
جبيب كهيعص ينفح ملك مكوم يا منال عدس صمد سيف عيسى تح محصى حق فسيكفيكهم الله
وهو السميع العليم صوحا جبيب حبيب ادم زحل حينئذ محيط هابيل ماجد له حبيبه شعيب تب
سميع جواد واحد هاينه ٩٦٩ سليمان حنان ملك حس فوج جركس سعر شراب لاح يلمع في سباخ خلا ماء
لدنير ولا شراب جمال جمال باسط عيسى موسى قابض علي يوسف زهره مى نح يحيى عمر عزيز باسط جبيب جليل
المحيط هو كيوان باسط تنتهي مبسط عالي هو مالك دايم مجيب مبين عقل منع الله احمد حي موجل
احد واحد هو معالي يا ايم هدهد حي حي سلام قلب يس محمد الله محمد دين قلب سلام السر في الشكل
والسر في الشكل بيان سر من اعظم الاسرار الاولى الابدى الا تصافى اسم عروس حضرة الربانية والوحدة
الصمدانية محمد صلى الله عليه واله وسلم محمد ختام ادم حانوح ختام ابراهيم مبدء موسى الكليم قسمه
الاعظم محمد وسر الروحانية

احمد واعطي السبع المثاني واسمه مشتق من اسم الله تعالى محمود وهو كمال
لان اسم محمود صورته ٩٨ والف توحيده وهو تمام ٩٩ واستقاقه من الحمد ح م د فانظر الى سر حروفه
النورانية واشارة الروحانية ثم انتهى السر الى حرف الميم وهو من علم القلم بقوله حام حام دام راح سام سام
سام صام عام نام لام نام هام وانتهى الوعد الى حرف الحاء وهو من عالم اللوح بقوله تاج تاج راح ساح
صاح طاح فاخ داخ ناخ لاح واح صالح انتهى الشان الى حروف الدال من عالم الكرسي بقول باذ جاذ
باذ جاذ حاذ دنا درا سار صاد عاد قا رمار ناد فافهم هذا الشان الخفي ببرهان الجلي تفز بالسر الحرفي و
المعنى الظرفي وليرجع الى الكشف الرابطق وصف الحقايق يس م ماحي باسط واحد ايوب وهاب محمد محمد
حبيب ماجد حبيب جبيب الحبيب حح ف فص حسار مجيد حي يا جميل الله هلال الله موسى
اسمعيل مالك للملك حبير مبير عمر لقمان نور دا وواسع جامع حزقيل قابيل جبيب جبيب حزقيل اعلم ان الحروف
مرجعها الى احاد بساط الوجود وهي ابج دهو وزح فازواجها جمالية مشرقة وافرادها جلالية محرقة و
هذا الحروف البسايط هي هيولى لحروف العالم الجلال والبا العالم الجمال واعلم ان دور سلطنة الالف
٩٣٤ سنة ودور سلطنة البا ٩٨١ سنة فالالف سماء الحروف والبا ارض الحروف فالالف ادم والبا
محمد ثم اعلم ان الميم في اسم ادم ختام وهو مبدء ظهور سيدنا محمد وله حرف الدال الخاصة وهو منشاء الميم
لان الميم مسماها دال وفي هذا بينهما ٤٤٤ مسماها دمت وهي دايم الدارين الدال اي اسم داود وهي خليفة الله
تعالى والالف مفتاح عروس الخلفا واحمد واما ما اشرقت في ادم نوار مسمى الملك وما الرحمة ودال الدوام

سجدت الملائكة لادم اكراما القطب فلك الاسماء ومركز مدار المنتهى فصوص هيولى الحروف والسر المصروف
والكنز المعروف والواو المعطوف ما اشرقت شمس حروف من شرمعانى الصروف الله الله الله الله الله الله الله
الله الله الله الله الله حى حى حى حى حى ودود ودود ودود ودود ودود ودود حليم حليم حليم حليم حليم
قال امير المؤمنين صلوات الله عليه اول ما اظهر الكون الالف وقيل ما اول ظهر فى الوجود كن وقيل النقطة
وقبل الالف وقيل هذه الحروف الم ص ح و ك د س لعدد الحروف الهاء والهواء والجود والوحو العماء والظلمة
والنور والنار والماء والطين والسماء والارض ما ها المصرف الالف انا واللام الله والميم محمد والصاد
الصانع واما الواو فهى للتفصيل ك والكاف وهى كلمة الملوك كله والامور كلها فى الغيب بكنونه محكمة و ما
ربا ولكن وما اظهرها هاء الهاء لعدد الكن لانها حروف الهياى والباء كناية عن الروح والعين كناية عن
العلم والصاد كناية عن الصور وهى المكان الذى ظهر منه الانوار من الصور ط وهى كناية عن الطين الذى
خلق منه ادم واما الحاء فمعناها الحق ميم واما الميم فهى كناية عن الملك وهى الخواتيم اشارة الى السموات السبع و
الارضين السبع س واما العين والسين فهى كناية عن العلم السابق ق والقاف قلمه النافذ منذ ان
سابق وهو الذى لا ينفع منه الدعاء وكذلك تكررت العين مرتين احدهما فى كهيعص والثانى فى حمعسق
لان العلم علمان علم الغيب وعلم الشهادة وهو العلم الاسفل بالمكنونات التامة الموجودات التى ظهرت و
خرجت من الامكان وبرزت للعيان وقال الله تبارك وتعالى عالم الغيب والشهادة وهو النون والنون
الاعظم وهو الغيب الذى يستمد منه القلم علم الاشياء وقيل هو ملك اعطاه الله تعالى علمه فى خلقه وهو ٣
علما وبلطائف الغيب قوله تعالى ام عندهم الغيب فهم يكتبون اى يستمدون منه ما شاء كما فعل القلم اعلم ان الحروف
كلها ومنها الف لام وظهر الملك وان الله تعالى جعلها ٢٨ حرفا ١٤ حرفا ظاهرة ١٤ حرفا باطنة وهى
التى ذكرها الله تعالى فى القران وهى فى اوايل السور وهى عطاه الله تعالى سيدنا محمد واطلعها على غيبها
لانها مع جوامع علمه وتدبيره ومبنية على ارادته ودالة على حكمته واذا اقرنت بعض هذه الدلايل الى البعض وامعنت
النظر من وجه الاعتبار استدللت من ذلك على معنى الدنيا واعلم ان كتاب المخلوق تدل على ما فيه قوله تعالى
ودال على ما فيه غيبته وستره وكذلك جسم العالم بجميع اجزائه للبارى تعالى ذكره كالكتاب وهو دال على قوله تعالى
ودال على ما فيه غيبه سبحانه فاذا فهم المتامل هذه الاسرار المكنونة تلفظ بالغرايب واخبرنا من العجايب وعد من
العلماء الاجلال والسادة الفضال والحمد لله وحده الجزو الحادى عشر فى دولة الانزال عصر بسم الله الرحمن الرحيم وتنفق
اموالا وتفتح خزاينا ومن بعد عيسى مهما فانهذا الا اترك الترك ان حبوك اكلوك وان لغضوك قتلوك قال حماد
الفرس العجب من يشترى العبد بماله ولا يشترى الحر باحسانه شعر ان البراءة واذ سمعى عواطل والتاج معقود براس

الهدهد ومحمد ابن ادريس بسم الله الرحمن الرحيم محبوب وبسل الشبلي لم تصفر الشمس عند الغروب قال الا انها غربت

عن مكان التمام واصفرت لخوف المقام الوقت اسبق من بياض الميم ومن صلد الليم قال الشافعي **شعر** ما كان

رب يوم بكيت منه فلما صرت في غيره بكيت عليه وعدو هربت منه فلما خفت من غيره رجعت اليه وقال الاخر

انقضت تلك السنون واهلها ٥ فكانها وكانهم احلام ٥ وقال اخر **شعر** قد تصباد القطا فيحوا سكيما

وتحل البلاد بالضياء ٥ سركم وعلم يعلم يقول ٥ فترى اليمين قد احاطتا احاطة كلية في فهم ويقول فترى

الالف بينهما مربوطة كما كان ربطت الواو بالنون لا تبديل لخلق الله وعلى هذا انقش الحروف كلها واكتم هذه

الاسرار فقل ان يسمع مثل هذا السر الغريب ولم يقل العبد ذلك على سبيل الفخار وانما هي علوم واسرار يسيحوا بها

من مكايد الفخار وبالله العون والله تعالى اعلم **يوسف** محمد **يعقوب** يونس **نوح** ولي احمد والسيا نظمهم

في القسطا طنا بعز عن سير العدل تعدل ولم هي **شعر** ومصر قد سمعت بعز بن كان يوسفها لما حوى الملك عز

التاسل للبذل علم وحلم واعضا وبادمرة في دعلة الترك يا بافضل وصل المفقود من لا ابد ولا حد ود

الواحد ولا قرين السوء والفهم الفهم والبهم ما اتفق وما كان مقدرا في علم تعالى ام العين مع الميم وام الحا

مع الباء وام الميم مع العين وامي القاف مع الجيم وامي النون مع القاف وامي السين مع الميم وامي الباء مع التا وام الفا

مع الشين وامي الالف مع الباء وامي الجيم مع العين وام الميم مع الميم وام النون مع السين ثم كيف اتفق عدد حواب

في حواسبان رادة التا طغيانهما تلعها الف كلم اليم سبطهم وحروف النون فافهم وهنا نكتة عجيبة فتدبرها

فاذا فهمتها فاكتمها **ا ب ت ث ج ح خ د ذ** ر ز س ش ص ض ط **ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه لا ي**

فافهم الاشاره في حروف اسمك المختارة باسلام سلم من سنة سبع من السبع تام سبع وسبعين كان طوفان

للجيح ملك طيب فر دبس **شعر** فالعبد الخادم ر د دنتي معاونه ٥ وفي التغرب محمول على النعق **شي شعر** ضرب قليل

سعيدم والله تعالى اعلم اما سنة سبع فنرها مة السبع فافهم الاشارة واكتم العبارة **اويس** عن قريب بعيد لهم

والله تعالى اعلم **شعر** كم ذا اشيبه منك طرفا ناعساه تبدو اسبابا كلما سهمته ٥ فكانك الطفل الصغير بمهده

تزدا د نوما كلما حركته **اما حرف** فلم يتم امره الا هذين الحرفين وهما حرفا نوح او حرفه عدد اربعة وستون

وهو نوح وهذه الفايدة مذكورة في رسالة الحنفا فيما ظهر وبطن من الملوك والخلفا وهذا العدد هو ضد

العدد الاول وحروفه الثا الخيانة والباء عشرة والشين ثلثمائة وهي انكى عدده فافهم ثم احدد يا حبيبي ان كنت

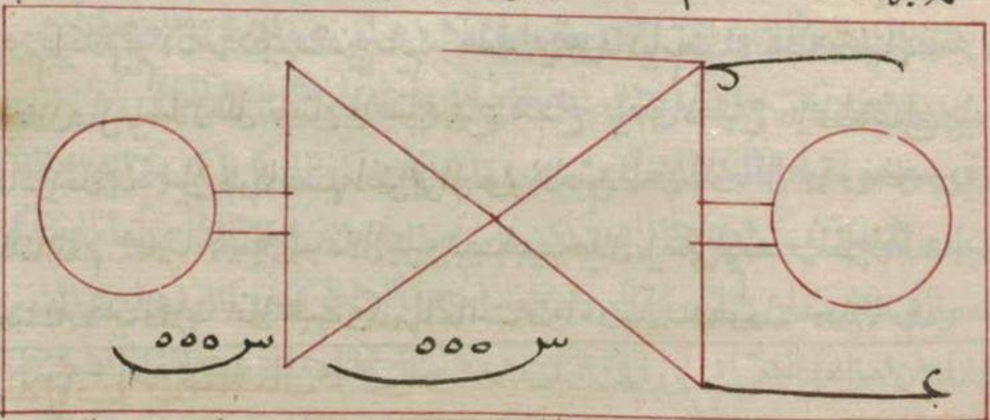
ترى صار الصون ثم عون العون **شعر** اذا تم شي بدا نقصه يدا توفي امورا نافيل تم حلوا علم ان المهدي هو

الذي جمع بين سر الله والقيام بالسيف بامر الله تعالى ٥ واعلم ان كل من اصلح الدنيا وافسد فهو دجال يبيع عقل منع

سقم سيف **شعر** ينادي صاحيا بالصوت تركا ٥ كذا السلطان يكتب في المال ٥ دلايل اصعب الاوقات دهرا

وحامه

واحبت امره واشرحال خبير اسم شريف ١٨١ ابيب ١٨١ يثبت قلب نبيت فافهم الهون قال بعض
من سافر بسفره او منزل فيه لا فليخط باصبعه في الارض في الجهة القبلية يس والقران وفي الشرقية وفي الغربية
ن والقلم والله من وراءهم محيط بل هو قران مجيد في لوح محفوظ فان الله تعالى يحفظه وقد جرى بعقد
٥٤م لهيك بشير عليك ٥٤م اذا لم يكن صدر المجالس سيدا فلا خير فيما صدرته المجالس فطاح
الذباب صنايع الغراب نزول الضباب طباخ الكتاب نواح الوهاب رياح الخراب نباح الكلاب صباح الحساب
شعر وللنجم من بعد الرجوع استقامة والشمس من بعد الغروب طلوع يا صاحب اليونان احذر من عينك
الطهران ولا تعقل عن ابراهيم فانه شيطان رجيم قلبه قاسي وسره فاسق واما فساده طرسوس فخصبها من الدعوى
بفيها الهلال الخسيف والشمس تكسف واما بيرة الفرات فتغرص من راعي الفلاه يا محمد احذر من الكلب الطايف
لانه خليل الاسد العاطف وكان مكتوب على عصان ساسان الحركة بركة والتواني هلكة والكسل شوم والحريص محروم
والامل زاد النجر وكل طايف خير من اسد عاكف ومن لم يحترف لم يتعلف ومن سلم سلم ومن سكت غنم ومن اعترف
لغترف ذنب منتفت وهو اعلم من مفت ديار يحالوم من صباح اليوم وعيل زرع القوم سيظهر المكتوم و
سيظهر الغلام قريب عيسوي وسره موسوي اماحه حوف الجيم وهمامه حوف الميم وزيه جم وكلبته طس وناصره يس
فيخرب البلاد وعليك العباد يا جيم وهذه صورته فوق كرسيه ويكون طالعه بالحمل والمريخ لانه صاحب التاريخ
وسيطلع طلايع الروم وعقيب هذا الغلام المسجون فسبحان الاول بلا ابتداء والاخر من ثم اليك بم عليك وهذه صورة
الملحمة الكبرى والحال هذه والله اعلم بالصواب واليه المرجع والماب وصلى الله على محمد واله وهذه صورته

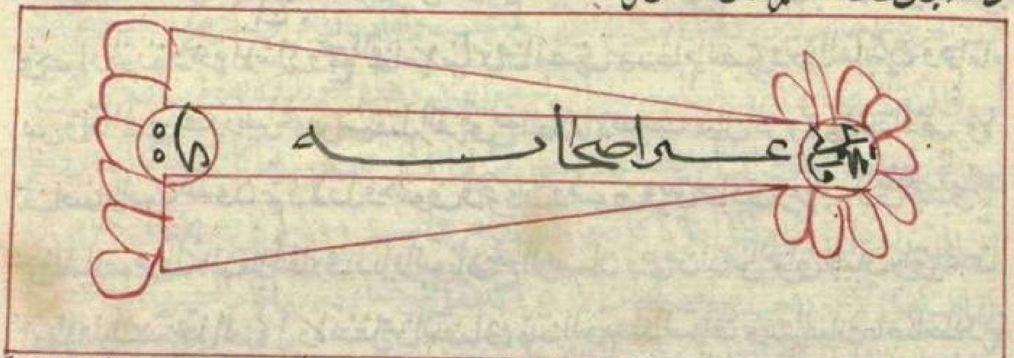


ثم قتل اشنع وحروب بديع بين الحرف الميم وبين النصارى ثم ملحمة الجزيرة الرومية وهي الملحمة الصغرى ثم خروج
النصارى دفعة واحدة على جزيرة الروم قاطبة ونزولهم على حلب في تمام صليب شعر من تحلى بغير ما هو فيه كذبه
شواهد الامتحان جزع حبيب غصن رطيب دهج وهج ومجيد مجيد عليم ملك كبير سليمان غنمان صفوان لقمان عمران
حسان عفان سنان هارون قادرون احلى النوال وما وصل قبل السؤال شعر اذا سمعوا خبرا ذكرة بر

بخ بخ عندهم اذن يا محمد انت صاحب الديوان سبحان المنان طرسوس باطن حرف الجيم اردبيل لله
لسير وكيل سعد داى اهل الهوى بلوح صتب من النيرح اولى الصواب قال عليه السلام لا تقوم الساعة حتى يملك
رخل يقال له الجهجاه ونحيد النين من الباء والميم والالف من الميم والعين من الباء والباء من الشين والفاء من
السين من الباء والميم من الميم والالف من الميم والعين من الباء والباء من الشابن والفاء من السين والعين
والباء من التاء ومحمد من الجيم والجيم من المظفر والالف من الباء والخاء من الخاء والعين من العين و
العالم من العين والعين من العين وهما من الباء والباء والباء من الباء والنون من الباء والنون من حكم
والقصر من الخراب والسؤال من الجواب والجاهل من الخطاب والله اعلم بالصواب واليه المرجع والماب
وصلى الله على سيدنا محمد واله وسلم ولنرجع الى خراب الروم فى اليوم المعلوم فالبداية من سنة ثلاث
لا لها بداية الخراب يا صالح اصلح وسلم للجماعة كلم ولنرجع يا محمد ارقد بن مصطفى يا اسحق يا مهدى
الزمان نقدان الامان سلام على نوح فى الملك من نوده يقوح يا يعقوب يا الياس اصبر يا كانت
للدين حاسب يا شيخ فرق يا كوزل حرق يا شاه قم يا سكندر قم يا عمر عمر ويا سليمان دنز يا دجال يا مهدى
هج يا ابراهيم ادهم اذن يا نمرود دخن يا طالوت اشرب يا جالوت اقرب يا ادريس خيط يا ابليس
حنظ يا نوح نوح يا فرج فرج يا محمد اشرب الشراب واسمع الرباب وعانق الاحباب وارشف الرضاب
قبل الرضاب واغتنم الفرصة قبل الغصة قد حال الجريض دون القريض والدجال قد حال والملك
قد زال الاسم ساير ورسم كافر يا اصفر صفر ويا اسفر زمى يا جاسوس شبب يا وسواس ربوب يا جنا
زمزم يا غلام جمجم لان سرور رقيبهم والفرج دايم فالدهر يرقص والايام تنشده هذا هو العيش لا فتنز
يا هلال الهلل يا خلال الخلل يا فتاح بلا مفتاح يا راح الارواح يا فالق الاصباح يا نور الاشباح يا
هابيل احذر من قابيل فلولا الصيد ما نفى الغزال ولولا الصيد ما غرب الوصال وهو هذه صورة
ملك الروم جيبت جيب جيب هلال الحبيب لبيب لبيب حلال يا مشكى الهم دعه وانتظر فرجا ودار
وقتك من حين الى حين اذا صحبت فى كدر فانما انت من ماء ومن طين وهو هذه صورته كما ترى

خلق الانسان من صلصال كالفخار												
مدينة	الثالي	اصحاوه	مصففا	بين النو	ماء الماء	نحو النار	ارض ارضي صوه	هواء الهوا	فلوب	عرائي	محبة	والبغضا
والبيضا		محبة	[illegible]	هواء الهوا	[illegible]	ماء النار	[illegible]	على نحش	[illegible]	احتراق	[illegible]	مدبر
مدينة		[illegible]	احتراق	[illegible]	على نحش	[illegible]	ماء النار	[illegible]	هو الهوا	[illegible]	محبة	[illegible]

ويقعد على الكرسي قطب الفلك للدولة الاحمدية ومركز مدار الملة المحمدية في سنين السنبلة القمرية وفي ايامه يكون الحروف واردة والعين متكاثرة وفي اوانه يظهر صاحب الحال عند ارباب الحال ويكون منتظما كتوما متكبرا عشوبا وبجاص قوبنا فوريا الكبرى وقوبنيا الصغرى وهذه صورته والله تبارك وتعالى اعلم هذه الصورة



الجزو الثاني عشر بسم الله الرحمن الرحيم قال الناظم اذا رايت خيال الظل اكبر عبرة لمن هو في علم الحقيقة راقي شخوص واشباح تمر وتنقضي بتحريكها والمتحرك باقي ن فهم فافهم فقد ندمت واخرت وقربت وبعدت وكنزت وطلسمت ورمزت وحضت واشرت وصرحت لنمت ولوحت ولم اذكر وقعه بعد وقعه لئلا يطلع عليها الناس ويطلعون بها على اسرار هذا الكتاب الموضوع لاولي الالباب شياطين الانس وابالس الجن واما اهل القلوب فلا تفتحها الا ارباب القلوب فلا يتدبروا القرآن ام على اقفالها وكاين من اية في السموات والارض يمرون عليها وهم عنها معرضون ولنرجع الى رفع الحجاب بعون الملك الوهاب يا يعقوب الجمال يا بو الجمال يوسف فروح وريحان وعمر جهناء وجاه وعز والملوك تصادم فيتبك من عثمان سبت سماحته سليم تناحت في شماخ الجماجم بان لها ملكا بسيد القائم يكون له وقت بوقت من احمد عليه لواء النصر بالمضر قايم ولعب مقام الوز عزكم مقامكم بليكم زمان الجل بحل الفاطم محمد المهدي امام كتايب شريف من ال البيت لكفر حاسم سناحته بالنصر يحقق دائما عليه امام الجنين زعم الصوارم يعيش زمان في الالف مؤيدا ولبس عليه البابس يوما العواطم وليتلما وليتلبت مخالف عليك من اهل التقى كل تبالم ودلهك التمكن ما دمت قائما تجود بما منه ندوم النغائم الاسلم الشريف النوراني والعلم اللطيف الرباني منحة الله تعالى ميم الملك وختمه بدوال الدوام فحاط الحاء الحكم والحمد وميم المدح والمجد واذا اجتمعا صارا منهما ما نقول فيه واما الميم والحاء فنقول منهما عند الضم اذا اجتمعت ملبها نقول اي مح الاسرار ومد الاخبار وهذا الاسم قد اجتمعت فيه ثلاث ميمات ميم الملك عدد الميم ٩٨٢ وميم الحمد وميم المنح وهذه صورته عروس الوجود ومرة الشهود سلام قلب لسي محمد الله الله محمد يس قلب سلام

فهو صلى الله عليه واله السر الاعظم الجامع والدرة الافخم الساطع فافهم السر وصف الدنوا علم الهيا العاقل
اللاهي الذاهل الساهي ان بعد سر كي ص سنة تظهر حوادث عجيبة ونوايب العزيز فاسمع فلا تكن من الموالي الجامدين
ولا من الاحياء الجامدين واشتغل بالعلوم الحربية والادلة الوسمية والمعاني الحكمية والاسرار الحرفية ففي قريب
سيظهر بني الاصفر ومعهم العلج الاشقر وقبل ظهورهم سيفيدهم القاف ميم الاعراف باشارة الهمزة المحصورة
في حصار الحوبة وشجرة الاشرار ومجمع الفجار لا بياس من المصري فانه الحاكم البصري وترى الفاسقين وهم امام
بيس واما المحبوس عند رئيس المجوس ستقتله القرقي مع الغلام الاصيف فيملك الجزيرة في المدة القصيرة ولا
تتناصفا العيون المفتون ثم زلازل وخسوف وحركات وكسوف وبين جمادي ورجب ترى العجب ويسري
حرف المياه مع حرف الالف على الاخفاء في ديار اليوناني مع الوسنان وهي من ارض العراق بجبين براق نصف
اسم المعلوك لانه يخل العدول ولا تغفل عن السفياني فانه اليوم عند السرياني ونية الحوادث يا صاحب الكرات
ويتم الشامي يا هامي ويسر القضي يا فهيم بان الدنيا فانية والاخرة باقية وحرك الفارس للفارس ورهط الموبنش
يا يونس وقدم السيف يا سيف وسبب المهدي يا مهدي واما شاة العجم فانه سيعلم رئيس القلم واما النصراني
فانه ستقتل العثماني واما المراكب البحرية فانه سيفتح المدينة المصرية ثم عليك مفتاح الجزيرة في الايام اليسيرة و
تبرحا الشام بالخسف والروم بالوكف وكلب الشام بالحرق وفان الروم بالغرق لان الولد متلف والبيت مختلف
والراي مخلف والمبصر في والقلب خراب والخطاء صواب والزنا فاشي والعامل مخايل والصوف كدر والصافي
عكر والحاكم فجار والامراء جار والرمات ذياب والولاة كلاب والفقراء ذياب والحق معلوم مكتوم والحال
معلوم والملك لاهي والوزير ساهي وقد صار الترصف كناياً ودلفاً والتزف حلالاً وحذق ولا عجب يعدلوا
اهل الطريق ونهب ارباب التحقيق اما الحيام فانهم الحنيامهم وادى سناء الحكمائهم وقد قال فساق
الفقهاء بالتاويل وتوصلوا الى بنية التحليل ثم تركوا العلوم النافعة واشتغلوا بالسموم بعد ان تواما
سببا ولعبوا الهعا وتفرقوا فيما احدثوه شيعا قاتلهم الله فاني توفكون اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا
عن سبيل الله انهم ساء ما كانوا يعملون قد عبدوا الهوى اوثانا واتبعوا ما لم ينزل بهم سلطانا واما ارباب
الاسواق فانهم فتنة الفساق لانهم قد اوسعوا عيون الموازين عمرا والسنتها هزوا ولمزا ووقصوا الزراع
عند الفقر وطولوا الباع عند الاملين وتركضوا وتركوا في ميدان الفقلات واستهانوا بالصلوة
وضيعوا الزكوة واستقلوا بالشهوة قد دخرفوا الثياب وعلقوا الساير على الابواب ووقعت المعاش
عند بيع القماش الحسن موفوراً والقبح مستوراً قد هاتركوا الصدقات وخانوا الامانات وقد اباح
بعض العلماء الحرام صاروا العوام كفاراً ولا غروا في هذا الزمان قد اصبح النايم سيداً وعاد الاسلام غريباً.

بدا، فلا شرقت فيه الشموس وشرائط اليوم الاخير وعزلت ضل الائمة حتى لم يبق الا حثالة كحثالة الشعر قال
عليه الصلوة والسلام على الناس زمان لم يبق من الناس الا رسمه ولا من القرآن الا رقمه ولا من العلم الا
رسمه همهم بطونهم ودينهم دراهمهم الا بالقليل ولا بالكثير يشبعون قال الله تبارك وتعالى ولو نشاء
لاريناكهم ولتعرفنهم في لحن القول ولترجع الى فك المختوم عن حوادث الروم فالما يبرق والبلاد تشرق ثم
تكثر الهرج على جانب البرج وقيل التاريخ يظهر ريح عجيب واما ديار العراق يكثر فيها الشقاق ثم تكون
سوق الشقاق فيها نفاق وبالشام سيظهر التاج مع الغلام وهذه صورته ولا تقوم ساعة حتى يخرج
رجل من بني قحطان يسوق الناس بعصا عام سبعين فسرها الى السبعين امير ها كافر وعالمها جرو اعلم
ان الدنيا عرض زائل وظل قل يأكل فيها البر والفاجر في سنة ٩٩ لا يبقى على وجه الارض رجل من الخ
واما المتكهل الاعور فقيل صاحب الجين الازهر ولا تغفل عن صلوة فانها عماد الفقر وكانت تموج دار الق
وقد انزلت بالعاديات السابق ولا بس بايح حاميه فان قلعها سامية واما مرج عكا ففيه الملحمة الكبرى
وهذه الامور العظيمة والاهوال الكثيرة بدايتها القران الخامس وهي بايتها التاريخ السادس وبعده فقد
تجلى عالم الجمال ليطف بروزن الذات هذه القصبة التي من تدبيج لامها وفي شقاق شرار شقاق النقا
ومركز مدامها سرحت به في حضرة الجلال وستينها صبحة في خراب الروم صايتها اليوم من الجاهل
ناهيك يا منزل الاحباب من طلل متى وجدت نعيما غير مستقل عادا لكل قليب الدموع الى ارتحال رسمك
والاشجان لم تحل واصبحت فيك بعد البيض خاتم سنخ الاماني ليب كاسا بالمقدار كم قد حتمك من
الايام رايتة راشت يا هذا لها ابتلاهمن المقل وانت يا سرحة الوادي متى ظفرت بين بوصل حبيب
غير منتقل سرت عليك من الارواح دائحة طابت لها الا نسمة الاسحار والاصل اضحت سوابغ ظل
الملك وارفة عليك تراف بالخوالك والنقل كم قد تفيأ منك الظل من ملك سما عليك سنا للبح والحمل
سري من القهر مسبول على امم كانت لهم دول ناهيك من دول طور التجلي جمالا ثم يعقبه طور التجلي جلالا
لحادث الخلل ويظهر السر فيه صادي يكشفه نور المصابيح والابصار في شغل تاخر الحسن عن معنى اشارته
في قدم الفعل يمضي عزه معتقل وسعت في الحال من سر يجامعه تملي على الذات اسرار من الجلا لاحت
لسر معالي الملك فتبدرت ذاتي التحت عن مالي ولم تسل ان الكلم تحنى والكلام انا انا المخاطب عنى
والمخاطب لي سالت ذاتي وذات الاله سائله سموا بمتصل مني ومنفصل شغلتها بي عني واشتغلت
بها عنها فها هي لم تهجر ولم تصل قد حوت فيها طامسة وهي خاية في فهم سر من معاني مظهر الاول
الفظهرت بالغطو ومو تلف بالمتكنف بالبديء مشتمل ونقطة السر من باي باشارتها معنى الاحاطة

بعها
من قطب وصل فصل نقطه الالف الهادى استقامته سر الالوهية النادى فلا تقل مظاهر الكون غدا لنا
فى الحال والقال من عزم ومن كسل كنات ذاتها تاتى بحاجبير من مظهر الملك قالت ان نقل اقل خاطيتها
بالتى فقد كان من قدم عنى فزادت بما فى الكون نظهر لى وسهتق لمعنى كنت اعرفه من قبلها وهى لا تدرى
من قبل تمكنت وجود العصر انهله مثل المطالع فى المراة سر جلى فى غرة القران من عصرى ترى عجبا
يا دولة اصبحت شرحى مع الهمل يا ايتكم القاف سلوا لكم الف ماز الا ذشانها بالمكر والحيل قاف من القهر
ها نبت قلتله غنيًا من القلب قد غالت ولم تقل الحى بحر ذبول البغى ساحته كتاب الكفر من روم وفى
مقل انظر ترى الذين رمتيا شادحته لما تبدح اهل العلم والعمل وحى الفرات الى جيحون ما منعت تلك
الطفان خطاشين من الخطل سلخت جيحون من حادى دمائهم سيول سحب عجام واكف هطل كاننى
ادزارى النهاجين عذت بالنقع وهما فى عم من الوجل الفت دمشق مقاليدا لوقلم محما صادقة من شدة
الوهل فاستمر عزى فى بيرج الدالين نقيدهم نوح للمنية من يم من الوجل يا شين شفت تبل للقاف ميمهم
يا قاف سوف تقل الميم فاستطل سيموا باوله حتى انا سمحت محالة الخادع الموسوم بالعزل فى اول القاف سيوالميم
فانهم فى اخر القران تعلوا القاف بالطول وانت يا شاد عا فى تركتم بدعا عرجت سياد الملك فكمل ميم
عذا ما فى الملك فى غرض بحد سيف كسبق السيف للعدل وتقتل السين حوعًا غير مكترث ويحتوى عنه ما يحوى
من تقل والميم تقتل صبرا ادعين لم يعباد تروما انفصال الى البدل حوز وعلى ما راق ومتسند فى الملك
يجمع بين القاف والعسل من السين لميم ما ينفر على ميم من الملك ياوى معقل الوعل فيعيل الياء لا تبيد صاحبه دفته
عن قتلها ولم يحفظ ذمام ولى توى لدنى غادا المصرعة فيقتدى الواس اى مستغل وتقتدى الملك
من شين وليس بر سين سوى لهو عارض باهى العزل ويوثق السين وذبح تقذفه عن ملكه حين طن الدهر
لم يفل وتقتدى الملك عن شيخى شين وليس بر سين سوى لهو عارض باهى العزل هوى الحجاب وليل خال
دون لقا وصالها قومها بالبيض والاسل فاما الحرب على القاف حلت الفا والملك بين بنصب المنزب بالنمل
ويخلع الطا ادعانا الطاعة ويوعداه المنا بالكتب والرسل لو اخذل الكى فى عزله ما دره لجاء فى عسكر
بالجزم مشتمل وصار الشام لا تبنيه صارمته عن مصر لم يبح فى قلعة الجبل لكن جرى وقته للحى اذ هله محل
للعكس مصلحل منهل ونعبة حل بالانباء توبغهم وعد عسى حوده غير مكتمل اعداديهم ترى ايام دولتهم حسبا
وقتلا وخلعا جاعن حلل هوى الهوى احمد اللاهى الى كول وكم اباح الهوى للنفس من اجل حل والسين
نصيب بالا يوان موضحة فى الوصف من كف طاع غير ذى طلل وينتهى الحال فى عيش وفى رغد مقسم الملك بين الكاف
والغزل والكاف فى القاف ما تقذفان به عن مصر وهو تفجر اى منفعل والسين والشين فى السبيل وحاله

عهدًا فإن وتق منه طاهي العمل وظل باء وراء ظل قد يوهمها باء وراء صفي غيره مكمل مكر وخدع والهيام تتابعه
قافان حتى استدل الكاف بالجيل وقام في الشام راء ودام نصرته فذاك اذ نال عن ما منه لم يصل و
يعتلي القاف عكينا بدولته ويبدأ الباء كاسيات من الاجل ويجمع مع جيم عرق تسرت اقبال عثمان في
القاهرين بالجدل افتح بحال العتدال القدمة انا خطى قناه من لحظي ذي الدبل والبا تظهر في الايام
دولته بالشرف نفيك خمتا غير محتمل بيني اقتصار او رفض الحق يستنبر والله يبرا منه والايام التي
والقاف بجميعه القاف قومه لسرتا بني عزم محتبل والجيم تعيف في خمس مفاتكه والباء يهرب منه خيفته
الاجل والميم ياتي دمشقا بعد محنته في الروم يوهم منه سطوة الطبل نادوعا دوشه واح منتصلا
والحزم والعزم عنى غير متصل اذ ذاك يلقى تبوت الله محترقه ما وى الطغاة وتنوي غير منتقل منتهل ثلاثا بتة
الف لهم فون دما بالحرب والسلب في الامصار والسبل ويدلج القاف ولا يدبر عن ملع من مصر للشام
بين الويب والعجل تمضي الخيول الى الشهبا منقبه وهما الاقتل باء غير محتفل بالوهم تقبل اقوامًا الهمته كانما
هي بيض لحق من طلل وتخرج الناس من دمياط مختلفا بالملك فاوهما بالملك لقهر في الملل والاعور الاقض
الفرار من حلب ياتي للشام ومصر بعد ذاك يلي على العيون نرى كاس المنون وقد دارت حشا در جيوش
القاف في مهل وتقبل الجيم اعلى المرج في رهج سائن بوادبه في التفصيل والحمل والباء يحكم في قاف بقادره
عن ملكه فيبدي يا قاف ان تنتلى وتنفذ القاف نحو الشام كوك في نزل قوم من الاوباش والسفل محمد فرَّ
من قاف ونصفتكت وجاء مصر افلقي الميم في وهل يا جيم تجتنب جيما سوف تونقها عما الكتبة من الانام و
الزلل ويحكم القاف في الخلوع شانية ولهزم الميم تقبض عن الامل في شعب مناوطي قتل نابير
تثنى الكتاب صريعي من ذوي محل والميم باوى الى يعون بيادبير عصبة على القاف من كني فلم تنل والجيم يجد
نونًا البين منطقه فيسلم الميم عذرا جامي مدله ملومه يسفل الاعراب وهو كمن يغلد شيعي من الاسقام والعلل
وتقبل الميم في الشهباء لا قوة تحته ولا ناصي للنجرا لوكلا ويزج القاف يعصي كل قاصمة عمت اعاديه من صده
الى كفل ويجبر القاف يوم الكسر ذا الف تسموا الى الملك مع محل ومن فشل وملك قاف تضاد بعدها الف
وزواعنه وملك الوثيت لم يزل عند انقضاء شهود عندما حتيت ساون حروف اسم الهود في الحمل في
نصف شوال النفس وطرا من الحيات فيمضي غير متخذل ويعقب القاف بالسيا مره الى صنا نشاما يهوى
فلم ينل هرج ومرج واهادم مخلته في الحزن والسهل بالاطراف والعلل ومنشاد التاني متى وفي عين
حتى يرى المبا كما يعلو والملك فابتهل طال الحيا وطال الباع منه فقل في فارس كنظاط الوج
معتدل ساه من الملك لاه والزمان لما يختار يحج سمحا غير ذي بخل مظفر دون تخاف خابال منى

ان يفعل امته ما نحيا دينفعل والجيم بعض نشاء كان احرجه بسرى بما نال نادى الخضر فقتل ويعتلى
التخت جيم لعطارده نافق عن النحو لا يبتدعن كسل حرب وسلب وارجاف وواجهة سارت بذى
السيرة العليا فى المنزل الابا لمنيف على طول ولست يرى فى قد تعظر انشاه من رجل يعادل القبوه ثم كتيبة
للجيم تفرى فظل الملك ميم خلى على السواعد فيد النغر مرتكب تحكى بها الليث فى غاب من الاثل ونقطة الكاف
فوق الخط منه حكى ما تحتا واحرف منه مقتبل بزوال بطالة الرو وافتكه كما تقتبص النبى من قبل
نور الملبستين وهى اهله ومر عشى باتى نالته فى حيعل ويكبر الروم دون المرج مقتضيا اثارهم
فخيل الروم فى هبل والدال تخلف من بعد مدته عشرين حدا ولا ينفك عن حول ملاحم وحروب
سوف تشعلها فى الغرب والشرق مثل السهل والجبل فى موج دابق تلتقى الخيل حابكة سبل البغا وتغدو الخيل
كالمحل سبعين الفا من الاعراب يتبعهم ستون الفا زهت بالخيل والابل وسبعمائة الف يلجون الى
معاقل العصم طوفها الى وهل ويكبر العرب البادين ردهم قسرا من ملكهم ثم الفراق خلى الوالفات
لكن تشتجروا لها خوف ولم ينج محذورا من الاجل عند سر تهراب فينجاه جيم بفيسه بين الكحل والكحل ترى
الفرات يموج من دمائهم فالبر والبحر يسيل منه منهمل وينج الملك الباغى بطاعته فان ترى عزدام فى دم وحل
سبعون الفا وخمس قبلها مائة تساق تحت لواها مع الهمل والباء يفرع بالصنعاء كل ربا والميم ترمى بوميد كل
منسفل سبعون الفا الادون تحتهم سقف الدماء وحنف الهام والقلل حتى ترى الوهد اضحى كالحابهم
ومعظم الماء من سجون كالوثل ويخرج الاعور الدجال فى شبه صحتها صفه يروى عن الرسل يجادل
الدالهم من يحدهم بسرعها من التبيع معتدل ويكشف الله لا واء لفتنة على يد الروح اذ ناميتى الظلل
ومن غفور رحيم قد تلاه قولا وقد طلع نبى الحق بالنزل والله يحكم ما نحيا لا دحل كل ولا ينشى عونى الحبى عن
حمل فى شرح شرحت فى وارثها دوحى فرحت وقد قلت من العقل على الخلق ما احوى ذاتى من مشكات
من قد على مقدار كل على عليك كل صلوة شرفت وعلى اصحابه الغر تسعدوا ولم تخل ما اعقب الليل صبح حابتبعه
وما ادير جنوح الشمس فى الطفل وهذا حين صباح اليوم فى بلاد الروم عام يبيح الشامى على ابن يونانى ويد خل
الفلك المسكون الى بلاد الطبنود وعام الجيم نيام ابن الشين وفى عام الدال يخرج القلب مع الشجرة الدابة والله
اعلم بالحقيقة والصلوة على صاحب الطريقة قال قتاده والتوبة مقبولة على عهد الدجال وبعد خراب الكعبة
وبيت المقدس ولا تزال التوبة مقبولة حتى تكون بينكم وبين الساعة مائة وعشرون سنة وعندها يطلع
الشمس والقمر من قبل المغرب فلا توبة بعد ذلك لاحد وقال لا تقوم الساعة حتى يعمل بعصى موسى ولا تقوم الساعة
حتى تهدم البيوت وتهلك الدواب ولا تقوم الساعة حتى القسطنطنية وصدامها واما البيوت فتهدمها الا مطار

واما الدواب منها كبها الصواعق قال كعب الاحبار لا بد من نزول عيسى ابن مريم وامارات نزوله يخرج من تلال
لحن بيه رجل وجاهة يقال له الاصهب ويخرج عليه رجلا من بلاد الشام يقال له جرهم وخروج القحطاني بارض
اليمن فبينما هولاء الثلثة في حروبهم وظلمهم واذا هم بالسفياني وقد خرج من غوطة دمشق في اخواله واسمه معاوية
بن عنبسة وهو رجل مربوع القامة دقيق الوجه طويل الانف في عينه اليمنى كسر قليل في اول ظهوره يكون بالزهد
والعدل ثم يبذل الاموال ويخطب به على منابر الشام فاذا تمكن وقويت شوكته زال الايمان من قلبه وظهر الظلم
والفسق ثم يسير الى العراق بجيش على مقدمته رجل يقال له ناجية فيقاتل ما يقال له القحطاني وينهزم ثم ينفذ
جيشا الى الكوفة وجيشا الى الروم فيقتلون العباد ويظهرون الفساد وقيل ان السفياني من ولد ابي سفيان
من حرب يخرج من قبل المغرب من مكان يقال له الوادي اليابس ومن علاماته ان على باب ارادة صخرة عظيمة فيصبح
في يوم من الايام وقد ادركن الملبس عليها مثلا انما هي علم وانه يخرج حتى يبلغ الاسكندرية فيقتل اهلها انشاء الله
ثم يدخل مصر والشام والكوفة وبغداد وخراسان حتى يدخل مرو ويقاتله رجل فينهزم السفياني منه فعند ذلك يظهر
رجل من اهل البيت يقال له المهدي محمد ابن علي قال ابن عباس يبايعون المهدي بين الركن والمقام ويكون اصحابه
على عدد اهل بدر وهو ولد سيدنا الحسين عليه السلام وامه عباسية على ناسية منكر والبيعة لله ومن اماراته
عليه السلام خروج السفياني وقتل رجل من اولاد الحسين ثم واختلاف بني العباس في الملك وكسوف الشمس والقمر
في النصف من شهر رمضان وخسوف القمر في اخره على خلاف العادة وخسف في البيداء وخسف بالمشرق وطلوع
الشمس من مغربها وقتل نفس زكية طاهرة تظهر بالكوفة في سبعين من الصالحين وخروج رجل من النبوة عدده
٥٣ يكتبا ويتبعه عشيرة وله احوال وافعال صتدا وله ٥٥٥ ويخرج رجل من الهاشم بين الركن والمقام واقبال و
ايات ورايات سود من قبل خراسان وخروج اليماني وظهور المغربي ونزول الترك بالجزيرة وحلول الروم بالرملة
وطلوع نجم بالمشرق يضيء كما يضيء القمر وحمرة تظهر في السماء ونار تظهر بالمشرق واهل المصر يقتلون ملوكهم
وخراب الشام ودخول رايات قيس الى فسطاط ودخول رايات كندة الى خراسان واقبال رايات سود الى المشرق
في العراق حتى يدخل المارقة الكوفة وخروج ستين كذابا يدعون النبوة وخروج اثنى عشر رجلا من ال
بني طالب يدعون الامامة وارتفاع ريح اسود من اول النهار الى اخره ويظهر زلزلة عظيمة تهدم مدنا تعداد
حتى تخسف اكثرها ويكثر الهرج والمرج ومن امارات خروجه ايضا خروج العبيد من طاعات ساداتهم ومسخ قوم
قردة وخنازير والجراد يظهر في اوانه وموت احمر وهو السيف وموت ابيض وهو الطاعون وخروج رجل من
مدينة قزوين اسمه اسم نبي من اولاد الانبيا ومنادي ينادي باسم صاحب الزمان في ليلة الثالثة والعشرين
من شهر رمضان فلا يبقى راقد الا قام ولا قائم الا قعد وانه يخرج في شوال ولو فى السنين واما في التسع او سبع او ثمن

او في ثلاث او في احدى ويبايعه الخلق بين الركن والمقام ٣١٣ رجلا من النجباء والابدال والاخيار كلهم
شبان لا كهل فيهم ويكون دار ملكه الكوفة ويبنى في ظهرها مسجدا بالف باب ومن امارات ظهوره ايضا ان يكسف
القمر ثلاث ليال متواليه تظهر عكسه وينتاج خبره وليعتوا امره ويبلغ ذلك الزهراني وهو صاحب السفياني
فينفذ الى المهدي ثلثين الف فارس يخرج بهم السفياني الى البيدا فيخسف الله بهم الارض فلا ينجا من جيشه
الا رجلان ثم يخرج المهدي من بلاد الروم في مائة الف الى ان يصل القسطنطنية فيدعوا ملك الروم الى
الاسلام فيابى فيخرج الى قتاله فيكسره الى المهدي فيقتله ويقتل اصحابه ويغنم المسلمون اموالهم قال فبينما
هو كذلك اذ باتهم خروج الدجال فيتركون الغنايم ويرجعون الى بلادهم قال كعب الاحبار والدجال رجل
طويل عريض الصدر مطموس العين ويدعي الربوبية ومعه جبل من خبز وجبل من ماء وساير الفواكه وادوات
الملاهي جميعها تضرب بين يديه بالطبول والمزامير والعيدان والنايات فلا يسمعه احد الا تبعه الا من
عصمه الله تعالى ومن امارات خروجه ايضا ان يهتدي مثل ريح وقوم عاد وسيعون صيحة عظيمة و
ذلك عند ترك الناس الامر بالمعروف والنهي عن المنكر وعند كثرة الزنا وهتك الفساد وسفك الدماء و
شرب الخمر ولبس الحرير وترك الصلوة واتباع الشهوات وركون العلماء الى الظلماء والفساد والتردد الى ابواب
الملوك والسلاطين ويخرج من ناحية المشرق من قرية يقال لها سرباد بين مدينة الهوازن ومدينة اصفهان
ويخرج على حمار له وهو يتناول السحاب ويخوض البحر الى الكعبة ويكل في اذن حماره خلق كثير عظيم يطوف
الارض شرقها وغربها حتى يدخل ارض فلسطين فيلقاه الخضر عليه السلام فيقول انا رب العالمين فيقول له الخضر كذبت
فيقتله الدجال ويقول لو كان لهذا الها كما يزعم لاجابه فيحيي الله الخضر من وقته ويقول يا دجال قد
احياني الله ربي ويخرج الدجال ومعه جبال من الاطعمة واللحوم والفواكه والخمر واصحاب الملاهي يمشون بين
يديه والطنبور والمزامير والعيدان والصنوج والنايات فلا يبقى احد الا تبعه فتنة الا من عصمه الله تعالى
ثم يسير الدجال نحو مكة فلا يقدر على الدخول اليها من الملائكة ثم نحو البيت المقدس فلا يقدر على الدخول
قال فيمكث في الارض اربعين يوما واما المسلمون فانهم يصومون ويصلون الا انهم يهجرون المساجد
ويلزمون البيوت من خوفهم قال ثم تطلع الشمس من مغربها حمراء ويوما صفراء ويوما سوداء ثم المهدي وعسكره
الى الدجال ويلقاه ويقتل من اصحابه ثلاثين الف فينهزم الدجال الى ان يسير نحو بيت المقدس قال فيرمي الله
بامساك قوايم خيلهم ويرسل الله تعالى ريحا احمر فيهلك اكثرهم ثم قال فيتبعهم المهدي وعسكره الى بيت
المقدس ثم يهبط عيسى الى الارض وهو متعمم بعمامة خضراء متقلد بسيف راكب على فرس وبيده حربة فياتي الى المهدي
وساير المسلمين فيسلمون عليه ثم ياتي عيسى الى الدجال فيطعنه بحربته فيلقيه على قفاه ويضع المهدي السيف في

اصحابه حتى يفنيهم ثم تمتلى الارض عدلا كما ملئت جورا حتى ترى الوحوش والذئاب مع الغنم وتظهر الارض
كنوزها حتى لا يبقى فى الدنيا ثم يخرج الفي ياجوج ماجوج فتمتلى الارض منهم حتى لا تكون للطير موضعا الى
على رؤسهم ويبرون نحو بيت المقدس يطلبون قتال عيسى ابن مريم فاذا نزلوا رموا السهام حتى تحول سهامهم
بين السماء والارض وكثرتها وعيسى بيت المقدس يدعو الله فى هلاكهم فيرسل الله تعالى عليهم خلا من الحق
سود وصفاد فيقتلونهم بحر حتى لا يبقى منهم احد فيفرح عيسى والمسلمون بذلك وتزوج امرأة من غسان ثم تبقى عيسى
بالارض اربعين سنة والله تعالى اعلم واحكم حى دار بالرقتين خليا بين دار الصفا بوقرا ربا اقفرت
من اداني كى تراها فطمسها الحزن حزنا وريا زارها الوحش بعد هند وضحت مرتع الوحش بكرة وعشيا
يا خليلي ان فى قلب سرا اصبح الجسم منه نضوا ملبسيا ندرز للدمع مقلتي ومقا ان تفيض الدماء مقلتيا
فتبدوا عجايبه منكرات فتناهوا الها بنيت الصبا يوم صفين لو عقلت عيناما لكرهت الحياة لو كنت حيا
وعلى كونها لا يقيم شنيع ها يل منكر يغر علينا حين تاتى السراة من كل ارض وهى صنقادة نبوا الموت ريا ويرى
السبل العرين ذليلا وترى الوغد مستطلا مقويا فجيابع الذبات تنبع منهم وعداد النعار تضحى رويا
ترسل السبل كالافاعي فى الحرب يبقى منها النعاع جفاهويا ثم فى تسع وستين تبقى سائر الارض بالهاجريا.
ثم تاتى عساكر تسبل الخيل بلاد سواد بذى سلاحا مغنيا وبل عكا والجليل بوكا سوف يطلى الركاب بقاطويا.
وبل صيدا وحولها والمصليا من قتال الفتى الرجال خبيا ويرى الدم فى القتال تجرى كالمزاريب سايحا بل طريا.
وبل قبر الخليل مما يلاقى من امور يسئك امرا مريا وعلى الارض من حابن كنعان مباحا وتسطلا وربا وبل صيدا
وحولها والمصلى من رجال الفتى القتال جبيا ويرى الدم فى القناطير تجرى كالمزاريب سايحا بل جريا وبل
بكا رملة والقناوى ولدوبر حب والقريا. الى تسيل لعسقلان الى صور كم من الغزاة خليا وعلى النهر ينزل
الروم جمعا تلق يوما اذا اتى الاصفريا وترى الشى من تراه جما حمص حويا تون الى بكرة وعشيا وكذا
ربع ارض حوران تبقى زمنا مقفرا تراه خليا وسنها الروم ياتون جمعا بجيوش اميرها بن عليا وتعم الشام
جورا الى ان يبلغ النظ والجبود سويا من جيوش عديدهم عدد الرمل او كنمل والجراد سويا وكنا الترك
تستقل من النظ كسيل يسيل سلاطيا كم عزيز يوسم دار شريف وحيا را اصبى لها مكفيا ويغربن مى حوز حتر
التسعين لا بد يظهر المهديا اسمر اللون مشرق الوجه بالنور مليح العطاف طرجبيا نظهر الحق والبراهين و
العدل فيلقى اذا اماما عليا يخرج الاعور المسيح عليم ذلك بين العباد خلقا شنيا ويطوف البلاد سبع
شهور ويعيد السرور حزنا وليا ثم ياتى المسيح سعيا اليه والامام المطهر العلويا تقتلان بارض لدرومان
يبقا من جنوده بشريا ويحوز الامام فى بلد الروم لسبعين من حواد سبايا يقسم المال بالمكاييل قطا

ثم يجري كنوزها الهاشميا ٥ ويطيع البلاد من مشرق الارض مملكا تو في دكل حي وفياه عندها يطالع المشرع من

البيلا كسيل طمى وبحر طميا ٥ ثم ياتي السلم جميعا خير يواشر بنا ساسرنجا مليا ٥ ثم سعا مطالع اليمني في القرب

بماني البلاد ومجاجميا ٥ بالهامن وقايع منكرات ٥ معظم النخل بهرا دريا ٥ ثم لا يبطر السماء بمطر وتوي الطير

والوحوش جثيا ٥ ويحيى لجة البحر يا تسقا من معينه مطويا ٥ ويقل المعروف من كثرة الهلكى الى تراه نورا خفيا ٥

ثم يبدؤ الخراب من سائر الارض ٥ بامر كما قضى مقضيا ٥ ويل مصر من البرابرفتى ٥ لا يرى في ديارها انسيا

ويل صنعا ومكة والمصلا ٥ من جيوش زعيمها ٥ وهدم الكعبة التي نصب الله ٥ ويرمى نبالها المسنيا ٥ ويل بغداد

من خسوف ورجف ٥ ويرى الدجلتين قائما خليا ٥ وسجستان مع خراسان تراهم مقفرات وما لها ادميا

مقفرات بلا انيس مريح ويموت تترك الديار خليا تخرب الشام بعد ذالك من ال قحط وتبقى مدينة ساحليا

ثم تاتي عليهم لجة البحر تسيل على الجبال طميا كم يرى عنه من غريق شريف وسفين الفرات فيها رسيا ثم يبدوا

لكم من الارض شخصا يذهل الناظرين وجها لهيبا يلسم الناس كل من كان حيا كافرا وكان فيه تقيا حين لا ينفع

الصلاة ولا الصوم ولا الكاتبون يحصون سيا واعلم ان اسباب القيمة قد بدت اعلامها وايام الساعة قد

استوت احكامها فاستعد للخيرات وبادر الى الاعمال الصالحات قبل ان يصفر الامام ويقوم المقام ويظهر اليوم

ويثبت الزقوم في بلاد الروم لان العلم قد اكتفت زاجر وقد قرب موت الانسان الكبير الذي جسم هذا الانسان

الصغير وبيده لان بموته تفنى جميع البشر وتقوم الساعة الكبرى والسماوات تطوى فاما صورة هذا الانسان الكبير صورة

العالم من الفرش الى العرش ما سوى الله تعالى الى العرش وله صورة الى الحق من حيث الباطن وصورة الى الحق من حيث

الظاهر وهو خليفة الله تعالى في الارض والسماء اما الانسان الصغير فانه نسخة منتجبة من الانسان الكبير وهو

خليفة الله في الارض والسماء واما الانسان الصغير قال بعض العلماء عنهم البشر وله هذا العالم بجبله المركب

وفي الباء والضاد يسقط التاء من البشر وتبقى اثنين والواو قال ارباب الاطلاع ان مزاج العالم تجربت في عدد

لهج وهو تاريخ انقطاع القرآن لان علوم الكون والفساد دوامه بدوام الكتاب العزيز واما الامارات

الكبير فانه يموت عند طلوع نجم الاحمر وذلك عند راس الالف السابقة الذي هي مدة الدنيا وهي مدة عمر الدنيا

بعض روساء الحكما عند تمام الالف السابعة تجتمع المنطقة الشمالية بالمنطقة الجنوبية وفيما تفنى الحيوانات وتطوى

السماء والارض قال الله تعالى كل من عليها فان الاية شعر نظرا الى الفرس الى مائة سفينة تجري باسمائه واعجب

من مركب دائيه وقد اقلع الخلق بامنائه تسبح في البحر بلا ساحل في خندس العسر وظمائه وموجه اهوال

عنائه ورحلة انفاس ابنائه ويرجع العود الى بدئه ولا نهايات الابتداء يكون الفتح على البليه وصحبه

وبسى بامائه فانظر الى حكمة سيارة في وسط الفلك ودائرة ومن الذي يو عنبى شانه تفيد في المد

تسبا بير حتى يرا فى نفسه فلكه وصفوا الله بانشا ئه واعلم يا خارقا ان ناطق الاكوان صامته بفيك الاسرار ويوضح لك الانوار فنه خطابات الليل تخبرك بالسن ظاهرة الى خبير وفناء الايام الى ذخيرة الغريزة فناطق الليل صرايح بالالسن ظاهرة واحوال باهرة فالظاهر لسان المظاهر ينادى بك كل منزلة تنزل فيها ذهبت فما ادخرت فيه وكذا السان الساعات ولسان الدرج ولسان الدقايق فلسان الليل والساعات ندا الاجسام المحسوسة وندا الروح ندا القلوب وندا الدقايق ندا النفوس وندا الثوانى ندا الارواح وندا الثوالث ندا العقول وندا الروابع ندا الاسرار واما النهار فهو بداية ينادى بك جمالا وتفصيلا من حيث الساعات و الدرج والدقايق والثوانى والثوالث والروابع الى ما لا نهاية له ثم خرق المياه تقول كل نقطة اذا ذهب المستقرى فذهبت الى مستقرها وكذلك مهاب الرياح والطف من ذلك الانفاس كل نفس ينادى بك تلويحا بل تصريحا انى راحل فما انا الورع فى وكذلك جميع الموجودات سوى الله تعالى لطيفها وكثيفها علوها وسفلها وهذا السمع من بواطن هذه الاسرار حضوصية الهية وما انت بمسمع من فى القبور لقد اسمعت لو ناديت حيا ولكن لا حيات لمن تنادى ولا تغفل عن الفتحة فاتها سر الصيحة وهذا اخر النظام عند الامام ومن انكر ذلك فليس من اهل الخطاب وتوب الله تعالى على من تاب واعلم ان كل شيء منجذب هو سر حيات جوهر كان او عرضا فتارة يعرى منه وتارة تكسى به وهكذا دلالات تدور الكرة الى ان شاء الله تعالى العلى الحكيم ولا تغفل عن القرن التاسع فهنيئا يظهر السيد التاسع فالطير تقرا والعزيز صحيفة واللوح حكيم والتمام سيقبط قال بعض الحكماء اذا اراد الله تبارك وتعالى بامة خيرا جعل الملك فى علمائها والعلم فى ملوكها وكان بمدينة طليطلة بيت مقفول وكلما تولى منهم ملك قفل على ذلك الباب قفلا حتى اجتمع عليه سبعة او وعشرين قفلا الى ان تولى عليهم رجل ليس منهم فقصد فتح تلك الاقفال ليرى ما داخلها فمنعه اكابر الدولة وجهدوا ابوا فى فتحها ودخل البيت فوجد به صورة العرب على خيول حابل وعليهم العمايم الحمر وبايديهم سيوف ورماح طوال وعصى ووجد مكتوبا فى كتاب فيه اذا فتح هذا البيت تفتح هذه المدينة قوم على هذه الصفة فتح الاندلس تلك السنة طارق ابن زياد فى خلافة الوليد بن عبد العزيز وقتل ذلك الملك وسبا اهلها وغنم اموال عظيمة منها قال بعض الاكابر الرضا بالقضا باب الله تعالى الاعظم واعلم ان فى الثالث تنيام الراعى ويقوم الساعى ويظهر الباغى ويقوم الطاغى وفى الرابع والخامس يظهر النبل الدامس ويحكم المعاكس فى السادس يقضى الخنادس وتمحى الخنافس على التنافس ونعوذ بالله تعالى من الجور بعد الملوك فتسل ما اقول لكم وافوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد وصلى الله على خير الخلق وهادى سبل الرشاد ولقد رايت من الزمان عجيب حال واشياء تظهر من مقال عما قد انزل الرحمن حقا يكون بحكم ربى ذى الجلال وفى بغداد يظهر من خريب من الخلفا ملوك دون زوال يكون مقامهم عشر بعشر وارغب على مر الليالى وجعفر من الخلفا منهم

هنالك هلكه هلك الزوال اذا ما جاهم القرى حقا سهلك البلاد بلا محال وجاء فى خيل بربرتكى بحصى
لهم عدد يكون كما الرمال فليس ليبقى هنالك من رواج بغلب فوق رمل كالمقال من جوع لهب بحرين
وقد كانت من ارباب الجلال وعباس ستقتل بعد هذا وترجع الهزيمة بالشمال فيا اسفى على
حلب وحمص وماذا يلقيان من القتال وبحوران تسبى منه قوم يكون عليهم عظم اعتدال فليس
لجمعهم فيه ثبات ولا لحماتهم غير الزوال ويظهر فى السما نجم عظيم له ذنبان ذو شعب طوال فلا
ولا بل الافرنج حقا ستملك السواحل والجبال وعكا سوف يعلوها جيوش كما يعلوا الغيوم على الجبال
ويلطخ دورها بدما قوم اتوها هاربين من القتال ويفتح رملة البيضا حقا فويل للسواحل
والرمال ويوم القدس هو يوم عظيم له تبكى الملائكة ابتهال ويبقى بهم كنعان غبيطا ولا يقدر على الماء الزلال
فيا ويل لحران طويل وما يلقى من الحرب السجال فويل ثم ويل ثم ويل لاهل الشام من ملك الضلال اذا ملك
البلاد طغات رجس قليلين الامانة والمقال اذا اعفوا شواربهم وقصوا لحاهم مثل اذناب البغال وزاتوا
الثياب وسقوها واموا بالحلال والحرام اذا ما جاهم الغربى حقا على محل سيملك بلا محال ويفتح فاها
من غير شك وكم داعى ينادى يا ابتهال ومحمود سيظهر بعد هذا ويملك الشام بلا قتال يطيع له جموع
الشام جميعا وتبقى ماله فى كل حال ويظهر من بلاد الروم جيش الى حلب كحبات الكبال من روس ومن غز
وروم كسيل فى ضحى عن المال وينزل من مغاربها وتضحى ضبابح الشام مقفرة حوال ولهم قد تخوفهم عرب و
ترك تريد الهرب من بعد القتال ويرجع عسكرهم وعضوا على اعقابهم نهج توال ويغز شيرز البيضا وسورا
وحصنا ذات ابراج طوال وللاسلام فيها بعد هذا مقام بعد اوقات المطال ويوم من جمادى واى يوم
يكون عليهم منه وبال اذا رفعوا البناء وشيدوها وقد رفعوا القباب على العوال يصيب عليهم الريح
ربما فيرمى بالبيوت وبالظلال ويوم عند فامية عظيم ستقتل فيه شبان الرجال ببيض كالعقارب ترهفها
من الهندى محكمة صقال واما السيد يظهر عن قريب ويظهر فى الشام فبح حال فكم من البسيل من جسد
غريق وكم من دور تقلب احوال ويختلفان رايات ثلاثا على حلب معاندة الرجال فتركى ورومى ومصرى
ملوك الارض كاسرة ثقال يكون لقاهم يوم الثلاثا صلوة الفجر يلتحم القتال سيظهرهم علوج الروم عنها
ويرفع الصلب على العول وترجوا جميعهم غضبا على الروم قتلا بامتهال ولا يبرح لارض الروم عنهم
سوى بعل بحلب باغتلال وتركيا ومصريا جميعا فيختلفون فى قيل وقال نظل السيف فى المصرى عسلا
الى اقصى الحجاز باقتتال ويلقوا عن بنى حمدان شخص كان جبينه نور الهلال ومن ذلك يبين شخص
منهم سيملك البلاد بلا محال فتلك دلائل المهدى حقا يرى التركى من ذاك الوبال ويخضر له القضيب بواحية

وتاتيه الوحوش ومن الجبال تطيع له البلاد ومن عليها ويمحوا الكفر منها والضلال ويأتي بالبراهين اللواتي
تقر له البرية بالكمال ورومية سوف تفتحها وقسطا ويقسم مالها كيلا بكيال يكون مقامهم عشرون عاما
وعشرين مضاعفة توال هنالك الاعور الدجال يأتي الى الشاميين في ملك ومال له جبل ملم من ثريد
وصورته حيث لم تقال يكون مقام في الارض حتما شهور وسبعة عدد كمال وتقتله المسيح بارض لد و
تفتح البرية بالدلال وتقتل جنده في كل قطر ولا يبقى لهم فيها حيال ويأجوج ومأجوج سابقا
كسيل طاف عن حد المثال فلا نهر الفرات لهم يكفي ولا سيحون والدجلة الفقال ولا نهر الشام ونيل مصر
وبحر سويه من ماء عال ويرعون النبات فلا نبات لعوده يخربوا ونق الجبال واما الشمس تطلع من غروب
بدون بصيرة حرها الصخر النقلا تقيم ثلاث ايام تماسا تخرق حرها شجر الجبال وتقع الطير عطشا
تبقى الوحش والطير الوبال وينقطع الغيوم فلا سحاب برد الارض بالماء الزلال ولا شاة ولا نعم رباع
ولا زرع نعود من غلال وينقطع المعين فلا معين ولا حمد نعود ولا مال ولا دين يعود ولا صلوة ولا حج
بعيلة رجال ولا بر بعود ولا زكات ولا فضل يعود ولا زكات ولا مرني بعد الدنيا ولا ات بعوج على الحيال
دلائل اصعب الاوقات دهرا واحتبد امة واسرحال ونشتغل الخراب بكل ارض كما سيعود الحرب بالاشتغال
وتخرب مكة وديار صنعا من السودان بالسيف الصقال وتخرب كوفة وديار هست وتبقى دودها قفر
حوالى وتخرب موصل وديار بكر ومدن القبل بالريح الشمال وتخرب من خراسان بلاد من الطاعون
والعلل الثقال وقال بعلم السبطين حقا يكون بامر ربي ذوي الجلال والصلوة والسلام من انهار انوار
نبوته موتقة والهار حياض شريعة رابعة قال النبي صلعم بعث انا والساعة القريبى رهان وقد سبقت اذن احد عام
الاخرى عن دانيال عم انه قال اذا مضى من الف السابعة ٦٤٣ سنة فانه يكون اوان خروج ياجوج وماجوج
ومن امارات الساعة كثرة المساجد وتزويقها ونقش المصاحف وتذهيبها واكل الربا وكثرة الوبا واما رات الساءِ و
الصبيان وكثرة السواري وارتفاع البنيان ولا تقوم الساعة حتى تكون الغيبة سهام الاعراض في الاعراض
ولا تقوم الساعة حتى تشتغل الرجال بالرجال والنساء بالنساء ومن اماراتها امارة الاشرار وسطارة
الفجار وتجصيص القبور وعمارة القصور وشهادة الزور وعند النساء وكثرة الوقار وقطع الارحام وظلم
الايتام بغير الحكام وقراءة القران بلحون الرهبان ولا تقوم الساعة حتى يكون الزمان غضبا ناو الفادحا ناو
التاجر طغيانا والعاقل سكرانا ولا تقوم الساعة حتى يقول القول سبعا والفعل ذميما ومن اماراتها ان يبنو القوي الضعيف
والغني الفقير ولا تقوم الساعة حتى يكون القاضي راشيا والحاكم راشيا من اماراتها تقليد كبار الاعمالى ولا تقوم
الساعة يكون الامانة غنما والزكات مرضا وبامارتها لبس الحرير وطرد الفقير وشرب الخمر وحلب الصقر ولا تقوم

حتى تحكم الا كف اليابسة والوجوه العابسة وروى عن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال اذا كان امراؤكم اخياركم واغنياؤكم سمحاؤكم
وامركم شورى بينكم فظهر الارض خير لكم من بطنها واذا كان امراؤكم اشراركم واغنياؤكم بخلاؤكم وامراؤكم الى نسائكم
فبطن الارض خير لكم من ظهرها وبعد قران العلويين يكون ظهور الاصهب وفتن القحطاني وسنان الجرهمي و
خروج السفياني وعلى يده ذهاب ملك بني عباس ثم يكون بعد ذلك كله خروج المهدي ثم ينكسف النجوم ثلاث
كسفات متواليات ثم خسف بين مكة والمدينة ثم فتح قسطنطينية العظمى ثم خروج الدابة اول قحط شديد ثلاث
سنين ثم صوت ريح شديد ثم خروج الدجال ثم نزول عيسى ثم قتل الدجال على يديه ثم خروج الدابة الى الارض
ثاني مرة ثم خروج ياجوج وماجوج ثم عيسى ثم هدم الكعبة ثم طلوع الشمس من مغربها ثم خروج الدابة ثالث
مرة ثم يبعث الله سبحانه وتعالى ريحا طيبة اطيب من المسك وابرد من الثلج فيأخذ بها ارواح المومنين ثم يرفع
الله تعالى القران منه فيبقى الناس الجاهلية ما ... على وجه الارض من يقول لا اله الا الله ثم تقوم الساعة على اشرار
الناس والله اعلم بالصواب وقال عليه السلام ويهبط عيسى عليه السلام ومعه سبعون الف ملك فاذا اهلك الدجال فلا
شجر ولا حجر خلفه يهودي الا ويقول يا مسلم هذا اليهودي فاقتله الا الغرقد فانه من اشجارهم فلا ينطق وتخايله
تنبت الارض نباتها كعهد ادم عليه السلام حتى يجتمع الترسي والزمان الواحد فتتبعهم ويكون معه التورية والانجيل و
الزبور والفرقان فاذا سكنت الدنيا بعد هلاك الدجال كان خروج ياجوج وماجوج اعلم ان ياجوج وماجوج
اخوان وهما ولد يافث بن نوح ويقال انه لا يموت احدهم حتى يولد الف ولد وكان يعرف تلك النواحي التي و
هم فيها حتى خرجوا البلاد الكبيرة فتحذ عليهم ذو القرنين سدا حديدا فاذا خرجوا انساحوا في الارض كل ناحية
فذلك في قوله تعالى وهم من كل حدب ينسلون واذا مات عيسى عليه السلام يهدم الكعبة الحبشي وينقطع السنن في الشين في
السبيل وكان له عهدا فاوثق منه طاهي النمل وضد بادر ذلك ظل قد يوهها باورد اصفى غير مكتمل
والهام يجامعه فافاق حتى استدل الكان بالجبل وقدم بالسام باو رام تصرفه فذا نك اذ ذلك عز ما منه لم
لحيل ويعلى القاف عكسيا بدولته ويوردا الياكاسان من الاحل ويجمع النمل حيم عرف ضرت اقبال عثمان
في القاضين بالجدل وينقطع فعند ذلك تطلع الشمس من مغربها فاذا بلغت الشمس والقمر وسط السماء
ردها جبرئيل الى المغرب ثم تغلق باب التوبة فاذا غلق باب التوبة لم يقبل من العبد التوبة كما قال الله تعالى يوم
ياتي بعض ايات ربك لا ينفع نفسا ايمانها لم تكن امنت من قبل او كسبت في ايمانها خيرا ثم يعود السهو الى حالته
الاولى واما الناس فانهم يرجعون حفر الانهار وغرس الاشجار ورفع القصور وعصر الخمور حتى تقوم الساعة
ولتقومن الساعة والقمر في ثم رحيل فلا يطعمها ثم تلا قوله ولتاتينهم بغتة وهم لا يشعرون ثم ظهور دابة الارض
ثم روى ان راسها راس الثور وعينها عين الخنزير واذنها اذن الفيل وقرنها قرن الايل الاعلى وعنقها عنق

الثامن وصدرها صدر الاسد ولونها لون النمر وخاصرتها خاصرة الهرة ونسها ذنب الكبش وقوايمها قوايم
البعير تخرج من بين الصفا والمروة وتوض في الهوى بين المشرق والمغرب حتى تراها الناس ومعها عصى موسى
وخاتم سليمان ولها ثلاث خرجات اولها في ايام المهدي يفزع الناس وثانيها في ايام عيسى تطهر الارض من
المنافقين فيبقى فيهم الدابة اربعين يومًا وثالثها عند طلوع الشمس من مغربها فكذلك قوله تعالى واذا وقع
القول عليهم اخرجنا لهم دابة من الارض تكلمهم ثم يرفع القلم والقران ثم تخرب البلاد قيل قال الله تعالى
وان من قرية الا نحن مهلكوها قبل يوم القيمة او معذبوها عذابا شديدًا كان ذلك في الكتاب مسطورًا
ثم تقوم الساعة من وهي تقبل من ناحية المغرب كانها سحابة خضر يعلوها ف نا نظر الناس اليها ظنوا
انها سحابة ممطرة فيخرجون اليها فاذا اشرفوا اليها ماتوا وقيل ان قبض الارواح يكون بالنفخة الاولى
ونفخ في الصور فصعق من في السماوات ومن في الارض الا من شاء الله قال الله تعالى كل من عليها فان ويبقى
وجه ربك ذو الجلال والاكرام اما من فطن يبكي اما من طاعن يحذر اما من مسمع يصغي لما يجري
على شبرد اما من كاعب تبكي اخاها واسها الاصفر فيا ويح اهاليها نفذ حل بها المنكر تليها الرجفة العظمى
فنظر من لها بفتية انا ما هدا عمدها فعدل اللوح والمنبر من الروم كذا يذكر ويبقى حصنها العالى
بوسط النهر بشر علوج من بني الاصفر من السور الى الدسكر ويجري الدم بجانبها في الاعين والابر وفيها
القتل والسبي وتاتي بعدهم جيش تقتل من بني منبر وتالي رجفة اخرى فهلك منهم الاكثر ويجيها
على مهل وبني ان لها بستر وتاتي العكس الظالم تقنية بنو قيصر ويجريها علوج الروم فالله لها اجبر
ثم روم الحي فرنج ومن خلفهم البلغر وبني لطف اداصنها بلا حجر ولا محجر وعشى الشام كالبيداء زمانا
خاليا مقفر فكم من جاهل فطن ماب الروم لا تقهر فياتي عكس الافرنج بالاكبر والاصغر على كل طويل
الباع كالسرحان اذا خطر فيرجع عسكر الروم على اعقابه يدمر واما المنقالرقة لا بد لها تغر واما السبل
لا بد قريبًا ان تطهر فيا ويح الرامين ومن يكن في عنقر تقدير وقضاء الله لا راد لما قدر وعليك بعده
ليث غلام اكحل اعور يكون بابن يقيس وفي عزم اسكندر وفي انصاف عمر وفي انصاب التزغتر وفي غير من
من كانون نطهر وهو قدر بجيشه اله مثل سوى عز وداو قيصر غانين الف بقدمهم بربر بطل اعور
ويلقي الترك والكفار على مرج لراخضر فياخذ كلما معهم من الاموال والجوهر فيهرب ملك الشهب
بلا درع ولا مغفر انا ما مالك الروم وفي بعضها كفر واد في بعضها الله والقايمًا اندر وثم فيه
الجزرة واستم او استكثر اناالله بالموت وفي جانبها يقبر ويا صاحب القسطاطات وفي جيش عنا البر
وعليك قلعة الشام ويبلغ عصبة دثر وعزت سورها الكبرى ومن قلبه حلب تقر ويظهر حلب المعرب

بالسودان والبربر وكم من وقعة تجرى ❊ اذا ما ظهر الشر لحسن ابن يعقوب ❊ وفي سطوات الفتن حيلة
فيفتح ما حواها الروم عن بلدة ومن جوهر تحاكي الشمس في النظر ❊ عليهن الشتاد العالى يرى باليمن الاصفر
اسيرات ولغات مع البادين والحضر ❊ وتخرب سائر الارض ❊ فلا البحر والاحجر ❊ ورجال على بغل شموس منع
المنظر ❊ فيلقاه النبي عيسى ❊ فيقتل منه ويخز ❊ وياجوج وماجوج من السد لهم صبر ❊ فتملى بقعة الارض
ومن سكانها تقفر ❊ اذا ما اسودة الشمس ❊ ومن مغربها تطهر ❊ فيفنى حيوان الارض واليابس والاخضر
اذا ما طلع النجم ❊ كمثل الاسد الاحمر ❊ فذلك اليوم يوم البعث ❊ والحشر والنشر ❊ وهذا الكلام بالامام في هذا
الباب والله اعلم بالصواب شعر لست ادرى ولا المنجم يدرى ❊ ما يريد القضاء بالانسان ومن عرى من
الكشف والشهود وحرام عليه التكثر في هذه الحوادث الكونية والاسرار الغيبية بطريق الرموز والحدود فلا
نطيل لسان الاعتراض فاني اخاف عليه سلب المناسبة في عالم الارواح والخاتمة على عالم الاشباح ونرجح
نص فطرته وصتو باعه في ميدان حكمة فلا يشهد حقيقة الكمال ولا يستلذ عن الانكار المعاني بالوصال
وليقل بلسان التسليم وكل ذي علم عليم وقد تمت الكتاب الجفرية الناطقة الاسرار الخفية في يوم تقوم فيه القيمة
ويقوم تنفخ الحكامة على سعة كريم ومغفرة الكريم قال بعض العلماء لا يحل الكلام في الغيب لانه سر من
اسرار الله تعالى اختار له ابا البشر وقال العلماء بالله بل ينظر الى ذلك من اسرار الحروف كما ان ادم ينظر
بها في اسرار الغيوب بانه الحكمة لم يبدل وقد انبت وجماعة من ارباب القلوب لا يحصى عددهم لاعلام الغيوب كما
قال الله تعالى ومن يؤت الحكمة فقد اوتى خيرا كثيرا وقد بين الله في كتابه ما جرى للاولين وما يجرى للاخرين
انه ما من الاسرار الا هو موجود فيه كما قال الله تعالى ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين وقال الله تعالى
ما فرطنا في الكتاب من شيء قال الامام ع ما من شيء الا وعلمه في القران لكن عقول الرجال تعجز عنه وقال ابن
عباس لو ضاع لاحدكم عقال بعير لوجده في القران وقراء بعضهم عند بعض الاكابر اذا زلزلت الارض زلزالها
فلما فرغ من قراءته نقل لما اصحابه وقال على اثنين وستمائة تكون له زلزلة عظيمة فقيل له من اين ذلك فقال
عدد قوله اذا التاريخ فكان كما قال وابن برهان قد حكم في كتابه بفتح بيت المقدس سنة ٥٨٣ من قوله تعالى
الم غلبت الروم وجميع ما ذكرناه انه علم من علوم ادم وجدناه احد علوم القران لان القران سماه الله تعالى غيبا
فقال الذين يؤمنون بالغيب على احد الاقوال فانهم قالوا في الغيب الجنة والنار وقيل محمد وقيل القران
وقال اهل اللغة كلما غاب عن الحوادث فهو غيب وقيل غير ذلك ثم ان الحروف التى كان ادم يستخرج بها الاسرار
الغيبية والاسرار الكونية وهي موجودة عند محمد يستدل بها على هو النار ويتصرفها في افعاله الظاهرة والباطنة
فمعاينة الظاهرة تعرف مدده السفلية ومعاينة الظاهرة يعرف مدده علوية وكل حرف يحتوى على علوم جليلة

الشأن والأسرار واسرار عظيمة البرهان وقد تقدم ذكرها ولهذا ان الحكماء اذا علموا انهم شخص وما لم يعلموا طالعه وطبعه
وتاثيره استخرجوا من حروف اسمه طالعه وما يدل عليه من الطبايع حتى مدة ايام وما يتفق له من الوقايع والامور في حال حيوته
لان بالعدد يدرك الحس البشرى حقيقة ما افضل من ايام دوره وما اتصل من احوال كوكبه وبالحروف وبيد لسما
اختلف في اجزاء طوره واتفق في مجموع عمره والحروف والاعداد مجبولة في جبلة باقي العالم على اختلاف اطواره و
مقرونة بظاهر اشكاله وباطن اسراره فلا يخلو دقيقة من دقايقها ولا رقيقة من رقايقها من حظها بالاعداد
والحروف بل هي مجبولة بها ومقرونة بها بناسبها فكل كائن في الوجود حظ من الحروف كما له حظ من الطبيعة وكل حظ
من طبيعته كما له حظ من الصورة والهيولى والصورة كما له حظ من النفس وله حظ من النفس كما له حظ من العقل كما له
حظ من العقل كما له حظ من وجود البارى ومواهبه فهم ذلك والله يقول الحق وهو يهدى السبيل وقد جرى
القلم لهذه الاسرار والحكم صانها الله عن حسود كما اسلم ومن متكلم بسم الله الرحمن الرحيم الحليم المنان بامداد التالين
يا مراد الطالبين باعيان اللائذين يا غياث الحائرين ظالم النوم وقرب اليوم في بلاد المحولوم وخروج القوم
عقيب الصوم واحترق القلب واحترق الكلب ونام الفؤاد وقام الفؤاد وقام الوقاد وزهق الهام في بلاد الشام
وابرقت صواعق الاشرار وزعقت طوارق الفجار وتسلط البلاد والعدم [illegible] بكثرة الغلا والهدم القصر ونعق
الغراب ومعق الخرات ورمى وندرت سفينة السلاح وبيت روضة الفلاح وانكشفت القبايح وانكشفت الفضايح
ونطق الاصغر وصغر ونفر وكلاح السفياني وباح السر الرباني وان علان مهدي الزمان وصفق الحبال ورقص الجمال
وركبت امير الغفلات على ايل الشهوات ولعب الزنبور وعلى نغم الطنبور وحكمت الصبيان وملكت النسوان وانقطعت
الاسرار واستتعت الانوار وحلال الحريص دون القريض وظهرة القرو وسهرت الاسود ومشت الخنافس على الطنافس
وركبت العلوج على السروج فاعمنا نظرة واعتنا بقطرة واحفظنا من افات الزمان وعاهات الاوان و
احرجنا من دوحة الشكر ونقنا من الذنوب واسقنا من دلو الغيوب يا من بيده مفاتيح الارض في الطول و
العرض تم فهم ما ورد على لسان وارد الصادق حماه الله عن المار والحادث رقة رفقته الجامع بين الانشاء
والكتم والفتح والختم فمن عرف سره المكتوم وذلك رمزه المختوم اى في نوبة ستة بحيا وفي خروجهم سببا والله لولا
ضيق الزمان وفتور الاخوان لبسطت لسان التصريح وكشفت قناع التلويح والحمد لله على ما فهم والشكر له على ما
الهم والصلوة على سيد ولد عدنان محمد المرفوع ذكره في كل وقت واوان لا ماح الهذان وفتح الاطيبان قال
الفقير المقر بالتقصير عبد الرحمن بن محمد بن على بن احمد البسطامى اماته الله على الكتاب والسنة بلا محنة ولا فتنة
فتنة المتطلع عن بحر العلوم والدر المنظوم صاحب السر المكتوم ولكان نقلت هذا الكتاب الموسوم بمفتاح الجفر
الجامع ومصباح النور اللامع من كتاب نسخ ابن خط مؤلفه نور الله مضجعه وبرد مهجعه وقيل شرع في خطه

حرف الصاد فی عالم المنام بلسان فصیح علی لسان اهل الانوار لان الجفر الجامع وایهم شر رایت فی المنام کانی قد فتحت
الی فلک زحل ثم رایت النبی فی وایت اشعیا فی المنام فی لیلة واحدة تم بلین مرة بشرح دفعة ومرة وهو قائم ثم رایت
فی المنام کانی عند باب الکعبة حرسها الله واذا برجل قد دنا ولی مفتاح الکعبة فنظرة الی الشرق واذا الملاک
قد طلع من المشرق وبعد شروعی فی قطعة من کتاب الجفر الجامع برسم المقام الشریف خلد الله ملکه رایت فی
العشر الاول سنة ٨٢٣ فی المنام کانی قد صعد شجر کومة الی مکان عالی فرایت بعض اشیاخی رحمه الله واقفا علی
قدمیه فقال انی سمعت هذا الحدیث من رسول الله صلی الله علیه واله مشافهة من غیر واسطة فبینما هو معی فی
الخطاب فاذا قد انقلبت عینه الی عین رسول الله صلی الله علیه واله فکتب حدیث الاحمر فی خمسة اسطر علی
هذه الصورة فی ابنیه المبارکة السطرین الاخیرین وقال لم اکتبها علی نسق واحد فکتبها
کما قال الحدیث قد ذکر فی الصحاح فی باب الملاحم وهو من روایة حنیفة وفی ربیع الاخر فی سنة المذکورة
رایت فی المنام عبد الله بن عباس عنهما وهو قایم علی قدمیه علی سطح عالی قد استقبل الغرب فصعدت الیه
فوجدته فی غرفة فتا ولنی عند ذلک فی حصن نبیبات حرفتنا ولبستها بالمفاتیح المسودة والبشری
مطوبة وقد ورد علی لسان اشیاخی وقد ولحفقال الحرب علی نفسک واحفظ علی نفسک واحفظ معک فان
الرهن الخامس هسل الطامس والدال الدامس والزهر فایح والنهار لایح والکتاب عجاب والحجاب محجاب
رایت سیدی علی الوفائی انشدنی بالله یا سیدی قل لی متی نلتقی ومن زمان الهجر کم نتقی وانا العبد
الفقیر استغفر الله من التقصیر واقول من صمیم القلب الهی لا تجعلنی موزورا وبغیرک مسرورا ومن نظرک
مستورا وفی عین غیرک مشهورا الهی قد عرفت رجائی الی وجهک الکریم وامنت ظنی الی عفوک الکریم
فارحمنی وارحم والدی والمسلمین وارض عنی وعن المنعمین علی ولا تنقص رجائی عن عفوک خائبا
ولا تخیل حسن ظنی فی حسب عفوک کاذبا الهی کیف اصدر عن بابک بخیبة وقد وردته علی ثقة بک فکیف
تؤیسنی من عطائک ولقد امرتنی بدعائک الهی ارحمنی اذا انقضی الی اجلی وانقطع عملی لبیت فی کفنی وفارقت
سکنی یا ارحم الراحمین وهذا اخر الکتاب والحمد لله الوهاب والصلوة علی قطب الاقطاب وجبیب الحباب
والله سبحانه وتعالی اعلم تنبیه اعلم ایدک الله لا تعتقد فی هذا الکتاب ان هذه الاقوال من افواه
الرجال الذین هم غیر منسوبین الی هذه الحال بل هذا البلوغ بعینی عن التصریح کما قال کلموا الناس علی
قدر عقولهم وکما قال الشیخ کلموا الناس بما تفهم ولا تکلم بما لا تفهمون ولو کلمت الناس بما اعلم القلع
من هذا البلعوم والا خصوص کلام بحر العلوم واهل السر والدر المنظوم وباب العلوم الامام علی بن
ابی طالب صلوات الله وسلامه علیهم انا رتحص قرار عبابک والسلام بسم الله الرحمن الرحیم

الجزو الثالث عشر فى بيان تركيب الحروف على اطوار الجفر الجامع والجامعة الجامعة لعلم ما كان وما يكون من عهد ادم عليه السلام الى انقضاء الحين والاحيان فى قول وبالله المستعان وعليه التكلان اعلم

ان ابواب الجفر هاما دعوة منها للاسماء ومنها للادعية ومنها الاستخراج العزايم ومنها الاستخراج الموكلات ومنها الاستخراج المدة المعلومة فى تلاوتها فارقانها وما يتعلق بها للشروط ومنها الاستخراج وما يصدر على الانسان من خير وشر واستخراج جميع العلوم الظاهرة والباطنة ومنها الباب الجامع المسماة بالجامعة وهى تظهر المكاشفات فى العالم العلوى والسفلى

حيدما	بوجد	هنه	ذبر	الحرف	وتبيانا	والعدد ها	وزبرها	وبيانها	الى	هلا	ومعها	وتبيانها	مهم	نتزيل	حور		
الف ١١١	با ٣	جيم ٥٣	دال ٤	ها ١٣	واو ٩	زا ١٠	حا ٩	ها ١٠	يا ١١	كاف ١٠١	لام ٧١	ميم ٩	ن ١٠٤	سا ٣٧	ىه ١٥		
[illegible]	لف ١١٠	ا ١	عم ٥	ال ٣١	ا ١	او ٢	ا ١	ا ١	ا ١	ا ١	اف ٨١	الله ٢١	بم ٥٠	ون ٥٤	٣٣ ٢٠	ى ١٠	
[illegible]	لام وا ١٢٥	الف ١١١	يا ميم ا ميم	الكلام ١٨٢	الف ١١١	اا ه و ١١١	الف ١١١	الف ١١	الف ١١١	الف ١١	الفيم ١١١	يا ميم ١٠١	واوى ١١٩	واو ٣٨	ا٨ ٣٨	بط ٢٠	
[illegible]	ام ا ٤٣	لف ١١٠	ام ١٥١	لف ١١٠	لف و ١١٠	الف ١١١	الف ١١٠	الف ١١١٠	الف ١١١٠	الف ١١١٠	الفلطم ١١١٠	ام ١٦	ام ١٥	اووله ٥٣	ولدم ١	يا ١١	
[illegible]	الفيم الف	دام ه	الضا ميم	لالف ميم	وام	طرف لط	دام ى	دام ى	دام ى	طم ى	دام الف	الجن يا سم	يالف ياجيم	الف دال	سالم ١٣		
[illegible]	٣٥٥	٤٣	١٨١	٢٥٢	١٤٢	١٥٩	٤٣	٤٣	٤٣	٤١	٤٢	١٥٢	١٥٢	٩٣	١٨١	١١١٩	
[illegible]	سين ٤١	عين ١٣	وا ٨١	صاد ٩٥	دان ٨١	نا ٤١	سنابيم ٣٦٠	نا ٤٥١	نا ٥٥١	نا ٨٥	٤١	ذال ١١	صاد ٧٣	طا ٩١٠	عين ١١٦	سا ١٢	
[illegible]	ملوه ١١٧	بب ١١٦	ا ١١١	او ١١١	ا ١٢	يه ٨١	ا ١	ا ١١	ا ١	ال ٣١	اد ١٥	ر ٩١٠	به ١٦	[illegible] ٨	ابى ٦٥	حا ٩	
[illegible]	والوله ١٤	دالوه ٢٥٧	الف ١١١	الف ١١١	الفاله ١١١	الف ١١١	الف ١١١	الف ١١١	الف ١١١	الف ١١١	الفاله ١١١	اوله ٣٦	والوله ١٤	الف ١٢	٨ ٣٥	ط ٥٤	
[illegible]	اوت ١٥٨	اوه ١١٢	الف ١١١	الف ١١١	الف ١١١	اوله ١١١	لف ١١١	لف ١١١	لف ١١١	لف ١١١	لف ١١١	لف ١١١	لف ١١١	اوله ٥٧	٣٣ ١٨	ى ١٠	
[illegible]	الفعلا ٤٣	الفعا ٢٣٠	دام ذا ١٥٢	لام وا الف ٢٣٣	لالفط ١٥٢	الفعا ٢٣	حام ما ١٥٢	دامها ١٥٥٢	دام ى ٤	دام ٣	لام ١٥٣	لالف ٢٣	الف ٣٦١٦	الف ١١٤	٣٦١٦ ١٣	ما	
[illegible]	الف ١٨٣	الف ١٢٣	٢١٣ ٤٣	ام الف ١٩٣	ام الف ١٥٣	١٢١ ١٨٣	الف ٤٣	ام ا ٣٢	١٣١ ٤٣	١٢١ ٣٢٢	الم ٢٠٢	الف ٤٣	الف ١٨٣	الف ١٨٣	٣ ١٦	رط ٢٩	

وبتبعها الدعوة الخفية وهى الجامعة بين الاصل والوصل ووصل الوصل الى نهاياتها فمن اراد العلوم الغريبة والافعال العجيبة مثل الرمل والهندسة والتكسير والنجوم وهيئة الافلاك وعلم الابدان وماهيات الاسحار والفاظ الصيور وعلم الجفر فعليه ان يشتغل بدعوة الاوفاق ووفق الاعداد وسعلم استخراج الروحانيات من الاوفاق بدعوة الخفية فى البطون الثمانية والعشرون والبطون السبعة فسيأتى بيانها ان شاء الله تعالى لكن ترجع الى بعض الزبر والبينات باستخراج الاية الشريفة التى مدح الله بها

اهل البيت اعنى محمد وآله والائمة الاثنى عشر واستخراج اسمائهم هذا انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا

محمد على فاطمة حسن حسين محمد جعفر موسى على محمد على حسن محمد المهدى

ولـ شن ملح ص قـ دس ق د لذ ز بى دح م هـ م ـسـ هو هـ ى ق

حـ ق يـ بغ ى لق ح م ز ن ب غ بـ بـ ـ س قان بـلق ج د ق بلقـا س لمكث بلق

اى ذن اسلى غـ بن جكق ان جكى سن زن سن اى ق حمن بنى وسن

يم اف اف يناف اوك اولان اعان اسماف ام الف الف

اسم الف الف الفا الف الفا والف اعالف الف لفيم اف لمناوك اون الف

الف م الف الفا يم الفان الف الف الفان الف ام الف الف عام الف ام الف ١٣١ يم الف

ام الف ام الف ام الف الف ام الف اوان دون لف يم لف ام الف ام الاليم

ام اللام ام الف ام الفلام ام الفاون نون

محمد على فاطمة

حسن حسين زين العابدين محمد باقر جعفر الصادق

موسى الكاظم على الرضا محمد الجواد على الهادى

الحسن العسكرى محمد المهدى صلوات الله وسلامه عليه

وعليهم اجمعين

واما من الحروف زبر وبينات فاذا اهتديت الى ما اشرته اليك به فقد وصلت الى السر الاعظم وتصرفت في الكون وكشف لك الملكوت الاعلى وهو اعرفة الحق وليس الخلق الا هو الحق وينكشف له علم اليقين وعين اليقين وحقيقة اليقين واعلم انك اذا كررت المراتب فى هذه الاسماء واستخرجت اعدادها

دهند

وفى بلبتيها الاعداد الاية التى تعين عملت كيف يعرف الاسماء من الاية كمثل اسم محمد بن زبير اول الاية وهو لفظ
ايما وعدة على من حروف الالف يرفع الاصل ويبقاء الاصل وهو لف عدده ١١ فيكون اسم على كذلك وكذلك اسم
فى حمه والحسن من اسم يزيد فى وصل الوصل وهكذا يظهر وبطن وظهره ولنعلم الاصل والوصل ووصل الوصل
فالاصل مثل الف والوصل كمثل لام ووصل وعدكمثل فى وجمعهم تسميا الف وهكذا اليم ياخذ الحروف الزبر
والبينات ثم تاخذ تلك الارقام المجتمعة من الحروف المجتمعة من الحروف والزبر والبينات وبسطها لسطر الزبر
وسطر البينات وتستخرج لكل حرف ٢٨ بطنا ثم يجمع اعداد كل سطر من الحروف وتقربه بنفسها اخذ جملة
من الحروف وكمثل محمد اربعة احرف قلنا ٢٨ مرة من ٤ او نقول اربعة احرف فعلمنا اذا بلغ ٢ حرف فتستنطقها
من هذه حروف وهكذا الى اخر الحروف ثم تقسيم منازلها على طريق سيف دم وهو النصاب فيها ١٢ مطابقة
البروج الاثنى عشر والزكات ٢٨ الها المطابقة منازل القمر والعشر ٧ موافقة الكواكب السبعة السيارة
والفعل ٤ بحساب العناصر الاربعة والدور المدور ١٣ الفاء موافقة الافلاك والطبايع والبذل ٣٠٠
مطابقة المواليد الثلاثة والختم الف واحد موافقة المركز فاذا عملت الشرايط على طريق الجامعة وهو ان
تاخذ جميع الحروف للكنونة المفرقة المرتبة وعين المرتبة من السؤال او الاسم به ولا سوى الاشاح كما فى بر
وصدغم الاسم الحامل كما فى كل الحروف المستوى كما فى الالف بجمعها والحرف المركب هو الذى مركب من ٣ احرف كتبه
كالدال والذال والالف لتكون تسعة والبعز المركب هو الذى مركب ركب من الحرفين والثلاثة لا يكون احدهما
ثلاثيا مثل لى لى وحى وكل حرف قطبه ثلاثيا فيا كالجيم والسين والعين فى المرتبة الاولى ولا تاخذ الاصل و
الوصل ثم تترك الاصل فياخذ الوصل ووصل الوصل بتصير تسعة لان كل حرف منهما ٣ احرف ثم تستخرج رقم
ساير الحروف بحساب الجمل ان شئت نفراها ان كانت الاسم او الاية والسؤال تستنطق فى محلة وبطريق الاودا
نفراحا الى ان تتم الدعوة وتاخذ لكل كوكب من الكواكب الافلاك الثوابت الفا عند الحكماء والرياضيين
١١٢٥ فيكون مجموع العدد الكواكب احد عشر لكا وعشرون الفا فتستم عدد الكواكب على حروف الاصل والوصل و
بجعل الدعوة والاستنطاق فكل عدد لا يكون قابلا للقسمة المذكورة تقرا اواخر الدعوة يوم الاربعاء ومثاله فى
اسم تعالى الله حروفه على القاعدة المذكورة فى البطون تسعة ٣٠ فيكون رقم الحروف المذكورة فى البطون
السبعة ٩١١ وعدد الكواكب الفا فيقرا دعوتم الاسم كل يوم مائة تعد حروف الاصل والوصل ٢٢ وتقسم عدد
الكواكب على تلك المدة فيكون الورد كل يوم من الاسم والكواكب ٣٠ ٥١٨ فهذه التفصيل ارقام الاسم ٩١١
واعداد قسمة الكواكب ٩٠٩٠٩ الجملة ٣٠ ٥١٨ واثنين ليست قابلة القسمة تقراء فى اخر الايام تؤثر فى
الدعوات ان شاء الله تعالى وفى تركيب السؤال الذى ليرتق بالقسمة يجعل اخر السطر من الحروف المفصلة وقس على

صرورة اذ لا يظهر عليك الا اطوارك ولا يتجلى فى سرك الا انوارك ولا تقتدى بك الا من اهتدى الا ثارك ولا تنكر الا من سلك طريق المعانى فى حقيقة احياده فافهم ثم افهم وهذا الماهيات كلها ظاهرة فى الارض السمية من تقبية طينة ادم من فوق دتق الهباء ثم اعلم ان طريق الجامعة تنبنى على طريق البطون السبعة فى الدعوة الخفية وهى ان نستخرج لكل حرف من الحروف الواقعة فى السؤال والاسم تسعة بطن وتاخذ عددها مطابقة هذا الحديث بان تاخذ البطون الثلاثة الاول بحسب اخذ حرفا عشر والثلاثة الثانية بحسب اخذ حرف فى مائة والثلاثة الثالثة بحسب اخذ حرفا ومضروب المجموع فى سبعة بطن فتقسم الحاصل على ٩٩ يوما للاسماء فتقراء كل اسم فى كل يوم بطلم الروحانى اليه فما لم يكن قابلا للقسمة تقراء فى اخر الدعوة ولاستخراج الضمير وتقسم الحاصل على ٢٨ وتستخرج الحروف من اول قسم ثم بنصف الباقى وتستخرجه وهكذا الى النهاية العدد ثم تلبسه حروفا وتكسره سبعا وتضيف الى الحروف المستخرجة من سيف الدم ومزجه معها ثم تقسمه على الطبايع وتمزجه ثم تقسمه وتمزجه الى سبعا الحتا نهار بالحروف المستخرجة من سيف اسم ٣ ثم تستنطق بحسب الميزان الباقى يخرج ما سألت منه بعون الله تعالى ولا تنس تركيب السؤال واستخراج اعدادها وطبايعها وحروف النور والظلمة فذلك الدليل الاعظم وهذا مثالا فى اسم الله تعالى بترتيب البطون السبعة فيكون مجموع الحروف الاسم وعددها موافقة الحديث المذكور ١١ وتضرب بهذا العدد ٧ فيصير الحاصل المجموع ٧٧٣٤ فتقسم هذا المجموع على ٩٩ يكون الخارج ٧٨ فتقراء هذا القدر مع ضم الروحانى المطلوب كل يوم ويبقى من القسمة ١٤١ تقراها فى اخر الايام كما عرفت وطريق تلاوتها ان تذكر اسماء للوكلات يا فلان ويا فلان الح بحق فلان مع اسم الجلالة يا الله وهذه الاسماء تستخرج من دفق الاسم وطريق استخراج الروحانية من كل اسم وهو على الاسم بحسب الحروف المكتوبة وتركيبه فى الوفق وتستخرج منه خمسة اسماء اربعة منها مقسم والى خامس مقسم به فاذا كان الوفق فردا كالثلاثى والخماسى تستخرج الاول من عدد القلب لقطب وان كان زوجا كالرباعى والسداسى من نصف العدد العدل الواحد وهو ان يجمع عدد بيت الاول مع عدد بيت الاخر والثانى من المنتهى والثالث العدول والرابع من عدد ضلع من الوفق والخامس من مجموع الوفق فاذا كان العدد فاذا كان العدد المذكور اكثر ٥ لم يحتج الى زيادة شىء والا يزاد عليه الدور وهو ٣٤٥ فتنقص ٥ ويبويا بجملة ابيل مثاله فى الاسم الله عدد جملته ٦٦ فركب منه الوفق الرباعى وهكذا وهو هذا

١٦	١٩	٢٢	٩
٣١	١٠	١٥	٤
١١	٢٤	١٧	١٤
١٨	١٣	١٢	٢٣

هيابيل ومجموع الوفق نصف العدد العدل ١٧ اسم يخرج الموكل الاول مع الاضافة الدور بعد الاسقاط يخرج شكوائيل ومنها العدد ٢٢ موكله شلحائيل وعدد العدل ٣٣ وموكله شمائيل وعدد الضلع ٦٦ موكله هائيل ومجموع الوفق ٢٦٤ وعائيل فهذا طريق استخراج الروحانى

من الاسم الجلالة وعليه فقس سایر الاسماء العظام والایات والاقسام فاذا عرفت هذا فاعلم طریق الدعوة
وهوان يستخرج لكل حروف من الحروف الواقعة فی الاسم الاعظم وغیرها التسعة ابطن كما تقدّم من المراتب الثلاثة
خذ حرف قل عشرا ثم مائة ثم الف الخ وطریق قرائتها یا سکوائیل یا شلجائیل یا شمیائیل یا لهائیل بحق بجائیل
یا الله وعلى هذا القیاس سایر الاسماء وعملها فتامل وطریق دعوة استخراج البطون التسعة من حروف التهجی
اللازمة فی حقیقة الجامعة عن النبی صلی الله علیه واله فهی هذا كما تری

ادادا	حبعل الدعوة المصية	العدد	الحرف	البطون التسعة لاستخراج الجامعة	العدد
الف	الف ١١ لام ١١ فی ٩١ ی	٢٨٢	س	سین ١٠١ لی ٢٠ بی ٣٠ ٥ نون ١٠٤ ی ١٤	٥٣٤
ب	بی ١٢ بی بی ١٢ بی	٨٢	ع	علین ١٣٠ بی ٢٠ نون ١٠١٤ ی ١٠	١٤٤
ج	جیم ٣٥ بی ٢٠ میم ٩ ی ١	١٤٣	ف	ی ٩ ی ٢٠ ی ٣ ی ٣٠ ٥٤ ی ١٠	١٦٠
د	دال ٣٥ الف ١١ واو ١١	٢١٤	و	صاد ٩٥ الف ١١١ فی ٥ ه ٥٥ ل ١٢٠١	٢٣٤
ه	ری ٣٥ بی ١١ بی ی ١١ ی	٨٥	ف	را ٢٠ ری ٢٠ لی ١٠ لی ٢٠ لی ٢٠ ی ١٠	٤١٢
و	هی ١٥ بی بی ٣٠ ی	١٣٧	ق	شین ٣٠٤ لی ٢٠ ن ٣٠ ی ١٣	٢٨
ز	زی ١٣ بی ١١ بی ١١ ی	١١٧٨	ر	بی ٤١٠ لی ٢٠ لی ٣٠ لی ٢٠ ی ١	٩٤
ح	حی ١٩ بی بی بی ی	٨٧	ش	ثی ٥١٠ لی ٢٠ لی ٣٠ ی ١٤	٩٩٤
ط	طی بی بی بی ی	٨٨	ت	قاف ١٤ الف ٢٠ ی ٢٠ ل ١٠	٤٨
ی	لی بی بی بی ی	٨٩	ث	دی ١٢٠ لی ٢٠ لی ١١١ ی ١	٥٨
ک	کاف ١١ الف ١١ فی ٩٠	٩٠	خ	خی ١٠٤ لی لی ٢٠ لی ٣٠٤٢ ی ١٠	٤٨
ل	لام ١١ الف ١١ میم ٩	٩٠	د	عی لی لی لی ی	١١٣
م	لام الف ٣ میم	٣٣٢	ض	ذال ٩١٠ الف ٢٠ لام ٢٠ ١٨١	١٩٥١
ن	میم ٩ واو ٣ نون	٣١١٢ ٢١٠	ظ	ضاد ٩٠٥ الف ١١٢ دال ٣٥	٩٨
	مجموع الحروف الثمانية والعشرون	العدد	غ	غین ٩١٠ بی ٢٠ الف ن ١٠٤ ی ١٠	١٤٤
				البطون التسعة ٢٥٢ حروف اعداد هم العدد	١٧ ١٩١

جمع المجموع فی البطون التسعة بلغ ١٠٢٤٠ امدخل فی المثلث هكذا ٣٤١٤

وطریقه ان استنی فی الوقف بزیادة حرفه وهی ٢٥٢ میزانها ٣٧٢
ضلعه ١٠٢٤٠ اصلاه ٣٤١٢ مكتبه وتدور علیه الحروف بحسب حرائتها من
حرف الالف وتجمع الف وتدوره علی الوقف ثم مابعده وهو اللام ثم مابعد

٣٤١٧	٣٤٢٤	٣٤١٩
٣٤٢٢	٣٤٢٠	٣٤٢٣
٣٤٢١	٣٤٢٤	٣٤٢٣

مانعباللام وهو الفا وكل حرف بحسب التي تكررت فيه فحرف الالف ٤٣ وحرف البا ا وحرف الكاف ا وحرف الجيم ا وحرف الدال ١ وحرف الهاء ا وحرف الواو ١٢ وحرف الزاء ا وحرف الحاء ا وحرف الطاء ا وحرف اللام ١٩ وحرف الميم ٣١ وحرف النون ٤ وحرف السين ا وحرف العين ا وحرف الفاء ١٥ وحرف الصاد ا وحرف القاف ا وحرف الراء ا وحرف الشين ا وحرف التاء ا وحرف الخاء ا وحرف الذال ا وحرف الضاد ا وحرف الظاء ا وحرف الغين ا فاعلاهم رتبة واكثرهم اعدادا حرف الياء فافهم ذلك اذا كتبته بوقته و طالعه وساعته بالمسك والزعفران والماء الورد واستخرجه وكلامه الخمسة من الوفق بالطرز المذكور واقسمت عليها بالاسماء المرفقة للحروف من جدول المحيط وعلقته الوقف على سيابته وهيمته على الوقف عددا اعداده بما شئت حصل لك التاثير في العالم العلوي والسفلي وان حملته معك وتلوت الاسماء المختصة به حصل لك من الكرامات والبراهين ما لا نهاية له وعما طلبت من الله حصل لك على الفوز و ذلك بحجة الهمة وكذلك يفعل هكذا في البطون الثمانية والعشرون وكذلك في الزبر والبينات على هذا النسق وهذا هو الوفق المستخرج من علم الجامع في الدعوة الخفية كما ترا

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
٢١٦	٣٢٢٣	٣٤٤٦	شمائيل
٩٢١٢١	٣٣٢	٣٢٤٣	[illegible]
٢٩١٢	٢١٢	٢١٢٣	[illegible]

والحروف بحسب التركيب من غير تكرار هي هذه ال

و م ي ب ج د و ز ح ل ه م و ع ص ق و ش ت

ث خ ذ ض ظ غ نظرنا الى الاعداد الصلح فاسقطنا ١٢١٣ ابقي ٢ واسقطنا الحروف واسقطناه الحرور ٧٧ بقي ١ فقلنا مكتب الوفق يوم السبت او يوم الخميس ساعة المشتري والقمر في برج الحوت والطالع به فافهم هذا العلم الشريف والسر الاعظم الشريف فان اهتديت لجناء الثمرة من الشجرة فاشكر جامع الموجودات فالمستحق له قليل واما موكلات الوفق فالمستحق له قليل واما موكلات الوفق هي هذه جمطائيل يا دغغرائيل يا وغعطائيل يا بوطائيل فقد كفاسل الحيهو زحطي كلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ فهذه الموكلات المنادا اليها ثم تتلوا بعدها الاسماء المتعلقة بالحروف اسماء الباري جل شانه ويكون الحروف مفتاح الاسم وختامه كمثل حرف الالف تقول الله له المرتجاء والباء بديع الوهاب والجيم جبار الفادح والدال ديان العباد وقس على ذلك بما في جدول اللطيف تصل الى غاية المطلوب وطريق الدعوة الخفية وبيانها وهو من فصل الثامن لتعلم ان كل غواص يريد ان يخوض في هذا البحر وهو بحر التوحيد الوحيد ويستخرج الكنز مستخرجا من معدن المعاني ويعلاء ذيله بالجوهر النفيس

واللؤلؤ الدفين من بحر العدم ويصل الساحل مالبا ذنه بذلك ينبغي له ان يحصل الدعوة الخفية التي هي عين ا و
وصول الحق خالصًا مخلصًا لله تعالى ليتصف بجميع صفات الحق وتنكشف له علم عالم اليقين وعين اليقين فيجب
عليه ان لا يتوجه في عين هذه الدعوة الى غير الحق المدعو والا حصلت له الواحدة الاسمية ثم اعلم كان القران
بطون واسرار كذلك لهذه الدعوة بطن واسرار طريق خاص وطريق عام فالطريق الخاص وهو طريق الدعوة و
استخراج الاسماء بتاثيرها خواصها وطريق العام فهو الذي يستخرج بها ما خفي من اسرار العالم باجمعه من الفرش
الى العرش ومن العرش الى الفرش بحيث اذا علم الانسان مبداء ومنتهاه في هذه الجامعة تنكشف له ما في ضماير المخلوقات
وما يأكلون وما يدخرون في بيوتهم الى ما لا نهاية فمن كان سعيدًا ازليًا يتيسر له على عمل هذه الدعوة ويحصل له
معرفة كما انها كما هو حقها فلهذه الدعوة الجامعة ظهر وبطن ولكل حرف يكون ٢٨ بطنًا ولكل بطن مشاهدة الحق
يرتفع حجابه عن منزلة الى مرتبة من الخلق الى الحق فليس الخلق الا هو الحق وساير الدعوات في التلوين ونظر الى التكوين
وكشف الملكوت وهذه الدعوة لمعرفة الحق كما هو الحق او يندرج في هذه الدعوة دعوتان اخريان منهما
وفق وفق الاعداد وثانيها حركة الالفاظ كما سيظهر مفصلا قريبًا ان شاء الله تعالى ثم اعلم طريق شرايط هذه
الدعوة الثلاثة ان تغتسل يوم الخميس في عروج القمر كما مر وتصلي الصلوة على الترتيب الذي ذكرنا فيما سبق
وتقراء بنية النصاب ٤٤٤٤ مرة في موضع واحد وتغتسل الجمعة بالترتيب المذكور وتصلي كما مر وتقرا بنية
الزكات كل يوم ٥٥٥ مرة الى سبعة ايام ثم تغتسل يوم الجمعة الثانية وتقراء ٥٥٥ بنية العشر في مكان
واحد وتقرا يوم السبت بنية القفل بعد الصلوة على النبي صلى الله عليه وسلم والسورة الفاتحة مرة ثم الاعظم ثم
الاخلاص بان يكون الاسم الاعظم متوسطا بين الفاتحة والاخلاص ٩٩ مرة بنية النذر الملعو وتضاعف
جميع الاعداد المذكورة فيكون الدور المدور لكا واحدًا وعشرون الفا ٩٩٤١ مرة وبنية البذل ٥٥٥
وبنية الختم ١٣٥٥ فاذا عرفت طريق الدعوة الخفية وهو ان تاخذ لكل حرف من الحروف الواقعة في الاسم
٢٨ بطونا وتجمع رقمها وتقرا الرقم المذكورة ٩٩ يومًا مع ضم الموكل اسماءه وطريق استخراج المبطون
للحروف الثمانية والعشرين من التهجي هكذا كما تراه مسطورًا في الجدول الاعظم الاتي ذكره في الصفحة الثانية
فافهم ذلك والله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم

[illegible]	[illegible]	٢٨٢	جدول الحروف الثمانية والعشرون واسمائها وموكلاتها واعدادها للمدار والموكل واعدادها بطريق الجمل الكبير وتساوی	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	كلطيف	٣٨٣	الف لام فين الف ميم لي لام لي ميم الف [illegible]	اسرافيل	الله ٦٦	١ ا
[illegible]	[illegible]	٨٥٥	لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	جبرائيل	بان ٣٠٣	٢ ب
[illegible]	[illegible]	٢٨٥	جيم لي ميم لي لي ميم لي لي ميم لي لي [illegible]	كلكائيل	جبار ٢٠٦	٣ ج
[illegible]	[illegible]	٣٤٤	دال الف لال لي الف ميم الف ميم لي [illegible]	درديائيل	ديان ٦٥	٤ د
[illegible]	مانع	٢٥٥	هي لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	دريائيل	هادي ٢٠٤	٥ ه
[illegible]	فاضل	٢٧٨	واو الف واو واو لي الف واو الف ميم لي [illegible]	زماييل	ودود ٢٠	٦ و
[illegible]	صبور	٢٥٩	لي لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	شرايائيل	دليل ٣٧	٧ ز
[illegible]	قيوم	٢٨٠	حي لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	تنكفيل	حليم [illegible]	٨ ح
[illegible]	[illegible]	٥٩٥	طي لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	اسمعيل	طاهر ٢١٥	٩ ط
[illegible]	[illegible]	٥٥٤	لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	سركيطائيل	[illegible] ٢١٨	١٠ ي
[illegible]	[illegible]	٥٢٠	كاف الف فلام في لي الف ميم حي لي لام [illegible]	حرزائيل	كافي ١١١	٢٠ ك
[illegible]	[illegible]	٤٠٣	لام الف ميم واو لي ميم الف لي لي [illegible]	الطيفطائيل	لطيف ١٩٢	٣٠ ل
[illegible]	[illegible]	٥٩٣	ميم لي ميم لي ميم لي ميم لي لي [illegible]	رديائيل	ملك ٢٩٦	٤٠ م
[illegible]	[illegible]	٤٠٢	نون واو نون الف واو نون لام لي الف لام [illegible]	جولائيل	نور ٣١١	٥٠ ن
[illegible]	[illegible]	٢٠٣٠٥	سين لي نون لي واو نون لي الف واو واو نون [illegible]	هموكيل	سلام ١١٠	٦٠ س
[illegible]	[illegible]	٨٠٥	عين لي نون لي واو نون لي الف واو واو نون [illegible]	لوماكيل	غني ١٤٢٩	٧٠ ع
[illegible]	[illegible]	٨٧٥	في لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	سمحائيل	فتاح ١٣٣	٨٠ ف
[illegible]	[illegible]	٤٠٣	صاد الف دال لام لي الف لام الف صاد لي [illegible]	مجائيل	صمد ٨٧	٩٠ ص
[illegible]	[illegible]	٨٣٣	قاف الف قاف واو لي الف ميم لي لام [illegible]	عطرائيل	قوي ٥٢٩	١٠٠ ق
[illegible]	[illegible]	٤٠٥	ري لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	امواكيل	رحمن ١٢٦	٢٠٠ ر
[illegible]	[illegible]	٥٥	شين لي نون لي واو نون لي الف واو واو نون [illegible]	سمرائيل	شكور ٥٠٤	٣٠٠ ش
[illegible]	[illegible]	١٨٧	تي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	عزرائيل	تواب ٤٠٩	٤٠٠ ت
[illegible]	[illegible]	١٣٩٦	لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	ميكائيل	ثابت ٩٠٣	٥٠٠ ث
[illegible]	[illegible]	١٥١٥	لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	[illegible]	ذو الطول ١٤٣٦	٦٠٠ خ
[illegible]	[illegible]	٥١٥	دال الف لام الف لام في الف ميم الف ميم لي [illegible]	الواطئيل	خالق ١٣١	٧٠٠ ذ
[illegible]	[illegible]	١١١٥	ضاد الف دال لام لي الف الف لي [illegible]	[illegible]	ذو الجلال ٩٨١	٨٠٠ ض
[illegible]	[illegible]	٢١٧	لي لي لي لي لي لي لي لي لي لي [illegible]	انوطيائيل	ضار ١٠٠١	٩٠٠ ظ
[illegible]	[illegible]	١٣٠٣	عين لي نون لي واو نون لي الف واو واو نون [illegible]	اخائيل	ظاهر ١١٠٦	١٠٠٠ غ

هذه ثمانية وعشرون بطنا للحروف الثمانية والعشرون يستخرج البطون سائر الاسماء العظام من هذا القياس فنعمل بها وطريق الاستخراج في السؤال الجامع وهو ان ياخذ رقم بطون حروف السؤال حرفا ونعلمها حروفا مثلا في السؤل من الباء ان خمسة فتاخذ رقم الباء ان كلها بجمع واحدا ونستنقط في تحليله والغم في بطون البطون وهو ان تستقطا رقم البطون للحرف على حروف الهجاء ٢٨٢٣ فحيث ما بقى تاخذ ذلك الحرف ثم تاخذ بطونه وتسقط رقمه وهكذا الى ان تنتهى الاول اضرا ثم تجعله سطرا واحدا وتزنه على ميزان الطبايع الاربعة ثم تاخذ اعداد اسقاط الحروف حركاتها ونعلمها حروفا وتجعلها نظيرة للحروف من الاول ثم تمزجها بالمقابلة ثم تكسرها ثلاثة مرة تزنها على الطبايع ومرة تكسرها ومرة تركيبها على الربع فالمكسر بصنيعة الكا وزنته من الحروف والمركب من الربع اما باصطلاح الحروف وان كانت قابلة للتركيب واما بالاشتقاق الحروف من الحرف كمثل الباء من حرف الالف والقاف من الباء والعين من القاف ثم تصور ذا بوجه وتركب منها الحروف المحصلة ويكون تنزلها على الطالع وزرت الطالع الطوالا وعرضا من ذلك المركب يخرج لك ما ضمره عنه وما سئلت عن دقائق المعلوم ووقايعها وغموضها فتفهم ذلك المعنى لئلا تتعنا ولنرجع الكلام الماضي ٥٥ فيكون ارقام الاسم الاول من الاسماء الحسنى وهو الله باعتبار البطون الثمانية والعشرون ٥ ٤ ٣ فيقراء عدد المنكسر ٤٩ يوما يحضر الموكل السماعي بهذا الطريق يا اسرافيل بحق الله فمن اراد العلوم الغريبة والالفاظ العجيبة مثل الرمل والهندسة والتكسير والنجوم وعلم الهيئة الافلاك بغاية الادراك وصورة الاصطرلاب وعلم الابدان وماهيات الاشياء والفاظ الطيور وعلم الجفر وغليان يستعمل بحوره وفوق الاعداد ويتعلم استخراج الروحانيات من الاوفاق وطريق استخراج اسماء الروحانيات عن كل اسم قد تقدم ذكره عند تركيب الاسم الجلالة في المربع قبل جدول البطون التسعة وجميع الاسماء على هذا القياس عليها فتامل فان مجموع الحروف الهجاء في البطون فهى ٢٨١٤ حروف واما ارقامها بحسب البطون الثمانية والعشرون فهو ٩٩٤ ١٩ تركيبه وربما يحتج فان ركبتها بزيادة هذه الحروف المبسوطة حج ميزانها هذا القدر ٥٠٢ ٣٣٩ فكان الميزان اكثر من الرقم المذكور ولكن رجعنا الى الحروف الاصل فهى ٢٨ حرف تربايه نهاية تركيب الوفق المذكور فكان ميزانه ٤٠٥ ومداه في المربع ٧٥١٧ ٤ فيكسرا تضيف في بيت ٣ اوهو هذا وفق المذكور فانزلته تدور عليه جميع الحروف التى في البطون وبعدها الاسماء الحسنى التى في اوايل الحروف ثم الموكلات السماعى تركيب الوفق المذكور وتركب في ظهر الوفق وفق مدار البطون وعليه تدور الاسماء التى في المدار والحروف ثم الموكلات وتعلقه على بيانه وتبخره كل يوم في بحوفه ويكون تركيبه بوقته وطالعه وتقرا عليه ٩٩ يوما كل يوم وليلة هذا القدر ١٩٤٤٩ امراة تقول يا اسرافيل يا جبرائيل الخ ابجد هوز حطى الخ وبعد المدة تحمل الوفق تنبته لك ما طلبت من جميع القضايا ريف المنشئ على الماء والطيران

٤٧٤٣	٤٩٨٧	١٤٢٣	٤٧٠٥
٤٧٤٦	٤٥٣٥	[illegible]	[illegible]
٤٨١٩	٥١٢٨	[illegible]	٤٨٤٧
٤٩٥٥٩	٤١٩	٤٥٩١	٢٥٤١١

فی الهواء والماء والارض وتفوير البحار والعيون وفتح الكنوز
وسنول الارض واخفاء اعين الناس وانقلاب كاغذ ذهبا وفضة
وانقلاب الاحجار ياقوتا وجواهرا وغير ذلك فهو السر الاعظم
وان لم تعمله فاكتبه واحمله معك يحصل لك الفتوح فی العلم والعمل
وغير ذلك بشرط ان تداوم على قراءة الاسماء المختبئة من اوايل
الحروف قدر ما استطعت فبالله عليك منه جهلك ولا تبدير
للغرماء واحترز عليه فهو هذا السر الاعظم المستخرج من الجامعة
والله اعلم واذا اراد حصول عالم علم الهيميا والسيميا والريميا وعلم الهيئة والجفر ونحوه ينبغي ان يشتغل بدعوة
حركات الالفاظ المطوية بحسب كل اسم من هيميا وسيميا وريميا ونحوه فان مستورا اسماء الجلال وعالم الجلال
وبان مستورا اسماء الجلال لم حصنا لم يظهر عند العامل لان كل شيء موكل والالهية نظامه كذلك موكل الحروف
والكلمات حركاتها فلو لم تكن الحركات لتعطلت الحروف والكلمات ولم تعقل الاسماء الالهية والصورة الكونية
ولم يجر امر الله ورسوله فی السر جاری واعلم ان حقيقة العلوی والسفلی فی الحركات مستور فكل من اشتغل بدعوة
الحركات ظهر له اكثر المغيبات وهذه الدعوة سر من الاسرار الالهية واكثر الناس لم يطلع على سرها فان ما
تشتغل بالشرايط المذكورة ثم تبتدا استخراج الموكلات تنبعد تمام حركات الاسم بلاحظ ان اهل الفن عينوا
لكل حركة نقطا لها فيلاحظها وكم هی وهی هذه الضم من خمسة والفتح من اربعة والكسر من ثلاثة والجزم من ستة
والشدة من ثمانية نقاطا وحركات كل كلمة فی الاسم يرقم بحسب نقاطها منفصلة ثم يا اخذ حروف ذلك الرقم فالحرف
المتحرك والالف الساكن يضم مع كل كلمة الاسم ويستخرج منها الموكل باى طريق يمكن استخراجه من الاحاد والعشرات
والمات والالوف باقی وحده يربطه مقدما او مؤخرا فاذا استخرج من كل كلمة الاسم موكل بجميع نقاط حركات
الاسم ويرقمها بطريق الهندسة ويستخرج فيها موكلين بهذا التفصيل ان كان الف فهو الى المات والعشرات
فالذی يكون من هذه الارقام يستخرج منه موكل واحد والموكل الثانی ان كان الوف فمن الالوف الى الاحاد والا
فمن المات الى الاحاد والا فمن العشرات الى الاحاد كل ما يكون من هذه الالفاظ عدد يستخرج منه الموكل الثانی
وكلما كان من ذلك الاعداد ويستخرج منه الموكل الاول ثم تترك الالوف ويستخرج الموكل من المات الى الاحاد
ثم تترك المات وتستخرج الموكل من العشرات الموكل من العشرات الى الاحاد وتترك العشرات وتستخرج الموكل
من عددين من الاحاد فان بقی واحد تركه لعدم قبوله التقسيم هذا هو سند استخراج الموكل من عددين من الاحاد
وطريق دعوتها ان ينقش جمل الاسم فی شكل المربع والمخمس على نسقه ثم تشد واونة فيها فی الجرة جملة حركات الاسم الاعظم

من ذلك الحركات بالترتيب المذكور وتستخرج النقاط وتجمعها وتضربها في   ثم تقراء ذلك الحاصل من
الضحى وتقراء في ٩٩ يوما حال كونه جالسا على ذلك الوقت مع ضم الموكلات تكون سريع الاجابة انشاء الله
تعالى واما طريق الضمير والاطلاع على ماهيات العلوم والاشكال هذا الطريق سيتبين في محله انشاء الله
تعالى وطريق دعواه البسملة بسم الله الرحمن الرحيم اولا تفعل الشرايط المذكورة ثم تستخرج موكلات الاسم
لهذا السند فعدد نقاط حركات بسم   موكله يابائيل وعدد نقاط كلمة الله موكله هيائيل وعدد نقاط
كلمة الرحمن   موكله ميكائيل وعدد نقاط كلمة الرحيم   موكله حبائيل وجملة اعداد صفر حركات
البسملة   ليستخرج الموكل منه من عدد واحد لانه ليس فيه ساءت ولا الوف فيكون موكله حبائيل لهذا استخراج
الاسم وطريق سند الدعوة يعلم ان في البسملة   حركة وصف جملة الحركات   ضربنا في   حصل يعني
ستة الاف وتسعمائة وثلاثون ثم ينقش هذا في شكل المربع والمخمس على شقفة لم تبد وتدفن في الحجرة يجلس
عليها كل ما يقراء العدد المذكور المسطور بضم الموكلات المذكورة في ٩ كل يوم يقرا هذا السند يابايائيل
وياهيائيل ويا ميكائيل ويا حبائيل بحق حبائيل بسم الله الرحمن الرحيم وباقي الاسماء على هذا القياس يعمل مربع مخمس
وهو مدخلة في المربع   واما المخمس مدخلة فيه هكذا   وهو هذا كما ترى واما بيان

١٢٠	٣٣٤	١٣٤	٣٤٧
١٩٤	١٣٥٥	١٣١	٣٨٧
٢٢٤	٣٣١	٣٣٩	٩٥
١٩٧	٢٥٩	١٣٦٥	٢١٩

١٧١٢	١٧٣٥	٧٣١	١٧٤٥
١٧٣٧	٩٢٢	٧٣١	٧٤٣
١٢٧	١٣٩	٥٢٤	١٣٥
[illegible]		١٧٨٤	١٧٤٩

طريق الصراط المستقيم اعلم ان سائر الدعوات والتراكيب
انما هو التلوين بين الالوان المختلفة قليلا قليلا
وهذه المختلفة الدعوة ليست الا للتمكين ولتحصيل
له وحدة الوجود وتنزه عنه جميع وجود الموجودات وتظهر له في اثناء الدعوة العوالم وكلها وهي ١٩
الفا فيتجرد من تاثير الاسماء الجمالية عالم الجمال وعن الاسماء الجلالية علم الجلال وعن تاثير المشتركة عالم
الاشتراك ويلوح عند المتبع علم وحدانية ويحصل ويغيب كلها ثم تظهر بعد اللمحة الاسماء الالهية التي
هي المرتبة الكونية على صورة السالك فيجرم تلك الصورة ويفقد السالك نفسه ويدخل في الحيرة و
يقول من انا وما انا وما كنت وما موت فاذا افاق يجد متخلقا باخلاق الله تعالى بنفسه متجليا
بالاسماء الالهية والكونية وهذه الحال حال خارج عن المقال فاذا عرفنا الواردات والحالات فاعلم
الان طريق الحروف وهو انه كيف ظهر في الصورة وتعرف كيفيات النقطة التي تتوقف عليها هذه الدعوة
الجامعة من تعيين النقطات لكل حرف عدد

احوالها	جميع	وفا	قهلو	احوالها	[illegible]	فعروف الحروف	[illegible]	احوالها	وكيفياتها	الحروف	الفاظها	تحقيق	مجموع	جدول	[illegible]
حروف	١١	ب	ح	د	ه	و	ز	ح	ط	ى	ك	ل	بيوم	ن ٥٠	٣٠	١٤٣
النقاط	٧	٩	٩	٧	٥	٢	٣	٥	//	٧	١٥	ل٢	٢٤	٩	١٣٥	٩١٠
حروف	٢٥	٧	ف١٤	٢٧	٥	/٢	٢/٣	//	٣٠	٢٨	٢٥	١٠	ظ	غ ٤٢	٢٩	٩١٠
النقاط	٤٣	٢	٧	٢٩	٩٩	٧	٢٣	٣٠	٩	٥	٦	١١٨	١١	٢٤	١٠٩	٣٠١
حروف	١	٣	٩	٧	٣	٩	٣٢	٩	٣٨	٢	٣٣	٨	٣٩ م	ص ٥	١٠٩	٩٠
الحروف	٣	ج	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٩٣	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مجموع ٣	٤٧	فتحيم	سمنس	٣٠١	١٣١٥
[illegible]	[illegible]	[illegible]	نصل	[illegible]	[illegible]	٥	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	مجرور	مجرور	٢٣	٩٠	[illegible]
[illegible]	[illegible]	٥	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٥	٢٠٠	[illegible]	[illegible]	٢٨٧	٣٤	مرفوع	١٨	مجرور	٣١٥	
[illegible]	س ٤٥	ج ١٤٨	فتح	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	٧٢	[illegible]	٥ ل	سمنس	مجرور ١٨	ك ١٤٨	[illegible]	[illegible]
[illegible]	مجرور ٣	١٤	٤	٥	٥	٢٠٠	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	ضم	١١	٥ نسمر	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	زهد	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	

فجميع نقاط حروف الجدول ١٩٩ وجميع رقم قلم الحروف بطريق الاعداد من الواحد الى الثمانية والعشرون

٥٠٤ وجميع ارقام الحروف بزيادة ثلاثة تكون ١٢١٨ وجميع اعداد حركات اعراب الحروف يكون ٤٠٢ فافهم

ذلك ثم استمتع ماهية اخرى وهي ان الحروف وقت في الاسم الاعظم او السوال اللام اللازم تلاحظها وتعرف

كيفياتها من جملتها تاخذ الحروف الغير المكررة وتعلم نقاطها كما سطر في الجدول او بعد نقاط كل حرف وتاخذ

النقطة الاولى منها نقطتين لان في جانب الغيب نقطة موهومة ظهرة صورة الحروف في الحكم الجوهر الفرد

والحروف مركب منها كما ان الحرف له حكم الجسد والرقم له حكم الروح فالروح بلا جسد لا تقدر على التصرف والجسد

بلا روح عبث فلا بد من اتصال الروح والجسد بحكم العقل الكوني والالهي فاذا عرفت هذا واعلم طريق شرايط

هذه الدعوة لان الشروط في ساير الدعوات والتولدات متفرقة وفي هذه ثلاثة التضاب والتكرار والتوهم

على هذا الترتيب وهو ان تقدم الاية الكريمة من الكلام الرباني على الاسماء الحسنى او الادعية وغيرها وتوخر عنها

الاخر الموضوع في اخر المراتب منضما اليها مثلا شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا

اله الا هو العزيز الحكيم يا الله يا كافي يا احد يا طاهر يا بدوح نقراها ٣ مرة ليتم نصاب هذه الاسماء الحسنى او تتم نصاب

الواحد والاحد هو الاول هو الاقل لان المعتبر هو الترتيب الحي اي ترتيب الاسماء كل الحسنى من الاسماء يتم نصابها تلك

المنة

الحنة فاذا عرفت هذا فاعلم طريق الدعوة وهو ان تقرا لكل نقطة الفا ولحروف الاصل ... ١ وللوصل الفا
وتاخذ اليه رقوم الاصل والوصل وتجمع هذه الاربعة فتقرا في الخلق في ٤٠ يوما بالخلوة والعكفة لتكشف
لك اسرار الصمدانية بعجائبها الله تعالى فيكون عن الله كافي احد طاهر نور بحسب الحروف الخير المكونة ٢ افقاطها
٤٥٢ ١١٥ ٤١٣١١٤٤
٩٩ بحسب الخطوط التي عددها ٩٨ فيكون ٩٨ بقاء علة خذ حرف قل الفا وبحساب حروف الاصل ١٢ ايما
بحساب الوصل التي لها ء فيكون عددها ٤ وبحساب الرقم حروف الاصل والوصل ٢ ٥٥ فيكون جملته ٥٠٢
الف و١٥ الكما فتقسم هذا المجموع على ٤٠ فيخرج و زد كل يوم ٣٨١٣ وعلى هذا فقس في بيان معرفة البطون السبعة
وطريقها وهو ان يستخرج لكل حرف من الحروف الواقعة في الاسم والسؤال سبعة بطون وتاخذ عددها لمطابقة
هذا الحديث بان تاخذ بطون المرتبة الاولى بحسب خذ حرف قل مائة والمرتبة الثالث خذ حرف الفا ونضرب
المجموع في سبعة بطون فتقسم الحاصل على ٢٨ يوما فتقرا كل يوم وقسم في كل يوم بضم الروحاني الموكل في الكواكب
والبرج المنسوب كذلك الحروف فالم يكن قابلا للعصمة تقرا في اخر الدعوة وسياتي بيان الموكلين المنسوبين
للبروج والكواكب صالح الله كافي فيكون مجموع الاسمين باعتبار البطون السبعة ٣٢ وعدده موافقة الحديث
المذكور ١١٨ فتضرب هذا العدد يصير الحاصل المجموع ٢٨٨ فتقسم هذا المجموع على ٢٨ يوما يكون الخارج
٩٤ فتقرا هذا القدر مع الضم الروحاني المسطور المنسوب ببرج الحروف والكواكب في كل يوم كما عرفت وعدد
الاسمين اسقطناه ٢١٢ الباقية من البروج برج القوس وله من الكواكب المشتري فقلنا موكل برج القوس
قضيائيل يا اسكن يا صرفيائيل يا اسرافيل بحق الله الكافي وتضيف اليه ايضا موكل اليوم لتنحي لعلوي و
هو صرفيائيل وعلى هذا فقس سائر الاسماء وعملها فتامل وطريق استخراج البطون السبعة بطريق الاستخراج
نظيره لك مع ذبر البطون وبيناها وكيفية زبر الكواكب وبينا بينها في جدول البطون السبعة فهم ذلك الله
يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم والله هو المرشد فافهم هذا الاشارات في هذا الرموز والله يهدي
الى سواء السبيل نقله من خط ابن ملكان من مقام امير المومنين عليه السلام والله الموفق وصلى الله على محمد
واله الطيبين الطاهرين هذا

[illegible]	حروف	حلول البطون البسيطة وحروفها	العدد	الكواكب	الحرف	ونواقلها الكواكب وموكلات الكواكب	العدد	[illegible]	موكلات الكواكب		
زحل	ا	الف فى لام ١١ ٢٠ ٣٠	٣٦١	شمس	ص	سين يى لف ١٣	٩١٥	١/١	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زحل	ب	بى لى جى بى ٢٠ ٢ ٢٠ ٢٠	٦٣	شمس	ع	عين لى لف ١٣ ٢٠ ١٢ ١٠	٢٦	ج د	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زحل	ج	جيم لى بى	١٢٣	زهره	ف	فى بى بى ى ١٠	١٤٠	ص و	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مشترى	د	دال الف لام ٣٥ ١١١ ٥	١١/٤	زهره	ض	صاد الف دال ٩١ ١١١ ٤	٢١٠	ذح	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مشترى	ه	هى لى ى ١٥ ١٠ ٢٠ ٢٠	٢٥	زهره	ق	قاف الف فى	٢٩٣	طع	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مشترى	و	واو الف ى ١٣ ١١١	١٣٠	زهره	ن	ذى لى لى ى ١٢ ٢٠ ٢٠ ١٠	٣٦	ك ل	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مشترى	ز	زى لى لى لى	٤١٢	١٣	ش	سين لى لف ٣ ٢ ٥	٣٣٦	م ن	[illegible]	[illegible]	[illegible]
مريخ	ح	حى لى بى بى ٢٠ ٢٠ ٢٠	٤٦	عطارد	ت	ى لى لى ى	٦٦	س ع			
مريخ	ط	طى بى لى ى ٢٠ ٢٠	١٥	عطارد	ث	لى لى لى ى	٥٦٠	ف ص			
شمس	ى	لى بى بى ى ١٠	١٥	عطارد	خ	بى بى لى ى	٦٤	ل و			
شمس	ك	كاف الف فى	٤٩	عطارد	ث	دال الف ل	٨١٢	ن ر			
[illegible]	ل	لام الف م	٢٣٢	قمر	ذ	ضاد الف د	٩٢	ث خ			
[illegible]	م	ميم لى ى	٢٣٣	قمر	ظ	طى بى لى ى	٩٦	ث ح			
[illegible]	ن	نون واو نون ١٥ ١٣	١١٤	قمر	غ	غين بى لف ٥٦ ٢٠١	١١٣٦	ظ غ			

فكان جميع الاعداد الحروف الا بعة عشر الاولى ١٩٤٠٩ واعداد الاربعة عشر الاخرى ٣٠٨٠ وعدد الجميع ٢٣ ٩٣٥٩ ويلغ بطون الحروف الهجاء ١٩٤ حرف فاحفظ ذلك لتهتدى الى طريق الصواب واما موكلات البروج الاثنى عشر فهما هذهما سرحيل سرطيل سطائيل سلائيل سهرائيل صحكيائيل فقائيل صرصنائيل قصنيائيل عزرائيل سكهيل سمكائيل وطريق قراسها كما بينا فى دعوة المقطعات من الدعوة الثانية اعلم ان المشايخ العاملين والكمل المتصرفين وضعوا هذا الدعوة لرد الرجعة لدعوة الاسم وعنونها بهذه الصورة وهو ان تاخذ الحروف المفرده فى الاسم وتستخرج ارقامها وتطرح ١٢١٢ والباقى بعدد البروج فالى ماينتهى العدد فالاسم موافق لذلك البرج فما يكون تاثير البرج المذكور يكون تاثير ذلك الاسم كما اذا بقى واحد يكون موافقا للحمل واثنان للثور وعلى هذا القياس وعلم توافق الاسم بالكوكب والتجود يا فى فاذا عرفت هذا فاعلم طريق الدائره وهو ان تاخذ القرطاس على عرض اصبعين طويلا غاية الطول بحيث يسع فيه كتابة الاسماء العظام الحسنى والايات ذهب العامل الى ذلك ودعوتها ويكتب من اسم الى اسم او تشيل الصبود بحيث لا يبقى فرجة فى الكتابة و يجعل ذلك القرطاس دائرة فى الخلوة التى يريد ان تقعد فيها ويعتكف فيها الدعوة ويحيط طرفى القرطاس بالخيط ويقراء ٩ مرة مجموع الاسماء الحسنى ويختم القران على السكين فى تمام الاسبوع ويا تى مفصلا و

يخرج بالدائرة في الخلوة بنفسه وحده ويصبغ داخل الدائرة بلون الكوكب لزحل السواد وللمشتري الصندل و
المريخ الحمرة والشمس الصفرة وللزهرة البياض ولعطارد الفيروزجي والقمر الخضرة ويصور فيه صورة البرج
ويفرش عليه سجادة في يوم ذلك الكوكب او ساعته ويشرع في الدعوة عليها واما البخور الكواكب لزحل العود
واللبان وللمشتري العود والسكر وللمريخ العود والقلم بلد والشمس العود والدارصيني والزهرة والصندل الابيض
ولعطارد العود والصندل الاحمر وللقمر العود والكافور **واما ختم القرآن فكل يوم له قسم معلوم وله سبعة
اسباع** كل سبع ليوم فاذا تلوته فقرا عقيب كل سبع هذا الدعاء مرة واحدة فبتمام الاسبوع يقع الختم وهو
وسيلة لكل ابتلاء بامر من الامور تنجح بلا فاصلة وطريق استخراج بطون القرآن في بطون الثمانية والعشرون
والبطون التسعة والبطون السبعة وضبط حروفها وجمع اعدادها لكل بطن واظهار اسراره واستخراج آياته
ومعرفة موكلاته وايامه واوقاته وساعاته ودرجاته وحقائقه على الجملة والتفصيل باذن الملك الجليل
وهو حسبي ونعم الوكيل سيظهر مفصلا في محله ان شاء الله تعالى بقوة الجامعة الحاوية للعلم اللدني واما طريقة
تقسيم تلاوة ختم القرآن على سبعة اقسام فهو ابتداء من الجمعة وختامه يوم الخميس ان شاء الله تعالى يوم الجمعة من
البقرة الى اخر سورة المائدة يوم السبت من اول الانعام الى اخر سورة التوبة يوم الاحد من اول سورة يونس
الى اخر سورة مريم يوم الاثنين من اول سورة طه الى اخر سورة قصص يوم الثلثاء من اول سورة العنكبوت
الى اخر سورة صاد يوم الاربعاء من اول سورة تنزيل الى اخر الرحمن يوم الخميس من اول سورة واقعة الى اخر
كلام الله المجيد واما الدعاء فهو هذا اللهم اني استشفع اليك وعا في اسمك الاعظم ما يخفى وما يعلن
اللهم انت الرقيب اليك المشتكى وبك المستعان وعليك التكلان واليك المصير يا كافي المهمات اسئلك كذا
وكذا مهما شئت دنيوي او اخروي ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وادان دم على ذلك سبعة اسابيع وهو نافل
وفق البطون الثمانية والعشرون بمسك وزعفران وماء ورد فيقرأ فوق اعدادها الاصل وعليه دائرة السور نبية
والفاتحة والاخلاص والمعوذتين وآية الكرسي وفواتح البقرة وخواتمها واول الحديد واخر سورة الحشر وقل
اللهم مالك الملك ومحمد رسول الله الخ وقوله الحق وله الملك ثم شرع في التلاوة وعمل ما ذكرناه دنا اماعناه
وينكشف له ما هو مكتوب في اللوح المحفوظ وصار عالم زمانه وان زاده اسبوعا غلبت حضرة الحق في قلبه
ودرج حاله وقاله الى الله تعالى واجعل الله قلبه منورا بحيث تنعكس فيه ثمانية عشر الف من العوالم وما بينها و
يفهم جميع الكلام الطيور بحيث يكلما خلق الله تعالى من الوحش والفرش يتجلى في قلبه بقوة الاسم الاعظم وهو
كلام الله ويكون اللوح نصب عينيه بشرط العكفة والخلوة وان قواه وهو حاصل ما ذكرناه والتزم التقوى
في العكفة ثم حصل له مقامات الرجال ويجري ينابيع العلوم والحكم من قلبه على لسانه وكل علة وضع يده عليها زالت

فی الحبی وشاهدها کیف تنحل وتضمحل باذن الله تعالی فاذا عرفت هذا فاعلم طریق القراءة وهو ان
یستخرج ارقام الاسم الاعظم او الاسم من الاسماء الحسنی والبرج والکوکب واسم صاحب الدعوة وجمعها و
تضم الیها الموکل المرکب والموکل البرج وتجلس علی الدائرة وتتم علی العدد المذکور فالطالب اذا اراد الم
الدعوة ینبغی له ان یشتغل اولا بدعوة المقطعات ثم یشتغل بای دعوة وشرایطها واداء البابین الرجعة وهی اصعب
شیء فی الدعوة الاسماء العظام فاذا ادی العامل لغیره لاذ الرجعة ایضا فاعلم ان کثیرا من الطالبین شرعوا
فی اسرار الدعوة بلا علم فهلکوا بالرجعة وطریق علمه ما سبق فی الفصول القدیمة السابقة وطریق تقسیم
البطون السبعة مع الاشکال الثابتة فی معرفة استخراج الضمیر والمسائل وغیرها من العلوم ستظهر فی محلها
انشاء الله تعالی واما وفق کتاب الله من الحروف والایات والکلمات عدده ٣١٣٣٣٤٤٩٨٢
واما ما نقل جمع عدد القران الحروف والایات الی اخر حروف الهجاء کذا وکذا حرفا اختلف اعدادها وجمعها
فکانت ١١٤ ٣ ٢ ٧ ٢ ٨ ٢ ٧ ٢ وهی ٢ الف الف و ١ الف ٤ لعل خلل فی الوفق الرباعی کذا ٦٩٥٨٩٩٤
بلا کسر فافهم ذلک کما الفتر لک لمتوحده فکیف امن الله فضله علیک من سوابغ نعمه ما تستغنی به عن
سایر الخلق من جمیع العلوم الظاهرة والباطنة فی العلوم الغامضة من کل دقیقة ودقیقة الی ما لا نهایة و الله
متولی الحق وهو یهدی السبیل ثم نبتدی بتقسیم الجلالات الواقعة فی القران العظیم ٥٥٥٥ فکان عددها
بحسب البطون الثمانیة والعشرون خرج ٥ ٨٨١ ٨١٤ ٢٣٤ وجمیع حروفهما بلغ ٢٣٢٢٤ حرف فحروف الالف عدده
١٢٠٥٣١٤٣١١ وحروفه ٥٥٥١ وحروف اللام عدده ٧٥٩٩٤٣٢ وحروفه ٥٥٥١ واللام الاخر کذلک
عدده ٧٥٩٩٤٣٢ وحروفه ٥٥١ وعدد الهاء ٢٥٤٧٢٥١١ وحروفه بلغ ٥٥٥١ الجمیع کما ذکرنا با
لاول واما فی البطون السبعة فحروف الالف للجلالة من ٥٥٥٥ بلغ هکذا ٥١:١ و ٧١٥١ وحروفه ٩٩٩٤ وحروف
اللام عدده ٥١١١٤ وحروفه ٩٩٩٤ واللام الاخر [illegible] للسبع حروف الهاء عدده ٧٩ ١٧٢١٤ حروفه ٩٩٩ لکن واما
عدد الجمیع ٥٥٠٤ ٧٥ وحروفها بلغ ٩٩٩٨٠ و اما فی البطون الثلثة فحروف الالف عدده ١٥٥٥٤ وحروفه
٥ ٨١٨١٣ وحروف اللام عدده ٨٨١٤ ٢ وحروفه کالالف واللام الثانی کالاول وحروف الهاء عدده ٥٥٧ ١٠ ٣٤
واما عدد الجمیع فی البطون السبعة بلغ ٣ ١٣٨٤ واما جمیع الحروف هکذا ٥٥٥١ فافهم واما عدد الجلا
الاصلیة وتضعیفها فی ٥٥٥ بلغ ٣٤٤ وحروفها من ٥٥٥٥ بلغ ٢٢٢٢٠ هکذا وقع العدد الاعظم
تنبیه اعلم ان کل وفق اردت ان ترکبه علی البطون فالاول البطون الثمانیة والعشرون وفقه ٢٨ فی ٢٨
وانکان فی البطون السبعة فله وفق ٢٩ فی ٢٩ وان کان للبطون الاربعة فله وفق ٧ فی ٧ او تنتخب فی زیادة جامع
ما خرج من حروف البطون ان امکن والانیابة حروف الاصلیة وتدور الحروف علی الوفق بحسب المراتب کما تقدم

سحر ١ ظلم سحاب ٣ افعی ٤ اژدها ٥

١٠٨ حب با زهر بك بقدر نخود كو جالا صبح ٣ عصر ٣ عدد يد هر غذا كم نمك

بيان جدول	جدول	معرفة	الكواكب	السبعة زبر	بينات	والعرش ستخراج	حروفها	وارتقامها	جمع المجموع
الكواكب	زحل ٥	مشتري ٩٥	مريخ ٩٥	شمس ٤	زهره ٣١٧	عطارد ٨٤	قمر اف ١٤	٣١٨٦ اليا	مجموع
زبر	زبر	١١١ام	يم سن ا	يم ١١١	بن ع ب	زهره ٣٢١٥	عطارد ٨٤	العدد ٢٢	مجموع
العدد	٤٣	٥٢٢	٥٣	١٧٠	٤	٢٠٣	١٣٢	٢٠٢ العدد	
بينات	لفلف ٤٣	لفلفلف ٣٣	ام الفالف ٣٢٤	اوفاعم اوه ٤٥	لفلف الف ٤٤	الف الفالف ٧٠ عم	الفام ام ١٣	قمر ١٤١٤	مجموع
العدد	ام ١١١ام ١١	لفا علف [illegible]	لفا وولو ام الف [illegible]	[illegible] ام ام	لف اوله او [illegible]	[illegible]	الف ام لف لف اعام	افيم ١ [illegible]	
بينات	١٧١	٥٥٧	٥٥٧	١٥٧	١٦٨	٧٩٨	٥١٥	١٢٠٣١٣	مجموع
العدد	[illegible]	ام الفاء [illegible]	اميف الف يم العف	لف لف واو نون لف	لف لفلف				
بينات	٩٢١	لف علف [illegible]	ايم الفام لف لفلف ٣٧	ام الف يم لف ون ٤٣٧	يم لف لف يم لفعلف ٣٤٣ ١١	ام الفاو ولون لفم لف ١١٣٤	لف علف ايام الفام ١٢٨	لف يم الفلم الف الف	على الكواكب
العدد	كيوان	برجيس	بهرام مريخ	افتاب	ناهيد	تير عطارد	قمر	٨٧٨	
الكواكب العدد	زحل ٨٧	مشتري ٢٧٥	٢٢٤٨	شمس ٤٨٤	زهره ٧٠	١٠٤	ماه ٤٦	٤٦	جمع الفارسية
زبر	افا اون دن	١١اوا عا يس	١١١الف يم	لفا الف	دن لف	١١١	٤٦	٤٦ ١١٣	
زبر	٢٥٥	١٢٠	١٦٣	١ ٢٢٣	١١١ل ١٩٩	٣	عم الفا ١٤١	عم الف	مجموع
العدد	العدد	اقلا ابن	١٢٠	١٢٦٤		١٩٩	١١١	١٤١	مجموع
بينات	بينات	لفلفلف اوام اوو ٣٤٣	الفلف علفاون	افلفلف ام الف	ام الف ام الف	اوون ام الفلف الم	لفلف لف	ايم الم الف	
العدد	العدد	٤٤٣	٥٥٥	٤٢٣	٣٤١٤	٤٣٦	٣٣	٣٠٣	مجموع
بينات العدد	بينات	[illegible] اونون	ام ام الف [illegible]	ام ام ام لفلفلف ام	لف يم لفم ام الفام الفم	لف لفلف لفيم عالف م ام الف	ام ام ١٢	لف ايم لفم لفام ١	
العدد	العدد	٢٥٣	٤١٩	٥٥٧	٤٤٤	٧٣٦	١٣٤	٤٧٣	

الفصل في بيان دعوة السيفي والدعاء لعزائم والدعاء الكبيرة ودعا نسخ ودعا قرنية والعزايم التي استخرجت من الاسماء العظام والاسماء الحسنى والاسماء الجبروتية واعلم ان السيفي اية من ايات الله فيها عجايب لا تحصى وغرايب لا تنكر واكثر اهل الله وجدوا منه الفياض من هذا الدعاء وصاروا منه مخصوصين بالحظ الاوفر وروي عن الامام جعفر الصادق صلوات الله عليه ان له اسماء عديدة منها سيف الله وعين الله وقدرة الله ويد الله وبرهان الله وصمصام الله والحرز اليماني وسهم الله وحرز النبي والحرز المرتضوي والحرز الاعظم والحرز السيفي مقدمه اعلم ان المشايخ الفاعلين قيدوا القراءة هذا الدعاء بقيود عديدة لا بد ان تراعى وهي شرائط العامل وشرائط الدعاء والمناجات والادعية المتفرقة وناد عليا والفاتحة ويا غياثي والفنا

واما الاعتصام والوصل الصغير والاشارات لحاجة وحرز الاميرين ودعاء الاختتام والاعتصام والوصل الصغير

والاشارات اشارات لحاجة وحرز الاميرين ودعاء الاختتام والاعتصام وادعية الاضمار والهوافل الادعية

وعدد القراءة وتعيين الايام واما شرايط العمل فالطهارة وتصفية البطن ولزوم الخلوة وكتمان السر والاجازة و

سلسلة الرواية واحتمال الغذا وترك الحيوانات لجلالية الجلالية فان لم تقدر عليه فالجمالية مخيرة فيها ودوام

الوقت والاحتراز عن المحارم وعن المحرمات وتعظيم الدعوة والاستغراق وتقليل العلائق وحسن الاعتقاد

والعزم في النية وتصدقها واستعمال الطيب والمواظبة على الدعوة وعدم قضاء الصلوة والشجاعة في ملاقات

الارواح ومشاهدة خرق العادة واكل الحلال وصدق المقال والتضرع وتفريغ البال واما شرايط النصاب

الدعاء في النصاب والزكاة والعشر والقفل والدور المدور والبذل والختم واجابة الدعاء وفي الدعاء

الصغير يؤخذ الحروف والاصغار والاعراب ويستخرج ارقامها صغيرا الدعاء الكبير يعمل بحساب الحروف التهجي

في الشرايط ولكل حرف درجات خذ حرف قل الفا او مائة او عشرا فتختار منها ما تيسر ويقراء بنية

الشرايط وها هنا يناسب عشرا فيكون لهذه القاعدة حكم لحروف التهجي بلا نمائه وهذه المجموع النية النصاب

ويضعف للزكات ونصف للزكات العشر ويضعف للقفل والدور المدور ويساوي النصاب والبذل ثلاث

بحسب حركات الحروف للثلاثين والختم واثنان وعشرون بحسب نقاط الحروف ويقرا بنية الاجابة بعدد

حروف الاصل والوصل لاسم الذات القاعدة المذكورة بكون سريع الاجابة مجموع ارقام الشرايط فاذا

ادى الشرايط كما ذكر يشرع في دعوة الاجابة وله طريقان احدهما من المشايخ الشطارية والثاني ابي الفضل

الكرماني ومنها طريقان سنذكره مع التفصيل انشاء الله تعالى والطريق هنا نحن الشطارية ضوابط

مع احكامها والادعية سنذكر بطريق الاختصار ويكون العمل موافقا لها اما الضوابط السبعة هي الايام

السبعة التي عليها مدار الخاص والعام تعنيت بالسيادة هي السبعة مفروض لحاجة لا تخلوا عن احد من السبعة فيعمل

لموافقة ليستجاب باذن الله تعالى وان وقع التاخير بحفظ عشر اليوم فيتمم الى ٢٠ يوما لان قراءة اليوم عشرة

بحكم واحد فيقراء في الليلة اثنا عشر مرة لموافقة النهار وفي البروج وفي النهار ٢٨ موافقة منازل القمر

فاذا وصل ذلك اليوم يقرا وهذا الوفق باقي الايام يقراء بلا تعطيل ثلاث مرات مع الاحكام والاركان

وفي الليل مرة ثم اعلم انهم قسموا السبعة بحسب الموافقة للاغراض فعمل الاعداء في يوم زحل وطلب العلم

الظاهري والباطني في المشتري والقتال وسفك الدماء في يوم المريخ والعظمة والحشمة والجاه في يوم الشمس

والامور الدينوية وملاقات السلاطين ومخالطة الامراء والوزراء وارباب العمل وامثالها في يوم العطارد

والعشق والمحبة والنكاح والتجارة وامثالها في الزهرة والاصلاح والمعاملة والمعالجة ولحن والملاحة

والعلم

والصلح وملاقاة الغايب وصلح العدو في يوم الثمر وقراءة الاسبوع اياما بلياليها تكون م وعلى هذا
الترتيب وهو ان يتوضأ اول الليل ويقوم اخره وينبغي ان يغتسل غسلا واحدا ثم يصلي ركعتين للتحية وركعتين اخرين
هدية للنبي وثلثة للعشرة المبشرة ثم يصلي ركعتين للمشايخ الشطارية والنقشبندية والسهروردية والچشتية والقادرية والفردوسية
وساير الاولياء والشهداء وجميع المؤمنين لكل فرقة منهم ركعتين ثم يصلي على النبي ثلاثا بهذه اللهم صل على محمد
عبدك ونبيك وحبيبك ورسولك النبي الامي وعلى اله وبارك وسلم ويقعد الى الصبح تيقظا ثم يقرا بين السنة
والفرض مرات هذا الدعاء الهي بحق سر هذه الاسرار وبحق كرمك الخفي وبحق اسمك الاعظم اسئلك ان تقضي
لي حاجتي كلها يا من انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون ويقرا دعاء الاجابة سبعة ما شاء الله توجها
الى الله والله ناطقا بالله مستغاثا بالله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ثم ينظر الى السماء و
يقول عشرا وافوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد ويقوم ولا يتكلم مع احد ويصلي الفرض مع الجماعة فيرجع الى
خلوته ويقرا الاوراد المعتادة ثم يشرع في الدعوة بهذا الترتيب يقرا المناجات يا من اذا الح العبد الى
اخره وبسم الله الرحمن الرحيم اشفعا الى اخره واللهم اني لا احسن شيئا الى اخره وناد عليا وياغياثي اللهم صل على محمد
الى اخره وبعدها كاشف الغم والفاتحة والحرز والاعتصام والاصماد وكل ذلك سبعة او ثلاثة وان كان له اشتغال
اخر ففي وقت الحاجة في كل ضابطة الضابطة مرة واحدة ثم الصلوة والادعية الاخرى التي توافق الضابط
تذكر بعد فيقرأها بعد دعاء كاشف الغم والفاتحة والحرز والاعتصام والاصماد وكل ذلك سبعة او ثلاثة وان كان
له اشتغال اخر ففي وقت الحاجة في كل ضابطة مرة واحدة ودعاء الضابطة في اليوم الاول وسياتي الادعية
مجموعة وما يقرا لكل ضابطة ان شاء الله تعالى هذه المناجات والادعية الموعودة يا من اذا الح العبد في
مسئلته حيرته فلا يجد صبرا يصبر حر من وقد حميم ووجدنا يا رب من معونتك صبرا غنينا وعليا
بطلبه جنبنا نجينا من ضيقه وحرجه يا مالك الدنيا والاخرة برحمتك يا ارحم الراحمين وايضا اللهم
صل على سيدنا ما اختلفت الالوان وتعاقب العصران وتكرر الجديدان واستصحب الفرقدان وما انت
اهله وبلغ روح محمد منا التحية والرضوان اللهم صل على سيدنا محمد افضل صلواتك عدد معلوماتك ومداد
كلماتك وعلى ال محمد عليه وعليهم السلام ورحمة الله وبركاته وايضا بسم الله الرحمن الرحيم اشفعا رضاضا
لو اصيلا اسئلك بكن بيكم والمخزون لا ظهر بم المتناظر هدا هوش ذاش طوطي طاش لا الى الله تصير الامور
وايضا اللهم اني لا احسن شيئا من التدبير اللهم اللهم دبرلي يا حسن التدبير يا دليل الحايرين دليل حيرتي
يا الله ٣ يا حليم يا عظيم يا حي يا قيوم يا ذالجلال والاكرام يا مالك يوم الملك دبرلي باحسن التدبير وخير لي
جميع الامور برحمتك يا ارحم الراحمين وايضا ناد عليا مظهر العجايب تجده عونا لك في النوايب كل هم وغم

سينجلي بنوتك يا محمد ولايتك يا علي وانجيا يا غياثي عند كربتي ومجيبي عند كل دعوة ومعاذي عند
كل شدة ويا رجائي حين تقطع حيلتي وايضا يا كاشف الغم ومجيب دعوة المضطرين ويا غياث المستغيثين
ويا دليل المتحيرين فرج عنا همنا واكشف غمنا واهلك برحمتك يا ارحم الراحمين دعاء الاعتصام بسم الله
الرحمن الرحيم اعوذ بالله من الشيطان الرجيم سبحانك وتعالى لا لعلى الوهاب يا رب يا الله يا رحمن يا رحيم يا ستار
يا غفار يا رزاق يا فتاح يا كريم يا لا اله الا انت رب العالمين اياك نعبد واياك نستعين يا حميد انت المحمود
وربنا المعبود يا ودود وانت الودود وفضلك المعهود يا بر انت البار وثوابك الموعود وخيرك المشهود يا حي
كنت حيا حين لا حي وتكون حيا حين لا حي انت القائم على كل نفس بما كسبت وتجازي بما عملت يا ذا الجلال
والاكرام يا حميد انت المجمل يا جليل فلا يحق هذا الاسم الا لك ولا يليق الا بك انت الكريم المكرم وانت الجواد
المنجز لكثير وفضلك كبير واحسانك قديم وانت الرؤف الرحيم يا عظيم لك العظمة والبهاء يا كبير المتكبر لك
النعماء والكبرياء لا ينبغي لاحد لخشوع الا لك ولا التوكل الا عليك ولا الاعتصام الا بك ولا التفويض الا
اليك يا فرد يا وتر انت الوتر وكلنا لك عبد لا شريك لك لا ندعوا لك ولدا ولا ولدا يا حي يا قيوم يا
باقي كل يرجع اليك ولا يجري الفناء والزوال عليك يا بارئ يا مصور احسنت كل شيء هو لك كما اردت
وبرات وبدات فحكمت وصورتَ فخلقتَ فاحسنتَ فسويتَ فعدلتَ يا واحد يا احد لا شريك
لك ولا شبه لك ولا شك لك ولا نظير لك يا غني ولا وزير لك ولا مشير لك ولا معين لك ولا ظهير لك يا
ماجد يا مجيد لك المجد كله ولك الحمد كله ولك الخلق كله واليك يرجع الامر كله اسئلك من الخير كله واعوذ
بك من الشر كله يا سبوح يا قدوس انت اطهر عن النقايص والمصائب والمراتب وانت المعظم في المشارق
والمغارب يا علي يا متعالي لك العلاء والثناء عنك واليك ينتهي الامل ولا انتهاء بالاخر والرجاء يا اول
يا اصل لا ابد ببدلك ولا انتهاء لك يا قادر يا قديم يا مقتدر ولا قدرة الا لك لا حول ولا قوة الا بك يا واحد
لا وحدة الا منك ولا غناء الا عن غيرك يا سميع يا بصير يا عليم تسمع النجوى وتعلم الجهر وما تخفى يا فاطر السموات و
الارض فطرت فابدعت وصنعت فاحسنت وخلقت فاحكمت يا مالك يا مليك انت الملك القديم و
السلطان العظيم وتؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير
انك على كل شيء قدير يا عزيز يا حكيم تحكم بالعدل وتقضي بالحق فانت خير الفاصلين يا قاهر يا قهار يا قديم قد
قهرت عبادك بالفناء يا مغيث يا حسيب يا جليل يا مقتدر تفعل ما تريد يا محيط يا رقيب يا من احاط بكل
شيء علما ودبرت الامور كلها بحكمتك وامسكت السماء والارض بقدرتك يا باعث يا وارث ترث الارض
ومن عليها وانت خير الوارثين وانت تبعث من في القبور لتحاسبهم وانت اسرع الحاسبين يا واسع الملك و

الحلم

الملك العلم والرحمة لا يخرج من سلطانك شيء ولا يعجزك شيء ورحمتك وسعت كل شيء يا حق يا مبين
وانت الملك الحق المبين وسلطانك العظيم وقولك الحق ووعدك الصدق ولا تخلف ميعادك ولا تظلم
عبادك يا ذا القوة المتين يا غني يا مغني انت الغني ونحن الفقراء وانت القوي ونحن الضعيف لا قوي
الا من قويته ولا غني الا من اغنيته يا خالق يا خلاق وانت احسن الخالقين وانت احكم الحاكمين لا خالق لخلق
غيرك ولا ملجأ للخلق سواك يا ظاهر يا باطن يا ذا المعارج تعرج اليك ارواحنا قد ترقت احوالنا يا محصي
احصيت انفاسنا واكسابنا وادركت اسرارنا واعلاننا يا حافظ يا رافع انت المقدم والمؤخر وتخفض
من تشاء قهرا وترفع من تشاء قدرا من رفعته ارتفع ومن وضعته اتضع ومن اكرمته تزهي يا رافع الدرجات
لك الاسماء الحسنى والامثال العليا يا ذا العرش المجيد يا مبدئ يا معيد يا رحمن يا رحيم ارحمنا يا مؤمن امنا يا
مهيمن نور يا حنان يا منان يا جبار يا سلام سلمنا يا غفور اغفر لنا يا رزاق ارزقنا يا رؤف ارءف
بنا يا عفو عافنا واعف عنا يا لطيف الطف بنا يا حليم احلم عنا يا حفيظ احفظنا يا عزيز يا معز اعزنا
يا صبور صبرنا انصرنا يا مغيث اغثنا يا كافي اكفنا يا واقي قنا يا والي يا ولي يا مولى تولنا يا حنان يا
منان امنن علينا يا كريم اكرمنا ولا تكرم علينا يا تواب تب علينا يا هادي اهدنا يا وهاب يا رشيد هب لنا
من لدنك رحمة وهيء لنا من امرنا رشدا يا نور نور قلوبنا يا وكيلا لا تكلنا الى انفسنا يا جامع اجمع على
الهدى امرنا يا نافع انفعنا بما علمتنا وبارك لنا فيما اعطيتنا يا من يفي وكيلا لا تكلنا الى انفسنا يا جامع
اجمع وينفع ويعطي ويمنع امنن علينا بالخير والرضا والامن في السراء واحفظنا من الضراء وشماتة الاعداء
انك سميع الدعاء ومجيب الدعاء يا شكور انت المشكور اجعلنا من الشاكرين يا صمد قد صمدنا لحاجاتنا فلا
تردنا خائبين يا مجيب استجب دعانا يا قريب قرب رحمتك منا يا مقسط انت القائم فوق المقسطين
والامر بالقسط فوق القسط وامنن كذلك بالقسط فوق المقسطين فانت صلح اقسط القاسطين ونجنا
من القوم الظالمين يا غافر ارزقنا عدل الولاة وجنبنا جور الطغاة يا باسط ابسط علينا ابواب رحمتك
يا غني اغننا عن خلقك يا فتاح افتح علينا يا ولي تولنا بحفظنا واحاطتك يا شهيد اشهد علينا بتو
وعبادك يا محيي يا مميت احينا بخير وامتنا بخير وتوفنا مسلمين والحقنا بالصالحين واغفر لنا يوم الدين
انك خير الغافرين وصلى الله وسلم على سيدنا محمد واله اجمعين اللهم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي
برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم يا خفي الالطاف نجنا مما نخاف ونحذر يا حي حين لا حي في ديمومة ملكه
وبقائه يا حي وسلم تسليما كثيرا دائما حامدا مصليا كثيرا والحمد لله رب العالمين وايضا الفاتحة تماما ضابط
يوم السبت يصلي بالنية المذكورة ٤ ركعات بسلام واحد يقرا فيها بعد الفاتحة الوتر كيف ٥٥ مرة ويقرا بعد السلام

بعد الفاتحة الوتر كيف ويقرأ بعد السلام الدعاء المذكور مضمنا بهذا الدعاء اللهم شتت شملهم وفرق
جمعهم وبدل احوالهم وقصر اعمارهم واشغلهم بابدانهم وانكس اعلامهم وخذهم اخذ عزيز مقتدر يارب
يارب يارب اني مغلوب فانتصر وانصبا اللهم قاتل الكفرة اهل الكتاب الذين يكذبون برسلك ويصدون
عن سبيلك ويدعون معك الها اخر لا اله الا انت تعاليت عما يقول الظالمون تعاليت علوا كبيرا اللهم والعنهم
لعنا كبيرا وبيلا وضاعف عذابهم وعذابك عليهم انك الحق امين رب العالمين ثم از ام وخليفته نوى هذه
الادعية المذكورة والسيفي في اول يوم ويذبح كبشا اسود او دجاجة سوداء راس الحبيد او في البيت
الخالية بين قبرين مشهورين احدهما ادم الاخر حواء بيده ويتصور في قلبه قبلت فلانا الحاية يتجا
بعناية الله تعالى ضابط يوم ٥ تصلي بالبنية المذكورة ٤ ركعات يقرأ في الاول بعد الفاتحة سورة
الرحمن اربعا وفي الثانية ثلاثا وفي الثالثة اثنين وفي الرابعة يقرأ بعد السلام الدعاء المذكور دعاء
كاشف الغم ويتصدقها هذا الدعاء اعوذ بالله من الشيطان الرجيم اللهم طهر قلبي من الشك والشرك و
الرياء وزين لساني بالذكر والحمد والثناء فاذا قام من مصلاه نقسم سبيله الخبز والحلاوة للفقراء بقدرها
استطاع يصل الى المراد ان شاء الله تعالى ضابط يوم ٣ يصلي بالبنية المذكورة ٤ ركعات بسلام يقرأ في
الاول منها بعد الفاتحة تبت يدا ابي لهب ٥٠٠ مرة وينقص في كل ركعة مائة ويقرأ بعد السلام الدعاء
المذكور اولا وهو هذا اللهم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي يا حي يا قيوم برحمتك استغيث يا فارج
الهم يا كاشف الغم اكشف ما اصبت وما اصبحت فيه سبحان الله القادر القاهر القوي الجبار الحي القيوم يا الله
برحمتك استغيث اللهم فرق جمعهم وشتت شملهم وبدل احوالهم وقصر اعمالهم واشغلهم بابدانهم وانكس اعلامهم
وخذهم اخذ عزيز مقتدر يا رب ٣ اني مغلوب فانتصر فانتصر وبعد انصرام الدعاء يذبح الدجاجة باكلها
بالرطب والباذنجان بين القبرين العتيقين ويذكر الجماعة المقهورين ويضرب عليها سكينا مرة بعد
اخرى يتم المقصود ضابط يوم ٢ يصلي بالبنية المذكورة ٤ ركعات يقرأ في كل منها بعد الفاتحة اذا جاء
نصر الله مائة مرة وبعد السلام يصلي على النبي الصلوة المذكورة ويتصدقها بهذا الدعاء ما شاء الله توجها
الى الله قبل انه ما شاء الله ما شاء الله استغاثة بالله ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله ثم يقرأ بعد
هذا يا لطيف تلطفت بالطف واللطف في لطف لطفك يا لطيف مائة مرة ضابط يوم الجمعة يصلي بالبنية
المذكورة اربعا يقرأ في كل منها بعد الفاتحة والضحى ٥ وبعد السلام ويقرأ الدعاء المذكور موصولا اللهم
اغنني بحلالك عن حرامك وبطاعتك عن معصيتك وبفضلك عمن سواك يا غني يا مبدئ يا معيد يا فعال
لما يريد اسئلك ان تحيي قلبي بنور معرفتك يا الله ثم يقرأ يا كافي الموسع لما خلق من عطايا فضله يا كافي ٣٠٥

مرة صادط يوم ٣ تصلى بالنية المذكورة ركعتا يقراء في كل منهما الم نشرح ٥ مرة ويقراء بعد السلام الدعاء
المذكور متصلا بهذا يا حي يا قيوم يا رحمن يا رحيم يا مالك يا رزاق اللهم ربنا انزل علينا مائدة من السماء
تكون لنا عيدا لاولنا واخرنا وآية منك وارزقنا وانت خير الرازقين سبحان المفرج عن كل محزون سبحان المنفس
عن كل مسجون سبحان المبشر لكل مديون سبحان المخلص لكل مسجون سبحان العالم بكل مكنون سبحان من جعل
خزائنه بين الكاف والنون انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء
واليه ترجعون يا فارج الهم يا كاشف الغم ويا مجيب دعوة المضطرين ويا دليل المتحيرين ويا غياث المستغيثين
فرج همنا واكشف غمنا واهلك اعدائنا ويقول سبعين لا اله الا الله الملك الحق المبين ليس كمثله شيء وهو
السميع البصير يحصل حاجته باذن الله تعالى صادط يوم ٣ تصلى بالنية المذكورة اربعا يقراء فيها بعد الفاتحة
والسماء والطارق ٥ مرة ويقرا بعد السلام الدعا منضما اليه هذا سبحان الله القادر القاهر القوي الجبار
الحي القيوم بلا معين اللهم انك وعدك الحق ادعوني استجب لكم فانك لا تخلف الميعاد فاذا فرغ من ورد
تعليق الطيور المعلقة التي استثناها بلا طلب بيده تحت الضوابط السبعة فليحافظ في كل حافظ على هذا
الترتيب من تخليط الطيور سوى ما تقدم واما الطريق الاول من الشيخ ابي الفضل الكرماني فهو ان كل حافظة
خاصة عين يحتها القراءة فهو كما ذكر وما ليس تحته قراءة معينة تقراء ٥ ٧ مرات وهذا تحلية الطريقة الاولى
للشيخ المذكور روي عن طاهر بن محمد وعن تميم الثقفي وهو عن امير المؤمنين علي عليه السلام وهو عن النبي صلى الله
عليه واله وهو من جبرائيل انه من يقراء هذا الحرز وعلق الحرز او حفظ مع نفسه لا يؤثر فيه ابدا كيد الاعداء وغلبته
وحفظ من السحرة والطلسم والطواغيت وعين السوء والحية والعقرب والاسد والذئب وغير ذلك
وقاري هذا الحرز لم يزل مقبولا عند الخلق وعزيزا لم يزل منقادين له ويطيعون امره ايضا للمحبة و
العداوة وعقد اللسان والنوم وكل نية له يقراه ويحفظ ومن قراءه مرة واحدة يعطي الصاحب عبادة
سنة ومن قراءه مرتين يعطي ثواب سنتين وعلى هذا القياس ومن قراءه في سنة لا تكتب ذنوب فيبقى تلك
السنة ومن اراد المفارقة بين اثنين واخذ كفا من تراب قبر عتيق محوا اثره ويقراء عليه الحرز مرة ويدفن ذلك
التراب تحت عتبة احدهما يقع المفارقة بينهما البتة باذن الله تعالى ومن اراد هلاك عدوه فليأخذ ٢١ حبة
من الحنطة ٢١ او سبعة ويبلها في ماء الزعفران والنيل ثلاثة ايام ويضع تحتها سكين فولاد بحيث لا يقع عليها
نظر النوابت ثم ينظمها في خيط غزلته صلبية عنها الغزل مثل التسبيح ويقراء على كل حبة مرة فاذا تم التسبيح
يعلقها في غصن شجرة لا ثمرة لها او يابس من جانب المشرق ويتصدق بما امكنه هلك لمدة عدوه ومن قراءه على
شربة عسل ونبات ويشرب بها مع عياله واطفاله لم يزل الدولة منوطة في بيته يترقى يوما فيوما ولا

شب ۴ شنبه دو رکعت اول بعد از حمد سوره تبت ثانیه سوره الم تر ... بعد از سلام سوره حاقه ... ما بعد در سجده اللهم فوق ... و تشت شمله وادب کند ... و بخره و درم فقطع ... ۷ شب ۴ شنبه تمام کند بلا دفع شود ۱۲

ولا تنزع من اهل بيته واولاده ابدا اذا اراد ان تكون السلاطين والامراء والعلماء والصغار والكبار من
الجن والانس والحيوانات مطيعين ومنقادين لامره وتحت تصرفه فليكتب هذه الحروف بمسك وزعفران بماء
المطر على رق غزال او ورق مصقول ويلفه بشمع ويخاط ويحفظ معه وان وضع تحت لسانه لم يؤثر فيه السيف والسنان ومن كتبه للعبد الغار والآبق مطلقا وللمحبوب ووضعه تحت حجر عظيم رجع الآبق ووصل
الى المحبوب ومن تحير في امر من الامور ولم يبن له التدبير فيه فليقم ليلة الجمعة نصف الليل ويصلي ركعتين يقراء
ما تيسر فيهما من القراءة ويصلي على النبي صلى الله عليه واله مائة مرة ويقراء بعده هذا الحرز ثلاثا ورزقه الله
تعالى الفرج من حيث لا يحتسب ومن كان مسجونا او اسيرا فليقرا احدى واربعين مرة يخلص باذن الله تعالى
ومن قراءه ومسح بيده على الملسوع من حية او عقرب تزل لسعته في ساعته ومن قصد السلطان ملاقاته فليغتسل
وليلبس الثياب الطاهرة ويقراء هذا الحرز مرة ولا يتكلم مع احد ويذهب الى السلطان فاذا واجهه يقول يا حي يا قيوم
برحمتك استغيث حفظ من القتل وامنت روحه من التلف بفضل الله ومن فقد له شيء ولم يدر من اخذه
فليصل في ليلة ركعتين يقراء في الاولى بعد الفاتحة الشمس مرتين وفي الثانية بعدها والضحى والم نشرح
مرة ثم يقرا هذا الحرز وينام على طهارة يرى في المنام مفقوده او سارقه ومن اهمه مهم فليصم الاربعاء و
الخميس والجمعة ويصلي ليلتها يقراء بعد الفاتحة فيها ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب و
من يتوكل على الله فهو حسبه الى قدراه ٢ مرة ثم يقراء هذا الحرز ويرقد على طهارة ان يرى فتح امره في منامه ومن
كتبه وحفظه في بيته لا يضره السارق والماء والنار ومن كان معه هذا الحرز وقام في المصاف والمبارزة
لم يحتج الى الجوشن والدرع والزرقة والمجنة ووقع هيبته في روع الاعداء ومن كتبه وسقاه محو الصبي
يفتح باب التفضيل ومن كتبه ووضعه تحت المخدة ويرقد عليه الزوجان مع الطهارة الكاملة رزقهما الله
ولدا صالحا ومن كان له ريح احمر فرأى نوعه كان فليقراه ٤٠ يوما على شيء من الماكولات ويطعم يبراء باذن
الله تعالى ومن له ابق فليكتب هذا الحرز ويضعه في حقة طاهرة ويشد فيها بشمع ويضعها في بيت طاهر تحت
تحت حجر ثقيل يرجع الله ومن توجه اليه مهم عظيم فليغتسل غسلا طاهرا وليلبس طاهرا ويتنحى في الخلوة بعوده
وغيرها ويضع على يديه هذا الحرز ويقول اللهم انا نستشفع اليك بهذا الحرز كفاه الله تعالى همه بلا كلفة وحصل
مراده ومن كان له عدو عظيم يخافه فليقراء ١٤ مرة وان لم يكن خوفه ذلك فيقرا فلو كان العدو مثلا مثل
الجبل يصير كالتبن وان قراه مديون ادى دينه ومن له اولاد وبنات وتحير في امورهم واستعداد
متاعهم فليقراء على الماء الجاري ويبقيهم يكفيه الله امورهم وكفى بالله وليا وكفى بالله نصيرا ومن كتبه بعسل
وزعفران وحلقه على العضد الايمن وتوجه الى السلطان تعززه وان يجتمع مع احد يغلب وان يطلب شيئا يظفر به

ولیكن مقامه علی الجنب لا سیر من السلطان او غیره ومن كان غنیا فلیقراء ه‍ یوما ویكتبه ویحفظه ذالك

عشرة ویصیر رجلا قادرا علی الحاج ومن كتبه مع سورة الفتح وعلقه علی دابة الامام ولیقاتل العدو ینهزم

العدو بلا شك ومن كان مریضا واعجز الاطباء عن علاجه فلیكتبه علی طاس من نحاس صفرها وقدح فخار او

خشب او صینی و زعفران وماء الورد ویسقی محوه للمریض یبرء او یشفی باذن الله تعالی ومن كتبه وربطه

فی عنق الفرس او تركه فی قطعة فرس غاء حفظه ولم یصبه شیء ان كانت امراة عقیمة فلیضع هذا الحرز تحت

المخدة التی یلتمه حیض ویجامعها مع الطهارة تحمل وترزق ولدا صالحا ومن كان معه هذا الحرز وقع بین الامن

حصومة فان كان مغلوبا یصیر غالبا ومن واظب علیه یتوسیع الرزق فی رزقه الله تعالی خلك ومن قراءة

مرة واحدة انجاه الله تعالی من موت الفجاة ویذهب من الدنیا بالشهادة ومن اراد احضار جمیع الحیات

یذهب الی الصحراء ویقراء هذا الحرز ثلاثا علی سكین ویخط به حوله دائرة ویقعد فیها ویقراء بلا عدد ویقول

هذا الحرز تحضر الحیات كلها یحضرون باذن الله تعالی وكذلك من اراد حضار الطیور كلها فلیكتبه علی تربة

ذنب ویضعه علی السطح العالی ویقول بحق هذا الحرز الیمانی احضروا ایها الطیور باذن الله تعالی ومن

اراد عقد اللسان فلیصور من شمع ضلیع الفم فیه لسان تام ویقراء هذا الحرز فی موضع خال فاذا وصل مقام

الاشارة یعقد فی لسانه شعر بحیث ینفصل الحیاة انعقد لسانه ومن قراه ‌ه‍ مرة لاحضار الخضر یحضر الخضر

الخضر ومن اراد ان یكون عدوه حیا فلیقراء ثلث مرات وفی كل اشارة یكتب موضع الاشارة علی

كفه ویقابل به جانب العدو ویصیر صدیقا حمیما من ساعته ویروی انه جاء ملك من الملوك الی امیر المؤمنین

علی بن ابی طالب صلوات الله علیه وعرض علیه احواله بانه كان ملكا من الملوك العظام مع المال والمنال

والملك العظیم وقصد عدوی ملاكی وعجزت عن دفعه تسلمه منه فاخذنی النوم ورایت فیه قائلا

یقول اذهب الی امیر المومنین وقل له علمنی الحرز الذی به علمك رسول الله صلعم لتنجو به من هذا الغم فجئت

وجئت بحضرتك فلا تجعلنی خائبا محروما فعلمه الامیر هذا الحرز فذهب الی الوطن فامضی علیه

زمان قلیل الا وقد وصل الخبر بظفره علی عدوه وهلاك عدوه ونجی من الغم ووصل الی السلطنة

كما كان ومن قراه ‌ا‌ه‍ صباحا متوالیا بلغه الله مرتبة الولایة ومن كان عاشقا علی امراة فلیصم ثلاثة ایام

ویتوجه وقت الافطار جانب بیتها ویقراء هذا الحرز ثم یقرا دعاء الهی لین قلوبهم وارزقنی ما فی قلبی و

نجنی من هذا الغم برحمتك یا ارحم الراحمین حصل مقصوده ومن قراء السلام فی السفر وقت التوجه رجع

الی وطنه سالما وایضا یقراء لهلاك الخصم ٧ لیال من الجمعة كل لیلة ٧ مرات ولتسخیر الخلایق یصوم ٣

ایام ویقراء كل صباح مرة ویمسح یده علی وجهه ولسلامته من السارقین یقراه ویدور دستا بته حوله ومن

ومن كل اسماءٍ فليقراءه ثم يكتبه بمسك وزعفران ونحوه ويشربه يدفع السم ويحصل له الشفا ومن كان
عقيماً فليكتبه بمسك وزعفران ويشربه ويصلي ركعتين ثم يقراء هذا الحرز ويجامع امرأته يرزقه الله تعالى
ولداً صالحاً ومن قراءه ونفث على يديه ومسح وجهه نزل وجيهاً وذا بهاء وجاه ومن اراد ان يذهب الى
المعركة فليصلي ركعتين ويقراء في كل منهما بعد الفاتحة الاخلاص ثم يقراء هذا الحرز وينفث على يده اليمنى ثم
يقراء وينفث على يده اليسرى ثم يقراء ويمسح بيده والصدر ويذهب الى المعركة لم يصبه الاذى من الجراحة
ويقع روعه على العدو ويكون منصوراً مظفراً عليهم ومن وقع في صحراء ونحوها ليس فيها ماء ولا طعام
ينبغي ان يتيمم ويصلي ركعتين ويقراء في كل منهما بعد الفاتحة والاخلاص سبعاً ثم يقرا الحرز رزقه الله
الماء والطعام من الغيب ومن ابتلي بفقر يصوم قبل الجمعة يوماً ويغتسل ويصلي ركعتين يقراء في كل منهما
بعد الفاتحة واية الكرسي والاخلاص ثلاثاً وبعد السلام يصلي على النبي عشراً ثم يقرا هذا الحرز دائماً بلا انقطاع
ولا تعطيل وان وقع الانقطاع يتوب ويتضرع ويتدارك من اراد تسخير الجن والبرى وهو الملك فينبغي له ان
يذهب الى الصحراء خارج المصر وقت غروب الشمس ويغتسل ويلبس طاهراً ويحصلوا بالطيب ويقراء اية الكرسي
والقلاقل الاربعة وينفث على يده ويصلي ركعتين ويقراء فيهما ما تيسر من القران وبعد السلام يقراء قل
اوحى الى ويصونه ولا يخاف من شيء ويشتغل بالورد لكن ينبغي ان يجعل الدائرة حوله بالسكين من الفولاد
قارئاً اية الكرسي ولا يخاف من الصور الهائلة ولا يلتفت اليها ولا يجيبها بشيء الى ان يجي ملكهم فاذا جاء
يقول له مقصوده ويطلب منه العهد ومن قراء الدفع العقد من الامور بعدها سبعاً او ثلاثاً وليكن موضع
القراءة بحيث لا يكون بينه وبين السماء حائل ويصلي اولاً ركعتين يقراء فيهما بعد الفاتحة اذا جاء نصر الله
والفتح سبعين مرة ثم يقوم ويذكر ذكر الكروبيين يعني سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا
حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم ويقراء واذا سألك عبادي عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان
فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون منضماً اليها غياثي عند كربتي الى اخره سبعاً ويقصد ويضع الموا منه
بين يديه وهو لحرز مع الملاحظة القلبية يستجاب ويحافظ على الترتيب ٤٠ ليالي متوالية يفتح له وان لم
يفتح يفعله ٣ اربعينات ندعو الله تعالى ان يفتح له ما دام تمت الطريق الاول في بيان الخواص للشيخ الكرماني
واما الطريق الثانية له فهو ان ينوي اولاً ما لا يكون مخالفاً للشريعة المطهرة ولا يكون فيه شائبة سوى
الحسنات فهو يشرع في الصوم بحيث يكون ثالثه موافقاً للمراد ويغتسل قبل الفجر غسلاً تاماً او طرفي الورد ولا
وراد وركعتي السنة واداء الفرض والسكون قد عرفت سابقاً ثم يقراء المناجات مع الادعية الثلاثة مرة و
يكون اثناء القراءة ثلاثاً ملاحظاً مقصوده ومتصوراً اياه ثم يصلي لحاصلات قضاء الحاجة يقراء في كل

منها بعد الفاتحة انا انزلناه خمسا وهو ٣ وبعد السلام يقرأ يا غياثي عند كل كوبة الى اخره ٩٩ مرة ويطلب
حاجته منها متضرعا مبتهلا اليه ثم يقرأ دعاء العمل والاعتصام والقلاقل والدعاء الظاهر والدعاء الكاشف
والامر الاعتصام والوصل الصغير للشيخ شهاب الدين المقتول والسيفي وحرز الامير ودعاء الاعتصام ودعاء
الاختتام بكل واحد منهما سبعا للمحافظة وفتح الابواب في كل باب من هذا البعض يقرأ ادعاء بمديد يديه ويغمض
عينيه متوجها الى جناب من لا كيفية له ولكنه ولا مكان ولا زمان ثم يفتح عينيه ويمسح يديه على صدره و
ينفث عليه ثلاثا ويحافظ على هذا الترتيب وقت القيام ويقرأ متوصلا ذلك عاجلا بالبومي ثم
اعلم ان اشارة الاصلية والحاجات سنذكرها في عين السيفي محلا محل انشاء الله تعالى وينبغي ان يقراها
في غير قراءة السيفي ثم يقرأ السيفي ٩٩ ولكل حاجة في ثلاثة ايام او ١١ ايام تقضي حاجته انشاء الله تعالى
بمنه وكمال كرمه والحاصل ان ترتب القراءة هي كما سنذكر عن قريب تنتظره وتعمل عليه ولا تخالفه بالتقديم
والتاخير وتحرير الترتيب هذا دعاء العماد بسم الله الرحمن الرحيم سبحان الله القادر القاهر القوي العزيز
الجبار الحي القيوم بلا معين اللهم انك قلت ادعوني استجب لكم وانك لا تخلف الميعاد دعاء الاعتصام بسم الله
الرحمن الرحيم عزمت عليكم يا اصحاب السحر والوسواس واعتصمت بك يا الله بحق الخضر والياس وبحق
كهيعص كهيعص حم حم حم عسق مهموج فهموج بحق ابخ زجو هيموغ طغفاج اذ انخابش وبحق ادم و
نوح واعتصمت بك من كل بلاء بحق يا نبال وبحق ابخ م وارشم ولوزنش وبحق اهيا شراهيا اصباوت ادوناي
بحق عظمتك يا الله احفظني من البلاء والآفة والعاهة وبحق حرمة موسى وعيسى وحرمة داود وزكريا وبحق اسمعيل
ويحيى وادريس وشيث وبحق محمد صلعم توكلت على الحي الذي لا بداية ولا نهاية واعتصمت بك من شر الجن والانس تعزاء
السيفي واستجب دعائي يا غياث المستغيثين اغثني يا من ليس كمثله شيء وهو السميع العليم وحسبي الله ونعم الوكيل ونعم المولى
ونعم النصير وصلى الله على سيدنا محمد وآله وصحبه اجمعين اللهم انك قلت وقولك الحق ادعوني استجب لكم وانك لا
تخلف الميعاد اللهم يا لطيف اغثني وادركني بحق لطفك الخفي الهي كفى علمك عن المقال وكفى كرمك عن السؤال
اللهم تفضل علي واحسن الي ولا تكن علي اللهم فرج همي واكشف غمي ووسع رزقي برحمتك استغيث يا فارج
الهم ويا كاشف الغم اقض ديني واهلك عدوي تعالى لعدوك يا الله القادرين وارحمني برحمتك يا ارحم
الراحمين سبحان الله القادر القاهر القوي الجبار بلا معين برحمتك استغيث اللهم بحق سر هذه الاسرار و
بحق كرمك الخفي وبحق الاسم الاعظم وتقضي حاجتي وتوصلني الى مرادي وترفع عني شر جميع خلقك برحمتك يا
ارحم الراحمين وبقول الهي بحق سر هذه الاسرار وبحق كرمك الخفي وبحق اسمائك الاعظم ان تقضي حاجتي فانك
تقول للشيء كن فيكون ثم يقرأ القلاقل ثم الدعاء الطاهر اللهم طهر لي الى اخره ثم يقرأ المعوذتين على نفسه وع

ثم لعصائه ثلاثا ثم يقول اعوذ بالله السميع العليم من الشيطان الرجيم ثلاثا ثم يقول اللهم طهر قلبي من الشك و
الشرك والرياء وزين لساني بالحمد والثناء اللهم صل على سيدنا محمد ما اختلف الالوان وتعاقب العصران وكرّ
الجديدان واستصحب الفرقدان وبلغ روح نبينا محمد التحية والرضوان اللهم صل على محمد افضل صلواتك بعدد
معلوماتك عليه السلام ورحمة الله وبركاته الدعاء الكاشف بسم الله الرحمن الرحيم اللهم فرج همي واكشف
غمي ووسع رزقي برحمتك استغيث يا فارج الهم يا كاشف الغم اقض ديني واهلك عدوي برحمتك يا ارحم
الراحمين وتعلم من الاعتصام وهو حصنت نفسي بالحي القيوم ودفعت عني السوء بلا حول ولا قوة الا
بالله العلي العظيم ثم الوصل الصغير بسم الله الرحمن الرحيم الهي واله جميع الموجودات من المعقولات و
المحسوسات يا واهب النفوس والعقول ومخترع الماهيات والاصول يا واجب الوجود يا فايض الجود يا عالم
القلوب والارواح وجاعل الصور والاشباح يا نور الانوار ومدبر كل دوار وانت الاول الذي
لا اول قبلك وانت الاخر الذي لا اخر بعدك الملائكة عاجزون عن ادراك جلالك والانس قاصرون
عن معرفة كمال ذاتك اللهم خلصنا من العلائق الدنية البدنية وبحيثيات العلائق الردية الظلمانية ارسل الى
ارواحنا شوارق انوارك وافض على نفوسنا بوارق اثارك العقد قطرة من قطرات بحار ملكوتك ونفس
شعلة من شعلات نار جبروتك ذات فياضة تفيض من جواهر روحانية لا متمكنة ولا متحيزة ولا منفصلة
ولا متصلة مبراة عن الامتياز والوصل والبين فسبحان الذي لا تدركه الابصار ولا تمثله الافطار لك
الحمد والثناء والمنع والعطاء وبك الجود والبقاء فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون
ثم الدعاء السيفي بسم الله الرحمن الرحيم انت الملك الحق الذي لا اله الا انت الاشارة الاولى الاولى
يا غياثي عند كل كربة ويا مجيبي عند كل دعوة ومعاذي عند كل شدة ورجائي حين تنقطع حيلتي الهي
بحق سر هذه الاسرار وبحق كرمك الخفي وبحق اسمك الاعظم ان تقضي حاجتي بحق كن فيكون انت ربي
وانا عبدك وعملت سوءا وظلمت نفسي واعترف بذنبي فاغفر لي ذنوبي كلها فانه لا يغفر الذنوب جميعا
الا انت يا غفار يا غفور يا شكور يا حليم يا كريم يا رحيم اللهم اني احمدك وانت المحمود الحمد اهل على ما خصصتني
به من مواهب الرغائب واوصلت الي من فضائل الصنائع واوليتني به من احسانك وبوأتني من مظنة
الصدق وانلتني به من منتك الواصلة الي واحسنت الي من الدفاع البلية عني والتوفيق لي والاجابة لدعائي
حين اناديك داعيا واناجيك راغبا ساعيا وادعوك ضارعا مصافيا وحين ارجوك راجيا فاجدك
في المواطن كلها لي جابرا احاضرا حفيا يا بارا وفي الامور ناصرا وناظرا وللخطايا والذنوب غافرا وللعيوب ساترا
لم اعدم عونك وبرك وخيرك لي طرفة عين منذ انزلتني دار الاختيار والفكر والاعتبار لتنظر ما اقدم

اليك لدار القرار فاعتقك يا مولاى من جميع المضار والمضال والمصائب والنوائب واللوازب و
والهموم التى قد مسّا و دتنى فيها الغموم بمعاريض اصناف البلاء وضروب جهد القضاء لا اذكر منك الا
لجميل ولم ار منك الا التفضيل خيرك لى شامل وصنعك لى كامل ولطفك لى كافل وفضلك علىّ متواتر ونعمك
عندى متصلة لم تخفر جوارى وصدقت رجائى وصاحبت اسفارى واكرمت احضارى وحققت امالى و
شفيت امراضى وعافيت منقلبى ومثواى ولم تشمت بى اعدائى ورميت من رمانى وكفيتنى شرّ من عادانى
فحمدى لك واجب وثنائى عليك متواتر دائم راتب دائماً من الدهر الى الدهر بالوان التسبيح وانواع التقديس
لك خالصاً لذكرك ومرضياً لك بناصع التوحيد واخلاص التفريد وامحاض التمجيد بطول التعبّد
بطول التعبد والتعديد لم تعن فى قدرتك ولم تشارك فى الهيتك ولم تعلم لك مائية وماهية فتكون للاشياء
المختلفة مجانساً ولم تعاين اذ حبيت الاشياء على الغرائم المختلفات ولا خرقت الاوهام حجب الغيوب اليك
فاعتقد منك محدوداً فى مجد عظمتك لا يبلغك بعد الهمم ولا ينالك غوص الفطر ولا ينتهى اليك نظر الناظرين
فى مجد جبروتك ارتفعت عن صفات المخلوقين صفات قدرتك وصفات ذاتك وعلا عن ذكر الذاكرين
كبرياء عظمتك فلا ينتقص ما اردت ان يزداد ولا يزداد ما اردت ان ينتقص ولا احد شهدك حين فطرت
الخلق ولا ندّ حضرك حين برات النفوس كلّت الالسن عن تفسير صفتك وانحسرت العقول عن كنه معرفتك وكيف
يوصف كنه صفتك يا ربّ وانت الله الملك الجبار القدوس الذى لم تزل ازلياً ابدياً سرمدياً دائماً فى الغيوب
وحدك لا شريك لك ليس فيها احد غيرك ولم يكن اله سواك حارت فى بحار ملكوتك عميقات مذاهب التفكر وتواضعت
الملوك لهيبتك وعنت الوجوه بذلّة الاستكانة لعزك وانقاد كل شئ لعظمتك واستسلم كل شئ لقدرتك
وخضعت لك الرقاب وكلّ دون ذلك تحبير اللغات وضلّ هنالك التدبير فى تصاريف الصفات فمن
تفكر فى ذلك رجع طرفه اليه خاسئاً حسيراً وعقله مبهوتاً وتفكره متحيراً اسيراً اللهم لك الحمد حمداً متوالياً كثيراً دائماً
متسقاً متسقاً مستوسقاً متوالياً يدوم ويتضاعف ولا يبيد غير مفقود فى الملكوت ولا مطموس فى العالم
ولا منتقص فى العرفان فلك الحمد على مكارمك التى لا تحصى فى الليل اذا ادبر والصبح اذا اسفر وفى البر والبحر
والغدو والاصال والعشى والابكار والظهيرة والاسحار وفى كل جزء من اجزاء الليل والنهار اللهم فقد حصّنتنى
بتوفيقك النجاة وجعلتنى منك فى ولاية العصمة فلم ابرح فى سبوغ نعمائك وتتابع الائك محروساً بك
فى الرد والامتناع ومحفوظاً بك فى المنعة والدفاع ولم تكلفنى فوق طاقتى ولم ترض منّى الا طاقتى فانك
الاشارة الثانية يا باسط تبسطت فى البسط والبسط فى بسط بسطك يا باعث يا قابض بالقبض والقبض فى
قبض قبضتك يا قابض اسئلك بحق هذه الاسرار وبحق كرمك الخفى وبحق الاسم الاعظم ان تقضى دينه كن فيكون

تكورها سبعًا انت الله الذي لا اله الا انت لم تعزب عنك غائبة ولا تخفى عليك خافية ولم تضل عنك في ظلم
الخفيات ضالة انما امرك اذا اردت شيئًا ان تقول كن فيكون اللهم لك الحمد مثل ما حمدت به نفسك وحمدك
به الحامدون ومجدك به الممجدون وكبرك به المكبرون وهللك به المهللون ووحدك به الموحدين وعظمك به
المعظمون ونزهك به المنزهون وقدسك به الحامدون وتوحيد اصناف المقدسون وسبحك به المسبحون حتى
يكون لك مني وحدي في كل طرفة واقل من ذلك مثل جميع الحامدين وتوحيد اصناف الموحدين والمخلصين وتقديس
اجناس العارفين وثناء جميع المهللين والمصلين والمسبحين ومثل انت به رب عظيم عالم وهو محمود ومحبوب من
جميع خلقك كلهم من الحيوانات والبرايا والانام وارغب اليك في بركة ما انطقتني به من حمدك فما ايسر ما كلفتني
به من خلقك واعظم ما وعدتني به على شكرك ابتدأتني بالنعم فضلا وطولا وامرتني بالشكر حقا وعدلا ووعدتني
اضعافا مضاعفة ومزيدا واعطيتني به من رزقك واسعا كثيرا واختيارا ورضا وسئلتني منه شكرا يسيرا
صغيرا واذا نجيتني وعافيتني برحمتك من جهد البلاء ولم تسلمني لسوء قضائك وبلائك وجعلت ملبسي العافية
واوليتني البسطة والرخاء وسولت لي ايسر القصد وشرعت لي من الدين ايسر القول والفعل وضاعفت لي اشرف الفضل
مع ما وعدتني به من المحجة الشريفة وبشرتني به رسالة درجة الرفيعة واصطفيتني باعظم النبيين دعوة وارفعهم
درجة وافضلهم لنا شفاعة واوضحهم حجة واقربهم منزلة وارفعهم درجة محمد وعلى جميع الانبياء والمرسلين اللهم
اغفر لي ما لا يسعه الا مغفرتك ولا يمحقه الا عفوك ولا يكفره الا تجاوزك فضلك وهب لي في يومي هذا وليلتي هذه
وشهري هذا وسنتي هذه يقينا صادقا يهون علي مصائب الدنيا والاخرة واحزانها ويسوقني اليك ويرغبني
فيما عندك واكتب لي عندك المغفرة وبلغني الكرامة من عندك واوزعني شكر ما انعمت به علي فانك انت الله
الذي لا اله الا انت الواحد الاحد المبدئ المعيد الرفيع البديع السميع العليم الذي ليس لامرك مدفع ولا عن قضائك
ممتنع واشهد انك ربي ورب كل شيء فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة العلي الكبير المتعالي الاشارة
الثالثة يا عزيز تعززت بالعزة والعزة في عزة عزتك يا عزيز يا عزيز يا مذل تذللت بالذل والذلة في
ذل ذلتك الهي اسئلك بحق هذه الاسرار وبحق كرمك الخفي واسمك الاعظم ان تقضي حاجتي بحق كن فيكون
تكررها سبعًا اللهم اني اسئلك الثبات في الامر والعزيمة على الشكر والشكر على نعمتك واعوذ بك من شر ما تعلم
ولا تعلم ولا اعلم واستغفرك لما اعلم وانت علام الغيوب واعوذ بك يا رب من جور كل جائر وظلم كل ظالم ومكر
كل ماكر تعلم ولا اعلم وبغي كل باغ وحسد كل حاسد وغدر كل غادر وسحر كل ساحر وكيد كل كائد وشماتة
كل كاشح بك الاصول على الاعداء واياك ارجوا على الاعداء حيا والاولياء فلك الحمد ما لا استطيع احصاؤه
ولا تخذلني من عوائد فضلك وعوارف رزقك الوان ما وليتني به من ارفادك وكرمك فانك الاشادة

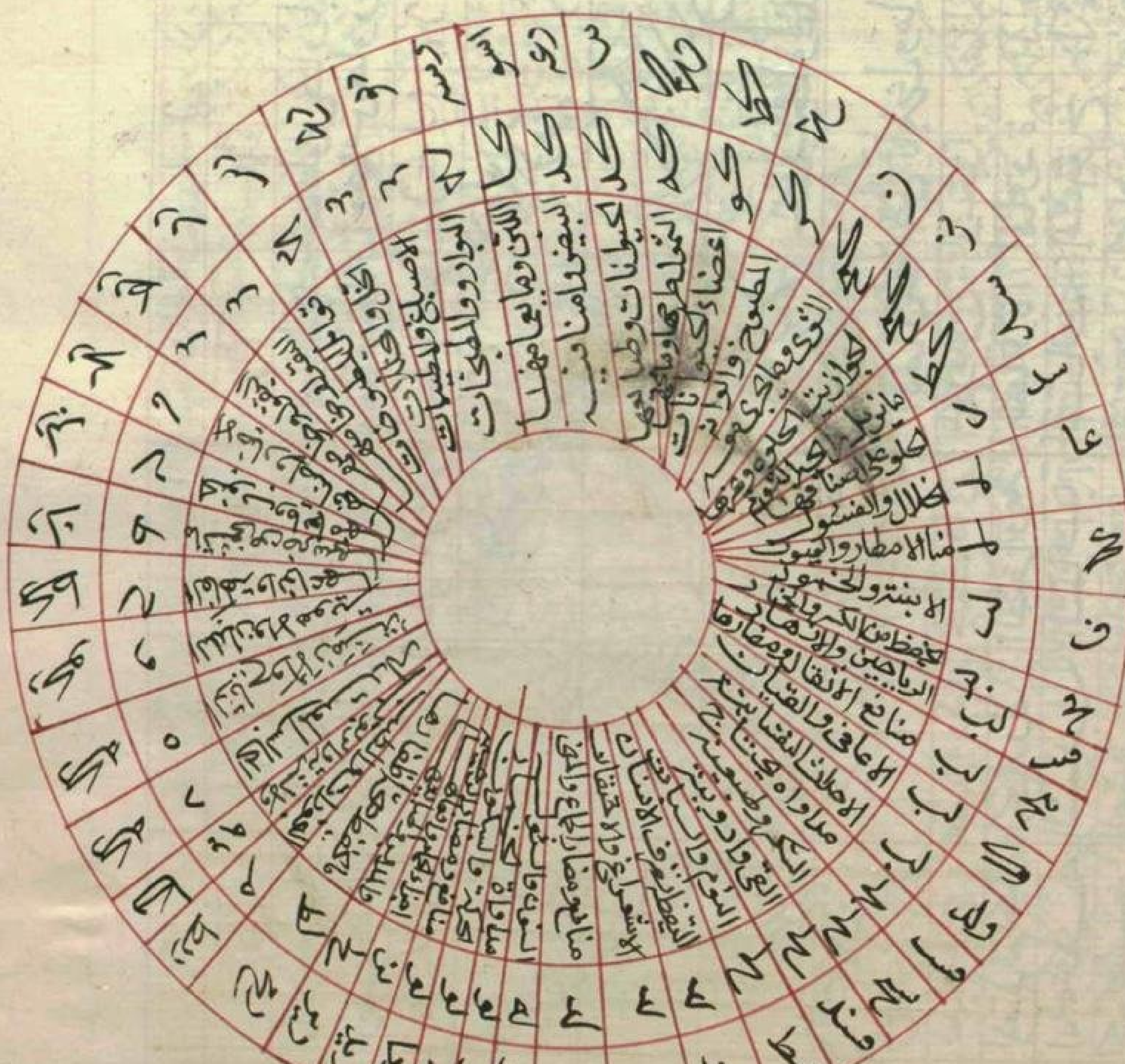
الرائية باللطيف ما لطف في لطف لطفك يا قهار تقهرت بالقهر والقهر في قهر قهرك يا قهار الهي اسئلك بحق
هذه الاسرار بحق كرمك الخفي وبحق اسمك الاعظم ان تقضي حاجتي وبحق كن فيكون انت الله الذي لا اله الا انت
الفاشي في الخلق حمدك الباسط بالجود يدك لا تضاد في حكمك ولا تنازع القدوس في نور القدس مقدس تردّيت
بالعز والعلاء وتأزرت بالعظمة والكبرياء وتغشيت بالنور والضياء وتجللت بالمهابة والبهاء لك المن القديم
والسلطان الشامخ والجود الواسع والقدرة الكاملة والحكمة البالغة والعزة الشاملة فلك الحمد على ما جعلتني من امة
محمد وهو افضل بني آدم الذين كرمتهم وحملتهم في البر والبحر ورزقتهم من الطيبات وفضلتهم على كثير ممن خلقت
من اهلها تفضيلا وخلقتني سميعا بصيرا صحيحا سويا مكفيا سليما هاديا معافا ولم تشغلني بنقصان في بدني
ولم تمنعني كرامتك اياي وحسن صنيعك عندي وفضل منائحك لديّ ونعمائك عليّ انت الذي اوسعت علي في
الدنيا والاخرة رزقا وعلى فضلتني على كثير من خلقك تفضيلا وجعلتني سميعا يسمع اياتك وعقلا يفهم ايمانك
وبصرا يرى قدرتك وفؤادا يعرف عظمتك وقلبا يعتقد توحيدك فاني لفضلك عليّ حامد ولك نفسي شاكرة و
بحقك شاهدة فانك حي قبل كل حي وحي بعد كل حي ولم ترث الحيوة من حي ولم تقطع خيرك عني في كل وقت ولم
تنزل بي عقوبات النقم ولم تمنع عني دقائق العصم ولم تغيّر على دقائق النعم فلو اذكر من احسانك الا عفوك عني
والتوفيق لي والاستجابة لدعائي حين رفعت صوتي بتوحيدك وتحميدك وتمجيدك وتهليلك وتكبيرك و
تعظيمك والا في تقديرك خلقي حين صورتني فاحسنت صورتي والا في قسمة الارزاق حين قدرتها لي لكان
في ذلك ما يشغل ذكري فلا احمدي علي فكيف اذا فكرت في النعم العظام التي اتقلب فيها ولم ابلغ شكر شيء منها
فلك الحمد على مكارمك التي لا تحصى عددها حفظ علمك وعددها وسع رحمتك وعلمها احاطت به قدرتك
واضعاف ما تستوجبه من جميع خلقك ورحمتك اللهم اني اسئلك واتوسل اليك بتوحيدك وتمجيدك وتهليلك
وكبريائك وكمالك وتكبيرك وتعظيمك وعظمتك وتقديسك وحلمك ونورك ورأفتك ورحمتك وعلوّك
ووقارك ومنّك ووفائك وبهائك وجلالك وجمالك وعونك وسلطانك وملكك وقوتك وقدرتك واحسانك
وغفرانك وامتنانك ورحمتك ونبيك محمد وعترته الطاهرين الطيبين واصحابه اجمعين ان تصلي على محمد
وآل محمد وعلى سائر اخوانه من الانبياء والمرسلين وعليه وعليهم السلام وان لا تحرمني رفدك وفضلك وجمالك وجلالك
وفوائد كرامتك فانه لا يعتريك لكثرة ما قد نشرت من العطايا عوائق البخل ولا ينقص جودك التقصير في
شكر نعمتك ولا تنفد خزائن مواهبك المتسعة ولا يؤثر في جودك العظيم منحك الفائقة الجميلة الجليلة ولا
تخاف ضيم املاق فتكدي ولا يلحقك خوف عدم فينقص من جود فيض فضلك اللهم ارزقني قلبا
خاشعا ضارعا خاضعا صالحا ويقينا صادقا وايمانا دائما وبدنا صابرا ولسانا ذاكرا وحامدا

وعينا باكية وعمرا طويلا وعملا صالحا وتوبة مقبولة واسئلك رزقا حلالا طيبا مطيبا ولا تؤمنى مكرك
ولا تنسنى ذكرك ولا تكشف عنى سترك ولا تقنطنى من رحمتك ولا تباعدنى من كنفك وجوارك ولا تؤيسنى من جميلك
وروحك واعذنى من سخطك وغضبك وكن لى انيسا من كل روعة واعصمنى من كل هلكة ونجنى من كل بلية وآفة
وعاهة واهانة وذلة وعلة وقلة ومرض وبرص وفقر وفاقة وضيق وفتنة ووباء وغصة ومحنة ونسئلة
فى الدفع انك لا تخلف الميعاد اللهم ارفعنى ولا تضعنى وادفع عنى ولا تدفعنى واعطنى ولا تحرمنى واكرمنى ولا
تهنى وزدنى ولا تنقصنى وارحمنى ولا تعذبنى وانصرنى ولا تخذلنى واسترنى ولا تفضحنى وآثرنى ولا تؤثر على
واحفظنى وارحمنى ولا تعذبنى ولا تضيعنى فانك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين يا ذا
الجلال والاكرام اللهم انت امرتنا بدعائك ووعدتنا باجابتك وقد دعوناك كما امرتنا فاجبنا كما وعدتنا يا
ذا الجلال والاكرام انك لا تخلف الميعاد اللهم ما قدرت لى من خير وشرعت فيه بتوفيقك وتيسيرك فتممه لى باحسن
الوجوه كلها واصلحها واحسنها فانك على ما تشاء قدير وبالاجابة جدير يا من قامت السموات والارض بامره
يا من يمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه يا من امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان
الذى بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين وسلم تسليما كثيرا برحمتك يا
ارحم الراحمين وهذا يقرأ عند كل مطلب ومهم نقله بعض علماء خلفاء الحضرة الغوثية انار الله برهانها
آمين بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انى اسئلك يا من يملك حوائج السائلين ويعلم ضمير الصامتين وان لك فى كل
مسئلة سمعا حاضرا وجوابا عتيدا وان لك فى كل صامت علما حاضرا وناطقا محيطا مواعيدك الصادقة و
اياديك الفاضلة ورحمتك الواسعة ونعمتك السابغة انظر الى منك بنظر رحمة يا كريم يا ذا الجلال والاكرام اللهم
ما قسمت فى هذا اليوم وفى كل يوم من رأفة ورحمة وعصمة ومغفرة منك وتجاوز وعافية وايمان وحياء
وطاعة وشكر وذكر وصبر واخلاص ويقين وعلم وزهد ومراقبة فاجعل لنا ولمن سئلت من المؤمنين فيه
من حظ ونصيب وما قسمت من رجس ومسخ فاصرفه عنى وعن جميع المسلمين وانت على ذلك قدير وبالاجابة جدير
وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين حرز الامير بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انك حى لا تموت وخالق لا تخلق
وسميع لا تشك وبصير لا ترتاب وشاهد لا تغيب وكاتب لا تتعب وابدى لا تفقد وصادق لا تكذب وقاهر لا تغلب و
قريب لا تبعد وقادر لا تضاد وغافر لا تظلم وصمد لا تطعم وقيوم ومجيب لا تسأم وجبار لا تكلم وعليم لا ترام و
قوى لا تضعف وعظيم لا توصف ووفى لا تخلف وعدل لا تحيف وغنى لا تفتقر وكبير لا تغدر وحكيم لا تجور
ومنيع لا تقهر ومعروف لا تنكر ووكيل لا تحقر وغالب لا تغلب ووتر لا تستأمن وفرد لا تستشير ووهاب لا تمل وسريع
لا تذهل وحليم لا تعجل وجواد لا تبخل وحافظ لا تغفل وعزيز لا تذل وقائم لا تنام ومحتجب لا ترام وعالم لا تفنى

وباقي لا تبلى وواحد لا تشبه ومقتدر لا تنازع يا كريم الجواد المكرم يا قريب المجيب المتعال يا جليل المتجمل يا
سلام المؤمن المهيمن يا عزيز الجبار المتكبر المجير يا طاهر المطهر يا قادر القادر المقتدر يا عزيز المعز للمتعزز يا
من ينادیك من كل فج عميق بالسنة شتى ولغات مختلفة وحوائج متكثرة يا من لا يشغله شان عن شان
انت الذى لا تغيرك الازمنة ولا يحيط بك الامكنة ولا تضاف السنة ولا تاخذك نوم ولا سنة ولا يشبهك
شيء وكيف لا تكون كذلك وانت خالق كل شيء وكل شيء هالك الا وجهك كل شيء الا وجهك الكريم سبوح
ذكرك قدوس امرك واحد خلقك نافذ قضائك صل على محمد وال محمد ويسر لى من امرى ما ادعوا منك اصرف عنى ما
اخاف منه ويسر لى من امرى ما اخاف عسرته وفرج عنى ما اخاف ضيقه وسهل لى ما اخاف حزونته سبحانك لا اله الا انت
سبحانك انى كنت من الظالمين سبحانك اللهم وبحمدك لا اله الا انت الحنان المنان يا ذو الجلال والاكرام يا بديع
السموات والارض اللهم انى اسئلك ولا اسئل غيرك وارغب اليك ولا ارغب الى غيرك واسئلك يا امان الخائفين
وجار المستجيرين انت المفتاح الى الخيرات ومقيل العثرات ومحى السيئات كاتب الحسنات رافع الدرجات مانع
البليات واسئلك بافضل المسائل كلها واعظمها وانجحها الذى لا ينبغى للعباد ان تسئلك الا بها يا الله يا
رحمن يا رحيم واسئلك باسمائك الحسنى وبصفاتك العليا وبنعمتك التى لا تحصى وباكرم اسمائك عندك واحبها
اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها منك ثوابا واسرعها منك اجابة وباسمائك
المكنونة المخزونة الاجلية وباسمك الاجل العظيم الاعظم الذى تحبه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاؤه
وحقا عليك ان لا تحرم سائل الاجابة وبكل اسم هو لك فى التورية والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم علمته
احدا من خلقك او لم تعلمه احدا من خلقك وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك واصفيائك و
انبيائك من خلقك وبحق السائلين عليك والراغبين اليك والمتعوذين بك والمتضرعين اليك وبحق كل
عبد متضرع ومتعبد لك فى بر او بحر او سهل او جبل وادعوا اليك دعاء من اشتدت فاقته وعظم جرمه واشرف
على الهلكة نفسه وضعفت قوته وقلت حيلته ومن لا يثق بشيء من عمله وعمله ولا يجد لفاقته سادا جابرا ولا لذنبه
غافرا غيرك ولا مستغنيا سوالك هربت اليك معترفا غير مستنكف ولا مستكبر عن عبادتك بائسا فقيرا مستجيرا بك
بانك انت الله الذى لا اله الا انت الحنان المنان بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام عالم الغيب
والشهادة الرحمن الرحيم الهى انت الرب وانا العبد وانت المالك وانا المملوك وانت الحى وانا الميت وانت العزيز
وانا الذليل وانت الغنى وانا الفقير وانت الباقى وانا الفانى وانت المحسن وانا المسيء وانت الغفور وانا
المذنب وانت الكريم وانا الجانى وانت الرحيم وانا الخاطى وانت القادر وانا المقدور وانت الباعث وانا
المبعوث وانت الحى الذى لا يموت وانا عبدك سوف اموت وانت الخالق وانا المخلوق وانت القوى وانا

وانا الضعيف وانت المعطي وانا السائل وانت الرازق وانا المرزوق وانت الامن وانا الخائف وانت الحق من
شكوت اليه واستغثت به وسئلته ودعوته ورجوته لانك كم من مذنب قد غفرت له وكم من مسيء قد تجاوزت
عنه فاغفر لي وتجاوز عني وكم من كليل قد افصحته وكم من ضال قد هديته وكم من دين قد قضيته واديته وكم
من فاسد قد اصلحته وكم من غاو قد ارشدته وكم من رباء قد منعته وكم من بلاء قد دفعته وكم من داع قد
اجبت دعوته الهي وانا عبدك الضعيف الخاطي الجاني المذنب المسيء اليك مسئلتي فاقض حاجتي اليك يا قاضي
الحاجات برحمتك يا ارحم الراحمين دعاء الاختتام الله اكبر ٣ لا اله الا الله والله اكبر الحمد لله بسم الله الرحمن
الرحيم سبحان الله القادر القاهر القوي الجبار الحي القيوم بلا معين لا اله الا الله محمد رسول الله حقا اللهم
اللهم تفضل علي واحسن الي وكن لي معينا ولا تكن علي ٣ اللهم انك قلت ادعوني وانك لا تخلف الميعاد
اللهم فرج همي واكشف غمي واهلك عدوي بادودا اللهم يا لطيف اغثنا وادركنا بحق لطفك الخفي الهي
كفى علمك عن المقال وكفى كرمك عن السؤال ويا خير الناصرين برحمتك استغيث يا ارحم الراحمين اللهم بحق
سر هذه الاسرار وبحق كرمك الخفي وبحق الاسم الاعظم ان تقضي حاجتي وتهلك عدوي وتوصلني الى مرادي
وتدفع عني شر جميع عبادك يا ارحم الراحمين لحزب اليماني يوم السبت لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
الظالمين لا اله الا الله الملك الحق المبين يوم الاثنين لا اله الا الله العزيز الجليل يا عزيز يا جليل يوم الثلثا
اللهم صل على سيدنا محمد واله وسلم تسليما كثيرا يوم الاربعاء لا اله الا الله خالصا مخلصا يوم الخميس لا اله الا
الله خالق كل شيء وهو على كل شيء وكيل يوم الجمعة سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم واما طريق دعوة دعاء العزرائيل وطريق الاسماء الحيرونية تم بيان رد الدعوة والتحريم
بعدها بيان الاربعين وطريق في الفصل الخامس عشر قد كمل الكتاب سنة شهر محرم الحرام سنة ... تم الكتاب
بسم الله الرحمن الرحيم وما توفيقي الا بالله عليه توكلت وهو حسبي فافهم ذلك والله اعلم نبتدي بعون الله تعالى
حدا او تعلق بالاغذية والاشربة وسايرما تقدمه في الواجب ليسهل على انظار الملوك صفاتهم بالتقاويم
المنسوبة لها ونجعل في البيت الاول عدادا نتسند من حاشية الواجب الى ذيرائي الملتمس عرفا فان من عدده
اسمه وفي الثاني الطبع وفي الرابع درجته وفي الخامس الجيد منه وفي السادس منفعته وفي السابع مضرته وفي الثامن
ما يدفع مضرته وفي التاسع الخلط المتولد منه وفي العاشر الحادي عشر والثاني عشر والثالث عشر موافقته بحسب
الامزاج والاسنان والازمان والبلدان وفي الرابع عشر اذا الناس فيه وفي الخامس عشر الاختيار داته والخواص ثم
ثم نجعل موضع الاجتماع والاستقبال قوانين كلية في الحبس الذي تكلمنا فيه والحاشية اول كل نوع والجنس الذي
هو منه وفي الاخرى ما تركبه المعجون في ذلك فعلنا شيئا ذا عبر لجميع ما شاننا الكلام فيه لا على الجهة التي رتبناها

لكنا قد منا الغذ النفس واتبعنا كل نوع من السنز ما شان الجمهور واستعماله في مجالس الطعام والشراب وجعلنا عدد
الدرج بالهندي واعتضنا عن كيفياتها وعن بعض مشاهير الاصحاب الا زابا ولحروف اسمائهم وسنعد بهم اضر كتبنا



الفاكهة وانواعها

العدد	١	ب	ج	د	ه	و	ز
الاسماء	التين	العنب	الخوخ	الاجاص	الكمثرى	الرمان الحلو	الرمان المز
الطباع	حار يابس / حار رطب	جالنوس حار رطب / ارجحانس حار رطب	اليهود حار رطب / يوحنا معتدل الحر	جالنوس ويوحنا / بارد رطب	جالنوس بارد رطب / ماسرجويه بارد يابس	ماسرجويه حار / رطب باعتدال	ماسرجويه بارد / لطيف قابض
الدرج	ب-ا-م	ب-ا-م	ا ب ا ب ا	ا ب ا ب ا ب	ا ب ا ب ا ب	ا ب ا ج ا ه	ا ه ا ب ا
جيده	النضيج	الكبار الرقيق القشر	المسحل	الحلو	بالطاعونت والصوت	الكثير المائية	الاملسي الكبار
منفعته	الماقي يحلو	يسمن	يطلق البطن ويلطف	يحلو اهل الكلى	الحرارة	الحلو العسلية	الكبار تقطع
مضرته	يحدث نفخا وغلظا					يسخن	الضعيف
دفع مضرته	والسكنجبين	الرمان الحامض بالمزي وما عمل منه				يعقب بالنوم	يصلح المعدة بالخمر الزنجبيلي
المتولد عنه	غذاء صالح	دم جيد	بلغم رقيق	خلط مائي	دم بارد كثير	غذاء صالح	كيموس سيء
الامزاج	الباردة	الباردة	الحارة	الصفراوية	الحارة	المعتدلة الحر	الملتهبة
الاسنان	الكهولة	الشيوخ	الشبان	الشباب	الشبان	الكهول	الشباب
الازمان	الخريف	الخريف	الصيف	الصيف	الصيف	الخريف	الصيف
البلاد	المعتدلة	الشمالية	الجنوبية	الحارة	الجنوبية	المعتدلة	الحار الرطبة

فصل الشتاء

ينبغي ان يتجنب الغذاء الحار لانه يؤدي الى الحرارة من الاغذية والحار من ... ويقلل الاكل ... ويكون ما يغتذى به من الادوية المسخنة

بارد رطب لا احاطة السلطانة البلغم ولست يتنوع من كانون الاول ينتهي ... الليل ويكون خمسة عشر ساعة والنهار تسع ساعات ثم ياخذ النهار من الليل فيكون لا اربع بقي من شباط النهار احد عشر ساعة والليل ثلثة عشر ساعة وهو ثلثة عشر ساعة كانون الاول احد وثلثون يوما كانون الثاني احد وثلثون يوما شباط ثمانية وعشرون يوما والجملة تسعون يوما

ينبغي ان تكون الاغذية في الشتاء كلها حارة يابسة ويكثر من الطعام ... في هذا الفصل ... ويكون ما ... صرفا او شبيها ... نضوج

حار رطب ... من الشتاء ... وابساوباستقبال الصيف ... الليل والنهار ... عشر ساعات ... وتكون النهار ...

يكون مجموع عدد ايام السنة ثلثمائة وخمسة وستين يوما

[illegible]

لازال بالصحة متمتعا قلبك والجسم
وخصك العز باقباله ملازما في لجة نعم

تقويم الصحة بالاسباب الستة

التي لا بد لكل انسان في دوام صحته من تعديلها فاستعمالها واولها اصلاح الهوا الواصل الى قلبه والثاني
تعديل ماكله ومشربه والثالث تعديل حركاته وسكونه والرابع منع بدنه من الاغراق في نومه و
يقظته والخامس تعديل استفراغ واحتقان فضول والسادس اخذ نفسه باستتر في فرحه
وغضبه وفزعه وغمه فبهذا وجب اعتدالها وبتكوين هذه الستة حافظ الصحة واذا اخرجت عنه
احدثت الامراض وتحت كل جنس من هذه الستة عدة انواع ولوازم نحن نذكر طبايعها

وما يوافق كل انسان منها

بحسب من اختير وسنة وما اشا تبنا تقديمه في جداول منظرة ولان الناس على ضجر من تطويل
العلماء وكثرة الكتب المدونة مع حاجتهم من العلوم الى منافعها لا الى براهينها وحدودها
ما اقتصرنا في كتابنا الالفاظ المطولة وجمع شتات المعاني المتفرقة متبعين في ذلك اثار
القدماء والمحدثين وما لنا فيه الا الترتيب والتقريب وتسهيل مطلب ولمن ادعى في نقضه
مذهب غير رضا متين رضاء الناس على اختلاف اهوائهم مستعينين بالله فيما نورده عليهم
فالطبيعة البشرية غير مصونة من الخلل

معمول بحسب الراي القياسي

هذا شرح الدائرة المسماة بالشجرة النعمانية بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي بيّن البيان لاهل العرفان في كل
زمان واوان بما اودع في القرآن من اسرار حركات الاقتران الدال على حوادث الاقاليم والبلدان بحكم ما قدّره
البارئ واراده من غير زيادة ولا نقصان احمده وهو الحنّان واشكره وهو البديع المنّان واشهد ان لا اله
الّا الله وحده لا شريك له الملك الديّان واشهد ان سيّد الخلق محمد المصطفى من خواص خاص خلاصة نسل
عدنان النجباء بلا جهم القرآن في قوله تعالى يبتغون فضلا من ربهم ورضوانا صلاة وسلاما ابدين ما
بدوام الملوان الى يوم الفوز والغفران واما بعد فان لحروف الاوائل في الكاف والنون قال الله تعالى انما امرنا
لشيء اذا اردناه ان نقول له كن فيكون وقد اراد بما كان في غامض علمه من ايجاد الكائنات وخفض الارضين
ورفع السماوات واستخلاف خليفة جامع المتفرقات للكونات سماها آدم وعلّمه اسماها ما تأخر وما تقدم
ثم حمّله ما اعلمه به ما يختص به ذرّيته جيلا بعد جيل الى حصول نفخة اسرافيل وامره باعلام خواص نسبته بذلك
النبأ العظيم فتلقى عنه ولده شيث ثم انوش ثم الاخص بالاخص الى ادريس وهلم جرا الى ان تمت الادوار
ومدة الاكوار وانتهى الامر الى الدورة البادية المحمدية فاختص فيما آتاه الله الاول والآخر والظاهر والباطن
قال الله تعالى ما فرطنا في الكتاب من شيء وشيء انكر النكرات فالكتاب المبين حاو العلوم الخفية والعلوم
الجلية ما اشد به عن شيء يكون انه سبع المثاني حوت علم المحسوسات والمعاني اذا تأملها الحاذق النحرير والعلامة
الحبر وجدها الانموذج الجامع والنور الساطع اللامع في اول آية منها جميع معاني ما اشتملت عليه من الاسرار
تلوح في نقطة الباء ومنها جميع حقائق الادوار وهي كالاس البناء وفيها بلوغ المنى لكونها نقطة الدائرة الوجودية
ومطلع الانوار الالوهية والنبوية بطريقها فقد دلت عليها ظاهرة مراتبها كما رتبها العزيز الحكيم من عرش
وعرش وفرش وتخطيط اقاليم وتقدير اقاليم ثم ذلك ما اشار اليه الكتاب العزيز بانواع البناء وظهور
البيان في الاخبارات التي ظهرت في الآيات الشريفة والاحاديث المنيفة وكتب الشرح مشحونة بذلك وصدور
عظماء الصحابة مملوءة من علوم احبار الممالك ولم تزل الممالك من الصحابة والتابعين يعظمون قدر هذا
ويعلون مناره ويجلون مقداره كالامام علي بن ابي طالب صلوات الله عليه وكابي هريرة وابي حذيفة اليماني
واضرابهم ممن سمع ووعى حتى انتهى الامر الى قطب دائرة المحققين وارث العلوم الانبياء والمرسلين الشيخ الاكبر
الكبريت الاحمر سيدي محمد محي الدين ابن محمد العربي الحاتمي الطائي الاندلسي وعنايته فنظر في العلوم الاسرار
الجفرية نظر غير متعسف وافرد لكل قطر من الاقطار ما يليق به من الاخبار التي عليه المدار في سائر الاعصار
ثم اجل ما استخرجه الامام المذكور من الجفر دائرة شريفة سماها الشجرة النعمانية في الدولة العثمانية
تكلم فيها برموز جلية واسرار خفية خصص بها دون مصرها غيرها من الامصار وقبة على ما يتصل بها

وينفصل عنها واخبار الدول والديار وما يرد عليها من المسرات والمضار وجعل الابتداء فيهما من قران النحسين وزوال

الاثنين فى الفريقين فى الانتهاء فى مقابلة المريخ كيوان فى اخذ درجة من الميزان ولم يسمح الزمان بمثل ذلك

تلك الدايرة لكونها اكمل الدوائر قد هرم باحيا القاهرة ولما اطلعنى الله تعالى على ما فيها من الرموز و

الاشارات احببت ان اشرحها شرحا كافيا يحل مشكلاتها ويوضح من اداتها فاستخرت الله تعالى الذى ما

خاب من استخاره على ما جرة برعاية كل مستمد من الامداد الربانى والفيض الصمدانى واستعنت به تعالى

وتوسلت اليه بخير خليقته واشرف بريته فى اتمام ذلك انه ولى التوفيق واقتفيت اثر السلف الصالح فى تسويد

السواد بالمحبة التى هى غاية المراد بالنسبة وهو الاسباب الموصولة الى طرق الرشاد وبنيت اساس هذا الشرح

ورتبته على مقدمة وثلاث فصول وخاتمة والله تعالى هو المرجع والمآب من لطفه ان يسهل ايراده ويجعله خالصا

لوجهه الكريم ان ينفع به محصليه وسامعه وكاتبه بتحصيل جوامعه انه على ما يشاء قدير وبالاجابة جدير المقدمة

اعلم ايها الاخ الصفى والخل الوفى ان شرف كل علم بشرف موضوعه وموضوع هذا العلم الدلالة على قدرة

البارى جل وعلا لكونه جملة العلوم اللدنية الباحثة على اسرار القدر عما يتبين من الودايع المخزونة فى كنوز

الحروف التى عليها المدار فمن وفقه الله لفهم تلك الرموز الحرفية عرف جميع الاصول الحرفية عن جميع الاصول

الحرفية المستنبطة بدلالة الاقترانات الفلكية المسلطة على اقطار الدايرة الكونية وحصول تاثيرها فى

اركان الحوادث والوقايع المؤثرة فى احاطتها وانها كاينة ما كانت ومن لا فلا ولما كان الامر على ما بينا

نقول وبالله التوفيق ان الامر فى نفسه مبنى على الكواكب السبعة وعلى البروج الاثنى عشر ومنازل الثمانية و

العشرين والجميع على الاس الاسم الاعظم الذى هو نقطة الدايرة المحرك للكل بتقدير العالم المريد القادر الحكيم هذا

هو التاصيل البحيح الخفايا فافهم والله سبحانه وتعالى اعلم **الفصل الاول فى معرفة المفاتيح الغيبية** المشار

اليها بقوله تعالى وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو اعلم ان غالب الناس قد اشتبه عليه معرفة تلك المفاتيح

وحصل التفاوت فى فهم معانى هذه الاية الشريفة فمن قائل لا مطمع للبشر فى فهم تلك المفاتيح الغيبية وقائل

بامكان الفهم من حيث النسبة الاضافية المنوطة بها على حكم تخصيص الارادة الازلية بخلاصة خواص العبيد

فالقايل بعدم معرفتها ظاهرى وعلى مذهب جمهور العلماء واستنادهم الى الاسم الهو من حيث استناده الى

المسمى عزة وغيرته فهم يقولون لا يعلم هذه المفاتيح الا هو سبحانه فلا قدم فيه للمخلوق اصلا والقايل بامكان

حصول العلم باطنى وعلى مذهب خواص اهل التحقيق من ورثته واستنادهم الى التخلق باخلاق الالهية بعد

التصفية الكاملة والتخلص عن عوايق البشرية بالرياضات القلبية والتقرب بالنوافل المشار اليها بحديث

ولا يزال عبدى يتقرب الى بالنوافل حتى احبه فاذا احببته كنت وكنت الى اخره فمن كان الحق سمعه وبصره

بحيث شيء من خفيات الستائر فانه بصير مجلي جملة الاسماء الالهية الى الصورة العبدية فهم هذا اعتقاد
الفريقين والكل في مصيبة في معتقده الفصل الثاني في معرفة تلك المفاتيح وتمييزها اعلم ان المفاتيح الغيبية
تنحصر في خمس مفاتيح لا غير منها مفتاحين عظيمين شريفين هما اعظم المفاتيح المفتاح الاول منها هو الوحي
بواسطة الملك للانبياء والمرسلين وقد سد بابه مطلقا بخاتم المرسلين محمد المصطفى عليه الصلوة و
السلام المفتاح الثاني الالهام الروحي وهو لكمل الورثة اذا بلغوا مقام التمكين الكلي وشروطه معلوم
لهم وما عدا هذين المفتاحين ينقسم الى ثلاثة اقسام الاول ما يؤخذ من الاحاديث النبوية اخبرها المصطفى
في عقود حديث اسرها الى خواص صحابه كسيدنا الامام علي بن ابي طالب صلوات الله عليه واضرابه من
الصحابة وهي كثيرة جدا وقد دونوها غاية الاتقان واستنبطوا منها جملة من العلوم الشريفة بحيث لو قرئت
والقابلية فاول من شرح مضمونها واظهر مكنونها سيدنا علي وسماها بالجفر الجامع ولجعل الابتداء
من وفات الرسول صلعم ليكون بابه لاختلاف كان مقبولا في ايام حياته وفتح في يوم قالت فيه الانصار
منا امير ومنكم امير ونقلها لاتفاق على بيعة الصديق وفي النفوس ما فيها حتى افضى الامر الى قتل الخلفاء
الثلاثة وكان ما كان وقصصهم مشهورة ثم لم يزل هذا العلم ينفرد به الواحد بعد الواحد من بعد الامام علي
الى يومنا هذا والى اخر وقت فهذا هو القسم الاول من الثلاثة اقسام التي ذكرناها والقسم الثاني هو معرفة
حركات الافلاك واحكام الكواكب السبعة المسخرة المرتبة في مراتبها ومعرفة طلوعها في شروقها وغروبها
واقترانها واجتماعها وافتراقها ومواصلتها وسيرها في مراتبها وما يحدثه الحق سبحانه في العالم بموجب
حركات سيرها كالرياح والامطار والرعود والبروق والزلازل والفتن والرخاء والغلاء والوباء
وحدوث الامراض على اختلاف امزاجها الامزجة والطبايع في الفصول الاربعة وتاثيرات العناصر و
ذلك بمعرفة ما اودع الباري سبحانه وتعالى فيهما من الاسرار الالهية اذ لا تاثير لشيء في شيء الا باذنه و
ارادته فاما من زعم انها فعالة بالاستقلال حاشا وكلا فهو سبحانه بالاختيار ان شاء وان لم يشا كما
خلق سبحانه الاحراق في النار وابطله في قصة موسى ع وخلق القطع في الحديد وابطله في قصة سيد
اسمعيل فهو سبحانه له النقض والابرام ومن ههنا كذب المنجمون من الفلاسفة والحكماء عن عرف الطوالع
والغوارب واحكام الحركات الفلكية واتقنها الاتفاق التام في معرفة الدرج والدقايق والثواني و
الثوالث والروابع والخوامس وجميع الاصول المتفق عليها في الاصطلاح عرف بعض ما يليق بمعرفته واما
فلا القسم الثالث من المفاتيح يؤخذ من طريق الحروف ومعرفة طبايعها وحارها وباردها ورطبها و
يابسها ومحضها وتوليدها وكسرها وبسطها وتكعيبها واعدادها واسقاطها ومزجها ونقلها و

واستنطاقها بعد تنزيلها في الجداول الحرفية والاوفاق العددية ولفظها واخراج اذفتها ويسمّى هذا القسم بالزايرجة وتلك الحروف المذكورة وهي حروف ابي جاد ٢٩ حرف بحروف لام والف وهي مقسمة على الطبايع الاربعة كما قسم سبعة احرف فالنار لها اه طم فش ذ ولهوى لها ب و ي ن ص ت ض والماء له ج ز ك س ق ث ظ والتراب له د ح ل ع ر خ غ وللام الالف فيه جمع الضدين الماء والنار كما هو مشهود عند كل عارض و هذه الحروف المذكورة موزعة في كامل الدايرة الحلقية لكل حرف خلقة وهي وضيفته والامر في نفسه على هذا المنوال ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت واعلم ان الاسماء والمسميات كلها تحت حيطة هذه الحروف فالقايم هو كالاول الافراد للنوع الانساني وبقية الحروف كالاولاده والنقطة اصل الجميع والكل قبضته تحت القدرة الازلية لا تتحرك ذرة في الكون الا باذنه تعالى ولا تسكن حركة الا باذنه تعالى ايضا لجميع ما في الكون من الحوادث انما هو اثار الاسماء الالهية ظهرة في صورة المخلوقات على طبق مراد الحق سبحانه ونحن سميناها حوادث ووقايع تتنوع لكثرتها وكان مظاهرها واختلاف مقاصدها هذا هو المتفق عليه فدهم والله يتولى هداك **ولما كان الامر على ما قررناه نقول** ان هذه الاقسام الثلثة التي هي علم الجفر وعلم الحروف معلومة باصول وضوابط لا يقال عنها انها علم غيب ابدا اذ علم الغيب شرط ان يكون مجردا من المواد والوسايط الكونية وهذه العلوم الثلثة ليست كذلك لانها مستنبطة عن قواعد معلومة عند اهلها لولاها ما علمت تلك العلوم واما العلمين السابقين فمن طريق الوهب والفيض الاقدس اما الاعلام بالوحي فغير مكتسب بل الله يختص برحمته من يشاء والعلم بالالهام لا مادة له الا الموهبة الالهية فاعلم ذلك وتدبره ترشد الى سواء السبيل وحيث انتهى بنا البحث الى هنا وفهمنا على الاقسام الخمسة ومن تابعها وبين بعضها ملتجا الى ما نحن بصدده من شرح دايرة الشيخ الاكبر بين لها الشجرة النعمانية المخصوصة بالدولة العثمانية والتنبيه على رموزها واشاراتها والغازها وسبب عقدها على دايرة كرة مصر دون غيرها والامصار المتعلقة بها تابعة لها فلا يصح التخصيص الا بالالهام وايضا لكونها نقطة حسن على حد ملاحة في مطلق اقاليم السبعة بما اختصت به من الاوصاف الكمالية هذا هو سبب التخصيص واما الرموز والاشارات والالغاز فهي بحكم اصطلاح القوم اذ لا سبيل الى التصريح مطلقا لان التصريح بالعلوم السرية من سوء الادب وذلك غير لايق بمقامات القوم فانهم لو صرحوا بالعلوم السرية لوقع الخلل في نظام ترتيب الحكمة الكونية وفي ذلك ما فيه من التعطيل وغيره ونعم ما فعلوا في اسبال الستور على وجوه البدور في الخدور وقد ابقوا احكامها هنالك ومن فتح تلك الرموز والالغاز على حكم اصطلاحهم حتى توخذ بالتلقين من المرشد متشابهة فافهم **قال الشيخ دايرة كرة مصر ومقدار افقها الا تزال بادعة ومع حكامها خلاعة ولا انتقال الامور مواد عنه حتى يقابل المريخ كيوان**

كيوان فی اخر درجة من الميزان من ال عثمان اعلم ايدك الله بروح منه ان الاصل فی ذلك ما اشار اليه
الشيخ قبل عقد هذه الدايرة بقوله اذا انقضت قاف الجيم مات الميم سليم فی القران الكبير وتقابلت الجيشان
بخط النهروان واصطدم من عنصر الهوى حرف ن فالرابع غالب والخامس مغلوب فی هذا دليل على انه سيكون
حركة كبرى بين ملكين عظيمين بارض النهروان بالقرب من شط الفرات ويكون السين صاحب التمكين لان
السين رابع حروف عنصر الهوى ويكون القاف مغلوب بانقضى دولته باشارة اذا انقضت كاف الجيم ثم قال لو
بينت الكاف للسين فی الميم من القران الى القران ومدة دولته فی عدد حروف الاسم س ل ی م كانه يقول
السين كرسی مصر من قران قيام الى انقضاء ايامه ومقدار ما بين القرانين عدة حروف الاسم والاسم قد فسره
مما سبق بقوله مات م سليم فعدة سليم قم واما المغلوب فهو القاف فی الجيم وعليك مصر وما يليها من
الاقطار وهو جم كرسی الاصل قبضه جاء التم وزمان انقضاء دولته كط وفيه القران المشار اليه والقائم عليه
من حروف مصر عنصر حرف س مفصله الف وحاء وفی تقلب هذا السين على يكون له الاستيلاء على كامل
جزيرة العرب الى تخوم المغرب مع اطراف اليمن والاقطار الحجازية دولته اصل للدول فی القران العاشر حتى تتم
القرون بقية العدد فی اشارة المريخ تكون اشارة الخروج المنبه عليه فی دايرة الشجرة عند قوله حتى يقابل
المريخ كيوان فی اخر درجة من الميزان تخرج من يد ال عثمان يعنی لا يتصرفون فيها بحكم الاستقلال من بعد
الزمان يكون بظهور صاحب القران التی تقلبه الاعيان فی ارض خراسان وتنشر جنده ما بين كرمان
الى ارض نعمان ذلك هو الذی تكون له السيف عند الغلبة ويأتی رايات صاحبه من وراء النهر وهو الذی يشارك
سنی الختم العثمانی ظاهرا ويتصرف بالحكم والتصريف باطنا هذا مدة الثانيه ا معنى الخروج المشار اليه فی
القران الذی يكون فی اخر درجة الميزان وتبقى مدة الختم وبقية مدة اخرى الف ونون ويتصور اسم ق ثم
لان فی عدد اسم ظهور داعی الغنم فی فلاة من الارض عند الباب الحديد من ارض المشرق عند جبينه كاسمه
ينتهی امره الى ما لی حوز ارض قرامان وبه يهمز حرف صاحب الباب فيتفرق جيشه من حوله ويهلك فی شرذمة
من قومه والله الموافق لا رب غيره قوله لا تزال بادعة يعنی تحدث فيها الحوادث ومحكامها مخادعة يعنی بالخدعة
والانتقال لامور موادعة يعنی لا تدوم شدتها لان الموادعة مفارقة حتى يقابل المريخ كيوان بشرط ان يلتقيا
فی اخر درجة من الميزان لانهما طالما التقيا فی اخر درجة من الميزان وما وقع ذلك الخروج فافهم والله

اعلم الفصل الثالث فی بيان رموز الشجرة وما فی بيان رموز الشجرة وما فی ضمن الدايرة المذكورة من التنبيه على
حوادث الكونية اعلم ايدك الله بالتأييد الاعتصامی ان الشيخ لما عقد الدايرة على نقطة سكاردها لانا
دخل السين فی الشين يظهر سر محی الدين وذلك انه نظر بعين بصيرته من طريق الكشف والشهود ان قبره يكون

بمحروسة دمشق الشام وانه مبدئو بهذ من الزمان حتا نظهر صاحب القران والزمان من نسل آل عثمان اول
اسم حرفه سين بالتعيين بالغ في استخراج الذي تصوّر له حروف اسم سليم فيكون اظهار قدره بعد الله تعالى على يده
عند ذلك خاطبته في الدايرة الوجيزة يقول يا سين انت صاحب التمكين الى الظهور وانت المنصور المؤيد
ثم قال اذا دخل السين في الشين نظهر قبر محي الدين هذا في وقته وذكر ما كان في وقت ظهوره وفي مدة
ملكه وملك بنيه من بعده وفرق ذلك في اركان دايرة الشجرة داخلا وخارجا ممن ذلك ما ذكره مرموزا
منه ما ذكره ملفوظا وغير ذلك من انواع البيان قال عدد الملوك العثمانية من السين الفاتح الى الف الخاتم عدد
ي دف دخل الرابع والعشرون وان توزع في الكاف وحرجت منه الاطراف فان حلوسه صحيح وقدره رجيح ووجه
صبيح يخرج من سجن الشتاء ومن نقلن عيسى في مدة هياج وثوران مجاجا الى ظهور الختم الذي يوجب الكتم
والملوك العثمانية بين سين الفتح والف الختم هذه الاحرف بلا اختلاف يعرف اسم كل ملك منهم بحرفين من اول
الاسم واخره وهم هذه الاحرف كما ترى فافهم فانظر في هذه الاحرف تر عجبا عجبا فافهم ذلك والله اعلم

سن سن من مم ام عج مم اص سن ا
من ان دد دى زى دم دم ن

ويرجع الامر الى البطون والله اعلم بما كان او يكون
سبحانه لا اله الا هو ولا رب غيره اسما اشارات اسماء
الصدور عند ظهور الختم فتدبر ترشد هولاء هم قواعد سريره وحفظه كرسيه فتامل وتدبر كما ترى ذكر ما بين
الفاتح والخاتم
من الحركات الكلية دون الجزئية اذ لا
سبيل الى حصر الحوادث الجزئيات
لخروجها عن حد الكثرة ووقوعها في الاقطار

مم حج ى من ام ص دد ده ن
وده دد دح حم حم مم ع حم حم

فذكر الكليات هنا وان لم يكن منسوقا بالتقديم والتاخير من جملة انواع الرمز المصطلح عليه وخلط
الكلام للابهام وذلك سنة القدماء حتا لا يتخلص السر الى الجمهور هذا هو السبب فالاول ما اشار عليه الشيخ
قال خيانة حرف خاء حرف عين وبانحراف بواطنهم على قاف الجيم لامر عظيم وجسيم باشارة حال الحال اذا ظهرت
حمرة عند الفرات فصحة فهي اشارة واضحة في عام ع والعين هي عزل القاف من كرسيه في كظ فافهم ثم قال
في ركن الدايرة مصر يخاف على فاتها في كظ اولا وفي طمع احد واحد الاسم لان القاف الاحاطية جنة
الكنانة من كل سوء حتى تقضي وللقاف ظهور بالكنانة في واو نون العيني اذا تقارب التماس الى
نوع وقوله حركة اخرى ترمي مصر بقوس الحرب في ذيع وبقوس النهرة بعد ذلك اذ قد كان تقدم سر
العدد في المدد باشارة اذا ق بلت النهرة وجد نحل حال الحال قال الصفدي في شرح على الشجرة عند
قوله حال الحال ترمي مصر بقوس النحاس لا ندري وما هو حتا نظهر في واو انه انتهى ما بالكنانة وعزها فقد

يقع المقابلة مرات عليها منها حركة قيام الجيم على ميم وعلى خاء وعلى عين وعلى الف وحركة كبرى على ميم وميم
في احا نين مختلفة كلها لمقتضى مقابلة الزهرة وحبه زحل وما دمره المريخ ودتبه على حركات الآتي انات
الا لكمال الرمز وصيانة لمقام الكشف وقوله تزول اهل الزيغ في زيغ يشير الى فتنة عظيمة في حكم العدد
وفي الاشارة التأثير وقوله اذا قابل العطارد المشتري كثرة العوايد وقلت الفوايد لجيم الجند وداء
الرغبة وقوله اذا دخل في كيوان والميزان نفخ الشيطان وضعفت غلبة السلطان واستدار الزمان و
وقوله اذا شرعت الناس في المخاصمة برهة ثم ننتظر الامر الى عام سين يشير الى عام سير الجنود الى المشرق
فان السين لبيت العدد هنا وقوله لظهور دال النون بضد الجيم بعد هياج عظيم شوبها الى عام ده هذه
للعدد والاشارة الى رجحان درجات تنوالى برهة على الجنود والضد هو النزاع والهياج معلوم و
قوله اذا ظهر النجم في احوال الدلو حركات لها وعزل وتولية وفي هاء النون نظيرها سيحي حكمها للسين
باللطيف اللطف فيه اشارة الى شدة الحركة وقوتها وقوله تقوم طائفة من بني عبد الله تقتل ملكها و
ينصر الله مراد الثاني اشارة الى الفتك بملك اول اسمه عين وصح باخذ تارة بقوله ويضرك الله مراد
الثاني فيه دليل على ظهور مراد ومراد وقوله بغداد كرها باكره م خروج صغير فيه اشارة الى خروج جاهل
حين بدا امام الوقت تغلب المنقادة عليها وقوله والخاء عز اخذ بغداد ح خ ولا الجيم يشير الى المحاصرة
بع وحروف الجيم العددية ٣ ه وعدم اخذهم اياه وقوله في حروف لدابرة ع م رس ادقو لا وفعلا هو اشارة
الى الحروف الثلثة وعلم دار الخلافة من ه م الى سبعة وادبعين وفي حم علك الميم وقوله بغ لا ينفتح بابها
الا بعد مضي ذم في حم هي الاشارة بعينها وان اختلفت الفاظها قوله ويخاف على محال الشمال من بابل الارض
فخر وخلها بالجيم العددية وقوله مراد يطلب الثار ولا دوان وله كرة كرة اخرى وهي حركة حم بعينها
وقوله رجب ارض الحرم من قومهم اوعادهم بيتهم مراد بالافساد يشير الى قيام فرقة هنالك وهليكون بالواو
وقوله قيادا زاد مصر لنصرة اهل الحرم رحمة لحتى يختلفون فيما بينهم برهة هي الاشارة بعينها والا وعاد
لا نسبهم صحيح وفعلهم قبيح قوله لليمن قاف القاف لا ينفتح وترى مصر بقاف الجود حتى يرده ميم رحيم بالتسليم لحرف
الحاء والنون فهم قوله يخاف على نجم الصلاة في ذم او حم وبعده ترتيب الميمات بمصر م م م وبالباب
ضلها وقوله تعديل الادوار وظهور سعيد ميم في عام ام يا خذ الثار دون بيل العار عند قيام تلك اشارة
الى ما تقدم بيانه من مراد الثاني وقوله حص اذا عمرت اسوان بابناء والعين في احوال لقمان حكمة السودان
في دولة ال عثمان برا وبحرا ويكون حرف وضجرها وبالحبشية الع وبالمغرب باختلاف بين اهله بع وقوله
الميم القايم بالميم في بني عن از رحيم تثبت ريل الاسع من البيت الى قيام قايم ينصر عن اذن رحيم يثبت لهم الملك

عليه فويل له من السيف الذى يفنى بسر وقوله حركة فرق مع الميم وحركة بين الميم علامة حركة الميم مع الجيم بالكنانة
فى دن يشير الى حركة تقع فى نواحى القرن مع الميم الصّدد وبعدها فى حصن بلبن مع ميم حرفهم وقوله ويخاف
على الجيم من سنين يقوم لها فى دن يشير الى حركة تكون بين الجند وحرف عين فى الدال والنون يعنى فى دار النزاع
لان الدال والنون بلسان الاشارة هكذا وقوله فى عين العقبة جموع عصر وتحكم العبد على الاحرار ثم تحكم
الوعية شر التدبير وقوله فى برارى مصر رجفات يشير الى رجفات الفتن مع قتال الجبال فافهم وقوله وترى
النّاس سكارى وما هم بسكارى فيما يجيئهم من ذلك الامر وقوله ثور الروم بليل معلوم تراه من اشارة
الى قيام حركة بالروم مع ميم حاء والظفر للميم الذى يثبت بعده ثم فيه ميم الصّدر وقوله يحصل صكمة الختم
ح من الرجيم بعده ميم وفى دس نظيرها يشير الى حلوس رحيم الذى تفسيره الف ميم بعدا براهيم ميم ثم فيه
يجى بعده ميم تقدم ومن قبله وفى الدّال والسّين ج وس نظيرها فتدبره ترشد وقوله سليم وعند
الختم يفترض الكتم لرجوع الامر الى البطون يشير الى الملك الخاتم والكتم يفترض لان حلوس اختلافات
كثيرة وامور هوهومة ولا يجوز كشفها وقوله عند فناء حاء الزمان ودالها علامة مدلول الكرور
يقوم مع السبعة الاعلام والنّاس غفل عليم تبدى الامور حكيم اشارة الى ظهور ميم ختم الختم الاكبر
اصحابه السبعة الاعلام رجال سد ته واصحاب سجيته فتدبره ترشد وقوله ملك احمد الملوك فيه اشارة الى
دولة العثمانى الى ملكت ارض الغرب وقوله قسم خبئة الكنانة اشارة الى عشر الف حرف القاف مادام فى
الكنانة وهو خبئة لاهلها وقوله ويل لاهل الارض فى طولها والعرض من شجرة الحنظل اذا نبتت بها وهى
عدوم وقوله دع دل لح دب اهذا حرف عن شجرة الحنظل تنبئ لها وخذ تفسيرها من اعدادها
وتعرف اشخاصها وقوله الم غلبت الروم فى ادنى الارض الى اخر الاية فيه اشارة الاية فيه اشارة
الى مددا لدولة العثمانية تقسيم تلك الاعداد على كراسى ملوكهم فى اوقات مخصوصة لهم قدرا بنيا الانتقال
الثانى اعداد تلك الاية لانها جامعة لامورهم فتدبرها تعرف مغزاها وهذا تقسيمها كما ترا ال م غ ل ب
ت ال ر و م ف ى ا د ن ى ال ا ر ض و ه م م ن ب ع د غ ل ب ه م س ى غ ل ب و ن ف ى ب ض ع س ن
ى ن لله الامر من قبل ومن بعد ويومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله ينصر من يشاء اذا اردت معرفة ذلك
يعنى تقسيم هذه الاعداد وهذه الحروف الاتية لكنها تبدل بافل اعدادها ولا يمكن التصريح بها فتدبره
ترشد وقوله وفى قتال م د و بالكنانة تفتح باب الفتن ولا تغفل اذا تمت عقود الاعداد وظهر سبب الافراد
مع اصحابه الامجاد فيه اشارة الى قتل تكبره مرّاة لانه ذكر قولها اسمها الفتك بابراهيم بعد م د فافهم
الاشارة وعقود الاعداد فيها امور عظيمة تكبره وقوعها الكتم بتصريحها خشية من وقوع الفتنة

فتدبر وقوله وسيقدم ميم بامر عظيم من باب رحيم ترقبه بنقص وابرام اذا نا قش ارباب الاقلام وذلك
اذا ظهرت علامة النيرين فى صفات واحد باذن الله تعالى باهل الكنانة الى قدوم ضخص باب الملك بنا
ارباب الاقلام والابرام عزل وتولية وادخال واخراج وحل وربط وذلك فى عقد الوسط من الاية الكريمة
الشريفة بالكنانة وعلى يديه فتح باب الحاء فتدبره وقوله القيام السير لفتح ارض العرب الى قيام السين الواحدة
نقوبنية الى سين الفتح وسين الختم الذى يظهر ويبايع الميم ببلد قوتية من ارض الروم وقوله اذا رجع
الامر الى اولاد البطون هناك حادثة البلخى وقيامه من وراء النهر بفصل الباب خلا بخلو علة
ضيق وقد يشير الى حادثة تكون فى اوايل ظهور الميم الخاتم من ارض بلخ ووراء النهر هو السين الموعود
نبره وهو سعيا فى الاصل فى علمه وقوله فى اشارة البلاغ والاعلام رجال النخبة ليبو من حبش واحد
صدرهم الاعظم ميم سليم ووعى الاصل وهو المبعوث فى حجر الامام بالدين وهو صاحب تمكين ضنا بط
اسمه من ذكره يشير الى ذكره فى عقود الاية الشريفة من اولها واخرها تركيب حروف الضابط للاسم فتدبره
وقوله فى بعض النسخ المذكورة من النسخ ذكر ذلك على صيغ شيء وفى مواضع متعددة لكن اصحها ما وجدناه
مقابل على النسخة الاصل نبه على ذلك فى محل قيام الروم عند صكة الختم فى جلوس رحيم وفى عام الفتح اقوا
العدم الا ارتباط الاعداد فى عقودها والاصح فى عام واو ونون العين فافهم وقوله المريخ فى ذلك
اشارة العدد الموجب للقران الموعود اذ كانت الواو تادهى تكرارها لان الرابع حرف تا دفالتاريخ
الخاء غين وتبقية الحرف تطلب تكميل عددها لان الاية الشريفة اذ كانت اصغت النظر فى اعدادها
وعرفتها وبالجملة والتفصيل عرفت جميع ما تضمنته من الاسرار وما اشتملت عليه من حوادث الامصار
والاقطار فمن المشايخ من جميع اعدادها واسقط وابقى ما نسب للتاريخ ومنهم من فصلها عقود الاعداد وجعل
لكل عدد العقود بذاتها لكن بطريق التوليد والمحض والكسر والبسط او صيغة من صيغ الفن وعلم ذلك كثير
جدا وسنوضح لك فيما بعد ان شاء الله تعالى وفى قوله ق سم خنة الكنانة اشارة عظيمة سرية حرفية ظاهرها
حتى يقتضى يظهر حرف عدد اسم فى حكم الصدية ومعنى ذلك ان اول الضد الظاهر بعينه يكون عدد كامل
حروف اسم ومعنى ظهوره بالصدية يعنى نقيض ما كان عليه حرف القاف واذا ظهر هذا النقيض ينتهى عدد
امره عدد اسم فتدبر ذلك ترشد وقوله فى دايرة الكبرى م ح ى ع وع ح ى م فى هذه الاحرف اشارة
بلبقية الافراد من قطان الكنانة لانه ذكرهم بين الاركان والاصلاح من داخل الدايرة يشير الى ثمانية افراد
فضلت من كسر الاية وبسطها فى النقل الاخر من الاية اذا كان بالكنانة الحروف الاحاطى للتسلط على البقية
العناصر تكون تلك الافراد حفظة وازكان سدنة وان ساعة القران فى قبة الميزان فافهم وقوله اذا

تنبت شجرة الحنظل بالكناية ثمرة النفاق وتفرق بين الرفاق وسيرى شرها الى الآفاق ففي ذلك اشارة
بليغة تعلم اذا علمت اشخاص الشجرة وفي ذم تخصيص الحنظل دون غيره لانه تخصيص الحنظل مقصود النفع على
بعض امراض لسبب على حكم الاطلاق لان الحنظل تقذره نفوس الحيوانات الناطقة والصامتة نعم الاشارة
للذم والمدح ولعل ذلك يكون ما ذكر من النفاق والشقاق والفرقة بين الرفاق وسريان ذلك في الآفاق
ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وقوله خروج عدل لا خروج جور ولا زوال ففي ذلك اشارة الى غير
المدتين الاولى والثانية وقد تقدم ذكرها في التنبيه على ما زاد على اسم السبين الفاتح وسنزيدك بيانا واعلم
ان السبين الفاتح جعل المدة الاولى الصافية في عدد اسمه من عام تفتح فيه القاهرة الى عام خروجها من يد
رب ذلك الوقت ومن عام الخروج المشار اليها الى الغاية عدة الف ونون والف ونون جامد بين ١٠٥
هو تمام المدة الثانية وقد حررناها في اسم سليماني والمدتين ١٩١ منها الاولى ١٤٠ والثانية ٥١
اما المدة الاولى فهي الصافية دون مشاركة ثانية يدخل فيها تصريف الغير الذي هو ختم الختم المذكور
فاعلم ان ذلك الخروج ليس على ظاهره كما نطق من لا معرفة له بعلوم الاسرار الجفرية ولهذا قال في هذه
الدائرة خروج عدل لا خروج زوال لان خروج الزوال لا يبقي ولا يذر وخروج عدل يبقي ولا يذر
لانه يبقي التصريف على حاله لكنه تتغير النعوت الجورية بالنعوت العدلية والى ذلك الاشارة بقوله في ميم
الختم علا الارض عدلا كما ملئت جورا واقول لك اما قيام العهد فعلى قواعدها الاصلية من رجال
الدولة العثمانية لان دولتهم برجالها باقية الى ظهور المهدي في الشين هذا هو المعتمد عليه في الاصطلاح
وهو المشهور عند ارباب الجفور فلو كان خروج لكان يلزم منه الانقراض بالكلية ولكان الميم القائم
يتم في ظهوره وعلا ذلك يليق من النعوت التي هي ضد العدل وقد انعقد الاجماع على انه علا الارض
قسطا وعدلا فلم يبق للخروج معنى الا تغيير الظلم والجور بالقسط لا غير فافهم ما اشار اليه في الاصل بقوله
على خروج عدل لا خروج جور وقوله سنوضح لك بغير نحو فك عن كيفية الاستخراج منها بوجه لائق من
وجوه الفن الذي عليه الاصطلاح متى اردنا الاسناد الشيء من الآية الف حروف الطبائع لكل عنصر على
حدته ثم خذ عدد ذلك المجموع وعبر بجدول على قدر العدد واستنطقه ينطق بالمقصود وهذا الوجه
اصح الوجوه كلها وثم وجه اخر وهو ان الجملة المجتمعة من الحروف المذكورة تتولد توليدا ونجمع اعدادها
جملة واحدة وتقسم بثلثة اقسام فتطرح قسمان فيؤخذ القسم الواحد يعبر بجدول بقدره ويلفظ منه ١٢١٢
فاذا ادرته تجده ناطقا بالمطلوب والله الموفق لا رب غيره واعلم ان لهذه الدولة تاصيل دينية وعلو
مرتبة باصل صحيح يعلم منه اشرف مقاماتهم العلية وذلك التاصيل في الآية الشريفة وقوله تعالى ثم اورثنا

الكتاب الذين اصطفينا من عبادنا فقد دخلوا فى ضمن الاية الشريفة لكونهم من امة محمد صلى الله عليه واله
مع من الاشارة اليه الاية فلا شك انهم فى سلكها ومن التاصيل المشار اليه ايضا قوله تعالى ولقد كتبنا فى
الزبور من بعد الذكر ان يرثها عبادى الصالحون ان فى هذا لبلاغا لقوم عابدين اما الصلاحية فهم بالنسبة
الى غيرهم من اصلح الدول بعد الصحابة والتابعين لوجود النعت فيهم وباعتبار انقيادهم الى الشرع الشريف
وتمكينهم من رتبة العباد والخدمة كالصلوة والصيام والزكوة والحج والجهاد وملازمة الجماعة واتباع السنة
وحسن العقيدة وقل ان يوجد ذلك بكماله فى دولة من الدول الذين تقدموا واما لفظة لبلاغا فهى اشارة
تقييد العلم بالوقت المنتظر وكفى بذلك شرفا ورفعة ومن ايقظه الله تعالى وفتح عين بصيرته راى نعت
الصلاحية فيهم ظاهرا وسيظهر ذلك انشاء الله تعالى وننشاء هذه عند ظهور دولتهم فانهم فئة عظيمة
لا يستغنى عنها اعلم ان ظهور الدولة قد حكاه ونبه عليه صاحب الاصل فى خطبة البيان باشارة واضحة
وذكر ان ظهورها الاحاطى فى بكط وانها ظهورها فى وسغ وانها ستظهر على غالب المعمورة من وجه
البسيطة ويفتح من ناوام وينتهى سير جنودهم الى الجزيرة الكبرى ويفتحها الله على يدهم وح من المدن
المنسوبة الى معنى الاشارة وتفتح بالتسليم واخرى بهول عظيم واخرى بحب رحيم واخرى برعب عميم قال
ويتمايل تلك الامم الى ان يظهر العلج الاصغر والطود الاصفر ويجمع الجنود على حصن النهر ويتفايل بميم الصدر فى
الثغر البحرية وعلى الخيول العربية فيفرق العلج ويهلك جنوده وينصر الله الميم ومصداق ذلك فى عقد من
عقود اعداد الاية الشريفة وسنذكر تقسيمها فاعلم ان احرف معتبرة فيها بلاغة عظيمة اذا انقسمت بالانفاق
الثانى اوضحت مكنونها وبينت مصونها وكشفت عن وجوه حقايقها وذلك ان فى كل عقد من عقودها
جملة من الاسرار المودعة فى الحروف وفى نطق كل جملة من تلك الجمل حروف حوادث ودقايق حركات
تظهر فى اوانها محررة وهذه صفة التقسيم كما ترى الم غ ل ب ت ال روم ف ى ادنى الارض و ه م م ن
ب ع د غ ل ب ه م س ي غ ل ب و ن ف ى ب ض ع س ن ى ن لله الامر من قبل ومن بعد ويومئذ يفرح
المؤمنون بنصر الله ينصر من يشاء هذا التقسيم مخصوص الاعداد مخصوصة بطريقة غريبة الاولى لمن يرعوها
فياخذ من كل جملة اعداد جملة من العدد المعلومة المنصوص عليها وقد حرموا كشفها للعامة فلا يليق بنا
التصريح على ما جرت به عوايد القوم ولقد رايناها من تصدى لاستخراج تلك العدد وتبيان وقايعها و
حوادثها وما عنى المبتدى من علاج القواعد والاصول فظهر له من باطن الاحرف عجايب وغرايب
تنبئ عن كل شيء والف فى ذلك ورقات لطيفة يذكر فيها اسماء الافراد فى كل دورة من دول الملوك
المقدرة حتى جاء به جواد البيان فى مضمار البيان وقلب الاعداد اليها ودل الملة المقدرة وذكر فيه

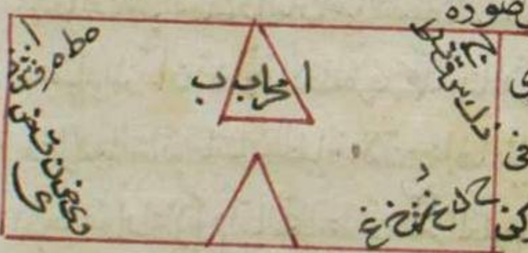
الغاية المنبه فيها بقوله ونفخ في الصور فصعق من في السموات والارض الا من شاء الله ثم الى غاية الغاية المنبه
عليها بقوله ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم قيام ينظرون فمن وقف على سر هذه الاية الشريفة على ما هو عليه وكشف من
اسرار القدرة الادمية جليها وخفيها ووجب عليه الستر بالكتم لما في اظهار شيء من الصغير اذا انبسط عنه
حجاب الستر لان الحجاب رحمة لاهل الدائرة الحسية والا لتعطلت امور معايشهم وتصير ابصارهم طامحة الى
رؤية ما لا قدرة لهم عليه فالكتم افضل والستر اولى وارباب الحقائق ما اصطلحوا على التنبيه بانواع البيان
واحالوا اتباعهم على معرفة الاصول التي هي معرفة المفاتيح لا غير وعرفوا ان من حذا حذوهم واقتفى
اثرهم يلحظ بعين بصيرته ما تضمنته تلك الاصول وهذا المقتضى صيانة الحكمة والمعرفة في الافراد واشتغل
الناس في العموم بما هو اولى واحرى في حقهم والى تلك الاشارة بقوله تعالى ليتخذ بعضهم بعضا سخريا
من التسخير في المصالح الكونية التي في حياتهم وسلطان الجمهور هو الامل الباعث على حركات
الهمم لتمية المراتب باختلاف المرادات اذ الحكم مختلف وان كانت العين واحدة بالاتفاق هذا السلطنة
لقوة تصرفه بنفوذ الوهم الحكم على مطلق مراتب الوجود فالامل صاحبه على تغير الرتب والوهم يحمله
على تحصيل ما يخاف فوته من المراد اذ لولا الامل ما احدث احد شيئا ولولا الوهم ما خاف الفوت فهما
ملكان عظيمان لا غنى لاحدهما عن الاخرى وثم وراء هذين الملكين من هو اعظم منهما في المملكة الانسانية
سر اليقين يقوم في الصورة الانسانية فيغلب الامل والوهم ويطفيهما طيا فكليا وقيامه في الصورة
على قدر عظيمة هي الايمان الباعث عن الذوق والذوق يجر الى الشوق والشوق يجر الى العشق يجر الى الكشف
والكشف يفضي الى الثبوت والثبوت يفضي الى الرسوخ والرسوخ الى المشار اليه بقوله تعالى والراسخون
في العلم يقولون امنا به كل من عند ربنا واربابهم اهل التمكين الذين عرفوا الامر على ما هو عليه وفصلوا المجملة
واحاطوا علما بتفصيله فهم ناظرون الى ما وراء الاستار شاهدون لما بطن وما ظهر من الاسرار قائمون
بمطلق المراتب من غير تعطيل فقد فازوا باسرار تجليات الاسماء من غير تفصيل لا يحزنهم الفزع الاكبر ولا
يغير بواطنهم البلع الاطهر لانهم حجابان الاضداد ومحالي الظلمات والانوار وقد عبروا على عين الحضرة
فشربوا ولاحوا بما لاح لهم في الدائرة الخليقة بارتعادات ثم حملوها على ما كشف لهم من اسرار اسباب
حدوثها فهم هذا الحكم في عين المقاد وما سواهم بالتبعية لهم على قدر مراتبهم وبهذا اتضح لك سر طرد الحوادث
كانت ما كانت ووقوعها في الاوقات المختلفة بحكم اختلاف الاقترانات الفلكية كما قررناه سابقا وحيث
انتهى البحث الى هنا فلنرجع الى ما نحن بصدده من بيان الحوادث والوقايع المودعة في رموز الشجرة
التي نحن بصدد بيان اسرارها فنقول وبالله التوفيق وهو الهادي الى سبيل خير طريق اعلم ايدك الله

تاييد

بتاسيا العصمة ان بعض الفضلاء من المطلعين على الاسرار الحرفية والكنوز الجفرية الف ورقة لطيفة
فيما يتعلق بالحوادث الكليات الكبار واسس تلك الورقات على حروف ابي جاد فجاءت مطابقة للحوادث
الوقع للمعمورة من البسيطة لانه جعل لكل قطر من الاقطار ورقة مبنية على حرف او حرفين من حروف ابي جاد
واعطى لكل قرن ما يليق به من تلك الحروف ٢٩ بحسب طبيعة ذلك القطر وقابلية اهل ذلك القرون
فلا تكون حادثة في قطر من الاقطار وفي القرن من القرون الا بسر ما خصه من تلك الحروف وجعل امثال
ذلك في دايرة مربعة الاركان
مسند برالشكل بارصد سنة في على
التربيع لم يراعي فيها الا تصور
اسماء المجردة وسماها دايرة
الخطوط في الامر المربوط وهذه



صفتها في كل حرف على انفراده ولعرف ... مركزه من نقطة اسم شيء نظهر لك عند محضر ونو ليله
بضو بين يديك جملة من الحوادث الكليات المودعة في جلدان الحروف والاعداد اعلم ان المبتدا في
العمل من ركن المحراب حرف الالف والهاء والطاء ثم الميم والفاء والشين والذال المعجمة وتمشي على
اليمين الى الطاء وهو حرف الغاية من عنصر الهوا الذي عليه المدار في الحركة ولما اطلعت على هذه الدايرة
المربعة وجدتها ثمنة الاركان اخترعت تبعها في صورة
اخرى وقسمت الحروف على اركانها الاربعة كما ترى
هذه وقد اطلع عليها بعض العارفين فاعجبته لما في
طيها من الاسرار العجيبة والامور الغريبة فلكل ركن



من الاركان سبعة احرف طبيعية يوخذ اعدادها ولادة المحوضة ويجمع جملة واحدة ويدخل بها المطالب
الى جدول مناسب وبعيرة لها وبيستنطقه ينطق بحادثة الوقت الذي تحضر ذلك الفكرة وتدبر ذلك
واعمل بمقتضاه ترشد الى سواء السبيل واعلم ايها المريد المسترشد ان بين يديك عقبة كوود لا يقطعها الا
كل صنامر وهي اعظم العقبات المانعة عن الوصول الى معرفة اسرار الحروف يقال لها عقبة الاس الثلاثة
مد يتفق الاشتراك بين حرفين في قطر من الاقطار ووجه التخلص من هذه العقبات يوخذ عدد الحرفين
ويضرب في مثله ثم يضرب المجتمع ايضا في مثله فتظهر جملة حاملة تسقط تلك الجملة ٩ ٩ والباقي
بعد الاسقاط هو الحرف الذي لا يقبل الاس الثلاثة حكم به على قطره وهي قاعدة عظيمة فاعمل بها تنل بعد

واعلم انه اذا غمت اعداد بضع سنين يفتح بابهم ف غ م يلزم من فتحه حصول جملة من المتاعب لا تزال
تزداد وتنمو اشياء فشيئا الى الميقات المعلوم فيهما فى دق شق العصا وتفرق الكلمة عند من عصى خصوصا
حروف الابجدية التى اعدادها عشرة فانها اصل ظهور اثر الاشارة لولا الاخيار لهلكت الاشرار ولولا الاطيار
الاعشاش طاش من طاش وعاش من عاش والقاف الراحل لخريب المنازل والقاف القايم محبه ملازم
حزن التنابع على صعب المرابع ظهور النساء فى صور الرجال وبالعراى بال والجزيرة البحرية تفقهها
المراكب البحرية والخاء المصرى نظهر مع اليوم لاهل الروم وحرف السين يقود الجيم المرالك وهو لا يعلم ما هنا
اما حرف الميم فامره عظيم اذا تعددت اشخاص الميم فى الميم قويت شركة الاخيار ودولة الاشرار تستبين يا نايم
للامر القايم ولا تغفل يا مطلوب لانك المخطوب اذا باح الميم بسر التعليم رجحت الكنانة بخطب عظيم
لا شك ولا خفاء ان الطرف غفا عن حادثة الشرجلي وفى الزرق قيام الميم تشعب الخلايق بوجب تحريك
الاطراف وخروج الحاق على الميم فرمان تحرك الايوان على طلب درب الممالك ما لك وصندوق هالك
لا يخدم الملوك ولا تمر القاهرة الا بالغيبة الطاهرة يا ثالثا الهوى انت تمحو عوى لولا الدوى يا ثالثا
النار كبك العاديا وابع الماء قد بلغت السماء من تعد حتى تجاوز ضده ويح القاهر اذا حكمت الداهرة
واما دابة الارض فهى صاحبة الطول والعرض كيف يطيب العيش مع وجود الطيش لا تفرقة القلوب
تفرق الاحباب واذا كثر تخصيبان خرب البلدان واذا عمرت الخراين المداين اذا عمرت الاحداث حكمت
الاحداث بين النون والتين يقلع الحسين اما عقد السبع فلا يصح بالضبعة لا يصح الامان الا فى
اصفياء الزمان الا باختلاف الفرقة كما تكون الفرقة بكثرة الحساد يظهر حكم الفساد اما الكنانة فلها
عشر الامانة ان سلمت من الخيانة لان رجالها نبال راشقة واعينهم رامقة يصف لهم الوقت المعلوم
ان خالفوا راى اليوم اما التخليط فمن علة المعلوم ان خالفوا راى اليوم اما التخليط فمن علة التفريط
ان قويت حوادثه الميم احرق كل زنيم اما المودة ليس فيها مصيرة لان الاتفاق يجمع شمل الرفاق
وللفرج الدائم عند انتباه النايم كل حركة تكون فى الكنانة من الفئة الفتانة تبر عش القاف
الاطراف على شرط الانصاف بسر الائتلاف كيف الخلاص والطيور فى الاقفاص ولات حين مناص
يا قايم وتم ونايم قم يا رب الباب احذره من الاصحاب واكرم الحجاب والنواب يا مصرى لا تواخى القصرى
لانه غدار وغاية الفرار وعليه المدار هذه جميعه حال الاقتران والقمر فى الدبران ومقابلة المشترى
كيوان توقف ذلك اذا عمت المعاطس وكثرة الافاطس ووسوسة الصافس وانتهى عدد عين
فاهم فاذا فهمت فاكتم وعليك باتباع الميم اذا تعقبت قواعدها واشتد ساعدها واعطت المدد

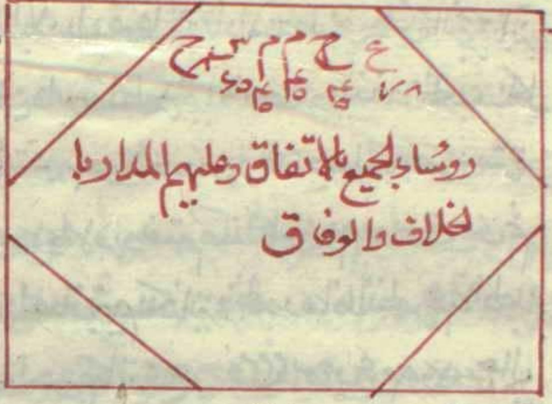
مممم واعلم ان هذه الاشارة كلها بين قرانين كبيرين منحصر فيما بين النون الى السين وفى الف السين
ظهور النجم الاحمر فوق الجبل يراه كل ناظر من كل بادو حاضر ويخشى على خدام ذلك النجم الفراد من كشف اسرار
وتذبح القربان على باب اسوان اذا اجتمعت الفتنتان واتفقت اراء العربان وحادت العربان فالكنانة
مصونة واسرارها مكنونة كما طرقها طارق او يقصدها مارق رمى بشهاب ثاقب من رب المشارق و
المغارب لان محمدها قائمة وامدادا نهادائمة وهى الربوة المباركة التى تقتبل المنادكة قد احاط بها جبل
قاف من جميع الاطراف حبل قاف محيط بالاكناف فهو عالى لمدى الذى يبين الجياد لودى سفينة احوه و
يداع حبرة ترقيه فى جوف الكنانة وهو محيطها لكن مبقانة السين الكمال النغبين اما رابع النار فعليه المدد
فى حفظ البيار لابد من الاتفاق على ترك النفاق وفى دسع العدد يظهر سوء العدد وذلك اعدل
المدد لقرب الوقت المعلوم وحصول القدر المختوم اذا انفد عدد التسع فاح شذا طيب الميم فلا تنسى الا كريم
ذو عقل سليم وليس احدى بذلك الاسهام الكنانة المهيمون لحفظ الامانة فى عين الغين يتضح وجه التعبير
بالمقتبا المطلوب لكل حبيب بحكم محبوب هذه ما دلت الحروف من حيثيت اعدادها واستنطاقها لما
انه نية مقدرة المبادى سبحانه من اسرار الحروف والاعداد فهم قال بعض من اطلع على بعض دائرة الشجرة
النعمانية وحرز اسنادها واظهر مكنوناتها بالصناعة الحرفية انا اذا اخذت العين الجامدة استنطاقها
تختلف احوال القاهرة من الحوادث المتواترة وتختل نظام قطاعها وتتغير اهويتها ان مالها فى الاطراف
وتميز عدم الائتلاف بين الجواهر والاصداق تلك الشجرة الحنظل التى تقذرها النفوس وبظهورها
نعيش المظالم والمكوس وتنكسر حرف الطاء المترادف بالعكوف فى الوجفات مترادفة والحركات متقاربة
وهى مبنية على السالفة فالعين مخذول وحرف الالف مقتول والميم سيفه مسلول تقتضل الاسود
وامى عزه مردود وعلى يديه نقض العدد وادغام الف لوا الدعا لولد واخراج فرقة بعض لتتواحيد
من شؤم رايهم الفاسد ويناصحه الميم والبلاء بلا مراء وهو اول خراب القرى وتكوين الدور والتسلسل
فى انزاح وظهور الابتداع ولا شئ رحمة لحوم من الاوعاد وسهام الكنانة تاخذهم فى الواد عند
شجرة القناد هل سهام الكنانة الا رجال النجدة وارباب الجدة سيطعنون منها واليها يعودون
بعزم صلب ونصر من يوم عكين اسن تلك الحركة قيام القاف بالجيم الى اليا ونفضى تلك الى اختلاف
عظيم فى الامور وتقر القاف من الجيم ويرجع با قبح رو يريد الكنانة فيلد كم من يرهقه ويصده عنها
الى مغربها بطول غيبته بر هته وينفضى فلا يعم عشر باطر حه الى على العين تاملة تراه وترقبه تلقاه
واما قيام العرب بن العجم لانه سنتج النصب وتعطيل النفود من مكر السودا كالبن الكبود وتكرار وراد

عظم

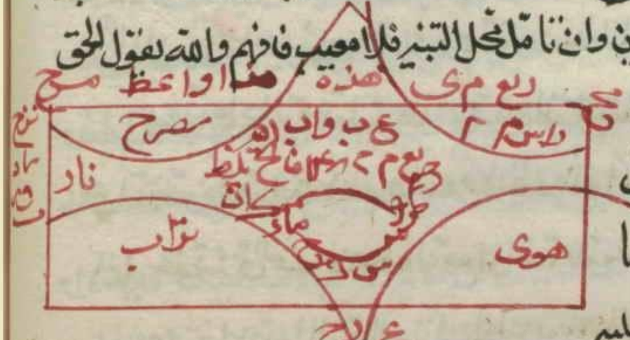
الباب من اعظم الاسباب للخراب ابن صحة الجمعية هلكت الرعية اياك والغفلة فانها دخلة كن والنوائب في الحوادث لا
فانك لا تندم بل تفتخر عليك بيت المعمور مغني بالنور لا تفارق الكنانة وحيد وتحكم فيك العبيد فاذا ايات
القران الاول فاعلم انه ملامة واضحة انوارها لامحة لا نقل اني المقارنة فانها غير معانيه هي علامة ظهور
الكوى النائم وملاقاته لميم القائم سعد الميم من الكنانة بعد العين فيطعنون اليه ويجتمعون عليه وينهزم
الكوى بجزيره ويرجع المصري على وبرتيه بعد حربه يدخل الكنانة في رحب والناس من جهة في وصب ولا
تنس حادثة الزوراء وما بعدها فان لها سبع كراة حتى تجتمع الشتات وتبل شاة العجم لغنم ويوخذ ولده
اسيرا اذا خالف المسير كره كره عند اجتماع نجوم النجوم وتسكن الحركات بالكنانة بصفاء الوقت بجهة حتى
اترد اخبار للكنانة من الروم لقيامهم على ساق واجتماعهم على حصن النهر وما كذا ذاك ميم كريم ونصر
ميم وميم وحاء وباء قديم وتسعر الحرب بينهم منفيات والنار بضمرها الهياج والنهر متلاطم الامواج
والسفن المجتمعة تهزمهم صاحب الراية المرتفعة ميم الحصن العثماني وصدر المقام الخاقاني والسابع منهم غريق
وهلك السفن من الحريق بالهاص وقعتها ايلة ما شوهد مثلها في القرون الخالية الزايلة كيف لا جنود
واهل الطغيان مجتمعة من خلق همبان لا تسك ولا خفا ان عظيمهم العوال الاكبر شنا ذه مرتفع بصلب الحو هم
ثم لا تقوم لهم بعدها قائمة وهزيمتهم الى المنقات دائمة ممنها يلج الميم بالجيم دخولا الى مدينة العجب و
كسر كنيسة الذهب تتم حصادها ميقات وتفتح في اشرف الاوقات الذي هو اليوم الازهر في ساعة صعود
الخطيب على المنبر ويغنم الميم وجنود غنيمة ما غنموها قط تلك الواقعة غاية الوقائع الاسلامية وما بعدها
الا واقعة اصفهان مع جنود فارس وكرمان وينهزم رب الطيلسان بجنوده على شط النهر وان تلك نهاية
حركات الميم صاحب القائم وقلقم دور المريخ وكيوان المنتظر في حكم القران ليت شعري هل علمت من
يكون ذلك الميم هل هو الا ليث الكنانة المصمد الى المصدر في ستة الستين الغماتي عنك تبون بحقله
غير مسبوق فتعلم ان الحركات التي تحصل في الدايرة اسمها ومعظمها جيم القاهر هذا غاية ما نصه ذلك الحبر
في معنى قوله اذا اخذت العين الحامدة استحقاقها كان وكان فافهم واعلم ان العين الجامدة عدتها
في الف سنة ثمنيته والعين غير الجامدة زياداتها س ستين وستنقل الحكم الى قران اخر عجيب يتعين فيه
كل امر غريب بسبب حكم حوادث فيه الى تمام القران الرابع الذي يظهر على راسه نظير المجيد والماجد صاحب
القران الخاتم للامر المهول اللازم وقد تصدى بعض ارباب الفن واستخراج اسماء الافراد من الحروف والا علاد
من لا تسع العدد الى نهايته فالعين فرد الكثرة ما قبل الحروف بزمان مخصوص بل اطلقها في العموم والخصوص
غير انه ذكرها على التوالي حتى لم يبق عام خالي قالا اذا كان عام دال سين العين بعمر عشر الحروف الا حاطي في

الكنانة بالسبعة الشداد الذين هم اعيان الافراد م م س س ح ى ف ص دورة ظهورهم من دسنغ الى دفع
نظهرون التعمير ولا ينبيك مثل خبير يسلط عنهم صاحب الامداد قوى لاوتاد المنة عليه فى دائرة النجرة باية
من الكرم مجلا نهر وقدم اخر وبقية الاحرف فى ضمن دايرة تظهر يتمبلقون منه وياخذون المدد عنه لكل
فرد نعت بخصه دون صاحبه وهذا نعت التخصيص كما ترى مهعونه مدس ق قوة ح حلم ى بنصر س سترة
لهذه الصفة فتأمل ترشد والله يتولى هداك ان هولاء الافراد نعتهم هكذا كما ترى م م س س ق ح ى نم
برن مراتبهم عشرة من ديغ الى طمنغ لكنهم لسوا من عشر واحد ترتيبهم الكنايه فى ظهورها فلا تظهر هم الا ان اعدم
منبرها ترتيبهم حال الظهور فى الحدب والحصور وهذا حرفهم كما ترى ح ف م م س س ع م هولاء رجال
التمهيد للفرد الحد المجيد وعلى ايديهم عمارة القصور وسد الثغور وجباية الاموال وتربية الرجال وحرق
قطان المدن ولحبال لحفظ الداير من الاموال وتجويش الحروب الافضى من المدينة الحادثة الغربية الكنانة
وملكهم المبعوث بالديانة واخذ المراكب التجريبية فى عتبة سكندرية والامواج قائمة كالجبال والارياح تختلف
على اليمين والشمال يالها من غنيمة ما اكثرها ونعمة ما اعزها ونقمة على الاعداء لا يبتغون الهدى ولا
يسمعون الهدى ولا يسمعون الندى ولا يتقون افعال الودى تلك الواقعة سبب تخريب بلاد الصليب
وقيام الاطراف على جزيرة القليب هذا فى قران الثابت الطرف من حوله باهتة الا فى قطر الكنانة فان
طالعها تخص بالصيانة لا يقهرها قاهر ولا يظهر عليها فاجر فهى محفوظة الاركان المخصوصة بالامان
والاعيان حتى تشرق الشمس من عين الروح اذا تعين نزوله فى يوم الروضة من المنارة البيضا كما هو
منصوص عليه فى الاصول المشيرة الى ما ذكرناه انفا ورب قايل يقول قد دلت الاصول بالقراين الى عام
طصنع وحتمه فماذا تدل عليه بعد ذلك فهذا انما لا باس به لم نزل مترادفة ما دامت الافلاك دائرة
بالحكم فاذا عمت الدورة الحالية المثالية واخذت استحقاقها النفوذ المدة المقدرة العددية المشار اليه
قيام ينظرون الامر واستقل الحكم من ترتيب الحكمة الى ترتيب المقدرة وينقضى طرد الحوادث بانقضاء الكدورة
الخيالية لكن لما كان الامر يحتاج الى التبشير الى ما بعد قاف الغين الى نفوذ عدد ينظرون تقول ان القاف
اذا اعتن شهودها وابا مها دعا والله اعلم بمجاز الممالك فى ايدى البغاة من المتغلبين فى كامل اقطار
البسيط وتستمر الكنانة فى حصن الصيانة فتقوى شركة قطانها لا يدخلها دخيل ولا يتصرف فيها يد سبيل
رجالها الاعيان علة الغين الجامدة عند المتحركة اذا ان ادانهم وتعينت اعيانهم نستبد وادركانها وكثروا
اعيانها فالفرد القايم اذ ذاك هو الميمن المهيمن من الاحرار لا من العبيد حال رجال النجدة علة الغين كما
تقدم حوادث زمانهم جزئيات عن كليات فلا حاجة الى ذكرها العدم فائدتها فان التبشير لاعلى الاصل

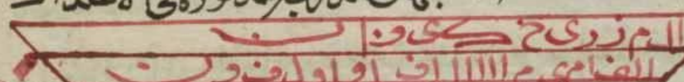
الضابطة الأسماء الرؤساء منهم لا بأس به والأحرف منهم بالتبنية على اسم ما في هذه الدايرة كما ترى فافهم



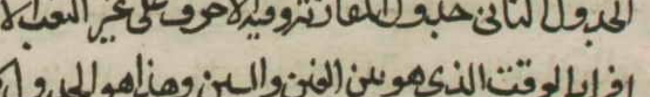
فانهم الامام والوداء هذا ما دل عليه نطق الاعداد المستخرج من الازواج والافراد بالاصول الحرفية والقواعد الجفرية فاعلم ذلك والله يتولى هداك رجوع واستدراك الى ما اليه الحاجة الكاملة التبنية على حوادث الوقت التي هي بين العين الجاملة و المدة الراتية الى عام عدما القاف الحاملة فنقول و بالله التوفيق ان واضع الشجرة لم ينبه منها الا على ما يقتضي حكم الوقت لا غير وذلك من القران الاول الذي نص عليه في قوله اذا انقضت قاف الجيم قا منهم سليم الى القران الثاني المشار اليه بقوله حتى يقابل المريخ كيوان في اخر درجة من الميزان واحال الاطلاع على ما وراء ذلك من الحوادث الكلية على فحوى الاستنباط من الاصول لكونها انموذج الجميع وقد نبهنا على بيان ما رمزه الشيخ ورضي عنا به في دائرة الشجرة بحسب الوقت والقابل فلا بد من التنبيه على اسماء رجال بين العين والسين وان تأمل محل التنبيه فلا معيب فافهم والله يقول الحق وهو يهدي السبيل



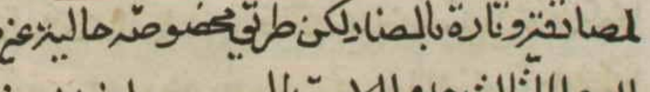
وهذه صفة دايرة كما ترى ثم على سبع جداول حرفية تشتمل على اسرار خفية الاولى يفهم منها ما اغفله الشيخ وضن به فلم يذكره صريحا غيرة عليه عادة قدم كل واصف خبير الجدول الاول جدول المقابل للحروف المشار اليها في دايرة الشجرة بانهما تقابلا اخر درجة من الميزان وصار وهذه صفة مقابلتها في الدرجة المذكورة في الاعتدال الطبيعي وهو هذا الجدول كما ترى



الجدول الثاني جدول المقارنة وفيه الاحرف على غير الترتيب الاول وهي مقارنة فلكية تشير الى اسماء افراد الوقت الذي هو بين العين والسين وهذا هو الجدول كما ترى فافهم



لان الاحرف تارة تكون مرئية بالمصاحفة وتارة بالمضادة لكن طريق مخصوصة حالية غير طبيعية فافهم ترشد ان شاء الله تعالى الجدول الثالث جدول الاستبدال وهو جدول فيه الاحرف غريبة باعيانها كما ترى



فتيل الحرف عما في رتبته من النظر الثالث

حتى يتصور الاحرف كلها ثم ينظر فيها فكل حرف منها اول اسم من اسماء الافراد اصحاب الوقت المشار اليهم بالتن

فيه في مقابلة المريخ كيوان في احد درجة من الميزان وهم افراد للبطون ارباب المدد الذين يمدون

ويعدون ارباب السيف بالهم وعليهم المدار الجدول الرابع جدول الاشتراك توضع عليه الاحرف جملة باعدادها

واولها واخرها ويتصور منها الاحرف الجامعة للسيف والمدد هم خواص الافراد بحكم الوقت الدائرة لكنا نتز

الدم رری خ کی و ا ن الفام ی م آ ۱۱۱ ف ا و ا ل ک
و ن ط ل ا ا ج ا ب ا ب ل د ا ن ا ل ا ن ا ل ل ا م ۱ ل ل ل ل ل ل ا ح ه ا

وهو هذه صفته كما ترى

الجدول الخامس جدول طبيعي توضع فيه الاحرف غريبة بالا ودهان الا عدد

ويجمع كل حرف طبيعيه على حدتها فيعطي الكل ذكر حقه من الاحرف وتصور الاسم من الحروف كما ترى فتظهر

اسماء الافراد ارباب المراتب في الكنانة بحكم ما بين النون الى العين فافهم وتدبر ويشد للصواب وهل

وصفته كما ترى

اوام م م ک لدلم ی ی د د الجدول ۱۱۱

۱۱ن زحل ن ن و نار هوی ماء زحل

ن ن تراب سوا النار السادس

الم ل ل ی خ ک ی و ا ن
ابه۳۲ بم ۲۰۰۵۰ ۲۰۲ نا یجه ۲۰۷۰ ۱۰ ا د ۱۵۰ ا
مشرق بحری مغرب جنوب اوام م م
ک لدلی ن ن ف ۱۱۱ انارا ان هوی
زحاحل ی ن ن د ی ع ع و ن ا ن ن و تراب

جدول المطابقة توضع فيه الاحرف الاخرى غريبة جاملة

ممزجة بعضها سطرا واحدا وترا الغر على الصدر حتى يصير

الاخير هو الاول بعينه ويجمع اعداد الجميع جملة واحدة تقسم جملتين بالسوية وما ناديتك من كل جملة اسم او سميين

او ثلاث مثلا كما ترى فاعلم ذلك وتدبر وهذه صفته

ا ك ل ك م ا ر ی ع خ ك و و ا ن

لا تزال تردد هذه على عجزه حتى يظهر ما بينه حتى تسلك بهم

المسالك كما تقدم فافهم الجدول السابع جدول الاسرار وهو جدول توضيح فيه الاحرف كما هي بقدرها بعد

توليدها والاخذ منه العاشر والمنى على التوالي من اعطاه علاه الى اسفله حتى لا يبقى فيه حرف ثم ينظر في

الاحرف الملقوطة من العاشر العاشر وتضم الى بعضها وتركب اسماء فيظهر من تركيبها اسماء حوادث عجيبة

ووقائع غريبة فاعمل لهذا الجدول السبعة وتعلقها ترى عجبا عجيبا وامرا غريبا لان الاشارة في الكوكبين

جمعتا اسرار الدائرة واعلم ان الكوكبين اشارة الى رجلين يخلين يظهر في معرض المضادة

والمباينة والصورة المصادقة وذلك هو النفاق الصريح وظهوره وهو النعت القبيح الاشارة في دايرة

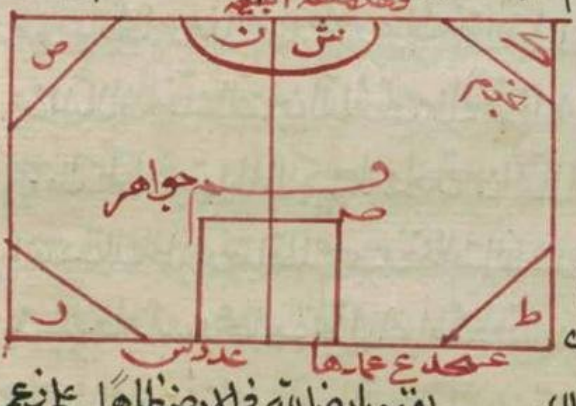
الشجرة بقوله ويظهر النفاق بين الرفق واعلم ان ميقات ذلك ما بين النون الى السين بعد نفوذ مدد

عدد عين اما بعد سين العين فحكم عن النفاق المشار اليه فمن اراد ان يعرف شخصين الكوكبين المحسنين المشار

اليهما فليأخذ عدد احرف الكواكب الواحد بعد الاخر ويضيف العدد في نفسه يحصل له جملة حاملة يركب

منها احرف الاسم صورة ويعنيها باحرف الكواكب الثانى كذلك فانه لا يعرف الاسمين كل واحد على حدته
وان تعذر النطق فهو بالخيار ان شاء وللاحرف النطق واسقط دحتى يظهر الاسم صريحا وان شاء ابدل
الاحرف من العنصر الثالث من مرتبة يظهر له صريحا كان وكانى تلمحت طريقه فى بعض الاصول لجمع اسرار الدايرة
كلها جليها وخفيها وتوضح مكنوناتها وذلك ان الشيخ رمز الى حروف ان الشيخ حرفا فى حروف الدايرتين
الاغمض الرمز عند قوله دايرة كره مصر لا تزال بادعة وحكامها مخادعة ولا تنقال الامور مواد عة حتى
تقابل المريخ الكيوان فى احود رحتر من الميزان تخرج من بيال عثمان اعلم ان السر المكنون المكتوم فى
هذه الاحرف من الدال الى النون فطريقة استخراج ما فيها من الاسرار اننا نأخذ عدد الاحرف كلها
حرفية واحدة بالجمل الكبير وتعقد جملة واحدة ١٣١٢ ويزداد عليها قدرها مرة واحدة ونعمرها وفق الكا
شروطه ويلفظ منه ادوارا حتى يتم لفظه تنتظر فى الاحرف الملفوظة فتعزل احرف كل طبيعة وحدها
اما الاحرف النارية فيركب منها اسماء ارباب السلاح واما الاحرف الهوائية فيركب منها اسماء قسم
عطاردوا اما الاحرف المائية فيركب منها اسماء علماء الوقت واما الاحرف الترابية فيركب منها
اسماء رجال الوقت لان النبوة والرسوخ لهم وقولنا يركب من الاحرف اسماء كذا وكذا فيحتاج
الى معرفة صناعة التركيب للاسماء من الاحرف المذكورة لانه تنطق الحروف باول حرف من الاسم
كالسين مثلا من اسم السليم من اسم داود والميم من اسم محمد هذا وجه ويكون الحرف الناطق فى عدد عشر
الناطق وفى بدله من ثالث بدله وهذا يتضح لك وضع الحروف فى الدايرة وتركيبها كلمات ناطقة
من لفظ دايرة كرة مصر لفظة عثمان واما ما زاد على ذلك فى بعض النسخ كقوله لفظ ال عثمان خروج
عدل لا خروج جور فذلك ليس فيه رمز بل اشارة على ان الخروج على ظاهره كما يظنه من لا معرفة
له بالاصطلاح فالخروج هنا على الحقيقة من الجور الى العدل لا غير لكون الميم الخاتم القايم الظهوره
رحمة على اهل الايمان على اهل الكفر والطغيان فيامر بتجديد الشريعة وسد الذريعة واعظم انصاره
ميم السين صاحب العزة والتمكين صدر الصدور الخنكارية وامير الاسرار العثمانية ترقبه تراه اذا
سنق الباب وهو بارض باب دار ابيه يجمع على سميه ملبة قوة الرومية ويبايعه بسعيد بن تضمها رب
الباب ونخفضها تكميل عدد الاصحاب ذلك وان السرور دون زمان الرضا او الحبور كيف يقال ان
ميم الختام بطريق التغلب لاصلح حكام الانام فى الاسلام حاشا وكلا ان المنعوت بالفضل الموصوف با
لفضل لعدل بعيل عن الصراط المستقيم او يميل عن الخط القويم سيما وقد نعته سيد الاكوان واشرف
ولد عدنان بانه المحيى للسنة والفرض وانه رحمة لاهل الارض وقد ثبت عند علماء الحقيقة ومشايخ الطريقة

بانه نظهر فى اخر الزمان وتظهر رايات من قبل خراسان وسواد رايته من السود دلا من السواد فابدبد
جند اعظم الافراد بقوم من وراء النهر فى عدة متعددة وامجاد اهل قوة وشدة حتى يوافى شط الفرات
ويقابل ابطال الغزاة بالهام من فرختهما اعظمها وحملة اعياد ما اكرمها هذا والميم الخاتم الاعظم بين الركن
والمقام وزمزم ينتظر الوقت المعلوم وان ينزل له من الحضرة مرسوم تانيه الاذن بالظهور فى اشرف
الشهود فياتى بخواص اصحابه الكرام الى غوطة الشام ثم يبقى مصيره الى على تاب ويجتمع عليه قبايل الاعراب
فاذا وصل قريتة الحصينة يجتمع به صدر الباب الخمانى على الرضا والتسليم عن اذن سيم رحيم الرحيم هناك
هنالك اتفاق الفتح لاداء على الفتح المبين لفتوحات اهل اليمين هذا هو الفتح الموعود به فى الاصول الاعادة
خاب بيت المقدس وكنز المعقول بعد خراب الرومية وهدم البيعة الذهبية وهى اعظم مدينة نعيمها صند
الميم وهذه صفة البيعة وبنائها للتعليم والتقسيم فهو الاعلام بالسر المكتوم لبيان الاحرف المرقومة لاربابها
فى التقديم واسم البيعة هيكل اهل الطغيان وجند الشيطان وعباد الصلبان بعد هذه الواقعة لاتقوم
لها قائمة وهى الوقعة الخاتم يرجع منها ميم الخاتم وميم الصدر المقدام الى قاف القاف الجامع للاطراف
المحوطة الاكناف مقفل الدين المنيف ومقام العز والتشريف بنفرد بالمقام فيه ذلك المقدام مع سين



الوقت القائم فى بابه باتم النظام ويرجع
صاحب الدوران الى مستقره مع يحيى صاحب
سره الذى لم نقف على حقيقة اسمه مقر معلوم
عند علماء الرسوم وعند ذلك يبلج الميم
فى اليقين ويرفل الوضوح من البين بالملك دون
مناركه ومدته وهى المدة المباركة وقلت فى ذلك

يقوم بارض الله فى الارض ظاهرا ... على زعم سلطان يحيى للكفر
يؤيد شرع المصطفى وهو ختمه ... ويمتد من ميم باحكامها يدرى
ومدته ميقات موسى وجنده ... خيار الورى فى الوقت حلوا عن الحصر
على يده يحق اللئام جميعهم ... لسيف قوى المتن عند عيسى يدرى
حقيقة ذاك السيف والقايم الذى ... تعين للدين القويم على الامر
لعمرى هو الفرد الذى سر ياته ... بكل زمان فى مظاهره يسرى
تسمى باسماء المراتب كلها ... خفاء واجلى علانا كذلك
الى الخضر السر هو البوز الاعم ثم حقيقة ... ونقطة ميم منه امدادها يجرى
يفيض على الاكوان ما قدان ضر عليها الدوش فى انزالدهر ... فخاتم الى الميم لاشى عنها
وذا المعنى من نوا به مفرد العصر هو الروح فاعلمه وخذ عهده اذا بلغت الى مدة مديدة من العمر كانك بالمذكور يهبط راقيا الى ذروه

الانبياء على القدر وما قدره الا الوف بحكمه على حد مرسوم الشريعة بالامر بذا قال اهل الحل والعقد فى كتبهم

ثبتهم المثبوت فى صحف الزبر فان صفات الظهور فانه يكون بدور جامع مطلع الفجر بشمس عمّ الكل

من ضوء نورها وجمع دراري الابراج فيها مع البدر فلانك فى ريب من بيان سر تدور مع الاوهام

والحدس والفكر وخض بحر علم الحق من اصوف بدت عن العز والعزور للمحجب فى حذر بنية فى محضها

وانبساطها ولو لبيبها والنفع يخرج فى الوتر وصل على المختار من آل هاشم محمد المبعوث بالنهى والامر

عليه صلاة الله ما لاح بارق وما اشرق شمس الغزالة فى الظهر وآل واصحاب اولى الجود والتقى

صلاة وتسليما بدوما الى الحشر تنبيه وارشاد واعلم ايها الطالب لايضاح حقائق الامور انه قد جرت

عادة ارباب الحقائق واصحاب الطرائق بالتقديم والتاخير ولا عيب عليهم فى ذلك لانها قاعدة

كلية عليها اصطلاح الجمهور لا سال الستور على البدور وذلك من مقتضيات الحكمة فلو ذكروا الاشياء

على التوالى لكان ذلك قادحا فى كونها حكمة ولكون العلوم السرية لا تكون الا هكذا بالتقديم والتاخير

وخلط الكلام على العالم النحرير وفايدة ذلك دوام تعلق الخواطر والامال بالبحث عن مجهولات الامور و

النفوس مجبولة على حب الطلب العلوم الخفية لما فيها من الاستعداد والقبول لذلك الامور الخفى فهذا

هو السبب الخاص بهذا الفن وغيره وحيث انتهى القول الى هنا فلنرجع الى دقايق دقايق اعداد الاحرف المركبة

عن الدال الى النون التى بين الدائرتين من الشجرة الاصلية فنقول وبالله التوفيق اعلم انك اذا حصلت ..

الاعداد كلها وجمعتها بالجمل الكبير جملة واحدة من الدال الى النون كما ذكرناه ونبهناك عليه فاقسم ذلك

العدد على تلك الجملة اربعة اقسام صحيحة وخذ القسم الواحد منها واجعل على الدال واستنطقه ينطق لك باحرف

غريبة فيها غرايب وعجايب تخبرك بحوادث ووقايع واسماء رجال اذا ركبتها تركيبا لاصطلاح با

لاعتبار الطبيعى ومن اعجب العجب انك اذا جلبت الاقسام الثلاثة بما جلبت فى القسم الاول تظهر لك

الاحرف غير ناطقة ولو ركبتها الا اذا بدلتها بحكم الطبيعة فانها تنطق وهذه نكتة بما جلبت فى

القسم الاول تظهر لك الاحرف غير ناطقة ولو ركبتها اذا بدلتها بحكم الطبيعة وفى غير العدد اذا قسمته اعتبارا

ما هو بلغ من هنا وحد ولا حد بل اليا دون عرف قدر هذه الاصول ولا تفش سرها لغير اهلها فان حروف

النق الذى ذكرناه ما تركيبت الا على جمل من الاسرار الكونية فحروفها كالاصداف للجواهر لا يبلغها الا

الغواصون المشار اليهم بقوله تعالى وتلك الامثال نضربها للناس وما يعقلها الا العالمون الذين

يذوقون حلاوة العلم بانواع التبيان كما قيل وغنى بالتلويح يفهم ذائق غنى عن التصريح للمتعنت

لكون المتعنت لا يطلبه الا التصريح بالامر والتصريح تارة يكون حراما وتارة يكون كفرا وتارة يكون جائزا ..

ولا يكون

ولا يكون دليلا حلالا الا انما مدحه الشرع لا غير فمن طلبه فى كل المواطن كان جاهلا بالامر ولا كلام لنا
معه فقد تعرف بهذا البيان ان علوم الاسرار مبنية على الكتم دون الافشاء فى الاصول المقررة فى الانشاء
فافهم والله سبحانه اعلم **دفع تسأيل** ويقول طاعن فى الكتب والتاليف والرسايل تصنيفها وقد علمت بالكتم وعلم الانشاء واطلع على معرفة الاصول والذوق صحيح فالجواب انه لم تزل علماء الامصار واقطاب الاعصار
يتساهلون فى تاليف الكتب والرسايل ويودعونها جواهر العلوم الغيبية ويقيمون اساسها على قواعد الرموز
والالغاز والتلويح والمجاز ويقفون مفاتيح تلك العلوم لاربابها كل ذلك صيانة للاسرار وحفظا للذخاير
الاحبار فالكتم اولى والرمز اعلى والتلويح على احتياج المسلمين كفو كريم هذا جواب من انكر على الرموز والالغاز وطلب
بيان الحقيقة من غير المجاز والله سبحانه وتعالى اعلم **والحكم هذه** الرسالة كاعترجيزة اجمالية نذكر فيها سر القران الذى
يتعين فى عام الستين الخين ويكرر سنوا هذه مرة عديدة الى مدة مديدة ذلك اجتماع اعيان الكواكب فى مركز
واحد تظهر نتيجة ذلك القران اذ اظهر الصلاحة السماوية حمرة لا لحية واسنادة ولصحة من احكامها قيام عراب الاعراب
على ساق وظهور صاحب الرساق نفى عددهم ويقطع مددهم ويرجع الى عتبة بالكنانة ويكون هو عام عشر
الخراب عاطى ذلك او ان اجتماع الاراء على راى واحد سنعقد ذلك الراى عقده لا تحل فى دايرة القاهرة
وهى لانية الباهرة ياتى الكلام على حوادث ما بعدها فى مختصر الرسالة فافهم والله سبحانه اعلم والحمد لله اولا
واخرا **تنبيه وتقرير لما سمعت اعلم** ان معظم الحوادث بالكنانة تعبغلم مكونها نفتح باب الغى
وتترادف الحوادث لها الى عام فرض فيها حدوث الطاء وتكراره مرة تيلواه ونفتح فرجه من باب الغى رحيم
الكنانة اذا حصل القران لا صفر رجيم لرقف ذهيم تيلو بهم فى عدد ذى سنين تقدم شىء الغارة بالنفس
الامارة على يديه فتك بارباب الامارة تاريخه زيغ وبعده تفتح الفردة الى اخرى من الماب فى نزع فيم الجود برا
او طالق فى اضلاع الشجرة اذا عمرة اسوان وحكمت اسوان وكثرة الخصيان وكثرة الوفن ضعفت علية علبة
السلطان واختلطت اراء صدور ال عثمان هذا اذا ظهر النجم الطويل وصار الطبيب عليل فلينا رح المفتاح
اسوان من مصر حصن النبى برقد عاملكها الاكبر الرومى وجعلها حصنا لرجنده ولما ظهرت الملة الاسلامية
وكان القران فى الميزان الذى وان دوا ان فتح البلاد المصرية كانت اسوان من جملة الحصون التى فتحها المسلمون
وكان عامل مصر اذ ذاك عمرو بن عاص وهو امير القوم على مصر ونواحيها فلما تم فتح مصر وما حولها من المدن
والقرى كتب امير المومنين بشرة عافتح عليه وذكر اسوان بصفتها وقوة حصنها وان الصحابة هدموا اسوارها
حتى لا تؤخذ مرة اخرى فلما قرى امير المومنين الكتاب دفعه الى سيدنا الامام على فقراه واستوفى قراته ثم
قال لم عندى علم اسوان احبنى الى اخره سبعه ولد عدنان واخر ايمها يصير الى اخر الزمان حتى يتم عدد غنين

عين الجامعة دون المتحركة بتمام عشرة بعدها يظهر حرف الياء التي الي من قبيل صاحب مصر فيغيرها ويحفظها

لكنه لا يتم تغيرها وتقضى يوم تقوم على بعد برهة من الزمان فيتم تغيرها ويصير مقفلا عظيما وهي على جانب

البحر بالوجه الجنوبي من الكنانة قوله في الشرط المذكور اذا عمر اسوان كان وكان نظر الى ما تجيئه الحق سبحانه

حال الاقتران في الاكوان لكون ان الباري عزّت عزته وجلت قدرته واودع اسراره في امهات الكواكب

السبعة المشار اليها وهي زحل والمشترى والمريخ والشمس والزهرة وعطارد وقمر

اذا قدّا ودع الباري في كل منهم سرا من اسراره ونظير اثره في قطرة المخصوص وذلك مشهود منهو دعند

ارباب الفلك وقوله يكون ويكون من طريق اخبار طابق ذلك الوهم النجومي واستنبطه ظهور طالع الشتاء

بالاستيلاء على مر ابتلى رجال والتحكم منها بالامحال وكذلك في الشرط تحكم السوان وتكر الخصيات تظهر الى اقتران

الزهره بعطارد وقوله تضعف غلبة السلطان ذلك من تصرف من ليس له رتبة التصريف وفي ذلك اختلال

امور الكون واشعار بنقص وابرام انتهى وقوله الغربان فلا تدرى انها اشارة الى قوم نعوتهم كالغربان

تشبيها والله اعلم بحقيقة الحال وقوله في زمنه قيام الروم بدليل معلوم فلذكره الامام الصفدى في رسالته

ونبه عليه ان تكون بعد تمام عدد نون الغين بفتح الجزيرة البحرية بالمراكب البحرية وذلك اذا ظهر مسجون ابناء

من كن عنى في المساء ذلك الالف المطلوب المحذوف المعطوف عليه على بقية الحروف قيامه بعد الميم وهو اخ الجيم

نعته رجيم تقوم عقبه فيما سبقه للعموم بدليل معلوم على يده فتح الجزيرة الوزنية يقوم بامره ميم وصاد الجيم

القايم لمصالح العباد والاخبار تشير الى عدد عين بازين وبالكنانة رجفات وتحديث بحوادث وافات و

رجال العلا رجال النجدة والمحبة هلكت الرعية وفيما بين النون والسين يظهر التغابن ورجال النجدة قطبها

اعنى الكنانة لتخصيصها بالاشارة الجفرية والطوالع الفلكية وكون عقد داير الشجرة عليها دون غيرها واما

القران الاخير المشار اليه في الشجرة بحصوله في احد درجة الميزان فانظره في عدد فرض واكتم هذا الامر فانه من

الفرض وفيما بين ذلك عن الحوادث ما لا يحصى كثرة فتدبره فستنبط خبره من الاصول الحرفية والقواعد الجفرية

وقد ذكر شارح الميزان خبر هذا القران اذا قابل المريخ كيوان في احد درجة من الميزان وذكر

الخروج لكن ليس على ظاهره كما تقدم ذكره بل هو خروج عدل الا خروج حرب بالنظر الى تجديد البشرية وتبديل

اللذ تغيير وذلك عند ظهور الختم المشار اليه في دسع العدد وهو صاحب المدد واما الدولة العثمانية فلا انقراض

لها الا بعد تمام ابقع الحفرية الالهية تعرفهم والله سبحانه اعلم تنبيه على اسرار عجيبة عند ظهور القران في انتهى

عام خاء النون اعلم انه سيحصل في الكنانة رجفان ودجفات تنكير حدوثها الى برج الميزان وفيما بين ذلك

كربك الجيم مرات الى تمام الميقات والظفر للحروف المائية المناسبة بين الماء والهوى واما الاحرف النادية

فمنهم

ففي حكم طبايع الطوالع في ضنك وشدة وهذه الاشياء كم عزهم دسيم الى غاية العام عام حاء النون ثم نظهر نجم
المسجون وهو صاحب السنة الصوفية تلك حرف الميم الخاتم لاسم رحيم نظهوره نظهر نجم سعد قطان الكنانة و
تسكن الحركات بعده وهي امنة وافرادها كامنة الى قران اخر في دسنع العدد في طلب المدد ولا تركن الى احد وسل عن
عام عين الغين يبنيك بما فيه عما فيه ومن حسن اسلام المرء تركه ما لا يعنيه وقد تقدم ذكر حوادث اجمالية يتجه
حكمها الى التبع فلا حاجة الى تكرارها وقد تقدم التنبيه على فروع الشجرة النعمانية وهذا تمام ما سبق من احكام
القران الاكبر بعد تمام التبع وقد افردنا له رسالة عجيبة سميناها الاهتمام بامر الختام والله سبحانه وتعالى اعلم
لا راد لامره ولا معقب لحكمه وهو سريع الحساب واليه المرجع والماب وهو حسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة
الا بالله العلي العظيم وصلى الله على سيدنا محمد واله وسلم تسليما كثيرا كثيرا وهذه من استخراج دائرة تسمى
بالشجرة السليمانية وبعدها الشجرة النعمانية ايضا بنوع اخر كما ستنبه
بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين وصلى الله على سيدنا محمد واله اجمعين اما بعد
فهذه رسالة الشيخ الامام اوحد اهل زمانه وفريد عصره واوانه محمد بن علاء الدين المصري الشهير بالطيلوني
ابقاه الله بركته وادام نعمته وعافيته في معرفة الملوك والسلاطين والوزراء ودولتهم ومدتهم وارباب
الولايات واعمارهم وهي بيان عظيم للملاحم والحير اذا اردت ان تعلم ذلك تخذ عدد حروف اسم المطلوب بالجمل
الكبير وانظر في اسم المذكور ان كان حروفه مفردة يعني لم تكرر فابسط حروفه من اولها الى اخرها الى ان
تكرر فيه الحروف ويصح به العمل وان كان حروفه فيها مكررة مثل حمق (حقيق) و دقرق او بعضها تكرر مرتين او ثلاث
فلا يحتاج الى البسط ولا الى تكسير بل الحكم فيه وبه لا يخطى ابدا خذ اعداده وان كان فيه حرف مكرر يؤخذ منه شي ثم
تنظر في اوايل الاسم فان كان فيه شي ايضا فضعف ليه مثل عدده فيصير جملتين اسقط منهما ما مضى من القرون
ومهما تاخر كان مدة الملك والحيوة والثلاث من الثلاثين حصا عكا فانفذ الحد المعهود بعد المنتهى يسقط
ادواره وبه الحكم في علم شرح هذه المسئلة العظيمة للشيخ شهاب الدين احمد الباسطي نفعنا الله به وبعلومه قال
اذا اردت ان تعرف الوالي وغيره كم يثبت في ولايته وعمره تخذ عدد حروف اسمه بالجمل الكبير ثم انظر في الاسم المذكور
ان كان رباعيا وفي الف او لا الف فاطرح منه واضرب ما بقي في نفسه فما بلغ فاطرح منه ما بلغ من القرون مرة
واحدة ثم انظر ما بقي بعد الطرح فان كان فيه الوف فاطرح منها مثل مبات التاريخ الذي معك فان تاخر
حروف لا الوف ميات فضعفها الى مرتبة الميات التي قبلها فان بلغت فتنى مثل التاريخ فاطرح منها مثله فان
تاخر منها شي فضعف الى المرتبة التي قبلها فما بلغت فاحكم عليها وعلى التي قبلها فانها المدة المطلوبة
احمد بن دانيال عدد حروفه ٣٥ ومضاعفها المادة تضرب ذلك فبلغ التي ١٠٥٤٢ وكان ولايته يوم الاربعا

٥ احمادى الاول سنه ٩٠٩ طرحنا منها التاريخ من خارج الضرب فكان الباقى ٤٣١ ثم طرحنا [illegible] تبقى [illegible]
اضفناها الى [illegible] فبلغت ٥٥٩ طرحنا منها سنين التاريخ ايضا فيبقى من العدد [illegible] اضفناها الى ما فى المرتبة التى
قبلها وهى ٣ فبقيت ٣ وقبلها ٤ فيكون كذلك هكذا ٤ لكن هذه صفة ٣ شهور ام سنين ام غير ذلك فالذى تشهد
وجوب قواعد ان مدته كانت ٣ اشهر و٤ ايام ولهذا علته هو ان العدد لو اوقع او لا ايام فان انقضت فى [illegible]
انقضت فهو دين بكل عدد بين قطع وحركة فان سلم وصل الى المدة الاخيرة وهى السنين ويكون هذا الحكم والله اعلم
وان كان اسما خماسيا وتكرر فيه حرف واحد مثل [illegible] فافعل ما تقدم اعنى اطرح منه من العدد واضرب
البقية فى نفسه وزد على الخارج من الضرب مثلا اعنى جملة ثانية وكذا اذا تكرر فيه الحرف ثلاث مرات ففى جملة ثالثة
وافعل كما تقدم تحصيل المطلوب وان كان الاسم ثلاثيا ليس فيه حروف مزيدة ولا مثنا بهذه فاضرب عدد حروف
الاسم فى نفسه فما خرج من الوف الضرب وعشراته ان كانت فابلغها ان اكثر من مئات التاريخ فاطرح منه مئات
التاريخ حتى يبقا اقل منها الى مرتبة العشرات والاحاد تحصيل المطلوب مثلا لقطر عدد اسم قوى ١١١ وخارج
الضرب فى نفسه [illegible] طرحنا منها [illegible] مئات التاريخ وهى [illegible] فبقى بعد الطرح من الوف [illegible]
اضفناها الى [illegible] التى فى خارج الضرب فبلغت [illegible] ثم نصير بعد طرح التاريخ منها وهو [illegible] فيكون هكذا
[illegible] ويصير بعد اضافتها فى المثنى الى ما قبلها من العشرات هكذا [illegible] فيصير بعد الجمع [illegible] وهى ايام الولاية والسنة
[illegible] شهورها فتكون مدة ولايته [illegible] اشهر و[illegible] يوما والله اعلم وان كان فى اول الاسم حرف مثنى وحرف مكرر
فاضرب عدد حروف الاسم فى نفسه كما تقدم واضف اليه مثله وضف الى الجملة مثل عدد الاسم وما اجتمع اطرح منه
ما مضى من الكاملة وما بقى دون قرن او مثله اضفه الى ما فى المرتبة التى قبلها من العدد فافهم مثاله برقوق
جملة عدده [illegible] مضروبه فى نفسه [illegible] واضفنا اليه مثل عدد الاموال وهو [illegible] فصار هكذا [illegible] طرحنا
من الالوف الماضية من القرون وهى [illegible] فبقى [illegible] وهى اقل من التاريخ اضفناها الى ما فى المرتبة التى
قبلها من العدد فصارت هكذا [illegible] وهى سنين وقبلها [illegible] وهى شهور وان طرحت من الشهور عدد ايام الشهر
الذى ولى فيه مع نقص الشهور الماضية خرج العدد ايام المدة المطلوبة فطرحنا من [illegible] ما بقى من الشهور الباقى
او نقص الشهور [illegible] ايام [illegible] الباقى [illegible] وهى ايام المدة وكانت ولايته التى قبل الضرب [illegible] سنين و[illegible]
اشهر و[illegible] يوما وكان الامر كذلك اخذ من تاريخ صحيح وقس عليه واعلم ان الحكم فى الاسم الشابحى كالحكم فى الاسم
الرباعى لا يخطى ابدا مثل احمد وقايتباى والله اعلم فائدة فى قطع المدة احسب اسم المتولى بالجمل الكبير وانظر ما فيه
من احاد وعشرات ومئات فان اجتمعت عشرات واحاد فالعمل على الاحاد وان اجتمعت مئات وعشرات فالعمل
على العشرات وان اجتمعت مئات واحاد فالعمل على الفاضل من المئات ثم اذا حسبت اسم اسقط ٩٩ وانظر الفاضل

عبد [illegible]

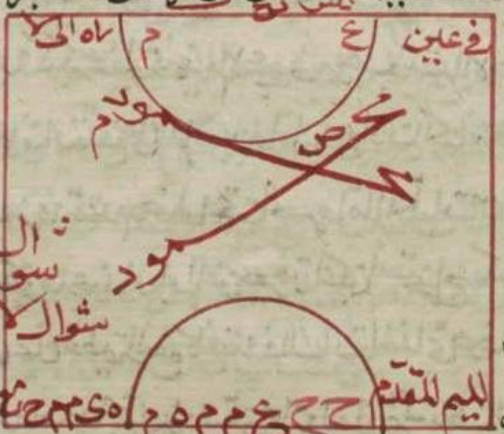
بعد الاسقاط فان كان ٩ فادعه بهان جمع الفاضل من سنين الهجرة الى عملك تعنى الى سنة عملك فما كان فاسقط
٥٠ ٣ ٥٤ ٣ ثم ما فضل بعد ذلك اسقط ١٢١٢ فما بقي بعد ذلك المائة فهي المائة وتحسب الحروف الخارجة بعد الاسقاط
فان كانت نارية فهي ايام وان كانت هوائية فهي جمع وان كانت مائية فهي شهور وان كانت ترابية فهي سنين
والله اعلم بالصواب واليه المرجع والماب وصلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين تم بالخير شرح الدايرة
المسماة بالشجرة النعمانية على الدولة العثمانية للشيخ الاكبر الكبريت الاحمر سيدي محيي
الدين بن العربي الحاتمي الطائي قدس الله سره العزيز بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله واهب الاسرار لاهل
الاستبصار وصلواته وسلامه على نبيه المختار وعلى آله صلوة وسلاما دائمين الى يوم القرار اما بعد فاني
ذاكر في هذه الرسالة بعض اسرار تلمحتها في الدايرة الشجرة النعمانية التي الفها قطب دايرة التحقيق الشيخ
الاكبر في دولة العثمانية سماها شجرة لما يحدث من النشاء حرفي مصر المخصوصة وهذا ذلك لما اطلعه الله تعالى
من طريق الكشف والشهود على ما يحدث في العالم من الحوادث الكونية والدنيوية جعل ثلاث شجرات كبرى
وصغرى ووسطى جعل لكل شجرة دايرتين كبرى وصغرى لا غيره واودع في كل دايرة من الاسرار ما يليق بها وكل
الشجرات الثلاث في اخبار الدولة العثمانية ثبت الله قواعدها الى يوم القيامة كان الشيخ حاتمي الاصل
مغربي المولد نشاء بارض الاندلس واخذ العلم عن مشايخ كثيرة بارض المغرب ثم تجرد وساح في اقطار الارض
حتى الى تخوم المشرق والحجاز واليمن والعراقين وما وراء النهر وخدم المشايخ والاولياء واهل الشريعة والحقيقة
فتح الله عليه وصار من اهل الكشف والشهود فشرع في تاليف الكتب والرسايل واستنباط الاسرار من العلوم
في كل فن حتى شاع ذكره وعظم قدره في اقطار الارض واُبتلي بالانكار عليه مات بدمشق الشام ودفن بها
في محلة بظاهرها ماتت عن الصالحية واتفق ان اهل الشام من كثرة انكارهم عليه اتخذ وافرة من بلة حتى اختفى تحت
الاتربة هكذا وجدناه في تاريخ صدر الدين القينوي ثم انشاء انبيا ما يؤيد ذلك في دايرة القدسي ايضا
في الشجرة الصغرى له رحمه الله تعالى فانه صرح بقوله اذا دخل السين في الشين ظهر قبر محيي الدين وكان الامر
كذلك فانه بعد اتقانه لساير العلوم الكسبية افاض الله عليه العلوم الوهبية وايده بالكشف المنور بنور القدس
فاخبر على حد ما كشف له واذن في الاخبار عنه قال ولما اطلعني الله تعالى عن الشجرة النعمانية الكبرى ثم اسمها
داير عظيمة في جوفها دايرة في جوف تلك الدايرة اسم مكة المشرفة وفي الدايرة خطوط الاقاليم كلها وفي اكثر
تلك الخطوط من الرموز والاشارات ما يخبر عن حوادث الكائنة فيها بتقدير العزيز العليم ثم قال اطلعت على
الشجرة الصغرى فرايتها كذلك وفي جوف دايرتها الصغرى اسم مصر وحول الدايرة يقول مصر لم تزل بادعة وفي
حكامها خادعة ولا نقال الامور موادعة حتى يقابل المريخ كيوان في اخذ درجة من الميزان تخرج من بيل الثمان

هذا ما نصّ عليه ورمى مقبوله الشيخ وفيه بشارة بفيراعتيادنا ظرانا للتحسين ولما رايت في
تلك الشجرة من الرموز والالغاز ما يحتاج الى البيان والايضاح وزيادة على ما يفهم من مضمونها فتوجهت الى الله
سبحانه وتعالى بنية صادقة وسالته المعونة على ذلك فلم تمض الا ايام قليلة واجتمعت بفرد من الافراد العالم
بقاله محمد بن على بن محمد التونسي واجتمعت بمقام الشيخ ارسلان بحروسة دمشق في سنة ١٠٣٣ فلما ذاكرني في ذاكرتي
علوه شيئي من جملتها اني سالته عن الشجرة النعمانية والها مقابل شجرة يا ولدي هذه الشجرة انطوت على اسرار
كثيرة معظمها حرف السين الذي اشار الشيخ انه من آل عثمان وسيظهر ان شاء الله تعالى ذكر الشيخ في الشجرة الكبرى
انه يقوم في كظم السنين ويملك ارض الروم والعجم ارض المغرب ثم يكون احيا الى سيرته ويحل خلافته اذا قضى
نحبه قام بعده سلين من ولده برهة زمانية حتى اذا اقضى نحبا ولى الهابى سين ثم الى ميم دميم والف مستقيم
عدد اسمه جيم ثم تتنوع فروع الشجرة ويخرج المسحوك وهو المولى المحدوب ويرفع بالعين برهة ونظيره داود
فيكون هو المفقود ويعاد الميم كرة ثانية حتى يقوم الاسد الوساب وهو المراد فيهما اقطار المملكة ويقوم مقاما
تاما وعلى يديه احياء السنة والفرض بارض بر ورداو وما يليها من الاطراف ثم يكون له شان عظيم برهة ويلي
لها الى رحيم ملك فيقوم لل... جيم عظيم مدة مديدة والثغور محروسة والجهات محفوظة حتى يظهر السين في
دسوغ سنين حجرية لا هجرية وهذا السين هو المنادا لبيه بانه يدرك الوقت العلوم بميم المعلوم في الميقات و
يبايعه بيعة حسنة والميم يوقره على ملكه بعهد منه عظيم ويرتحل عنه الى رومية الكبرى فيفتحها ويستخرج كنوزها
وميم الصدر العثماني في صحبته لانه من عظماء دولته وهذا الميم المنادا اليه له التثليث في المرتبتين والميم الاعظم
يعيده الى مدينة سنية السين عند عوده بل خاتم بيت المقدس وتطول مدة هذا السين والحركة ساكنة ثم يعود
الدور الى العين وتتمادى الحركات والنمو وظهور العين في الشين صرح به الامام فخر الدين الرازي في شرح
المفتاح ومن هنا يفرض الكتم هذا ما ذكر التونسي على طريق الاجمال واما رموز الدائرة الكبرى فهو صعبة فهمها
وسالته بحق شرحها فخبرني تا رخيبي في قوله اذا دار الزمان على حروف بسم الله فالمهدي
قاما فا فهم ان الحوادث الكونية لها نهاية لها والاعتماد على معظمها واجازني في شرح بعضها واخذ
منه القاعدة الجفرية التي لا يعرف رموز الجفر الا بها وبعد معرفتها وهي قاعدة جليلة فيكون بها الاستنباط ثم
قصد الحج فوادعته ومضى وجاور بمكة المشرفة ثلاث سنين ثم توجه الى المدينة المنورة فاقام بها مدة
فتوفي بها في البقيع بغير قبة رحمه الله تعالى ولما اخذت اجازته وسلكت طريقته اراه مناما ما يحيل الى العلوم
فانتهت وان احفظها ومن جملتها هذه الرموز كل ذلك ببركة الشيخ الاكبر صاحب الاصل وهنا وان الزوج في
المعصوم بابن الملك الودود بقوله وبابسط التوفيق وهو الهادي الى طريق التحقيق اما قوله في دايره

الدايرة مصلوبة تنزل البابعة مع حكامهما غادعه ولانتقال الامور موادعه حتى تقابل كيوان المريخ
في اخر درجة من الميزان تخرج من بلد ال عثمان اعلم ايدك الله بروح منه ان لفظة الخروج منه حكم ظاهره كانظيته من
معرفة عند بني الاشارة في اصطلاح القوم وانما هو خروجهم من نفي نفيهم فيها من حيث هم بالاستقلال كما
كان لان ظهور صاحب الزمان يبطل الظالم والمكوس والرشوة والاوقات الباطلة المرسله على شعاد
الدينية ويظهر العدل والشرع في اقطار المملكة الاسلامية كما هو منصوص عليه باتفاق والدال على ذلك
الاحاديث الشريفة الواردة في تحقيق ظهوره وهو الامام الثاني عشر من الائمة اولهم سيدنا علي واخرهم هو
وهو ابن الحسن العسكري وامة نرجس وهذا معنى الخروج لا غير واما ما ذكره من مقابلة المريخ كيوان في
اخر درجة من الميزان فهي اشارة ظاهرها قران كوكبين في وقت مخصوص عند علمائنا الفلك وباطنها
يشير الى عدد المريخ مع تشديد الراء فان الحروف المشدد عندهم بحرفين هكذا على حكم اصطلاحهم فافهم
هذا العدد بشرطه واما التفصيل مجملها ما ذكره الشيخ في دوائر الدوائر فلم يرتبه على ترتيب السنين بل ذكره على
صيغ شتى قدم فيها واخر وعرف ونكر لادخال السين في السنين نظيم قبر محمد الدين ذكر ذلك في الثلاث
نسخ ثم خصص الدائرة الكرسي بتخصيص لم يذكره في غيرها وهي الحروف المعجمة كما ترى س س م م م ام م
ع م م ا س ع وسكت عما بعد ذلك كانه يشير الى اسماء الملوك فالملك الاول هو السين الاولى الذي يكون
الفتح على يديه في ارض العرب بمصر والشام وحلب واما قوله تقوم طائفة من بني عبد الله تقتل حكامهما
اذا ان اوانه وميقاته بعد تمام الالف تقريبا وسيكون ذلك في وقت المعلوم فقوله وعند فنا حادي
الزمان وبها على فناء مدلول الكرود ويقوم مع السبع الاعلام والناس عليهم تبديل الامور حكم فذلك
الى حد زمان فداء الاستيفاء والذي يقوم مع الاعلام السبعة هو الحروف السين العثماني صاحب السبعة مع الختم
الاكبر واعلامه سبع رجال صدود هم م م م ج ح د ع والميم قومهم وهو اقدمهم واما قوله
الحاء غير احد بعد ذلك اشارة الى انها فتح بحرف الهاء وان هاجرها الجنود حتى ولا جيم بعد الذي
تمنوا احمد بل فتحها يكون على يد ميم الميم في عاد حم والاشارة في قوله وينصر الله محمد انه سيظهر انشاء الله وانه
واما قوله ويعمر مدينة اسوان واذ لعمرة مدينة اسوان تحكم السودان او تحكم العربان ونكتة بعصر الخصيان ونضعف غلبة
السلطان فذلك اشارة الى عمارة مدينة بالصعيد لا على من ارض مصر سواء ان كان قلعة حصينة قبل الاسلام و
فتحت بعد فتح مصر بقليل ولما فتحها المسلمون وبلغ خبرها الى امير المؤمنين علي بن ابي طالب في مجلسه ان عنده
علم هذه المدينة وانها ستعمر في اخر الزمان على يدي حرف ى ف ذا عمر يكون ما تقدم ذكره واما قوله تبدل
الادوار فذلك تابع لقوله في اخر درجة من الميزان وفي تعديل الادوار اشارة الى قوة العدل وضعف الظلم

فى الادوار اذا اعتدلت تقوم الميزان بالقسط فذلك فتأمل ترشد انشاء الله واما قوله فى ترجمة الشجرة
وترمى الكنانة نفوس ظلم وجور فى ذى غ سنين فاشارة الى حادثة تكون بالكنانة بهيز الهاء هذا العدد
فتامل تجده فى اوانه ظاهر واما قوله ثم ترمى الكنانة نفوس النحاس فيدل على وقوع ذلك على يد جيم
العدد سيظهر فى اوانه والنحاس لا يدرى ما هو حتى يظهر فيعلم ما هو واما قوله منكر وتكرير الميمات على
الكنانة فيدل والله العالم على تكرار حرف الميم على مصر بالتوالى وفيه رد الخبر التى يبيع هكذا م م م مصدر
اربعة متوالية فتأمل ذلك تجده فى ميقاته بعد الحلول الخاتم وصفاته بعد ع م م فتى فيجاوانه ويظهر انشاء
الله مرتبا على الاسلوب كما يريد العزيز القدير الحكيم سبحانه لا رب غيره واما قوله ورجفات كثيرة بالكنانة
فيدل على ترادف الرجفات ويحتجب الحكم ويطول الخفا ويكثر النزاع ويظهر الشقاق والنفاق ودعا يظهر
فيها شجرة الحنظل وليس سوى اهل النفاق وقد نبه على ظهورها الامام الصدر القونوى فى شرح حوادث
عند قوله يا سلام سلم ويا يا محى كلهم ثم الاشارات الامام باشارات لطف ان ميقات ذلك عام ب ب ج
اذا ملئت ميمات ميمات يكون قيامها اذ ذاك ميم رجيم باذن الملك العليم وقياسه بالتاييد ثبت وعلى
يديه يكون الصلاح ويكون الظفر والنجاح تجى على الفلاح هذه عبارة القونوى الامام بحروفها من شرحه
المختصر وذكر فى شرح ما يؤيد ذلك نقلا عن الشارح لخطبة البيان فى حوادث اخر الزمان ان الشقاق يا
لنفاق يتزايد بالكنانة بعد هبوط جبل قاف الى ان يقيم ثالث الميمات فى نبع العدد ويأخذ النفاق حقه
ويتناقض فى عقده وينتظم المنوذ على الاصطلاح الامور ولا ريب فى تغيره وتبديل بل قبل يكون الحركة
وتدبير خفى يكتم ويظهر شهر الواو وهذا الميم لا تنى فى الدرجات فهو ثالث الميمات هنا وهنالك وصفاته
عام من غ تامل ترشد الى بعضه والله الموفق بمنه واما قوله ولا تنسى رحبة احمد فانه الاحمد وبسببه نال الطفات
تحمد فواضح واحمد هذا اشارة الى حرف حاء تقديم واحمد بعينه لا اسم او يكون فى اسمه حرف حاء ومن بعده
يكون نقض وابرام الى رجب الحرام ينتهى الى تاديب وتشتيت لبعض الاعراب وميم الوقت له الغلبة وقاية و
الاستمرار الى ميقات سباته والله اعلم واما قوله تبديل الادوار تحصل صكة الحتم فى طم سنين يشير الى نجم
رجيم وقياصرة سلطنته بين جنبه وحضرته ومن بعدها الحمد والمجد هذه عبارة فروع الشجرة النعمانية وفى
شرح الدائرة لبابل قدم الامام يحيى بن عقب ما نصه ان اصلح الدول بعد الصحابة الدولة العثمانية لعلها
مذكورة فى كتب الاسرار الخفية باشارة الاية القرانية قوله تعالى ولقد كتبنا فى الزبور من بعد الذكر ان
الارض يرثها عبادى الصالحين قيل لم يكن بعد دولة الصحابة اصلح من الدولة العثمانية ولا عدل الاية
اصلح انقياد الهم الى الشرع وسيظهر لهم دولة عظيمة ويملكون ديار العرب الى تخوم الروم ويستمر دولتهم الى

ظهور الحكم والقيام عنهم اذ ذاك بحروف السنين صاحب التمكين كما ان انشاع دو دنهم على يد حوف سكن نغمة الفا نح
للافاق باذن الملك الخلاق فتامل ما بينا لسنين ترى العجب العجاب والله تعالى هو الهادى للصواب والبه المرجع
والماب نعود وانعطافا الى ما نحن فيه بصدده من ذكر الحوادث الكونية المخصوصة بالديار المصرية على دون
التفصيل الاجمال انه قد جرت عادة ارباب الحقائق التقديم والتاخير ولبين ذلك بعجيب عندهم قال فى ترجمة
الدائرة الكبرى وبل للقاف من الطاء والعين كانه يشير الى حرفين نحيلان قاف الكنانة عند قيام السنين فى
بكظ سنين ثم رجفة الاموال تليها ترحمة الجيم على الفور ثم خروج عينا الى الثانى وقدوم ابراهيم الاول فى
سنين صالح تعمر به اقطار الكنانة قال واعجب سلخ رجب وعلى راس القران العاشر تقوم بالكنانة جيم الاسلام الميم
الاحمد ثم ميم ثم حاء فى مدتها قيام الجند مراة كما تقدم قتل ميم محمود قائم بالكنانة صحوة ثم خروج فرقة من
الافراد الى الخلاء وفتح الياء سنوة وفى عين الياء تقدم الغين بالطاف الامر يومئذ لله ولتسكن الحركة حتى
تقدم ابراهيم ولذا القاف قتل من جند الجيم تلوه رجفة الجيم فى زيغ سنين وهى رجفة كبرى والميم له ١١١٤
التقديم على يديه قتل زيغ وامر فضيع ثم نفى وطرد ونتظم للمنثور برهة ثم تقيم جيم جعفر بطاء عظيم برهة
ايضا ابتره وتقدم ميم محمد على يد حركة قاف القاف تعم الاطراف تطعن بالجيم الى اليمين فتحشر صفقته هناك
ويرجع ناكثا على عقبيه ثم رجفة الزور ادبعداد تظهر راء الجيم ويرجع سليم تلوها وحشة بين قطانها وقتا يليها
برهة فالجيم نائمها والحاء قاصمها والمترادفات الميمان على اثرها وقاتة الدال م م م فافهم اشارة المثال
باد العساك تعثر على ما يبطل القيل والقال وذلك يزول بسبقه حاء باقيا لا استقلال الا فى عام الدال عند
المحاكمة تكون المصادفة هناك تنقرا طيار الاعشاش كما اشار اليه الصدر القونوى فى شرحه على هذه الشجرة



عند ذلك تسكن الى الهاء وفى الواو رجفة رابع ميم
تستقر منقبات بسكينها دق الثبات فى عين فتامل
هذا الرشد ترشد الى الصواب انشاء الله تعالى
والعنا الى اشارة افتراق كلمة الجيم فتامل ذلك معناه
تعرف اشتراك الحروف فى العيش والله الموفق لا رب غيره
باسلام سلم يا بنى كلم رجوع واستدراك الى
اشارات رموز الدوائر الثلاث سر ذا ادفنه صاحب المفتاح فى كتاب التعريفات فى هذا الشان عن جابر
فلهذا جعلوا الاشتراك فى الحروف حتى يظهر الاستنباط من الحروف وعلة هذا الامر ان تتم الكم كما غلبه لا
صطلاح الى ظهور الحكم ... فنقول ايضا لبيان الاشارة ان فى لواء نوع رجفة عظمى فى الكنانة بين

حيبها وقائمها تقضى الى تغير وتبديل فى المراتب وظهور فرقة الى المشرق منها مفصل فى حواشى على دايرة الشجرة
للامام الصفوى شارحها ونقل الاول بعد قراءتها على المؤلف قال رحمه الله استخرجت من حبول الاستدلال
رموز احوادث كلية اغفلها الشيخ فى دايرة الصفوى خشية كشفها منها احادث تشتبى شرف خان نبط الفرات
تشرعل الكنانة يلوذم منها بروز فرقة من جنبها الى المدينة النهياء صاحب دايتهم حج ينتهى سيرهم الى حصن وان
اوان سيفهم ويوجه المصرى الى طعنه ثم رجبه مكه من حلفها فى مقام حلو النون تترتب عليها ظهور طائفة
مع الترك ينتهى سيرهم الى مكة لاعيرثم تسكن الحركة ويعودون الى الكنانة ثم عام الطاء رجبه القاف الباغى
يفوق قالوا ومن جملة مما تضمنته الدائرة من الاسرار الجفرية اشارة الى الم غلبت الروم الاية الشريفة الى
النون من سنين فهم ومن جملة ان هذه الاية الشريفة انطوت على اسرار كثيرة تجرا ندوضع الشجرة فرق
حروفها وعقودات اعدادها وعماها تعمية حتى اغاب على كثير علم ما تضمنته من الاسرار الحرفية وما انا اذكرها
فيه راية المتامل اعلم انه قد جرت عادة ارباب الفن بالتقديم والتاخير خاتمة حرفية كل ذلك غيرة على
اسرار الحق حتى لا يطلع عليها من كان اجنبيا منهم لا يزانا تكسرة بعضها اظهر من دطنها رجوع الروم الى ارض
المغرب واستيلائهم بطريق التغلب على غالب الارض وفى نون سنين من نقطة يضع اشارة الى ظهور الباء الذى
تمهد الارض للميم القائم للسيف واما عدد بضع سنين لا يخفى بالقدر المذكور الا اذا حولنا القاف والباء
الطرفية واخرجنا معلوم الطرح تحصيل المطلوب الذى هو الغرض فتامل تر تسلو والله يتولى الصالحين
ومن جملة اسرار الشجرة التلويح بالجمرة التى تظهر عند الفرات لا بحرة وهى القوم فخمه تشير الى قيام خارجى بارض
المشرق مفتاح اسمه خ ذ ا م ا ض ع ا ن ا وهو اعجمى الاصل ينتهى سيره الى شط الفرات ويرهقه خليل خان خيل رض فى
تكبر فى كبكبة عظيمة تنهيم الاعجمى فى رجب وتتصل الاضيا د بالعثمانى وقد عزم الى الخروج الى ارض داراب
والاشارة تقع على عام السين واما حوادث الكنانة فهى كثيرة فى الجزئيات يعسر ذكرها مفصلة مرتبة عوامها
لضرورة معدم دخولها تحت الحصر واما الكليات من الحوادث فى خبايا الرموز المعجمة غيران لها طريقة
مكتومة عند ارباب الفن يعرفها لكيتا استخراج مكنوناتها وغوامض اسرارها معرفة مواقيتها وهى
قاعدة عظيمة النفع كافية وذلك ان تاخذ اى حرف انبهم عليك فهمه واى اسم من الاسماء فبسطه الى ظهور
تمامه من يجمع اعداد الشق جملة واحدة ثم تستنطق الاعداد وتعرف وجوبها حروفها وتنظرها نظرا
ثانيا فان كل حرف منها انا اخذت عددهم وبحضته الحصل المخصوص نطق لك بادنة الوقت والعام واعلم
ان الدائرة المذكورة الكبرى دموالشيخ فى حروفها الاسماء التى فيها من اسرار الدائرة الكونية ما فيه كفاية تتم
وتضع لمن اراد الاطلاع الى ترى اشارة اسوان النيل لك يشير الى ظهور سعيد الى احصائها الجمية ليت

ليت شعري هل عرفتها وعرفت اولاتها الاربعة ملكيها معهم او عدلت عن ذلك واكتفيت بظاهر الامر عند
قوله عند تحكم الشنوان وتكثر الخصيان وتضعف غلبة السلطان حسب الامر على ظاهره فقد يرتغى باطن حوادث
كثيرة لا يطلع عليها الا من خرج القاصات المذكورة هنا واستنطقها واعلم ان مبتداء معظم الحوادث عام عنه
وفيه يفتح الباب لظهور عظماء العثمانية الى طلب فتح الجزيرة وذلك باذن وم وصدره للنبات م م م م
فافهم الاشارة ولا تطلب العبارة فانها اشارة واعلم ان دم ثقلب الباب ثم صح كثيرة
م ح س م ص ا
باعظم مهام وسد رجال في سنة ويغلب باعظم مهام صعب صعب عند ذلك بقوم الروم على ساق ثم تقع
في البحر سبب تحامرها الى حرب شديد وقتال مع اهل حصن صيم عند التمر وفي عام التاء تجمع الاخبار ويتم
الحرب بقية العام ولا يتم فيه الجزيرة الا بعد الثلثاى عنه وينفرد الميم تقبال الاعداء برا وبحرا وعند ذلك تكون
رجة بارض المغرب وقيام طامع لا يبلغ قصده ويتعدى حتة برهة ذر رجال الجنة فافهم واعلم ان بعد عام
عام الواو امور غريبة واحوال عجيبة منها اختلاف طائفة من قطان الكنانة على فاعها اذ ذاك وتغيير و
تبديل في المناصب وهياج بين جمادى ورجب وفي شوال زال الحال وكثر الجلال وظهر المحال والغش في الادوية
والجبال فافهم وقوله اذا قابل المريخ صوحه نحل فذلك اشارة الى قران كوكبين عظيمين يحدث من تاثيرهما
حركات علوا وطلبسية معظمها بارض مصر وضواحيها قيام قطان الجبال والبراري فقتل ونهب و
غارات بكين لها وحشة وشاعت لجنبها داوازدها فتامل ذلك م ع ام م م م ح ح افد الكى
ورفع وخفض في اهل الرتب ونزاع من عز عظيم حتى تشتت الوصف ثم تتفرق الكلمة ع ع م عين عين
بين القطان والاعوان وينتظم ما كان تبدد قبله بالاتفاق ويتم النفاق بين الرفاق ويخفي عين من هيم وعلى
كاف من ملو وعلى سين من سين باحا باحا باحا باميم يا فاء الباء واما السع س
من شجرة ويخفي عليه من الحجرة بالمجازاة الوفية وما عنده درزبزر وفي عام عدس قيام الفاء وقيامها من
الجيم عزا العدية ويتم النزاع بقية العام وتزداد الاخبار من الباب بنزاع بين الاعراب الا تراه فتدبر
هذه الرموز وفك دائها الستانو واعتبرها من باب الاشارة تفهم العبارة ولا تقف مع ظاهرها واعلم ان
في لفظ كوكمص حروف هي الـ دام ص د ع متى تفطنت اليها وعرفت اصل تركيبها
علمت ما فيها من اسرار الحوادث م لـ ش ن دم وهي ع ع ص م ف ح ح شعر
على بختنا العوافي من معادنها وما على اذا لم تفهم البقر رجوع واستدراك
الى ما نحن بصدده من ذكر رموز الشجرة العثمانية والتنبيه على اشاراتها والغازها قال صاحبها لا صل مصر
لا تزال بادعر ولا تنقال الا مور صوادعة ومع احكامها مخادعة حتى يقابل المريخ كيوان في احد عرضه من المريا

تخرج من بني آل عثمان قد بحثنا عن حقيقة ذلك واغنيناك عن تعريفات الحوادث فان قنعت فيها والا فاطلب
البيان بقاعدة اعملناك بها فيما سبق او بقاعدة سرية اوضح من الاولى وهي في بسط حروف التسوق من حد
نفطر مصر الى نفث الميزان واجمع اعداد ذلك جريدة واحدة واسقط الحروف المائية منها وانظر فيما بعد
الاسقاط فكل حرف ناري يتضمن اخبار الافراد من رجال الكنانة وكل حرف هوائي يتضمن اخبار الوارد
عليها من رجال الباب العثماني وكل حرف ترابي يتضمن اخبار قطانها بداخلها وهذه طريقة عجيبة غريبة
قل من يعثر عليها من كتاب بغير مرشد حكيم خبير فاذا وقفت على حرف من اي طبيعة كانت من الطبايع الثلاثة
امحضه محضا محكما بطريقة المعروفة حتى يظهر لك تمامه منه ارجع الى اخذ عدد التسوق الجملة وعربه وفق الكل
في مربع واستنطقه بجفيل لعلم الشافي عن اخبار محققة ادرجها الاستاد فيها غيرة عليها حتى لا تنكشف لغير اهلها
كما تم لها الهذى جرى شرط القوم بحكم الاصطلاح المتفق عليه تدبر هذه ص م ع ق ل ع ص و د م ر ت ق
تدبر هذه الحروف والله الموفق فصل خاص باصحاب الكرسي سنة ١٢١١ فيه ذكر ما بين النفرتين من قيام
سين الفتح الى ظهور سين الختم وخروجه من سجن سجيته واعلم ان ذكر الكرة في هذا الفن غير مفيد وانما
المقصود منه ذكر المستقبل فان الحاجة اليه اكد واحسن ما المكرر والغابة فحققنا ولعا ما المستقبل فهو
المطلوب والمراد متى اردت معرفة كرسي ملوك الدولة فخذ سليم واعدادها وزد عليها ان تعرف المدتين
لا محالة فالمدة الاولى تختص بهم دون مشاركة وهي في عدد اسم سليم والمدة الثانية في عدد الف
نون تكون مع المشاركة ومبتداءها مقابلة المريخ كيوان في اخذ درجة من الميزان وهي اشارة لخروج
المنبه عليه فافهم رمزه واما عدة الملوك فهي الباقي بعد اسقاط الجملة الاولى كل حرف اول اسم الملك
ومدته في شكل طالعه وآبائه والتصريح فهو لا يليق ادبا مع صاحب الاصل والله اعلم فصل يذكر فيه نبذة
يسيرة فيها تنبيه على ملوك الدولة التي غلبت المدة الاولى ثم الى غاية المدة الاخيرة التي هي غاية الغاية
ومحل الاشارة في الآية قوله سيغلبون ١١٥٨ ولحكم لله الكبير وهذا اسمائهم س ي س م ا م ا ن س
م ن د د و د د و ن ی د م د ل ٣ اوهان ارخان ختم دايرة ولقوم النايم انا نام القايم
وهو الهايم وفي حركة حرف عام الدال التي هي دال النون الفتن تنبيه على قيام الحرب في الثغر البحرية على
حصون الجزاير واجتماع كلمات على كلمة مجموعة والنصر لحرف الجيم القايم عن اذن رحيم قال صاحب
شرح التوقف على شجرة اذا كان اخر الميقات يظهر الشقاق ويكون الصاد بالمرصاد في سدة الباب
العثماني تقوم بامره سيته رحيم الولي الحكيم ويتفق بالميمات وساير الجهات حتى يتصل الامداد لحاقطا
البلاد وذلك في عام القابل لعام الارتباك وزمن الاشتراك وهو وفتح باب يعقب الجنود برا وبحرا

حنظل شصت دانه ريز ريز
نموده پس بوته زرگر گوسپيد
برانها پاشيده بعد از يك شبانه
روز تقطير كند بعد منقطر را
به تنقيه و تشويه بخورد ديگر كرده
يكجا كرده
دهد بعد يكي ركب زيبق مغسول
باگوگرد صلايه كند در روغن روس
مقطر را براين افزايد و باهم
صلايه كند در پياله چيني مطلي
دس شديد دهد بعد روغن
نشادر و كلس تنقيه و تشويه كند
قطره قطره دو مرتبه امتحان
كند بر صفحه زهره تا اينكه همه
صفحه را بگيرد تمام است

وقيام الاعدا على ساق ومجي صاحب الغاطات بدم مهراق ويخيني على اهل الجزيرة الاندلسي من قايم يجد
فرصة تكون الحركة العثمانية المغربية ينتهي امرها الى فتحين ثم تمكين اسوان برهة من الزمان في صورة
عصيان مع قبايل العربان ثم يرهقه المصري فيفر طالبا النجاة بنفسه فينتهي فراره الى القطر الاسكندرية
فيجتمع له خلق كثير على حصن هناك وهذا الثاير هو رابع الحاج فتدبره [وح ر ا د] والمصري
راتعا الى قيام الوقت هذا هو السبب الموجب للحركة والله اعلم واما المدينة المحدثة فيملكها عين رومي
الاصل وهي مدينة سوف يجد لها قوم عزبي جبال مصر وبحيرة ولها برهة حتى تقوم العين الرومية مع العين
المصرية ويكون الاتفاق على اخذ حصن القنطرة ثم يجتمع صاحب الخزاين وهو الولي الصالح والعزيز السايح
الذي يتم سعيه بالمغرب ويتفكر وينفذ كلمته بالمشرق والقايم بامره الفار من اسوان مصر وهذا محل اخذ
جزيرة الاندلس من ايدي الكفرة ورجوعها المغرب لا فضيحتهم قال ابن عبود وزين الدولة صاحب
قرطبة من ارض الاندلس في كتاب تاريخ الاندلس سنخرج هذه الجزيرة من ايدينا ويتغلب عليها الزناطي
برهة ثم ياتي السايح والهارب فيستنقذونها بايديهم اما الهايم فيسقط حصنها الاعظم وهو الذي
اشار اليه صاحب المفتاح عند قوله فيملكون الجزاير ويفتتون المداين واسم هذا الهايم عن الدولة يقال
انه عبيدي الاصل مولده بجبال التكرور وهم اخوال الروم بعد التمكن بتلك الجزيرة يقوم مع الهايم فيقد قومه
فيهما ويعقد اجتماعا عظيما ويريد الكنانة فيقوم عليهما القايم بها حوف الميم وهو رجل مغاربي الاصل
يظهر لهما بجند الكنانة نيف من عدة الكاف الوف فيقبل سيره ايهم الى المدينة الغربية بشاطي البحر الرومي
فيقتتل معهم ثلاثة ايام ثم ينهزم الهايم ويقبل الهارب ويرجع المصري الى الكنانة بنصر عزيز مع جنده
وحفدته ويقيم بقية عامه ويأتي بيديه من خلق ويخبر القيام خارجي بنواحي قرمان فيقرب الكنانة و
ترتج رجة عظيمة وذلك في عام ب س ح فيهم الاسادة ويقدم وارد الباب الاعظم بسبب جلي يترتب
عليه ظهور الجند تحت راية جندا اليه لقتال الاعداء ويضعفون عنها محرم فينتهي سيرهم الى العين تاب
فاذا وردها بشرها النصر وهو المخبر الصادق بان الخارجي قتله اصحابه ثم تفرقوا في اقطار الارض
وعند ذلك يرجع الميم الى الكنانة فيدخلها في رجب من السنة المذكورة فتامل ذلك تجده في جوامع
دائرة الشجرة ملخصا وتدخل سنة ح س العين فيها تسكن الحركات وتخاص الكنانة الا ما يقع في ضواحيها
من الفتن بين الاعراب شرقا وغربا وفي الغاية العام يقدم وارد الباب وهو القايم باذن مليكه الفرج
تغرج بقطان الكنانة تماما الفا يوم الاعشرة ايام كلها سكون حركة وفي غاية المنفيات حركة القوة مع
اخبار ترد من جهة الباب فيها منافع كثيرة لاهل الاقدام وارباب الاعلام يترتب عليها نكبة الثوري

حتى يموات وينعقد الاراء على احياء ما كان قدمات والحاءات مع الميمات والقائم فى الوقت يطمع فيخذ
الطمع حتى شديدة الفرج ويروج عليه الامر حتى يرهقه نافقته من قبل المشرق وهو حرف الف يقدم برايه و
يدخل على الكنانة فى كبكبة عظيمة على بيق ف وفاء وتجديد فى اكثر المراتب وتغيير وتبديل بعزل وتولية فى
الجمهور وجمع الاموال من مخالفيها محالها وغير محالها تزيد الافراد فى ايام حسن وموت اربعة بالاجل
ثم العاقبة الحسنى الميم المجيد والشرف يا ميم يا حاء يا احمد يا عين للب العين
ميم المحد فليجد من الخل الحميم حال بنا جوا د البنان فى مضمار البيان حتى به اما لا تقبله
العبادة فانهم قال شارح التبغية فى حوادث دسغ اياك والهجوع فانه غير مطبوع لصنى وذو ه موص الجوع من
اشتبه هون ومن نام حزن وترتج الكنانة برهة بقية العام ويا تى خروج الامام من قبل ملك الكلام ويرد
اخبار ارض م ى م ن عما هناك سيكون بالالف لام را قد يا حارس وقم يا ناعس وجانبك الافاطس فهم
عوابس على ابيك يعوث من احتكر القوت والميم اليا مع الجيم وندخل سنة هاء سين العين يقوم فيها
خوارج حوادث مع قيلم رب بادية العراق ويقبل الاخبار لصاحب الباب العثمانى فيبذل صد خروج
سين مع مهره الامين يخرج فى عدد العين بلا امين ينتهى بسيره الى الباب الحديد لعزم شديد حتى يلتقى
بابو لبيد بن سمر بابو شبيل ويذيب عدة اشخاص من قطان الاقفاص ولات حين مناص من الهالع سلم
ومن ابا ندم وتتم الحركة شهرين على نية الخروج ثم تسكن الحركة باخبار ترد من جهة المغرب لا اصل لها
غير انها تفيد تسكين الحركة لصاحب الحركة فى بعض ركابها والبشرة فى اهل البرية انسادة الى قيام عظيم الجموع
كثيرة فى بادية غربية مصر وهم اجناس مختلفة من جهات شتى على قطر او حلبسة ويراد لها صاحب رايتهم
على ص ح بعضده ميم حميم تكرورى الاصل حبشة عدة ٣٣١ الوف السنة مختلفة وهم بقصد ونحو يب
برارى مصر طبعا فى حنوبها وترد اخبارهم فى ايام الوفاء والناس فى غاية الصفا يلوم من ذلك طلب النجدة
وخوف النفى بقوم القايم بالكنانة اذ ذاك يريد الخروج فيعترضه عن الافراد بها وهو ميم وحاء ويلزم
بردهم فيختار عدة الدال عن قطان الكنانة وتوصية الجمهور فيخرج بهم الى لقاء الاعداء حتى اذا كانوا
با قصى سعيدها والجمع هناك وردت اخبار البقاء لهزيمة يكون من فتنة بينهم سببها الميرة فاذا تحققت
الاخبار بهزيمتهم رجعت الجنود مع الميم والحاء الى الكنانة يدخلونها والطالع الميزان وتسكن الحركة برهة الى
عام عين النبي والناس با من عام فى مناذلهم ترد اخبار للشرف وارض الزوراء بقيام صاحب قرو بن وارد
بجنود كثيرة يقصد دار الخلافة ويشددون التفتيش حتى ينتهى سيرهم الى مرج العذير وهو بالقرب من شط
دياله خروج المبهم القايم اذ ذاك بدار الخلافة وهو ميم بن ميم يعضده صاحب البصرة مع مخبذة ملك الورب فى

سنة الهاو

في عدة الف الوف ويكاتبون صاحب الشهباء وتتصل الاخبار بصاحب ديار بكر فيكتب الى صاحب الكرسي
بقسطنطينية فيجهز جيشين عظيمين ويتبدد قطان الكنانة فاذا وردت الاخبار واراد والظهور لا يتحركون
من منازلهم وتورد الاخبار من جلق بان البغدادي ظفر بهم وهزمهم وغنم اموالهم واسر من رجالهم طائفة و
وهذا الحركات غاية صاحب قزوين فلا تقوم له بعدها قائمة ثم ينتهي ميم الباب الى ديار بكر وحصن وان فيقيم
بها محافظا بقية العام ولا يحضر لواقعة لانفصال الجيش قبل وصوله وترد الاخبار الى جميع الاقطار بنصر
الجيش العثماني على البغاة وتفرح اهل الكنانة اذ ذاك فرحا عظيما ثم تسكن الحركة بعدها عامين كاملين و
ويقبض القائم بالكنانة ناقصة من قبل الباب الجسكاري في عام زعغ وذلك اذ احصل النقص والتحديد
فيهم واكثر فان هنالك سر وكان عظيم نظهر من كمين الغيب بلا ريب فتامل ذلك تجده في اوانه ولا تحتمل
العبارة فوق ذلك والله المدبر لك وعبارة محمد صاحب سليمان اذ انقد عدد زعغ ارتجت اقطار الارض
في طولها والعرض ثلاثة اشهر حتى يسكنها صاحب الجيم والسين وهو القائم بعهد الف وميم وامل بعد ميم
وراء وميم نظهر عند الاصباح تكمل العدد ويعطي المدنف وسيكون في الارض حركات وحوادث في كل
دور بحكم طوالعه واقتضاء امات الكواكب وتجلياتها فالقدر يتجدد ذلك على طبق ارادات العزيز الحكيم
وكل حركة سماوية حيث بحسبها حركة على وجه البسيطة ولا يزال هذا الامر على هذا الحكم الى انتهاء المدة المقدرة
الثابتة بالنص القاطع قوله تعالى فهم ينظرون وذلك اشارة الى الحركة المحيطة
بالعالم اعلاه واسفله فتحوادث الحوادث المترتبة على الحركات العلوية المسماة بالاقترانات والمواصلات وهي جميعها
اسباب ووسايط المرادات الاعظم تلك الاسباب انتقال الامر من دولة الى دولة لا في ذلك من سفك
الدماء وسلب الاحوال خصوصا اذا كان الامر في ملة واحدة اما اذا كان في ملتين فغير عجيب وهو اخف
من غيره بالنسبة اليه وسيظهر من ذلك عظمة اذا انقضت قاف الجيم وقامت ميم سليم تفتح باب الجيم بكون من
التاخير والتقديم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم سين وسين وسين وسين يلحق من امن وصدق
ونظر وحقق ياق فذهب الانصاف بالسين ملك فبالحق شيئ الهدى عند قوله ثلاثمائة الجند بحد
الغرض المطلوب ولا تحمل في الخاطر محظوب بنت واسطة المقصود من بعد لا يبقى لعهد لولا العثماني في بحر الكرم ما
ويطش الي كما في فن العقول الجهلية يحوزوا الدولة السعيدة تلحق العهد الكبير وتقوم عنا السوء تمكو بالبلاء
هذا وقد حضر فتح ارواح الفضلا عن الاشباح يا هاغم يا باعجم فان في ذلك لذكرى لمن كان له قلب او
القى السمع وهو شهيد واما طاهر سين فهو ميقات المتعينين واما السين الا ريب القرين وسبل لمن يعرف فقد تقرر
عند علماء الرسوم ان المغصوب لا يبقى والغاصب محروم وسره غير مكتوم وفي جوف الدائرة في بعض اركان

بسم الله الرحمن الرحیم

کل بوطه باشیرهٔ خرما که سیلان پوخته باشد خمیر کرده قلیلی پنبه بکمهای بخورد دان داده چندان بکوبد که چسب نیاید

زردو ورق صد مثقال بعد زرنیخ در آب نمک لسویند تا صد مثقال باشد بعد آن کل را دو بوطه بسازد که جای صد مثقال هر کدام باشد و زرنیخ

صد و بیست مثقال بعد لسویند با آب نمک بعد زرنیخ را در آن دو بوطه بریزد و بوطه دیگر بالای او بگذارد

بالای بقدر سوزن جوالدوزی سوراخ باشد و بر سر کوزه زرکی بگذارد که زغال داشته باشد و بدمد تا دود سیاه از او بلند شود باز بدمد یکپول سیاه در دست داشته باشد سر آن سوراخ بوطه بگذارد تا سفید شود و اندکی از آن کل داشته باشد که سر بوطه را مسدود کند و بدمد تا دو ساعت بیرون آورده چون سرد شود بوطه را بشکند زرنیخ نشسته بیرون آورد و وزن کند بقدر ربع وزن آن ... بدران داده ... ثم بعد بقدر نصف وزن ... چون شمس خالص برابر آن ... برابر افزاید بعد بیاورد ... نشادر ... ٢ ل ... ٥ ل

وفی بعض ذلک ان جهاتها بذکو صکة الختم وهی الامر الختم فیهم ما اشار الیه صاحب الشجرة عند قوله تقدیل الادوار ثم اشارة الی میزان العدل و تغلیه وسیذهب دفعة **حل قران ظهور ق ف مصر**

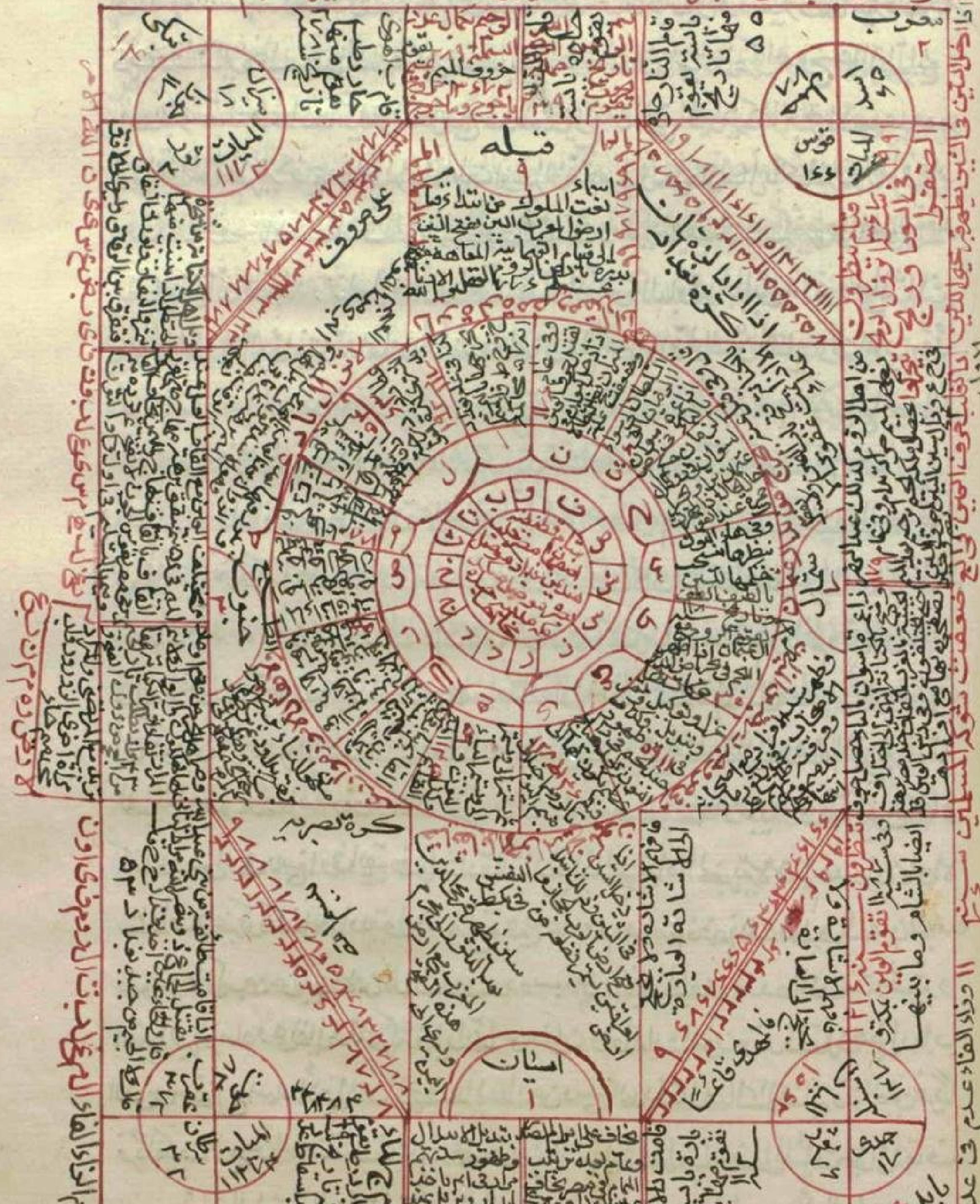
بالتاریخ علی الاثان صحکم الطوالع تنطل تجبر المنازع من کان بالله تلعمز کان علی الله خلفه فی بعض الفضلاء قال خطل شتی من دیناس البحر الهوائی فنبت والاستمداد من المرکز الذی علیه الجمهور کما قال ذا ان الذی الف رسالة مساحة جزیرة البحر وهی الاسکندریة المصریة سیظهر فی دورة الحروب ذکر مدینة بدنی ینتهی امر القایم فیها الی جمع جنوده وانطال واقبال رجال واتی رجال قال عبدالله البغدادی فی شرح رموز الشجرة انا نفذ عدد اصحاب الکراسی فی الظهور ورجع الامر الی اولاد البطون واولهم حروف السین اللحی بعموم اولا من وراء النهر بقود الجیم عنه عین الوقف فاذا جاوز النهر طلب العمر ینتهی سیره الی قسطنطینیة العظمی یدخلها صحوة فی رجب یا بعیر رجال الباب علی الرضا والشرط هنا یظهر مسحوره السنا بطلبکو ستیه فلا یعارض احد ولا یباویه اللحی مع رجال النجاة ویستقر صاحب القران العثمان علی ما عنه حضرته منه وذلک هو الرتیب واما اللحی فیقبض ویسجن بالبرج المسبع ینتهی امره الی وفاته وبرج قائدع حبشیه بالجیم الی خراسان فتغلب علیها قادر فی بلده مصر رجفات متی ارث علم ذلک فخذ عدد المجتمع معلی حروف الکلمة وسر بدو برج العدد الی ه ااهو ابتداء الرجفات فی بلاد مصر ویزداد الامر حتی یتعطل الطرقات وینتهی الحکم الی عام ٣ ٧ وقوة الحرکة فی جبال مغربها ویخشی علی اهل المغرب من حرکة وهم یقیمون بابها ونفوسهم صوابها وینتقل حکمها الی الکنانة وینابع وینابع فی عام ٣ ٧ ویظهر فی رجب من العام المذکور ارجیف کثیرة سواحل الکنانة وینقص افرادها اربعة وقیام القاف علی منصب کثیر وتری الناس سکاری وما هم بسکاری وقوله الحکم الرعیة تزداد البلیة المراد قوة اهل البادیة علی اهل القرایا واستیلائهم علی الاطراف و النواحی ثم یظهر میم مستقیم بالکنانة ویخرج الیهم بالجیش فی عوده ویلتقی معهم ونزاهم الحلق ویحصل الالف لبعض الفرق اذا اجتمعوا بادیة الفرق غربی مصر الی هم موادیة وخبیثة وتسکن الحرکة نحو که عام ثم تدخل سنة ١١٧ وهو العام السکون ینتهی ایضا الی ثم الحمیمة والسلامة علی القیمة فقوله وطلع من ارکان الدائرة تنور الروم بدلیل المعلوم الاشارة الی جیل قرق فی ابتداء حرکتهم سنة ینتهی الی عام ه ٧ والحرکة قائمة متسلسل امرهم ویزداد حصرهم والمحیط بهم صواعق للبیات فمنهم قوله اذا قابل المریخ وجه زحل حال الحال بالکنانة وعزها ملة قاعدة فلکیة نوقتها فی عام هانون الغین لان الامر اعظم لذلک الامر وسیجب حکم ذلک الی حال الحال حتی یعم البر ادی حیل الاسعاب لا رجال من الذنوب والثقال وتامل بسر یا غنین الجهر عنی وسمینی وانت یا ذبن عدتک دعی لاهل الحرمین خذ الاشارة من حرفین قال فی شرح التوفیق

... صلایه ثم بدرس بطریق ... کرده در آورد دفعه دیگر چنان ثم که شنجرف ... پس ... نرم ... بابه ٢ ل دیگر کلس ... کلس ... بگذارد تا ... روغن ازان بهم ... نزد همچون روغن ...

الاشارة تقع على عام ٥٥ ثم يتسلسل الامر الى عام الميقات تارة وتارة لتقضى الله امرا كان مفعولا
وهنا اشارة الى نقض قطايتها ٢ ١٣ ٣ فى لطف حال الحال فوحاسة وحال والاخرى لارباب المحال فتدبر
فانه لطيف حد الايكاد يتبين لبعد عن التعين فافهم واكتم فان الاسرار لا تتحمل فوق هذا الكشف مرتبة
والله اعلم لما رجوع واستدراك لما نحن فى صدده من شرح رموز حروف فى باطن الدايرة مموهة
فى شكل الحروف العربية وهى تشير الى اسماء اشخاص بالكناية فاختلف فى اشكالها وحروفها وقد تحتيت
منها هذه الاحرف مع رصع قولا وفعلا اما الاحرف فكل حرف يشير الى قد اختلف وصورة شخص من الاشخا
وهم قطان الكنانة من ارادة معرفة اسمائهم باخذ كل حرف على انفراده فيبسط تو لنكا من نفسه وعدد
اسمه بجميع سائر بطن من تو لنكا وعدده وينظر فى نطق الجملة يتضح له الاسم المز بور وهو خمسة اشخاص
ومنهم صاحب الشجرة فى الدايرة حتى لا تظهر اسمائهم بصريحا وسبب ذلك انهم اذ الفين وقتهم فى البقا
التى هو بعد حرف المكررة هكذا وغ مقدم مؤخر يكون سنة ١٢٤٧ حضرتية لا هجرية يظهر لهم شان عظيم عظماء
الوقت اذ ذاك ويكون ابتداء امرهم ضمير مستتر بينهم بعقيد خفى ثم ظهوره قولا وفعلا بعد مضى ثلاث
سنين من سنة ١٢٥٠ حضرتية وقد شددت فى امر الكتمة غاية التشديد الى وامر خشية القاء المرجعة ونذكر
طرفها يشير الى مارموزه وكموه حتى تحصل بلقاء التنبيه انشاء الله تعالى اعلم ان فى عام سين الفين
رجة عظيمة من جهة المغرب ترجف منها الكنانة اذ اوردت اخبار رجوع فى البرارى يقصدون الافساد
وخراب البلاد وهناك وهنالك يظهر شان الخمسة الرموزة بالقول والفعل وعندها تحكم العبيد على
الاحرار كما هو مشبه عليه فى ضلع من اضلاع الدايرة وقد احتاج الناس الى نصير وظهير وقوم بامر الدفع عن
الرعية فيظهر اشارة صاحب الوفق بطونا الى خمسة اشخاص من اهل الظهور ويجتمعون فى محل الكرسى و
يعقدون المجلس على مشهورة ويقع الاتفاق على وجوبهم فيخرج فى كبكبة عظيمة الى ملاقات القوم فيدركهم على
مرج اتفاق الاسرار بغوطة الفيوم من ارض مصر وتقع العين فى العين ويصطدم بالرأى الفرق نخوة فلا تزول
شمس ذلك اليوم الا وتنهزم البغاة ويتبعوهم قتلا واسرا ثلاثة ايام ثم يرجع جند الكنانة منتصرو
تاكيد وتسكن الحركة بهم الى عام الفين تختلف الميم مع الميم والقاف مع الحاء على منصب بالوجه الجنوبى
ينتهى امرهم الى مشهورة تكررت مدار حتى ينتهى الامر الميم ويقدم وارد الباب بعزل وتولية من هناك
وتسكن الحركة بالكنانة عامين كاملين ولم تزل مترتب حركات ورجحان جزئية لا كلية حتى يتم
عام هاء الفين وهنا ينقبض عنان البنان وقد الفنا رسالة وجيزة فيما بعد عام علم الفاء الى تمام
المدة المقدرة الحضرية فمن اراد الاطلاع على ورا ذلك من الحوادث الكلية فعليه بتلك الرسالة وهى كافية

فی علم الحوادث الی غایة المدة المقدرة المشار الیها بقوله تعالی ونفخ فی الصور فصعق من فی السموات ومن
فی الارض الا ما شاء الله ثم نفخ فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون واعلم ایدك الله بروح القدس انه قد جرت
عادة ارباب الفن بالتقدیم والتاخیر وتفرقة الوقایع فی عدة مواضع مراعات لحکم الاسرار الالهیة اذ قد
اجتمعوا علی عدم التصریح فاعلم ذلك واعمل بحکم الاصطلاح الذی علیه الجمهور واطلب البیان من طریق تولید
الحروف بکسرها وبسطها ومحضها حتی یظهر مکنونها ویتضح مصونها والله اعلم بالصواب والیه المرجع و
الماب وهو حسبنا ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی
محمد واله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین ولعنت الله علی اعدائهم اجمعین الی یوم القیمة

وهو هذه يثبت بدائرة الشجرة في سنة الثمانية في الدولة العثمانية وغيرها فافهم الاشارات



اذا نكت بها بقوم حرف العين الثالث فحبلى نعبا مو نبتد على ذلك امامها تغلب الحروف الا الف فيهما وعدد

ان وضع الثلاثى فيهما مركب وحروف الهجايئة مركبة فيها على نوعين فى دايرتين نورانية وظلمانية فالذى
قرب جوف الدايرة ظلمانية والذى خارج منها دايرة اخرى فهى نورانية وذكر البروج على الطبايع
الاربعة مفصلة واعدادها تدل على ان كل برج عدده لتاريخ من الهجرة المحمدية كمثل برج الاسد عدده ٥٥٤
وفى النواطق الجفرية خرج منها قولنا اذا قابلت اوحل الزهرة وجه زحل حال الحال بالكناية وغيرها فى عام
٥٥٤ وذلك خروجه بالاستنطاقات الجفرية والزبر والبينات وسياتى مفصلا او حكمية على الماضى والمستقبل
ولنرجع الى ما كنا بصدده من اسراره الذى تضمنته هذه الدايرة المباركة دايرة اخرى وهى الثالثة
فى علم ان الدولة العثمانية ابتداها من ستة ٦٩٩ وكمالها فى تمام ١٢٠٠ واولهم السين الفاتح ارض الروب وعدده
٦٠ الى تمام السين المجاهد بقوتية الى ما يشير سين الفتح وسين الختم وعدده ايضا ١٢٠٠ او يبايع الميم سلبة
قونية من ارض الروم وعدده ٢٠٩ واسماءهم قد تعددت اشخاصهم ومدة ملكهم فى تمام حرف
واعلم ان الاشارة مثبوتة على اشارة على انواع شتى كمثل حرف ميم هنا الى اشارة الى ملك والى مصر والى اسم
هو فى مبتدا حرفه كمثل محمد ومحمود ومصطفى ونحو ذلك وان كان متوسط فهو يشير الى اسما كمثل احمد
وسليمان وحامد وعمر وعمران ونحوه وان كان متوخر فهو كمثل سليم وحازم وكاظم وقيم وقوم و
قيامه ونحو ذلك وكقوله يحكم الميم فى ميم فهو اشارة الى احد الرؤساء يتغلب فى مصر ان كان هو الحرف
الماخوذ من كرة مصر وان كان فى غير مصر وكان يتغلب الميم فى ميم فهى اشارة الى العدد اما الهجرية واما
الجفرية فهو عددها تسعين وان كان متحركه وان كان جامدة فهو عدد اربعين وان ذكر يكون كذا و
كذا فى فرصنا او فى دسغا او فى ايقع فهو اشارة للتاريخ اما الهجرية اما الجفرية الا اسلم حد وان كان لا
شارات فى غير كرة كمثل نغبا بقول فتنة تقع فى بلغ عام حم وهو ٤٨ فخذ ذلك فطرها العين الجامدة
فهو معز لاموكب من حرفين ولا من ثلاث وهو عدده سبعين والغين الجامدة عددها الف نسبة سنة و
العين الجامدة وهى نقالها المتحركة زيارتها من سنين وهو الباد والنون وقد تصدى بعض ارباب
الفن واستخراج اسماء الافراد من الحروف والاعداد من دسغ العد حقق لهنالك الى نهاية قاف الغين فرگا
فرگا فكيف خرج من الغين قاف فعلم انه على ضربين بالتنزيل فى المراتب او على المباينات فيقال الرقاف
الغين واما من المباينات الى العشرات فيقال له باء الغين او ياء القاف ومن العشرات الى الاحاد فيقال له الف
الغين او الف القاف او الف الياء فيتركب هذا النوع غين قاف غاين قاف قاف اوكيتب
هكذا غ ق غ ى ق غ ق ى ق اوكيتب هذا غق غى غاقى قا وان ذكر كاف القاف
وذكر قبلها ميم الختام وميم الصدر المقدام او قال كحوها وقال كاف القاف فهو اشارة الكاف فكانه يقول

ان وضع الثلاثى فيهما مركب وحروف الهجايئة مركبة فيها على نوعين فى دايرتين نورانية وظلمانية فالذى
فى جوف الدايرة ظلمانية والذى خارج منها دايرة اخرى فهى نورانية وذكر البروج على الطبايع
الاربعة مفصلة واعدادها تدل على ان كل برج عدده لتاريخ من الهجرة المحمدية كمثل برج الاسد عدده ٥٥
وفى النواطق الجفرية خرج منها قولها اذا اقابلت او حل الزهرة وجه زحل حال الحال بالكناية وغيرها فى عام
٥٥ وذلك خروجه بالاستنطاقات الجفرية والزبر والبينات وسياتى مفصلا او حكمية على الماضى والمستقبل
ولنرجع الى ما كنا بصدده من اسراره الذى تضمنته هذه الدايرة المباركة دايرة اخرى وهى الثالثة
فى علم ان الدولة العثمانية ابتداها من ستة ٦٩٩ وكمالها فى تمام ١٢٠٠ واولهم السين الفاتح ارض الروب وعدده
١٠٤٠ الى الختام السين المجاهد بقوسية الى ما يشير سين الفتح وسين الختم وعدده ايضا ١٠٤٠ او بيايع الميم سيلبه
قوسية من ارض الروم وعدده ٢٠٩ واسمائهم قد تقدست اشخاصهم ومدة ملكهم فى تمام حرف
واعلم ان الاشارة مثبوتة على اشارة على انواع شتى كمثل حرف ميمها الى اشارة الى ملك والى مصر والى اسم
هو فى مبدا حرفه كمثل محمد ومحمود ومصطفى ونحو ذلك وان كان متوسط فهو يشير الى اسما كمثل احمد
وسليمان وحامد وعمر وعمران ونحوه وان كان متوخر فهو كمثل سليم وحازم وكاظم وقيم وقوم و
قيام ونحو ذلك وكقوله بحكم الميم فى ميم فهو اشارة الى احد الرؤساء يتغلب فى مصر ان كان هو الحرف
الماخوذ من كرة مصر وان كان فى غير مصر وكان يتغلب الميم فى ميم فهى اشارة الى العدد اما الهجرية واما
الجفرية وهو عددها تسعين وان كان متحركه وان كان جامدة فهو عدد اربعين وان ذكر يكون كذا و
كذا فى غصن او فى دسغ او فى ابقع فهو اشارة للتاريخ اما الهجرية اما الجفرية الاسلحد وان كان لا
شارات فى غيركرة كمثل نبا بنقول فتنة تقع فى بلغ عام حم وهو ٤٨ فخذ ذلك قطرها العين الجامدة
فهو مفرد لا مركب من حرفين ولا من ثلاث وهو عدده سبعين والغين الجامدة عددها الف ستة ستينية و
العين الغير الجامدة وهى نقالها المتحركة زيادتها س سنين وهو الباء والنون وقد تصدى بعض ارباب
الفن واستخراج اسماء الافراد من الحروف الاعداد من دسغ المحقق لهناك الكناية ق ق العين فرگا
فرگا فكيف خرج من الغين ق ف علم انه على ضربين بالتنزيل فى المراتب او فى المئيات فيقال له ق ف
الغين واما من المئات الى العشرات فيقال له باء العين او ياء القاف ومن العشرات الى الاحاد فيقال له الف
الغين والف القاف والف الياء فيكتب هذا النوع غين ق غاين قاف قاى او يكتب
هكذا غ ق غ ى ق غ ق ى ق او يكتب هذا غى غى غاقى قا وان ذكر كاف القاف
وذكر قبلها ميم الختام وميم الصدر المقدام او قاف الكاف فهو اشارة الكاف فكانه يقول

كرسي مصر من قران قبا مدوا ما قوله ق في الجيم قاف لكن كقوله واما المغلوب جهو القاف في الجيم
سيظهر على ملك مصر وما يليها من الاقطار فاشار الى ان القاف يعني القايم والجيم يشير الى اصله وهو جهركسي صا
فانظره في محله تراه بتعبير حاء الدم وزمان انقضاء دولته كظ سنين وهكذا بقية الاشارات نوع اخر
اذا قال فاء القاف فهو ماخوذ من اخر لفظ القاف او نون العين ونون السين ونون الشين على ما سبق او قال
حاء الكاف ويا ميم العين فهو يشير الى حركة كبرى يقع بين ملكين عظيمين قاعدة اخرى لو قال سين النون
فن ابي سين النون سين بل بان النون تفوتها بلفظ العدد خمسين فعلمت ان السين من لفظ خمسين او قال بميم
النون فكذلك او خا النون او يا النون فكله من لفظ خمسين او قال ثاء الشين او لام الشين او ميم الشين
او ياء الشين فكله من لفظ ثلثمائة وامّا اللام فخرجها على نوع اخر من عدد ٣٠ تسقط بالتنزيل الثلاث
فيبقا ثلاثين فيقال له لام الشين فتسقط اللام تنزيلا فيبقا ثلاثة فيقال له جيم الشين وبالعكس
كذلك وتقبيز استخراجات الحروف على هذه الانواع التي تلفظت بها غيرا اما بالعددي او باللفظي
او بالاسقاط او بالمراتب في صعود يبع او بالاوشار اذا اجتمعت زايدا على حرفين كثلاثة واربعة
وخمسة الى ما لا نهاية لها كما تقدم وان كان الحروف لوضع الاسماء المتعددة فتركيب حرفين او الاسم
واخره منا ومنا فل الاسم فقط كمثل هذه س س س م م م ا ع ا م ا ن م د ما د ن فهو يقول
سليم وسليمان وسليم ومحمد ومحمود وموسا واحمد وعثمان وابراهيم وادم ونحوهما فافهم ذلك مما
ذكره الشيخ الاكبر ملكان الاصل ووضعه ورسمه في محله وهذه صفة الدايرة الثالثة



واعلم ان كل بلد تذكر في احد هذه الدوايرفاعلم ان لها كره موضوعه في اعدادها الدايرما بين الجهات
فاذا اردت علم مطرالامصار فابسط حروف تلك المصر التي تريد حوادثها مع تاريخ السنة التي تريد بابها
واجمع ذلك بالجمل الكبير وتضيف ايضا الاقترانات من اول الدايرة ان كان اول المائة او في نصفها
او ثلثها الى نهاية الاحاد والعشرات او الميات تكمل السنة والواحدة والحادية عشره والحادية والعشرون
كما تقدم وقس على ذلك وهو ان تاخذ الاعداد الاحرف حرفية واحدة بالجمل الكبير وتعقد جملة واحدة
ويزاد عليها مثلها مية واحدة ويعرها وقف الكاف بهطو ويلقط منها دوار حتى يتم لفظه فتنظر الى حروف
الملفوظة فتعزل احرف كل طبيعة وحدها اما النارية فتستخرج منها الاسماء والسلاح واما الاحرف
الهوائية فتستخرج منه اسماء الكتاب واما الاحرف المائية فتستخرج منه اسماء علماء الوقت واما الاحرف
الترابية فتستخرج منها اسماء رجال الوقت من الرسوخ والثبوت لهم واما مجموع العدد فينطق عن حوادث

الزمان

الزمان فی کل وقت واوان ولا يحتاج الى بسط تلك المسلد دعوة اخرى اذا عمرة لها الوفق بل اذا انفذت تلك
الستة تضيف اليها حروف طوالع الستة الحادية والرابع والسابع والعاشر فی مراتب الاعداد وتنتقل بالاحرف
كما وصفت تلك فی الاول فی مفتاح الجفر فتنطق تلك الحروف بالحكم والاسرار وتفك الرموز وتظهر اللغوز و
تفتح الكنوز وايضا يجتمع كلام الذى فی شرح الدايرة مطابق الحجاب الحروف المستنطقة فافهم ذلك السر المكنون
والوشی وسيايتك ختام الشجرة مرتب باحسن مقال انشاء الله تعالى

هذه الرسالة لسيدی عبد العزيز الوفائی رحمه الله تعالى فی العمل نصيف دايرة العمل فی الميقات بسم الله
الرحمن الرحيم قال شيخنا الامام العالم العلامة وحيد الدهر وفريد العصر المحقق ابی الفضايل عبد العزيز
محمد الوفائی الموقت بالجامع المؤيدی وغيره بالديار المصرية اسبغ الله ظلاله وختم بالصالحات اعماله اما
بعد حمد الله والصلوة على رسوله محمد خير خلقه فقد قال افضل اصدقائی عمل رسالة لطيفة التی سميتها
بدايرة المعدل لمحبتی الى سؤاله واسئل الله ان ينفع بها مالكها وقاريها انه على ما يشاء قدير وقد بينتها

على مقدمة وه ابابًا وخاتمة بالمقدمة في صفة الالة وكيفية رسومها فاقول جملة دائرة خشبية مجيبة او مجوفة
موضوع في وسطها بيت الابرة وحولها الجهات الاربع ومحاريب البلاد على دائرة وفي قطرتها مسطرتين وعن
جنبيين سطرتين احديهما للميل والاخرى لارتفاع العصر وقد توضع المحاريب في دايرة مطوية على شكل نصف
دايرة ومحاريبها متقابلة وهي الميف ويوضع قوس العصر والميل عليها ومن فوقهما نصف دايرة فيها مقصورة
مقسومة في اقساما متساوية هي النصف الظاهر دايرة نصف النهار مقسوم قسمًا متساوية بالنحاس يميل
اليه وفي كل بلدة بقدر عرضه ومن الجهة الاخرى علامة لاسم البلد ويثبت هناك بابره ونحوها فان كان البلد
لا عرض له نصبت على الاول لالنحاس واذا كان العرض انطبقت على ما تحتها وعلى دايرة العدل نصف دايرة
اخرى صغيرها سميتها بدايرة الميل تدور على مركزها لاخراج الاعمال وقد يكون مسقوفة ليرى منها شعاع
وجرم الكواكب وهوا ولى واما المحور والقوس الماسكة للدايرة فطومتان وكذا الخيط والشاقول وقد تمت
رسوم هذه الالة وبالله المستعان الباب الاول في كيفية اقعاد الالة على الجهات ونصف القبلة وهذا لا
يعرف بغير هذه الطريقة كالاسطرلاب وتتبع الدايرة المجيبة ثم تحرك الالة بالطف الى ان ترى طرف الابرة التي
على محاذاة النقطة التي انحرافها عن نقطة الجنوب الى جهة المغرب بسبع درجات فتكون الالة موضوعة
على الجهات وكل جهة من المشرق والمغرب مسامتة لنظيرها من الفلك وكل محراب موضوع على سمته فان
كان البلد المطلوب سمته ليس موضوعًا فاعرف سمته من جدوله وعد بقدره من الربع الذي هو فيه فهناك يكون
محرابه وان اردت تعيين نصف المحراب فضع الالة على الجهات كما تقدم واطبق الدايرة ثم ضع دايرة الميل على
محراب البلد المطلوب ان كان موضوعًا والا فانتهي مقدار سمت القبلة بقدره من جهة المشرق ان كانت مكة
اطول من بلدك والا في جهة المغرب فتكون منصوبة على سمت القبلة والله اعلم الباب في معرفة اخراج
الماضي والباقي ونصف قوس النهار ونصف التعديل بل اقعد الالة على الجهات كما تقدم وصل دايرة العدل
بقدر عرض بلدك من اخر القوس المعروض ومن جهة الاخرى على اسم البلد وثبتها هناك بابرة ونحوها
ثم ادر دايرة الميل الى نخبة ظلها قطرها وانظر حينئذ ما بين جرمها وخط نصف النهار من اخر دايرة العدل
هو فضل الداير وهو الباقي للزوال ان تناقص والماضي منه ان تزايد وسيأتي في اخر الرسالة تذكرة جملة من
عروض البلدان واطوالها تنبيه متى وقع حرف الوضادة تحت قطر دايرة المعدل فيما اذا كان فضل الداير
اكثر من ص فاجعل دايرة الميل في خلاف جهة الشمس وسارت ثم احرف ما بين الوضادة وطرف قطر زد عليه ص
فالمبلغ هو فضل الداير وهذه نكتة لطيفة تنبيه ضمن كانت الشمس لامتناع لها في قطر دايرة الميل محيطها
مقام حيط الساتر وكذا العمل وهكذا تستخرج فضل دايرة الكواكب واعلم ان هذه الالة تتميز على غيرها

الهنا لا تحتاج في استخراج الدايرة وفضله والسمت الى تقدم معرفة الارتفاع ولا الى درج الشمس واذا
كان فضل الداير من الالات الارتفاعية ساعة فما دونها فلا يكاد يتحدد واذا استخرج بهذه الالة
كان فضل الداير درجة وبعض درجة امكن تحقيق وناهيك بذلك شرفا واما معرفة نصف القوس
فادر دايرة الميل الى ان تحاذى الشمس وقت شروقها او وقت غروبها ان سهل ذلك وانظر ما بين حرف
العضاده وخط نصف النهار من دايرة العدل فهو نصف قوس النهار ان كنت في الجنوب والا فقل
ذلك من جهة الاخرى وانظر ما بين حرف العضاده وطرفي القطر وهو نصف الفضلة زدها على ص وطر
نصف قوس النهار فاطرحه من قف ابدا يبقى نصف قوس الليل فان تعذرت المحاذات وقت الشروق
الغروب فاعرف فضل داير قرب من الافق وزد عليه الماضي من الشروق والباقي بينهما وبحوه
يحصل المطلوب واذا طرحت فضل الداير من نصف القوس حصل الداير وهو الماضي من الشروق ان كنت
قبل الزوال والا فهو الباقي للغروب الباب ٣ في معرفة ارتفاع الشمس والكواكب والطريق ان يقيم
سطح دايرة المعدل على اول العروض فيصير دايرة ارتفاع محاذي بجانبها جرم الشمس وحرك دايرة
الميل حتى يظل يظهر قطرها وانظر ما بين حرفها وقطر الدايرة من اقسام محيطها فهو ارتفاع الشمس واما
ارتفاع الكواكب واجعله في سطح الدايرة كما تقدم ثم حرك دايرة الميل الى ان ترى الكوكب في محاذاتها
فاقطع حرفها من اقسام الدايرة فهو ارتفاع الكوكب وكذا يوخذ ارتفاع الشمس اذا كانت منكسرة
الشعاع والله اعلم الباب ٤ في معرفة الميل والغاية من قبل الدرجة والعرض وعكسه دخل في القوس
مبتديا من خط المشرق والمغرب بدرجة الشمس طرد الثلاثة الاعتداليين وعكسا الثلاثة المنقلبين
وانظر ما هناك من اقسام الميل فهو ميل الشمس فزده على تمام عرض بلدك في الشمال وانقصه في الجنوب
تحصل الغاية ويكون مخالفة ان نقصت او كان المجموع اقل من ص والا فتمام الزايد وتكون موافقة
واما معرفة الغاية بالرصد فارقب الشمس والكواكب حتى تصير على دايرة نصف النهار ثم حصل الارتفاع
كما تقدم فهو غاية ارتفاعها واما جهة الغاية فانصب الالة على الجهات حينئذ واتم دايرة المعدل الى ان
يبطل قطرها فان دالت على قوس العروض فهي جنوبية والا فشمالية وان جمعت العروض على تمام الغاية
ان اتفقا واخذت الفضل بينهما او بين تمامه ان اختلفا حصل الميل او يكون موافقا لعرض البلدان كانت
الغاية موافقة او كانت مخالفة وزادت على تمام العرض والا فمخالفا واما معرفة الميل من قبل العرض فطريقه
ان تميل دايرة المعدل على مقدار العرض بعد وضع الالة على الجهات كما تقدم ثم ارقب الشمس الى ان تصير على
دائرة النهار وانظر ان وقع ظل دايرة المعدل على قطرها فلا ميل والا فحركها بارتفاع او انخفاض الى ان

تظل نفسها فما بين موقعها وبين العرض من اقسام دايرة نصف النهار فهو الميل شمالي ان ارتفعت والا
فجنوبي ومنه يعلم الدرجة وتميز بالفضل والله اعلم الباب في معرفة سمت الوقت وارتفاعه منه ضع الاله على الجهات
واطبق الدائرة وحرك دايرة الميل الى ان يظل قطرها ينطبق على قطرها وانظر ما بين قطرها وقطر
المعدل من اجزاء المعدل من الجهة الغربي فهو سمت الوقت فان وقع حرفها على القطر فلا سمت ثم ان كان
متزايد قبل الزوال ومتناقصا فهو جنوبي وان كان بالعكس فشمالي واما ارتفاعه فاتم الدايرة على
اول العروض وكمل العمل كما تقدم في الباب الثالث يحصل ارتفاع السمت والله اعلم الباب ٤ في معرفة
الارتفاع الذي لا سمت له وطريقه ان يرصد السمت وقتا بعد وقت الى ان يعدم فاعرف ارتفاع الشمس
حينئذ فهو الارتفاع الذي لا سمت له وطريق اخر اتم دايرة المعدل على اول العروض فتصير دايرة اول
السموات ثم اقعد الاله على الجهات وارصد السمت الى ان يقع ظل الدائرة على قطرها فاعرف الارتفاع
حينئذ فهو المطلوب ولا يكون الا في البروج الشمالية بشرط ان لا يزيد الميل على العروض فان زاد عليه
وجدوه الباب ٥ في معرفة سعة المشرق والمغرب ضع الاله على الجهات واطبق الدايرة واعرف سمت الوقت
عند شروق الشمس وغروبها فهو مقدار سعة المشرق والمغرب ولا يكون الا اذا كان الميل والعرض اقل
من تمام العرض وكذلك نصف القوس فان زاد الشمال كانت الشمس ابدية الظهور وان ازدادت الجنوبي
كانت ابدية الخفاء الى ان ينقص عند نصير الزمان ليلا ولها ارا الباب ٦ في معرفة عرض البلد واتخا
ودايرة للمعدول على وضعها في البلد المعروض وطريق ذلك ان ترصد في يوم غلوها بالراس والميزان فضع
الاله على الجهات وصل دايرة المعدل الى ان يظل محيطها قطرها في اي وقت كان من النهار فاوقفها هناك
بايرة ونحوها وانظر ما حالت به من قوس العروض فهو مقدار عرض البلد وطريق اخر فعاية ارتفاع
الشمس في اي يوم فرض وظلها وجهد كل منهما واجمع ان اتفقا في الجهة وخذ الفضل ان اختلفا ثم اعرف
ما بين الحاصل وتسعين فهو عرض البلد فيلها بقدر ما يحصل المطلوب والله اعلم الباب ٩ في معرفة وقت
الظهر ووقت العصر وارتفاعه والدائر بين الظهر والعصر والدائر بين العصر والغروب يعرف وقت الظهر
بزوال الفيء عن خط وسط السماء وذلك ان تنصب الاله على الجهات ثم اجعل دايرة الميل على خط نصف النهار ثم اجعل
دايرة المعدل على اي عرض شئت او منطبقة او قائمة وانظر متى يسير ظل دايرة الميل قطرها فالشمس حينئذ على خط
نصف النهار وهكذا استخراج وقت توسط الكوكب اذا اتمت قطر دايرة الميل ومحيطها مقام خيط السايرة
وان اتمت دايرة المعدل على اي عرض شئتا او شئتا ومنطبقة او قائمة وانظر متى يسير ظل دايرة الميل قطرها
فالشمس حينئذ على خط نصف النهار وهكذا استخراج وقت توسط الكوكب اذا اتمت قطر دايرة الميل ومحيطها

مقام خيط

مقام خيط السايرة وان اتممت دايرة المعدل على اول العروض وكملت العمل كما سيجي في الباب الثاني عشر
فان ظل دايرة المعدل سيبي قطرها اول وقت الزوال واما وقت العصر فادخل في القوس نهاية الارتفاع
وخذها بازائها من ارتفاع العصر ثم اتم دايرة على اول العروض وحاذى بجوفها جرم الشمس واجعل
دايرة الميل مرتفعة على قطر المعدل من جهة الشمس بقدر ارتفاع الشمس للعصر وادر شبل الى ان تظل دايرة
الميل كما تقدم فهو وقت العصر فاعرف فضل الدائر لذلك الوقت بحصيل الدائرتين بين الظهر والعصر
فاسقط من نصف القوس يبقى ما بين العصر والغروب الباب ١ في معرفة حصتي الشفق والفجر انظر الى كوكب
يكون بعده مساويا او مقاربا بالميل من في خلاف جهته كالقمر ليلة كالقمر كالرفي صدا ارتفاعه حتى تكون
مشرقا او مغربا ثم اعرف دايرة الارتفاع كما تقدم ببيكام وبحوه هو مقدار حصة الشفق بعد ان تنقص
منه في القمر لكل ساعة نصف درجة تقريبا وان فعلت ذلك الارتفاع بط حصلت حصة الفجر وهذا
العمل لا يظهر تغيره الا في نحو اسبوع وان استخرجت في كل شهر مرة وفرع الفضل على اسابيعه كان يكافي في
ذلك وان زدت حصة الشفق ثلاث درجات ابدا حصلت حصة الفجر بالتقريب لكافي وان عرفت
دايرة ارتفاع بين وبط الشمس في جرم ما كان هو مقدار الحصتين نظير تلك الدرجة والله اعلم فافهم
ذلك الباب ا في معرفة المطالع الفلكية والبلدية اعلم ان مطالع البروج بالفلك مبدوها من اول الجدي
والبلدية عن اول الحمل فمطالع كل من الجدي والسرطان والقوس والجوزا لب والدلو والاسد والثور
والعقرب لو الحوت والسنبلة والحمل والميزان كج فاعرف مطالع اجزا البروج ايضا هو ان تضعف مطالع
كل برج واجعله دقايق يحصل ما يخص كل درجة منه ثم اجمع المطالع من اول الجدي الى جزء الشمس يحصل
مطالع الزوال ثم اسقط منها نصف قوس النهار يحصل مطالع الشروق وان زدت عليها نصف
القوس حصلت مطالع الغروب وان زدت الماضي من النهار على مطالع الشروق ومن الليل على مطالع
الغروب حصل مطالع الوقت ولهذا العمل تستخرج مطالع اي كوكب شئت من الكواكب السايرة الباب ١٢
في وضع الالة على خط نصف النهار واعدل الكواكب عليها وهذا من خواص هذه الالة ارسم دايرة المعدل
على اول العروض ثم اجعل الابرة مخوفة على موازاة خط المشرق والمغرب بقدر انحرافها من نقطتها الاصلية
فتصير دايرة المعدل حينئذ هي دايرة نصف النهار فاي كوكب مر بها من الكواكب الشمالية والجنوبية فهو متوسط
حتى الكواكب لو اعلت في السماء كالجدي والفرقدين وغيرهما فان تيسر ذلك كما في الكواكب القريبة السمت
المارة فتشبث بخيط منقل يحصل والمطلوب والله اعلم الباب ١٣ في معرفة تحويل الكواكب والقمر عن معدل
النهار وهذا ايضا من خواص هذه الالة اجعل دائرة المعدل دايرة نصف النهار كما في الباب الذي قبله

ثم انظر اذا صار الكواكب متوسطا فاعرف ارتفاعه بدايرة الميل فهو غايته فان كانت شمالية فجمع العرض
الى تمامهما وان كانت جنوبية فخذ الفضل بينهما وبين تمام العرض يحصل بعده وجهته تعلم من الباب الرابع
وان جمعت عرض القمر الى ميل درجته ان اتفقا واخذت الفضل ان اختلفا حصل بعده وجهته جهتهما
في الاتفاق والاكثر في الاختلاف والله اعلم الباب ١٢ في موضع شروق س او غروبها وكذلك الكواكب
اعرف من ميل الشمس او بعد الكواكب سواء او مغربه ثم ضع الالة على الجهات والمبق البدايرة واجعل دايرة
الميل على مقدار البعد في ربعها وان كانت جنوبية والا ففي الربع المقابل ثم حاذ بصرك محيط الدايرة
وقطرها وانظر حينئذ عاما منها من دائرة الافق فهو موضع شروق س والكواكب وموضع الغروب
وبهذا العمل يعلم موضع مغيب الهلال الباب ١٥ في معرفة استخراج مطالع الكواكب بطريق صحيح سهل
اعدل الكوكب على دايرة الميل واعرف فضل دايرة ثم اعدل في الحال الكوكب اخر معلوم الطالع واعرف فضل
ما بينهما وزد على مطالع المعلوم ان كان الاخر شرقيا وانقص ان كان غربيا يحصل مطالعه الخاتمة في
معرفة استخراج مطالع الوسط القمر والماضي والباقي منه وهو الكوكب استخرج فضل دايرة القمر وزد عليه لكل
ساعة منه نصف درجة يحصل فضل دايرة العدل فزده على المتوسط ان كان في جهة الشرق وانقصه ان
كان في جهة المغرب يحصل مطالع متوسط واما الماضي والباقي منه فاستخرج فضل دايرة المعدل وزد
الغربي على مطالعه وانقص الشرقي يحصل مطالع الوقت فانقص منها مطالع الغروب يحصل الماضي من
الليل وان نقصتها من مطالع الشروق حصل الباقي له وكذلك تفعل بفضل دايرة الكوكب من غير تعديل
هذا الفضل في هذا القدر كفاية لمن اراد العمل بهذه الالة والا فيمكن استخراج اعمال اخر كمعرفة انحراف
الحايط من غير وجود الشمس وغير ذلك وهذا ظاهر لمن له ادنى حظ بت رياضة والله اعلم بالصواب تمت
بحمد الله وعونه وذلك كتبت في الليلة المباركة ليلة الجمعة في ٩ م من صفر الخير سنة احسن الله عاقبتها
وغفر لكاتبها وقاريها والناظر لمن دعا له بالمغفرة هو وجميع المسلمين امين وحسبنا الله ونعم الوكيل

وصلى الله على سيدنا محمد واله وسلم تسليما كثيرا فانهم ذلك
والله هو المرشد والموفق واليه المرجع والماب
امين ثم امين يا رب العالمين
تم بالخير بمنة الله
وعافيته

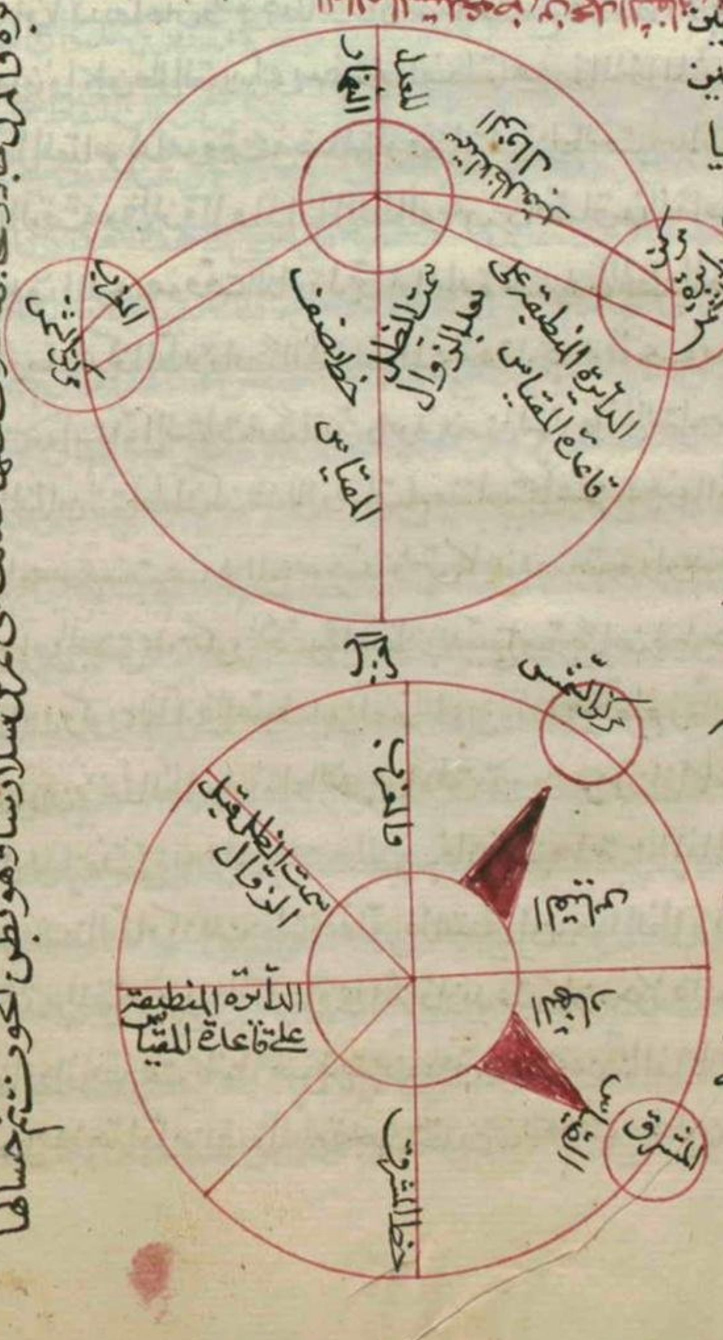
في بيان معرفة الدايرة الهندية المسمية بسم الله الرحمن الرحيم وبعد فلما كانت معرفة الدايرة راس الكونيا المسماة بالدايرة الهندية الواقعة في شرح الوقاية تما نظن مفصلا وبحسب مشكلا النقطت من المواقع حرف لتوضيحها وشكلا لتسهيلها بالتماس من امثال اوامرهم كان من الواجبات ومخالفتهم في الامور الممكنة من قبيل الممتنعات فقوله قال برهان الدين والملة والدين صدر الشريعة وبه الطريقة طاب ثراه وارض مثواه وطريقه اي طريق معرفتها بيانا وبالفرقان ولما احتاج معرفتها الى تحصيل سطح موزون غير مقاطع للافق وان احتج في جميع الجهات الى غير النهاية اشار اولى ان تحصيله بقوله ان لا يسوى الارض غاية التسوية بان يوضع وسط سطرة مصححة الوجه على قطعة من الارض ثم تدارك تلك المسطرة عليها بحيث تماسها في جميع المدورة ولا يستبين بينهما ضوء اليه اشار بقوله بحيث لا يكون بعض جوانبها مرتفعا وبعضها منخفضا فحصل هذا العمل سطح موزون بحيث لم يبق على وجه تلك القطعة من الارض شيء من التضاريس لكن ينبغي ان يكون ذلك السطح غير مقاطع للافق بل يكون سطحه غير مايل عنه وطريق معرفته على وجهين الى اشار اولهما بقوله ما يصب الماء اي بحيث لو صب عليها ما سال الى جميع الجوانب على السوية وكذا لو وضع عليها كالثقيل متدحرج كالزيبق وقد حرج كالبندقة وقف عليها من تعلاامهها فقوله يصب الماء صلة المعرفة للتسوية كما توهم العبارة واما ثانيهما بقوله وبعض موازين المعتبين بان يوزن ذلك السطح الموزون بالكونيا وهو اسم مثلث النجارين يعلقون الشاقول منه وهو خيط يشد باحدى طرفين بان يوضع قاعدة الكونيا عليه ويسوى ما ارتفع وما انخفض من الارض الى ان يصير بحيث لو دارت القاعدة على جميعها لا يميل خيط الشاقول عن عمود وهو خط من راس الى قاعدة عمودا عليها هكذا فحصل بهذا العمل ما اردناه من السطح الموزون وترسم عليها دايرة باي بعد كان بشرط ان لا تبلغ الى اطراف السطح الموزون بل يكون بينها وبين محيطها اكثر من اصبع ليظهر مدخل الظل ومخرجه والدايرة سطح مستو يحيط به خط مستدير ويجوز ان يريد بها محيط السطح المذكور ويطلق عليه ايضا ومعنى كونه مستديرا ان يفرض في



في داخله فقط كل الخطوط الخارجة منها الى المحيط متساوية وتلك النقطة مركزها وتسمى هذه الدائرة
الهندية ولم اعثر بوجه التسمية لها من كلامهم ولعل الوجه ان تعرفها بالاظلال التي من جملتها ظلال الميل
المنسوبة بالهنود كما شاع في الاسفار ولان اول من استخرج كان من حكماء الهند وينصب في مركزها مقياس
مخروطي راسه ادق من قاعدته معتدل في الدقة والغلظ وينبغي ان يكون له ثقل صالح ليثبت في مكانه
كالمصنوع من النحاس وغيره من الاجسام الثقيلة قائم بان يكون زوايا الحادثة بين سهمه وبين كل
خط يكون يعرض في سطح الدائرة قوايم بحيث يكون مركز قاعدته منطبقا على مركزها وطريقه ان ترسم
دائرة على مركز الهندية مساوية لمحيط القاعدة وتطبق محيطا على محيط تلك الدائرة ويعرف كونه على
زوايا قائمة بان يكون بعد راسه عن كل ثلث نقط من محيط الدائرة مساويا للبعد عن الاخرى حاشية
فانه اذا كان البعد بين راس المقياس وبين ثلث نقط من المحيط بمقدار واحد كان المقياس عمودا
على سطح الدائرة سيد مثل بعد الاخرى ولا بد ان يكون بعد كل من تلك النقاط عن الاخرى مثل بعد
ولا بد ان يكون بعد كل من تلك النقاط عن الاخرى مثل بعد الاخرى عنه بحيث ينقسم بها تمام محيط
الدائرة ثلثة اقسام متساوية والتقييد بالثلث لانها اقل ما يكفي في هذه المعرفة فاذا كان كذلك يكون
المقياس منصوبا في سطح الدائرة على زوايا قائمة ويعرف ذلك ايضا بتعليق الشاقول على راس
المقياس فاذا ماس قاعدة المقياس من جميع الجوانب كان المقياس عمودا عليه ولكن قامته بمقدار ربع
قطر الدائرة ويعبر عن هذه العبارة وعن قوله وينصب على مركزها مقياس قائم بان يكون بعد راسه
عن ثلث نقط الخ بان هذه مما جرت به العادة وليس امرا ضروريا اذ الواجب ان يكون بحيث ينقطع
ظله قبل نصف النهار عن نصف قطر الدائرة حتى يدخل فيها ويزيد بعد عليه ليخرج عنها لكن المعتاد
في العمل هو القدر المذكور ولو قال بدله وليكن بصيغة الامر ولنفرض لما احتج الى الاعتذار المذكور
وسنتبع ما يصلح ان يكون سببا لاعتيادهم عليه القطر وهو الخط المستقيم الذي ينصف الدائرة مارا بمركز
الكرة منتهيا طرفاه الى المحيط وهو لا محالة يمر على مركز الدائرة او الكرة اذ لا ينصف الدائرة او الكرة
الا المار على المركز والشمس اذا كانت قريبة الظل غاية الطول كما تشاهد فراس ظله اي المقياس في
اوايل النهار خارج عن الدائرة من جانب المغرب لان الظل يقع دائما على مساوت الشمس بحيث اذا
خرج من مركزها خط مستقيم الى الظل صار الظل معه خطا واحدا مستقيما ولكن الظل بواسطة ارتفاع
الشمس عن الافق ينقص شيئا فشيئا ان يدخل في الدائرة مما يلي المغرب قبل نصف النهار فعليك ان
تنصف راس الظل حال كونه على محيط الدائرة بنقطة الوصول من المحيط وهذا المنتصف فتضع علامة

على مدخل الظل من محيط الدايرة ليحفظ نقطة الوصول ولا شك ان الظل بعد دخوله ينقص ايضا شيئا
فشيئا الى حد ما ثم ثم يزيد الظل بواسطة الانحطاط الى ان ينتهي الظل الى محيط الدايرة مما يلي الشرق
ثم يخرج الظل منها وذلك لان الدخول والخروج يكون بعد نصف النهار فتضع علامة على مخرج الظل
ثم تعين المذكور منتصف القوس وهي قطعة من محيط الدايرة سواء كان ازيد من ربع الدايرة او
انقص منه او مساويا له اذ يطلق على نصف الدايرة ايضا كقوس الليل وقوس النهار كما في علم الهيئة
التي هي ما بين مدخل الظل ومخرجه سواء كانت نصف الدورة او اقل منه كما ستطلع عليه في التصوير و
يرسم خطا مستقيما مبتداء من منتصف القوس واصلا الى مركز الدايرة مخرجا على الاستقامة الى الطرف
الاخر من المحيط فهذا الخط هو خط نصف النهار اي يسمى لوقوعه في سطح دايرة نصف النهار الواقعة
في منتصف ما بين الارتفاعين ويسمى خط الزوال ايضا فقد قطع هذا الخط الدايرة نصفين متساويين
لمروره لمركزها فاذا كان ظل المقياس اي سهم مخروطه منطبقا على هذا الخط المنصف للدايرة فهو
اي وقت كون ظل المقياس كذا هو وقت نصف النهار ونهاية ارتفاع الشمس وبداية انحطاطها والظل
الذي في هذا الوقت هو في الزوال واذا زال الظل اي سهمه من انطباق هذا الخط فهو اي وقت
زوال الظل على هذا الوجه هو وقت الدلوك لزوال الدايرة تنقسم بهذا الخط والخط الذي تقطعه
على زوايا قوايم مارا بمركز الدايرة ايضا المسمى بخط المشرق والمغرب لوقوعه في سطح دايرة المشرق
والمغرب المسماة بدايرة اول السموت ايضا فان دايرتي نصف النهار واول السموت يتقاطعان على زوايا
قوايم فهذان الخطان يتقاطعان كذلك الى اربعة اقسام متساوية كل قسم ٩٠ جزءا اذ محيط الدايرة
عظيمة كانت او صغيرة منقسم عندهم الى ٣٦٠ جزءا ويسمى كل جزء درجة هذا وينبغي ان يراعى عدة
امور ليقرب العمل من التحقيق كان تكون الشمس في الانقلاب الصيفي او قريبا منه لبطوء حركة الميل المخل
بالموازنة هنالك وكون الظل في الصيف ابين لصفاء الهوى ونشاط الشعاع وقلة عوارض الجو
من اخذ الظل وان يوخذ الظل وارتفاع الشمس عن الافق حد ومحسوس لانه اذا كانت قريبة من الافق
كانت الاظلال الطويلة منتشرة الاطراف فتشتبه الحدود فلا يتحقق ولا يتميز اطرافها عند الحين وانما
كانت قريبة من نصف النهار كذلك بطية التنقص فلا يتبين ان دخول الظل والا ان خروجه ولعل
اعتيادهم في تقدير المقياس بربع القطر بناء على انه اذا زيد عليه كان دخوله في الدايرة بطيئة جدا
من نصف النهار واذا نقص عنه كانت الشمس قريبة من الافق وهذه صورتها اذا كان القوس التي وقعت
بين مدخل الظل ومخرجه اقل من نصف الدايرة بحيث تخلص من توهم خروج خطين على سمتي المخرج

المخرج والمدخل دوائر على مركز الدائرة وان كان تلك القوس نصف دائرة كما اذا كانت الشمس في وقت
طلوعها او غروبها على المدار الذى يتساوى زمانا ظهوره وخفائه عن المعدل اتصل الظلال على
الاستقامة خطا واحدا خرج من مركز قاعدة المقياس الى محيط الدائرة عمودا على خط نصف النهار
هكذا فان الخط المخرج من مركز الشمس الى الظل وقتا الطلوع ينطبق على الخط الخارج منه اليه وقت
الغروب ويصيران خطا واحدا مستقيما وان ظل المقياس ينطبق في هذا القسم على النصف الغربي
من خط المشرق والمغرب قبل الزوال على النصف الشرقي من بعده واما في القسم الاول فقط ينطبق
عليه ويزول عنه دفعة وهذه الجملة تحتمل تفصيله وتوضيحه تمت الرسالة الشريفة بعون الله وحسن
توفيقه والحمد لله وله التوفيق سنة ليلة شهر محرم الحرام



شرطين
بطين
ثريا
دبران
هقعه
هنعه
ذراع
نثره
طرف
جبهه
زبره
صرفه
عوا
سماك
زبانا
اكليل
قلب
شوله

اول درجة كانت فى ابيب القبطى يوم الثلثاء ١١ السرطان وذلك اليوم كان ١١ فى رمضان المحرم سنة ١١٠٠

اول درجة فى الحمل كانت يوم ٣ المبارك ١٣ جمادى الاول سنة اول درجة فى برموده كانت يوم ٣ ١١ درجة

مضت من الحمل سنة ١١ اول درجة فى السرطان كانت يوم الاثنين ٢ ابونه القبطى سنة وافق اول التوت يوم

الاحد المبارك ٥ ذى الحجة الحرام بالرومية واخر سنة ١١ الحمد لله رب العالمين الصلوة والسلام على خير

خلقه محمد واله اجمعين فافهم ذلك الاشارات والله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم بسم الله الرحمن

الرحيم فى ملية كويمة الوضع عظيمة النفع ترشد السايل الى خير العمل وتضل عن المسترشد الخطاء والزلل وتبين

نجاح السؤال والعمل مدار قطبها على اثنى عشر حرفا ناطقا بقولك مولانا الوزير ايده الله شاهد

له بفضله وسمو مكانه ورفيع محله حيث سطر ذكره فى صحايف اسرار الحروف ودار على قطب اسمه فلك الارشاد

الامر بالمعروف وظهر فى ذلك لا اله الا الله فى قلوب الصفوى واردت هذه التبر ذلك البر اذ ذاك من احص

ثمرة الموصوف على سبيل الخدمة نقام الذى هو مقام البر والمعروف فنقول اذا همك امر من الامور واردت

ان تفعل فعلا ولم تعلم اى الامرين اولى الفعل ام الترك فى حسن التوصل الى وجه الحق وضع سوالك سطرا حروفا

مقطعة ثم انظر كم حرف هى التى هى عدتها على اثنى عشر واحفظ ما بقى بعد القايم محمد الى المصحف الشريف فتحه

وخذ من سطور ما فتحت عليه بقدر الباقى ثم خذ الحرف الاول المحفوظ مبتديا من اول الصفح ثم خذ من

ذلك السطر الحرف الاول وهو الحرف القرانى فاعرف عدده والقه على اثنى عشر واحفظ ما بقى ثم خذ الحرف

الاول من حروف السؤال وحرف من اخره وهكذا الذى يليه الى اخر حرف السؤال وعلى هذا الى اخر سطر حروف

السؤال ثم خذ من السطر اثنى عشر حرفا وامزجها بحروف القطب الاثنى عشر وهى مولانا الوزير

تبدى بالحروف الاول من القطب وتجعل ثانية الحرف الاول من السؤال الاثنى عشر ثم الحرف الثانى

من حروف القطب تجعله ثالثا والحرف الثانى من حروف السؤال الاثنى عشر تجعله رابعا وعلى هذا النسق يتم

السطران سطرا واحدا فاحفظه وسميته سطر الفضلة ثم خذ الباقى من الحرف القرانى والقه على الصفوف

الاثنى عشر التى سنبينها انشاء الله ونقرنها ثم خذ حروف الصف الذى وقف عليه باقى الحروف القرانى

وامزجها بحروف سطر الفضلة مبتديا بسطر الفضلة حتى يتم حروف الصف بالتوزيع ما بلغه فيكون معك حينئذ

سطر عدد حروفه سبعة واربعين حرفا ثم اجعل فى اول هذا السطر الحرف الذى وقع عليه باقى الحرف القرانى من

حروف القطب ليتم الحروف ثمانية واربعين حرفا وهذا السطر هو سيستخرج من الجواب بخذ الحرف الاول منه وضعه

ثانيا ثم حادى عشر ثالثا ثم كذلك دورا بعد دور ينتهى الاخذ الى الحرف الاول فعلم حينئذ تمام حروف

الحرف فانظر اليها تجدها ناطقة بالجواب مرشدة الى طريق الصواب فاغتنم ما ظهر لك منها تصب انشاء الله تعالى

وهذه بيان فافهم ذلك والله الموفق بالصواب هذا من بحث الربع المجيب نقلناه هاهنا وانه ما وقع
هناك وهو خارج عن الابواب المتقدمة فاعلمه ينبغي لمن يريد استخراج الجهات الاربع والقبلة ان يكون
الارتفاع الذى ياخذه ويستخرج به ذلك قبل الزوال او بعده بنحو العشرين درجة لان اخذ الارتفاع قرب
الزوال فيه لبطو حركة الشمس قرب الزوال وينبغي له ايضا انه اذا اراد استخراج الاعمال لارتفاع معين ان
يستخرج جميع الاعمال لذلك الارتفاع بنحو ثلاث درج ونحوها بمقدار ما يعلم من قدر استخراج الاعمال فيه بحيث
لا تنقص من الارتفاع الذى يريده الا وقد حررت جميع ما يتعلق به من حصة السمت وتعديله ومقدار السمت
وهل هو شرقيا وغربي وهل هو شمالي او جنوبي وهل يضع على مقنطرة من اول قوس الارتفاع او مبتديا الى غيره لك
مما يحتاج اليه بحيث لا ياتى الارتفاع المطلوب واستخرجت جميع ما تقدم فاذا اراد العمل بارتفاع ثلاثين وعشرين
درجة مثلا فتستخرج به الاعمال المذكورة اذا الارتفاع عشرين درجة فاذا فعل هذا فتخرج له الجهات الاربع
والقبلة على غاية التقريب وان شرع قبل الارتفاع المطلوب بنحو نصف درجة في وضع الخيط على قدر
السمت من اول القوس او من اخره وتثبته بشمعة ونحوها ثم صار خيط الربع من المركز الى المحيط بل يبطل الخيط
المنقل حتى لا يستقيم هذا الا وقد صار الارتفاع تمام العدد تخرج الجهات الاربع وجهة الكعبة حينئذ على التحرير
بهذه الالة وكذلك انما اراد الاخذ الارتفاع يريد به العمل فاذا اراد العمل بالدرجة فيستخرج اعماله و
الارتفاع عشر وثلث درجة لان الارتفاع بعد الزوال في النقص بخلاف قبل الزوال فانه في زيادة فمن لم
يفعل هذا واخذ الارتفاع الذى يريد استخراج الاربع والقبلة وشرع حينئذ في استخراج السمت وما
معها فيمضي عليه زمان قبل ان يستخرج ذلك فذلك عندنا باستخراج الجهات ونصب المحاريب والله اعلم
قال في التذكرة في ذكر الزيت وصفته ان يستخرج الزيت بوزنه من الماء حتى يذهب عنه فيضاعف
ثانيه وثالثه الى ان يروح الماء كله ويكون الماء في غير الاولى حارا فاذا تم طبخ بالماء بلا ماء حتى يذهب
ثلثه ثم ياخذ من الجير الحار وملح القلي والنطرون الشديد الحمرة بالسوية يذاب في ثلاثة امثالها ماء و
يطرح ماؤه في ١١ ايام ثم يطبخ الزيت المزبور وهو يفي بذلك الماء حتى ينقطع شعله ودخانه ويطفى النار
فيرفع وهذا هو المشار اليه المدعى كتمه فهو المفتاح على سائر الطلسمات اذا توقل بكل من الاصل الحار و
الشجرة الطورية وورد في التقطير سبعا ثبت واقام العبد عن تجربة غير مشكوك فيها وقد يستحق الذي يجمع بهذا الصانع
حتى يجري فمن يبطنه مقعره وبطنه بالزجاج الحمر بالزنجار والقى فوق الفراز غطاه بعقاب احمر وغطى الجميع عاد وطلي به
الطاري على نار لطيفة انعقد في خمس درج نابتا بدفع الاول الى رابعا فافهم هذا عاقوانين حرر بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم صل على سيدنا محمد واله وسلم الحمد لله نور السموات والارض سبيل الطول والعرض الهادى خاصة خلاصة

قال في التذكرة في ذكر الزيت
وان طبخ خمسة اجزاء منه بماء جرم
من كل من الجير والقلي والنطرون الاحمر
المجرور عنها ثلاثا حتى ليستوعب الزيت
مثله ثلاثا ثم تغلي حتى يعود الى النصف
وسحقت به الاصلين او الذكر خاصة
ثم سلطنه على العقد بعد ذلك كان غاية
وقال في ذكر الصابون واما المشار اليه
في الصناعة المسمى بالمفتاح وصنعته
ان يطبخ الزيت بوزنه من الماء حتى
يذهب عنه فيضاف ثانيه وكذا ثالثا
ويكون الماء في غير الاول حارا
فاذا تم طبخ بلا ماء حتى يذهب ثلثه
ثم يوخذ من كل من الجير الحار والنطرون
الشديد الحمرة وملح القلي بالسوية و
تذاب في ثلاثة امثالها ماء وتجرس
ويعاد عليها الماء ثم تجر عشرين مرة
ثم تطبخ الزيت المذكور وهو يسقى
بذلك الماء حتى ينقطع شعلة ودخانه
وتطفا النار ويرفع وهذا هو المشار اليه
المدعى كتمه وهو المفتاح على سائر
الطلسمات اذا توقل بكل من الاصل الحار ثبت واقام عن تجربة غير مشكوك فيها واذا اسحق الزنجفر بهذا الصابون حتى يجري فمن لبطمه في مقعره وبطنه
وورق الشجرة الطورية وورد في تقطيره سبعا بالزجاج المحمر بالزنجار والقي فوق ذلك الفوارد غطاه بعقاب احمر وغطى الجميع بما وطى به عليه

عما يطلق القيام بالنسبة والفرض المحيط بكليات وجوده المحكوم عليها بالحل والعقد والتركيب الا فضل احمده سبحانه
وتعالى على ما انعم واجزل من ايجاد كل فض وغض شكره على توالي نعماه وترادف الاء على كل سود وبيض واشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شريك له مولى الرفع والخفض واشهد ان سيدنا محمد عبده ورسوله الذي
بعثت حرسة السماء بكل شهاب منقض صلى الله عليه وآله صلوة وسلاما يدومان الى يوم العرض وبعد
وبعد فانك ايها الاخ الحميم لبار والوصيم ارادة بارادة الحق سبحانه وتعالى ترتيب صورة مثال كما في مختصر
معتبد في علم الزايرجا لعديم الايضاح عكنونها وتبيان مضمونها والتمست ان يكون غير مرموز برموز
الطائفة بل في غاية البيان بالغ الايضاح فاوسعني الا اجابتك لما لك على من حقوق الصحبة المرتبطة بوثيقة
الايمان وكونك قد توسمت بالامداد الذي هو تعلق في الخاطر بما حضر في مشرك الذهنية عادة الله تعالى
ان الاشخاص الاما بقية تستمد عن انفاس بعضها بعضا باطنا وظاهرا ما نحن الا ظلال عن طريقكم لولا
كم واسناء الانوار هديتمونا فمن عدا لكون استمد العون وبالله التوفيق لا بد من مقدمة وجيزة بحكم
الوقت والقايل بعلمنا سر هذا العلم المصون والجوهر المكنون الذي وقفت عقول اهل الحجى دون
مابه فضلا من معرفة تعبيره واقول ايدك الله بروح القدس ان علم الزايرجة من انفس العلوم
المكتومة لانه يحل عقود الطلاسم الحرفية ويوضح وما ودع الله فيهما من العلوم السرية والاسرار الخفية
فشرف هذا العلم لشرف موضوعه وهو من جملة مسايل التحقيق ودقايق التدقيق وله اصول وضوابط
هي اسه وقواعده من عرفها وعرف موازينها ونسبها واضافاتها وتنوعاتها وطبايع حروفاتها
وكلياتها وجزئياتها واسقاطها واستقلالها وحركاتها وسكناتها هان عليه الامر عليه جميعه ولما
كانت هذه الاصول وما في معناها يحتاج الى زمن طويل لتحصيل معرفتها باحكامها عدلنا عن مشكلات
امورها وقصدنا الاختصار الكلي بوضع هذا المثال الجامع لجميع مفرقاتها المقرب لمسافة البعد تسقط
ورحمة ورجاء في الثواب بمعونة الملك الوهاب اذ لا حاجة للتطويل اذا وجدنا الغرض المطلوب
والسر المحبوب فخذا لبعد من القرب وحيد عن البعد ففيها ايات تدل على المرشد وبالله التوفيق
لسلوك طريق التحقيق اول ما يتعين على هذا الفن اذا سالك سائل عن ضميرها طالع الوقت وهو
سؤال السائل اذا قال في ضميري ضميره كان تلك الساعة بعينها وتكتب بعد حروفها مثلا كان السائل
سال في ساعة الزهرة تكتب الساعة زهره ثم تكتب حروف طالع البرج مثلا اذا كانت في تكتيب
الطالع ح م ل ثم تكتب حروف رابعة وسابعة وعاشرة الع ا ر ب س ر ط ا ن ا ل م ت و س ط م ي ا ن د ل
الوتد ه ر ج د ي هذه اصول اربعة تكتب حروف اعلامها مقطعة مفرقة نسقا واحدا ثم تمزج مع ذلك

طالع الوقت يعني احرف الساعة وقت سؤال السايل مثاله اني سؤال تقول م ح دى س ل ع ن ق ص ه
وافق ص م ى د ه هـ ل ا ى ح ص ص ل ا م لا و ما في معناها من مقتضا سؤال السايل قلت حروفها وكثرة
ثم تمزج في ذلك حروف الزمان وهي ا ل ج و ا ب م ح د ر م ن غ ر م ز ثم تمزج ايضا في ذلك حروف الاسماء
الشريفة التي هي اليد الالقاء في الجميع ن و د م ب ى ن ه ا د ى م ح ى ى ط على راي الشيخ الاكبر صاحب رسالة
كشف الران عن وجه البيان وبعض المشايخ اختار خمسة اسماء شريفة غير هذه الاسماء ولا باس بذلك
انما المراد وجود اسماء الله تعالى في جميع الاحرف الموضوعة التي هي الاصول ثم تمزج في ذلك حروف
القطب الاصلي وهو البيت المنظوم الذي الفه مالك ابن وهب وهو قطب الزايرجة كلها الحرفية و
العددية لان الجواب لا يخرج من الجميع الا على ونذ س ل ن ع ط ى م ل خ ل ق خ ز ث ت ف ص ل ا د ن
غ د ا ى ب ش ك ن ض ج ط ه ا ل ج د م ث ل ا و فيه اربع نونات وفي بعض النسخ غرايب ش ك ك ن لكن بعض
ارباب التحقيق جعل موضع شك شكل ذكره ذكر الشك في محل اليقين لان مجموع الزايرجة شكل غريب لا بد لحله
الشك وهو مصيب في اختياره وان صح الوجه الاول فهذه الاصول هي الصحيحة واما النسب والاضافات
فقد ذكرها الشيخ وغيره في الاصول لكن في هذه الرسالة لا حاجة بها لكونها تندرج في طالع الوقت ومع
وجود الاسماء الشريفة لا يحتاج اليه ما مر وقد تم وضع الامور المطلوبة للعمل جميعه متفرقه مجموعة ولا بد من
وضعها جميعة واحدة لاجل صحة المثال هذا السؤال الذي ذكر ل ع ح م ل ا ل غ ا ر ب س ر ط ا ن ا ل م ت
و س ط م ى ز ا ن ا ل و ق ت د ج د ى م ح م د ع س ل ع ن ق ص ه و م ا ف ص م ى د ه هـ ل ى ح ص ل ا م لا
ج و ا ب م ح ر م ر م ا ن غ ى د م ن ز ن و م ب ى د ه ا د ى م ح ى ط س و ا ل ع ط ى م ا ل ق ح ز ث ف ص ن
ا د ن غ د ا ى ب ش ن ض ب ط ه ا ل ج د م ث لا هذه الاصول على وجهين الوجه الاول ان يوخذ على
عدد الحروف جميعها بالجمل الكبير ويعقد جملة واحدة ويسقط من الجملة سبعه اذا كان الوفق الرباعي مثلا لا
اسقاط الطبيعي واذا كان الوفق غيره فحكمه الطبيعي المتفق عليه عند علماء الحرف وما خصصنا المثال بالوفق
الرباعي الا لكونه اقرب الاوفاق واحقها بالتقديم لصغر دوره قطع النظر عن الوفق المثلث المكتوم عند الطائفة
انما الاجماع انعقد على كتمه فلا يعوز اللفظ فيه منه الا صاحب الفرد الجامع اديا معه في العلم به موجود والتصرف
به مفقود مخالفته عليه هذا هو السبب في تقديم الوفق المربع فافهم ما اذا سقطت سبعه من الجملة كما تقدم
فينبغي ان تقسم ما بقي بعد الاسقاط باعتبار رباع صحيحة ان لم يكن في العدد جبر فان كان فيه جبر يدعه لوقته
وتضعه في بيت ١٢ ثم تعمر الوفق فتبتدى بالربع الصحيح في مفتاح الوفق وتمشي بزيادة واحد ثم تتميمه
حينئذ تمتحنه تجده كامل الاقطار والاظلال من غير ظلل وتجد في كل ضلع او قطر كامل العدد الاصلي كلا

العشرة
في الانسان حرقة اظفاره
بالعسل يورث عشق الاكل لصاحب
في بادنجان
الاظفار ١٣ في الندر
ازا دخل فيه نوشادر تنقيه
وافرغ فيه المشمس نقاه
عجيب مجرب وازاد لبن
وسحق به الكبريت بيضه وصار
بابا للتنشيت وفي البارود
ازا كسر عليه البيض على النار ذهب
باخره ويعطي العجايب

ولاتنس وضع الجبران فاذا تم هذا فضع الحروف الاشاعية تحت اضلاع الوفق المذكور وهي اربعة احرف
من اربعة طبايع فمن المشايخ ما يستخرج من اسقاط البروج الاربعة اعني الطالع والرابع والسابع والعاشر
يخرج من كل برج حرف اشاعي اذا اسقط عدد البروج باسقاط المعلوم فاذا ظهرت الحروف الاربعة كما
قلنا تضع كل حروف تحت ضلع من اضلاع الوفق ثم تنظر في هذه الحروف الاربعة الاشاعية فان وجدتها
من اربع طبايع كل حرف من طبيعة فبها والا يحتاج ان يستخرج المعدوم من الموجود كما نبه عليه الشيخ الكبير في
رسالة كشف الران قوله فان رايت الاربع الطبايع موجودة في اعدل المواضع الى آخر قال ولقوله كيفية
نذكرها ان شاء الله تعالى بعد ذكر الوجه الثاني في استخراج الحروف الاشاعية من غير اسقاط عدد حروف
البروج واثبات الحرف الاشاعي من الفاضل بعد الاسقاط وهذا الوجه الثاني الطف واقرب مما ذكرنا
وكذلك الوجه الاول المشهور عند الطائفة قديما واما هو الوجه الالطف والاقرب وقد ذكر الشيخ في رسالة
كشف الران تقول من كل برج حرف مبتداء وامشي على التربيع كي تراه مثلا اذا كان الطالع حمل فاخذ
حرف الحاء وتضعه تحت اول ضلع ثم تاخذ اول حرف من اربعة الذي هو السرطان فتضع الثاني تحت
ثاني ضلع من الوفق ثم تاخذ اول حرف من سابع الطالع وهو ميزان فتضع الميم تحت ثالث ضلع من الوفق ثم تاخذ
اول حرف من العاشر وهو جدي فتضعه تحت رابع ضلع من الوفق وقد حصلت الحروف الاربعة الاشاعية
لهذه الكيفية وصارت مرقومة تحت اربعة اضلاع من الوفق لكن فيها نظر مثال وجدناها ح س م ج كما
قال صاحب الاصل احتجنا الى وجود الطبايع الاربعة يعني كل حرف يكون من طبيعة لاجل الاعتدال كما في العددي
وفيه سر عجيب فنظرنا في الاربعة الاحرف فوجدنا الحاء من حروف الماء والسين والجيم من حروف الهوى و
الميم من حروف النار ولم نجد طبيعة التراب والامر يحتاج اليها اذ البيت لا يقوم الا على التربيع والتربيع لا
يصح الا بالاعتدال والشيخ في رسالته يقول فان رايت الاربع طبايع موجودة في اعدل الطبايع فاعلم بان الاعتدال
قد حصل ان لا تولد لها هوا على المحل باقي الطبايع من قوى زايد يقول ان لم تجد الاربعة احرف من
اربعة طبايع فانظر في الاحرف الموجوده بين يديك وولد الحرف المعدوم من اقوى الحروف الموجودة فاذا
ولدته تضعه وكان اينه استعمله بدله وهنا لم نجد معدوما الا الحرف الترابي فنستخرجه من حروف السين لان السين
من هنا اقوى واكثر عددا من اخواتها الموجودة فهي احوج ولما قلنا سين ولها يا ونون حذفنا اليا لقلتها
واثبتنا النون للكثرة عددها وقوتها ايضا دفا النون بدل السين فوضعنا الاربعة احرف هكذا ح ن م ج
وتركنا السين التي هي ام النون ونبه الشيخ ايضا على سر عجيب بقوله ان شئت بالوفق او سر العدد او بسط
سلطان يكون ذلك اطراد يقول ان لم تجدوا المعدوم في اقوى الحروف الموجودة بهذه الكيفية فلك ان تستخرجه

من حرف السين لان السين تبه العدد مثلاً تقول السين س ت ى ن فى حق الميم اربع ن ى وهكذا تفعل بكل
حرف بطريقة تبه العدد حتى يظهر المعدوم من الموجود او بسيط ٢ بسط يعلي توكيدا التوكيد ان اعى الحكم هذا
هو الصحيح وقد عرفت بهذا التقدير كيفية جميع الاصول وتعمير الوفق واستخراج الحروف الاشاعية على صفتين
صحيحتين وايجاد المعدوم من الموجود بصيغ كثيرة ولم يبق الا حكمة اللفظ وهى قد عدة سرية خفية مصونة
مكنونة فى صدور ارباب هذا الفن مخصوصة من كتبهم ورسائلهم حتى يخطب بكفو كريم وهى تخرج من
عدة قلب ٣٢٣١ يضاف جوهر هذا العدد الى عدد اول من حرف من الحروف الاشاعية والى ما فى مرتبة الاحاد
من العدد ويصور فى العقل تصورا عقليا جملة واحدة ويضاف البهاحى يعلي ١ لاجل التى تبع سريان
الروح من الاسم الحى ثم تسقط الجميع ٩٩ وما هى بقى بعد الاسقاط يثبت حرف هذا اول حرف يؤخذ من
مرتبة الاحاد من بيت المفتاح ثم ترجع بما معك من الاعداد الى مرتبة العشرات وتسقط ٢١٢ وما بقى تثبته
ثم ترجع بما معك من الاعداد الى مرتبة المئين وتجمع عليها وتسقط ٣٣ وما بقى بعد الاسقاط تثبته
ثم تمر الى مرتبة الالوف بما معك من الاعداد فتجمع وتسقط ٩ كما هنا مرتبة الاحاد وما بقى تثبته ثم ترجع
عكس الطرد الى ما ابتدئت به منه يعنى مرتبة الاحاد وهكذا يكون طردا وعكس الطرد بالاسقاطات الثلاث
فى نفس البيت الاول الذى هو مفتاح الوفق حتى يتم معك ٤٤ حرف مثلاً او ٤ حرف لا زيادة حرفا على
ذلك واهل الحروف به وان كان غير ذلك من خلل صحة العدد وتحت هذه الاحرف بيتا كاملا منظوما على
ما روى القطب ناطقا بالمقصود من الضمير عند ذلك تترك البيت الملفوظ وتنتقل الى ثانى بيت بما معك
من الاعداد لكن تزيد على العدد ٣ اذا انتقلت الى كل بيت من الوفق وتمشى من مرتبة الاحاد الى مرتبة الالوف
والاسقاطات ايابها طردا ترجع وطردا العكس وهكذا تفعل كاول البيت ولا تزال هكذا ثم معك ٤ ابيات من
الوفق الرابع فان ظهر الجواب تاما بتمام فيها ولا تزيد على ما فى صفلاق الوفق من العدد اربعة ٢١٨ وتجمع
لها مرتبا ثانيا حتى يتم والحروف الاشاعية على ما هى عليه لكن كل حرف اشاعى لا يستعمل الا فى اربعة ابيات
من الوفق لا غير ثم يبدل ويستعمل ما بعده ثم لا تزال تمشى هكذا حتى تظهر الترجمان بتير الى تمام الجواب
انك اذا تستعيب الانتقال من وفق الى وفق فلابد من زيادة اربع ولا تكرير البيت
الاخير بحروفه فما زاد وه الا لعدم التكرار   انما لمن وضع ابتر يزيد فوق الوفق لاجل التبرك
كقوله تعالى وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو والله مخرج ما كنتم تكتمون نفهم والله سبحانه وتعالى اعلم
تمت الرسالة ذكر وجه اخر لم يذكر مع الوجه الاول بل افرده وحده لعزته وهو وجه قريب وذلك انك اذا
جمعنا الاصول كلها كما تقدم وصارت الحروف مرقومة حروفا واحدة وسطور بين يديك وكنت خرجت

فيها الاسماء الشريفة الاربعة فانت بالخيار ان شئت تفعل كما ذكرناه لك فى الوسائل تجمع اعداد الحروف جميعها
واسقاط به منها وتعمل الوفق المربع بها واستخرج الحروف الاشاعية من اسقاط البروج بحكم الوجه الاول و
استخراجها بان منها من او املي البروج بغير اسقاط فهو جائز لكن تضع مكان الاسماء الشريفة الاربعة المتقدمة
تضع هذه الاسماء قريب مجيب ومتفضل واسع حتى لا لها جابوة صحيحة بثبوته وكلا الوجهين صحيح هذا
فى وضع اسماء الاسماء المباركة الشريفة بأتى الوجهين شئت واما الحكمة فى الجمع للاعداد فهو ما تقدم ذكره
فى اخذ جميع اعداد جميع الحروف والاسقاطات منها وقسمتها بعد الاسقاط اربعة ارباع وتعمير الوفق با
لربع الصحيح ولقط الجواب منه بصيغة ما تقدم وهو الوجه الموضوع للمثال منبه عليه تفعل كفعله وذلك ان
تجمع ما تجاء فى تجديد جبلية الاحرف من الالفات وحدها ومن الباءات وحدها ومن الجيمات وحدها و
من الدالات وحدها لا غير فتجد معك اربعة احرف لا غير ابجد لكن اربع جمل فتجمعها جملة واحدة
وتضيف اليها اربعة امثالها ولا تقسم العدد اربعة اقسام كما تقدم فى الوجه الاول بل تاخذه بعينه وعمر به الوفق
اى وفق كان واستخرج الجواب منه يخرج ناطقا بالمقصود باذن الله تعالى ولا يبطل الا من عدم التحرير
لطالع الوقت او من عدم ضبط صحته فى الجمع بالاسماء الشريفة المقدمة المذكورة فى رسالة
كشف الران فذلك لاجل صحة التوجه وصدق الطلب وكى يدخل الطالب فى باب طريق القوم على منهجهم وسنتهم
وسلوكهم فى علم ذلك والله الموفق لا رب غيره فهذه ما سنح الوقت به لاجابة الدعوة والحمد لله رب العالمين و
صلى الله على سيدنا محمد واله وسلم فهذه زايرجة على طريقة السبتية فى علم الزايرجة الحرفية يخرج منها جواب
كل سائل عما يطلبه من الامور والاحوال وهذه الطريقة من جملة طرائق هذا العلم العمل الواصل بقوة الادراك
العقلى وهذه الطريقة تشتمل على طرق عدة لانها اصل من الاصول الكلية وقانون جليل من القوانين البينة
يخرج منها النطق المنظوم والمنثور على جميع الاعاريض والبحور وقد ثبتنا ها هنا من ذلك انموذجا فى الاستخراج
على بحر الطويل ذلك القطب المستخرج الجواب على رويه
وهو من ٥٤ حرفا وترتيب الجدول الموضوع على ذلك ان تاخذ عدد كل حرف
فى الجمل الكبير وتسقط ٩٩ وما بقي يكون عدد الحرف وتزيد على عدد واحد فى البيت الثانى و ٢ فى البيت
الثالث و ٣ فى الرابع و ٤ فى الخامس و ٥ فى السادس و ٦ فى السابع و ٧ فى الثامن و ٨ فى التاسع وما زاد على
تسعة تطرح منه وتحفظ الباقى فى رتبته فيصير تحت كل حرف ثمانية بيوت فى بيت عدد له نسبة عند
الاستخراج اول حرف البيت الذى هو القطب م عددها ٤٠ اسقطناه ٩٩ بقى اربعة فزدنا
عليه واحدا فى البيت الثانى و ٤ فى الثالث و ٣ فى الرابع و ٤ فى الخامس وخمسة فى السادس و ٦ فى السابع

فكان عشرة اسقطنا منها ٩ وبقي واحد وا في الثامن فكان ١١ اسقطنا منها ٩ وبقي ٢ و ١ في التاسع فكان ١١٢ سقطناها
منها ٩ بقي ٣ وكذلك يكون العمل في كل حرف فاذا اضفنا ٢ تحت كل حرف من هذه الثمانية اعداد في ثمانية
بيوت فقد كمل العمل فاذا اردنا استخراج جواب سؤال من هذه الطريقة وضعنا تحته السؤال وجعلنا كل
حرف منه بحرفين ولا بد ان نعتمد ادوارا تامة على عدد حروف البيت ويجوز الطالع ونأخذ نسبة و
كل برج معلوم فالحمل ١ والثور ٢ ونضيف نسبة الطالع مع نسبة العاشر ونسقطهما ٩ ان كان المجموع اكثر
وما بقي نحفظه فاذا علمنا ذلك يجب للمستخرج ان يجعل النسبة الطبيعية والاعداد الحرفية في حروف
البيت الذي هو مقال على مراتب الاحاد والعشرات والمئات والالوف كل حرف هو في مرتبة الطبيعية ام لا
فان لم والا تعرف المرتبة التي هو فيها الميم اول مقال في مرتبة الاحاد والقاف في مرتبة
العشرات وكل حرف من ذلك هو مقامه من حروف ابجد وتحفظ نسبة ذلك الميم من البيت
الثالث عشر من ابجد والقاف في بيت التاسع عشر منه وكذلك يكون العمل في حروف السؤال ثم نظر
في حروف السؤال كل حرف في نسبة اي ترى في نسبة حروف البيت او حروف الاربعة الاولى والاربعة الثانية
فما فوقه فان كان مثل الحروف في حروف السؤال في فوقه فله نسبة وان كان من الاربعة التي تليه فله نسبة
او في الاربعة الثالثة فله نسبة ايضا وانظر ايضا في حروف السؤال في مقام الاحاد وحروف البيت في مقام
العشرات وحروف الاربعة الاولى في مقام المئين وحروف الاربعة الثانية في مقام الالوف فتضيف نسبة
الطالع والعاشر المجموعة الى اعداد الحرف ونسبته ورتبته ومقامه في بيته من ابجد ومن مقال ومن الاربعة
الاولى والاربعة الثانية وناخذ بعدد نسبة الحرف الواقع عليه العدد ونقابل برتبته مرتبة حروف السؤال
وما يليق به من النسب الحرفية المحضرة منه فينحصر الحرف الذي هو جواب ذلك الحرف مثال
اخذنا سؤالا في طالع الميزان وعاشره السرطان نسبة الميزان ٧ ونسبة السرطان ٤ المجموع ١١ الباقي
بعد الاسقاط ٢ حروف السؤال هل هذه الطريقة الشاعية تامة في العلم والاعمال ام لا وهي من ٢
حروف بعد حروف مقال وعلمنا الحرف المشدد بحرفين ثم استفتحنا الجواب بعد اتفاق معرفة النسب المتقدمة
كما ذكرناه واول السؤال الهاء نجمعه عددها ونسبة عدد الطالع يكون ٢ الباقي ٣ ومثل الهاء في الاربعة الاولى
فعددنا من الميم ثلاثة فكان الثالث وهو رتبة الاحاد كما ذكرنا حرج واثبتناها وثانية وهو اللام اسقطناها
٩٩ وبقي اضفنا اليها الطالع فكانت عشرة اسقطنا منها ٩ بقي واحد فكان مثلها في حروف البيت الذي هو
مقال ق وهو مرتبة العشرات فكان هي اثبتناها وطلبنا في الهاء مثل الاولى فطلع معنا ٣ وهو ج اثبتناها
والدال مع نسبة الطالع ١١ الباقي ٢ ومثلها في الاربعة الاولى الاربعة ومرتبة العشرات محسوبة اثبتناها و

الهاء ثانية

الهاء الثالثة مع الاولتين وقع منها العدد على ٧٠ وهو عين الوزن اثبتناها وكذلك فعلنا في ساير الحروف
فخرج معنا بيت كامل موزون مطابق للمعنى واستخراج الجواب التام وهو ونختم علومنا بالطريقة الاتي
وتتم لاعمال الجواب مكملا والقانون الكلي في ذلك ان تنظر كل حرف من حروف السؤال وعدده
وفاضل العدد من ٩ ورتبته في مقام الاحاد والعشرات والمئات والالوف ومقامه من الجدول ومن السؤال
ومن اضافة نسبة الطالع او العاشر او النسبة المجموعة من الطالع والعاشر ومثل حروف السؤال في حروف
البيت والاربعة الاولى والاربعة الثانية والشاهد ونوع النسبة على حروف البيت او حروف الاربعة
الاولى او حروف الاربعة الثانية وتحقق النظر في اختلاف النسبة عند الاستخراج لكل حروف ومرتبة
ومرتبة الحرف الواقع عليه العدد فان الحصر الدليل على كلمة المراتب والاعداد واستحقاق النسب على
حرف وعدة فهو الحرف المطلوب من حروف الجواب المحقق انشاء الله وكذلك يكون العمل في استخراج المنثور من
هذه الطريقة انشاء الله وذلك ان تضع الجدول وهو قطبها المستخرج منه في طريقة المنثور وتوضع تحت
كل حرف من ذلك الثمانية حروف اعني الاربعة والاولى والثانية وتضع السؤال تحت ذلك الدوار تامة
تحت الاحرف على صفة ما تقدم ولا تضع كل حرف منه لكن فين على حاله وتتبعه وتعقله في المراتب
والاعمال على مثال ما تقدم يخرج لك الجواب منثورا ويمكن ان يخرج منها على عاديض مختلفة وهو اصل تام
تمام والله يتولى هداك والحمد لله رب العالمين بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي اظهر
عن اسرار الحروف ما خفي عن غوامض الاسرار وابرز عن امتزاج قوى طبايعها من هو عبرة لاولي الابصار
وكشف لذوي البصيرة عن حقايق الرموز الموضوعة بقلم الغبار احمده حمد معترف تتابع باسكار نعمه و
تعاقبها عليه بالادوار واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له الواحد القهار شهادة ادخرها
للسؤال والجواب في اليوم الذي تشخص فيه القلوب والابصار واشهد ان سيدنا ومولانا محمد عبده و
رسوله المصطفى المجتبى المختار مظهر الشهود ونقطة دايرة الوجود الذي عليه المدار الذي طلعت شموس نبوته
فاشرقت على حروف الذوات بالانوار فثبتت قواعد الاسلام عن شين الزحف وبحر النقص وعوارض
الاكدار صلى الله عليه وآله الذين هم كالاقطاب ولسماء ظهوره كالاقمار وبعد فانه لما كان العلم نبر فى علو
وتقبض العنان عن السياق في ميدان معانيه جهرا فيستغني من ناطها بالدليل واقامة الحجة وكان هو اول
علم نشاء عن الحرف ترفع ابدا بالابتداء ولم تنخفض باضافة ولا عطف وسبقه مبانيه على اساس الطالع
والعاشر والساعة لئلا يقول ذو الجهل هذه فعلة وصناعة وكان من معلومات الاخبار بحقايق الامور
والتي جمة بلسان الفصيح عما كتمته الصدور وليكون ذلك منا جليا بايات الله تعالى الدالة على وحدانيته والبل

الشاهد بصدا نيته وقد اجاد القايل حيث يقول ولله في كل تحريكة وتسكينة ابدًا شاهدًا وفي كل شيء له
اية تدل على انه واحد ولما حفظ الله تعالى هذا الدين الحنيف وحرس جوانب مقامه المنيف بانفراد سلطنة
ملوك الزمان والخلفاء الراشدين من ال عثمان لعلمه تعالى انهم محل العدل ومنبع الكرم والجود والفضل
وكان من اقوى الدلايل الناطقة باكرامهم من الله تعالى ومكرمتهم ان جعل الحرمين الشريفين داخلين
في خبر ملكهم وهذا الحرم هو الفخر المرتقى والمجد الذي لا يبلى ولا يطوره ولا يرقى فاستوعبوا الصفات
الجميلة والمفاخر وتوارثوها اكابر عن اكابر ولما افضت الخلافة العظمى والولاية الكبرى الى سيدنا
ومولانا ومالك امرنا السلطان الاكرم صاحب السيف والقلم مولى ملوك العرب والعجم مالك البرين والبحرين
خادم الحرمين الشريفين ومالك المنيفين اليمنيين سلطان الروم والعراقين المجاهد المرابط ابن السلطان
ابن السلطان الملك المظفر مرادخان بن سليم شاه ابن سليمان خان ابن سليم شاه ابن ابي يزيد ابن محمد ابن
مرادخان ابن عثمان خلد الله تعالى ملكه وجعل الارض باسرها ملكه امين اللهم امين اختار حضرة سيدنا
ومالك امرنا الوزير الكريم والدستور الفخيم الوزير حسن ابقاه الله تعالى واليا على الديار اليمنية فساد بالناس سيرة
الخلفاء وكان في وجود ملكه سلوة عن من مضى من الولاة قبله خلفاء ولصار الهالة بالقمر ونشر كل عالم ما عنده من
دقايق العلوم ودقايقها وكشف كل ذي فضيلة عن معانيها وحقايقها فاحياه الله تعالى بوجوده الشريف
ربوع علوم كانت قد دثرت فاطلع نجوم اهلها بعد ان استترت فلما ان كان العلم والعلماء لديه بهذه المنزلة الشريفة
والمزايا العالية للشيخ خدمت حضرته بتصنيف كراسة في طريق من طرق الزايرجة سهلة المسالك
واضحة المطالب للطالب ومقربة البعيد للمستفيد وجعلت مدخلها وفاتحها كلمة مولانا الوزير ليكون
ذلك من اقوى الدلايل على علو قدره ومحله الكبير ومن اعظم الفخر الدايم بدوام الدهر ويسير بها اهل كل عصر
من كل بحر وبر ولاكون قد ضربت بسهم من خدمته التي هي الشرف الاسنى والوسيلة التي بها يبلغ كل ذي
امنية الى ما تمنى وما اشبه ما وضعته بالدايرة التي وضعها الامام الطبسي لبعض الملوك ومزجها
باسمه ثم انشد حيث يقول لما رايت احاطت عندك علم الشريف واهل اهل الحقايق اهديت بحضرتك الشريفة
بعض نوع منه فايق وباسمك الاسنى الشريف مزجته فهو على الاطلاق ناطق وثناك قلته او لو انني
غلا المغارب والمشارق وكسبت خدمتك التي تكسبوا السيادة في الخلايق ولصاحب جريدة
العجايب لما اجتلبت قدر العلم والعلماء حتى جعلتهم الجلساء والندما خدمت حضرتك العليا بداية دايرة
على غامض المعنى لمن فهمها مزجتها باسمك الميمون فتضحت طريقتها وتجلى نورها وسما ما كان اشرف اسما
وقد برزه منزلة هل المعاني حكمة الحكماء تقدم لعز واقبال وعافية ما حل رعلو ما سح الحيا وهما

في ايضاح الطريق الزايرجية واسال قاريها ان يبسط الاكف بالدعية لمولانا
السلطان مراد ثم لمولانا الوزير المكرم والدستور المفخم بحصول كمل قصد ومراد امين اليا امين والحمد لله
رب العالمين مقدمة اعلم ان علم الزايرجا اسرار حرفية مرتبطة بنسب طبيعية وقوى فلكية وقد اختلفت
قواعد المشايخ فيها فمنهم من اطنب واسهب ومنهم من اقتصر واختصر والكل منهم راجع الى حد واحد وهو
استنطاق الجواب بلفظ يفهمه كل من سمعه فبعضهم استنطقه على طريق النسب كل نسبة ما اقتضاه عددها
وطبعها وصاحب هذه الطريقة لابد له من تاصيل بيت النظاير من ابجد وبعضهم يضع حروف السوال في سطر
واحد ثم يحذف المكرر ان زاد ثم في مثلها ثم يثبت الحروف في الجدول حتى تملاء البيوت ثم يستخرج اوتاد الحروف
ويقابل كل حرف بوتره ثم يستخرج النسب العنصرية ويدخلها في الجدول ويلفظ الكل حرف ما يناسبه فتنطق
لحروف الجواب وهي طريقة بعيدة قال السبتي قدس الله سره وهي متعبة للنفوس مستغرقة للوقت واشرف
طرق الزايرجة واوضحها واصحها الطريقة المعروفة بالزمام وهي لباب هذا العلم وخلاصته وهي اللتي تعب
عليها الاولون وجاهدوا فيها اشد المجاهدة وهي على وجهين لا زيادة الوجه الاول استعمال الجدول
والدخول فيه بالزمام والتعليم بالعبادا الوجه الثاني استعمال الوتر المقلوب عوضا عن الجدول والوتر المتصل
عوضا عن الاوتار وهي اجل موضوعات الامام السبتي قدس الله سره وهي متعبة للنفوس مستغرقة للوقت
واشرف طرق الزايرجة واوضحها واصحها الطريقة المعروفة بالزمام وهي لباب هذا العلم وخلاصته و
هي اللتي تعب عليها الاولون وجاهدوا فيها اشد المجاهدة وهي على وجهين لا زيادة الوجه الاول استعمال
الجدول والدخول فيه بالزمام والتعليم بالعبادا الوجه الثاني استعمال الوتر المقلوب عوضا عن الجدول
والوتر المتصل عوضا عن الاوتار وهي اجل موضوعات الامام السبتي وقد نبه عليها بارجوزته المسماة
سمينة الدهر وقال انها منتهى هذا العلم وزبدته في بلوغه اعلم ان الزايرجة لها جسد وروح وقلب و
عقل فالحروف جسده والوتر روحه وبسط الحروف قلبه وارتقاؤها عقله فمتى احكمت موضوعات الطبايع
وحروسها وادركت موالفتها فقد صح معك تركيب الجسد على مزاج صحيح بري من العلل والامراض المزاجية
ومتى وضعت الاوتار الثلاثة وضعا صحيحا وعرفت علة المكرر وعلة المسند وعرفت الحروف اللتي نظره
اليها ادوار السوال من المبتدا الى المنتهى وعرفت اين دفعت النتايج فقويها قوين الضعيف و
ضعفت القوى عرفت مبدا الروح ومنتهاه علمت علما يقينا ان الروح قد ارتقت في جسدها فاحييته
فصار مستعدا للحركة التي هي النطق ومتى بسطت الحروف على حسب الحروف ووازنت الاجزاء الى ان تباين
للطبع كل الحروف وعرفت الصامت من الناطق والمتحرك من الساكن والقوى من الضعيف والمتقدم

من المتاحز واين قوبت الصندية وما السر الذى انطق بعض الحروف وما العلة التى اخرست بعضها فقد
حصلت قوة القلب وبرزة لك قوة هيولانية تقبل الحروف مفصلة وتبرزها مجملة ومتى رقيت الحروف
حين طلبها الترقى وعرفت ذلك التى فى حقيقة من الحروف لاربعة وعرفت السبب الموجب للترقى للحروف
وهل هو اصطدام فرعى وما ساعده من الادوار ووافقه من النتايج ولِمَ انى اندفعت قوته من الاوتاد
الثلاثة وما احتوى عليه من احكام الزمام التى هى بمثابة الدليل للاعمى تاخذه بيده وتقول له صل حتى ادخلك
بيتك او بمثابة العينين للرجل لا يرى الا بهما فحينئذ ان سر العقل قد سرى فى تلك الحروف وما زجها حينئذ
تكملت للاتوى للحروف وصح لك جسد وعقل وروح فاحتجت الى تحريك هذا الجسد واستنطاق روحانيته
لترى ما احتوى عليه من الاخبار والعلوم وغوامض الاسرار فاذا دخلت فيه اجزاء الاوتاد ولقطت ما
وقع عليه تلك الحروف وكشفت الغطى عن اعينها التى هما الزمام فسيرى تراى الروح فى الجسد والقلب
والعقل فيندفع كل هذه من الاجزاء ما فى قوته من معانى الجواب فالجسد يعطى الحروف والقلب يعطى
الكلمات والروح يعنى قوة التلفظ والعقل يعطى المعنى والزمام يعطى كل حرف قوته يعرفها بسببه من محله
فعند ذلك يظهر لك الجواب عن ظهر الغيب وتفهمه عن غير شك ولا ريب وبتنبيه اعلم وفقنى الله واياك لما
قدمنا فى هذه الكراسة وان تحمل اوتار هذه الطريقة لفظة مولانا الوزير لوزم من ذلك ان كل من اراد
استخراج جواب من هذه الطريقة ان يحتوى سواله على الاحرف المذكورة اعنى مولانا الوزير فلو سقط منها
حرف واحد نقص عليه من الجواب بقدر ما لذلك الحرف الساقط من المدخل لان الاوتاد لابد ان تكون من
حروف السؤال فيجب عليك انك متى اردت خروج جوابك بهذه الطريقة ضمنت السؤال حروف الكلمة الشريفة
مثال ذلك الوسائل عن غايب هل يرجع سالما وغنيمة وكان اسمه محمد قلت محمد هل يلتقى من سفره خيرا او يحوز غنيمة
ويرجع سالما فهذا السؤال قد احتوى على الكلمة الشريفة فافهم فها انا اشرع فى بيان الطريقة المذكورة
مثلا بالسؤال عن ولاية مصر هل يحصل لمولانا الوزير وكان الطالع والعاشر السرطان والساعة
القمر وضعنا الحروف على هذه الصورة س ل ع م ا ل ا و ل ى ل ا ق م ر ا ل ط ا ل ع ا ل م ى ز ا ن ا ل ع
ا ش ر ا ل س ر ط ا ن م و ن ل ا ن ا ا ل و ز ى ر ح س ن ه ل ى ت ى ص م الجملة الحروف ٤٥ حرفا مراتب
الاسقاطات وادوارها ونتايجها الاسقاط الاول خمسة ادوار نتيجته ١ الاسقاط الثانى سبعة
ادوار نتيجته ٥ الاسقاط الثالث تسعة ادوار نتيجته ٥ الاسقاط الرابع ١٣ ادوار نتيجته ٣ الاسقاط
الخامس اثنان وعشرون دورا نتيجته ٢ وهى اصول المعرفة الداخل فى الاوتاد الثلاثة وهى اوتار المسالة فوضع
فى الجدول فالحرف الاول ثانية نادية وبسطره فهذا دية توالى نا ربية وثلاث دقايق ترابية فاسبط بنار

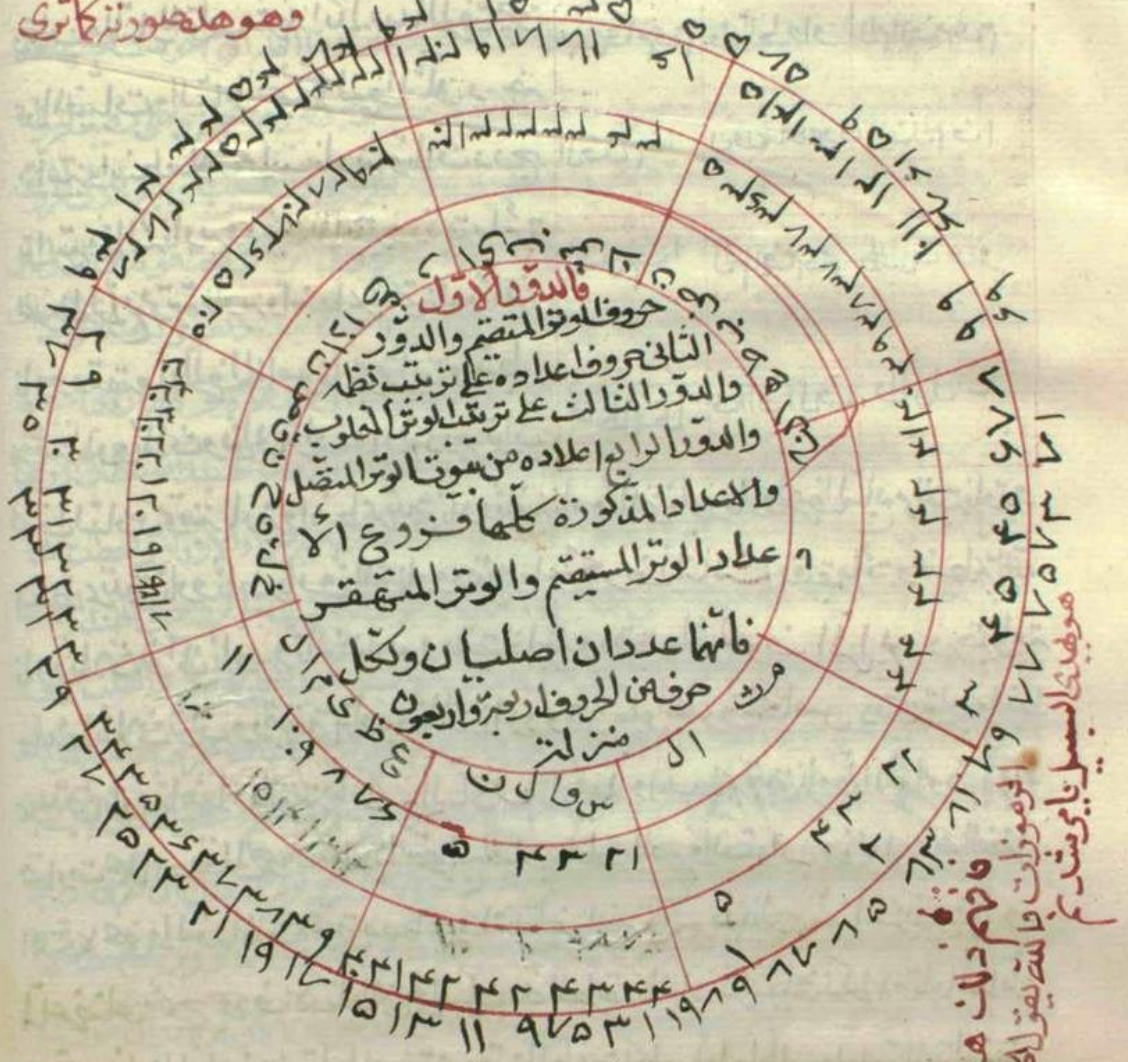
مہی مہعام ی م	داوالعدواو	لام الف م ی م
الف لام فا	نون عاون ون	الف لام ف ا
الف لام ف ا	لام الف م ی م	داوالف واو
دا علالفی ا	ی ا الف ال ف	دا ال ل ف

وتراب والنار للتراب شرطان انكا فهذا الحرف ينطق
عن المغيبات والسائل المجهولات الحرف الثاني درجة
ترابية واسقط ثلاث مراتب نارية وثلاث درج
ترابية وثالثة نارية ودقيقة ترابية ودقيقة مائية
الحرف الرابع مرتبة نارية واسقط مرتبتي نار وثالثة
نار ودقيقة ماء الحرف الخامس ثانية ترابية واسقط
مرتبة نار وثلاث وثواني تراب واربع درج تراب
الحرف السادس مرتبة نارية واسقط مرتبتي نار وثانية نار وثالثي نار وماء والحرف السابع مرتبة نارية و
اسقط مرتبتي نار وثانية نار وثالثي نار ودقيقة ماء الحرف الثالث دقيقة مائية واسقط مرتبتي
نار وثلاث ثواني نارية وثالثة نارية ودقيقة ترابية ودقيقة مائية الحرف الرابع درجة ترابية
واسقط ثلاث تراب ودقيقتي تراب وثالثة نار ودقيقة ماء الحرف الخامس دقيقة تراب واسقط
مرتبتي نار وثانيها ودقيقة ماء الحرف السادس ثانية ماء واسقط مرتبتي نار وثالثها ودقيقة ماء
تخارت بحمد الله تعالى حروف مواديه استخراج الجواب ناطقة بالصحيح والصواب فهذا العمري هو الفضل
الذي لا يخفى والنور الذي لا تختفي مصابيحه ولا تنطفي فالله تعالى يرينا بذلك مونا الزنفير شرفاً و
لما عرفناه شرح حروف الاوتاد التي هي لبيان هذه الطريقة كالعماد شرعنا في ذكر الاوتاد الثلاثة
اللتي هي طرف المنظرة فيتاوتاد المبرزة من قوى الطرفين لكل سائل ما طاب وارادة الوتر المستقيم
الاول منها

د	ه	ی	م	م	ی
ه	ح	س	ع	م	ى
س	ع	ع	و	ع	ح
ع	س	و	ع	ه	ع
و	ل	ه	ی	ع	م
ی	ی	غ	م	ح	ه
غ	ح	ح	و	س	غ
س	ه	ك	ل	ی	ح
و	س	ع	ی	ح	ح
ل	ی	ع	ل	ح	ح

ح	د	ع	س
م	م	ح	د
س	د	ح	م
د	س	ع	
ه	س	و	
س	ع	ح	ح

وهو هذه صورته كما ترى



كتب هذه الزايرجة الجفرية على طوق كتاب احمد بن خلف البصراوي في بلاد البصرة والله سبحانه وتعالى

اعلم بسم الله وحده **بسم الله الرحمن الرحيم** الحمد لله الذي لم يزل لها قبل ازل الازال وفي

وحدانيته وسرمدا بعد اجل الاجال الذي خلق الموت والحيوة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو العزيز الغفور الذي

تنزه نفسه عن الازمان والاكوان وتقدس صفاته عن الاشباه والاقران تفرد وجوده عن شرك اهل

الاصنام وامتنع كماله عن ادراك خواطر الانام الاول عندا ولبته مجهول والاخر عند اخرتيه معزول اوله

اخر واخره اوله الحمد التام والايات العظام والعبادة الصوام القوام والملائكة الكرام والانبياء

والكلام والاولياء ذو الالهام خالق الخلق بعلمه ومنشيهم بحكمه او حدهم من العمل بعلمه في القدم نفخ روحه

في ادم وبث ذريته في العالم واصطفى منهم عبادا وجعلهم لاوصنه سندا وعمادا واوضح بانوارهم طرق

الخلائق وطهرهم بمياه نشفقته عن دنس العوائق في قلوبهم خزائن المعرفة وشرفهم بخصايص المحبة وزين

اسرارهم بانوار المشاهدة وفتح لابصار قلوبهم ابواب المكاشفة والمسلسلة ارواحهم انوار الوحدانية
وكسى اسرارهم سنا الفردانية وكحل عيونهم بكحل الجبروت وسيرهم في ميادين الملكوت وسقاهم الزلفى و
اجلسهم مجالس القربى وشرفهم بكشف المشاهد وخصهم بوقايع المكاشفة والصلوة والسلام الاتمان الاكملان
ان على الانسان الكامل ظل الحضرة الالهية وقطب داية الاسماء الاحدية المسمى في الانجيل والفرقان محمد
خاتم الرسالة والهادي من الضلالة سيد المشتاقين وامام العاشقين همام برج الملكوت وطاوس
حضرة الجبروت ارسله الى الجمهور بالدين المشهود والكتاب المسطور والنور الساطع والسنا اللامع والسيف
القاطع والامر الصادع ازالة الشبهات واحتجاجا بالايات وسياسة بالمثلات الذي هو اول تعين
على الاجمال والتفصيل وعلى آله الهادين الى اقوام سبيل وصحبه المكملين بابين تكميل والله يقول الحق وهو
يهدي السبيل فنقول وباسط المستعان وعليه التكلان فاعلم فهمك الله تعالى ورزقك الصواب وانزلك
بين السؤال والجواب ان الكليم الذي وقف الباب بفهم الخطاب وشد الرحال عند ارباب الحال بما سال
السائل اين منك واليك واين بك وعليك واين منك وفيك وما الكيف وما الاين واين الاين
فمنها احوال ومشاهد ومنها وعيد ومواعد ومنه ناطق الوجود عند اصحاب الشهود ومنه السامعه
وهو خطاب الحق المعارف من اسراره عند المكاشفة ومنه المحدث وهو الوارد يرد على الخصوص من اهل الخصوص
فتارة ينطق بالحكمة والاسرار وتارة بغيبات الامور والاثار اما نطق غالب او بواحد جالب ومنه
الالهام وهو وارد يرد على القلوب من عالم الغيوب ومنه السكينة وهي التي تنزل مع الالهام في الولي عند اهل
الكشف الجلي هو الذي انزل السكينة في قلوب المؤمنين ليزدادوا ايمانا مع ايمانهم وهي من اثر الحوادث
على الاولياء وعلمناه من لدنا علما ومنه مناجات التشريف والتنزيه والتعريف والتنبيه على النقوم الاكمل
الحق والخلق الاجمل الاكمل المحفوظ المصون في الكتاب المكنون مفتاح الخزانة عند صاحب الامانة فهو الخليفة
في الارض في الطول والعرض المطلع على اسرار الحروف ومعاني الظروف والتصرف في الكون باسرار الحروف
اللون فهو منبع الاسرار ومشرق الانوار وروضة الانهار ونزهة الافكار ولولا هما كان ملوك ولا
سوق ولا عين ولا اثر ولا كيف ولا اين ولا وصول ولا انصراف ولا كشف ولا اشراف فهو جنة العارفين وغاية
السالكين وريحان المقربين وسلام على اصحاب اليمين فاما الكيف والاين واين الاين فاعلم ان الله
منزه عما تصفه الواصفون ولا تراه العيون ولا تدركه الظنون ولا اولية ولا آخرية ولا بطون لظاهريته
ولا بطون لباطنيته هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو بكل شيء عليم فلا كيف لذاته ولا وصف
لصفاته ولا مزاج لقوته ولا علاج لصنعه ولا اين لمكانه ولا حين لزمانه ولا كنه لشانه ولا حيث حين هو

حينه هو ولا اين هو ولا كيف كيف هو ولا متى حين هو ولا يعلم احد كيف هو وهو كما هو الا هو ولا هو الا هو
ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو امور لجم ولا مرجوع ولا واضع ولا موضوع ولا يتخذ عند ولا ص
ولا والد ولا مولود ما اتخذ الله من ولد وما كان معه من اله قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد و
لم يكن له كفوا احد اين الكيف ايها السائل اعني بكيفك والاين اينك واين اين اينك والحين حينك
والحين حينك والمتى حين حينك والمكان مكانك قال الله تعالى واذا سألك عبادي عني فاني قريب اجيب
قال الله تبارك وتعالى ونحن اقرب اليه منكم ولكن لا تبصرون وقال تعالى نحن اقرب اليه من حبل
الوريد وقال تعالى هو معكم اينما كنتم وقال تعالى فاينما تولوا فثم وجه الله فاذا تقرر ذلك
فان الله تبارك وتعالى في كل شيء وعند كل شيء وفوق كل شيء ومع كل شيء وقبل كل شيء وبعد
كل شيء واول كل شيء وظاهر كل شيء وباطن كل شيء وهو لا فوق شيء ولا تحت شيء ولا بعض شيء
ولا شيء ليس كمثله شيء وهو السميع البصير وقال في الحديث القدسي لا يسعني سمائي ولا ارضي ويسعني قلب
عبدي المؤمن والاختلاف كان لفظا ظاهرا في نظام الاول وله ثلاث وجوه ومعان في الوجه الاول تقدم
والوجه الثاني فالمراد به هي الروح وهي النفس الناطقة القدسية البارزة من عالم القدس البارزة من عالم
القدس الصادرة من عالم الامر الناتجة وحضرة النفس الرحماني المسمى بالعمى وذلك الاشارة ومصدر
الكل من غيب الغيوب وغيب مصون وغيب مكنونات وعالم الاعيان الثابتة عالم الرموز وعالم الوحدة وعالم
الصفات وعالم المعاني وعالم ملكوت وعالم العقول وعالم المطلق وعالم الغيب والشهادة فلا يظهر على
غيبه احدا الا من ارتضى من رسول فانه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصدا ليعلم ان قد ابلغوا رسالات
ربهم واحاط بما لديهم واحصى كل شيء عددا والنفس التي هي صورة علمية حصلت بالاحاطة الذات العلمية
نفسها من حضرة العليم الى حضرة الجمع والقران الحكيم التسمية بالاحدية ثم الى الكثرة الصفاتية والاسمائية
وهي لا زالت على ما كانت في الحقيقة وحدة صرفة كل شيء هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون فمنه بروزه
واليه رجعته اليه يرجع الامر كله ومنه المبدأ واليه المعاد وكل شيء يرجع الى اصله وكان الله ولا شيء معه وهو الان على
ما عليه كان وحكم الازل والابد واحد ويستحيل عليه وطرد الحوادث فالكثرة امر اعتباري وكثرة الاسماء والصفات
لا تقدح في وحدة الذات يوم لا تملك نفس لنفس شيئا والامر يومئذ لله هو الاول والاخر والظاهر والباطن وهو
بكل شيء عليم ليس كمثله شيء وهو السميع البصير فاذا تقرر ذلك فتحقيقه على ان النفس صدورها منا وهي فينا
وفي انفسكم افلا تبصرون وانما عونا على الامور الجزئية والكلية الظاهرة والخفية من الاحوال المرضية والامور
الطاهرة الزكية وهي علينا شاهدة الا سلكنا غير ما ترضاه من المسالك فقال تعالى يا ايتها النفس المطمئنة ارجعي

ربك راضية مرضية فادخلي في عبادي وادخلي جنتي هذه اذا كانت لنا وقال تبارك وتعالى لا اقسم بالنفس اللوامة
اذا كانت علينا شاهدة وهي بنا مهاوي الشهوات والمهالك وقد تعالى ان النفس لامارة بالسوء الا ما رحم ربي
وقال تعالى وما سواها فالهمها فجورها وتقويها ومن عرف نفسه فقد عرف ربه وهي بنا ظاهرة مع بطونها المنبا
صادرة اولا ورجعت اخرا باطنا وظاهرا وهذا التوحيد يتاتى في العقل ايضا اذا كان المراد بالسؤال هو ذاته
هو عينها حقيقة وغيرها اعتبارا وهو من علم القدس والطهارة وعالم العقول فوق كل النفوس رتبة ومرتبة
وقد تقدمها في الوجود دنا اما وهي عنه صادرة ومنه مستمدة والعقل على اربع اقسام على عقل غريزي وعقل
الهامي وعقل مجازي وعلم حقيقي فالعقل الاول المسمى بالقلم وموضع الغريزي في دماغ بني ادم فاعلم ان حقيقة
العقل واقسامه قد اختلف فيه المتقدمون والمتاخرون وهو يطلق بالاشتراك على اربع معان الاول
الوصف الذي يفارق به الانسان ساير البهائم وهو المستعد لقبول ساير العلوم النظرية وتدبير الصناعات
الخفية الفكرية وهي غريزة متهيئا بها العلوم النظرية فكانها نور يقذف الله تعالى في القلب مستعد لادراك
الاشياء هذا ادى بعض المتكلمين ولم ينصف من انكر هذا وارد العقل الى مجرد العلوم النظرية الضرورية
فان الغافل عن العلوم والنائم يسميان غافلان باعتبار وجود هذه الغريزة مع فقد العلوم والقسم الثاني
هي العلوم التي تخرج الى الوجود في ذات الطفل المميز لجواز الجايزة واستحالة المستحيلات كالعلم بان الاثنين
اكثر من الواحد والشخص لا يشغل مكانين في وقت واحد وهذا القسم هو الذي عناه بعض المتكلمين لكنهم
انكروا القسم الاول والقسم الثالث علوم تستفاد من التجارب من جاري الاحوال فان من يحيل قيل له عاقل في العادة
وان لم يتصف بذلك قيل انه غير جاهل غمر والقسم الرابع ان ينتهي تلك القوة الغريزية الى ان يعرف
عواقب الامور وتقمع الشهوات الداعية اي اللذات العاجلة وتقهرها فاذا حصلت هذه القوة سمي صاحبها
عاقلا من حيث ان اقدامه واحجامه بحسب ما يقتضيه النظر في العواقب لا لحكم الشهوة العاجلة وهذا من
خواص الانسان الذي يتميز به من ساير الحيوان هو الاس والمنبع والثاني هو الفرع الاقرب اليه والثالث
هو فرع الاول والثاني هو اذ بالقوة الغريزية والعلوم الضرورية تستفاد علوم التجارب والرابع
وهو الثمرة والغاية المطلوبة فالاول بالطبع والاخران بالكسب والاول هو المراد بقول الشارع اذا
تقرب الناس بانواع البر فتقرب انت بعقلك وقد ورد في الحديث القدسي اول ما خلق الله العقل فقال له
اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر فقال وعزتي وجلالي ما خلقت خلقا اكرم علي منك بك اخذ وبك اعطي وبك
اعطي وبك اثيب وبك اعاقب والكلام هاهنا يطول ونقتصر على ما تقتضيه الفايدة والوجه الثالث
قد يكون المراد بالسؤال هو الرسول الاكرم المسمى محمد الذي ما خاب من طلب منه المدد ولو كانوا اعداء كثيرين...

بسم الله الرحمن الرحیم
کوبیدا
قلیا یکمن اب جوش بران ر...
سه روز در افتاب گذارد ...
جر علقه نموده بالای تیمن قلیا کو...
ریخته و همچنین تا مرتبه هفته
یکبار که قلیا صاف شود و چو...
دفعه اخر انرا صاف کنند ...
ندارد که همه ان لیسه کردد نمک...
یکمثقال ازان کوبیدا فرش ...
یکمثقال شش مثقال نه کوبیدا ...
کرده به یک مشت زبل د...
داده بعد از سرد شدن نمک ...
انداخته باز نمک تا نه قر...
کرده تا ده نوبت و هر دفعه ...
هر دو مشت بر زبل افزوده ...
یکمثقال ازان بر چهل مثقال ...
مدبر طرح شود عمل خالص ...
تدبیر سرب ورق النیج ...
اسرب ۶ یا ۷ مرتبه اب ...
در ان ریخته تا رفع سواد ...
دیگران کرد دانوقت قابل ...
شود بدون مایه صابر اکسیر ...
میان دوات دمی شش مثقا...
تم

العدد وشرف وكرّم وايّد وعظم ومجّد وايّد صلّى الله عليه وآله ما فاح الخزام وناح الحمام وعلى آله واصحابه
الكرام ازكى التحية والسلام اذ قال في حقه مولاه لقد جاءكم رسول من انفسكم اى من جنس انفسكم في البشرية
وهذا تسكين للعوام لئلا ينفروا عنه ويمتنعوا عن متابعته ويقولوا لا طاقة لنا بمتابعته لانه ليس من جنسنا
البشر نظيره قل انما انا بشر مثلكم وفيه اشارة للخواص يقولون ان احدا من جنس البشر لما وصل الى هذه المراتب
العلية والمقامات السنية بالاستقلال فيحتمل ان نصل في متابعته اليها كما قال تعالى قل ان كنتم تحبون الله
فاتبعوني يحببكم الله والمقام المحبوبية من اشرف المقامات واعلاها فلما انحصر بالمتابعة فادناها اول با
لحصول واما بقراءة من قرأ من انفَسكم بفتح الفاء يشير به الى نفاسة جوهره وفي اصل الخلقة لانه اول جوهر خلق الله
تعالى كما قال اول ما خلق الله روحي وفي رواية اول ما خلق الله نور نبيك يا جابر الحديث وايضا يشير به الى
نفاسة جوهره في الخلاص عن تعلق الكونين وبلوغه الى قاب قوسين وعروجه الى مقام او ادنى وعلو همته اذ
يغشى السدرة ما يغشى ما زاغ البصر وما طغى واختصاصه بشرف رؤية لقد رأى من آيات ربه الكبرى وتخليته فاوحى
الى عبده ما اوحى عزيز عليه ما عنتم اى يشق عليه انقطاعكم عن الله تعالى حريص عليكم في ايصالكم الى الله
تعالى وانزالكم في مقعد صدق عند مليك مقتدر بالمؤمنين رؤف رحيم لين بهم في الدين المتين بالرفق كما
قال صلّى الله عليه ان هذا الدين متين فاوغلوا فيه بالرفق وبالرحمة يعفوا عنهم سيئاتهم كما امره الله تعالى
بقوله فاعف عنهم واصفح وفي قوله بالمؤمنين رؤف رحيم في حق نبيه وفي قوله لنفسه ان الله لرؤف رحيم دقيقة
لطيفة شريفة وهي ان النبي لما كان مخلوقا كانت رأفته ورحمته مخلوقة وصارت مخصوصة بالمؤمنين بضعف
الخليقة وان الله تعالى لما كان خالقا كانت رأفته ورحمته قديمة فكانت عامة للناس بقوة خالقيته
كما قال ورحمتي وسعت كل شيء فمن ذا ذكرنا الرأفة والرحمة الخالقية من الناس كان مقابلا للرأفة والرحمة
النبوية لانها كانت من نتايج الرأفة والرحمة الخالقية كما قال فبما رحمة من الله لنت لهم فان تولوا اى اعرضوا
عن قبول نصحك ورأفتك ورحمتك ولم يتبعوك في طلب الحق فقل حسبي الله يشير به الى ان تبليغ رسالة
النبي كان موجبا القربة الى الله وقبولها اياه فلما بلغ رسالته فقد حصل مقصوده من القربة الى ان
اقبلوا امنوا وان اعرضوا عنه لا اله الا هو اى لا مقصود ولا مطلوب ولا محبوب ولا معبود لي فيما علمت الا الله عليه
توكلت اى هو كان مقصدي ومطلوبي في جميع الاحوال وهو رب العرش العظيم اى هو العظيم الذي يحتاج الى من
عظمته الى ربوبيته مع اختصاص العرش باستواء صفة رحمانيته عليه وقال تعالى لقد كان لكم في رسول الله
اسوة حسنة وقال عز من قائل النبي اولى بالمؤمنين من انفسهم وقال تعالى وما كان الله ليعذبهم وانت فيهم وكما
قال اهل الله رسول الله بواطننا الى ظواهرنا من حقايقها الى هياكلنا وقال لاهل التحقيق من السادة

الصوفية

الصوفية الاعيان الثابتة ما شمت رائحة الوجود والوجود مطلق للذات العلية وهو الظاهر ونحن كلنا مظاهر
ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ايا ما فله الاسماء الحسنى وقد ورد عن امير المؤمنين
علي بن ابي طالب صلوات الله وسلامه عليه دوائك فيك وما تشعر وداؤك منك وما تبصر وتحسب انك جرم
صغير وفيك انطوى العالم الاكبر وقيل هذا المعنى سبحان من اظهر ناسوته سر سنا لاهوته الثاقب وقيل ليس سماع
الالفاظ كمشاهدة الالحاظ ولسان العيان انطق من لسان البيان وشاهد الاحوال اظهر من سامع الاقوال فما
حافظ الغين ظهرة الغين واضمحل الكيف والاين جمع بقدرته بين الاكدار والاصفاء وحمل الاظهار الغايب على
الاخفاء فظهرت الاسماء والافعال وبرزت المثل والاشكال وتجلت الحجر والايات واشرقت الارضون و
السماوات فله السموات والارض والمحيط الاوسع شمل علمه كل حال للمعلومات وسر امداده في قوابل الذرات بل لا
هو حال لا تعرض له نسبة حصول في المكان وقال موسى عليه السلام يا رب اقريب انت فاناجيك ام بعيد
فاناديك فاني احس صوتك ولا اراك فاين انت فقال الله تعالى وتقدس انا خلفك وامامك وعن
يمينك وعن شمالك وانا جليس عبدي اذا ذكرني وانا معه اذا دعاني وجملة هذا الاخبار ان الله تعالى
ما حل في شيء وما غاب عن شيء وقد ورد في الحديث يقول الله تعالى بعزتي وجلالي ووحدانيتي وفاقة خلقي
الي واستوائي على عرشي واستوائي مكاني اني لاستحي من عبدي وامتي يشيبان في الاسلام ثم اعذبهما وامثال
ذلك كثير في علم ذلك انه لا ينفتح اقفال الغيوب الا لسالم من العيوب فمن كان من اهل المعارف فليكن لها حاليا
متقمصا ومن كان من اهل المعاني فليكن على نعمائه متقاصا في كتابنا هذا لا ينظر الى المبادي بل الى الاعقاب
وترى الجبال تحسبها جامدة وهي تمر مر السحاب صنع الله فلا اعتقد بكلامي هذا الا الملوك الاكابر واعيان
العلماء الجواهر لما فيه من قيد العلم والاسرار والمعارف والاثار فما ينبغي الا اهل الحزم من الاولياء واهل الحزم من
الاصفياء من اسرار الملكوت وحكمة الجبروت تبرز في معاني الراسخون تكشف مبانيه العارفون الذين
هم في علم المواهب وفي مقام الحقيقة سواء اعلم ان القلوب لا تنفتح الا لاهلها وما تغني الايات والنذر عن قوم
لا يؤمنون وقال عليه افضل الصلوة والسلام افشاء سر الربوبية كفر فالملوك واحد والاختلاف في القوابل قل هو
للذين امنوا هدى وشفاء والذين لا يؤمنون في اذانهم وقر وهو عليهم عمى عبارا تنا شتى وحسنك واحد
وكل الى ذاك الجمال يشير فهم ذلك والله يقول الحق وهو يهدي السبيل بسم الله الرحمن الرحيم الحليم الحنان يا ملاذ
السالكين يا مراد الطالبين يا عياذ اللائذين يا غياث الحايرين اغثنا بنظرة واغننا بقطرة واحفظنا
من افات الزمان وعاهات الاوان واخرجنا من دوخة الشك الى روضة الشكر ونقنا من الذنوب واسقنا
من دلو الغيوب يا من بيده مفاتيح الامن في الطول والعرض والصلوة على محمد واله اجمعين والحمد لله رب العالمين

اسماء هذه الرسل عليهم السلام ثلاثمائة و ثلاثة عشر بسم الله الرحمن الرحيم

ادم	شيث	انوش	قينان	مهاليل	اخنوخ	ادريس	متوشلخ	نوح	هود	عيهق	ريدم	تابخ	صالح	انخد	صفوان	خنظله	لوط
عصان	ابراهيم	اسمعيل	اسحق	يعقوب	يوسف	سمايل	عمرين	شعيب	موسى	لوطا	يعوا	حارون	كليلد	يوشع	دابنال	يونس	بلسا
اصيا	يونس	الياس	سليمان	داود	اليسع	ايوب	اوس	ذابيع	الجمع	ثابت	غابر	هميلا	ذو الكفل	عزيز	عزملا	عزان	الوكي
زانيه	عادم	هربيد	سلوان	سعد	غالب	شماس	شمعون	فياض	قضا	هيبل	قضا	سادم	عينا	سايم	عوص	بيور	كدول
باسل	باسان	نجين	نمصا	رسوخ	رشين	الموك	لوغ	برسو	لاظم	رشاد	شريب	هيبل	سيلان	عمران	بهرس	حبيب	شماخ
صريخ	سفا	قبيل	صخضي	عصبو	عبيف	صديق	بروا	حاسيم	هيبا	عاصم	رجاب	مصطفى	عابد	تحل	خسل	فتلح	شمويل
غصان	يسير	سباط	عناد	نيلح	نهاب	عمران	نرمان	حنان	لحا	ولام	يقبول	صابص	هيا	آقلنق	ناداد	بصير	اوديس
مفصص	خلعيتر	شرحبيل	معنايل	سمدك	حاذم	مارع	هرميل	حايد	زرما	اصفق	بوطج	ناوي	هلوبر	ابشيل	عطاف	هبيل	زنجيل
شطان	الفقم	حوبلي	سانج	دابيل	ناصيل	قاسم	مابيل	بابيل	كيلا	بابر	جايم	جاوح	جامر	خاحن	دابيل	طاسم	دادم
سادم	شوشان	جابلان	صاحه	صعيا	كلواد	صلكم	نغران	غاير	لاحون	بلاخ	ممتمص	سانين	هيد الله	لاي	هراد	نامعي	خافك
جامع	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كابخ	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
صادق	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عامر	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
كابو	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
زكان	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
عيون	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
وقعون	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]								

فصل در طريق مظهر و دفع الكتابة و الخنا است كه از مجموع عدد ثلث بيرون از دو در خانه قطب نهند
باقى عدد در طول و عرض قسمت كند بر بيجم اين عدد ٢٧٠٩ ثلثش ٩٠٣ باشد بيرون كرديم و در قطب نهاديم

برين

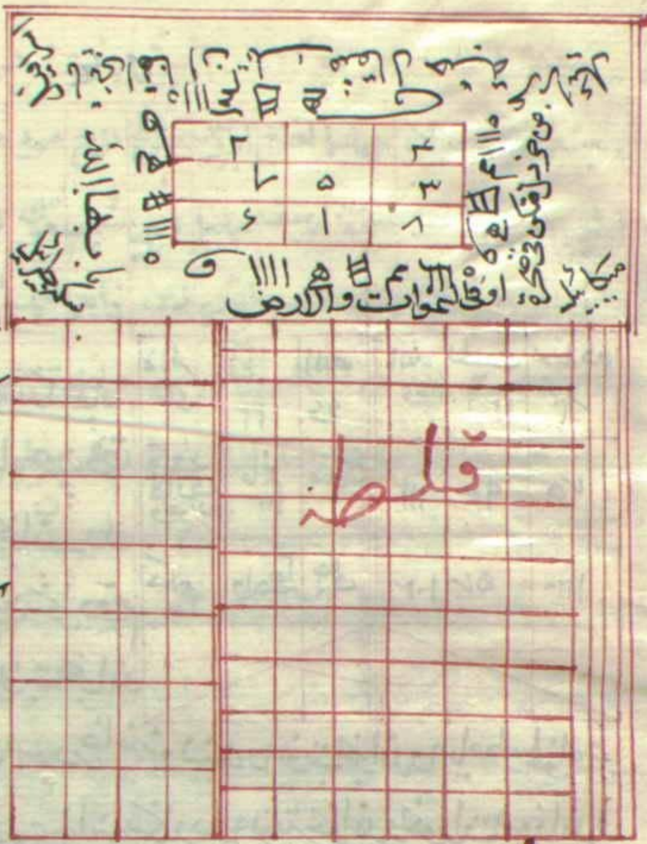
بدین مثال شد

فصل در طریق حکما یابنیل و ایشان فرموده اند که چهار ملك ملازم این شکل اند اول یا ماالسیوساه حین وقتی اول کنند این دوم ابتدا کند ۹ نوبت این اسم بخوانند و در پهلوی این اسم بنویسند دوم یا سبیقبهاء و چون شکل دوم نگارند و در پهلوی این خانه بنویسند و ۹۹ نوبت بخوانند

لا الر	الا	الله	الله	لطیف	نعباده
ساء	٣٢	٦٦	٦٦	١٢٩	٨٤
ودود هادی وجاد	دایم	مبدئ	١١١	٩٣	٧٥
حکیم	واحد	جلی	١٠٣	٥٧	١٣٠

وسیم یا کیفوفاه چون شکل سیم نگارد این اسم در خانه بنویسند و ۹۹ نوبت بخوانند و ۹ یا مطیلحواه و چون شکل چهارم نگارد این اسم را در پهلوی خانه نگارد و ۹۹ نوبت بخوانند و بخورات بسوزانند و اسماء نگارد که البته مقصود حاصل شود در اصطلاح اهل مغرب و بابل و یونان

ایشان میفرمایند که چون خواهند این شکل نگارد ابتداء عدد یك کنند و یکبنونتر بگویند اه و چون عدد دو نگارد دو نوبت دیگر بگویند بقطریال و چون عدد سه نهند سه نوبت بگویند جلیش و چون ۴ نگارند بگویند دمیال و چون ۹ نگارند ۹ نوبت بگویند طمش و چون ۶ نویسند ۶ نوبت بگوید و کوهیم و چون ۷ نویسند هفت نوبت بگوید نقطا و چون ۸ نویسند ۸ نوبت بخوانند حدابیر و چون ۹ نویسند ۹ نوبت بگوید طمیال این اسماء و غرهنت و سی عزایب اعمال را در او ست و در جمیع اعمال مثلث این عزیمت باید خواند بسم الله الرحمن الرحیم برهتیه کریره ابوشان تتلیه توران مزجیل مزجیل بزجیل ترقب برهش غلش خوطیر قلبهود ابوشان کظهیر موشلخ ملوشلخ برهیو لا تسکلیخ کومی لفل لیط قراط محیط غیاها کید هولا شنحا میر شماحیر شمطاهیر بحق العهد المفقود علیکم والانقیاد فیما امرکم به و بعزة العزیز فی عزه و بطشه و شدة قهره واوفوا العهد الله الی کفیلا ان تحضروا و تفعلوا کذا و کذا بحق الله الذی لیس کمثله شیئی و هو السمیع البصیر و بحق بدوح اجهز طبطد زهج واج و بحق شمس اولداد واحد الذو الجلال والاکرام و بحق الله لا اله الا هو الحی القیوم فافعلوا ما تومرون بارك فیکم و علیکم اذا اتیتم ما وصف علیکم العفو فوا بحق من حیثم من اجله بلا اصرار و لا اصرار و بارك الله فیکم و علیکم و بعد از ان قل هو الله و آیة الکرسی بخواند و بر خود بدمد تا از ضرر ایمن گردد دیگر از جمله خواص این شکل است که اگر چیزی برده باشند و ظاهر نشود این شکل را بر صفحه و نام سارق یا ذاهب یا التی در شوده یا مطبخ دفن کنند چون بخار آتش بر صفحه رسد اندر ذکر بخته متغیر شود باز گردد بامر الله تعالی و چون دفن کنند بگوید اللهم اجعل حمعا بین فلان و فلان بدین مثال بنویسند

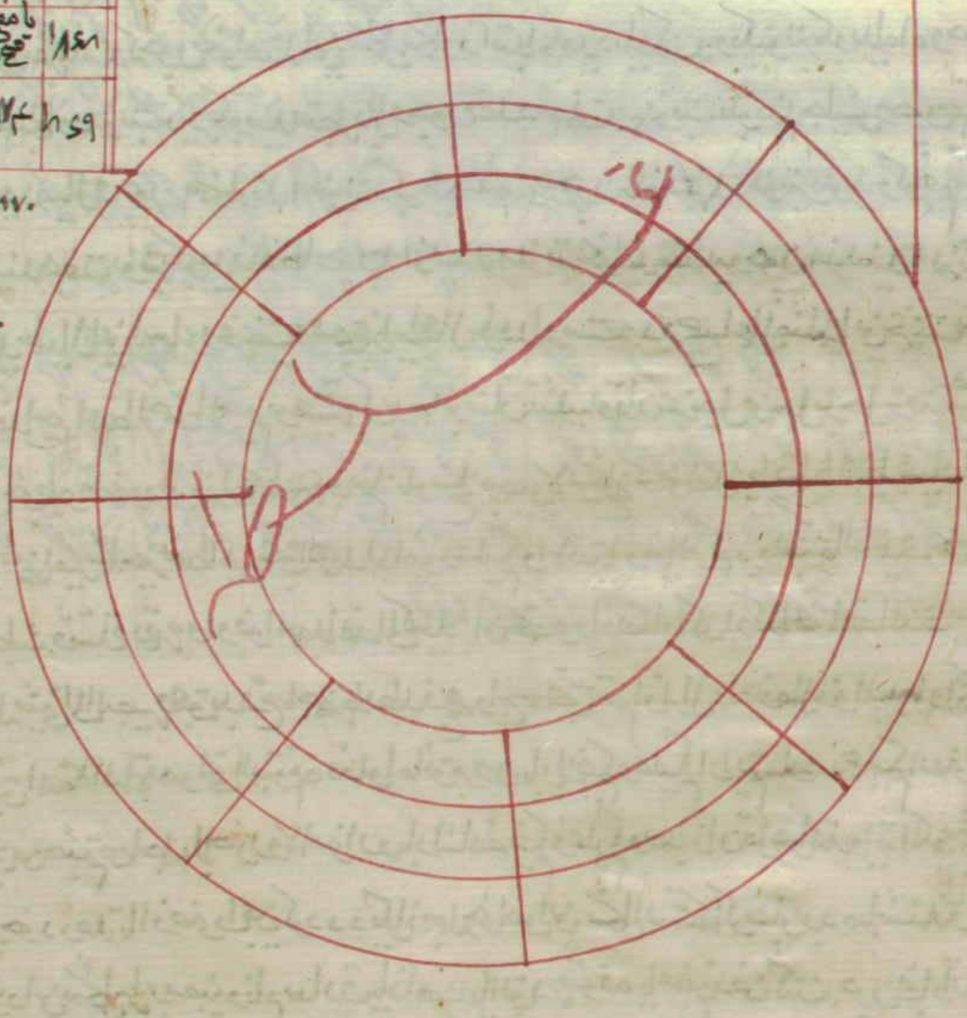


دد طرق حکمای مصر و اعمال اسناب بدین مثال است
که عدد اسم هرچیزی که خواهند از خیر و شر
و مطلوبی که دارند در قطب شکل نویسند
و بعد داسم مشغول شوند و مقصود حاصل
کند مثال یا مفتح فتح بالخیر در وسط نویسند
و وفق تمام کنند و این اسما را بعددش نویسند
که مراد حاصل شود بدین مثال که خود شد
این شکل بنویسند اینست ۵۶۱۰

۱۸۷۱	۱۸۶۵	۱۸۶۳
۱۸۷۲	یا مفتح فتح بالخیر	۱۸۶۸
[illegible]	۱۸۷۴	۱۸۶۹

۱۸۷۰

۵۶۱۰



هذا فلك المتحير الذي يسير بدلا من سماء الواقعة في شرف لوح الحمل تبرج الا كحبيطائه ومكتب الرابع في اصلاح المعدل

ی	١٣	٨	١١	٣٣١	٣	٥١	٥	٥٤	٩٥	١٠	١	ی٤٤	٣١	٥ی	٣١	١٥٣	٨	٥٢	٢٥
١٠	٤٥١	ی٥	٤٥١	٣٥	٤٥	٤٥	١٢	٤٥	٨١	٧٥٥	ی٥	ی٤٤	٣١	٥	٤٣٩	١٠٠	٢	لا*	لا١
٢٥٥	١٥١	٧٥	٧٥	٣٥	١٥	٤	٥٥	٥	٤٥١	١	٧٥٥	٧٥١	ی	٤	١	٣٠	ی٥١	١٧١	لا
٤٣٥	٢٥٥	٣٥	٣٤٥	١٣	١٠٠	٤٥	٢٥	٧٣١	٢١٤	ی١٠٠	ی	١٠	٣١	٥٥	٥١	٢٥١	١	٣١	٤٠
١٢	لا	ی٨	٤٢	٧	٥٥	١	١٢	٣١	١٥	١٥٢	٣٠	٧٥	٦٥	٢٥٤	٨٥	٣٥	ی٣٥	٢٥٥	لا
١٥	٥	٣٥	١٠	٤٣٥	١	٢	٤٥	ی	ی٥٢	٢٢	٢٠	١٣١	٣١٣	٣٥	٥٥	٢٤٥	١٥٨	٥	٤٠
١٠٠	١٣٥	٢٥١	٤٥	٢٥٤	٣٢	لا	١٤٤	٥٥	٢٥٥	ی٥٥	١ .	١٧٥	٢٥٥	٤٥	لا	ی٤٣	١		
٥٥	٥٥	٨١	٣	١	ی٢٠٥	١٠	٣١	٣٧	٥٥	٥٠٠	٤٥	ی٥	٤٨	٣٥	ی	٧١	٥٥	٤٥	٣١
١	٧٥	٤٣	لا	٢٤	٢	٧٥	١٥٢	٣١	١ .	لا	٣	٢٧٥	٥٤	٥٥	٩	٣	٤١	ی	ی٨
ی٥	٥٥	٢٥١	١	١٣١	٢٥	ط	٢	١٤	٢٥١	١٣٥	٣١	٤٥	١٠٠	٤	٢٤٥	٧	١٥	ی٥	٣٠ ٨
٣٣١	٨١	٧٥	٢٢	٤٥	٧٥	٥٥	٥٥٥	٤٥	٥٥	١	٢٥٥	١٠	٢٤١	٨١	٣٥	٥٥	٧٥٥	٤	٤٠
١٠٠٣	٥	١	١٠	١٥	لا	٤	٧٥	٣٥	٩٠	٥١	٣١	٥	ی٣	ی٢٠٥	٨١	١	١٥	١٥	لا
٤٥١	٩٨	٤١٥	٢٥	٢٥٤	٣٥	٤٥	٥١	٢٥	٣١	٥٥	١	١٣١	٤٥	٧٥	ی٨	٢٤٥	٩٨	٣٥	٤٠٠
ی٥	٧٥	ی٣	لا	١	٣٥	٢٥	٨٥	٥٥	١٠	ی٢٥	لا	١٣١	٢٥	٩٨	ی	٥٥	٤٥	١٠	١٥
٥	٤٥	١٥٥	١٠	٢٥١	ی	١	٣١	ی٢	ی	٧٩	٤٥	٣٥	٣٥	٨٥	٥٢	٨٥	٥٢	٥	٢٥ ی٢
١٥	١٣	٣٢	ی٥	٨٥	٤٥	٥١	٣٥	٣٥	٣٥	٤٥	٦٥	٢٠	٤٥	٥١	٧	١٥	٤٣٨	٥	١٥
ی٥	٥٥	٤١١	١٠	٢	١٧	٣١	٣٥	٨	٢٥١	٢٠	ی	٥ی	٨٥	لا	١١	٣١	٣٢٥	٤٥	٣٥
٤١	٥	لا	٤٥	٥٥	٢٥٤	٣٥	٤٥	٤٥١	١٢٥١	١٠	ی٢	٧٢	٣١	ی	١٣٥	٣١	ی٢٥		٢٠
٥	٥٥٥	٤٥	٢٠٠	٤	٢٥٥	٣	٥١	١١	٣١	٤	٣١	ی	١٥٨	١ی	٣	١	٣٥		٧٥٤
٩	١٥	ی٣	٤٤	٧١	٧	٤٥	٥٢٥	٣١	٤	٥٥	٢١٥	٤٥	١	٧٥	٤١	٣٥	٤	٣١	٥٥
لا	ی	٤٥	٣١	٧٥	١١	٣١	٥٣	لا	٤٥	١	ی	ی	٥١	٨	لا	١٥١	٤١	١٤	٥٥
٥٥	٧٥	٥	ی٥	٥٢	١١	ی٧	٣١	٢	٤٥	٣١	٦٥	ی٢٥	٥	٤٥	لا	٤٥	٤٥	٣١٣	٥٤
٤٨	٢٥٥	ی	٧٥	٤	١٩١	١	٣٥	٣١	٥٥١	٨	١٥	٤٥	٢٢٥	١٤	٢٠	٩٥	٤	٥	٤٠
٨٩	٣٤	ی٧	١١	٥٥١	٣٥	٣١	٥	٢٥	٥٥	٤٥	١	٣١	١٥	٣١	٣١	ی٥	١	ی	ی٥
لا	٨	٨	١١	٤٥	١١ی	٤	٣٥	٧٥	٢	٥	١٥	٣٥	٤٢١	٣٣	٥٥	١٥	٨٥	ی١	٤٥
٣٥	١٥	٣٥	٥٥	٤٥	٤٢	٨	١	١١	١	ی	٢٥٣	٥	٤١	٢٥٩	٤٥	١	٤١	١١٥	٧١
٣١	ی	٢٥	٨١	٨	٣١	٤٥	لا	ی١	ی٥	٢	٣١	٢	لا	١١	٣٣١	ی	٤٥	٤٥	٢٥١ی٥

هذا ملك القمر الذی شرو بیامن اسماء الدنیانی شرف لوح الثور حمد ختیر وبتبه الشرط الکبت اثنین کمثلنا ثلث
طوکو کوغرصرح

۲۵۱	۱۵	۲۵	۱۵	۱۵	۷۵	۶۵	۱۴۱	۴۵	۳۱	۳۵	۶۵	۴۲۳	۷	۱۰۰	۶۰	۸۵	۲۵۹
۴	۶۰	۵	۳۱	۵	۸	۱	۱۶	۱۰	۲۵۵	۳	۹۵	۶	۱۰	۵۵	۲۵۵	۸۰	۳۱
۱	۴۳	۴۱	۵۵	۳	۶۵	۸۵	۲۵	۲۵۸	۹۶	۳۵	۲۶۱	۵۱	۸۵	۹	۲۵۶	۳۴	۸
۳۱	۵	۱	۳	۱۰	۴۵	۱	۸۱	۴۵	۳۱	۴۴	۹۵	۶۴	۷۵	۴۵	۵	۱۵	۳۸
۳۱	۴۲۴	۴۵	۵۵	۴۶۵	۲۵	۴۵	۴۵	۴۵	۵۵	۲۵۵	۳۵	۱۵	۳۱۱	۶۵	۷۵	۴	۴۹
۵	۶	۱	۷	۲۵۵	۶۹	۱۳۱	۱۵	۷۲	۶	۳۵	۴۵	۶۸	۷۵	۳۲	۳۹	۲۵۵	۴۵
۱۵	۶۶	۶۵	۸۵	۲۵	۱۰	۵۵	۲۵۱	۳۱	۳۴	۴۳۵	۳۱	۱۶	۳۵	۸	۲	۳۶	۸
۱۰۰	۱۲	۷۵	۴۶۵	۶۴	۴۵	۴۵	۳۶	۷	۵۱	۴۴۵	۶۵	۳۵	۵۵	۳۱	۴۵	۱۲	۲۱۴
۲۵۳	۱	۵	۱۵	۴۵	۱۴	۵۵	۵۵	۴۵	۱۲	۱۳	۳۵	۶۵	۱	۱۵	۲۵۵	۴۵	۳۵
۳	۴۶۵	۶	۶	۴۵	۲	۱	۳۱	۱۴	۴۵	۵۱	۸	۳۶	۳۹	۳۱	۱۰	۲	۱
۱	۵۶	۴۵	۴	۲۵	۳۱	۸	۶۵	۱	۴۵	۵	۱	۱۰	۱۲	۴۵	۱۵۵	۴۵۴	
۲۵۱	۳۱	۱۵	۵۵۶	۸۵	۴۵	۲۵	۱۰۰	۱۷	۶۵	۶۶	۸۱	۳۱	۱۲	۲۵۹	۳۵	۴۵۱	
۸۵	۱	۴۶	۱۰۳	۴۳۵	۴۳۱	۳۱	۳۱	۷	۸۶	۲۵	۷۵	۲۱۵	۳۵	۱۷	۴۵	۸۵	
۳۵	۶۷	۴	۸۵	۱	۴۵	۶۵	۴۵	۱۳۱	۳۱	۵۵	۵	۴۱	۴۴	۱۵	۱۱۵	۵	۸۱
۱۱	۱	۶	۴	۴	۴	۱	۲	۵۱	۵۵	۴	۴۵	۱۲	۳	۳۵	۶۵	۵۵	۱۲
۶	۱۲	۳۵	۵۶	۶۶	۲۵	۲۵	۵	۷	۶۵	۳۶	۸۵	۳۱	۵۵	۱۷	۴۵	۵۱	۳۱۱
۶	۶	۵۵	۷۵۵	۱	۴۵	۲۰۰	۴۵	۴۳	۱۷	۳۵	۵۵	۶	۸۵	۳۵	۵	۵۵	۴
۳۵	۳۱	۳۵	۸۵	۱۵	۵۵	۴۶	۲۵۱	۱	۱۴	۱۵	۹۴	۵۴	۶۵	۳	۳	۳۱	
۹۷۵	۶۵	۶۰	۱۷	۳۱	۱۵	۷	۶	۲۱۴	۷۵	۲۵	۴۴۵	۱۷	۲۵۸	۴۲	۲۵	۴۴۵	۲۵
۳۵	۵	۱۵	۳	۱۵	۸۵	۲۲۴	۵۵	۴۳	۳۵	۳۵	۵۵	۳۲	۱۵۵	۳۱	۴۵	۲۱	۲۱۵
۲۶۲	۳۵	۲۵۸	۵۲	۱۲	۴۴	۲۵	۷	۵	۲۵	۵۵	۲۵۵	۷	۱۲	۱۴	۸۱	۶۶	۸۵
۴۲۵	۱	۴	۳۵۸	۴۳۵	۸	۳۱	۳۱	۱	۴۵	۶۵	۶	۱۱	۲۵	۱ط	۶۵	۵	
۷۵	۵۶	۳۱	۳۱	۲۵	۴۵	۴۲	۶۸	۳۵	۵۵۲	۳۲	۸۶	۷	۴	۵	۷۵	۵	۶
۶۵	۶	۶۵	۳	۱۳	۱۵	۶	۵	۳۶	۶	۱۲	۳	۶	۸	۶	۳۵	۱۵ ۷	۲۵۲

۴۵ ۴۵ ۱۷ ۵۵ ۳۲ ۲۵۵ ۳۱ ۵۵ ۵۵ ۸ ۵۳۵ ۶ ۵ ۲۴ ۲ ۳۵ ۳۵ ۲۵ ۱۲ ۴۵ ۲

۲۴۲ ۱۷ ۵۵ ۵۳ ۵۵ ۳۵ ۵۵ ۳۱ ۶۵ ۳ ۵۴ ۲۵ ۶۵ ۲۶ ۵۴ ۱۲ ۶۵ ۱۵ ۶ ۴ ۱۷ ۳۱ ۸

طالع وحد ۲ ۳ ۸ ۳ ۹ ۷ هو ورطه ۹ ل ۵ ۱۰ ل … اول در معرفت [illegible]

[illegible]

هذا [illegible]

هذا فلك المريخ الذي سويناه من اسماء الخامس في شرف لوح الجبري من كه درجة وبين الحمل والعقرب بحسب اثنين
ونكتب لثالث الطولة كو وعرضه كح

٣١١١	٢٥	٤٥	٥٤	٣٥	٤	٤	٨	٥١	١٢	٤٥٠	٩١	٥٥٥	١	٩	١	٢٥١	٩٥	٢٥١	٧
٢	٢٥١	٨	١٤	٣٥	١	٢	٤٥	٧	١٨١	٤١	٢٥٤	٢٥٤	٢٥	١٥	١١	٥٥٠	٥٥٠	٣١	٣٥
٤٥٥	٤٥	٧	٣١	١٨	٤٥٥	١٠٨	١٠	٢٥	٥٥	٤٥٥	٩٤	٢٠٤	٤٥٥	٧١	٥٥٥	١٤٤	٨	١٠٠	٤٥
٤٥	١٠٠	٥٥	٥٥	٥	٩١	٧٥	١٠١	٩	٢	٣١	٧	١	١٤٤	٨	٤٩	٤٥٥	٢٥٥	٧١	
٤١	١٠٠	١٥	٩٠	٤٥٥	٧	٢٥	٥	٣٥	١٥١	١٤١	٤	١٠٠	٢٠٠	٩١	١٥	١٠٠	١٩	٩	
١	٧١	٤٤	٣٥	٨	٤٥٥	٥	٧١	٢٩٥	٣١	١٥	١٥	٤	٧	١	١٣	٤	٤١٣	٣٠	
٢٠٥	٤٥٠	٧	٤	٣٥٥	١٥	٤	١٥	٤٥٥	٢٥١	٥١	٤٥	٥٥٥	٢٢٥	٧١	١	١	٣	٢	
٣٧	٣١	٩١	١٥	٤٥	٩	٩	٧	٧	٩	٤٥	٨	٤٩	٧٥	١	٣	٥٥٥	٣٠	٣	
٧١	١٥	٤	٢٠٠	٣٥	١	٥٥٥	٤٩	٣٤	٤٣	١١	٤	٥٥٥	٩١	٩١	٧٥	١	٧٩١	[illegible]	
٣٥	٣١	٨	١٥	٨	٣١	٥	٤١	٣	١	٢	٤	٢٥١	٤	١	٥٥٥	٥١	٤	٤٣	
١٠٨	١١	٧١	١١٥	٥	٤٥٥	١٥	١	٤٥٥	٣٩	٣١	٤٥	٢٢٢	٤٢	٧١	٢٤	٢٤	٤٥١	٨٥٢	
٥	٣	٢	٤١	١٥١	٩	٤	٧٩	٧١	٤٧	١٨	٣١	٣١٥	٤	١٥١	٤	٢٥١	٥٤	١	
٥٤	٤	٤	٤٥٤	٣١	٤٤	١٨	٩١	١٥	٢	٧٤	١٥	٩	٤١	٥٥٥	٧١	١٥	٥	٧٥	
٧٥	٣١	٤	٥٥	١	١٥	٤١١	٤	١	٤	٧	٤٧١	٥١	٤٥٠	٤٤٤	٢٥١	٤٥٥	١٥	٤٥	
١٠٠	٥٩	٧١	١	٤	٩٢	٧	٥٤	٧	٤	٤	٨	٥١	٤١	٣١	٣	٣	٣٥	٥٥	
٤١	٤٥	٤٥	٢٥	٧٥	٣١	٣٥	٢٥	٤٥	١٥	٤١	٥٥	٣٠	٤٣٥	٧٥	٤٥	٤	٤	٨٥	
٣٥	٣٤	١٥١	١٥	١	٣١	٥	٢	٥١	٣	٧٢٥	٥١	٤	٣٥	٤١	٢	٤	٥	٣٥	
١٠٣	٤	٧١	١	٧	٤٤	٤	٨	١	٣	٩	٤٤٤	٥٥١	١٥	٣٥	٧٢٢	٢٥٠	٣٥	٢٥٥	
٤	٣٥	٤	٣١	٤٥	٧٥٩	٣	٥٥	٣٥	٧١	٤٥	٣٥	٧٥	١٥	٤	٥	٨	٨٥	٤	
٧	١٩	١	٢٣٥	٣٩	٤١	٣٥٥	٧٥	٣٥٥	٤٥	٥٤	٥٥٥	٧٥	٧	٣١	٤٧٥	٣١	٥٤	٣٥	
٤٥	٧٥	١	٧٥	٥٥	١٢	٣٥	٣٩٠٠	١٥	٥٥٥	١	٢٥	٣١	٧٤	٤٥	٤٥	٥٣	٣٥		
١١	٧	٣٤	٥	٤٥	٧١	١	٧٥	٢٥٥	٣١	٣٥	٢٥١	٨	١٥	٣٤	٤١	٣٥	٥		
٢	٤٥	٣	٤	١٥	٩	٤١	١	٧١	١١	٨	٥٥٥	٤١	٤	١	٤٤٣	١٣	٢٥١		
٣١	٥٤	٤	٢٥	٣١	٤٥١	٤٥١	٧٥	٤١	٨٣	٥٥	٤٥	٥٤	٤٤	٤٤	٣١	٤٤	٤		
٥٤	١٣	١٣	٥٢	٣٢	٥٢	٥٥	٥١	٤٩	١٤٤	٩٣	٨	٣	٤٤	٤	٤٣	٨٩	١		
٥٢	٤٣	٣	٤٥	٣٥	١	٣٧	١٥	٤	١٥	٣٨	٣١	٤٥	٢٥	٤٥	٤٣٩	٥٥	٧		
٥٤	١٣	٤٩٤	٩	٤٨	١٢	٥	١	٥٠٠٤	١٨	٢٥٥١	٤٩	٥١	٣٥٤	١٤٥	٥٧	٩٨	٣		
٥	١٥	٤١	٣١	٥	٣٥	٤٥	٤٣٥	٤١	٧١	٤٥	٧٥	١٥	٧	٣٥	٧١	٤٥	٣١٥		

هذا طلسم عطارد الاکبر [illegible] من سماء الثانية في شرف لوح السنبلة من يده حجر وبنيانه الجوزا والسنبله يجيب الثلاث
ويكتب الرابع طوله كعرضه [illegible]

۲۴	۱۳۴	۵۴۵	۱۱	۲۰۵	۶۵	۲۵۵	۵۵	۳۱	۳۵	۴۱	۲۵	۳۵	۱۵	۵۵	۲۴۵		
۵۸	۳۴	۱	۶	۵۱	۵	۱۳	۱۰۳	۱۶	۳۷	۴۵۴	۱۳	۵۴	۵۵۱	۵۵۴	۵۱۴		
۵	۳۰۶	۳۰۰	۴۵	۷۱	۲۴۵	۱۵	۴۱۵	۹۷۵	۱۰۰	۶۵	۱	۴۵	۳۰۶	۴۵۰	۵۶		
۵۳۲	۱	۵	۱۲	۲۲	۶	۳۴۰۵	۶۵	۱۳	۵۱	۵۲۰۰۳	۱۴	۱۳	۵۸۶				
۳۵۲	۱۳	۴۵	۳۵	۲۲	۶	۶۵	۵۵	۶۰۴	۷۱	۴۵	۴	۸	۱۱۴	۵۱			
۱۲	۵۲	۵۷	۴۵	۱۵	۵۵	۱۰۴	۱۳۱	۴۶۳۱	۵۴	۷	۵	۴۶	۹۲	۵۵			
۵۲	۴۵	۷۵۵	۶۵۸	۱	۷۷	۱۵	۴۵	۳	۱	۴۵	۶۶	۵۳	۴۵	۳۵	۳۹		
۵۶	۱۳۲	۲۵۲	۱	۵۳	۳۴۶	۱۰۶	۵۱	۵۴	۶۵۴	۱	۱۳۴	۵۲	۴۶	۱۴	۵۶		
۱۰۰	۱۰	۳	۷۵۵	۱۵۸	۲۸	۴۵	۵۵	۳	۳۱	۲۵	۱۷	۳۵	۳۳	۵۵۴	۷۵۹		
۷	۵۳	۵	۵۵۲	۵۱	۱۹	۵۵	۳۵۴	۵۷	۷۲	۱۷	۴۵	۳۵	۴۵	۵۵۴	۱۳		
۱۵	۳۲	۷۵	۳	۷۵	۵	۱۵	۲۵۵	۴۵	۳۶	۵۱	۵۵	۳۰۶	۱۳۵	۶۷	۸۵		
۴۵۴	۵	۱۷	۱۵۷	۶۴	۱	۵۸	۶	۱۵	۵۴	۱۳	۶۵	۷	۱۵	۵۳	۷۱		
۶۰۶	۱۴	۵۸۵	۷۵۵	۶	۴۵	۱	۷۱	۱۴	۴۱۵	۲۴	۳۵	۶۵	۸۰	۳۵	۹۸		
۵۷	۸	۷	۱۶	۴۹	۱	۵۷	۱۴	۳۵	۶	۵۴	۵۸	۶۲	۱۳	۱۵۵	۵۵		
۱	۳۰۰	۱۳	۲۶	۸	۷۱	۱۴	۱۸۵	۶	۶	۲۵۵	۳۵	۵۱	۴	۶۵۵	۱۳		
۸	۶	۹۵	۵	۱۶	۵۵	۲۶	۵۵۳	۵۱	۹۳	۱۳	۱۶	۲۷	۵۴	۵۴			
۶۶	۴۵۵	۱۳	۱۳۲	۴	۵۵	۵۵	۵۵	۶	۷	۲۰۶	۴۶	۱	۵۱۵	۴۵	۲۳۱		
۱۵	۱۳	۳۳	۷	۱۴۵۲	۳	۱۲	۲	۱۵	۹	۴۵	۱۵	۷۱	۵۷	۱۸			
۵	۴۵	۷	۷	۱۱	۱۴۵	۲۵	۲۵	۸	۱۵	۱۳	۳۵۶	۳	۵۵	۱۳			
۱۵	۱۳۵	۸	۶۲	۲۵۴	۴	۱	۲۷	۵۱	۷۲	۱۵	۳	۱	۵۵	۵۴	۱۲		
۱۴۳	۶	۱۲	۶۲	۱۴۵	۴۱۵	۱۶	۳	۲۵۳	۱۵	۳	۱۲	۵۵	۴۵	۱۶	۵۵		
۵۵۷	۶۵	۹۷	۱۲	۵۸	۵۵	۱۵	۶	۶	۷	۲	۲۵	۵۵	۱۳۵	۴۵	۵۵		
۱۳	۱۳۱	۴۵	۶	۳۵	۶	۲۵	۲۵	۱۹	۹	۱۵	۵۵	۱۴	۱۸۵	۶	۲۰		
۱۵۳	۵۴	۷	۴۳۵	۲۳۳	۵۳	۵۷	۱۶	۴۶۱	۱۱	۷۴	۳۵	۴۷	۶۵	۲	۵۲	۵۵۲	

هذا فلك المشتري ... من اسماء السادس ... في شرفه ... من درجة ... القوس والحوت ... طوله ... وعرضه ...

٧٥٥	٧٥	١٥	١	١	لا	٢٥٥	٣	٧٣١	٣٥ ٥٥	٣٩	١٥	٨	٣٥	٨	٤٧	٣٤	١٩	٣١
١	١٥	٨٥	٤٥	٢	٣٥	٣٥٥	٣٤	٣١	٥٥	٤	١٥٥	٧٥	١	٤٥	١٥	٤٥	١٥	٤٥ ٤٥
٣٤	٤	لا	٤٥	٣	١٤	١١٥	٥٣	٤٣	لا	٧٥	٥٤	٥	٨٥	٧٥	٤٣	١٤ ١٥	٣٥	٣١
٥٠	١٣	١٥	١٥	٤٥	٧٥	٤٥	٥	٣٥	٣١	١٧	١٩	٥٤	٤٥	٣٤	٤٥	٣١	٧١ ٤٥	٤٥٥
٧٥	٣٥	٥	٢٧٥	لا	٣٥	٣١	٨٤	٣١	٣١	١٥٨	٣١	٤١٥	٣٥٢٥٨	٣٤٥	٣٥٨	٤٢٥	٤٥٤	١
١٣٤	١٥	٥	٢٥٥	٣١	٣	٧٤	١	٤٥	٣١	٥٥	٣١	٣٥	٨١٥	٤٩٤	٤٥	٥٥	٤٥ ٥٥	١٣
لا	٤٥	٧٥	لا ٤٥	٣١	٣٥	٥٥	٧٥	٣٥	٧٥١	٣	٣٥	٥٥	٣٥	٤	٢٥	٢٥ ٨٥	٣	
٢٥	٤٥	٣١	٤	٤٥	٤٥	٥٥	١	١١	٥٥	٢٥	٥١	٥	٣١	٤٥	١٥١	١	٢٥٥٥	٤٢
٣١	٨٥	٨٥	٨٥	٥	٨	٩٥	٣٥	٤٤١	٥	لا	٣١	٢	٢٥٥	٤٥	٤٥٥	٢٥٤٥	٨٥	
٤٥	١	٧٥	٣٥	٣٤	١١	لا	٤٥	٥	١٥	لا	١	١	٥٤٥	٢٥٥	٤	٣١	٣٥ ٥٥	٣
٣٥	٧٥١	٨٥	٤٥	٤٥١	٣٥	٣١	١٤	٨٢	٣٥	٢٥٨	٢٥	٥٣	٩٥	٤٩٥	٥١	٣١	٤٥	١
٤٣	٨٥	٤٥	٣١	٧٥	٨	٤٥	٤٥	٤٥٥	لا	٢٥٨	٤٥	٢٥	٣٥	٢٥	١٥	٧٥	٤	
٤٥	٨	٣٥	٣١	٤٥٥	١٤	١٥	٥٥	٤٥٥	٣	٥	٢١	٥٥	٤	٩١	٥٥	٤٥	٨١	٣٥
٢٥	١٥	٥٥	٥٥	لا	٥٢١	١	٤٥	٤٧١	٣١	٥	٤	٤٣	٢٥٨	٤٨	٥٥	٥٣	٣١	
٨٥	٥٨	٤٥	٥٥	١٥	٥٥	٣٢	لا	٤	٣٥	٣٥	٤٥	٤٥	٤٥	٤	٧٥	٣١	٤١	٣ ٤٥
٢٥١	٥٤٥	٤	٣٥	٢٥	٤٩	٤٥٤	٥٤	٤٥١	٣١	٨٥	٣١	٤	٨٥	١٥	٣٥	٤٣١	٥٥	٣١ ١
٤٥	١	٤٥	٥	٢٥	٨	٢٥١	٤	٥٤	٤	٣٥	٣٢	٤٣	٣١	٤١	٤٤	٤٥	٢٥	٣٥
٧٥	١	٣٥	٥٥	٣٥	٢	٣٥	لا	٤٥	٤	١٥	١٥	٤٥	٣١	٣٥	٨	١	٤١	١٥٥
٣١	٤٥	٤٥	٢١	٥	٥	٤٥	١	٣١	٣٥	٣٣	١٥١	٥٤	١	٧٥	٤٥	٣١	٤	٣٥ ٤٥
٣٤	٣٥	٣٥	٤٥	٧٥	١	١٠	١٤	٤٥	٥١	٣١	٣٥	٩١	٥٤	٣٤٥	٢	٨٥	٣١	٣١
١	٤١	٣٥	٣١	٥	٣٥	٤٥	٤٥	٣	٤٥	٢٥	٤٥	٤٥	٧٥	٥١	١	٣٥	٣١	٣١
٣١	٥	٤٥	٥	٤٥	٤٥	١٢	٤	٤٢	٣٥٨	٣٥	٣	٤٥٥	٣٥	٧١	٤	١٥	٣١	٤٥٤٥
٤	٢٥١	٢	٥٤	٤٥	٥	٣١	٢٥	١٥	لا	٨٥	٥٤	٨٥	٤٩	٤٣	٤	٧١	١١٥	٤٥
٣٥	لا	٤٥	٤٥	٨٤	٤٥	٥٥	٧٥	٥١	٤	١٢١	لا	٣٥	١٤١	٤٥	٣٥	٥	٨٥	٧٥١
٤٤	٣٣	٥	٢٤	٢٨	١٥١	٣١	٥٥	٢٥	٨٩	٤٥	لا	٤٣	٤	٣١	١١	٨٤	٤٥	١٥
٥٥	١	٤٣	٤	٤٥	٢	٥	٤	٤	٣	٤٥	٤٥	٣	٤٤	٥١	٤٥	٣	١٥	٥١
٤٥	٤١	٥	٥	٥	٤٥	٣٥	٢	٣٥	٩٢	٧١	٤١	٥٥	٤٥٥	٤	٥٨	٤٥	٢٥٤٥	١٥٤ ٤٥

هذا فلك الزهرة سره وبدؤه من سماء الثالثة في شرف الروح لحفظ من كروبيتاهل الثور والميزان تحت انقيلي
وتكتب الثالثة طوله كرو عرض ج

۱۸۵۵	۲۵	۵	۷۵	۱۰	۳۱	۵۰	۴۵ ۲۵	۵۱۶	۱۸	۴۴	۲۳ ۲۵۱	۳۴ ۱۴	۵۵	۲۵۱	۴۶	۵	۳۵
۳۱	۶	۵۰	۱۱۵	۵۱	۴۵	۵	۵	۶۰	۱۸۱	۳۳	۱۱	۳۴۲	۲۵۵	۳۵	۶۵۱	۳۵۵	۱۵
۳	۴۸	۵۰	۱	۳۰	۵۶	۶۳	۳	۳۱	۳۵۳	۱۱	۷۵	۶۱۱	۹۵	۳۱	۳۵۱	۲۱۵	۳۵
۵	۶۴۵	۲	۱۸	۳۰	۳۲	۱۵۸	۵	۵	۳۴۳	۶	۶	۴۵	۷۵۵	۳۵۱	۳۱	۹۵۱	۴۰
۵۰	۱	۳۰	۱	۵۵	۴۲۵	۳۲	۱۲	۱۸	۳۱	۵۵	۲۵	۷	۱۵ ۸	۵۶	۳۰	۳۵	۴۰
۱۸	۴۵	۴۲۵	۱۵	۳۱	۱۸	۳۴۱	۵۱	۱۵	۶۵۵	۷۵	۴۵۵	۱۸۵	۴۳۵	۲	۱۵	۵	۵۵۱۸
۱۵	۶۵۵	۵۶	۶	۱	۴۵	۸۷	۳۱	۴۵۵	۳۵	۷۵	۳۵۵	۱۸۵	۳۱	۳۵	۷۵	۴۵	۱۵
۵۰	۵	۲	۴	۶	۳۱	۳۱	۶۱	۱۳۵	۷۵	۱	۱	۳۱	۲	۵۱	۴۵	۷۵	۸۱
۱۸	۳۱	۳۵	۹۰	۷۵	۴۵	۳۱	۳۵	۵۱	۷۵	۶۱	۳۱	۵۵	۷۶	۴۵	۴	۳۳۴۵	۱
۹۶	۳۱	۶	۳۰	۷۵	۳	۴۵	۳۵	۹۴	۱	۶۱	۱	۴۵	۳۱	۷۵۵	۱	۳۵	۱
۳۱	۳۵	۳۱	۳۴	۴۴۵	۷۵	۱۵	۷۵	۳۱	۷	۳۰	۴۵	۵۵	۴۰	۷۵	۷۵	۵۵	۷
۷	۱	۴۵	۴۰	۵۱	۱	۱۸	۷۵	۹۶	۳۱	۶	۳۵	۵۱	۴	۸	۵۱	۷۵۵	۴۱
۲۳۱	۴	۲۵۵	۳۱	۳۱	۳۴	۶	۷۵	۷۶	۳	۳۱	۱۸	۶	۴۵۵	۴۳۵	۴	۵	۵
۶	۶	۲۱	۵۱	۳۱	۱۵	۱۵	۷۱۵	۱	۷۵	۳۵	۳۴	۱۵	۳۵	۵	۵۵	۳۱	۴۳ ۷
۱۸۵	۷۵	۳۰	۴۵	۳۱	۲۵	۵۱	۴۵	۳۵۱	۷۵	۶۷	۳	۴۵	۱۵	۶۷	۳۱	۳۵	۵
۳۴	۵۶	۱۱	۸۱ ۱۵	۱۱۸	۷	۲	۳۵	۵۵	۱۸	۵۶	۷۵۱	۱۵۰۰	۳۱	۳۴	۴۵۵	۱۵	
۱	۴	۷۵	۲	۳۱	۳۱	۸	۵۰	۴۵	۳۱	۳۱	۵	۴۵	۳۰	۲۱	۱	۳۵	۷۵
۱۱	۴۴۵	۳۰	۶۲	۶۳	۱۶۱	۳۱۷	۴۸	۷۳۱	۱۵	۵۵	۵۱	۳۴۳	۴	۵	۳	۱۸ ۴	۷۶
۸۱	۱۵	۳۳۲	۵۵	۳۱	۷	۶	۷۵	۵۵	۳۱	۳۱	۳۱	۶	۴۵	۴۵	۵۱	۴۵	۷۵
۳۹۰	۳۶	۳۵	۴۵	۶	۳۶	۱	۴	۱۵	۳۱	۴۱	۹۰	۶۰	۶	۳۱۵	۷	۳	۵۴۵
۴۵	۶	۳۰	۷۵	۴	۷۵	۳۰	۴۱	۴۳۵	۱۵	۵۵	۱۵	۳۵	۷۳	۶۴	۴۲۵	۷۵۴	۱
۱۱	۳۰	۴۶	۵	۳۵	۱	۱	۷۵	۶	۳۱	۳۵	۳	۸	۴۰	۶۴	۶۱	۵۵	۱
۳	۱	۳۳۱	۶	۵۱	۱۵	۴۵۱	۲۵	۳۱	۱۲	۴۵	۴۰	۵	۳۱	۳۰	۱	۵۳۱۶	
۳۱	۷۵	۴۵	۲۵	۳۱	۵۵	۴۵۱	۴۵	۳۴۱	۸۱۲	۲	۷۸۵	۴۵	۵	۱۵	۳۴۱	۲۲	۹۰
۴۵	۴۵۳	۱۲۵۱	۷۵	طولف	۴۰	۵۵	۳۵	۵۰۰	۳۵	حکا	۳۵	۴۰	۴۵	۴۵	۴۱۵	۴۰	۳۱

۷۵۵

حبعل فالك نحل وسره لامن اسماء السابعة في شرف لوح المیزان من احد درجه وبتیاه الحکیم والله عجب اثنین وتکتب الثالث

١٥٨	٣	٢٥٠	٣١	٢	١١	٢	٣١	٢	٧٤	٤	١	٣٥	٣	٢	٤٥	٤	٣
٢٥١	٤	٤	٣٢	٤	٥	٨١	٥	٤	٣٥	٤٤	٨	٥٥	٢	٨	٩٥	٤٤	١٩
٥٠	٣١	٢٥	٩٤	١٧٥	٣٥	٥٥٠	٣٠	٤٥	٤٥	٤	٥٥	١٢٥	٣١	٩٥	[illegible]	١٧٥	٤٥
٣١	٣٥	٧٥	١٠	٥	١٥٥	٣١	٤٤	١٠٠	١٧٥	٢	٢٥٠	٣٥	٤٤	٤٤	٤	٣١	٥٥٥
٣١	٥٥	٤٥٠	٥٥	٩٥	٧٥٠	١٥	٤٥	١٩٥٥	٨٥	٤	٣٥٥	٤	٣١	٥٤	٣١	٥٥	٤٥
٩	١٥	٤٥٢	١٢	٤٥	٥	٧٥	٤٥	٥١	١٥	٣٥	١٠	١ط	٤٥٢	٢٥	٣٤	٣٠	٥٤
٣٥	٣٥	٤	٣٠	٩	١٥١	١٧٥	١٢	٧٥	٣٤٥	٤٧٥	٥	٤	١٥	٥١	٩١	١٥	٣٧
٤٥	٤١	٥	٥٠	١٤١	٤١	٥	٧٤٥	٧	١	٤٥٢	٢٤٥	٥٥	٣	١٤١	٤٥	٤٨	٣
٣٥	٧٥٢	٣١	٤	٤	٧٥	٣١	٤٥١	٤	٧٥	٥	٤٢	٣٥	٢٥١	٥٠١	١٥	٤٤	٢٥
٤٤	٤٥	٥٤	٥	١٥	٧٢	١٧٥	١٤٥	٥	٣٤	٣٥	١	٢٥٣	٣٥	٧١	٢٥٠	٣	٨
٥	١٥	١	طی	٤٥	٤	٤٥٢	١٤	١٠٠	٢	٢٧٣	٤٤٤	٥٤	٥	٣١	٥	١	٢
٢٥	١	٣١	٧	٤	٧٥٣	٤٥	٤١	٢٠٠	٧٥	١	٤٥	٣٥	٣٥٥	٣١	١٥	٧٥	١٩٩٥
٥	٢٥٢	١٣١٨	١	١٤٥	١	٥١	١٥	٤	١٥	٤٥٥	٤	١	٣١	٧٢	٤	١٠	٥
٣١	٤٥	١	٥٥	١	٣٢	٥٨	٤	٤٥	٥٤	٥٥	١٤	٤٥٥	٥	٤٥١	٤	١٧	٣١
٩١	٤٩٩	٨	٥	٢	٣٣١	١	٢٥١	١٥	٣١	٧١	٥٥	٧٥	٣٤	٩٣١	٤	٤٥٧	٥١
٤	١٠٩٥٨		٤	٥	٢٥	٣١	٤١	١٠	٩	٥٥	٣٠	١٢	١٠٥٨		٧٥	٤	٣٤١٨
٤٣	١٥٤	٤٥٤	٤٥	١٣١	٤٥٥	١٥	٢٠٠	٤	٤٥٢	٣٢	١٧	٧٢	٢٥	٧٥	١٣	١	١
١٥	٢٥٤	٨	١٥	٤	٨١	١٤٥	١٩	٤	٤٧	٤١	٥	٣٤٥	٤٥	١١	٣١	٧	٧
٨٤	٤٤	٢٤٥	٨٤	٧٥٤	١٤١	٧٥	٢٤٥	٢	٣٥	٨٥	٣١	١٥	١	٤	٥	٨٥	٣
١	١٥		٤	٧١	٤٢٥	٤	٤٣	١	٤٥١	٣٤١	٥٨	٤٤	٢٥٥	١	٤٥٣٥	٣١	٤٣٤
١٠	٤٥	٥٤	٢	٣٧٥	٥٥	١٣١	٤٨	١	١٤	٢٥٢	٤	٤٥	٣٥٢	١	٣٥	١٠٥	٣
٧٥٥	٣١	٢	٥	٤٨	١٢١	٣١	٤١٤	٧	٢٥٨	٧	٤٥٥	٨	٥٤٥	٨٥	٣١	٥١	٤٥
٤٣٤	٢٥	١	١٠٠	٤٤	٤٥	٨	٩	٤٥٩٠	٧٥	١٢	٥٤	٢٥	٤٤	٧٥	١٥	١٥٤	

٥ ٥ ٤٧ ١ ٣١ ١٣ ٥٥ ٤٥٥٥ ٤٤٥ ٤١٧ ١٥ ٥ ٣٣ ١٣ ٥٥ ٤ ٥٥ ٤٤٥ ١ ١٠٠١

[illegible]

ثم اعلم انك اذا اردت كيفية السؤال فتنطق به هكذا يا عالم الغيب ما يكون من الحوادث في هذه السنة
الثمانية بالالف طالأنه والاربعة والثمانون فتقسمها على الطبايع بعد قرأت الفاتحة والاخلاص و
عنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو والصلاة على النبي ... وكيفية الطبايع هكذا

جمع السؤال من الفاظ الطبايع

نار — ا م ف هـ ذ — ١ ٣ ٣ ٨ ٨ — ٣٠
هوا — ى ب ح ن ث — ٣ ٢ ٥ ٣ ٦
ماء — ل س — ٢٥ ٢٥ — ١٣٥
تراب — ع ك غ ج د ر — ١١١١٥٢

ى و س — ٦ ١ ٥ هـ

جمع مجموع الاعداد

٢٥٥ ظ ط ا ى م ق ج
ن ب ت ك ب ع ف ذ ب و ن ت خ
١٢ ٣ ٣ ٢٦ ١١ ٤١ ٣١٥٦

الحروف المجتمعة ...

خ غ ى ت غ و ق د غ ى ع ن ه غ ل ع ب ى ج

نظرالي
ا م هـ ى ن ك س ع ل ح
١١٢١٥١٥٢٢١٥٦٣٨١٨

١٤١
ى ت ع حروف عدد الحروف
ل ك هـ ج ى ح ن ى ط ج ل
خانه ١٩ حروف السؤال ...
نظر ظ ل هـ و
ل ك هـ ن ط ج ى
١٢١ ١١١ ٢١١
نظر
خ ف ن م ى د ل
١١٣١٢٣١
١٢ احروف
وباقي التكسير في اخر صفحة الاملا

اسمش	س ١	ر ١٩٦	ح ١٨١	ص ١٦٦	ى ١٥١	ن ١٣٦	ك ١٢١	ل ١٠٦	ا ٩١	م ٧٦	هـ ٦١	ق ٤٦	ط ١٣	ع ١٦	س اسد
د قمر	ل ٣٢	ا ١٧	ا ١٢	هـ ١٨٣	ق ١٦٢	ط ١٦٧	غ ١٥٢	س ١٣٧	ر ١٢٢	ج ١٠٧	ص ١٣٩	ى ٧٧	ن ٦٢	ك ٤٧	[illegible]
ج مريخ	ا ٣٤	م ٤١	ج ٣٣	ق ١٨	ط ٣	غ ١٨٤	س ١٦٩	ر ١٥٤	ج [illegible]	ص ١٣٨	ى ١٢٣	ن ١٠٨	ك ٩٣	ل ٧٨	[illegible]
د عطارد	هـ ٩٤	ق ٧٩	ط ٦٤	غ ٤٩	س ٣٤	ر ١٩	ج ٤	ص ١٨٥	ى ١٧٠	ن ١٥٥	ك ١٩٤	ل ١٣٩	ا ١٢٤	م ٦٥٩	[illegible]
هـ مشترى	ط ١٢٥	ع ١١٥	س ٩٥	د ٨٥	ج ٦٥	ص ٥٥	ى ٣٥	ن ٢٥	ك ٥	ل ١٨٤	ا ١٨١	م ١٥٤	هـ ١٤١	ق ١٤٥	[illegible]
و زهره	م ١٤٢	هـ ١٢٧	ق ١٢٦	ط ١١١	غ ٩٦	س ٨١	د ٦٦	ج ٥١	ص ٣٦	ى ٢١	ن ٦	ك ١٨٧	ل ١٧٢	ا ١٥٧	[illegible]
ز زحل	ق ١٧٣	ط ١٥٨	ع ١٤٣	س ١٢٨	د ١١٣	ج ١١٢	ص ٩٧	ى ٨٢	ن ٦٧	ك ٥٢	ل ٣٧	ا ٢٢	م ٧	هـ ١٧٨	[illegible]
ح شمس	ع ٨	س ١٨٩	ر ١٧٤	ج ١٥٩	ص ١٤٤	ى ١٢٩	ن ١١٤	ك ٩٩	ل ٩٨	ا ٨٤	م ٦٥	هـ ٥٤	ق ٣٨	ط ٢٣	[illegible]
ط قمر	د ٣٩	هـ ٢٤	ص ٩	ى ١٩٠	ن ١٧٥	ك ١٦٠	ل ١٤٥	ا ١٣٥	م ١١٥	هـ ١٠٥	ق ٨٥	ط ٧٣	ع ٥٩	س ٥٤	[illegible]
ى مريخ	ص ٧٥	ى ٥٥	ن ٥٤	ك ٤٥	ل ١٥	ا ١٩١	م ١٧٦	هـ ١٦١	ق ١٤٦	ط ١٣١	غ ١٢٦	س ١٥١	ر ١٣٦	ج ٧١	[illegible]
ك عطارد	ن ٨٨	ك ٧٣	ل ٥٨	ا ٥٤	م ٤٣	هـ ٣٤	ق ١١	ط ١٩٣	ع ١٨٢	س ١٦٣	ر ١٤٦	ج ١٣٣	ص ١١٨	ى ٥١٢	[illegible]
ل مشترى	ج ١١٨	ص ١٠٣	ى ٧٨	ن ٧٣	ك ٥٨	ل ٤٣	ا ٤٢	م ٢٨	هـ ١٣	ق ١٩٣	ط ١٧٨	غ ١٣٤	س ١٤٨	ر ١٣٣	[illegible]
م زهره	ى ١٤٩	ن ١٣٤	ك ١١٩	ل ١٠٤	ا ٨٩	م ٧٤	هـ ٥٩	ق ٤٤	ط ٢٩	ع ٢٨	س ١٣	ر ١٩٤	ج ١٧٩	ص ١٦٤	[illegible]
ن زحل	ك ٨٥	ل ١٨٥	ا ١٧٠	م ١٤٥	هـ ١٣٥	ق ١٥٥	ط ٩٥	ع ٧٥	س ٦٥	د ٤٥	ج ٣٥	ص ١٥	ى ١٤	ع ١٩٥	[illegible]

فعلى ان كتب في نصف الاول وتسقط عدد حروف السؤال المستخرجة مع جملة حروف الاعداد فيكون عددها
تسقط في ١٩٦ فحيث ما ينتهي تاخذ ذلك الحرف من تلك الخانة وان كنت في النصف الاخرى

من الشهر تسقط السدس عدد حروف الظلمانية كالموصف السوالي ثم تأخذ ذلك الخانة وتأخذ عدد الذي

تحتها وتسقطه ٣٩ ٩٤ على السباعي فما بقي تأخذ ذلك الكوكب الذي في ذلك العدد ثم تأخذ عدد ذلك

الكوكب مع عدد الكوكب التي عدد مقابل تلك الخانة التي اخذتها من الجداول النورانية او

الظلمانية والبروج التي مقابلها في جانب الشمال وتجعل عدد كل كوكب او برج على حدة وتخرج من

الاعداد حروف كسر الاول وتقدم حروفها على حروف عدد الحروف وتجعله سطرا واحدا وباقي الكلام في خواص

الاملاك والجداول وهذا جدول الظلمانية

شمس	ب ١	ج ٣٣	د ٥٥	و ٩٤	ذ ١٢٨	ق ١٤٤	ش ١٧٨	ق ٢٢	ث ٥٦	خ ٣٣	ذ ١٥٥	ض ١٣١	ظ ١٦٩	غ ١٩٤	ع ١
قمر	د ١٩٥	و ١٣١	ن ٩٤	ق ٨١	ش ١١٣	ت ١٤٥	ث ١٦٣	خ ٨	ذ ٤٥	ض ٣٢	ظ ٨٩	غ ١٢١	ب ٥٢	ج ٨٥	١
مريخ	ط ١٨٤	ق ٢	ش ٣٤	ت ٤٤	ث ٩٨	خ ١٢٩	ذ ١٤٣	ض ١٣٩	ظ ٢٥	غ ٥	ب ٤٣	ج ١٥٤	د ٢١٨	و ٣٩	[illegible] ٣
عطارد	ش ١١١	ت ١٩٤	ث ١٠٨	خ ١٥	ذ ٨٣	ض ١١٤	ظ ١٣١	غ ١٦٣	ب ٩٠	ج ١٤١	د ٥٩	و ٩٥	ذ ١٩٩	ف ١٥٤	[illegible] ٤
مشتري	ث ١٥٠	ج ١٨١	ل ٣	ض ٣٣	ظ ٦٣	غ ٩٨	ب ١٣٥	ج ١٤١	د ٨٥	و ٢٠٤	ذ ٨٥	ق ٤٥	ش ٥٩	ت ٣٠٩	[illegible]
زهرة	ذ ١٤٥	ض ٣٢	ظ ٦٩	غ ١٩	ب ٥١	ج ٨٤	د ١٢٥	و ١٣٢	ز ١٦٤	ق ١٥	ش ٢٣	ت ٤٨	ث ٩١	خ ١٢٤	[illegible] ١٠
زحل	ط ١٢٤	غ ١٥٥	ب ١٨	ج ٤٢	د ٣٦	ز ٩٩	و ١٨	ف ١١٢	ش ١٤٩	ت ١٨١	ث ٢٢	خ ٤٥	ذ ٦٦	ض ٩٨	[illegible] ١١
شمس	ج ١٥٩	د ١٤١	و ٣٣	ه ١٩٥	ف ٢٥	ش ٥٢	ت ٨٤	ث ١١٤	ض ١٣٢	ذ ١٥١	ض ١١	ظ ٣٤	غ ١٥	ب ٩٤	[illegible] ١
قمر	و ٣٥	ن ١٢٥	ى ١٥٨	ش ١٣٥	ت ٥	ث ٣٨	خ ٩٠	ذ ١٥٥	ض ١٤٩	ط ١٥٥	خ ١٣	ب ٢٨	ج ٢٥	د ٧٨	[illegible] ٢
مريخ	ف ٨١	ش ١١٥	ت ١٤٣	ث ١٧٤	خ ١٩١	د ١٢	ض ٥٣	ظ ١٨٥	غ ١٥٢	ب ١٨	ج ١٤٤	د ٣٤	و ٣٥	ز ٦٣	[illegible] ٣
عطارد	ت ٤٣	ث ٩٤	خ ١٢٢	ذ ١٥٨	ض ١١٤	ط ٤	غ ٣٨	ب ٧٥	ج ١٥١	د ٨٩	و ١٥١	ذ ٣٤	ف ٢٩	ش ٢٤	[illegible] ٥
مشتري	ج ٨٤	ذ ٧٩	ض ١١٣	ط ١٤٠	ب ١٩٣	ج ٢٢	د ٥٤	و ١٨	ذ ١٥	ق ١٣٥	ش ١١٣	ت ٦٤	ث ١٢	[illegible]	[illegible]
زهرة	ص ٣٢	ط ٤٤	ض ٩٥	ب ١٢٤	ج ١٥٩	د ١٧١	ى ٣	ذ ٣٩	ف ١١	ش ٨٤	ت ١٢٥	ث ١٥٣	ح ١٤	د ١٥	[illegible]
زحل	غ ١٤	ط ٤٠	ج ١٠	د ١١٢	و ١٤٤	ن ١٠١	ف ١٩٣	س ٢٣	ت ٥٥	ث ٨٧	خ ١٥٤	د ١٢٤	ض ١٦٨	ن ١٥	[illegible]

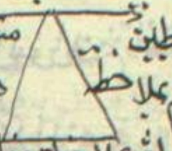
واذا اردت ان تعرف عدد الساعات المستوية الماضية والباقية من الليل والنهار فخذ لكل خمسة عشر جزءا من الدائر

ساعة ولكل جزء مما دون الخمسة عشر اربع دقائق فالمجتمع هو الساعات والدقائق الماضية والباقية من الليل او النهار

معرفة الطالع من الارتفاع ضع درجة الشمس وترى الكواكب على مقنطرة الارتفاع المأخوذ شرقيا او

غربيا فما وقع من منطقة البروج على الافق الشرقي فهو الطالع وما وقع بين خطين يعرف بالتخمين او التعديل

واعلم ان هذا التعليم هو الذي كان يعلم بالعلم ابو نصر الفارابي عن البرهان على ما قالت

الزوايا الثلث في المثلث تقائمتين وانا لبرهان على ذلك التي اذا انقضا منها م نبقي فعلى انا ناتو
نظهر من ذلك انا وقع خط على خطين متوازيين فالداخلتان خمسة معادلتان لقائمتين بالتناسخ
هذا الشكل فان الزوايا الحادثة عليه كقائمتين و
والقريبين من اثني الاصول ثم بلاحظ

بالتناسخ والقريبين من اثني الاصول ثم علاحظة هذا الشكل فان الزوايا الحادثة قوايم ومجموع با لقائمتين
وكذا المجموع ١٢ انتهى معرفة ارتفاع الشمس في كل من القريبين ينقص غاية ارتفاع الشمس في اليوم الذي يراد
فيه ذلك عن غاية ارتفاع راس السرطان في ذلك البلد ثم يزاد عشرا ما بقي على نصف ارتفاع ذلك اليوم
فما حصل فهو ارتفاع الشمس في اول العصر الاول وما ذا نقص من اول العصر الاول يلزم نقي ارتفاع العصر
الثاني وما اشرنا اليه من كثرة الارتفاعات وهو من المتصعبات انتهى جدول صورة الكواكب وبروجها ومسيرتها
وشرفها وهبوطها واوجها وحضيضها وبعدها واوسطها مع درجات الشرف والهبوط والاوج والحضيض

جدول الكواكب	الزحل	المشتري	المريخ	الشمس	الزهره	العطارد	القمر
بيوت الكواكب	طى	يا	م ن	ء	يا	نهـ ه	ج
بشرف الكواكب	و	ج	ط	ا	ه	٥١	١
درجات في الشرف	كط	يه	كح	..يط	بر	مه	جه
هبوط الكواكب في البروج	١	ط	ج	و	ح	يا	ح
الدرجات في الهبوط	ك	يه	كح	يط	كز	مه	عحه
اوجات الكواكب في البروج	ح	ده	ء	ب	ب	نحخ ن	نحمج و
البعد حلقي الاوج	يا	اط	يد	كط	يز	٥ ع	مه
حضيض الكواكب	ب	ما	حى	طا يا	ح	ج و لب	نب ط
الدرجات في الحضيض	يا	اط	يه	اط	يز	يه ا	يه
ادوار الكواكب في البروج	فو	فك	فخ	م	مز	كب	
سيرها الكواكب في البروج	جء	به	او	ى	ز	ح	ط

جدول الساعات ٤٩ خانة مركب على الكواكب في حالة الاستقاط بذلك على ان كل كوكب يطلع انه هو طالع الاعداد من الحروف المختصرة

الاحد	شمس ١	قمر ٩	مريخ ١٧	عطارد ٢٥	مشتري ٣٣	زهره ٤١	زحل ٤٩
الجمعه	زهره ٣٤	زحل ٤٢	شمس ٣٣	قمر ٢٠	مريخ ١٥	عطارد ٣١	مشتري ٢٤
الاربعا	عطارد ١١	مشتري ١٩	زهره ٢٧	زحل ٣٥	شمس ٣٦	قمر ٤٣	مريخ ٣٠
الاثنين	قمر ٣٧	مريخ ٤٥	عطارد ٤	مشتري ١٢	زهره ٢٥	زحل ٢٨	شمس ٢٩
السبت	زحل ١٢	شمس ٢٢	قمر ٣٥	مريخ ٣١	عطارد ٤٦	مشتري ٥	زهره ١٣
الخميس	مشتري ٢٧	زهره ٦	شمس ١٥	قمر ٢٣	زحل ١٢	مريخ ٣١	عطارد ٣٩
الثلاثا	مريخ ٢٤	عطارد ٣٢	مشتري ٤٥	زهره ٤٨	زحل ٢٧	شمس ٨	قمر ١٦

اسماء الساعات	جدول	معرفة	الطالع من	ساعات	الليل	بقطع	البروج	في الساعات	و	الحسبان	لا		اسماء ساعات الليل
الساعات	حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبلة	ميزان	عقرب	قوس	جدي	دلو	حوت	
الاول	يه	يه	يه	يه	يه	يه	يه	يه	يه	يه	يه	يه	انزوا ١
الثانية	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	ل	الوداد ٢
الثالثة	ايه	ايه	ايه	ايه	ايه	ايه	ايه	ايه	ايه	ايه	ايه	ايه	المتوع ٣
الرابعة	ال	ال	ال	ال	ال	ال	ال	ال	ال	ال	ال	ال	الترسيل ٤
الخامسة	٢يه	٢يه	٢يه	٢يه	٢يه	٢يه	٢يه	٢يه	٢يه	٢يه	يه	يه	١١
السادسة	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	٢ل	الزوا ٦
السابعة	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	٣يه	الظهيرة ٧
الثامنة	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	٣ل	الجنوح ٨
التاسعة	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	٤يه	الابراد ٩
العاشرة	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	٤ل	العصى ١٠
الحادية عشر	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	٥يه	الاصيل ١١
الثانية عشر	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	٥ل	الطفل ١٢
الثالثة عشر	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	٦يه	المضيء ١٣
الرابعة عشر	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	٦ل	الشفق ١٤
الخامسة عشر	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	٧يه	الفتق ١٥
السادسة عشر	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	٧ل	العتمة ١٦
السابعة عشر	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	٨يه	الزلفة ١٧
الثامنة عشر	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	٨ل	الجهمة ١٨
التاسعة عشر	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	٩يه	الخدة ١٩
العشرون	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	١٠يه	السرطة ٢٠
الحادي والعشرون	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	٩ل	البهرة ٢١
الثانية والعشرون	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	١٠ل	السحر ٢٢
الثالثة والعشرون	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	١١يه	الفجر ٢٣
الرابعة والعشرون	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	١١ل	الصباح
الخامسة والعشرون	اذار ١٣	نيسان ١٣	ايار ١٤	حزيران ١٥	تموز ١٦	اب ١٦	ايلول ١٦	تشرين ١٦	تشرين ٢٥	كانون ١٥	كانون ١٥	شباط	٢٤

لقضاء الحوائج ما كانت من جلب رزقا ودفع عدوا وهلاكه او خلاص مسجون او محبة بصوم يوم ٥ والجمعة
مع قلة مخالطة فاذا كان ليلة السبت تدخل خلوة ظاهرة مطهرة وانت لابس ثيابا طاهرة طيبة وعندك مندبل
معلق موقود نوبت طيب بين يديك سجدة عددها ١٢٩ او عن يمينك من الحصى مثل ذلك ثم تذكر يا لطيف بعدد
السجدة ثم تلفظ حياة وتلقيها خلفك وتقرأ الاية المناسبة لحاجتك من ايات اسم اللطيف ثم تعود السجدة
بالاسم مرة اخرى وتقرى الاية وترمي الحصى ثم تتم العدد ١٢٩ وبعد قراءة الاية في كل مرة تقرأ القسم مرة
فعند ذلك يتم امرك والنكتة ان هذا العمل كالسيف القاطع ويناسب طلب الرزق من الايات الله لطيف
بعباده الى العزيز وللمحبة يحبونهم كحب الله الخ ولهلاك الظالم انك ميت وانهم ميتون فاخذهم الله بذنوبهم
وما كان لهم من الله من واق ولكشف المغيبات واسروا قولكم او اجهروا به انه عليم بذات الصدور الا يعلم من خلق
وهو اللطيف الخبير وللاخراج المحبوس لا تدركه الابصار الى الخبير وهذا القسم المنادا اليه اللهم يا رب الارباب
ومربي الكائنات يا لطيف ربوبيته اسرع لي سريان لطفك الخفي بلا محنة الذي ما الطفت به لاحد من خلقك
الاكفى وقلبني بين اصبعين من اصابع لطفك حتى اشهد لطيف اللطف من كل جهة ووقعت الاشارة اليها او
بحرة حتى اغرق في بحار اللطف مستبهجا بحلاوة ذلك البحر حلاوة نفذوا به ارواح المرتاضين لعنهم املر ذلك
وامحني اسما من اسمائك نور لك الذي من تدرع به وفي سرها يخرج من الارض وما ينزل من السماء وما
يعرج فيها انك لطيف خبير وله دعاء اخر وهو اولهما الهي اوصل لطفك بالعبيد والطف وصلتك بي
ثم بدل الخ وهذا دعاء اسمه يا كريم يا رحيم وهو من الخواص تقرأ بعد صلاة ركعتين وذكر الاسمين الف مرة
بعد كل صلوة والصلوة على النبي الف مرة وفي جوف الليل على طهارة وهو هذا بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم يا اول اوليته لا بداية لها واخر اخريته لا انتهاء لها يا ذا الكرام الجم الذي لا انقطاع له ويا ذا
الرحمة الواسعة التي لا تكيف لها يا مطلعا على الضمائر والهواجس والخواطر لا تعزب عنه شيء هدى
اهل النصائب بودهم واسمهم سر اسمك الكريم وفتح لهم فتح باب رحمته فنادوا ويا رحيم استداموا على مقام
المناجات في نادا الليل فهتف بهم هاتف الاجابة اذ تستغيثون ربكم فاستجاب لكم الهي اكشف عن
قلوبنا حجاب الغفلة حتى نعلم من علمك ما علمتنا فنتصرف به كتصرف الروحانية باسمك الكريم ونفعل
كافعالهم بسر اسمك الرحيم في ميادين رحمتك متوقرين وعلى باب كرمك واقفين بين امن الحول والقوة
اليك اللهم يا كريم يا رحيم لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين ولا حول ولا قوة الخ اسماء عظيمة
كانت في طوق خاتم سليمان وهي عظيمة البركة عظيمة خصوصا بالملك والسلطان وهي عتم ايلي ٣ انا الله
تفرده بالعز والقوة ياه ٣ انا الله الحي القيوم اه ٣ انا الله الواحد القهار مقتدر لا يصنع لي شي اوح ٣

ان في اسمه الكريم اسرار
لا يعلمها الا العالمون
فاذا اتيت بشرائط ذكره
فاسئل من الله تعالى فهمها
م

لى شيخ انوخ تم انا الله العزيز لا عزيز غيرى تعززت عن التشبيه والنظرا داعوج فيعوج ديعوج لا اله الا الله
حصنى من دخل امن من عذابى تحصنت بذى الملك والملكوت واعتصمت بذى العزة والجبروت و
توكلت على الحى الذى لا ينام ولا يموت ورضيت من رمانى بسوء او مكر وخديعة ودعوة باطل بالف
لا حول ولا قوة الخ واعتصمت بالله وباسمائه المخزونة المكنونة الجليلة العظيمة الشريفة باه
اه اه اه واه سلوم عالسيدا لوم طاسوم حيوم قيوم ديوم وبحق كهيعص وبحق حمعسق وبحق الحواميم والطواسيم
وفيها من الايات الكريمة احتجبت بالله ولعزة الله وبعظمة التى خلق بها محمد بن عبد الله و
احتجبت من اعدائى بنور وجلال الله وملائكة عرش الله وبانبياء الله وبالف الف لا حول ولا قوة الا
بالله الخ من شر الجن والانس ومن شر كل من يريد بى سوء ومن كل دابة ربى اخذ بناصيتها الى متمم
فان تولوا فقل حسبى الله الى العظيم وروى ان هذه الاية ومن النور العظيم المضئ الذى غلب نوره
كل نور وكان سليمان ع اذا دخل مجلسه كانت الجن تقعد بين يديه مخافة ومهابة لهذه الاسماء وهى هذا
بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله الامر كله لله ولا غالب الا الله نور سبحان من غلب نوره ولا حول
ولا قوة الا بالله الخ كهيعص حملاش واحيضلا الظليطى مطط هطط هدف هيف لحب لا اله الا
الله فى ستنا دهطرب مسوح هيطوب قدوس رب الملائكة والروح الرحمن على العرش استوى
وعلى الملك احتوى وله الاسماء الحسنى لا دافع لما قضى ولا مانع لما اعطى يفعل فى ملكه ما يريد ويحكم فى خلقه
ما يشاء وهو على كل شئ قدير واذا اراد تلاوته احدهما ان يرصد زيادة القمر وان كان فى شرف فهو
احسن ويتلوها فى مجلس خال كل يوم الجمعة او صلد يوم الاحد ثم تكتبها فى حريرة بيضاء او حمراء وتربت
تلاوتها وهو ناظر الى الحريرة مع البخور اسبوعا ويحملها وهى قهر عظيم للاعداء وسطوة ولطاعة لمن
يكون من ولاة الامور تتقاد اليه الملوك وكل من اراد تنفذ كلمته باب يقضى بقى الثلاثى الزحلى الذى
يجمع تسعة احرف وهذا او صحوا الحكماء من ابقيه لان الالف اذا زادة وهى نقطة فوقت من مى ابت الاحاد الى
مى ابت العشرات فصارت حرفيا فكانت الباء باطن الالف وكذلك نقطة اخرى فكانت القاص باطن
الباء فافهم هذه الاسرار وهو سر عظيم فى الحروف بقلب الاعيان مثل اظهار الدفاين والدنانير وغيرهم
فاكتم هذا العلم اذا اردت الوقوف على هذا السر الخفى خذ قطعة رصاص اسرب اعمل منه لوحا وزنه تسعة دراهم
وهى سوة هذا الوفق وهذا العدد عدد فتنقش قبل النبات فقط فى يوم الاحد فى اول ساعة من قبل
الشروق ثم اكتب منه حروف الالف فى بيتها والحاء فى بيتها هطط وذلك ان الالف للشمس والحاء للراس و
هى منسوبة للشمس ثم علقه فى عيدان رمان فى بيت نظيف ثم اصبح نزل حروف الباء فى بيتها ثم السبت

حرف الزاي في بيتها وحرف الطاء ايضا في بيتها جميع الحرفين في يوم السبت لان الطاء ايضا ليوم
السبت ويكون هو الابتداء ثم في يوم الاحد على صلوة الصبح في المكان الذي علقه اللوح معلقا من
الاعواد في كيس حرير اسود ثم بعدان تصلي تبخر لشيء من العود الجاوي و اللبان ثم تقول متوجها الى جهة
زحل الف الف ااا وهو سرها وسر باطنها من الحروف ثم على الباء نقدر ما في بكرهن من الاعداد وهو ٢ وعلى
الجيم نقدرها في حلش من الاعداد وهو ٣٣٣ ثم على الدال نقدرها في دمتهن من الاعداد ثم على الهاء نقدر
ما في هنش من الاعداد ثم على الواو ونقدرها في وشح من الاعداد ثم على الزاي نقدرها في زعنهن من الاعداد
ثم على الحاء نقدر نقدرها في حصط من الاعداد فاذا فرغت من ذلك تقول انوكلوا يا خدام روحانية هذا
الوفق الشريف ويا روحانية الاحرف بحق الوهاب الرزاق الفتاح المنان الحنان المجيب المعطي الباسط
المعين تعالى طول ان تطيعوا والبرهان الاجابة فتاتة لهيته في اول يوم او يوم ثاني يوم او في يوم ٣
او في ٣ هكذا في السبعة الايام و ابسطي اكثر من ذلك فاذا اقهر تقر في كيس من راسك فاردة التصرف
بعد ذلك تحط الوفق في تراب طاهر او رمل طاهر في الارض او من حرمك ثم تلو الاسماء السبعة فقط
سرا وجهرا ثم تقرا الحرف الاول حرف الالف وقل بحق منه ما اردناه من الدنانير فيخرج منه حلالا طيبا
ليس هو من صلوع الناس وانما هو تكوينا من الملائكة والهاء كذلك فانا د تحرج من الاحرف الحاده
والماء من المبارية والاهان من الجن على هذا نقص وهي ماخوذة من العلماء والفضلاء وحفظناه من غير
اهلها فاتق الله فيها او صفها عن الخلق وفي هذه القدرة كفاية ثم تقرا الايات الحسنى وهي اولها و
بسم الله الرحمن الرحيم كهيعص حمعسق كما انزلناه من السماء اخرجها شفاء ثم قل اجب يا خادم حرف الالف
اسرافيل وبحق الم الله لا اله الا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب بالحق لتحكم بين الناس ولا تكن للخائنين
خصيما اه ٢ اهيا ٢ هياشر ٢ ايال ٢ اذوناي ٢ اصباوت السداي وانت خادم حرف الباء جبرائيل
بحق بسم الله الرحمن الرحيم البارئ المتوالي برهبتة كوير الي احرها من تين وانت خادم برهيتة بوشائة
٢ لطاقة ٢ بلبهود ٣ بوهيولام شباش ٢ باروخ ٢ بواح وانت خادم حرف الجيم كلبائيل بحق جلجل
الملائكة رسلا الى جبل قديم الجليل الجامع جلجيش ٢ جلجة ٢ جيوش بحق لا حلفة ٢ وانت يا خادم حرف
الدال بحق ددائيل بحق ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين الدايم الديوم الديان دملخ هم
كالخ ٢ هيو ٢ داهود ٢ داعوج ٢ دميال دردميش وانت يا خادم حرف الهاء وزيائل دور ائيل بحق
الاول والاخر والظاهر والباطن للاية هو الهادي هنطش ٢ هيا ٢ هيا ٢ هيثا ٢ هيلا ٢ هيلاخ ٢
ها يوب ٢ ها يود ٢ ها يوبا وانت يا خادم حرف الواو ونجم تائيل دوقبائيل وبحق وما امرنا الا واحدة

كلمح البصر وبحق الواحد الوارث الودود الوهاب الوصال الحي واه ٢ دهيوج زدده ٢ و روه ٢ وانت يا خادم
حرف الزاي نزفيائيل سرائيل بحق اذا زلزلت الارض زلزالها وبحق الازلي زنزيال ٢ زوخ ٢ زدبوح
وانت يا خادم حرف الحاء تنكفائيل بحق حصنوا بحكم الحميد الحق الحليم الحنان حيوم ٢ حليون برحوطيخا
حوائيز وانت يا صاحب حرف الطاء اسماكيل اسماعيل بحق طس طسم الطاهر الطهر طهطا لغ سم سلاطيع ٢
طوطوش طودان ٢ طرنوخ ٢ طودش طهطه حوش اجيبوا واطيعوا واقضوا حاجتي وبحق مرادي بحق
شلشفا اعملا بالهود وبحق ابجد هوز حطي وبحق بدوح اهمزط وما هو في هذه الاحرف الاسرار وما لها
عليكم من القوة والطاعة والسلطان وبحق برهتيه كوبر الحاضرها هو رب النور الاعلى ليس كمثله شيء وهو
السميع البصير صيوا انتها الارواح والخدام من الاعوان الموكلين بالساعات والايام الداخلين تحت طاعة
الاملاك وبلغوا القصد واقضوا الحاجة واوفوا بعهد الله اذا عاهدتم الى كفيلا الملحل الساعة الوحا
بالشلع بعوا بوبير تير تبكة تنكفال صعى هيال عيال المطيع لك يا ال دز يا ال عالم الغيب والشهادة الكبير
المتعال او حارج كهايح لوها توكم بولواهيرا كها ديش ولقد علمت الجنة انهم لمحضرون ولا حول ولا قوة
الا بالله استخدم سلوم وشروم وهو ان تاخذ شخصين ثم تدخل الخلوة وانت على وضوء وطهارة وتكون
هناك لا تنام مدة ثم ايام وتبدد بالتي وحي يوم السبت وتدخل الخلوة يوم الثلثاء من غير صيام ويكون
معك ما تاكل وما تلبس تما البس من غير روح وما الاخرج من روح ولا يدخل عليك احد ابدا ويكون معك
البخور حاضر وهو عود ونحو هجين جلس ولا تخرج في المدة الا لحاجة ثم افرش السجادة واجلس عليها
ولباسك ابيض طاهر وخذ شخصين واعرف هذا من هذا العلامة واكتب على واحد سلوم وعلى اخر
شروم وحط سلوم تحت السجادة عن يمينك وشروم تحتها من يسارك حيث تسجد عليهما ويكون ابتداء عملك
يوم سم يوم دخولك الخلوة مستقبل القبلة من صلاة الصبح وتصليها وتجلس في ناحية ثم تقرا سورة تبارك
وقل اوحي كل سورة مرة ثم قل يا فعلا يا فعلا يا سلوم اجب يا شروم ويا شروم اجب سلوم عن يمين شروم عن
شماله تفعل بعد كل صلاة هكذا الى صلاة العشاء ثم بعدها صلي ركعتين الى الصبح تقرا في الاولى بالملك و
في الثانية قل اوحي وبعد كل ركعتين تقول هذا الكلام ٣ ايام بلياليها ولا تستريح الا فيما بين الصلاتين..
وانت تقرا تبارك وقل اوحي والبخور عال حصى لبان وجاوي الى اخرها الليلة الجمعة اذا احرمت بالصلاة
فيها تحس بجلبك من ورا الحايط بن علم ان حاجتك قد قضيت ولا تقيدها الا لمستحقها واعرف المجزوب
وعلمه لوليه واجعل في كيس حرير ما اخرج الاخر ولوح جيد الف حي فقاقة برجح فايدة رياضة قل هو الله احد
صوم ستة ايام اولها يوم الاحد وتقرا السورة عقيب كل صلوة ٥٠٠٠ مرة فاذا كان ليلة الجمعة ادخل في مكان خالي

خلى المكس

عن الناس واكتب الخاتم على قطعة حرير اطلس ابيض جديد فاذا فرغت من الصلاة الغنى والوتر فصل ما كونت ركعتين الى تمام العشرة والوقت امامك في المحراب ويكون عليها عشرة انصاف فضة من كسب حلال فاذا فرغت من صلوتك سابع ليلة تقرا السورة الف مرة وخذ نصف فضة من العشرة وحط في فمك واقرا السورة الف مرة وخذ اخرى واعلى هذا الى تمام العشرة وقراءة السورة عشرة الاف ثم اقراء السورة الف وخذ نصف فضة من قبل حط على العشرة الى تمام العشرة حكم ما دخلت بهم للمقام فقد زادوا نصف فتكون قد خدمت وزاده من عالم الغيب وخا سه مملوه لا ينقص ابدا فخذ ما زاد من عالم الغيب وضعهم في كيس ابيض صغير ويكون بافية وتخيط الوقعة كيسا وتجعل فيها الدراهم والكيس الذي فيه الدراهم التي جاءت من عند الله لو انفقت عدد ما قراءه لم يفرغ وان ما زادته الدراهم والاعيا لو يا ضته ثاني مرة وسم مرة والبخور جاوي ولبان ذكر مثل ارزق وملة القراة ولا ينقطع ابدا فهذا لوفقا للذي يكتب الاطلس وهو هذا الوفق مثمن قل في الاول واحد في قرينة الاخرى من الاسفل بيدور يا الوفق المثمن قل في الاول واحد في قرينة الاخرى من الاسفل بيدور بالوفق تكميل الكلمات فتم قسم سورة الاخلاص بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله يا جبرائيل الرحمن يا ميكائيل الرحيم يا اسرافيل هو الله احد يا عزرائيل الله الصمد يا عينائيل لم يلد يا كسفكيائيل ولم يولد يا سمسائيل ولم يكن له يا فرخائيل كفوا احد يا ردبائيل اقسمت عليكم يا خدام الله المقربين ان تسخروا اقلبي من ثم باب تقضي حاجتي بحرمة سورة الاخلاص وانت يا روحاني مهيائيل وانت يا خادم خذ مني ميلا وهنا دا بحق القهار خالق الليل والنهار استر علي يا ستار يا كافي اكفني على شر الاشرار صلوة سم مراة بخوره ١٧ ٤ م للمحبة خذ حجرا من الطريق على اسم من تريد وتقرا عليه هذه الاية انا عرضنا الامانة على السموات والارض فابين ان يحملنها واشفقن منها الى جهولا ليعذب الله المنافقين والمنافقات والمشركين والمشركات ويتوب الله على المؤمنين والمؤمنات وكان الله غفورا رحيما واكتبها عليه والقها في موقد نار نيام الوقود ترى عجبا اقراءها ١٢ مرة

ابرامينه عبرانيا سلاموں ابا شنهي كيهاسينه قدرامينه عنوبينه سلطانينه غضنا سيزمرابينه جهراسينه اهلا بينه نقطا بينه تنا سنينه
عرابينه يا بينوش اعلا كلميتهي مطالخ ثم امين كهيعص طه طسم طس يس الم المص الرا المرا حم حمعسق ق والقران المجيد
ص والقران ذي الذكر ن والقلم وما يسطرون والطور وكتاب مسطور ولا حول ولا قوة الا بالله ... اخرى مستخرجه
من بسط اسم لطيف قد تقدمت وبعدها اخرى من بسط اسم الباسط قد تقدمت فهم وهذا ايضا وفق كتاب
اسعد الحروف ثلاثة ايات والكلمات عدده ٢ ٩٨ ٤ ٤ ٣ ١ ٣ واما من نقل من جميع اعداد القران الحروف
ابايتها الى الحروف الهجا كتا وكذا حروف هذا اعدادهما وجمعهما فكانت ١٤٥٢٣٥٨٢٧ وهي ٢٧ الف الف ٣٥ ...
الف ... الداخل في الوفق الرباعي من عنبر كبير ... وهذا مثلث اسم باسط خالي الوسط

قاعدة استخراج الملائكة من الوفق الرباعي العلوية والسفلية على هذه الصورة مفتاح

مغلاق عدل ضلع ساحة ضابط غاية ١ اصل يستخرج
١٦ ١٢ ٣٤ ١٢٥ ٢٥٤ ٥٤٤

٤	١٤	١٥	١
٩	٧	٦	١٢
٥	١١	١٠	٨
١٦	٢	٣	١٣

١٠	٥٣	٩
٣٥		٣٨
٢٧	١٩	٢٦

من كل وفق الاملاك الاول من مفتاح الصفح من مغلاقها اسم من عددها وهو جمع المفتاح والمغلاق من
وفق الصفح وهو العدد المقصود من مساحة الصفح من ضابطة الصفح وهو الجمع بين الوفق والمغلاق
والمساحة الثانية غاية الصفح وهو تضعيف الضابط وهذه طريقة الاستنطاق تاخذ العدد وتسقط
حروفا والحق به كلمة زايل في الخير وطيش في الشر فافهم الرمل يطبخ في قدر حديد ويجعل عليه زيت ويذر به
على الريق صاحب الغناقة يبرئ فصل العقد الحديد من اراد ان لا يؤذيه الحديد في الجهاد فليكتب هذا الخاتم
من سمى المعارف وهو ان يغتسل به على الحجر الابيض ليس فيه سواد فانا دخل في الحرب لم يصد الحديد وان
كان مثل الرمل او عدد النجوم يكتب يوم ... وانت صايم طاهر متوطي وهو هذا الاسماء مكتوب بالجمرة
ومما اخترعته في ذلك ان تاخذ حروف الوزق وهي الماء وتمزجها بالتراب البليغا ابته



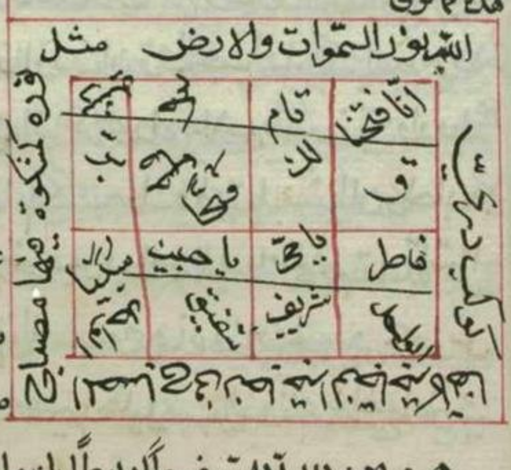
النواة لان تركيبها التراب فهي خبز التراب والمائية بتقديم
حروف الماء لانه ينزل على الارض فيخرج منها الخيرات فمن
كتب هذا السطر على عدد من النواة بقدر اسطر التكسير
ووضع في حاصل كنز خيره وان وضع ذلك في دعاء
صغير من الخزف اللتي وضع معها من البر ٥٥ حبة
يقراء على كل حبة البسملة وقوله تعالى كمثل حبة انبتت
سبع سنابل الاسنبر كان احسن واملى وهذه الحروف
د ب ج ع ن ر ض خ ت غ ط وواينا النقفة اليه من جنس الارض الطاهرة المباركة قبل ان يرد عليها ما
يغيرها عن فطرتها فان الارض معدن البركة والسلامة والخير والعمل وما يتعلق بها في صلاح الارض
وذهاب الفساد كالحشرات فلهذا اعملها العارفون في طرد الدود والسوس والبق وقد ذكر في اعمال الحروف
الاحد عشر وهي ج ح خ د ذ ر س ش ص ض ظ من وضعها على شقفة وس مع دبا الخوف في الرابعة من النهار
ووضعها في موضع البق هربوا او في مخزن القماش نزمن الدود والسوس وكذلك لتهربها النمل تكتب على اربع
شقف بنية واذقا لت طائفة منهم الى فارجعوا ولا تسكنوا في منزاخا فتقتلوا والله لا يحب الصابرين الم تر
الى الذين خرجوا الى موتوا فماتوا كذلك بعوة النمل في هذا المكان ويذهب بقدرة الله تعالى ثم يدفن
الشقق في القرون الاربع من البيت وهذا من الاعمال الفيثاغورية وهي اللتي يعملها معدلها وتلاوتها بالقياس
عزها لهرب الفار يكتب على شقفة بنية اول ساعة من يوم ٣ وتدفن في اربع اركان البيت يحل الها الفار
وبنيك وبني بنيك واعوانك يحق شهتم شهليا ٢ انكانت لا صيحة الى خامدون ظما داوه عارضا مستقبل
اوديتهم الى مساكنهم كانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة وقد اختص عند علماء البصرة الدبيب في البيت والارض
تاخذ عدد ابر موافقه ومثل ما ذكرنا وقال الذين كفروا لرسلهم الى الظالمين وتزيد عليه عدد ما تريد مثل
حبة عقرب ٢٣ فان ١٨٢ وتجعل ذلك وفقا على الشقفة ثم امزج حروف الاسم بحو نا صهرط تكسره ثلاثيا او
خماسيا او سباعيا الوفق وتجعله في اوجهه وتنادي ملك ذلك اليوم وتقسم عليه باسماء الله الموافقة وبا
لايات بعد تقديم التلاوة عدد ما تريد طرده ثم تامره بطرد ذلك الدبيب وارصد لهذا العمل قمرا بالصرفه
او التنزل والطرف وايضا للبرغوث يكتب في شفقة بنية وتدق وترش في المكان وهذا ما تكتب
ارحلوا ٢ ازفة الازفة ازفة ارحلوا ٢ القارعة ما القارعة ارحلوا ٢ والنازعات غرقا ارحلوا ٢
جاءت الطامة ارحلوا جاءت الصاخة ارحلوا ٢ انه على كل شي قدير لقضاء الحاجة قال عن دبر كل صلوة

يا احديا صمدي من عندك مددي وعليك معتمدي ايّاك نعبد وايّاك نستعين كل يوم ٥٥ مرّة نال مراده
احزومي قرا امّن يجيب المضطر الى اخره انه كوّن في جوف الليل ٥٥ امرة ويقول بعدها الله ربّي لا اشرك به شيئا
الف مرّة واستغفر الله كذلك تضييت حاجته البته للجلب للمطلوب تكتب في ساعة باسم المطلوب
وتسرج سراج مقابل بيت المطلوب فانه يحضر وهو عا ١٩١١ ام ا ٥ هه الذي سبع تقراء يا واسع العطاء
٣ امرة عقيب كل صلوة وبعد كل مائة مرّة تقول يا من وسع كرسيه السموات والارض وسع علينا يا واسع العطا
من فضلك مفتاح الفضل مفتاح الاقفال تقرا الفاتحة ٨ واية الكرسي ٨ ٨ ثم قل اسلس باذن الرحمن
يفتح بحق خاتم سليمان بن داود وحق بيلك فانه ينفتح ولقضاء الحاجة من قال حسبي الله الحسيب الف مرّة في جوف
خال تقضى حاجته والصلوة على النبي كذلك لقضاء الحاجة توضاء على ركعتين واقراء هذه الاية لقد
جاءكم رسول من انفسكم الى العظيم واية فسيكفيكهم الله والصلوة النبي ٣ مرة وقوله تعالى وجعلنا من
بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا الى يبصرون ٣ مرة واسئل حاجتك تقضى البتة احزوما جرّب تجلس في
خلوة وحدك بعد صلوة ركعتين وانت على طهارة الصلوة على النبي اولا واخرا مائة مائة وبعده
تقول يا كبير يا متعال ٧٧٧ مرّة يحصل المطلوب في الفور والاجابة لافتتاح الامور والصواب

مبينا	فتحا	لك	انا فتحنا
نتام	نصر	برقاطر	ا
الواحد	كهيعص	فاح	عليك
رشيد	حم	سميع	شفيق

وللفرج ينقش هذا الوفق بساعة سعيدة على فضة ويحمله معه
ويبخره ما امكنه او يكتب بالمسك والزعفران وهو اذا
اردت الانسان يحبك ولا يصبر عنك فيكون يوم الاحد
من الصبح تقرا هذه الاية على حب ملح وبعده ترمي
الملح في النار اوّل باوّل وانت القول كما احترق هذا
الملح كذلك يحترق قلب وفؤاد فلان بن فلان على محبته ٣ مرة
مع هذه الابيات وهذه الاية وحق يبلنا مثلا ونسي خلقه الى عليم وبعده يقول ٣ ثم بحق اياك نعبد
واياك نستعين خاصية مقناطيس يؤخذ منه درهمين درهم ونصف تبقيه عندك ونصف درهم حكه
واسق لمن اردت فانه يحبك محبة عظيمة مادام الدرهم ونصفه معك واذا انفقت من المغناطيس شيء
في الماء واخذته من ذلك وغسلت به وجهك وقابلت من اردت من الحكام فانهم يقضوا حوائجك باب عقد
نوم من تريد اكتب هذه الاسماء في جلد ظبي وادفنه تحت عتبة باب من تريد بالليل فانه لا ينام وهذا
ما تكتب كما ترى معهطيهعلم معصهطعسا ١١١١١١١١١١١١ ا ١٢٨ ٢١١ ٢ توكلوا
باحتام هذه الاسماء يا خراج النوم من عين فلان ٣ ثم غسلسا حوامه ٣ ثم ٣ بحق هذه الاسماء مجرب صحيح ومكرر

فی بوج نوالجی للدفین وفی ناری للنار وفی مائی للماء وفی الهوائی الهوا فهم عقد الزانیة عن جمیع
الرجال ما سواک لا یقدر احد یجامعها تکتب علی ذکرک وتجمعها ولا تمیز فیها وهی ج اسماء وهم هذا
کیش منکش کتینوش وحلیها اکتب علی ذکرک وجامعها وامنی فیها تحل اکنوش منکش اکیش محببا فا ا احببت
احد فقف قبالہ وغمض عینک الیمنی واجعل یدک علیها وانت تکر هذه الاسماء علی عینک فانه یمیل قلبه
وهو هذا اقل خلا غضیلا شیخ ولخ شیخ ولخ نسل قلبه وفؤاده ٢ ضم علی محبته ومودته فم ٢ فم فالوحا
العجل قد شغفها حبا والقیت علیک محبة منی یا ببطیح ومحبة عظیم الشان اکتب هذا الطلسم فی کاغذ
یوم اول ساعة قبل طلوع الشمس فی سعد الهلال وخط فی وسط عین هذا واکتب اسم اسم امه واسم امک
وهذا الاسم مکتوب علی الوش من نور علی القمر جملیل لطالب معرفان العزیم الذی کلا علیک شیئا الا هیج
ولا ینام ولا یرقد ساعة واحدة ولو کان بینه وبینک الف فرسخ حتی یصل الیک وبحرز با اللسان وهو
هذه کما تری



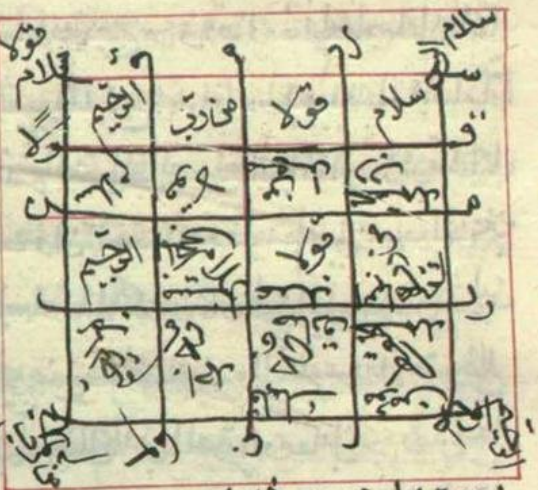
عقد اللسان العدو ویکتب فی ورقة ویشمع ویوضع
تحت اللسان ویقابل العدو ویامن المسافر من العدو
والحریق وهو هذا بسم الله ف ق ج م خ م ت قوله
الحق وله الملک ف ت س ج ط خ ولو نشاء لطمسنا
علی اعینهم للاتیه صم بکم عمی فهم لا یبصرون قالوا
یا لوط انا رسل ربک لن یصلوا الیک فی نفسه خیفة
موسی قلنا لا تخف انک انت الاعلی الحی تبطل سوم
صوم هجموا مح لا اله الا الله خیوطا ربوطا یا سم الهنا مکهیا فایدة ایة الکرسی خذ من الوزاسم حتیة
تقرا علی کل حبة ایة الکرسی فی اخذ ملانا من الشهر فی سلعة خ وتقول عند تمام کل مائة مرة من العدد
باحذام هذه الایة الکریمة توکلوا مکذا وکذا وتسمی ما ترید من حلوه مکان او فراق بین قوم وادمی ترد
الاعتاب من کتب هذه الاسماء وتجعلها تحت راسه لیلة واضمر حاجته راها فی منامه وهی هذه اللق
خص اسه یا می یم یا طیوخ ٢ فایدة للجلب الدراهم تقول بعد الصلوة الصبح یا عزیز ٣ ٩٥ وبعد صلاة
العشی ٣ ٣ وایضا یضع فی الثلث الاخر من لیلة ٣ فی الکف الایمن اشرفی او درهم فضة وفی السیاد
کذلک ثم یصلی علی النبی کذلک ثم یضعها فی کیس بعد ان یخطها فی کاغذ فانه لا ینقطع حسب ما عمل ابدا
والاسم هذا هو ذو الجلال والاکرام ولو قرا بعد الاتمام الاسم سورة تبارک ٣ مرة وسورة الرحمن ١ مرة
بعد هو احسن وبعد یصلی علی النبی الف مرة ایضا مخصوص یبیع کل ورقة من هذا الدعاء بدینار لان من حملها

لا يؤثر فيه طعن ولا سهم ولا رمح ولا خنجر ولا ضرب فتستر بنيه منه و ذكر والقيت تهتى بكل هلكه وبلا فلم اصب
سوء وهي بسم الله الرحمن الرحيم حوم قيوم طابولاب واعن ملعال من حلوس ارقيا سل بها انا فحن نزلنا
الذكر للايتر له معقبات من بين يديه للايه واسه من ورائهم محيط للايه ١٢٢١٢٣٤١١٢٢١٢ ٩٩ ١١/٩
فانه اذا اردت ان تصرع الاعدا او السراق في الطريق او من اردت من الجيوش فيسقطون على وجه الارض
فتم يوم السبت قبل طلوع الشمس عند انشقاق الفجر وخذ سيفا وانقش عليه هذا الطلسم والنقش يكون على الشمال
ونحوه بعود وصندل احمر وهو هذا صكسع صع وحين تغير على الجيوش فقل يا مصلح اح اح هذا حلح
فحين تنظر فانا النرة به على جيش فانهم يسقطون الى الارض ولو كانوا اماني الف وكذلك الاسد والنمر
وما اشبه ذلك وهذه الاسماء تكتب على السيف والخوذه وادخل الحرب فلا ينالك مكروه ولا جرح
وهو هذا لبس سبي كادكسبى كهندي توفي توفي بصير الحبيب قوله الحق والملك في يده فح فخ فت
طخ ناد انقش هذا الاسم في ٢ م ٤/١ ف تهم تو تعتبوا من ذلك ولو كانوا الوف وان اكتبها العود عسك و
زعفران وماء ورد سطلق ولو كان له الف سنتر اذا اردت ان ترى العجب العجاب اكتب الله كبير ولا حول
ولا قوة الا بالله ٥٠٠ مرة ثم كتب البسملة ١٠ وتكتب اية الكرسي والاخلاص والمعوذتين واربطه على
عضدك الايمن وادعوا بما شئت فانه ياتيك ما دام الكتاب معك ولا يقربك شيطان ولا جان ولا
سبع ولا حية ولا عقرب نافع مجرب احزى عزيمة مستخرجه من بسط اسم الباسط مستخرجه بقاعدة استخراج
البرهتيا الموفق الثلاثي واياك ان تدعيها فتتعرض للعطب وهي هذه لهطرشي لهر هيش مركهوش
طمهوش كهليهج لهطوع طهمر طيع طفلكر يوا صفهيم زحليا هسبا اذ وناى شراهيج اطريث

الانقياد لما امرتكم بطلب حبي او دفع شر من جميع خلق الله بعزة العزيز المعز في عز عزه واوفوا بعهدا الله
الى كهبلا واسماء العهد هذه تبلقاش مهراقش اقشا مقش وفائدة هذه الاسماء الهنا تعمى الابصار و
تصم الاذن وتخرس الاذن وتخذل الايدى والارجل عمن يقول تبلقاش مهراقش اقشا مقش من باب ١٢
معرفة الطالع من البروج خذ ما مضى من عدد يومك واضربها في ٥ او زد عليها ما مضى من الشهر العربي
الذي انت فيه من الايام واجمع الحساب واطرحه على البروج واعط لكل برج ٣٠ وما بقي بعد الثلاثين فهو

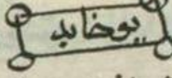
درضر

درجة الطالع الميزان من البروج فتبني عليها حسابك وابدا من برج س في وقتك فافهم اسماء ساعات النهار
الاولى الشرف الوا دا المبتدع الرحيل الهاجرة الزوال الظهيرة الجنوح الاصيل الطفل اسماء ساعات
الليل الشفق الغسق العتمة السرقة الجهمة الجرده الزلفة البهرة السحر الفجر الصباح باب اذا اردت ان تسلط على
احد من الاعداء ذيب او غيره باتوه في منامه يوذوه وهو ان تاخذ عدد حروف اسم الحيوان واسم الذي يريد
تسلط عليه وتجمعهم بالجمل وتبدلهم بالحروف وتقلبهم باسماء الملائكة ان كان للمحبة ائيل وان كان للشر طيش
يكون اخرهم تجمع العدد وتنزله في وفق ٣ في ٣ وبعد يجمع ضلع منه فهو القسمة والضلع هو الاخر وضلع
الاخر كذلك فيجعل عزيمة بعد صلوة العشي يخرج الى مكان خالي كالبر والصحرا او مقابل شجرة رمان يجعل
من اعوادها سيسابير ويجعل الوفق معلقا بالسيسابير ويتلوا العزيمة عددهم ويبخر ويختم العمل يقرا اول
ضلع الاول الاسم الذي خرج منه عدده وبعده ضلع الثاني وبعده ضلع الثالث كما يكون صباح فترو حن
سر ليا لهذا حصل المراد يجعل الوفق ملفوف في خرقة من حرير مكتوب بالمسك والزعفران وماء الورد
ويحمله مثلا اسم الشخص المطلوب عدده ٣٥٥ والاسم الحيوان ذيب عدده ١٢ احمعهم ٣٦٧ واسم اعوان
انطش الاول موزطيش ويبتدي بقراءة عددهم والعزيمة اقسمت عليكم يا موزطيش سلطتك عليه حتى
٢٢٥ حتى يجهد ولا بد من الرياضة والعزلة والوفق هكذا امثلة فافهم لقهر العدو يكتب هذا الوفق
يوم اول ساعة في اواخر الشهر ويدفن في باب بيت الظالم او يوم ٣ ساعة اول ساعة ويبخره بروائح
كريهة مثل الثوم والكبريت ويدفن وهذا هو وفق قهاد مبداه في المثلث ٩٨ فافهم هذا وفق من يحمله
الوفق اذا كتب مع الاية في شرف س او في ساعة س ينقش ويلبسه لا يخلوا كيسه من دراهم عليكها وهميشه
لا يحتاج الى احد الا الله وهو هذا المربع منا هدفا صبح من ايام موسى فرعان فافهم هذا لوفق
١٨١ ٩١ ١٥٧ ١٢٨٢
السبع اذا كتب في شرف س او في ساعة س من اول يوم الاحد ينقش على ذهب او على ذهب على ورق اصفر
ويبخر ويحمل لاجل جلب القلوب وهو هذا شاهد يحبونهم كحب الله والذين امنوا اشد حبا لله فافهم
١٣١ ٥٦٥
واما الانسان كلام قولا من رب الرحيم وهي ٤ احرف ٧ حروف مفرده ٩ مركبة مكرره واما المفرده فهي
هذه س ق و ن ب ح ى والمكررة منه لل ا ا ر ر م م والمفرده متعلقة بالسبعة نجوم السيارة والمتغيرات
حروف متعلقة بالسبعة افلاك وطلب عددها ٨١ من دوام البتة تحصيل مراده واحدا ومد بعد كل صلاة
لهذا العدد وبعده ايضا يقراءها ٧٠ مره ويصلي على النبي كذلك ابتداء القراءة فاول يوم الجمعة
من بعد صلوة الصبح وبين هذا الوفق ويحمله ويكتب داخل الدائرة الكلمات بالاحمر وهو هذا كما ترى



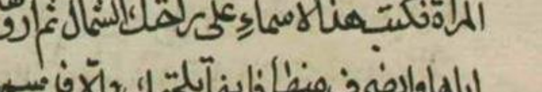
وهذه عزيمة مشحرجون سبط اسم لطيف وهي هذه بسمل
رهذا نش هه طلموش هيسلخ هفطلما اهرع بغعيخ
انفيتم قتغر نكيهيم بفغيم طهو دش هشتيلح شياها دبا
بر بتر اللطيف يا لطيفا لسر التي استويت بها على
العرش يحى لطفك الذى لطفت به حملة عرشك حتى
قدروا على حمل عرشك بلطفك الروحانيين في كذا
وكذا وتذكر حاجته يجاب في الوقت والساعة وهذا
وفق الله لطيف بعبا ده ثلاثيا وهو من عجايب الوضع وهذا هو الوفق
لقضاء الحاجة ينقش ويوضع في العمامة ويمشي الى حاجته تقضى له حادى

بهاده	لطيف ١٢٩	والحه
هادى	باسط ٩٣	كافى
ملبى	حميد	سبي
١٣٥	٥٧	١٠٣

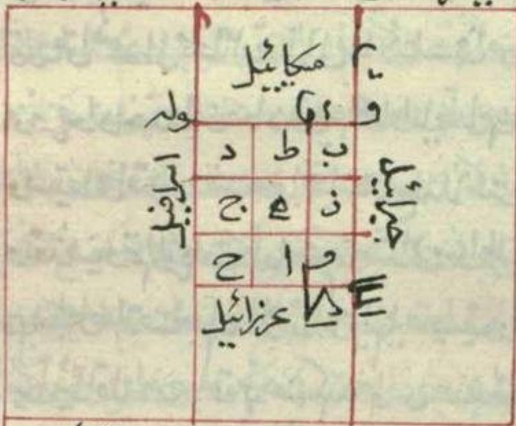
له دح انتا لله هو هذا  فى بيه يسحق حصا البان ويعجن بالعسل فى قوام العجين الرومى
ويجعل فى كيس كتان ويدفن فى نونه بلا طى يصير لبان جاوى
وهذا هو وفق حجاب وصندوق ووجه للسلطان ومن العدو والخصم
فى السفر والحضر ولا يخاف من حمله من جنى ولا شيطان ولا من الانس
من علق عليه وهو وجيه الى بنى ادم ومن علقه فى دار لم يدخلها جن ولا شيطان وان كان فيه ساكنا انتقل
عنه ويحفظ الدار من السرق ومن علقه عليه يصيبه حرق ولا تقربه لص ولا حية ولا عقرب وقضيت حوايجه
ويخلص من الهم الغم وكلما اراد الله اعطاه ودفع عنه كل سو ولات فيه اسم الله الاعظم من التورية
والانجيل والفرقان وفيه سر لقضاء الحوايج
اذا كتب بالزعفران وماء الورد فى ساعة طيبة وحمله على راسه يوم الجمعة او ٢٥ وقد حج اصف بن برخيا وهي هذا



الاسماء المباركة الفاضلة وتطهره السفهاء
صحيح مجرب فهم ذلك والله يؤتيه من يشاء والله
ذو الفضل العظيم هذا الوفق اذا اردت ان يلحقك
المراة فكتب هذه الاسماء على راحتك الشمال ثم اروها
اياها واضرب منها فانها تلحقك والا فامسح
ها على ظهرها او ظهر شاة فانه يلحقك وهي هذه



الا يا محمد فر٢ فر يا نفش شمع صمع باب تكتب هذا الوفق الشريف بكماله وهو بكل شيء قدير في المنام ويكتب
حوله هذه الايات وتضعه تحت راسك وتنام وهو هذه الايات فلما استقر عنده الخ وقوله ولما جاء
موسى لميقاتنا وكلمه ربه الى قوله تعالى وانا اول المؤمنين وسوره الهكم التكاثر بكمالها وتقراها مرة على
الوفق وتضعه تحت راسك وتنام وتبخره وهذه عزيمة الحروف على الالف تقول مرة واحدة ابرو والباء تقطر



بال ٢ والجيم جلبيش ٢ والدال دمبال م والهاء
هططونش ٥ والواو والوهيم واء والزاي و
زنفطال ٧ والحا صلايه ٨ والطا طفليال ١٩ و
للحو لجصرا ما تقراهم بعدد الحروف مرة للوفق تبرى في
المنام متوضا وتصلي على النبي ٣ مراة وتقرا الفاتحة
٥ مراة والاخلاص ا مره واية الكرسي ١ مرة و
بعد تصلي على النبي ١ مراة وتنام على جنبك الايمن متوسدا يدك تحت راسه فانه يرى في نومه كلما يسئل عنه
الداوودي مع ادمغة الذباب يراه الجن مرارة القط الاسود وعينيه مع مرارة البوم اذا اكتحل يرى
الجن مرارة الديك الابيض لا فرق الا زرق العينين مع مرارة الهدهد اذا اكتحل يراه الجن اذا اردت ان تحكم
على الجن واذا اردت خراب الديار العدو وتجعله حيران يكتب في ساعة اول يوم من يوم السبت من
او اخر النهار او الساعة الثامنة من يوم السبت يكتب على صحيفة من الرصاص الاسود في ساعة زحل ويبخر
بكبريت وعصا اذا كتبته تبخره وادفنه في دار المطلوب ترى العجب جلب الغايب اكتب اسم الغايب



واسم امه في خرقة نظيفة مع الاسماء المذكورة واجعله
في سراج فتيله واسرجها بالدهن الزنبق الطيب وانت تقول
العزيمة في محل خال عن الاصوات واقرا قبل العزيمة سورة طه
٣ ثم العزيمة ٢١ مرة فانها الورد يرى الغايب عندك وهي هذه انقوش ٢ هلقوش ٢ هارش ٢ قارش ٢
اردش ٣ انوش ٢ لوحا ٢ العجل الساعة احضر وامر ٢ فانه يرى الخيالات الفاسدة ويتخيل له يكتبها في
يده وينظر اليها ويتفل عليها ويسحبها ويجهد وهي هذه يا مسكر ياكر هيطش باب قسم طاع وهو على جميع الملائكة
من ذلك زحل وما تحته الى فلك زحل ولا يعصيه احد من الروحانية ولا من الجن نافذ من فلك القمر الى تحت الارض
السابع يطيع له جميع جنود الله وبه تخضع العلوية والسفلية ولا يعصيه احد من الجن وتخضع الملائكة العلو
وحملة العرش ولا تخلف عنه احد فعليك بطهارة البدن والثوب والمكان والبخور الطيب تقوله على كل عمل

يخمقو لها اسم مراة اومعاه او امراة ولاتق بل على ذلك تقول بين السر والجهر وهو هذا بسم الله الرحمن الرحيم
اركياش كل شئ دون قوتك ضعيف موش هوكش كل شيء منقاد لعظمتك ذليل بدراوش انت ارسلت
الملائكة من عندك على الشياطين بارش علك الحكم على كل شئ كرناكونا انت اهلكت المتمردين بعظيم ازليك
كوثا انت ربي ورب كل شئ لا الرعزاك ولا معبود الا ياك حتى يبقى ويفنى كل شئ له جبار حي قيوم
قدوش اشمحطل محطا ارسل الى ملائكتك في اسرع وقت بقوة عظيم ازليتك جليهينا ولو تري
اذ فزعوا واخذوا من مكان قريب افعلوا يا خدام هذه الاسماء كذا وكذا واذكر ما تريد منهم فيفعلوه
ويسقط في اقرب وقت ولها تجلب جميع الملائكة وتحكم ما تريد وتحكم على العصاة وتحرق وتسقط
وتعذب وتتم الحركات كلها فهم ترسند الى سواء السبيل لو سئل الارزاق مداوم قراءة هذه الاسماء كل يوم
٢٥ بعد كل صلاة بسم الله الرحمن الرحيم يا حيطيقوريش يا بخير خموشا يا شعا عطوشا يا شا دقا جبيا
ميكائيل اول واخر صلوة برجحزه بكينة خواص دعوضشومير البقلى المصرف في الجلب وهو هذا اجب يا شومير
وانت يا عفروت وانت يا حطفوفد و يا انشاهر و يا عبطو ود يا عبهود و يا باهر و يا شهراين واهر و
افعلوا كذا وكذا يقرا ها وا لناس نيام والبخور جاوى ٥٥ امره بين المطلوب يوكلهم عليه جلب المطلوب هذه
الاسماء مكتب بمسك وزعفران وتربط على جناح طير او عصفور على اسم من اردته وتطيره فلو كان في حصار
فانه يصل اليك واذا كان في برج هوائي احسن وهو هذا ||||||||||١٨||اللح اطالرمهولال
هويسرمح حح دود دادا رداردمقى فل امدو دحطه برحمتك يا ارحم الراحمين خلاص المسجون اكتب
هذه الاسماء في ورقة بياض وادرجها في المدر ويكون قد طبخت فيه عدسا او بصلا وتطعم منه الحابسين
سواء كان المحبوس معهم ولم يكن وهي هذه كهف تميخ ومنخ ديودم مجح مجح بوبخ كوبش كدوس هو الله
فسبحان الله حين تمسون وحين تصبحون الى تخرجون وما صرب بعوتويا لابق والسارق عندا والعلم
به تونن تعقيم ثم قل يا عباد الله احبسوا في الجهات الاربع ومنها تعمل دايرة تكتب فيها اسم الشخص
واسم امه وتحت ذلك هذه الاية وحول الدايرة ايضا وليشوا في كهفهم الى تسعا وتدفنها في اي موضع
شئت وهي للمافرايضا وهذا ما يكتب على جلدة صدورة وتحرق من وسطها ثم تكتب فيها هذه الاسماء و
تدفن موضع بنام الابق وتجعل الكتابة الى تحت وهي بسم الله الرحمن الرحيم حيران له اصحاب يدعونه الى الهدى
تكتب سم مراة وصعها وحيلك صار لا تحمدي لحم ولمن يفزع في الليل من الشياطين عن رسول الله صلى الله عليه
والى قال اعوذ بكلمات الله التامات كلها من غضبه وعقابه وشر عباده ومن همزات الشياطين ان يحضرون
ثم اكتبها وعلقها في عنقه لرجم الجان قوله وقل رب اعوذ بك من همزات الشياطين الى يحضرون يوفق عددها

في الباب

فی الرباعی وفی بطاقات عدد ابواب البلد روانه حوب ذلك ویكتب ویبخر لیلًا بعد العشاء الاخرة لرجم الجان
هذه الاسماء فی ٣ او رقه دو ناش نوش ٢ نوش ٢ فیعوش ٣ قرقش بانش نوش ایضا اذا وقفت قدام من
تخافه فقل الله اكبر ٣ یا مقلب القلوب والابصار ثبتنی یا مغیر حال بعد حال ٣ مراة ثم قل مرة واحدة طالوسا
رحل طالوسا خرج طالوسا وناخذ تقشه من تحت قدمیك وحطها تحت لسانك فانه عقد لسان مجرب ومما
تكتب وتحمل ویمضی الی من تخافه وهو هذا فانك تكفی شره تقول بسم الله الرحمن الرحیم نوو ونم وعموا وعموا
نعموا وصموا ووقع علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون وكل ملك فهو لله مملوك وسلطان فهو لله وكل صعب
فهو عند الله وكل قوی ضعیف عند الله وكل جبار فلا محیص له من الله استعنت بالله علی فم ٣ فم باسم
اسم ابن اسلم حوسیم تبلاهوك ایاك نعبد وایاك نستعین فی ذلك سورة الحمد تكتب ٣ مره وتكتب فی كل مرة
عقد لسان فلان ٣ فم ایضا خذ خرقة كتان فتعقدها ٧ عقد وتقول علی كل عقدة هذا یوم لا ینطقون
الی فیعتذرون اخسئوا فیها ولا تكلمون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون اقبل ولا تخف انك من الا...
وتحمل العقد فی جیبك او علی عضدك للطحول یكتب فی ورقة ویوضع كوزه الذی یشرب منه یزول
الطحال بطمبطا طمنا الطحال طمس طسا ملكوسا سعوبل فلتسبا یا رحمن ایضا یكتب یوم عند الغروب و
ان علق علی مثانة ٣ ایام لیزیل الطحال وهو هذا دره دیل باس س یقع حلاص ح ح ح صصص لده له
حفظ مونامها الطحال یكتب فی ورقة ویحمله للطحول یبرا باذن الله مجرب فایده مكتب یا كافی الفرح
توكلت علی الكافی كفانی الكافی وفی نسخة كفانی الكافی نعم الكافی توكلت علی الكافی وحبة الكافی
مصنة الكافی فی خرقة حریر ابیض ویجعل فی الخرقة فوق الكتابة ٧ دراهم طاهر موزونة سواء ثم تربط
الخرقة علی جبهته ویصلی ٤ ركعات بتسلیمة واحدة فی لیلة الجمعة ویقراء علیها الاسماء فی كل ركعة ١٠
مرة والفاتحة مرة وقل هو الله احد ٣ مراة ثم یاخذ الخرقة ویدفن فی ارض تراب بعد ذراع وتقرا
علیها الاسم المكتوب قبل الوقت الفجر وتدفنها وتفتقدها فی الصبح تجدها اخذ واترك
الباقی فی الخرقة وادفنها بغیر نظر احد ولا ینظرها احد غیرك ولو فعلت طول عمرك بشرط ترك الخرقة و
تدفنها بغیر نظر احد والله هو المرشد باب یكتب ویوضع علی الصدر المراة النائمة وهی نائمة فی ورق
او حریر او رق ضبی كان احسن فانما تخبرك وما عملته وهی هذا اللهم باسمك العظیم طهرنه صهموم بلسا
بلیسهنا ماح صل علی محمد وال محمد طهبوبه بلسا بلهلسا دماح صلی الله علی محمد وال محمد ایضا
یكتب ویجعل علی صدرها ووقع الاویطلات م ع ع ع ف ف دع لا دعو الافع ع وما یوضع علی
صدرها لسان الضفدع رطبا كان او یابس تكلم بما فی ضمیرها مثله یقری علی قرن الغنم ٣ مراة و...

تحت الجنة وهي تحت راسها وهي وهي لا تعلم وهذا ما تقري في يوم تجد كل نفس ما عملت من خير محضرا وما عملت
سوء تود لو ان بينها وبينه امدا بعيدا او مهما سالها اخبرته حتى كانها جالسة اذا اردت ان تعرف السارق من المتهو
اكتب اسماء المتهومين على خرق صغار كل اسم على خرقة ويكتب هذه الاسماء تحت اسمائهم واطرحهم على النار
وهي هذه احتياطا كوسين ويكتب على قرص خبز ويطعم المتهومين وكل من سرق غص باللقمة وهو ادميليل فلسلط
حصصلر بوطالعظم العظم سمعو لمعم لهتة مهسه جهسم مهلكه صوعو ولاكياد يسيغه وباتيه المرة الى عذاب
شديد فيليه في عزيمة الجريدة الا خراج السارق خذ جريدة من نخل غير نامي ويكون قابض الزوده طاهرا بالغا
واول تكتب في بطن الزوده الملك ميكائيل وفي ظهر الجريدة الملك اسرافيل وفي جانب اليمين الجريدة عزرائيل و
في جانب اليسار الملك اسم جبرائيل والذي يكتب في الجريدة بسم الله الرحمن الرحيم اذا زلزلة الخ ويكتب
لو انزلنا هذا القران الخ ثم كتب بعد ذلك بسم الله الرحمن الرحيم والطور وكتاب الخ سيرا ويكتب اية الكرسي
العظيم وصلى الله على سيدنا محمد واله اجمعين ثم تقراء على الجريدة بهذه الايات المكتوبة ويكون في يديك
جريدة صغيرة قدر ذراع وانت تضرب الجريدة الصغيرة وتقول سيري ايتها الجريدة الى مكان سارق متاع فلان ٣
ثم وتكتب في الجريدة عند اسم اسرافيل اسم الملك صاحب ذلك اليوم الذي انت تعزم فيه من الملائكة العلوية
السبعة اي يوم كان ذلك باسم صاحب اليوم وهذه اسمائهم يوم السبت العلوي عزرائيل والسفلي ميمون وهي
موجوده عندنا في غير مكان وعليه تبخر الجريدة وبعد الكتاب بعود ولبان ويكون القابض والعازم طاهرا
من النجاسة متوجهين ويكون محل الكتابة والعمل متوجها الى القبلة ويقبض القابض الجريدة باليدين بقوة و
يقف العازم بجانب اليمين ويقبض احد القابض من حوامه ويتحكمه حتى يمشي القابض بالرفق ويمشي العازم
والقابض الى انما تجره الجريدة الى ان توصله الى مكان السارق عزيمة الجفنة هذه الاسماء يكتب على جفنة خشب
حديد وهي سوره الزلزلة الى اخرها مفردة الحروف ثم تكتب في اذنها روحي ايتها الجفنة الى مكان سارق
ما لفلان ثم ائتي ما كان من مشارق الارض ومغاربها اصباوث الى شداي وتكتب هذه الاسماء في وسط
الجفنة كهمهم هلاعهعهم ثم خذ سوط من رمان طوله ذراع واربع اصابع يكون له شعبتين واكتب
هذه الاسماء وسط سوط الرمان كهيعص حمعسق واوحينا الى موسى ان اضرب بعصاك الحجر فانفلق الى
العظيم ثم اضرب الجفنة وانت تقول سيري ايتها الجفنة الى مكان سارق متاع فلان ٣ فم يحقو اهيا شراهيا
٣ ادونا اي اصباوث ادوناي اصباوث الشداي وهي تجري بهم في موج كالجبال ونادى نوح ابنه وكان
في معزل يا بني الى الفرتين جريري بريري وتقول احشا برشا مجهولو والطور وكتاب مسطور الى سيري ا
سيري ايتها الجفنة الى مكان سارق متاع فلان ٣ ثم سودي وجهه بين الناس وحتى بينه نفسه وخذي طرفه

الحرص

الى موضع المتاع عن قلبه واذ قال ابراهيم رب اجعل هذا حكيم فاذا اردت ان تخلص السارق تقراء عليه سورة الم
نشرح وسورة النصر والاخلاص والافرغ عليه سورة الزلزلة فانه صحيح مجرب عزيمة البيضة للسارق
تقراء على بيضة تكون عند طلوع س وتجعلهم مشغل نضيف فيه ماء وتحط المشغل في خلوة لا يدخلها
ذلك اليوم احد وتصلي الظهر وتروح خذ البيضة من الماء فتجي مكتوب فيها فلان سرق مال فلان يوم
من فلان فان عاد السرقة والا مع فلان واذا قرات العزيمة تكون طاهر مغتسل وهي هذه بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله لا بلاغ الا بالله عزمت عليكي ايها البيضة ان تخبريني وتعلميني ابن سرقة والا مع فلان وانا قراءة
العزيمة وموضع تكون ومن سرقها اديني وعلميني الا عليكي ١١١ الف عهد على كل عهدك ١١١ الف عقد على كل
عقد ١١١ الف يمين على كل يمين ١١١ الف ميثاق مغلظة موكد الا حملك الله الامانة انا عرضنا الامانة
على السموات والارض والجبال الا حجر ولا تخبريني واعلميني عند من هذه السرقة بحق قطوش طيا طيش نطشا
كصضل اسهله موسى وهرون هوورتك الا تام وها دها دهين طيطبا ٣ يا شيخ عبد الرحمن ويا شيخ
عمير ويا شيخ وهاب ويا شيخ عثمان الاما اجبتموني واعلموني تحملت عليكم يا بنة الكرهو الى العظيم البيان
في الالوان الالوان والا عليكم الامان لتعلموني بحق هذه الاسماء ولا حول ولا قوة الا بالله لسكان البيت اذا
ضاق الحال به اذا ضاق الحال به اذا دخل بيته فليجعل الى ابيضات من الدجاج السود تعليهن ويطبطهن
ثم يصير الى ان يدخل الليل فاذا جن الليل قام الى البيض ونقر كل واحدة منها كانه يريد يربها ثم يجعلها
حجر صغير بعدما تشع فيجعلها في الارض ويتباعد عنها الى جنب تسله عندان ينظرون سكان البيت
فيفعل ذلك بعد يوما من البيض ميمونة فاذا سمعوا على انه تعزهم ولحبهم ولا معرشك قطعهم فانا اراد النوم
فيقول الهذه ثلاثة اسماء يا طاهر يا خبير يا مبين بعد صلاة العشى الى ان يغلبه النوم فانه يعرض له في المنام
تلك الليلة ما يطلع به على جميع امورهم وربما يحكموه بينهم ويكون صلحهم على يديه ذلك في المنام الصلح وهذا
الباب من الخواص المجربات فاذا تم ذلك اعنوا عنه وكانوا مطمينين اليه فاذ ذلك المكان دفينا او وجده
او وجدوه فيهم هيوه بها او يكونوا هم الباقين له في ذلك ويكون الفعل سبب عزا للناس او يفتح عليه ابواب
الرزق فافهم من شده اذا نزلت فخفرته او في مكان مخيف تخذ بيدك عودا وخط به الارض حلقة كبيرة
حولك وحول متاعك واعوانك ودوابك ومالك انت وجماعتك التي معك ادخلهم او لدخل الدايره
وظهور بعضهم الى بعض ووجوههم تنظر الى خط الدايرة وهم لا يتكلمون ويكون انت تحفظ الدايرة تقراء
قوله تعالى قوله تعالى كمثل الذي استوقد نارا في ظلمات الارض لا صم بكم عمي فهم لا وجعلنا من بين ايديهم
سدا الى فهم لا افحسبتم انما الى الكم الينا لا يا معشر الجن فانفذوا لا انفذوا الا اقسم بالشفق والليل الى فهم لا وبعد

أقرا آية الكرسي الى ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم ٧ مرات وقل لقد جاكم رسول الى آخر
٧ مرة عليكم مالمؤمنين رؤف رحيم الى العرش العظيم ودخلت وانت واصحابك داخل الدايرة ولا يكلم احد
منهم نام مرة واعليكم لا ينظرونكم ولا يرونكم ابدا وانتم تنظرونهم عن السر ونيتها عودا لكلي ان استحق منه
٢٣ حبة ونحيها عسل حتى تمتزج وضمدها الخنازير يطلها ذبل الجا وان خلط العسل وبزر كتان وطلى
بها الخنازير صنعها من الطلوع الزعفران ان حل بخل وطلا به الاورام فحا بندلها مجرب وان كانت في
ابتداء ها خلط على الزعفران امزوت وطلى بر دقيق لترمس والشعير يخلطان بالماء ويضمد به الاورام
الدموية تسكن فابدي تسكن الجلب لوزق تصوم اول من يوم من شعبان في هذا التسبيح صلاة الجيد
بعد الصلوة مائة مرة وفي اليوم الثاني ٩٠ مرة والثالث ٨٠ مرة والرابع ٧٠ مرة ولا تزال كل يوم تنقص
فيكون في اليوم العاشر ١٠ مرات ثم صوم ١٣ و١٤ و١٥ وخذ فضة خالصة واصنع منها لوحا وانقش فيه في
وسطه صفة درهم ويكتب عليه لاسماء ثم تعمل منه كيس من حرير احمر واخضر وتكتب في البطاقة هذا الاسم
سعفصلكيثفقل ثم تعمل سيبانين اربع عصي رمان وزيتون وليمون وحرير تحضر وتكتب على كل عصاة
ربنا انزل علينا مائدة الى الرازقين ثم تعمل الكيس بيدك والدراهم المذكورة في داخله ثم تعلق الجود
في السبابة وتطلق البخور وهو لاذن وغيره مستقبل القبلة وانت على وتسبح بالتسبيح المذكور كما وصفت
وهو سبحان الله الملك القهار القادر العزيز الجبار الغفار الذي يسبح لظلام الليل وضوء النهار ومتاع
الشمس وضوء القمر الملك الحنان المنان الملك الديان منزل الكتاب الواحد الوهاب الذي اجاب اذا
دعي بالحجاب العزة والكبرياء والقدرة والملكوت الحي الرزاق لا اله الا هو يحيي ويميت المبدي المعيد
الفعال لما يريد تسبح له السموات السبع والارضون السبع ومن فيهن وهو على كل شي قدير تقول هذا التسبيح
١٠ مرة فانك الى اللوح تنزل قليلا قليلا حتى يصير فوق راسك ثم ينزل حتى يصير بين يديك ثم تقول سبحان
الملك القدوس رب الملايكة والروح ثم تسجد وتقول سبحان ربي الاعلى الاعلى بزيل ولا تزال العائم ينزل
حتى يصير في حجرك فاذا صار والى حجرك خذه واجعله في الكيس وضع عليه من درهم الى الف او اكثر او اقل
فانك لم تزل تنفق من هذه الدراهم ما دام اللوح ما شاء الله ما ينقص منها درهم واحد وهذه صفة ما
ينقش على الدرهم واللوح وهو هذا اللوح

	حلططط وله اه فهو	
من الملح الصحيح ويقرا على كل واحد ٧ مرة في يوم		موف بيد للبكر يؤخذ رطل جانب
مظلم يكيل منه ما يكفيه على وضوء وطهارة وهذا		مرة ٥ ويجعلهم في القوم في بيت
الفتاح الرزاق لا اله الا الله الكريم الوهاب ينفع		هو لا اله الا الله الكافي الغني
		الطول لا اله الا الله الجواد المتفضل

ويجعل المسمى من غير الملح ولا يقرب ذلك الا من كان على طهارة ولا يفتتها الا حد وابداء بالاستغفار والصلوة
على النبي والختم كذلك ٥٠٠ مرة في بيت لقضاء القضاء الحوائج يكتب على ظهر ابهام اليسرى لو طامقلوبا
هكذا اطول لسعة الرزق يقول بعد صلاة ركعتين في نصف الليل واسع سنهيد ٥٠٠ لسعة الرزق بصوم
ثلاثة ايام وملازمة الطهارة الكاملة والتروحين اذا كان اليوم الثالث ذكر اسمه تعالى الكافي ٥٠٠٠ م
من غير زيادة ولا نقصان ولا يتكلم في اثناء الذكر حفظ هذا السر عن غير اهله سورة الحشر من قراها في
ركعات بتسليم واحدة بوضوء حبيب ثم يقراها وتوجه في حاجة تقضي ولو كانت اصعب ما يكون لقضاء
الحوائج يقول مع البسملة ليلا لكل ليل الف مرة بعد صلوة ركعتين والصلوة على النبي والختم لليلة الجمعة وان قدر
على ختم ٥٠٠٠ لليلة الجمعة فهو احسن وهو بسم الله الرحمن الرحيم سهل يا الهي كل صعب بحرمة سيد الابرار فايدة
المبركة من اخذ ١٠٠ حبة من اي نوع من الحبوب وقراء على كل حبة الفاتحة بالبسملة مرة حتى يكمل العدد المائة
وعد الحبوب فاذا وجدتها قد زاده حبة فهو علامة الاجابة ولا اعداد العمل حتى تجد الزيادة حلة حوى
فارفعها وهكذا الى ان يتم الزيادة ٣ احبة فخذها واجعلها في حرير خرقة ابيض واجعلها في مخزنك
وخذ كل يوم ٣ امداد فانه لا يفنى باذن الله والسر في اليقين ولتيسير الرزق يداوم على قراءة هذه الاسماء
كل يوم ٥٠٠ مرة يا رزاق يا كريم يا رحيم يا عطوف صلاة الغنى يداوم ٩ ليال بين العشائين على صلاة ١٢
ركعة في كل ليلة يقراء في كل ركعة بعد الفاتحة ٢٥ مرة ومن يتق الله يجعل له مخرجا الخ ويقول السلام امرة
اللهم اكفني بحلالك عن حرامك واغنني بفضلك عمن سواك يا كافي يا مغني يا فتاح يا رزاق فايدة في
اسماء البركة يوخذ ٥ احبة حنطة تلتقط من السوق وتغسلها بماء طاهر وتقرا سورة الاخلاص على كل حبة
مرة ثم يختلي بخلوة يوم ٥٠٠ وهو طاهر ويبخر بعد صلاة ركعتين والصلوة على النبي والاستغفار ثم تقرا
ويكون اول الشهر اول يوم منه يكون ٩ وهو صايم متروحين ويتلو سورة الاخلاص على كل حبة الفاتحة
ثم يصر الحب في خرقة حرير ابيض ويجعل في كيس الحب الذي عندك ويوخذ منه من غير كيل فانه لزيادة
الرزق وعوه تكتب حوله هذا ذكروان للمتقين لحسن ماب الخ قوله من نفاد في خرقة من حرير ابيض واخضر
او قطعة من طاهر الى سبحان الله الكافي الغني الفتاح الرزاق سبحان الملك الوهاب الحي المنيع سبحان الكريم
الخلاق ذو الطول هذا ذكر الى نفاد اكتبه واجعله في اي شي فيه تجعله صرو حده ولا يطلع عليه احد ويقرا
الاسماء والاية ٥٠٠ مرة عند الحفظ وعند ما يكتب ويخلص كذلك تقولها وتداوم عليها فان الله تبارك
فيه فايدة لها اسرار تقرا ليلة الجمعة وجوب فصيح وهو ان تحسب اسمك بالجمل الكبير وتقرا الفاتحة بعدده والم
نشرح بعدده واسما من اسماء الله تعالى يكون موافق عدد اسمك من غير زيادة ونقصان وتدعوا بما تريد

ويد يستجاب بلك فانية لقضاء الحاجة تقرا بعد صلاة ركعتين هذه الاية لقد صدق الله رسوله الرؤيا
بالحق الى اخر السورة ١٥٥ مرة مداوم عليها تقضى الحاجة وفي كتاب رياض المجد الجلالة التي في كتاب
اسط الخزينة اذا ركب خماسي عمل في هلاك الظالم وتخريب ديارهم عملا شديدا وتكتب بعدد ذكر الجلالة العدد
المذكور فافهم وهو هذا المخمس مبدا ١٥٩٩٠ افهم ومن كتب اية الكرسي مقلوبا من اخرها واولها ودفنها
في دار عدو له خربت وتعطلت رياسته وهذا صفة الكتابة م ى ط للتخريب ح لا ى ل ع لا وعلى هذا القياس
الى اولها وفيها مقطعه وقبل في كبيره واما جمع عددها ١٦٢٦٣١ واكثرهم يضعه في الرباعي وملخله صير
١١٤٢ والكسر ٣ فافهم ووجد بخط العلامة محمود الاهدل عدد اية الكرسي ١٨١٤ ولا يعرف سر هذا العدد
فائدة اعلم ان الدور التام ٢٥٢٠ يخرج منه دون الكسر بالنصف ١٢٦٠ والثلث ٨٤٠ والربع ٦٣٠ والخمس ٥٠٤
والسدس ٤٢٠ والسبع ناقص والثمن ٣١٥ والتسع ٢٨٠ والعشر ٢٥٢ فلم يبق من الكسور الا السبع فاذا ضربت ٢٤٤
في ما كان الخارج ٥٢٠ عددا يخرج منه ساير الكسور التسعة صحيحة فاي اسم قريته يومين بنية الصاب
نصف هذا العدد ٥٠٤٣٢ او بنية الزكاة وهو ٨١٤ او بنية العشر ٤ ايام وهو ربع العدد ٣١٠٥
ايام بنية القفل وهو ٥٠٤ وستة ايام بنية الدور وهو سدسه ٥٠٤ و٧ ايام بنية البذل وهو الدور التام
٥٠٤٣ وثمانية بنية الختم ١٠ ايام ٣١٥ وتسعة بنية سرعة الاجابة وهو ٢٨٠ وعشرة بنية قضاء الحاجة
وهو عشره ٢٥٢ ثم تقرا كله بنية دعوة ٢٨١ يوما كل يوم ٥٠٢ فهذا اصل ثابت استعمل في ساير الدعوات
والاسماء ترى سر بركته واعلم ان الدور التام فنصفه ثلثه ربعه خمسه سدسه سبعه ثمنه تسعه
١٢٦٠ ٨٤٠ ٦٣٠ ٥٠٤ ٤٥٢ ٤٢٠ ٣١٥ ٢٩٠
عشره اصله جمله قاعدة اخرى اضرب اى اسم في نفسه ثم في ١٠ عدد الذاري ولا تاخذ الة
٢٥٢ ٢٥٢٠ ٦٨٦١
التعريف في الاسم وتقرا ما خرج من العدد على طهارة وصلوة وجمع همة فانك تجد سرعة الاجابة
في الوقت انتهى قاعدة اخرى تقرا اى اسم اردة وهو ان تضرب عدد الاسم والعزيمة في مثله وتقرا
بحسبه قاعدة اخرى لتقرا اسم اردة ٣١ الف مرة ذلك يكون نصابا مؤثرا قاعدة اخرى تقرا اى اسم
بعدد رقم الوفق مثاله حسب عدده ١٢٨ قراه ١٥٠٠١ الف قاعدة اخرى تقرا كل اسم اردت ٤٤٤٤ مرة فانه
نصاب منجح قاعدة كلية وذلك ان تاخذ من اسماء الله ما يوافق مطلوبك وتنظر عدده بالجمل
الكبير ثم اضربه في عدد الجلالة واذكرهما العدد الخارج من الضرب في مدة عدد نقيض المطلوب يبداء
بيوم سعيد ان كان الاسم جماليا او يوم نحس ان كان جلاليا مثاله المطلوب العلم بيا سيدي من الاسماء
العليم عدده ١٥٠ اضربه في عدد الجلالة ٩٩٠٠ فيكون ذلك ذكره في كل يوم يا الله يا عليم في مدة ٣٦ يوما
يوما عدد نقيض العلم وهو الجهل عدده ٣٦ يبداء بالذكر من يوم الاحد كل يوم ٩٩٠٠ مثال اخر

٢٧٣٥

المطلوب

المطلوب بنطا الرزق نباسبه من الاسماء الباسط عدده ٧٢ حاصل ضربه في عدد الجلاله ٣٥٥٢
بقراء ذلك كل يوم مبتديا بيوم الاحد اذ عزم او عزيمة من الايام السبعة الى تمام ٩٥٢ عدد نقتض البسط
وهو القبض وقس على ذلك فاعلة اخرى بقراء كل اسم او عزيمة بطريق الشروط في الاسبوع مبتديا
بيوم السبت في كل يوم ٣ ٤٢٤٣ الى ٤ ايام وفي السابع يقرا ١٥٥ ٥٨ ثم يصوم يوم الثامن ويقراه من طريق
الدعوة بافنهامن الطرح الحمل الكبير ٢٣١٢ فبعد باقي الطرح الوفق تكون القراة مثالها باقيها واحدا
مثلاء الفا ١٠٣ وبتلى الغيبو وعلى هذا المنوال فانه تمكن من التصرف وقد نقل الشيخ احمد الشناوى فى
رسالة شق الجيب قال يستمر من اليوم السابع على ذكره كل يوم ٥٥٧ ١٥ الى تمام سبعة اسابيع مع مراعاة
رجال الغيب واما اسم فتاح عدده ٤٨٩ عدده الصغير وهو ٤ حروف فاذا ضربنا العدد الكبير
فى الحروف يصير عدده الاكبر واذا ضربنا عدد الاكبر فى الحروف يصير عدده الكبايرى واذا ضربنا
عدده الكبايرى فى الحروف يصير عدده الاكبر الكبايرى واذا قسمنا عدده الصغير قسمين صار نصف
عدد الصغايرى وهو هكذا العدد الصغير ٤٨٩ نصف الاصغر ٢٤٥ الكبير هكذا ١٩٥٦ نصف الاصغر
٢٤٥ ونصف هذا الصغايرى ١٢٣ ونصف هذا الاصغر الصغارى ٦٢ نعمل هذه اربعة اوفاق واذا
ضربنا ٤٨٩ فى ٤ صار العدد الكبير هكذا ١٩٥٦ فى ٤ يصير الاكبر هكذا ٧٨٢٤ فى ٤ يصير الكبايرى هكذا ٩
٣١٢ فى ٤ هكذا ١٢٥١٨٤ وهو الاكبر الكبايرى واجعلها فى اربعة اوفق يصير ثمانية اوفاق مع الاربعة
الاولى تؤكل هذه الاوفاق جملة الوزن وهم ابجد هوز حطي كلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ
الثامن نصا فى المقالة الثانية فى موقفة التغليب مثال احمد طالب دنهما من زيد فبسطناهما هكذا
اح دن م انى ه ار بع ى نار بع ه ت س ع ه اح دن لاث ى ن اخ ح ن ار بع م اى ت ى ن خ
م س ه ار بع ى ن اح د اب ع ى ن ح م س ى ن س ب ع ه ع ش ره ار بع ه هى ٦٠ حرف فاذا ضربناها
فى ضوئها فى مثلها هكذا صار ٩٣٣٢ فتقول ومثر عاشيل بطرس ت ه ت س ع ى ن ت الدن م اى ع م
ع ال ع ٣٣ ٢ حرفا ضربناها فى مثلها ٣ فى صار مجموع ٥٢٩ ملكه طلكتاشيل ت س ع ه ح ش ر ى ن خ م س
م اى ن ح وف ضربناها فى مثلها ١٥ فى ٣ صار ٢٢ هكذا ائيل ثم الكعب فتأخذ تلك الاعداد الحروف الاولى
وتجمعهم مثال ذلك احمد طالب درهما من زيد جملة ذلك ٥٤٤ يسقط بيوتها ٢٤ ربعة ٤٠ اكسرو
احملهم فى وفق رباعى التاسع فى معرفة التداخل وغيره مثلا عندك عمل محبة زيد محبة عمر فى الرباعى
هكذا مثاله اللذين يمحى به عمر وان شئت جمعت عدد الجميع ٣٨ وابتداء بالوفق الى بيت ٨ ونقسم العدد و
عشر من بيت ٩ الى حدول حدوه الكواكب اعلم ان البروج الاثنى عشر مقسوم بين الكواكب السبعة كل برج

صح تا [illegible]

بجیبه روح ده جزو جیوه سوی ده جزو اول آب گرده بالای آن ریخته ملغمه شود در [illegible] مس بی قلع باتش ملایم که بحد [illegible] باشد تصعید [illegible] تا ٣ مرتبه هر دفعه کسر آنرا از جیوه تمام کند بعد الثالث بوزن در آورد [illegible]

٣ اقسام متساوية وكل قسم ماد رجات ويسمّى الوجه فالوجه الاول من الحمل للمريخ و٢ للشمس و٣ للزهرة على توالى الكواكب مترتبا مطردا الى آخر الحوت مذهب اهل مصر وعليه الجدول الآتى واما اهل الهند فانهم يبدؤن برب الحمل وصاحب خامسه وهو الشمس وصاحب تاسعه وهو المشترى ثم يبتلون بالزهرة ثم بصاحب السنبلة ثم بصاحب الجدى وهكذا يبتدؤن من البروج ثم يتم باربابه ذلك مثلثة البروج واما

[illegible]	٩	ا	ب	ج	ء	ه	و	ز	ح	ط	ى	يا
[illegible]	خ	د	ى	ه	ل	س	د	خ	د	ى	ه	ل
[illegible]	س	د	خ	د	ى	ه	ل	س	د	خ	د	ى
[illegible]	ه	ل	س	د	خ	د	ى	ه	ل	س	د	خ

المثلثات فاعلم ان لكل ثلاث من البروج على طبيعة واحدة تسمّى مثلثة بكون بين كل برج وبروج ثلث بروج فالاول والخامس والتاسع مثلثة نارية والجوزاء وخامسها وتاسعها مثلثة هوائية والسرطان وخامسه وتاسعه مثلثة مائية وهذه المثلثات تنسب الى الكواكب فيقال مثلثة من مثلا وذلك ان لكل من المثلثات اربابا من الكواكب تختلف عن الليل والنهار وبناء كهما كوكب لا يختلف فارباب المثلثة النارية بالليل المشترى وشريكهما بالليل والنهار زحل والمثلثة الارضية اربابها بالنهار الزهرة وبالليل القمر وشريكهما المريخ ليلا ونهارا والهوائية اربابها بالنهار زحل وبالليل عطارد وشريكهما المشترى ليلا ونهارا والمثلثة المائية اربابها بالنهار الزهرة وبالليل المريخ وشريكهما القمر لا يختلف وفى المنتهى مثلثة الشمس هى النارية وهى ايضا مثلثة المريخ وان المثلثة الارضية هى مثلثة الزهرة وان المثلثة الارضية هى مثلثة زحل والمثلثة الهوائية وهى ايضا للمريخ والمثلثة المائية هى مثلثة للقمر وهذا القول ظهر من القول الاول الذى عليه الفلكيون واما اتصالات الكواكب وانفصالها فاعلم ان الاتصالات تسعة والتسديس وهو الثالث والحادى عشر والتربيع وهو الرابع والعاشر والتثليث وهو الخامس والتاسع والمقابلة هى السابع والمقارنة برج واحد فالتسديس ان يكون بينهما سدس الفلك والتربيع ربعه والتثليث ثلثه والمقابلة نصفه والاكثر ان ذلك بالنسبة الى برج فالنظر الى موضع الكواكب فما كان منها فى الثانى و٦ و٨ و١٢ من برج او عكسه ذلك فاعلم ان كان ليس بناظر الى الكواكب اصلا ويسمى ساقط واذا كان لا ينظر الى الكواكب من تسديس او تربيع او تثليث او مقابلة او مقارنة نظر الى درجة فان كان بينها وبين الكواكب اكثر من ست درجات تنبيهما فى الطرف الاول بعيدا وفى الطرف الآخر خاليا مثلا فى ثلث درج من الحمل وفى خمس درج من الحمل يسمّى بعيدا ولا يزال يبعد حتى يبلغ الدرجة التاسعة حينئذ يسمى ذاهبا اى داخلا فلا يزال ذاهبا حتى الخامس عشر التى فيها المشترى فيكون متصلا فاذا جاوزها دقيقة ولحقه يسمى منصرفا فلا يزال منصرفا الى بعد ست درج وحينئذ فيسمّى نائيا وهو الخالى وبينهما الاتصال والانفصال واما انفصال ذلك فاذا كان منها فى الدرج فى البرج الثالث من موضعه وفى الحادى عشر او فى ١٢ و٨ من

برج الكواكب

برج الكواكب فالقمر فى التسديس وما كان فى ٤ او ١٠ من برج ر والعكس فالقمر فى التربيع لذلك الكواكب وما كان من فى ٥ الخامس من برج ر او عكس ذلك فالقمر فى التثليث وما كان فى ٧ فالقمر مقابل له وما كان فى برج ر فالقمر مقارنه فاعلم ان المقابلة عداوة تامة وكذلك التربيع ايضا والتثليث نظر مودة تامة والتسديس دون التثليث والمقارنة السعود جيد والنحوس ردى وسر ردى ونظر بالسعود جيد من اى نظر كان والنحوس من التسديس والتثليث لا باس به فالتربيع والنحوس نحس وكذلك س والسعدين سعد وس نحس وكذلك مقابلة وقران السعدين سعد والنحس وقران عطارد بالسعدين سعد والنحسين نحس وكل ما فارقه فلا حكم فيه فيعلم من هذا ان للقمر مع س احكاما يكون له مع السعدين وكذا ساير الكواكب مع س فافهم وتدبر واما الاوتاد والسواقط فاعلم ان الاوتاد هو الطالع و ٤ و ٧ و ١٠ الا ان الطالع وتد المشرق و ٧ وتد المغرب و ١٠ وتد وسط السماء والرابع مقابله تحت الارض وهو وتد الارض وما يلى هذه الاوتاد اربعة بروج وهى الثانى و ٥ و ٨ و ١١ فيقال لكل منها وتد ١ وهى اربعة بيوت يقال لها السواقط والاوتاد والزوايد وهو ٣ و ٦ و ٩ و ١٢ وكل كوكب يقع فى الاوتاد هو اقوى مما يقع فيما يلى وتدا وكلما يقع فيما يلى وتدا فهو اقوى ما وقع ثم بعده وتد الطالع والكوكب الذى فيه اقوى من البواقى ثم وتد السابع واضعف الاوتاد الرابع المضاد لوتد العاشر فى الشكل والصنع واما ما يلى الاوتاد والحادى عشر فيها لانه يلى العاشر وما له ان يصير عاشرا بعينه مثلى وضاد بيت الرجا والسعادة ثم يليه ثم بعده ٢ و ٨ من اضعفها واما السواقط فحسنها التاسع باتصاله بالعاشر ثم بعده ٣ ثم ٦ واضعفها حالا الثانى عشر الذى هو بيت الشقاء وترتيب الاوتاد وما يليها والسواقط يؤخذ من ترتيب البيوت الاثنى عشر اعلم ان لكل برج من البروج والاموال فصول ترتيب البيوت الاثنى عشر اعلم لكل برج من البروج الاثنى عشر بحسب موضوعه حينا لولادة مثلا ١ والسؤال والعمل فيكون له حكم مخصوص ودلالة مخصوصة بالنظر الى الجهة التى ترتب عليها الاوتاد وما يليها والسواقط فان الطالع لكونه اول ما ظهر فهو يدل على ازدواج الروح والبدن فيسمى بيت النفس الثانى بيت المال والاعوان والمعاش ٣ بيت الاخوة والاخوات و الاسفار القريبة والاقربا ٤ بيت الاباء والعواقب والعقارات والكنوز والدفن ٥ بيت الاولاد والرسل والهدايا والملاهى وهو بيت مال الاب ٦ بيت الامراض والعبيد والجوارى و الخدم والمواشى ٧ بيت الازواج والشركة والنساء والاضداد ٨ بيت الموت والخوف والخشية والعطل والتواريث ٩ بيت الاسفار والرؤيا والمذاهب والدين والاعتقاد ١٠ بيت العمل والسلطان والجاه وهو بيت الامهات ١١ بيت الرجا والامل والسعادة والاصدقاء ١٢ بيت الاعداء والسجون والاعتقال و الدواب والبهايم واما كان بيت الثانى الذى بيت النفس هو المال والمعيشة فيما يكون هم الامور بعد

بسم الله الرحمن الرحيم

علا ثوب مط ويشعله في براح جديد

ا ك ٨ ااا ٣ ٨ ٨ اا ٩ ااا ٢ اا

با سم مو ا بو علا حسب هو م

النفس كان مقابله وهو الثامن بضد ذلك فتارة يقرب حال البيت في مقابلة وتارة من تشكل في نفسه ومحله تارة باعتبار ما يؤول اليه وتارة باعتبار ما كان عليه عما تقدم بعض تفصيل ذلك في الباب الثاني واذا عملت الطالع لحال الولادة بالامر ظاهر واذ لم يعلم في المنجمين في ذلك اعمال عسره حيلا فيهما المبتديون ولكن راينا اكثر الناس يكتفون بطالع التحلية تسهيلا وهو يجري في الاعمال و اما في الاستدلالات الفلكية بغير مطردا ولا يعتمد عليه لاكني رايته مصارفا في اكثر الموارد مما شاهدته في احوالي بحسب قسمة البيوت واحوالها وطبايعها وادبابها ودلالتها وحاصله ان تحسب اسم الشخص واسم امه وتسقط على البروج الاثنى عشر وتدخل بالباقي فحيث انتها العدد فهو الطالع ويليه من البيوت مترتبا فاذا عملت فاذا كان عملك للجاه مثلا فاصلح رب البيت العاشر واعمل في يومه وساعته واذا كان عملك للاعداء فاعمله في يوم رب ذلك البيت ويكون منحوسا والبيت ساقطا فاذا كان البيت فاذا كان بيت الجاه هو الميزان فيكون حلول الشمس فيه مما يباعد على اعمال الجاه وان كانت في الهبوط لكن للمقام خصوص وكذلك اذا كان هو ذو ق دفيه هو صالح الاعمال التي تخصه فحظ فهم هذه النكتة طلبا للتهي عن الاعمال صنر الوبال والهبوط على الملاقة كذلك بحسب النظر الى الكواكب المناسبة للشمس كوكب والسلطنة والرفعة فاذا حلت في بيت ما من الطالع طالعا لولادة فاعمل الجاه والرفعة وان كان ذلك البيت هو هبوطها او وبالها وايضا اذا كانت الزهرة في بيت الازواج او في بيت العبيد وان كان زحل او مريخ او في الطالع فهو عظيم لقهر الاعداء لكونه مقابلا لبيتهم وهو واذا اردت العمل ان تعمل عملا للحفظ من القتل او الخوف فاحذر ان تكون بيت الموت او الخوف شيئا مشتملا على كوكب سعد فهو او الطلاق للسجون خصوصا الذي هو كوكب الظهور والعز وكذلك ويكونه كوكب النقل واحذر لانه كوكب الاخفاء واذا عملت للامراض فليكن بيت المرض برابيع الهوائي مشتملا على السعود فهو انفع واسرع واحذر من في المرض الحار بخلاف المارد فقدر بعينه اعمالك على هذا القياس وكذلك الاستدلال فاذا كان بيت الاسفار هو الجدي مثلا وصاحبه في فهو يدل على مشقة صاحبه في السفر وان غربته لا تطول لان الجدي منقلب واذا كان بيت الاعداء هو لا دل على شدة الاعداء وسفلة سراق لسبب المريخ لكن لا تدوم على عداوتهم لان له برج منقلب واذا كان بيت الامهات هو يا دل على ان امه كثيرة الاجتهاد والتقتر على طبع واذا كان بيت الاصدقاء هو يا ايضا وصاحبه يدل على صحبة العلماء والقضاة والفاخر اكيلة لان يا غيرها بتدبيل على انه يحظى بالعلم ويحصل له القضاء والمرتبة واذا كان بيت صاحبه الاعتقاد والدين والعلم هو المشتري دل على الخير وان كان صاحب يدل على التبدل والتغير وان كان زحل حمل على الثبات على الفقر وان كان زحل دل على دقة المعرفة واصناف العلوم والكتاب كعلمنا هذا وما اشبهه ويدل ايضا على الاسفار والنقل بحسب طبع

دوم بيت

دو هو بيت الاسفار ايضا وان علم يكون بحوف ولطافة وعلى هذا فقس ويلتحق بهذا الباب معرفة خطوة
الكواكب واعلم ان لكل كوكب من الكواكب تبتين من البيوت اثنى عشر يكون فيها حظ ذلك الكوكب فى عد الشمس
وزحل لكل منها حظ فى بيت واحد فقط واجعل ترتيب البيوت ههنا بحسب طالع الوقت الذى تريد فحظ س
فى العاشر وحظ د فى الطالع وحظ ز فى الطالع وحظ ل فى ٤ و ١٠ وحظ ى فى ٢ و ١١ واو حظ خ فى السادس
و ١٢ او حظ هـ فى ٥ و ١١ او حظ د فى ٣ و ٩ وهذه القسمة ناشئة عن قسمة البيوت الاثنى عشر المتقدمة فكل بيت
يناسب طبع الكواكب حظ فيه فان الشمس لكونها كوكب السلطنة والرفعة صار حظها العاشرة ولمناسبة البدايات
حظ فى الطالع ايضا فى المناسبة والكونه تدل على الاراضى والعقادات والآباء فحظه فى الرابع ولذلك
ولدلالته ايضا على الحرف والموت صار حظه فى الثامن ايضا واما المشترى فدلالته على الاراضى والاموال
والاصدقاء والسعادة فصار حظه بحادى عشر ولدلالته على الاخذ والزى والكسب صار حظه فى ٢ ايضا واما
المريخ فلدلالته على الاسقام والدواب صار حظه فى ٦ ولدلالته على الاعداء والسجون صار له حظ فى ١٢
ايضا واما ع فلدلالتها على الفرح والسرور والملابس الفاخرة صار حظها فى ٥ ولدلالتها على النساء
صار لها حظ فى ٧ واما د فدلالته على اصناف العلوم الكلية والاسفار والنقل صار حظه فى ٣ و ٩ فاذا كان
الكوكب فى حظه واردت العمل مناسب له فعمل اذا كان مخالفا فاجعله فى السابع من حظه فاذا اردت العمل للاعداء
فاحذر ان يكون ج فى البيت ٣ من طالع الوقت واصبر عليه حتى يصير برجه طالعا فاعمل عملك تنفذ واذا
اردت عمل الاخفاء وكتم الكنوز وللنساء فجعله فى حظه فهو مناسب واذا عملت للخوف ودفع الموت فاحذر
ان يكون ل فى ٨ للزيادة فى مقتضا مواضير الحال فيتحول عن محله واحذر ٧ ان يكون هـ فى حظها عند العمل للاضداد
خلاف الازواج وحاصل ذلك ان العمل بخطوط الكواكب غير مطرد بل بحسب الحذر بخلاف الاستدلال فان الكواكب
فى حظها اول ما يكون على طبعه وما يناسبه فهو مطرد فى باب الدلالة فافهم وتدبر واما افراح الكواكب واعلم
فاعلم ان لكل كوكب من البيوت الاثنى عشر مواضع توافق كل واحد منها فى الشكل ويسمى الفرح ومقابله الترح
فذلك بحسب شكل النبوة فى الوقت الذى يكون للعمل او الولادة او السؤال مثلا والكوكب فى فرحه اقوى
منه فى برجه والقول فى هذا الباب الذى قبله ان الاستدلال مطرد بالكوكب فى فرحه بخلاف العمل فقد يجب
الحذر منه فى فرحه وقد بيناه بسبب كما تقدم فى الخطوط واعلم ان فرح ع الطالع وهـ ٥ وخ فى ٦ وى فى ٧ ول فى ١٢
وز فى ٣ وج فى ٩ والسابع من الفرح هو الترح والله اعلم احرام الكواكب اعلم ان الكواكب قبل حلوله فى البرج
ببرج معلوم يقال انه قد طرح نوره الى البرج وهكذا من خلفه فجرم ل تسع درج وجرم ى سبع درج
فاذا حصل فى ٧ درجات من الجدى فان نور اجرامه يعد فى اخر القوس وجرم د ١٢ ادرجه وعلى هذا القياس

نيظر الى التي انات الكواكب بعضها لبعض بعد الاجرام الاتصال اذا كان ذاهبًا الى الانفصال اذا كان
منصرف عن الكواكب واقبالها وادبارها وخلاء سيرها والوحشي منها اما الحيز ان يكون الكواكب الذكر بالنهار
فوق الارض وبالليل تحت الارض في برج انثى الا المريخ فانه ذكر ليلي كما سبق واذا كان الكوكب الذكر
بالنهار تحت الارض وبالليل فوقها فانه في خلاف حيزه وكذلك الكوكب الانثى اذا كان بالنهار فوق
الارض وبالليل تحت الارض في برج ذكر واما المريخ اذا كان كذلك فهو خلاف حيزه واعلم ان نصف من
البروج مذكر ونصف مؤنثة والمذكر هي النهارية والمؤنثة هي الليلية وكذلك الكواكب كما تقدم واما
الاقبال فهو ان يكون في احد الاوتاد وما يليها والادبار ان يكون في السواقط وخلاء السير ان ينصرف
الكوكب عن النظر والاتصال بكوكب ولا يتصل بكوكب اخر ما دام في ذلك البرج فيقال حينئذ خالي السير
والوحشي ان يكون الكوكب في برج ولا يتصل بكوكب ولا ينظر اليه واكثر ما يعرض ذلك في القمر ولا يكاد يتفق
الا عند اجتماع اكثر الكواكب في برج او برجين متقابلين حين حال القمر وصلاحه وفساده اما صلاحه فهو
سبعة وجوه ان يكون زايدا في الحساب والنور والعدد فاما كونه زايدا في الحساب فهو ان يسير في اليوم اكثر من
حركة وسط اليوم وهي ١٣ درجة و١٣ دقيقة فاذا صار في اليوم اقل من المبلغ كان ذلك يوم ناقص في الحساب
وسنذكر ذلك حيث ما نتوقف عليه الايام التي يكون فيها زايدا او ناقصا معرفة برج القمر ان شاء الله تعالى
اما كونه زايدا في العدد فهو ان يكون الحاجة المقدار ان اكثر من ١٥ درجة وانا كان اقل من العدد فهو ان
يكون الحاجة المقدار ان اكثر من ١٥ درجة وانا كان اقل من ذلك كان ناقصا في العدد فهو كلاثة احوال
من احوال ٢ ان يكون في بيته او في شرفه ٣ في بيت السعود الا ان يكون ناظرا الى بيته وان يتصل
لسعد واذا انصرف عن السعد واتصل بسعد وانصرف عن نحس واتصل بسعد او كان السعود تنظر شعاعها
عليه واذا اتصل بالسعود من تثليث او تسديس واذا كان في موضع ٢ حبر واذا توسط السما في انه ليلي واذا
كان مقبولا من سعد واذا كان ساقطا عن النحوس وان لا يكون في بيت النحوس واما فساده فهو على اوجها
اولها ان يكون تحت ٢ الثاني ان يكون تحت الشعاع فانه لا يصلح الا الاخفى مثل التهمة والسرقة ودفن الاشياء ودفع
الزود و٣ ان يكون و٤ ان يكون في تربيع سا او مقابلتها او يكون بينه وبين دقيقة الاستقبال والتربيع
اقل من ٣ درجه ذاهبًا اليها او منصرفًا عنها فانه تدل على الرد على المبتدي بالحمل وعلى المنازعات والمعاندة
و٤ ان يكون مع النحوس او ناظرا اليها وخاصة اذا كان النظر تربيعًا او مقابلة او مقارنة و٥ ان يكون
في بيت النحوس في ١٢ درجة زحل او خ و٦ ان يكون مع الراس او الذنب داخلة الذنب فانه يدل على دخول
الفساد من جهة السفل والانذال والارذال و٧ ان يكون جنوبيًا او داخلة ان يكون هابطا في الجنوب و٨ ان

يكون في الطريقة المحترقة وهي الميزان ورو وان يكون في احد البروج لا نحلو والمنحوس وان يكون ناقصا في الحساب وفي النور والعدد وان يكون في البيت التاسع من الطالع وهو برج ان يكون خالي السير وخفي بينهما بدلان على التوقف في الامور والثاني والتاخير بروج واعلم انهم ركبوا الاعمال على الايام بحسب حلول د في البروج تتمي ملوكية واجودها اذا كان د في تسديس س او تثليثها وايضا انا اردنا عملا يناسب ذلك فليكن في هذا الوقت ايضا ويستحب لقاء الوزراء والقضاة والعدول والعمال واخلاقا الكتابة د في ب او و وخاصة اذا كان د ينظر الى المشتري من شكل محمود ويستحب شراء العبد والجوار د في ب او ه و ز و ي والنصف الاخير من حوت العبد يكون محبا لمولاه عاشقه وان كان في ح يكون عظيم النفس صلفا فيكبره ويستحب طلب الولد ود في ج او ز او يا و النصف الاخير من ط ويستحب شراء الطيور والعبيد ونحوه ود في ب او ه او يا والوجه الثاني وسم من ط لكن له خاصة في الذواة او الثور وكذلك دواة الاطلاق كالبقر والغنم واما ما كان لم ترت يطلب ويستحب شراؤه ود في ط او د او ي او والاشجار المعتدلة في ج و ز والنصف الاخير من يا ويستحب الفرس ود في الثور ويستحب البزر ود في ه ويستحب حصد الابار ود في ج او ز او يا واعلم ان ز للملك الجاري والحوت للماء الراكد ويستحب قطع الثياب ولبسها ود في البروج المنقلبة ويكون لبسها ود في البروج الثابتة خاصة في الاسد فانه اشد نحوسة ولا باس في البروج الجسدية والمنقلبة ما انصلح ويستحب تعليم الولد في الكتاب ود مع عطارد او في الجوزا او ه او ح ويمتزج بعطارد من مودة وعطارد بشرط في سعود ويستحب السفر الذي يطلب سرعة الرجوع ود في البروج المنقلبة وكذلك كل امر يريد سرعة انقضائه ويستحب السفر البطي ود في البروج الثابتة وكل امر يريد ثباته ويستحب كل امر يريد المتوسط فيه والتلون من حال الى حال ود في البروج الجسدية ويستحب التزويج والزفاف ود في وسط ا والنصف الاخير من ب و د كله والعشر الاول من ز وهي الدرجة الثالثة من ز بعد مجاوزته درجة الهبوط ووسط الجدي واخر د صالح غير انها تكون جورا على الزوج وه صالح للثيب ردية للبكر وح صالح الا انها ايضا تكون محتالة وي صالح غير انها تكون سليطة ويكون التزويج ود في ا او ج او ي والدرجات الباقية من البروج المذكورة وهي طرفا الثور الاول و م والنصف الاول من ب والثلثين الاخيرين من ز و ط و ط فاطو ويستحب شراء الامتعة والحلاوة ود في البروج الهوائية وشراء الحموضات ود في البروج الارضية وشراء المملوحات ود في البروج المائية وشراء المراداة ود في البروج النارية ويستحب شراء الدواء ود في ه او ز و يب ود في البروج المائية على راي بطليموس واذا اتصل صاحب الطالع بكوكب تحت الارض حرك الدواء الى فوق البدن فيقذفه ولا يقتله وانما اتصل د بالمشتري فانه يضعف فعل الدواء لانه يميل بالطبيعة ويقوي الطبيعة ويقويها اذا قويت الطبيعة